

تلاش





تلاش





چند اندیشه تلاش درباره این شماره تلاش



ملک زاده بیانی



دکتر محمدستاری



دکتر زاهدی مقدم



پروین برزین



دکتر عبدالله حبیبی

واکثریت جامعه هم با تردید به شعر نونکاه می کنند.

اینها مطالبی است که دکتر استعلامی طرح نموده و از آن دفاع کرده است. آیا واقعا حق دارد؟

جواب را باید خوانندگان تلاش که مطلب او را در صفحه هفتاد و سه می بینند خود جستجو کنند.

سرگرمی ها را خانم کل آرا تهیه نموده اند در صفحه هشتاد و یکم.

مقاله تشیع و تصوف کار دکتر حسین نصر است، درباره دو موضوع بسیار مهم تاریخ و فلسفه ایران. در صفحه هشتاد و دوم.

وی اکنون ریاست دانشکده ادبیات را در دانشگاه تهران بر عهده دارد و با وجود تراکم کارهای اداری شوق و عشق خود را در تحقیق و مطالعه کماکان دارد.

وبالآخره در صفحه ۸۹ روی داده ها را داریم که انعکاسی است کوچک و محدود از فعالیت های بسیار کشورمان، در این بخش گزارشی از شیراز و هم گفتگویی هم هست با خانم مهستی خواننده درباره آواز ایران.

وهفت ضمیمه داریم درباره علوم، ورزش، هنرها، قوانین، کدبانو، بریده چاپ شده کتابها

وبعد برایتان صفحات تاریخ زندگی جوانان ایران و جهانگردی ایرانیان و آداب معاشرت آنها را در سه قرن پیش از زبان شاردن بازگویی کنیم ببینیم پدران ما چگونه زندگی می کردند و چطور فکر می کردند و چرا مدارس و مساجد و کاروانسراها می ساختند؟

پدران ما که پایه گزار زندگی امروز ما بودند. صفحه سی و هشتم.

مقاله منابع جدید مواد غذایی شمارا با غذاهائی که از مواد نفتی تهیه می شود و ممکن است تا یک دهه دیگر جایی قابل توجه در این دنیا برای خود باز کند آشنا می کند و از سایر مواد مثل گازمتان و مواد اولیه غیر معمول مثل پسته شامی، لوبیای روغنی تخم آفتاب گردان و خاکستر استخوان و حتی برگ سبز نیز سخن می گوید.

دکتر پرویز اعتماد مقدم نویسنده مقاله می گوید که مطالعات در روی این مواد چه مراحل را سیر می کند و چه آینده ای دارد. صفحه چهل.

مقاله سید محمد علی امام شوشتری درباره تاثیر ادبیات ایران در ادبیات عرب یک کار قابل اهمیت و قابل توجه است. نویسنده احتیاج به معرفی ندارد. ولی بحثی که در این مقاله مطرح کرده مخصوصا قسمت مربوط به خشکی و سادگی زبان عرب که آنرا مولود زندگی ابتدائی در بیابانهای خشک عربستان می داند قابل ذکر و توجه است. صفحه چهل و سوم.

خانم ملک زاده بیانی وضع لباس زنان را در دوره قبل از اسلام مورد بحث قرار می دهد و می گوید در جامعه قبل از اسلام در ایران کهن زن وضع ممتازی داشت و طرح ها و کارهایی از لباسها و زینت های زنان عرضه می کند که خواندنی است و دیدنی. صفحه چهل و نهم.

دکتر محمدستاری راهی برای ازدیاد تولید گوشت و پروتئین حیوانی در کشور

پیشنهاد می کند و درباره اثرات اقتصادی برداشت دنبه در گوسفندان نژاد ایرانی نظریاتی عرضه می دارد (در صفحه پنجاه و چهارم).

خانم پروین برزین هم مطلبی دارند دقیق و متمرکز درباره «فرمانها» از دوران شاهنشاه هخامنشی به بعد صفحه پنجاه و هفتم.

تلاش در پاریس سراغ ژان او بن رفت.

او که محقق و نویسنده تاریخ و فرهنگ ایران در قرون وسطی است، به تلاش می گوید «تاریخ علم محض نیست و باز می گوید از لحاظ فرهنگی به دوره ساسانی علاقمند است» و «رشیدالدین فضل الله را بزرگترین تاریخ نویس قرون وسطائی هم در شرق و هم در غرب می داند» و مطالب تازه و نو و جالبی درباره تاریخ قدیم و تاریخ نو دنیا دارد در صفحه پنجاه و هشتم.

در تبریز هم اکنون یک فعالیت تند صنعتی در جریان می باشد که تلاش برای آنکه خوانندگان خود را در جریان آن بگذارد قسمتی از چهره صنعتی این شهر را برایتان ترسیم می کند. (در صفحه شصت و پنجم).

«در عصر ما هیچ شاعری ذهنش را نباید اسیر قالبهای قراردادی بکند. در این عصر باید بزبان طبیعی مردم برای آنها حرف زد

خوشه چین در این شماره از شیراز تا پاریس و از پاریس تا برکلی کالیفرنیا و نیز در همین تهران بدنبال دانه های دانش بوده است.

از جشن هنر شیراز و از کوشش هایی که در این شهر بخاطر احیای هنر ایران و عرضه هنر دنیا بایرانیان انجام گرفته یادبودهای گرد آورده و چگونگی نوشدن شیراز کهن را از تخت جمشید گرفته تا شهر شیراز را برایتان مجسم می کند.

وبعد درباره زندگی در مریخ و مرک اکبر مشتی بستنی فروش هم حرفهایی دارد و پاریس را هم فراموش نمی کند و از برنامه حرف در مجلس هم سخن ها دارد که در صفحه ششم آمده است.

درباره سرطان هرچه بیشتر بدانیم بهتر است.

از دانشتانی های دیگر - اگر خسته کننده باشد و فقط ادعای آموزندگی داشته باشند براحتی می توان صرف نظر کرد.

اما سرطان در دنیای امروز موجب وحشت هزارها هزار نفوس گشته و همه کشورهای عالم برای مبارزه با آن تشکیلات طبی و وسایل انتقال فکر خود را بسیج کرده اند تا مردم را آگاه کنند که این ناخوشی چیست، چه عواملی موجب پیدایش آن می گردد و چگونه می توان علیه آن مبارزه کرد.

مابرای روشن کردن خوانندگان تلاش با دکتر عبدالله حبیبی که در کار طب زحمت ها کشیده و با دانش خویش تجربه ها نیز اندوخته گفتگویی کردیم که اطلاع از آنرا برای هر کس اگر لازم و ضروری ندانیم لافل جالب می پنداریم.

میوه ده ها سال دانش زحمت و کوشش و تجربه حبیبی را ما برایتان در چند صفحه تلاش گرد آورده ایم.

برای زندگی با آنها که خیمه هایشان چون نور ستارگان می درخشد و زندگی پر رنگ و پرحرکتی دارند، تلاش سفری به کوه های اطراف اصفهان کرد. با دوربین های عکاسی زندگی جالب و پراز تحرک آنها را برایتان آورده ایم با عکسهای رنگی جالب و گیرا.

در شهر اصفهان یک انگورستان ملک هست که در نوع خود شاید از نادرترین و زیباترین موزه های جهان باشد، از سقف آن فقط چهل چراغ های زیبا و رنگین آویزان نیست بلکه در گوی های بلورین آویخته به سقف آن ماهی های قرمز که از این سوبان سو می روند حرکت و رنگ خاصی به این محل می دهند.

وبعد از سقف چوب کبود و نقوش هندسی و منبت کاری ها باید یاد کرد. و عکسهای رنگی زیبا از داخل انگورستان ملک هم لحظاتی شمارا مشغول خواهد کرد.

در صفحه سی و سوم

دکتر زاهدی مقدم دانشیار فیزیک دانشگاه تهران مسئله جاذبه و نیروی شکفت جهان ما و کهکشانش در صفحه ۳۴ مطرح کرده و محاسبه های نیوتن و قوانین کپلر را مورد بحث قرار داده و داستان «آونگی توخالی و نازک و کروی را که درون آن اشیاء گوناگون ولی هم وزن جای دارد» مورد بحث قرار داد و اینطور می اندیشد که بندهای اسارت انسان که تاکنون جاذبه زمین بردست و پایش بسته بود از هم گسیخت و آزادی وی تافضای کهکشانش خایلا ممکن گردید.

مناظره خسرو با فرهاد

نخستین بار گفتش کز کجایی	بگفت از دار ملک آشنایی
بگفت آنجا به صنعت در چه کوشند	بگفت انده خزند و جان فروشند
بگفتا جان فروشی در ادب نیست	بگفت از عشقباران این عجب نیست
بگفتا عشق شیرین بر تو چیست	بگفت از جان شیرینم فرو نیست
بگفتا گر خرد می در سرش	بگفت اندازم این سر زیر پاش
بگفتا گر کند چشم ترارش	بگفت این چشم دیگر دارمش پیش
بگفتا گر نیابی سوی او راه	بگفت از دور شاید دید در راه
بگفتا گر بجواید هر چه داری	بگفت این از خدا خواهم به زاری
بگفتا دوستیش از طبع بگذار	بگفت از دوستان ناید چنین کار
بگفت آسوده شو کاین کار خام است	بگفت آسودگی بر من حرام است
بگفتا رو صبور ی کن دین د	بگفت از جان صوری چون توان کرد
بگفت از عشق کارت سخت زار است	بگفت از عاشقی خوشتر چه کار است
بگفت از دل جدا کن عشق شیرین	بگفتا چون زیم بی جان شیرین
چو عاجز گشت خسرو در جوابش	نیامد پیش پرسیدن صوابش

از خسرو شیرین نظامی

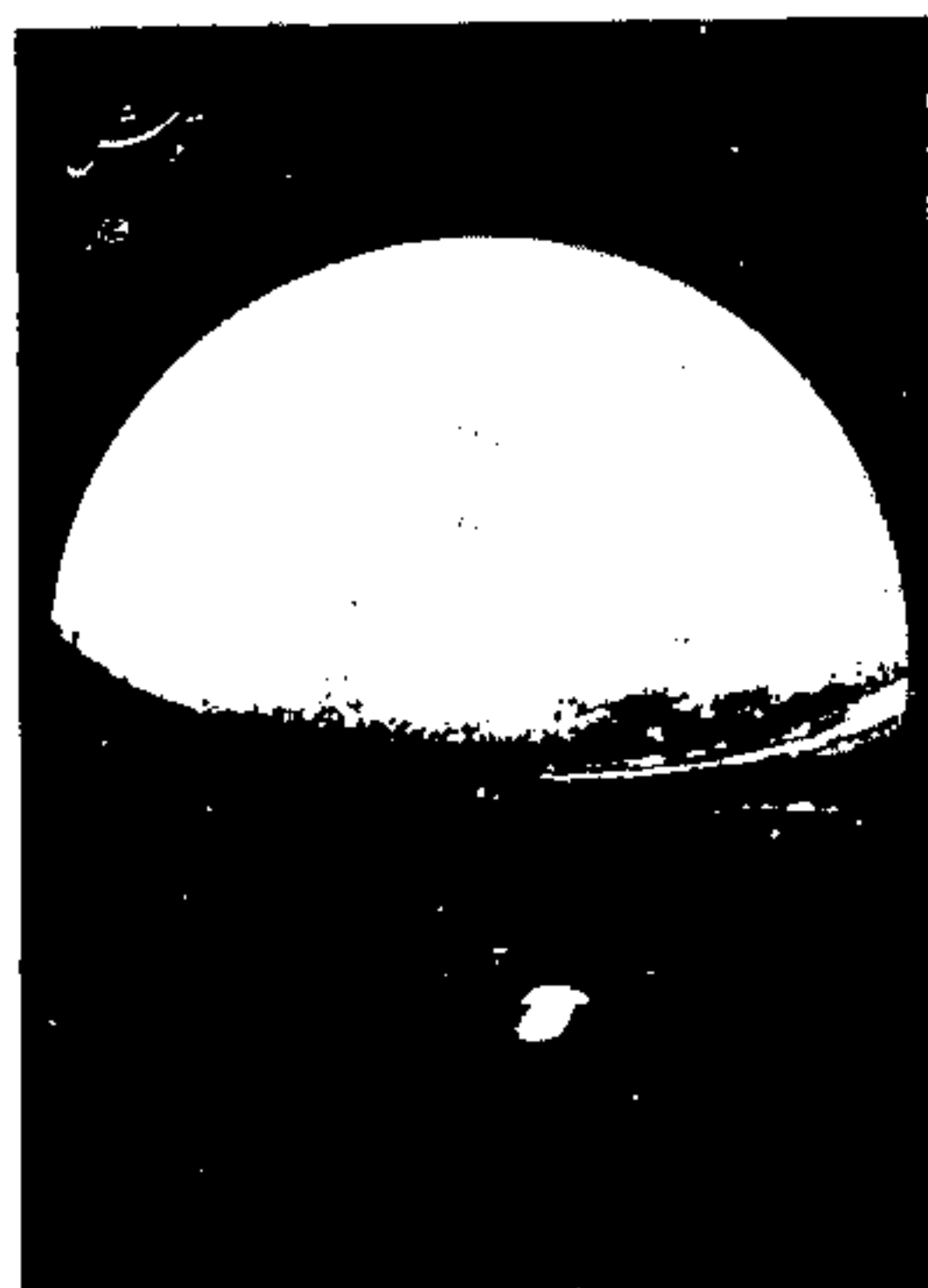
۵۱۹ - ۵۸۲

تلاش

شماره بیست و چهارم

شهریور - مهر ۱۳۴۹

محل اداره: خیابان شاه - کوچه نجم - شماره ۲۷ - به ۲۵ ریال
نویندگان گویندگان مسئول نوشته ها گفته های خود هستند



روی جلد : آغاز پائیز در مازندران
آنجا که دریا به جنگل می‌پیوندد
عکس از : ر. نگاه

عکس‌ها

داخل جلد : دختری از کنار کویر لوت
عکس از : ر. نگاه

عکس‌های رنگی داخل :
ایل : (چهارعکس) . انگورستان ملک (چهار
عکس) یک سوار ایرانی (عکس تنها)
عکسها از : درم بخش

عکس‌های ویس و رامین در تخت جمشید
از : ر. نگاه

داخل پشت جلد عکس مهستی از : ملک عراقی
پشت جلد : صحنه‌ای از ویس و رامین در
تخت جمشید
عکس از : ر. نگاه

کاریکاتورها :

از کامبیز درم‌بخش
تنظیم صفحات : با همکاری فرشید مثقالی

چاپ سکه

مطالب :

صفحه		
۴	بیانات شاهنشاه آریامهر	
۶	خوشه‌چین	از هر خرمن دانه‌ای
۱۱	علی کاوه	ترانه‌هایی از کویر
۱۲	محمد آسیم	او پدر شده بود
۱۴	دکتر عبدالله حبیبی	سرطان
۲۸		خیمه‌ای سفید چون نور
۳۳	کیومرث درم بخش	انگورستان ملک
۳۴	دکتر زاهدی مقدم	نیروی شگفت‌انگیز جهان ما
۳۸		ایران و ایرانیان از زبان دیگران
۴۰	دکتر پرویز اعتماد مقدم	منابع جدید مواد غذایی
۴۳	سید محمد علی امام شوشتری	تأثیر ادبیات ایران در ادبیات عرب
۴۹	ملک‌زاده بیانی	وضع لباس و تزئینات زنان
۵۳	یوم‌تویان	اعداد اعجاب‌انگیز
۵۴	دکتر محمد ستاری	اثرات اقتصادی برداشت دنبه
۵۷	پروین برزین	فرمان‌ها
۵۸	پروفسور ژان اوین	تاریخ علم محض نیست
۶۵		چهره صنعتی تبریز
۷۳	دکتر محمد استعلامی	باید بزبان طبیعی مردم برای آنها حرف زد
۸۱	گل‌آرا میر تقوی	سرگرمی
۸۳	دکتر سیدحسین نصر	تشیع و تصوف
۸۹		فهرست رویدادها

این شماره هفت ضمیمه : علوم ، کتاب ، ورزش ،
کدبانو ، قوانین ، بریده چاپ‌شده‌ها و هنر و ادب
همراه دارد .

بهای تلاش با ضمیمه‌ها ۲۵ ریال

صفحه ۲۰

امروز در مملکت ایران هر فرد ایرانی در بنای این مملکت هم مسئولیتی دارد و هم سهمی دارد

اگر خارجی بکمک آن مملکت بیاید دیگر آن کشور نه قدر و منزلتی دارد و نه در زمره ممالک زنده باقی می ماند .
با وجود تمام دوستیها و همپیمانیهاییکه احیاناً ما با ممالک دیگر داریم برای این قبیل اتفاقات صرفاً روی قدرت خود حساب میکنیم و این شرط عقل است .

عصر روز هشتم مهرماه در پیشگاه شاهنشاه آریامهر آئین پایان آموزش بیست و سومین دوره دانشکده فرماندهی و ستاد برگزار شد.
شاهنشاه ابتدا از برابر دانشجویان آموزش یافته دوره بیست و سوم و دانشجویان دوره بیست و چهارم دانشکده فرماندهی و ستاد گذشتند و سپس فرمانده دانشکده گزارش سال آموزشی را باستحضار رسانید.
آنگاه شاهنشاه نشان دانش استادان و شاگرد اول دوره و گواهینامه های دانشجویان را اعطاء فرمودند و سپس بیاناتی باین شرح ایراد کردند:

معاهده ورسای کسی ، شاید حتی حاضر نبود نه فقط به مطالب ما اعتنائی بکنند بلکه حتی با آنها گوش بدهد . و در جنگ بین المللی دوم نیز با وجودی که عمیقانه ما در پیروی سیاست بیطرفی و کناره گیری از ماجراجویی و مداخلات بودیم احتیاجات آنروز کسانی را بمملکت ما آورد که آنهایی که نشان میرسند شاهد بودند که اشغال مملکت به چه قیمت طاقت فرسائی برای ما تمام شد . برخلاف مثل معروف این دو ، سه نخواهد شد مگر اینکه از روی بدنه ای بی جان نه فقط نیروهای مسلح این مملکت بلکه از روی اجساد عموم بگذرند . چرا ؟

چون امروز در مملکت ایران هر فرد ایرانی در بقای این مملکت هم مسئولیتی دارد و هم سهمی دارد : از زارع و برزرگر گرفته تا کارگر و غیره . هرکسی در این مملکت هم مقامی دارد ، هم سهمی دارد ، هم مسئولیتی .

طبیعی است که هیچکس حاضر نخواهد بود این موقعیت را از دست بدهد چون چه چیزی ممکن است از لحاظ معنوی جای وطن را برای او بگیرد ؟ و چه چیزی میتواند بهتر از این ، مگر دوام همین وضع و تکامل همین وضع ، زندگی مادی او را تامین بکند .

پس برای ما امروز جنگ جنگ میهنی است و اگر اتفاقی بیافتد این مملکت باید قادر باشد به تنهایی از عهده هر اتفاق منطقه ای بر بیاید . با وجود تمام دوستیها و همپیمانیهاییکه احیاناً ما با ممالک دیگر داریم برای این قبیل اتفاقات صرفاً روی قدرت خود حساب میکنیم و این شرط عقل است .

اگر بعضی ها فکر بکنند که ما دوستانی داریم پس هر وقت خطری این مملکت را تهدید کرد یک تلگراف بفرستید بدوستانان که خواهش میکنم بکمک ما بیایید ، مردمان کوتاه فکری هستند . یا کسانی هستند که بتاریخ کوچترین مراجعهای نمیکند . ما میدانیم سرفروشت این قبیل ممالک ، ممالک خوش باور یا زمامداران لایالی چیست . اگر خارجی بکمک آن مملکت بیاید دیگر آن کشور نه قدر و نه منزلتی دارد و نه در زمره ممالک زنده باقی می ماند ، بلکه مبدل به عروسکی میشود که یابندست باصطلاح آزاد کنندگان یا حامیان خود میچرخد ، یا احیاناً مورد مصالحه سیاسی قرار میگیرد .

پس همانطور که گفتیم از لحاظ مادی ما وسائلی را بشما ارتش شاهنشاهی و نیروهای مسلح ایران خواهیم داد که قادر بحفظ این مملکت در هر اتفاق منطقه ای که بیفتد باشید و برای استفاده از این وسائل که متأسفانه مفت بدست نمی آید و به قیمت بسیار گران برای ما تمام میشود و شاید هر کدام از آنها قیمتش مساوی بایک مریضخانه یا چند دبستان و دبیرستان است که مملکت بدان احتیاج دارد ، با وجود این برای اینکه آن دبیرستانها ، آن دبستانها ، آن بیمارستانها را ما در آینده بتوانیم بسازیم باید مملکتی باقی باشد . و موقعی باقی خواهد بود این مملکت ، که این فداکاریهای فعلی را برای تجهیز نیروهای مسلح بنمایند و بدین جهت شما افسران باید شایستگی حفظ و نگهداری ، خدای نکرده روزی اگر اتفاقی بیافتد استعمال و حداکثر استفاده از این سلاحها را داشته باشید .

مطمئن هستم که ارتش ما با اضافه شدن شما فارغ التحصیلان و افراد خدمتگذار دیگر خود دارای ثروت معنوی و اخلاقی و علم بیشتری خواهد شد و همگی باشایستگی موفق بانجام وظایف خود خواهید بود .

طی موفقیت آمیز دوره بیست و سوم و گرفتن گواهینامه خاتمه تحصیل را به فارغ التحصیلان تبریک میگویم . اینک عده بیشتری از افسران تحصیل کرده ارتش به زمره کسانی که قبلاً دوره های فرماندهی و ستاد را دیده اند اضافه میشود و اگر بشود گفت که هر دوره ای نسبت به دوره پیش مزیتی از لحاظ تکمیل دروس و تطبیق دادن آن با واقعیات و احتیاجات کشور دارا میباشد چه در حین عمل و چه با جریاناتی که فعلاً از لحاظ بالا بردن سطح معلومات عمومی در ارتش ما جریان دارد و گذشتگان نیز فرصت این کار را خواهند داشت که خود را با آخرین سیستم های جدید آشنا بکنند و تست هائیکه برقرار شده است تاحدی بدین منظور است .

می دانم که خیلی از اوقات مختصر فراغت که برای افسران ما باقی هست ، چه افسران جزء چه ارشد و چه حتی امراء فعلاً بمروور و مراجعه به کتب و جزوات و مطالبی که در سابق درس گرفته اند مصروف میباشد . این یکی دو سال اول این زحمات را باید تحمل کرد برای اینکه به منتهای مطلوب برسیم .

ارتش شاهنشاهی ایران در مملکت ما فعلاً نمونه سطح بالای دانش و آموزش و بالاترین نمونه وظیفه شناسی و پرکار ترین طبقه ، شاید مملکت باشد . بکرات در سابق گفته ام که اگر صنعت ما به پایه صنایع ممالک خیلی مقتدر و پیشرفته جهان نرسیده است و حتی مقدرات مالی ما اجازه نمیدهد که یابترین سلاحها گو اینکه شاید بهترین سلاحهای غیر اتمی مثل آن که ما الان دارا هستیم و یا بمقدار فراوانیکه تناسب جمعیت مملکت میباشد دسترسی نداریم لااقل باید قادر فرماندهی از پائین ترین تا بالاترینش از لحاظ دانش نظامی به بالاترین سطحی که ممکن است و باز تکرار میکنم با تطبیق با واقعیات و شرایط جغرافی و آب و هوا و امکانات لوژیستیکی این مملکت مجهز باشد . و بان افسر و ابواب جمعی آن ، ما سعی میکنیم بهترین سلاح امروزه دنیا را ، بغیر از سلاح اتمی در اختیارشان بگذاریم . می دانید که ما یکی از اولین امضاء کنندگان قرارداد یا تصمیم ، غیر اتمی کردن دنیا بودیم . و در این راه پافشاری داریم و پافشاری داریم که بلکه ذخائر اتمی جهان نیز از بین برود و در راههای مسالمت آمیز و صلحجویانه مورد استفاده قرار گیرد .

برای نیل بیک خلع سلاح عمومی کنترل شده نیز میکوشیم . متأسفانه حرفهایی که در همین چند سال اخیر در همین محل تذکر داده ام بمرحله حقیقت و واقع بینی نزدیک بوده است و آن اینکه مملکتی که دارای تشکیلات دفاعی نباشد در دنیای امروز ما از یکطرف متأسفانه مقابل است بایک سازمان ملل ضعیف و بی اختیار ، از طرف دیگر با مطامع چند و یا حس عدم مسئولیت بعضی ها ، اینها وضعی را پیش آورده است که ولو آن مملکتی که قادر بدفاع از خویش نباشد دارای تمام حقوق قانونی و شناخته شده بین المللی باشد باز بجه هوی و هوس دیگران و عملیات تجاوزکارانه ظالمانه دیگران واقع میشود .

یکمرتبه در جنگ اول در سال ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ مملکت ایران روی ضعف و نداشتن حکومت مرکزی قوی و نداشتن هیچگونه ارتش منظم و متشکل مورد تاخت و تاز و احیاناً تفرجگاه دیگران واقع شده بود و می دانیم که بعد از جنگ در

هر کسی مطابق سلیقه خود بیکی از مرام‌هایی که بیشتر با طرز فکر او نزدیک است می‌گردد .

● بعضی اوقات انسان باید تصمیمی بگیرد و آنچه را که صلاح ملک و ملت است با کمال شهامت و سرسختی اجرا کند

پس از بررسی و تعمق بسیار در وضع کشور خود، در این مکان که گویا شاهد وقایع تاریخی این کشور باید باشد، در نوزدهم دیماه ۱۳۴۱ به ملت ایران پیشنهاداتی کردم که در ششم بهمن همان سال بطرز فوق‌العاده و چشمگیر و افتخار آمیز آن پیشنهادات را بتصویب خود رساندند. در آن روز تاریخ ایران را ما پاهم ورق‌زدیم و اساس و بنیان، در قسمتهایی، متأسفانه فاسد و پوسیده، یک مرتبه جای خود را به اساسی جدید و نوین داد و آنرا بر اساس احتیاجات این مملکت و مطابق آمال و آرزوهای جوامع و ملل پیشرفته دنیا درآوردیم.

مقایسه کوچکی شاید بی‌مناسبت نباشد، وقتی که اساس مشروطیت را در این مملکت برقرار کردند البته با وجودیکه اساس مقدسی بود و باعث رهایی از بعضی گرفتاریها بود ولی مفاد مشروطیت که باید حکومت مردم بر مردم باشد، و آنهم بر اساس عدالت، در چه حالی بود؟

قصید تخطئه کسی را نداریم ولی تاریخ پنهان نمایندگان ملت آن روز کی‌ها بودند؟

همان استثمار کننده‌های مردم ایران، ذاتاً مالکیت در آن موقع، بفرض اینکه مالک آدم خوبی هم بود، بر اساس استثمار و ظلم و تعدی بنا نهاده شده بود سایر نمایندگان باصلاح مردم ایران فقط و فقط نماینده یک اقلیت حاکم و مکنده خون ملت ایران بودند. از سیاست خارجی صحبت نمیکند که آنها در این کار چه دستی داشتند، شاید تعداد باسواد در این مملکت در آن روز یک درصد نمیرسید، تعداد کسانی که در این مملکت بتحصيل مشغول بودند شاید به رقم سه‌صدی نمیرسید. زندهای ایران در زمره نه فقط فراموش شدگان قرار داشتند بلکه در گروه مجانین و ورشکستگان بتقصیر و دیوانگان قرار داشتند.

در قانون اساسی ما انجمن‌های ایالتی و ولایتی پیش‌بینی شده بود ولی هیچوقت بمرحله عمل در نیامد. در قانون اساسی ما مجلس سنا پیش‌بینی شده بود ولی هیچوقت تشکیل نشد. وقتی که ما انقلاب ششم بهمن را انجام دادیم، نه فقط برای این بود که اصول کهنه و فرسوده و ظالمانه مالکیت آن روز را برهم زنیم، نه فقط برای اینکه کارگر ایرانی در سود کارخانجات وارد شود و نه فقط اینکه زندهای ایران از زنجیر اسارت و بدبختی و تنگ و تاریکی رهایی یابند، بلکه فقط مقدمه دوازده ماده بعدی انقلاب ایران و منجمله و بالاخره تعمیم حکومت مردم بر مردم بوسایل مختلف بود که این انتخابات و این کنگره یکی از مظاهر عالی آن میباشد. با مبارزه‌ای که بایسواد در پیش داریم تا چند سال دیگر افراد این مملکت یا همه باسواد خواهند شد یا کسانی که لااقل تا ۵۰ سال عمر داشته باشند و بخصوص کسانی که در حرفه‌هایی مفید و فنی مشغول هستند و کار میکنند مسلماً باسواد خواهند بود و این را میل داریم در تمام سطوح مملکت گسترش دهیم، یعنی نه فقط در شهرها بلکه در دوره افتاده‌ترین نقاط و دهات مملکت باید این امر عملی شود، یعنی که بوسیله انتخاب انجمنهای ده بوسیله انتخاب انجمن‌های شهر بوسیله انتخابات انجمن‌های شهرستان‌ها، که بنوبه خود انجمنهای استانها را انتخاب میکنند، بوسیله انتخاب نمایندگان مجلسین سنا و شورایملى هر آزاد مرد ایرانی و آزاد زن ایرانی این فرصت را خواهد داشت که بخودش فقط زحمت این را بدهد که به نزدیکترین صندوق انتخاباتی برود و عقیده خود را ابراز دارد منتهی برای تسهیل کار برای اینکه عقاید در یک مجموعه مثبت و مفید قرار گیرد در ممالک متمدن دنیا تشکیلاتی پیدا میشود که اسم آنها احزاب میگزارند و احزاب پس از بررسی پس از مطالعه برنامه‌ای را عنوان میکنند و اعلام میکنند که قاعدتاً باید برنامه‌ای خوب و جوابگوی احتیاجات مردم و تسکین دهنده افکار و نظریات آنها باشد و راه‌های مناسب را برای پیشرفت یا گشودن گرم‌های اجتماعی مردم عرضه میدارد و هر کسی مطابق سلیقه خود بیکی از مرام‌هایی که بیشتر با طرز فکر او نزدیک است می‌گردد و میداند که این تشکیلات و نمایندگانیکه در این تشکیلات شرکت میکنند باید صمیمانه و با وفاداری کامل بمرامنامه و برنامه آن حزب عمل بکنند و در هر مرحله‌ای که باشد از کوچکترین ده گرفته تا مرکز قانون‌گذاری مملکت این همکاری جمعی و اجتماعی ادامه داشته باشد.

در ممالک مشروطه کار بدین منوال است که مردم بوسیله اظهار عقیده خود در تمام این سطوحی که گفتیم بکار خود رسیدگی میکنند. در ده به زندگی خودشان میرسند. اضافه بر این چیزهایی که ذکر کردم شرکتهای تعاونی هست که باز با انتخابات مردم باید تشکیل شود، شرکتهای سهامی روستائی هست که باز در آنجا مردم فرصت اظهار نظر دارند و همچنین در شهر و انجمنهای استانی و شهرستانی و در مراکز قانون‌گذاری.

وظیفه ما تابعان این بود. بعضی اوقات انسان باید تصمیمی بگیرد و آنچه را که به صلاح ملک و ملت است با کمال شهامت و سرسختی اجرا کند. خوشبختانه در مورد ایران بوسیله ارتباط معنوی و تقریباً روحانی که بین رئیس مملکت و مردم مملکت موجود است این کار مشکل نبود. یعنی که شش ماده اولیه انقلاب بهمن بآن طریق بتصویب ملی رسید و بعد از آن شش ماده تکمیل کننده آن انقلاب در یک دریای آرامش و سکون و استقبال بی‌نظیر ملی هر کدام بموقع خود باسهلترین طریق بمرحله عمل درآمد، کما اینکه ما حدود اصلاحات خود را بدین مرحله رسانده‌ایم که تمام منابع طبیعی مملکت منجمله آب که مظهر حیات و زندگی است ثروتی ملی یعنی متعلق بجامعه ایران اعلام شد و شاید کمتر مملکتی در دنیا باشد که در قسمتهای اجتماعی باین مرحله از پیشرفت رسیده باشد. اصول اصلاحات ما احتیاج بتوضیح و تشریح ندارد، لابد با آنها آشنا هستید و از آنها اطلاع دارید. این اصلاحات اجازه داده است که در پنج سال اخیر (و فکر می‌کنم که اسیال نیز کمی از آن نداشته باشیم) رشد و ترقی اقتصاد ملی ما در حدود یازده درصد بلکه بیشتر باشد و با قیمتهای ثابتی که متوسطش از یک و هفت دهم درصد در این مدت تجاوز نکرده است به پیشرفت چشمگیری نایل شده‌ایم. صنایع ایران با سرعت سرسام‌آوری در حال گسترش و پیشرفت است. ایران از یک مملکت وارد کننده احتیاجات اولیه خود کم‌کم تبدیل بیک مملکت صادر کننده مواد ساخته شده گشته است.

باتعمیم سواد و بخصوص باپیشرفت تخصص حرفه‌ای در آینده این مملکت و این ملت پراستعداد در هر رشته‌ای که بدان دست‌بزند مسلماً میتواند باهرکسی و هر جامعه‌ای رقابت کند. مقصود این است که تمام این اصلاحات مادی که در تمام شئون زندگی ایرانی موثر بوده است برای رسیدن به هدفهای عالی معنوی است و آن همان مطلبی است که گفتیم یعنی یک مشروطیت و یک دموکراسی حقیقی که بر اساس آزادی مردان و زنان ایران نهاده شده باشد، بر اساس عدالت اجتماعی نهاده شده باشد که در آن محیط نه آثار ارتجاع و نه آثار خیانت‌اجنبی شود دید، اجتماعی که بر سر نوشت خود حاکم است، اجتماعی که در آن استثمار فرد از بین رفته است، اجتماعی که در آن منابع طبیعی و ملی به‌خیر و صلاح جامعه بکار گرفته شده باشد و بالاخره اجتماعی که از پائین‌ترین سطوح تا بالاترین قسمتها حاکم بر سر نوشت و زندگانی معاشی و سیاسی خود باشد. این کنگره یکی از مظاهر عالی همین هدفهای ملی ما است. تا بحال سابقه نداشته است که این همه نماینده بتوسط این همه جمعیت با این همه نظم و آزادی کامل جمع شده باشد. این مسلماً الگو و نماینده هر نوع انتخاباتی که در این مملکت صورت بگیرد خواهد بود، چه در ده و چه در مجلسین شورا و سنا انتخاباتی که در آن مردم و نمایندگان مردم و احزاب که باید محرکین جنبشهای ملی باشند انجام خواهد گرفت. باسیاست اساسی که ما داریم تا جائیکه ممکن است و تا جائیکه مفید است سیاست عدم تمرکز را در پیش گرفته‌ایم. یعنی هراختیاری که ممکن باشد ما به‌استانهایمان بدهیم، چه به استاندارها که نماینده شخص رئیس مملکت و پادشاه مملکت هستند و چه بشما نمایندگان شهرستانها که در واقع مجلسهای شورای محلی میباشید که باید مطابق وظایفی که قانون برای شما معین کرده باشد نسبت بآن وظایف قیام کنید و بادلوسوی و وظیفه شناسی بتمام آن کارها رسیدگی کنید و این عدم تمرکز را تسهیل و آسان کنید.

من از خداوند متعال برای شما نمایندگان منتخب و همچنین ملت ایران و کشور ایران سعادت، سربلندی و افتخار و ترقی را مسئلت دارم. از ییانات شاهنشاه آریامهر خطاب به نمایندگان انجمن‌های ایالتی و ولایتی.



از هر خرمن دانه‌ای

جشن هنر شیراز

برای دیدن این جشن راه زمین را انتخاب کردم.

فاصله تهران تا تخت جمشید با دو توقف اصلی در راه (جمعا بمبت ۲ ساعت و توقف های کوتاه دیگر) در مدتی کمتر از یازده ساعت و نیم طی شد.

می توان گفت راه خوب ساخته شده و خوب هم از آن نگاهداری می کنند.

اصفهان شهر بزرگی شده که جمعیت آن با حومه به نیم میلیون نفر نزدیک می شود. اما شیراز :

شیراز از پانزده سال پیش شهری بود کمی بزرگتر از يك ده و امروز شهری است که با توجه به شلوغی تهران شخص را به هوس می اندازد که در آن زندگی کند. نفوس آنرا امروز نزدیک به سیصد هزار نفر تخمین می زنند.

خیابانهای آن وسیع و زیبا و لطافت و رنگ گل های آن اشعار سعدی و حافظ شیراز را در اندیشه ها زنده می کند.

جشن هنر شیراز هم دیدنی بود. تنها عیب آن شاید پر بودن هر روز جشن از برنامه های متنوع و جالب بود.

از ساعت ده صبح برنامه های جالب و کم نظیر آن آغاز می شد و اگر کسی می خواست در تمام برنامه ها شرکت کند بزرگمهر ساعت يك بعداز نصف شب می توانست به استراحت بپردازد و این تازه در صورتی بود که در بحث ها و گفتگو های بعد از آخرین برنامه ها شرکت نکند.

ویس ورامین کاری تازه بود که در فضای تخت جمشید جلوه ای خاص داشت. نویسنده قضاوتی کرده بود درباره این داستان زیبا، زمینی و عشقی ایرانی که بعضی اصل آنرا مربوط به دورانه های قبل از میلاد مسیح در ایران می دانند. فخرالدین گرگانی آنرا یک هزار سال پیش بنظم ساده در آورده است. نظم ساده ای که هم امروز سوای چند

کلمه کهن آن برای همه کاملاً مفهوم است. این يك کار هنری سد در صد ایرانی بود و فکر و طرح خارجی در آن دخالتی نداشت.

از نویسندگان تا بازیگر و طراح و کارگردان همه ایرانی بودند. شاید به همین دلیل بود که یکی دو روزنامه بزبان خارجی که در ایران منتشر می شوند با چشم و دید خاص خود بدان نگرستند.

نویسندگان و کارگردانان بزرگ خارجی هم در این جشن شرکت داشتند و کارهای جالبی عرضه کردند.

گروتوفسکی نویسنده و کارگردان لهستانی، شاهزاده ثابت یا «همیشه شاهزاده» بقول مترجم های جشن هنر، راعرضه کرد که از لحاظ يك تئاتر آزمایشی کارقوی و محکمی بود گو اینکه در آغاز نمایش چنان پتک بصری و روانی به تماشاگر وارد می کرد که تا پایان مثل آدم های هیپنوتیسم شده تماشاگر به بازیگران خیره می شود تا نمایش تمام شود.

پیتر بروک کارگردان و سناریست معروف انگلیس در فیلم های ماراساد و ارباب مگس ها نحوه کار خود را عرضه کرد که جالب بود و گیرا و تا اندازه ای نو.

نکته جالب توجه در این جشن توجه واهمیتی بود که این دو شخصیت خارجی برای کارهای ایرانی از خود نشان دادند. گروتوفسکی مثلاً ویس ورامین را «جالب» و پیتر بروک آنرا «پسندیده» و «قابل اهمیت» خواند. بهر حال می توان گفت که از لحاظ ایجاد محیط هنری و عرضه کارهای جالب نثاری و سینمایی و آوازی و هنری مانند «آوازه های سپرنگل» و کار «نان و عروسک» پیتر شویمان و ده ها کار دیگر مانند اینها شیراز کهن را براستی نو کرده بودند.

بهنگام یادکردن اداره درست این جشن باید نام آقایان رضا قطبی و مهدی بوشهری را هم که بانظم و ملایمت هم آهنگی کارها را بر عهده داشتند ذکر کرد.

جولاهای زمان

دستگاه بافندگی و نساجی را جولاه می گویند و داستان زیبایی را ژاپنی ها برای نشان دادن کار جولاه ها از پیش از یک هزار و چهار صد سال پیش تا امروز درباره راه ابریشم تهیه کرده بودند که ۲۶ شهریور امسال در آخرین شب جشن فیلم های آموزش و زارش آموزش و پرورش بصورت فیلم رنگی نشان داده شد. و این اقدام مفید وزارت آموزش و پرورش مخصوصاً ازهر جهت شایان ذکر است.

«کاتسومورو» يك ژاپنی کارگاهی دارد که در آن پارچه های زری با طرح های رنگین و نقش هایی که خود طرح آنرا می دهد تهیه می کند.

وی در مطالعاتی که روی نقش های زری قدیم می کند ناگهان متوجه می شود که يك قطعه زری زیبا بانقش های دلنشین ولی پاره را يك هیئت ژاپنی در سال ۱۹۱۲ در سفری که به شهر تورفان در آسیای مرکزی چین کرده بودند پیدا کرده اند که بر روی صورت يك آدم مومیائی قرار داشته و در صدد تکمیل این طرح بر می آید مخصوصاً که شبیه طرح این زری را در کیوتو پایتخت يك قرن پیش ژاپن هم دیده بودند. وی بدنبال حل این مسئله بر می آید که چگونه و چرا این دو طرح که در دو نقطه مختلف در فاصله حدود شش هزار کیلومتر قرار دارد یکی در ژاپن و دیگری در مرکز آسیا باهم اینقدر شباهت دارند ؟

تحقیق می کند و مطالعه می کند معلوم می شود که این طرح را خسرو دوم پادشاه ایران که تا اسکندریه در ساحل مدیترانه پیش رانده بود باعلائم و نشانهائی سلطنتی ساسانی در زمان سلطنت خود سفارش داده است.

مهم اینکه تارهای ابریشم که مورد استفاده قرار گرفته و باتصویر او سوار براسب بر آن نقش است از لحاظ قطر تار (نخ) نصف تار های کنونی ابریشم است و رنگهای آنهم در این مدت تغییری پیدا نکرده است.

واز آن گذشته طرح ها با اصول ریاضی درست محاسبه شده و بر روی آن سه نشان موجود است که یکی گل دیگری درخت و سومی شاخ گوزن است.

کاتسومورو تحقیق خود را ادامه می دهد و بدنبال تهیه پیلیم هائی بر می آید که بتوان از آن همان تار نازک را تهیه کرد. و بالاخره همان نوع ابریشم را پس از سالها تجربه بدست می آورد و همان تار را از آن می گیرد و با همان رنگ هزار سال پیش که خسرو دوم دستور آنرا داده بود تارها را رنگ می کند.

وی اسراری را که پیش از چهارده قرن تمام در دل خرابه های شهر تورفان نهفته بود با طرح های زیبای آن زمان کشف می کند و دو باره آنرا می سازد.

و امروز آنرا در کشور خودش مورد استفاده قرار داده است. این قطعه زری اینک تاریخ امروز را با چهارده قرن پیش از طریق ابریشم و تارها و نقش آن بهم وصل می کند. و اکنون همان جنس و همان زری را که سفارش خسرو دوم بود کاتسومورو در ژاپن می سازد با همان رنگهای طبیعی و همان طرح های زیبای حساب شده.

و این جستجو و کاوش او را گوینده فیلم «امید و وعده ای برای آینده» اعلام می کند. ***

در تمام مدت چهل و پنج دقیقه که این فیلم رنگی ژاپنی را می دیدم سؤال های گوناگون در ذهنم بیدار می شد که چندتای آنرا اینجا برای تو خواننده عزیز طرح می کنم.

راستی صنعت ابریشم ما که در گیلان و مازندران و چالوس آنقدر پیش رفته بود که به بهای گران در زمان جنگ و بعد از جنگ خرید و فروش می شد چه شد ؟

آیا برای احیا و تجدید ساخت زری ها و کارهای زیبای ابریشم از پارچه گرفته تا قالی که دو هزار سال و بیش از آن در ایران سابقه دارد از لحاظ تجارتي و بازاریابی چه اقدامی کرده اند ؟

وزارت فرهنگ و هنر و دستگاه های دیگر کشور ما که برای معرفی ابریشم کشور ما وظایفی دارند، برای عرضه کردن این طرح های زیبا که امروز ژاپن بر روی آن کار می کند و آنرا در همه کشور های جهان عرضه می کند و فروش قابل ملاحظه ای دارد از لحاظ نوع نخ ها و پیلیم ها و طرح ها و نقش ها، چه کاری کرده اند .



بگو چگونه فکر می کنی تا بگویم چگونه کار خواهی کرد؟

طرز فکر هر انسان و هر قومی طرز کار او را معین می کند.

اما در میان مدیران بخش خصوصی و دولتی (و نه فقط در ایران بلکه حتی در کشورهای دیگر هم) کسانی که این حقیقت مهم را درک می کنند کم هستند.

اما تا این مسئله اساسی نحوه اندیشه و طرز فکر کردن حل نشود بهیچوجه نمی توان از کار و خدمت و محصولی که باید بدست آید صد درصد اطمینان حاصل کرد. زیرا هرکس هرکاری را آنطور انجام می دهد که فکر می کند باید انجام دهد.

در عصر ما این امر اهمیت بیشتری کسب می کند.

فکر و اندیشه هر جور و هر شکل باشد عمل و کار هم بدنبال آن قطعاً خواهد آمد.

فکر و اندیشه سالم و صحیح بیشتر اکتسابی و القائی است.

امروز که ما در کشورمان برنامه های درست و منطقی درباره تولید کشاورزی و صنعتی و خدمات تهیه کرده ایم و این برنامه درحدود احتمالات مقبول پیش می رود آیا نباید برنامه ای هم برای فکرها و

اندیشه ها آماده کنیم.

زیرا برنامه های عملی را هم باید انسان های صاحب افکار و اندیشه ها و احساسات عملی کنند. و از آن بهترین میوه ها را به نفع خودشان و کشورشان بگیرند.

از اینرو گفته اند و درست گفته اند که «بگو چگونه فکر می کنی تا بگویم چکار خواهی کرد؟»

در فاصله هزار سال نور و مسئله رنگ بدن ها و نحوه اندیشه ها

بالاخره دانشمندان به کشف بزرگی فائل آمدند و آن اینکه کشف کردند ئیدروژن بصورت مولکول در فضا یافت می شود.

شاید در نظر اول این خبر خیلی جالب بنظر نیاید چون سالهای سال ستاره شناسان تصور می کردند که تشکیل هیدروژن بصورت مولکول باید یکی از گام های اولی و اصلی تشکیل هرستاره ای مانند خورشید باشد. هیدروژن را می توان ماده ای کیهانی دانست چون این ماده بیش از هر ماده دیگری در جهان موجود است.

اما نکته مهم اینست که تا بحال این ماده را در فضا و کیهان شکل اتمی آن دیده بودند. و فقط در روی زمین در شکل و هیئت مولکولی دیده شده بود.

در ماه مارس گذشته دانشمندان آزمایشگاه تحقیقات نیروی دریایی در شهر وایت ساندس یک موشک را با دوربین مخصوصی که می توانست از ابرهای غباری اطراف ستاره «ایکس آی» پرسی در فاصله هزار سال نوری زمین، تجزیه مافوق بنفش (اولتراویولت) بعمل آورد، به فضا فرستادند.

می دانیم که هر سال نوری معادل با ۹۰ تریلیون کیلومتر است. نتیجه ای که از این اسپکترها و تجزیه های نور بدست آمد برای اولین بار وجود هیدروژن را در شکل مولکولی آن در فضا نشان داد.

مقداری گاز و غبار و مواد شیمیائی یک ستاره را تشکیل می دهد. در سالهای اخیر ستاره شناسان با وسیله های گوناگون ازت کاربون، و آمونیاک و بخار آب و «فورمال دئید» را در فضا ملاحظه کرده بودند که اینها را می توان پیش تازان زندگی در فضا دانست. چنانکه در روی زمین هم اینطور بود و هست. آنچه را که تاکنون فرضیه ای

بیش نبود کاروترس دانشمند امریکائی آنرا با دلائل و نظریات علمی ثابت کرد.

کاروترس گفت «کشف هیدروژن مولکولی این فرضیه را که تشکیل ستارگان از گازهای بین ستارگان است تأیید می کند.» و دکتر هربرت فریدمان سر دانشمند آزمایشگاه محققین نیروی دریائی گفت:

«این یکی از مهم ترین کشفیاتی است که تا بحال کرده اند.»

وقتی این خبر یونایتدپرس را خواندم فکر کردم قدرت انسان در کشف رازهای طبیعت و عوامل آن چه در روی زمین و چه در فضای خارج از آن و نیز در فضاها و در کیهانها هر لحظه بیش و بیش تر می گردد اما مثل اینکه گام سرعت بشر برای اداره خود بشر بهیچوجه به این نسبت پیش نمی رود.

نمی خواهم بگویم این گام عقب می رود چون ایمان خودم را به قدرت انسان ها هنوز حفظ کرده ام. اما نگاه کنیم به همین امریکای بزرگ که هر روز دانشمندان آن پرده از رازهای طبیعت جهان و خارج از زمین برای ما مردم بر می دارند، در مقابل مشکل آدم ها چه سیاه چه سفید و چه سرخ پوست و چه مخلوط هر روز در داخل ممالك متحده امریکا بیشتر می شود؛ باناسامانی ها و مسائل نو که ماشین این مخلوق آدم ها و قوانین مربوط بآنها بوجود می آورد. عجبا که هر گره ای که گشوده می شود گرهی دیگر ظاهر می شود. و نتیجه آنکه فاصله میان انسانها عمیق و عمیق تر می گردد.

راستی چرا آدمی می تواند به هرچه خارج از انسان است براحتی مسلط گردد ولی نمی تواند انسان را تحت اداره صحیح یا حتی تحت تاثیر منطق درآورد؟

آیا راست است که منطق را باید برون از انسان دانست.

انسان که مثنی گوشت و پوست و استخوان و رگ و پی است؟

برنامه حرف

در آغاز بحث راجع به برنامه ششم در مجلس ملی فرانسه وقتی نخست وزیر درخردامه امسال صحبت خود را شروع کرد فقط هفتاد نماینده مجلس به سخنان او گوش می دادند. ولی در طی سه روز گفتگو درباره این برنامه ششم یکصد و یازده نماینده صحبت کردند.

آنچه که مورد علاقه نماینده معمولی مجلس است مطلقا سیاست اقتصادی از دید عمومی و کلی آن مربوط نیست. نماینده مجلس باید به موکلین خود ثابت کند که بفتح منطقه و حوزه انتخابیه خود یا بعضی منافع که در انتخاب او موثر هستند صحبت کرده و می کند.

حقیقت اینست که از این جهت نظر نمایندگان مجلس هم فرق زیادی با نظر موکلین آنها ندارد. بجای آنکه برنامه را یک وسیله مدیریت برای پیش بینی اقتصاد آینده بدانند اینها برنامه رافهرست تمناها و تقاضاهای خودشان می دانند.

در کار برنامه کنونی پیشرفت هائی حاصل گشته، اما این پیشرفت ها کافی نیست. برای روبرو شدن با نیازمندیهای گوناگون باید مملکت از یک وسیله تولید خیلی ارزان و کاملاً اقتصادی استفاده کند. و اما آنچه که برنامه ششم باید با خود بیاورد هم آهنگی طرح های توسعه است.

عنوان و مطالب بالا را میشل درانکور نویسنده معروف فرانسوی درباره کشورش در مجله رئالیت نوشته است.

اما خیلی مطالب هست که اگر درباره فرانسه صدق کند ممکن است در بسیاری از کشورهای دیگر جهان هم درست از آب درآید و درست از آب درنیاید و جور دیگر باشد.

آیا این خاصیت کرسی وکالت و نمایندگی در فرانسه است که اینطور باشد؟

آیا فقط وکلای مجلس ملی فرانسه هستند که دید کلی ندارند و حتی برنامه را که بزرگترین ابزار کار یک ملت است فقط از دید منافع منطقه ای و حوزه ای یا منافع گروهی محدود می نگرند؟

کشتی از ساروج شنی (بتن)

سابقاً ساروج شنی را که فرنگیها بتون می خوانند، با سنگینی و صلابت قرین می دانستند. و امروز بتن را برای ساختن کشتی که باید از سبک ترین عوامل باشد بکار می برند. دو کشتی که از آهن و بتن ساخته شده بود، روز هفتم سپتامبر در فیومی چیو در نزدیکی رم پایتخت ایتالیا بآب انداخته شد و غرق هم نشد.

این دو کشتی یکی ۷ متر و دیگری ۱۰ متر طول داشت که هر دو برای ماهی گیری بکار خواهند رفت.

یک مهندس ایتالیائی بنام «پیرلونی جی نیروی» این دو کشتی را برای (اف آو) تشکیلات وابسته به سازمان ملل که برای بهبود غذا و کشاورزی در دنیا کار می کند ساخت.

ساختمان این کشتی بسیار ساده است بدین معنی که از یک شبکه فلزی که داخل آنرا بوسیله سیمان پر می کنند و قطر آن هم حدود ۱۸ میلیمتر است تشکیل می شود.

این خبر را خبرگزاری اسوشیتد پرس انتشار داد و در شماره دهم سپتامبر لوموند انتشار یافت. می گویند این نحوه ساختمان کشتی در کشورهای در حال توسعه به خصوص آن کشور هائی که مواد بسیار سبک و از جمله چوب کافی ندارند می تواند بسیار قابل استفاده باشد.

سیمان نسبتاً در مملکت ما ارزان تولید می شود و فراوان.

حق اینست سازمان های کشور ما که با امور کشتی رانی در جنوب و شمال ایران ویا در دریایچه هائی مانند رضائیه سرو کار دارند، به اهمیت این اختراع توجه کنند، زیرا هر قدر سرمایه گذاری در یک صنعتی ارزان تر شود می توان امیدوار بود که بازده و سود آن صنعت بالاتر خواهد رفت.

درباره اقتصاد و تجارت

ایران در ۷۰۰۰ سال پیش

آنچه که پروفیسور لامبرک کارلوفسکی در جنوب شرقی ایران در نزدیکی بافت کرمان پیدا کرد پرده ای دیگر از روی تمدن پیشرفته کشور ما برداشت.

کارلوفسکی استاد و پروفیسور دانشگاه هاروارد است و از تپه یحی مقدیری الواح، استوانه ها، مهرها، مجسمه ها و شکل ها و برش های بسیار زیبا بتهران آورد.

و بدین ترتیب ثابت شد که این منطقه کشور ما از پیش چهار هزار و پانصد سال قبل از میلاد مرکز مهم جمعیت و فرهنگ بوده است.

در میان حفاری ها بقایای یک ساختمان بزرگ که فعلاً چهار اتاق آن از زیر خاک بیرون آمده کشف شد.

در گوشه یک اتاق که درست مورد بررسی قرار گرفت سی عدد لوح که روی هم قرار داشت پیدا شد و بعد هفت لوح دیگر هم که بر آن مطالبی نقش و نوشته شده بود پیدا کردند.

نوشته ها شبیه لوح های قبل از دوره ایلام است که در شوش پیدا کرده بودند.

و اینها اولین لوحه هائی بود که بر روی آن حروف حک شده است.

در این لوح ها نوع و شکل ارقام و اعداد شباهت تام بهم دارد. اما نکته بسیار جالب و مهم که در تپه یحی کشف شده اینست که این لوح ها حکایت از مبادلات و دادوستدهای اقتصادی آن زمان می کند.

یک تمدن پیشرفته هم طراز باتمدن بین النهرین ایران در قسمت

جنوبی و شاید در نقطه دور فلات ایران در این منطقه دیده شده بطوری که میتوان با اطمینان گفت تجارت و داد و ستدی شکوفا این دو منطقه ایران را بهم وصل می کرده است.

لامبرک کارلوفسکی معتقد است که در تپه یحی یک تمدن ایرانی مستقل و قائم بالذات وجود داشته که بهیچوجه ناشی از تمدن بین النهرین ایران و یا خلیج فارس نبوده است.

تمدن تپه یحی را یک گروه از مراکز تجارت که در کار داد و ستد اقتصادی سابقه فراوان داشته و کار اقتصادی آنها غامض و پیچ در پیچ بوده اداره می کرده است.

چه خوب بود اگر درباره تمدن واقعی ایران که بر مبنای فرهنگ و دانش و تجارت و اقتصاد استوار بوده مطالعات و تحقیقات بیشتری انجام می شد.

اینکه یک خطوط تجارتنی و اقتصادی بسیار شکوفا میان جنوب شرقی و جنوب غربی ایران وجود داشته نشانی باید باشد از تمدنی که بر مبنای ارتباطات درست استوار بوده است.

هنوز هم هستند کسانی که عقیده دارند در تمدن قدیم ایران دادوستد و فرهنگ و قانون و احترام به شخص نقش بزرگی نداشته بلکه اهمیت ایران فقط و فقط بر اساس جنگها و زد و خوردها با خارجیان بوده است. غافل از اینکه برای ادامه تجارت و داد و ستد و داشتن خطوط ارتباط باید نیروئی داشت. وبدون یک نیروی قوی هرگونه تجارت و دادوستد و خطوط ارتباط پیوسته در معرض خطر و تهدید است.

آیا در مریخ زندگی

وجود دارد ؟

اطلاعاتی که اخیرا مارینر هفت از یکصد میلیون کیلومتر فاصله به زمین مخابره کرد این امید را در زمین بوجود آورد که نوعی از زندگی ممکن است در همسایگی این کره وجود داشته باشد اما این شکل و نوع زندگی چگونه ممکن است باشد ؟

وقتی دستگاه و وسیله ای که در دانشگاه کالیفرنیا ساخته شده و در شرف تکمیل است در سال ۱۹۷۳ بطرف مریخ فرستاده شود امید است که جواب این سؤال داده شود.

این وسیله يك آزمایشگاه كوچك شیمیائی است که وظیفه دارد حضور یا غیبت بعضی مواد «سازنده» شیمیائی را اعلام نماید. اگر این مواد شیمیائی مانند امینواسیدها، پیورین ها و پیریمیدین ها در خاک مریخ یافت شود حضور آنها این احتمال قوی را بوجود خواهد آورد که نوعی زندگی در آنجا ممکن است باشد.

وقتی این وسیله فضائی که دکتر میلرو دکتر کاستیلو (از دانشگاه سان دیه گو) آنرا ساخته اند در مریخ می نشیند می بایست يك گرام از خاک آنرا بردارد و آنرا در يك دستگاه تجزیه و آنالیز، قرار دهد. این يك گرام خاک در يك محفظه بمدت ده ساعت تجزیه (آنالیز) می شود و پخته می شود در مراحل گوناگون تجزیه از وسائل مختلف عبور می کند و از لحاظ شیمیائی هم تجزیه می شود. نتایج این تجزیه ها تحت شماره های مخصوصی قرار می گیرد و به وسیله يك فرستنده که در این وسیله هوائی قرار گرفته به زمین مخابره می شود.

همه این کارها بدون شك بسیار جالب و پیش رفته است. اما سابقا وقتی از موجودات انسانی سخن می گفتیم ناچار سخن از سعادت آنها هم بمیان می آمد. حال اگر انسانها به كشف حیات در مریخ نائل آیند آیا خوشبخت تر خواهند شد ؟ یا راحتی بیشتری را در زندگی روز مره خود احساس خواهند کرد ؟

یا خواهند توانست سعادت زندگی را به مریخی ها تفهیم کنند ؟ وبالاخره جواب این سؤال ها را آیا میشود از کومپیوترها خواست ؟

ژاپن آغاز شود ...

و در جای دیگر می نویسد «در این شرایط جای تردید نیست که نمایشگاه اوزاکا به آن مرحله تکامل در تکنیک رسیده باشد که از همه کشور ها از این لحاظ پیشی گرفته و توانسته از بیش از ۵۰ میلیون سیاح مسافر پذیرائی کند تا آنجا که این موفقیت موجب سؤال های گوناگون شود که چطور اینها توانسته اند باین مهم نائل آیند ؟ امروز در باره پیشرفت و گام سریع ترقی این کشور و پیشی گرفتن آن بر بیشتر کشور های عالم حتی امریکا و شوروی در همه جا بحث ها می شود.

اما باید پیاد آورد که یکی از سنگهای اساسی زیربنای توسعه و پیشرفت این کشور را حفظ آداب و سنن و روش زندگی قدیم این کشور باید بشمار آورد. چگونگی زندگی يك خانواده ژاپنی دیدنی است. زندگی مردم ژاپن بر اصل قناعت و بی نیازی و آزادی از پیرایه ها استوار می باشد (اینها همان اصول و روش ها و سنت هائی است که دستور زندگی بزرگان ایران بود).

در خانه های مردم عادی یعنی بیش از نود درصد مردم آن سر - زمین صندلی و میز و مبیل و تخت خواب رایج نیست. فرش آنها بوریا و حصیر و رخت خواب را هم خودشان بهنگام استراحت از رخت خواب - خانه می آورند و در اتاقی که روز در آن زندگی کرده اند آنها را می گسترند و در آن استراحت می کنند

لوکس آنها دوربین عکاسی ساخت کشورشان است و آنچه که در خانه های آنها بیشتر بچشم می خورد تلویزیون و رادیو است که هم برایشان وسیله تفریح است هم بمنزله معلم و کتاب و وسیله تماس با پیشرفت های علوم و فنون و هنر ها در کشورشان و در دنیا.

وقتی هویدا گفت ممکن است اشیاء ساخت خارج زیبا باشد اما قدرت و استحکام اشیاء ساخت کشور خودمان را ندارد. بحث مهمی را پیش کشاند.

طناب خودمان را که بیش از ۴۵ قرن دوام آورده و ما را حفظ کرده نباید برزنجیر طلائی رنگ دیگران ترجیح دهیم.

روز اول مهر ماه امسال مانند سال های پیش آقای هویدا نخست وزیر برای بصدا در آوردن رنگ مدرسه دارالفنون به نشانی آغاز سال تحصیلی، به مدرسه دارالفنون رفت، اما بجای طناب قدیمی که رنگ مدرسه را بصدا در می آورد با زنجیری طلائی رنگ روبرو شد.

آنها که در این مراسم حاضر بودند گفتند: «وی نگاهی نا آشنا بدان انداخت.» و چون زنجیر تازه فرنگی را که جایگزین طناب قدیمی شده بود کشید زنجیر پاره شد.

هویدا لحظه ای مکث کرد و بعد گفت:

«پاره شدن زنجیر ساخت خارج برای شما و ما درس خوبی است تا بدانیم چه بسا چیز ها که از خارج وارد می شود و زرق و برق فراوان دارد اما فاقد استحکام ساخته های خود ما است ... شما ملاحظه کردید که چگونه حلقه های زنجیر قشنگ خارجی با يك تکان از هم گسست و نتوانست رنگی را که سالهای سال در چنین روزی در این مرکز دانش نواخته شده است بصدا در آورد ولی این کار از همان طناب قدیمی ولی محکم و بهم پیوسته ما ساخته بود ...»

ژاپن زندگی عصر نو خود را کمی دیرتر از افتتاح دارالفنون ما، شروع کرد.

سلطنت موشو هیتو که بنیان گزار ژاپن کنونی است از سال ۱۸۶۷ آغاز می گردد.

از آغاز کار او تا زمان ما بیش از یکصد سال می گذرد.

در این فاصله کار ژاپنی ها بدانجا کشانیده شده که لوی آرمان عضو آکادمی فرانسه که سه ماه پیش از سفر ژاپن به پاریس بازگشته در باره نمایشگاه «اوزاکا» نوشت:

«از لحاظ عظمت و از لحاظ تراکم عبور و مرور ده ها میلیون تماشاگر، این نمایشگاه را باید «يك واقعه» در تاریخ نمایشگاه های جهان دانست حتی می توان از خود پرسید که آیا ما در آستانه يك تغییر واقعی عظیم نیستیم ؟ اهمیت موضوع مخصوصا در این است که سرآغاز این تاریخ متری باید از

طناب خودمان و زنجیر طلائی رنگ دیگران

روز اول مهر ماه در کشور ما، مدارس باز می شود.

و امسال چهارمیلیون و پانصد هزار دانشجوی ایرانی در سر کلاس های درس حاضر شدند.

رقم از هر حیث و از هر جهت قابل توجه، تعمق و بررسی است، نه فقط برای حال بلکه برای آینده های نزدیک و دور نیز.

آیا با این نیروی عظیم سازنده چگونه روبرو خواهیم شد ؟

آیا افکار و اندیشه های اینها را چگونه خواهیم ساخت و چگونه باید بسازیم ؟

آیا آنها را آماده تحولاتی که در پیش داریم خواهیم کرد ؟ این سؤال ها و مانند آنها از جمله صورت مسئله هائی است که با زندگی آینده کشور ما ارتباط دارد و باید که در مقام حل آن باشیم.

اما نکته ای که می خواستم بگویم واقعه ای بظاهر كوچك بود که در مدرسه دارالفنون پیش آمد.

این مدرسه باهتمام میرزاتقی خان امیرکبیر صدراعظم ناصرالدین شاه در محل کنونی آن درخیابان ناصر خسرو دایر گردید.

ساختمان آن چند سال بطول انجامید و بالاخره در سال ۱۲۶۸ هجری قمری افتتاح شد.

در آن زمان امیرکبیر را ناصرالدین شاه به فین کاشان تبعید کرده بود.

دارالفنون اولین مدرسه ایرانی بود که تدریس آن به سبك و روش اروپائی انجام می شد و در هر شعبه آن گروهی به تحصیل علوم جدید مشغول شدند و در حقیقت اولین دانشگاه كوچك ایران بسبك غربی بود که در آن زبان و ادبیات فرانسه، طب، علوم طبیعی، مهندسی، ریاضی، موسیقی و فنون نظامی تدریس می شد.

از هر دو سرطانی یکی درمان می شود

در باره سرطان در دنیا و در ایران دکتر حبیبی يك بحث خواندنی با تلاش در این شماره دارد. اما در میان نوشته هائی كه از برکلی - كاليفرنيا در این زمینه آمده بود چند مطلب قابل توجه هم از دکتر وندل استانی دانشمند امریکائی برنده جایزه نوبل جلب توجه می کرد.

دکتر استانی اکنون در دانشگاه كاليفرنيا در سمت استاد بیولوژی و بیوشیمی تدریس می کند. وی در دهمین کنگره بین-المللی كه اخیرا در شهر هوستون تكزاس تشکیل شد سمت ریاست کنگره را برعهده داشت. در این کنگره شش هزار دانشمند و کار-شناس طبی از ۷۸ کشور شرکت داشتند و حدود یکهزار و شصت پیشنهاد و گزارش علمی درباره انواع سرطان و طرق مداوای آن تقدیم کنگره شد.

دکتر استانی طی سخنانی كه در پایان جلسه ایراد كرد نکات زیر را تذکر داد.

«از طریق مطالعات و تحقیقات و کارهای متعدد تکنیکی كه در صد سال اخیر انجام یافته ما اکنون آماده نبرد با سرطان در اشكال گوناگون آن بوسیله مواد شیمیائی هستیم.» «در بعضی موارد معالجات تا ۸۰ درصد موثر و قاطع بوده و این رقمی است كه در علم الحیات آنرا نزدیک به كمال می توان تلقی كرد.»

«طرق پیش گیری علیه این بیماری را اکنون مردم بهتر درك می کنند. البته جراح و رادیو - تراپیست هم كار خودشان را كامل تر کرده اند بطوریکه اکنون تقریباً از هر دو مریض سرطانی یکی مداوا و معالجه می شود. در صورتیکه تا چندى پیش این نسبت سه به يك بود.»

«در علوم مربوط به مداوای انسان و مخصوصاً در علم ویروس شناسی بزرگترین و مهم ترین پیشرفت ها انجام شده است.»

«ارتباط ویروس با سرطان مخصوصاً مورد توجه قرار گرفته است و مسلم شده كه ویروس ها می توانند موجب پیدایش سرطان در حیوانات

شوند و این امر بامسئله سرطان در انسان هم بی ارتباط نیست. چون مسائل اساسی علم الحیات (بیولوژی) از يك جنس به جنس دیگر تفاوت زیادی نمی کند.

من تصور می کنم ما می توانیم این امر را اعلام داریم كه ویروس ها مسئول بیشتر (اگر نه همه) انواع سرطان هستند. (البته بدن انسان هم از این حكم کلی خارج نیست).

و بنابراین لازم است آزمایش های خود را هم براین اصل کلی و تجربی استوار داریم.

دکتر استانی بیست و یکسال تمام مدیریت آزمایشگاه ویروس شناسی برکلی دانشگاه كاليفرنيا را برعهده داشت.

در آزمایشگاه های ایران هم کارهای جالبی در این زمینه انجام شده و می شود ولی آیارقم مداوای سرطانی ها در ایران اکنون چند در صد است؟ و ده سال پیش چند در صد بوده؟ و برآورد ده سال دیگر چیست؟

و آیا از هر ده نفر ایرانی، مبتلا به سرطان چند نفر در این ده سال اخیر معالجه شده اند؟

این را باید وزارت بهداشتی جواب گو، باشد.

هرك اكبر مشتی

بیش از هفتاد و پنج سال اكبر مشتی دهان مردم کشور را شیرین کرد و پس از نزدیک به يك قرن زندگی رفت.

كام شیرین و لذت از بستنی های ایرانی كه وی با خامه مخصوص درست می كرد خاطره ای است كه همه از وی به یاد دارند.

استقبال مردم، زندگی را برای او آسان و راحت کرده بود. از ثمره زحمت و كارش توانسته بود وسائل خوب و آسوده ای برای زیستن فراهم آورد.

اما هیچگاه از خط خودش و قناعت ذاتی اش رد نشد و پیوسته همان درویش ساده باقی ماند.

هنوز چنك دوم جهانی آغاز نشده بود كه او در خیابان ری حجره كوچكى گرفت و شروع به ساختن بستنی كرد. دیگران هم بستنی می فروختند اما همه مزه بستنی «اكبر مشتی» را یكنار كه می خوردند دوست می داشتند. بستنی او مثل طرز كار خودش ایرانی بود.

باآنكه ثمره كار و تربیت و سلیقه و ابتكارش ثروت قابل توجهی برایش فراهم آورد رفتار اكبرمشتی و برخورد او با مشتریان بهمان گرمی سابق باقی ماند.

محل كار خودش را هم با وجود آنكه جمعیت شهر تهران بسوی شمال و شرق و غرب می رفت عوض فكرد.

مثل روزهای اول كارش همیشه پشت «دخول» بود بامشترها سلام و خوش و بش می كرد و گاه با لطیفه هائی لبان آنها را متبسم می كرد.

اكبر مشتی فرزندی نداشت. دوستان او و آنها كه از ثمره كار او لذت برده اند و كامشان شیرین شده از صدها هزار نفر بیشتر است.

اكبرمشتی يك نمونه از هزارها هزار ایرانی بود كه زندگی خود را وقف كار دیگران می كنند و خودشان نیز از این خدمت راضی هستند و راضی می روند.

قبل از فوت وصیت كرد كه دارائش میان زن و یکی از کارگرایش تقسیم گردد.

مردی عادل بود كه پاس خدمت زن و کسی كه كار دكانش را می كرد نگاه داشت.

كرفنون در كتاب كوروپدی (تعلیم و تربیت كورش) آورده است كه بزرگترین گناه نزد ایرانیان حق ناشناسی و ناسپاسی است. و این تنها گناه را ایرانیان هیچگاه نمی بخشند و از آن چشم نمی پوشند.

اكبر مشتی از این گناه قطعا بدور ماند.

خوشه چین

تلفن و اتوبوس

مردم گله دارند كه خدمات مربوط به تلفن و اتوبوس موجب رضایت آنها نیست.

آنها كه این خدمات را در کشور ما در دست دارند و مسئول اداره آن هستند می گویند با این پولی كه مردم می دهند خدمت بهتری نمی توان تحویل داد.

از اینها گذشته اکنون هم تلفن احتیاج به پول دارد هم اتوبوس رانی و گر نه دولت باید سالیانه مبلغی كمك كند و هر سال از سال دیگر بیشتر.

و این كمك را هم از كجا باید بگیرد؟

البته ناچار از مردم باید بگیرد كه خریدار هستند بطور مستقیم یا غیر مستقیم.

مردم باز انتظار های دیگر دارند. آنها می خواهند تعداد تلفن در همه نقاط تهران و ایران بیشتر شود بطوریکه هر كس در هر كجا تلفن خواست بتواند بگیرد، بدون آنكه منتظر شود؛ با بهای ارزان و سرویس منظم. و مردم انتظار دارند خطوط اتوبوس رانی هم به همه جا كشانده شود تا آنها بتوانند خوب و راحت و ارزان به همه جا بروند.

در صف هم معطل نشوند.

سرپا هم نیایستند. شك هم نیست كه انجام هر كاری در این روزگار ها پول می خواهد.

خوب راه حل كدام است؟ شاید يك راه حل مسئله آن باشد كه مردم و مسؤولین باهم تبادل نظر كنند.

خریدار بگوید چه می خواهد و امكانات مالی او كدام است و فروشنده هم بگوید امكانات انجام كار او با پولی كه در اختیارش می گذارند چیست؟

چه بسا كه خریداران راه حل های درست تر و صحیح تر از مسؤولین بنظرشان برسد.

ترانه مایی از کویر

«بها باد بافت»

کلم از کوه تگ ^(۱) اود پوزه پوزه	برتم چادری از بجر ^(۲) نوزه
ببندم چادری کوتاه نباشد	همش سیم و طلا و نقره باشد
شب مهتاب برنج میثون ^(۳) رف	برای یار به دوزخ میثون رف
برای خاطر بوس لب یار	شب هفتاد فرسخ میثون رف
دلم میخواد نشتم توی سنگر	بیاید قاصدی از پیش دلبر
بیاید قاصدی چشمش بوسم	که شاید دیده باشد روی لبر
ستاره از کنار ماه بدون	دل نوس ^(۴) داد ما از راه بدون
الهی مردمون بد درافتن	که کم کم گفتن و یکبار بدون
سرکوها بدو ^(۵) و میروم من	به سر وقت دل نو میروم من
اگر لطف خدا باشد به یارم	دو صد منزل بیک شو میروم من
نمی خونم که خونم میزنه جوش	نمی خونم که دشمن میکنه گوش
نمی خونم که تا یارم بیایه	سه پنج روزه ^(۶) متا کرده فراموش

کرد آورنده : علی کاده

۱- کلم - کلام - ۲- تگ - پانین - ۳- نوزه - نامزد - ۴- همش - همیش - ۵- میستون - میثون

۶- رف - رفت - ۷- میخواد - میخواست - ۸- نوس - نوساد - نامزد - ۹- دودو - دویدن - میزدن

۱۰- نمی خونم - نمی خوانم - ۱۱- مناس - مرا -

او پدر شده بود

و پسر وقتیکه نتواند چیزی را از مادرش بگیرد به پدر متوسل می‌شود و در مواردی که مادر بیچاره می‌شود و عقلش قد نمی‌دهد می‌گوید ، برو پیش پدرت از او بخواه ، از او سوال کن ، بگذار او تکلیف ترا معلوم کند . پدر یعنی کسی که وقتی بخانه می‌آید فرزند از آمدنش خوشحال نمی‌شود زیرا او می‌پرسد فرزند چه کردی ... در نهایت چطور است؟ صدای موسیقی کرکننده را کمی بواش کن ... لباسهای عجیب و غریب بپوش ، این مدتازه مورد پسند و سلیقه من نیست .

آنوقت زنش به حمایت پدرش بلند می‌شود که ولش کن ، چیکارش داری ، تو هم ناسلامتی به وقتی جوان بودی ، درسته که خیلی از اون زمون گذشته و تو دیگه یادت نمباد ... یا می‌گویی : پول جیبی بیشتر بهش بده ، بچه دست تنگی نکشد . پیش رفقا سرافکنده نشود ... نتیجه چی میشود پدر میشود لولو ، مزاحم ، خسیس ، درك نکن ...

و اگر هم بهمین دستور زنش رفتار کند ، آنگاه خانم خواهد گفت تو پدر شلی هستی ، بایستی جلوی بچه را گرفت . به پسر پول زیاد نده تا قدر پولو بفهمه ، بدونه پول درآوردن یعنی چه ، تو مگه یاد داری رفته پدرت با چه سختی با تو رفتار می‌کرد ؟ بچه عزیزه ولی تربیتش عزیزتره . اگر اینکارو بکنی باز میشی لولو ، مزاحم ، خسیس ، درك نکن ...

وقتیکه جوان‌ها جمع می‌شوند شروع می‌کنند به مسخره کردن پدرشان و گله کردن که پدر ما را درك نمی‌کند ... مثلاً می‌گویند پریروز اتومبیلشو گرفتم رفتم کمی سواری ، تفریح کنم . خوب تقصیر من نبود به هالوئی زد بهم ... خوب له و په کرد . او مدم خونه ، میدونی چی شد آقا ... هیچ چی بهم نگفت ، آخه پیری به چیزی بگو ، میدونی چرا بهم چیزی نگفت؟ مثلاً خواست من خجالت بکشم شرمنده بشم . منم نشدم ...

آره چند شب پیش ، میگم مادر من شب جمعه میرم خونه دوستام و شاید شب نیام خونه . پدرم از اونور اطاق میگه : نه ، تو خونه داری و شب بایستی تو رختخواب خودت بخوابی !

چه حرف بیمزه‌ای ! آدم هر جا تونس باس بخوابه ، می‌بیند او پیر شده نمیدونه که چاره درد اصلی ما جوونا خواب نیست ، رختخواب نیست ، نظم و تربیت نیست ، چاره درد ما آزادی و رهائی از قید و بند پدرها است ...

سایرین هم برایش کف می‌زنند . آری اینست پدر ... ولی دوست ما هنوز نمی‌داند پدر شدن یعنی چه ، او تازه پدر شده ...

شنیدیم که پس از سالها انتظار صاحب فرزندی شده است . همیشه کسل بود که خداوند باو طفلی نداده و اجاقش کور است ، از همه بیشتر مادرش درگوشش زمزمه می‌کرد که پسر جان من می‌خواهم بچه ترا به بینم ، من آرزو دارم قبل از اینکه بمیرم نوه‌ام را در آغوش بگیرم ، اگر فکر میکنی که این زن برای تو بچه نمی‌آورد دختری دیگر برایت دست و پا کنم ...

او میگفت آخر مادر ، زن که فقط برای درست کردن بچه نمیگیرند ... ولی مادرش قانع نمیشد ...

به او تبریک گفتیم او پدر شده بود ، صاحب پسری شده بود .

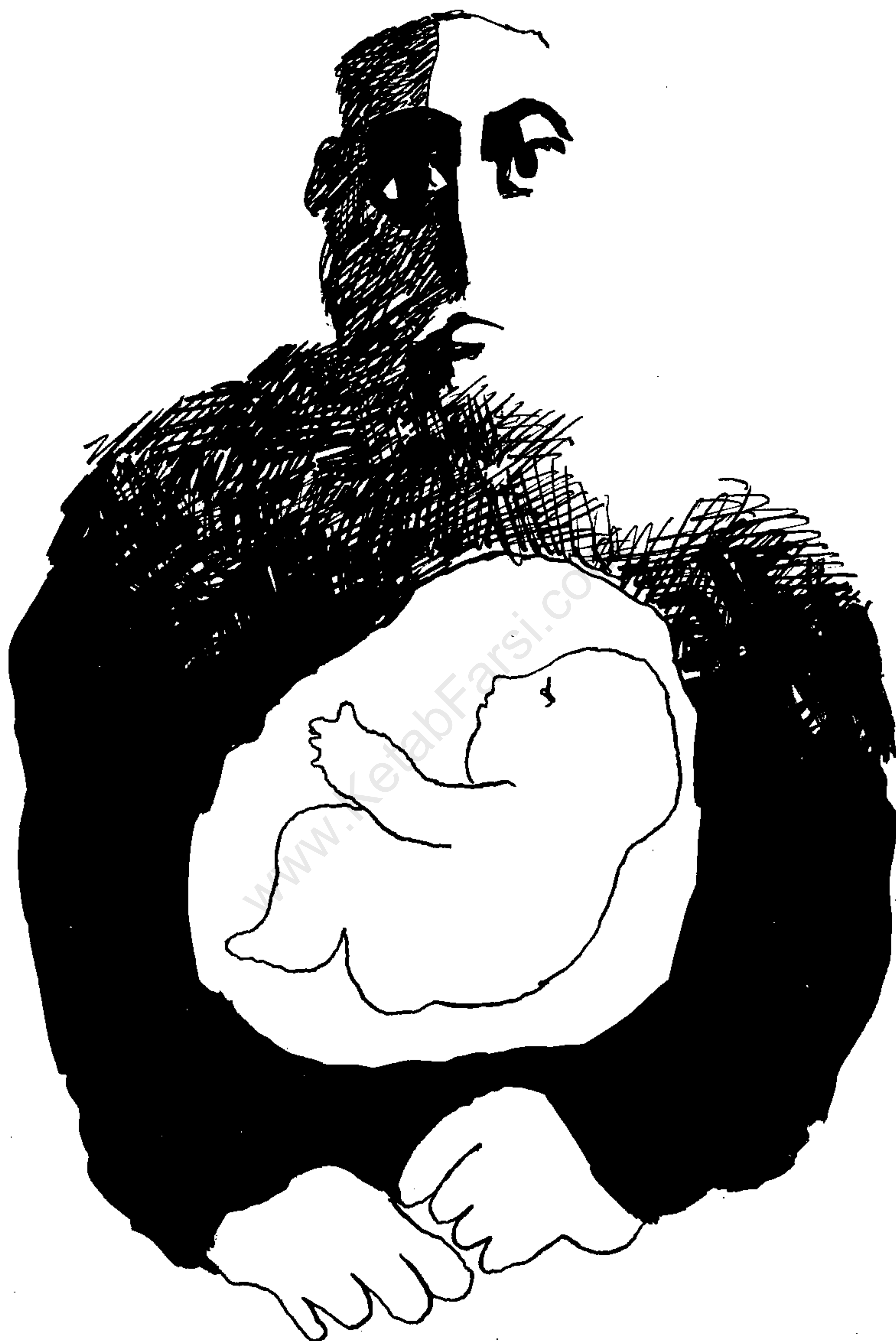
در این چند روز که او را ندیده بودیم قیافه‌اش عوض شده بود . در چهره‌اش رضایت و غرور دیده میشد . آری او پدر شده بود . ولی نمیدانست پدر بودن یعنی چه ...

چند هفته بعد ، دیر سرکار آمد ، رنگش پریده بود . پرسیدم ، چی شده ناخوشی ؟ گفت نه پسر مریض است از وقتیکه بدنیا آمده یکشب درست نخوابیده‌ام ، دایم عر میزنم . خواب ندارد ، شکمش خراب است ...

ولی او نمیدانست که خواب راحت دیگر بچشم او نخواهد رفت . با بزرگ شدن پسرش خواب پدر هم کمتر خواهد شد . او نمی‌دانست که ...

ازین بید همین که از درب وارد شود ، زنش خواهد گفت این بچه تو مرا کشت ، پدرم را در آورد ، بیا بگیرش ، به فکری برای این بچه‌ات بکن ... قدری که بزرگ شود باز زنش خواهد گفت : پسر حرف‌های بد یاد گرفته ... آیا میدانی که زده شیشه پنجره همسایه را شکسته ... آیا میدانی که ...

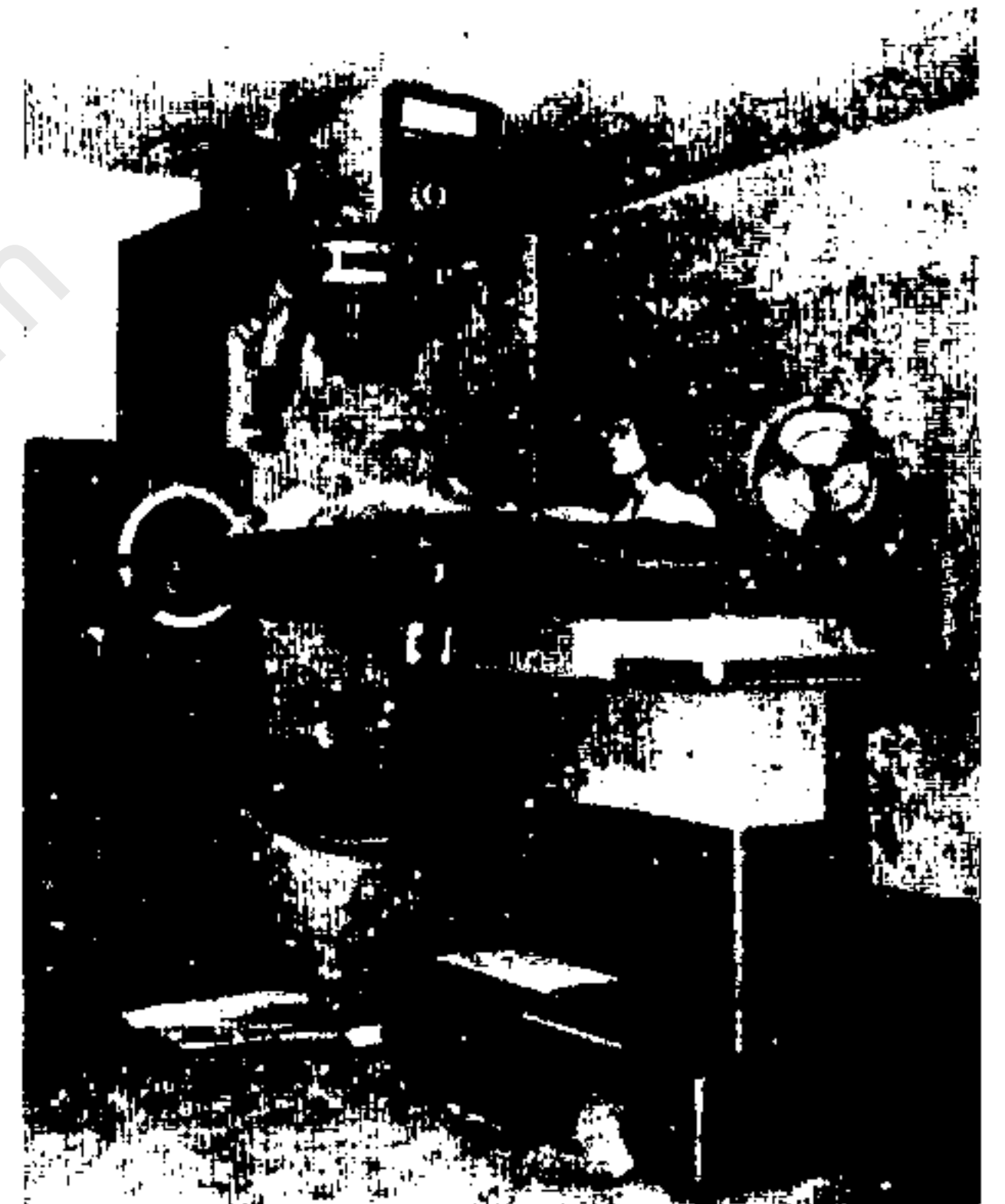
او ، پدر ، ناهار درست نخواهد خورد ، زیرا زنش باو خواهد گفت برو با پسر حرف بزن ، برو تربیتش کن . کتکش بزن ... اگر پسر شیطنت کرد و نمره‌های بد آورد و بی‌تربیتی کرد ، زنت خواهد گفت او بیدارش رفته است ... پدر یعنی همین ...



سرطان



آقای دکتر عبدالله حبیبی



در سال ۱۳۹۹ در تهران متولد شد تحصیلات مقدماتی را در پایتخت کشورمان بیابان رسانید و دانشکده طب را در تهران شروع کرد. در سال ۱۳۳۱ با بورسی که از طرف دولت فرانسه بوی داده شد به بیروت رفت و سال پنجم پزشکی را در دانشکده فرانسوی بیروت گذراند و در سال ۱۹۴۴ (مسیحی) از دانشکده طب بیروت به الجزایر رفت و مدت دو سال در «انستیتو پاستور» الجزایر کار کرد و بعد از پایان جنگ حوادث سالهای ۴۴، ۱۹۴۵ و اشغال اروپا، دکترای دولتی فرانسه را در همانجا گرفت و بعد از پایان جنگ در سال ۱۹۴۶ فرانسه بازگشت وی دو سال در قسمت آسیب شناسی و سرطان مطالعه تخصصی نمود و مدتی هم در انستیتو پاریس کار کرد.

او از سال ۱۳۳۷ به ایران آمد و ۸ سال در انستیتو پاستور کار کرد و در سال (۱۳۳۶) با عنوان دانشیاری قسمت آسیب شناسی بدانشگاه تهران منتقل شد و در سال ۱۳۴۵ به اخذ درجه استادی نائل آمد و اکنون با حفظ کرسی استادی دانشکده، ریاست این انستیتو را هم به عهده دارد.

- اعضای که نزد زن و مرد هر دو وجود دارد ممکن است بدرجات مختلفی مبتلا به سرطان شوند و علت اصلی آن شاید مربوط باشد به مسئله شغل، طرز زندگی، آداب و رسوم مختلفی که بین زن و مرد متفاوت است.
- چون مردها بیشتر سیگار می کشند، سرطان ریه نزد آنها بیشتر است و یا چون مشروب نزد مردان بیشتر استعمال می شود سرطانهای معده و کبد که بالکل رابطه دارند پیش آنها زیاده تر از زنان است و همچنین چون آقایان بیشتر از خانمها در هوای آزاد و در نتیجه زیر آفتاب کار می کنند، سرطان پوست نزد آنها شایع تر از خانمهاست.
- سرطانهای شایع ایران سرطانهای هستند که اکثراً، هم قابل پیش گیری و هم قابل علاج می باشند.
- از سرطانهایی که نسبتاً شایع و قابل پیشگیری و درمان است سرطان پستان می باشد، بخصوص بدون اینکه ایجاد وحشت بکنیم این را باید عرض کنم که این سرطان بیشتر مخصوص خانمهای طبقات بالا است یعنی زنانی که کمتر بچه دارند و کمتر بچه شیر داده اند.
- محدود کردن استعمال سیگار، بخصوص پیش جوانها که متأسفانه می بینیم در سالهای اخیر خیلی شدت پیدا کرده است، ضروری است.
- مسئله مبارزه با سرطان همیشه برای سنین بالا بخصوص از چهل سالگی بعد مطرح است و تقریباً اکثر سرطانهای شایع در همه دنیا مال سنین بالا است.
- در طبیعت، سگ حساسترین حیوانات به سرطان است.
- نباتات هم مبتلا به تومورهای سرطانی می شوند.
- سرطانهای شایع، در درجه اول مربوط به پوست می باشد که خیلی زیاد است و فکر می کنم مقدار زیادی مربوط به اثر آفتاب باشد. آفتاب همانطور که باعث حیات است متأسفانه این اثر سوء را هم دارد، اما مبارزه با این نوع سرطان بسیار بسیار ساده است. باید ذهن مردم را آشنا کرد به اینکه حتی المقدور در آفتاب کمتر کار نکنند و یا اگر مجبور می باشند

- سرشان را با کلاه یا چیز دیگر بپوشانند. از پیراهن‌های بلند استفاده نکنند چون تمام سرطان‌های پوستی که ما می‌بینیم مربوط به قسمتهای باز بدن است.
- سرطان شایع دیگری که داریم و به آسانی قابل پیشگیری است، سرطان دهانه رحم خانمهاست.
 - نا امید نباید بود بدون شك مسئله سرطان حل خواهد شد ولی اگر فکر بکنیم که این مسئله بصورت واحدی حل بشود و يك دليل برای سرطان پیدا بشود با يك معالجه، صحیح نیست.
 - در این چند سال اخیر در امریکا که شاید بیش از همه ممالك دنیا پول برای این کار خرج می‌کند همان سیستم مطالعاتی را که برای تحقیقات فضائی بکار بردند اکنون درباره سرطان بکار می‌برند.
 - گاهی مریض اصلاً خوشش نمی‌آید که راجع به سرطان او صحبت بشود وای به اینکه بگوئیم این فیش را پربکن و اسم و مشخصات را در آن بنویس.
 - واقعاً به يك کادر دست دوم، کادری که باصطلاح عصای دست طیب و متخصص باشد، احتیاج داریم و از این لحاظ واقعاً در مضیقه هستیم.
 - ما واقعاً دلمان می‌خواهد که جدیت بکنیم و تا آنجائی که از دستمان برمی‌آید بجامعه‌مان خدمت نمائیم و امیدوارم که این مشکلات بزودی زود از میان برداشته شود.

تلاش - آقای دکتر بفرمایید سرطان چیست و اولین بار که بشر با این نوع بیماری آشنایی پیدا کرد - کی و در کجا بود؟

دکتر حبیبی - در مورد این سؤال میتوان گفت که بشر از وقتی که خودش را شناخت و بیماریهای دیگر را، سرطان را هم ضمن بیماریهای جدید شناخت و در حقیقت باید گفت سرطان با موجودات زنده بوجود آمده است و مختص انسان نیست ولی متأسفانه چیست آن هنوز به معنی حقیقی علمی حل نشده است.

سرطان بطور کلی عبارتست از يك تغییرات سلولی هم در شکل سلول - هم در نحوه رشد آن و بخصوص در تقسیم سلولی - که در اثر این تغییرات سلول و عدم هم‌آهنگی و همکاری سلولها از حال طبیعی بکلی خارج شده و در نتیجه، رشد فوق‌العاده‌ای پیدا کرده که همین‌ها تومورها یا غده‌های سرطانی (به زبان خیلی معمولی) است.

سرطان کلمه‌ای است کلی که بتمام زبان‌ها هم بصورت کلمه کلی مطرح میشود. ولی آنچه که مطالعات مختلف تقریباً ثابت کرده است - سرطان يك بیماری نیست. سرطان بدون شك مجموعه يك عده از بیماریهای است که وجوه مشترکی با هم دارند. انواع سرطان بسیار است. تمام نسوج بدن و تمام اعضاء بدن به سرطان مبتلا میشود و هر کدام به شکل خاص خودش - با پیشرفت و معالجه اختصاصی - و از همه مهمتر اینکه انواع سرطانهای شایع مثل پوست - پستان و یا سایر اعضای بدن، اینها هم نسبت به تژادهای مختلف افراد نسبت به ممالك و آب و هوا مختلف است می‌توان گفت که هر انسان يك نوع عکس - العمل خاصی باین بیماری نشان میدهد و بنابراین این بیماری نسبت به نقاط مختلف دنیا - وضعیت و شیوعش فرق دارد و به همین دلیل مطالعه و معالجه انواع آن هم مختلف می‌باشد.

اما از لحاظ اینکه کی شناخته شده است؟ میتوان گفت مرضی است که با سایر امراض

دیگر در دنیا شروع شده و مرضی است که اکنون روی مومیائی‌های قدیم مصری هم دیده شده است که غده‌های سرطانی دارند و در اسکلت‌های بسیار قدیمی که پیدا شده غده‌های (که بظن قوی سرطانی بوده) روی استخوان - های آنها دیده شده است.

بنابراین میتوان گفت که مرض تازه‌ای نیست - شاید در ظرف هفتاد سال قرن اخیر بهتر شناخته شده و درباره آن بیشتر مطالعه شده است. و به همین دلیل بنظر منطقی می‌آید که انواعی از آن تازه پیدا شده باشد در صورتیکه در حقیقت ما تازه بوجود اینها پی برده‌ایم و حتماً از قدیم بوده است.

تلاش - آقای دکتر آیا در کتب قدیم طبی ایران ذکری از این بیماری و نحوه مداوای آن شده است و آیا این مداواها شباهتی با طرق کنونی داشته یانه؟

دکتر حبیبی - در پاسخ این سؤال من استناد میکنم به مقاله‌ای که در سال ۱۳۳۴ نوشتم بعنوان «اطلاعات کلی از بیماری سرطان» در آنجا من يك چنین اطلاعاتی تهیه کرده بودم که «بقراط حکیم در چهار قرن قبل از میلاد مسیح عقیده داشته که بیماری سرطان در نتیجه تغییراتی درخون و زردآب تولید میشود».

این عقیده تازمان جالینوس و حتی دوره دکارت، متداول بوده ولی دکارت دامنه مطالعه را وسیعتر نموده و معتقد شده بوده که آشفته‌گی‌های لنف در بدن نیز به ایجاد سرطان کمک میکند. و نخستین کسی که عقاید نسبت به صحیح‌تری درباره سرطان داشته جراح معروف فرانسوی بنام «آمبرازپاره» بوده که زخمهای سرطانی را «شانکر» می‌نامیده و آنها را به چند نوع تقسیم می‌کرده است.

اما راجع به دانشمندان ایرانی، آنها هم مطالعاتی داشته‌اند، رازی در کتابهای «حای» و «منصوری» فصلی راجع به سرطان و درمان آن نگاشته است و بخصوص در مقاله نهم کتاب منصوری از سرطان رحم

و درمان آن صحبت میکند و بطور کلی سرطانها را يك ورم شدید سودایی (درست اسمی است که استعمال میکند) میدانسته است. اهوازی در کتاب خود سرطان را عبارت از يك ورم شدید سودایی میدانده که در عروق تولید میشود و میگوید گاهی سرطان اندام بیمار را میخورد و ایجاد زخمی مینماید و در این حال زخم سرطانی بصورت گوشت‌سرخ یاسپاه یا سبز رنگی است که در هر يك از این حالات دلائل مخصوص و پیشرفت مختلفی را دارا است. اینها عقاید قدما راجع به سرطان بود.

و اما درباره مسأله درمان که سؤال کردید - باید بگویم که همه جا صحبت از چاقوی جراح بوده که تقریباً اکنون هم پایه و اساس معالجه سرطان همین چاقوی جراح در درجه اول و حذف کردن غده سرطانی است.

تلاش - ممکن است مختصری از موجبات بروز آنرا در بدن انسان بفرمائید.

دکتر حبیبی - باید گفت مکانیسم سرطانی شدن باز مثل مسأله خود سرطان هنوز شناخته نشده است ولی علل و عواملی که در ایجاد سرطان مؤثر است ذکر شده و بقدری زیاد است که زیاد بودن این دلایل و علل خود دال بر این است که هنوز ما دلیل حقیقی را نمی‌دانیم ولی آنچه را که باید قبول کرد این است که سرطان همانطور که يك مرض نیست يك علت هم ندارد بلکه مجموعه‌یی از علل و عوامل هست که این مجموعه بایستی دور هم جمع بشود تا بروز سرطان را باعث گردد و این یکی از مسایلی است که تقریباً روشن شده است که سرطان موجبات و علل مختلف و متنوعی باید داشته باشد.

برای سرطانی شدن يك بافت يك دسته علل و عوامل داخلی در کار است که مربوط به ساختمان ژنتیک شخص و گروه‌های اقوام مختلف و تژادهاست و شاید هم تعادل هورمونی این افراد مؤثر باشد.

و يك دسته دیگر علل و عوامل خارجی در کار است که مربوط میشود بوضع زندگی

افراد شغل و حرفه و محیط جغرافیائی زندگی و بطور کلی تأثیر محیط . از جمله علل و عوامل خارجی باید تأثیر موادشیمیائی - خوراك و اختلالات غذائی - عوامل فیزیکی و هورمونها و ویروسها را نام برد که بحث درباره آنها بدرازا خواهد کشید .

تلاش - آقای دکتر در مورد انواع سرطان که چند نوع میباشد و اینکه آیا این انواع با شرایط اقلیمی هم رابطه ای دارند یا نه توضیحی بفرمائید ؟

دکتر حبیبی - همانطور که عرض کردم - باید بگویم که تمام سلولهای بدن و تمام اعضاء بدن میتوانند مبتلا به سرطان شوند و از خون که از يك بافت مایع است تا استخوان که سخت ترین نسوج بدن انسان میباشد و از پوست سطحی بدن تا عمقی ترین عضو بدن مثل مغز - کبد - طحال و معده - تمام این اعضاء مبتلا به سرطان میشوند یعنی در هر کجای بدن که مایک سلول طبیعی داریم - این سلول میتواند تغییر ماهیت دهد و تبدیل به سلول سرطانی شود پس میتوان گفت که انواع آن به همان تعداد است که ما در بدن انواع سلول و نسج داریم .

اما مسأله شرایط اقلیمی که قبلاً گوشزد کردم محرز است که این شرایط در ایجاد سرطان دخالت دارند و بهمین دلیل مطالعه وضع و انواع سرطان در هر مملکت و هر ناحیه و در هر قومی باید بطور جداگانه انجام بگیرد . بهمین دلیل مطالعاتی که در امریکا شده اکثراً بدرد ایران نمیکورد و همچنین مطالعاتی که در ایران شده بدرد هندوستان نمی خورد . مطالعات هندوستان مثلاً بدرد ژاپن نخواهد خورد پس هر مملکتی باید مطالعه خاصی بکند و علت اینکه در هر مملکتی يك مؤسسه مطالعه سرطان به اسم انستیتوی سرطان تأسیس میشود برای همین منظور است که مسائل محلی مورد مطالعه قرار گیرد برای نمونه مثلاً در ژاپن یکی از فراوان ترین سرطانها سرطان معده است - در صورتی که این نوع سرطان در ایران نسبتاً کم و در اروپا کمی بیشتر از ایران و در ممالك امریکائی هم شاید حدود اروپا است .

در مملکت ما چند سالی است که بنده خودم راجع به « اپیدمیولوژی » و طرز شیوع انواع مختلف سرطان کار میکنم . سرطان پوست شایع ترین سرطانی است که داریم و این نوع سرطان در حدودی است که میتوان گفت يك پنجم مبتلایان سرطانهای مملکت را تشکیل میدهند . در افریقا مثلاً سرطان کبد بسیار فراوان است و در اروپا سرطان « پروستات » و روده بزرگ . و اینها انواعی است که خوشبختانه ما نسبتاً کم داریم . در هندوستان سرطان دهان و حلق زیاد است در مقایسه آماری که بنده خودم با ممالك همجوارمان کردم می بینم که حتی با عراق که واقعاً از لحاظ



جغرافیائی و اقلیمی این اندازه نزدیکی و شباهت داریم باز هم بسیاری از انواع سرطانهای ما با آنها فرق دارد. ولی در عوض برخی از سرطانهای نواحی شمال ایران شبیه به سرطانهای ترکستان روسیه است زیرا از لحاظ اقلیمی و آداب و رسوم زندگی شباهتی بین دو قوم وجود دارد.

تلاش - آقای دکتر ارتباط این بیماری با مواد غذایی چیست - چه شنیده شده که مواد کنسرو شده اگر زیاد بماند شاید باعث فعل و انفعالاتی که بین حاوی و محتوی رخ میدهد سبب بروز نوعی از این بیماری در شخص مصرف کننده خواهد شد. ؟

دکتر حبیبی - در مورد این مسأله هم باید بگویم که باز برمی گردیم به اینکه چون دلیل اصلی را نمی دانیم مرتباً دلایل مختلفی می سازیم. ولی آنچه که بطور کلی ثابت شده است این است که بعضی از موادی که بصورت خوراکی مصرف میکنیم حال غذایی هم اسمش را نگذاریم بهتر باشد مثل الکل - بدون شك در ایجاد سرطان معده و کبد مؤثر است در ژاپن سرطان معده بسیار زیاد است و چون معده ناحیه ای است که مواد غذایی وارد آن میشود در نتیجه بنظر می آید که مواد غذایی این قوم که با اقوام دیگر فرق دارد باعث این شیوع باشد و یا در هندوستان که سرطان حلق و دهان خیلی زیاد است علت آن استعمال موادی است که میجوند و از برگ مخصوصی تهیه میکنند و دائماً در دهانشان نگه میدارند و در داخل برگ، مخلوطی از مواد رنگی و معطر و مقداری آهک وجود دارد و حتماً تحریکی که این مواد ایجاد میکند باعث سرطان دهان و حلق میشود این است که بطور کلی بعضی از مواد خوراکی در تولید سرطان مؤثر است. چندی پیش که کنگره سرطانی در «هوستون» امریکا بود روزنامه های اینجا با حروف درشت نوشتند که خوردن کباب باعث سرطان میشود. البته بعضی از مطبوعات این موضوع را بطور مسخره منتشر کرده بود و واقعاً باید از آنها کله کرد در صورتیکه این موضوع حقیقتاً پایه علمی دارد. بطور کلی چون در دود مواد سرطانزا موجود است - اکنون موادی را در دود می شناسیم که تولید سرطان میکند ولی نه اینکه حکم کلی بکنیم - و خوب وقتی که شما گوشتی را دود دادید حالا چه بصورت کباب خودمان باشد و چه بصورت ماهی دودی یا فرضاً ژامبونی باشد که دود داده اند، بطور کلی غذاها و گوشت های دودی در اروپا و امریکا خیلی زیاد است این است که این موادی که در دود بود داخل مواد خوراکی می روند و ممکن است که باعث ایجاد سرطان بشود. در نتیجه دامنه این بحث وسیع است اما نه مطمئن است و نه میتوان نفی کرد.

مطلب دیگر استعمال مواد تحریک کننده

و سوزاننده است که ممکن است در ایجاد سرطانهای حلق و مری مؤثر باشند و مطالعه درباره آنها همواره ادامه دارد.

تلاش - آقای دکتر اگر چه به این سؤال در خلال پاسخهایتان اشاره فرمودید ولی هر چند گاه یکبار می شنویم و یا میخوانیم که متخصصان چیزی را سبب بروز یا حدوث سرطان می دانند. مثلاً چای - برنج و از همه مهمتر توتون بفرومائید اینها تا چه اندازه حقیقت دارند و آیا کشورهای خارجی بخاطر تبلیغات سوء یا حس استفاده هایی نیست که از این راه می خواهند به دستگاهها و یا اشخاص برسانند ؟

دکتر حبیبی - بگذارید مسأله توتون را کنار بگذاریم و راجع به آن بطور جداگانه صحبت بکنیم. اما راجع به قسمت اول باز باید برگردیم به همان حرفی که در اول زدم حقیقتاً چون علت این بیماری روشن نیست و چون بیماری خیلی متنوع است يك عده از کسانی که روی سرطان کار میکنند و بعضی از آنها شاید بعلمت اینکه آدمهای عجولی باشند فوراً چند مورد بیماری را که دلیل مشترك دارند شاهد می آورند و به يك مقاله تبدیل می کنند. و چون موضوع سرطان واقعاً جزو خبرهای داغ روزمانها و مجلات است آنها هم فوری آنرا گرفته و در معرض افکار عمومی میگذارند این است که میتوانیم بگوئیم مقدار زیادی از این کارها واقعاً عجولانه میشود. همکاران خود ما و کسانی که در قسمت مربوط به سرطان کار میکنند گهگاه عجولانه چیزی مینویسند و یا يك اطلاعاتی به روزنامه و مجلات میدهند و فوری در ظرف ۲۴ ساعت در تمام دنیا منتشر میشود که شاهد آن هستیم. و برای خود ما اغلب اتفاق افتاده است که با ما تماس تلفنی میگیرند و بابه انستیتو تاج پهلوی مراجعه میکنند که در روزنامه خوانده ایم یا از رادیو شنیده ایم که فلان دارو برای این بیماری پیدا شد و یا فلان چیز تولید سرطان میکند. این است که حقیقتاً مردم راجع به سرطان تشنه خبر هستند. اینست که اخبار درباره این موضوعات را تا اندازه ای باید با قید احتیاط قبول کرد و تا زمانی که دلائل علمی محکمی راجع به آن بدست نیاید نباید این مطالب را بپذیریم این است که تبلیغات روزنامه ای سرطان در عین اینکه برای مردم مفید است گاهی باعث گمراهی و بعضی اوقات موجب ناراحتی آنها میشود.

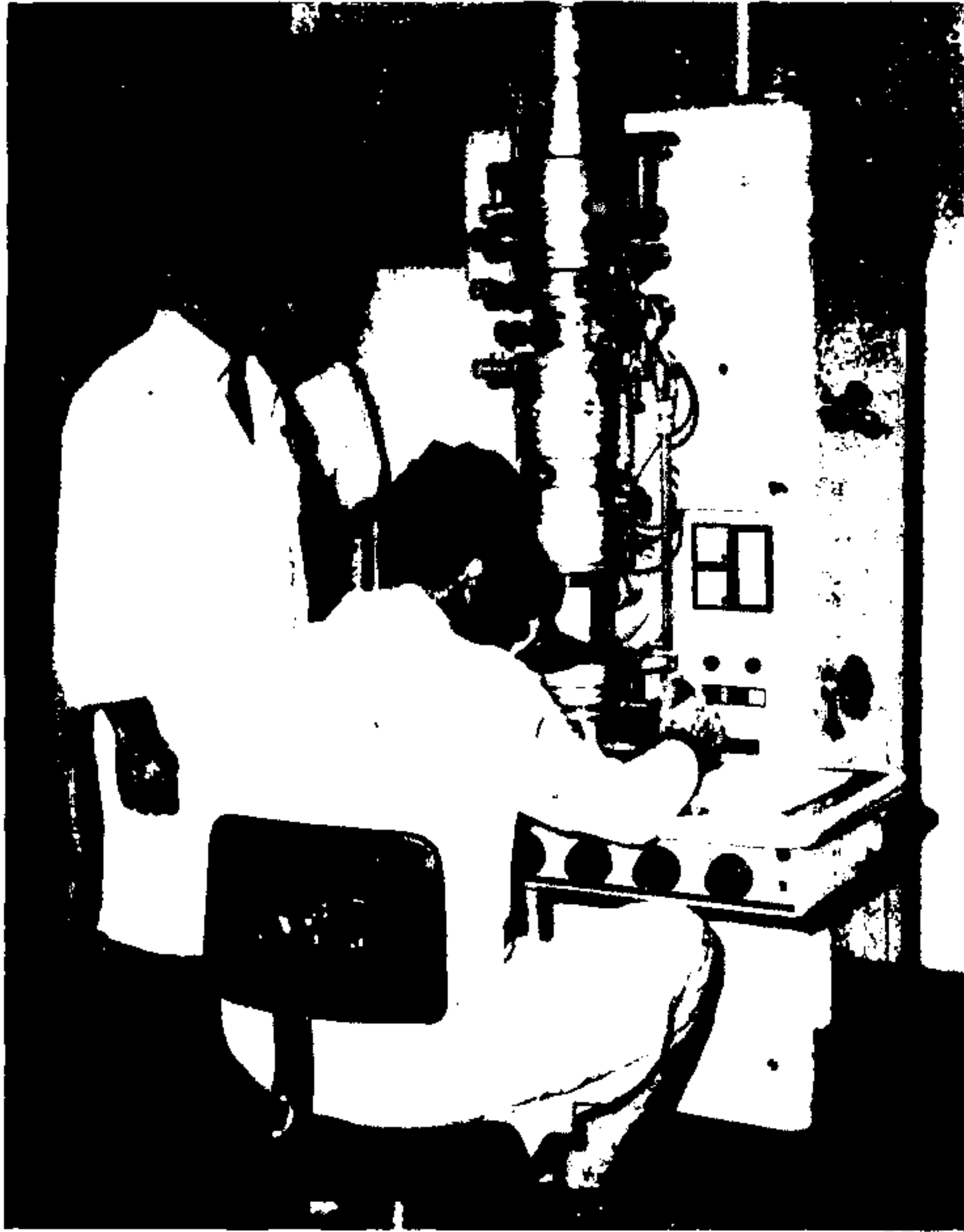
اما مسأله توتون و سیگار که مطرح کردید. بنده خودم چندی پیش در همان موقعی که روزنامه ها راجع به توتون و - سیگار گزارش کمیسیون امریکایی را منتشر کردند مقاله مفصلی در این باره نوشتم. بدون شك سیگار در ایجاد سرطان مؤثر است همانطوریکه در ایجاد ناراحتی های قلبی و ریوی مؤثر است - این صد درصد ثابت

شده است، ولی بلافاصله باید بگویم که نایستی فکر بکنیم که اگر کسی چند دفعه ای به سیگار لب زده و چندتا سیگاری میکشد - فوری ناراحت بشود و هر ناراحتی ریوی که پیدا میکند به حساب سرطان بگذارد و گمان برد که به سرطان مبتلا شده است.

مسأله ایجاد سرطان در نتیجه استعمال سیگار هم از راه تجربه ثابت شده و هم عملاً بدین ترتیب که خود سیگار را به حیوان داده اند و کشیده این کار را در روسیه کرده اند عکسش هم در یکی از مجلات بود - بدین ترتیب که دستگاهی روی پوزه خرگوش گذاشته اند و همینطور که نفس میکشید دود سیگار را وارد ریه می کردند و یا دستگاهی ساخته اند که صدا را سیگار را روی دستگاه میگذارند و سیگارها را روشن نموده دستگاه هوا را میمکد. بعد شیر سیگار درون دستگاه را میگیرند و روی حیوانات مختلف آزمایش میکنند. البته تمام این تجربه ها روی حیوانات بوده است ولی بدون شك استعمال مقدار زیاد سیگار برای مدتی طولانی در ایجاد سرطان ریه مؤثر است اما اینکه گفتید آیا جنبه تبلیغاتی یا تجارتي دارد - با کمال تأسف باید بگویم که عکس این موضوع است. بدین معنی که اگر دول - خاصه دول بزرگ - از راه فروش سیگار استفاده ای نداشتند یعنی عایدی و نفع کلانی برای ممالک ایجاد نمیکرد - بدون شك مبارزه با سیگار شدت بیشتری پیدا میکرد. و چون در اکثر ممالک سیگار در انحصار دولت ها است و یا دول مزبور حق برای آن میگیرند این است که دولتها چندان علاقمند به مطالعات و نتایجی که دانشمندان در این مورد گرفته اند - نیستند. و واقعاً باید گفت که کوچک ترین ترتیب اثری به این نتایج نمی دهند. و میدانید که اخیراً در امریکا سازندگان سیگار را مجبور کرده اند روی تمام بسته های سیگار که برای مصرف داخلی امریکا است بنویسند «استعمال توتون ممکن است برای سلامت شما مضر باشد» ولی این مطلب را روی بسته های سیگارهای صادراتی آنها نمی بینیم.

این است که تبلیغات متخصصان برای اینکه سیگار را محکوم بکنند هنوز بجائی نرسیده است چون قدرت دولتها در این کار بیشتر است و این کاری است که حتماً باید بشود و محدود کردن استعمال سیگار - بخصوص پیش جوانها که متأسفانه می بینیم در سالهای اخیر خیلی شدت پیدا کرده است - ضروری است. چون همانطوریکه گفتیم مسأله مدت زیاد و تعداد زیاد سیگار در روز مهم است در نتیجه کسانی که از سنین پایین شروع میکنند - متأسفانه باید منتظر نتایج بدی برایشان بود.

آمار مبتلایان به سرطان ریه و مقایسه آن نزد افراد سیگار کش و افراد غیر معتاد بخوبی شیوع سرطانهای ریه را نزد معتادان به سیگار ثبوت رسانیده است و این امر مطالعات تجربی



سرنگ و سوزن بجای لوله معده برای انتقال
انواع مواد سرطان زامورد استفاده قرار می گیرد

را که در این زمینه انجام گرفته من تأیید میکند.
تلاش - آقای دکتر در مورد ارتباط
سرطان با صنعت و پیشرفت روزافزون آن
مختصری توضیح بفرمایید و آیا آماری در
دست هست که فرضاً در کشورهای صنعتی
مبتلایان این نوع بیماری بیشتر از سایر کشورها
مثلاً فلاحتی و میباشد؟

دکتر حبیبی - مسأله اثر صنایع مختلف
روی سرطان از مسائلی است که سالها در باره اش
مطالعه کرده اند و مواد مختلفی که صنعت
یا بصورت محصول - یا بصورت مازاد و یا
بصورت گردوغبار و دود ایجاد میکند، بدون
شک در ایجاد سرطان مؤثر است. مثلاً یکی
از سرطانهای شغلی که برای اولین دفعه به
آن توجه کردند سرطان کسانی است که
در کشور های غربی با دوده رابطه دارند و
دودکشها را پاک میکنند.

دانشمندان متوجه شدند که بیشتر این
کارگران مبتلا به سرطان پوستی میشوند و
تعداد آنها روز به روز زیادتر میشد. پس از
مطالعات زیاد و دیدن موارد بیشتری از
این بیماری دانشمندان متوجه شدند که
در دوده موادی وجود دارد که باعث ایجاد
سرطان میشود. و همچنین کسانی که
در کارخانه های رنگ سازی کار میکنند مبتلا
به بعضی از سرطانها میشوند که با شغلشان
رابطه دارد و از همه مهمتر مسأله سرطان ریه
است که به موازات صنعتی شدن ممالک زیاد
شده است. در اوائل قرن اخیر سرطان ریه
جزء یکی از بیماریهای نادر بود و بیماری
بود که فقط در شهرهای بزرگ دیده میشد
ولی همینطور که صنعت پیشرفت کرد و
بخصوص آلودگی هوا که بعلمت صنایع مختلف
پیش آمده - تعداد مبتلایان سرطان ریه زیاد
شده است و از شهرهای بزرگ به شهرهای
کوچکتر که صنعتی شده اند رسیده است و
حتی اخیراً از شهرهای کوچکتر به نواحی
کوهستانی هم رسیده است. و این فقط بعلمت
آلودگی هواست که متأسفانه از شهرها به
نواحی کوهستانی دارد سرایت میکند. پس
میتوان گفت که پیشرفت تمدن و صنعتی شدن
ممالک در ایجاد برخی از سرطانها بی اثر
نبوده و در این هیچ شکی نیست و باید این
موضوع را بحساب بیاوریم. یک نکته راهم
باید توجه بکنیم و آن اینست که با صنعتی
شدن ممالک و پیشرفت بشر سن متوسط مردم
هم بالا رفته است و چون سرطان در سنین
بالا تر فراوانتر است بنابراین بموازات پیشرفت
تمدن بطور مصنوعی بنظر میرسد که موارد
سرطان ایجاد شده است و این امر نباید بحساب
تمدن یا صنعتی شدن گذاشته شود.

تلاش - آقای دکتر ممکن است درباره
چگونگی تشخیص این بیماری توضیحی
بفرمایید؟

دکتر حبیبی - مسأله تشخیص سرطان
یکی از حیاتی ترین و اصلی ترین مسائل

است. بنده يك جمله بگویم که دلم میخواهد این جمله باخط درشت و در همه جا نوشته شود که: «سرطان بیماری علاج پذیری است بشرط اینکه بموقع تشخیص داده شود» این مسأله آنقدر اهمیت دارد که ما اگر واقعاً موفق بشویم سرطانها را بموقع تشخیص داده و درمان کنیم بیش از نصف سرطانها را میتوانیم کاملاً درمان کنیم و بیماری را بکلی ریشه کن نماییم. بهمین دلیل است وسائل تشخیص خیلی پیشرفت کرده است و بایستی روز بروز مراکزی را که برای تشخیص سرطان کار میکنند توسعه بدهیم و در همه جا در اختیار مردم بگذاریم تا مردم هرچه زودتر بتوانند به این مراکز مراجعه بکنند و متخصصان اقدام به تشخیص بیماری آنها بنمایند و هرچه زودتر مریض را به دست متخصصان درمانی سپارند در اینجا به استفاده کرده و این موضوع را عرض کنم که بعلمت همین مسأله است که برای رسیدگی به مریض سرطانی اعم از تشخیص - درمان و مطالعات علمی - در همه جای دنیا مؤسساتی تأسیس میشود که تمام این وسائل را یکجا دور هم جمع می کنند تا بتوانند در اسرع وقت اقدام به تشخیص و درمان مریض کنند. و باز باید بگویم که بعلمت همین مسئله لزوم تشخیص بموقع است که باید بگوئیم بیماری سرطان از آن بیماریهایی است که طبیب باید بدنبال مریض نبود تا او را در مراحل خیلی ابتدایی پیدا بکند و تشخیص بیماریش را بدهد و برای معالجه و درمان به متخصص مربوط بسپارد و بیماری سرطان برخلاف امراض دیگر است که طبیب در اتاق یا بیمارستان و یا مؤسسه اش بنشیند تا مریض مراجعه بکند.

تلاش - آقای دکتر بفرمایید آیا رابطه بین سرطان با سن و جنس او وجود دارد یا نه مثلاً نوعی از آن بین پیران و نوع دیگر در بین جوانان رایج باشد - همچنین بین زنان و مردان؟

دکتر حبیبی - بطور خیلی خیلی کلی باید بگویم سرطان بیماری پیری است. البته سرطانهای وجود دارد که در جوانها و در نوجوانان و حتی نوزادان - دیده میشود ولی انواع آن نسبت به جمع کل سرطانها بسیار محدود و نادر است. بهمین دلیل مسأله مبارزه با سرطان همیشه برای سنین بالا بخصوص از چهل سالگی ببعد مطرح است و تقریباً اکثر سرطانهای شایع در همه دنیا مال سنین بالا است. موضوعی که در سالیان اخیر شاید جلب توجه کرده و بصورتی غیر طبیعی نمودار میشود اینست که بیماری سرطان در حال ازدیاد است. باید توجه داشت که سن متوسط انسان در سالهای اخیر دارد بالا میرود. پس همینقدر که سن متوسط انسان بالا میرود یعنی تعداد افراد مسن در جامعه زیادتر بشود - بهمان درجه هم به تعداد سرطانیها افزوده میشود. این چیزی است که

کاملاً واضح و آشکار است و ثابت شده است اما مسئله جنس هم که پرسیدید کاملاً و بطور وضوح روی برخی از سرطانها مؤثر است البته بگذریم از اینکه بعضی از سرطانها خاص جنس زن و اعضای است که فقط در بدن زن است متأسفانه باید گفت که سرطانهای دستگاه تناسلی زنان جزء سرطانهای شایع در تمام نقاط دنیاست «پرنوستات» و بیضه که نسبتاً زیاد مبتلا به سرطان میشوند خاص جنس مرد میباشد. ولی اعضای که نزد زن و مرد هر دو وجود دارد ممکن است بدرجات مختلفی مبتلا به سرطان شوند. و علت اصلی آن شاید مربوط باشد به مسأله شغل - طرز زندگی - آداب و رسوم مختلفی که بین زن و مرد متفاوت است. مثلاً چون مردها بیشتر سیگار میکشند - سرطان ریه نزد آنها بیشتر است و یا چون مشروب نزد مردان بیشتر استعمال میشود سرطانهای معده و کبد که با الکل رابطه دارند پیش آنها زیادتر از زنان است و همچنین چون آقایان بیشتر از خانمها در هوای آزاد و در نتیجه زیر آفتاب کار میکنند - سرطان پوست نزد آنها شایع تر از خانمهاست. این است که بعضی از انواع این بیماریها صدها درصد به مسأله جنس مذکر و مؤنث بودن مربوط میشود ولی اکثراً به نوع شغل و نوع فعالیتی که زن و مرد دارند و یا بطور کلی به استعداد جنسی مربوط میباشد.

تلاش - آقای دکتر توضیحی در مورد دوران رشد سرطان در بدن بفرمایید - چه شنیده شده است که ممکن است رشد این بیماری در بدن دو نفر در یکی سریع و در دیگری کند باشد - آیا این موضوع علت خاصی دارد؟

دکتر حبیبی - بطور کلی عکس العمل هر بدنی در مقابل هر بیماری - اگر بخواهیم درباره این موضوع بطور اعم صحبت بکنیم - با هم فرق دارد. يك ضرب المثل طبی فرانسوی هست که میگوید «مریض وجود دارد مرض وجود ندارد» فرضاً دو تا بچه از بچه ثالثی «دیفتری» میگیرند - هر دو را بموقع پیش طبیب میبرند و تحت يك شرایط معالجه میکنند - ولی میبینیم که در یکی منجر به عوارض سخت عصبی و حتی مرگ میشود و دیگری بلافاصله خوب میشود. در تمام بیماریها این موضوع صادق است.

در مورد سرطان هم کاملاً این موضوع حقیقت دارد برای اینکه پیشرفت سرطان در بدن مراحل تند و کند و حتی مرحله توقفی دارد طول مدت این مراحل نزد بیمارانی که يك نوع سرطان دارند متفاوت است و مربوط به شخص بیمار و عکس العمل بدن او در مقابل غده سرطانی است. بارها اتفاق افتاده است که مادیده ایم دو نفر از لحاظ ظاهری سرطانشان بهم شبیه بوده و سن آنها تقریباً یکسان و بیمارانشان از يك جنس هم بوده است و از لحاظ

میکروسکوپی و تشخیص هم نوع سرطان آنها کاملاً یکی بوده ولی پیشرفت بیماری نزد دو بیمار متفاوت بوده و یکی از بیماران به معالجات جواب منفی داده و برخلاف معالجه بیمار دیگر بسیار مؤثر واقع شده و از پیشرفت بیماری جلوگیری شده است. این است که این نوع مسأله حقیقت دارد و پیشرفت سرطان هم نسبت به بیماران و افراد مختلف - متنوع و مختلف است و در ضمن برخی از افراد نسبت به پیشرفت سرطان يك نوع حالت دفاع و واکنش از خود نشان میدهند.

تلاش - آقای دکتر بفرمائید تاکنون از این آزمایشهای گوناگون و کوششهای پی گیری که روی حیوانات مختلف انجام میگردد چه نتایج مثبتی بدست آمده است و اصولاً انواع این بیماری در حیوانات هم دیده شده است؟

دکتر حبیبی - اجازه بفرمائید قبلاً بقسمت دوم سؤال پاسخ دهم و آن اینست که بیماری سرطان مختص انسان نیست و تمام موجودات زنده باستانی تا سگ و گاو و پرنده و به سرطان میشوند ولی شدت شیوع نزد موجودات مختلف متفاوت است مثلاً در طبیعت، سگ حساسترین حیوانات به سرطان است و تومورهای سرطانی بطور طبیعی نزد این حیوان شایع است و نیز این بیماری در نزد موش سفید کوچک و بزرگ بسیار شایع است در صورتیکه اسب - گوسفند و خوک جزو حیواناتی هستند که کمتر به غده های سرطانی مبتلا میشوند.

در مورد حیوانات آزمایشگاهی موش سفید کوچک و بزرگ بسیار حساستر از خرگوش و خوکچه هندی میباشد.

نباتات هم مبتلا به تومورهای سرطانی میشوند و اغلب بصورت غده هائی بر روی شاخه درختان یا ساقه نباتات دیده میشود در مورد مسأله سرطانهای تجربی که روی حیوانات انجام میگردد باید گفت که حیوانات آزمایشگاهی در مورد سرطان مانند سایر بیماریهای دیگر وسیله خوبی برای مطالعه می باشند این مطالعات از چند راه انجام میگردد اول اینکه موادی عوامی که سرطانزا شناخته میشود مورد آزمایش قرار میگردد و اثر آنها روی حیوانات حساس مطالعه می - گردد که آیا تولید سرطان میکنند یا خیر و نوع سرطان چیست؟

دوم اینکه برای مطالعه پیشرفت و قابلیت انتقال تومورها در مواردی بافت سرطانی را به حیوانات پیوند میزنند و مطالعه پیشرفت بیماری و مقاومت بدن حیوان مورد نظر قرار میگردد. سوم اینکه نزد حیواناتیکه با آنها تومورهای سرطانی پیوند شده است اثر داروها و مواد شیمیائی مختلف مورد بررسی قرار می گیرد و از اینراه اثر درمانی مواد مختلف تعیین میگردد.

برای این منظور در آزمایشگاههای



تحقیقات سرطان تعدادی حیوانات حساس خصوصاً موش‌های سفید کوچک و بزرگ نگهداری میشود و برای این منظور مورد مطالعه قرار می‌گیرد. البته این مطالعات در جهت تحقیقات درباره علل ایجاد سرطان و داروهای ضد سرطانی کمکی به علم سرطان شناسی مینماید.

قسمتی از این تحقیقات توسط همکاران ما در انستیتو تاج‌پهلوی انجام میگردد و نتایج جالبی هم گرفته‌ایم که در مطبوعات علمی منتشر شده است.

تلاش - آقای دکتر ممکن است مختصری درباره انواع و طرق مداوای این بیماری اعم از جراحی - اشعه بمباران - داروها و غیره بفرماید؟

دکتر حبیبی - مسأله درمان سرطان در درجه اول در صورت امکان حذف غده اولیه سرطانی است. چون علاوه بر اینکه این غده روز بروز رشد و پیشرفت میکند، ممکن است این سلولها در نتیجه مجاورت با اعضای دیگر داخل آن اعضا بشوند چه این سلولها می‌توانند از راه لنف در درجه اول و در درجه دوم از راه خون بنقاط دیگر مهاجرت کنند. سلولهای سرطانی معمولاً خیلی زود از بافت سرطانی اولیه کنده شده و در جریان خون و لنف قرار میگیرند و به نقاط دیگر بدن حرکت میکنند این است که اولین مرحله درمان سرطان حذف همین غده اولیه است. البته گاهی برداشتن غده اولیه برای مامقودور نیست در این صورت متأسفانه دستان کوتاه است و کاری نمیتوانیم انجام بدهیم - برای برداشتن غده سرطانی در درجه اول خیلی طبیعی است که فکر کنیم چاقوی جراح است که اینرا می‌برد و بر میدارد و شاید در اکثر موارد هم بزرگترین کمک را جراحان کرده و غده اولیه را حذف مینمایند. ولی در برخی از سرطانها که عمل جراحی مقدور نیست و یا بصلاح بیمار نیست بجای استفاده از چاقوی جراح از اشعه «x» و تمام تشعشعات مختلف دیگری که اکنون در اختیار داریم استفاده میشود و بوسیله این تشعشعات سلولهای سرطانی را که معمولاً حساستر از سلولهای طبیعی و سالم بدن هستند در محل از بین میبرند - بنابراین در برخی از موارد بجای استفاده از جراحی از سوزنهای رادیوم یا دستگاههای کبالت یا رادیوترایی، بطور کلی، استفاده میکند و سلولهای غده سرطانی یا زخم اولیه سرطانی را از بین برده و پاک میکنند. البته این مرحله اولیه درمان است و اغلب بعد از این مرحله اول (جراحی) برای اینکه اطراف غده اولیه مقداری سلول پخش نشده باشد، از اشعه «x» یا کبالت استفاده میشود و سلولهایی را که در اطراف غده اولیه نفوذ نموده‌اند با تشعشعات از بین میبرند. مرحله دیگر درمان استفاده از مواد شیمیائی است که امروزه در اختیار

اطاق عمل بخش جراحی سرطان

شده است یعنی که عدمای از مردم که به سرطان مبتلا میشوند بیماریشان مانند بیماری های دیگر معالجه میشود و بعد مثل يك آدم معمولی به زندگیشان ادامه میدهند.

الان در امریکا افرادی هستند که يك پستانشان را به علت سرطان برداشته‌اند اینها برای خودشان کلویی دارند دور هم می‌روند و اخبار و تازه‌های مربوط به بیماری خود را بهم می‌دهند یا افراد دیگری که قسمتی از روده آنها حتی قسمت انتهایی روده‌شان به علت سرطان برداشته شده و روده به جدار شکم وصل است و از آنجا مدفوع وارد کیسه‌ای میشود و زندگی نسبتاً مشکلی دارند. همه این افراد بحال عادی زندگی میکنند و خیلی هم برای خودشان خوش هستند و حتی برای تبلیغات انجمن مبارزه با سرطان امریکا در برنامه های تلویزیونی شرکت میکنند که «بله - بنده را چهار سال پیش عمل کردند و خوب شدم و اکنون گلف هم بازی میکنم و به اسب سواری هم میروم و کاری را هم ادامه میدهم و زندگی هم عادی است. این است که مسأله مرك و میر به علت مبارزه خوبی که با سرطان شده در ممالکی که واقعا وسائل کامل و کافی دارند و از این لحاظ پیشرفته‌اند دارد بشدت پایین می‌آید.

و اما مسئله راجع به ایران خودمان - يك مؤسسه‌ای که در کشور های مختلف دنیا مأمور جمع‌آوری آمار و ثبت و ضبط موارد مختلف سرطان و بخصوص پی‌گیری بیماران (که ببینند سرنوشت پس از درمانهای مختلف چه میشود) و در اکثر ممالک تشکیل شده است -

ماست و استعمال این مواد سلولهای سرطانی را که در حال رشد سریع هستند و خیلی حساس هستند میکشد. ولی استعمال این مواد شیمیائی بطور کلی برای سلولهای سالم بدن نسبتاً مسموم کننده است ولی استعمال کم آن موجب از بین رفتن سلولهای سرطانی خواهد شد و برای سلولهای سالم بدن نیز زیاد ناراحت کننده نمیشد.

اینها بود موارد مختلف و طرق درمان این بیماری. تلاش - آقای دکتر تعداد مبتلایان و تلفات سالانه این بیماری در دنیا چقدر است و چنانچه آماری از مبتلایان و مرك و میرهای این بیماری در ایران هم تهیه شده بفرماید؟ دکتر حبیبی - بگذارید در دو قسمت به این سؤال پاسخ بگویم اول راجع به دنیا و بعد در باره ایران. بطور کلی آمار بزرگی که امریکائی‌ها تهیه کرده‌اند این است که (هر سه دقیقه يك نفر از سرطان می‌میرد) در حدود دویست هزار نفر مبتلا به سرطان در دنیا هست. در حدود يك سوم سرطانها قابل پیشگیری است یعنی میتوان از رشد آنها جلوگیری کرد و بیش از پنجاه درصد از بیماران سرطانی قابل علاج هستند. راجع به مسأله مرك و میر سرطان در دنیا - بطور کلی از ۱۵ تا ۲۵ درصد مرك و میرها نسبت به ممالک و نژادها از سرطان است. البته برفور این را اضافه بکنم که مرك و میر از برخی از سرطانها در سالهای اخیر با سرعت خیلی زیاد رو به کاهش است و علت آنها همان وسائل تشخیص بموقع و وسائل درمانی است که بیشتر در اختیار مردم گذاشته

متأسفانه ما هنوز در ایران نداریم در نتیجه، هیچ نوع سرشماری از سرطانی‌هایمان هم نداریم هیچ ثبت و ضبطی در این موارد در جای خاصی نمیشود هر بیمارستان آمار بیمارانش را ثبت و ضبط میکند و همچنین دانشگاههای مختلف. این است که کارها بطور پراکنده و مجزا انجام میگیرد. و می‌بایستی مریحاً بگویم که از آمار سرطانیهای مملکتمان خبر کافی نداریم. از تعداد درست مریضهائی که هم اکنون در مملکت هستند خبر نداریم و همچنین از تعداد افرادی که در سال مبتلا به این بیماری میشوند - (جز همین اطلاعات کوچکی که خودمان جمع - آوری میکنیم.)

بنده خودم به مسئله مرگ و میر از این بیماری علاقمند شدم و آمار ده سال گورستان تهران را گرفتم و سرطانی‌ها را از آن استخراج کردم و مقایسه کردم با کمال تأسف عدد غیر قابل قبولی درآمد. فقط در حدود سه درصد جواز دفنهای صادره مبتلایان بدین بیماری را نشان میداد و علت اصلی این است که بیش از يك چهارم جواز دفن‌های بدون تشخیص صحیح بود. یعنی نوشته شده مرگ بعلت پیری - بیماری داخلی - بیماری ناشناخته. پس یا سرطانیها داخل همان ۲۵ درصد میباشند که بدون تشخیص مانده‌اند و یا اینکه مریض‌های سرطانی بوده‌اند که در نتیجه بیماری دیگری مثلاً ذات‌الریه فوت کرده‌اند که در جواز دفن از همان بیماری آخری اسم برده شده است. این است که متأسفانه از لحاظ مرگ و میر اطلاعاتی کامل نداریم ولی نمیتوانیم بیکار بنشینیم - برای اینکه باید مبارزه با سرطان را در ایران شروع بکنیم بخصوص که با کمال خوشبختی باید بگویم سرطانیهای شایع ایران سرطانیهای هستند که اکثراً هم قابل پیشگیری و هم قابل علاج میباشند. پس ما برای اینکه بشناسیم کدامیک از سرطانیها در مملکتمان بیشتر است که تجهیزات درمانی مملکتمان را واقعا رو به آن قسمتها توسعه دهیم تا از امر مبارزه با سرطان و معالجه آن نتیجه بگیریم موظف بودیم که آمارهایی تهیه بکنیم. در نتیجه در قسمتهای مختلف بخصوص قسمت آسیب شناسی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران و همچنین در قسمت آنستیتوتاج پهلوی آمارهای نسبتاً خوبی تهیه شده است که حتی به جوامع مختلف دنیا هم ارائه شد و اکنون پایه اطلاعات قسمتهای مختلف مؤسسات بزرگ دنیا راجع به سرطان در ایران - همین آمارهایی است که ما منتشر کردیم. که در مطبوعات اروپائی - و امریکائی چاپ شده و به کنفرانسهای مختلف بین‌المللی ارائه شده است و حتی در همین کنفرانس گذشته کنگره بین‌المللی سرطان که در هوستون امریکا تشکیل شد ارائه و منتشر گردید.

خوشبختانه همانطوریکه گفتیم سرطانیهای

ایران از نوع سرطانیهای خفیف و علاج پذیر است. سرطانیهای شایع ما در درجه اول مربوط به پوست میباشد که خیلی زیاد است و فکر میکنم مقدار زیادی مربوط به اثر آفتاب باشد. آفتاب همانطور که باعث حیات است متأسفانه این اثر سوء را هم دارد. اما مبارزه با این نوع سرطان بسیار ساده است باید ذهن مردم را آشنا کرد به اینکه حتی المقدور در آفتاب کمتر کار بکنند و یا اگر مجبور میباشند سرشان را با کلاه یا چیز دیگر بپوشانند - از پیراهن‌های بلند استفاده بکنند. چون تمام سرطان‌های پوستی که ما می‌بینیم مربوط بقسمتهای باز بدن است که آفتاب میخورد و مقداری هم بعلت آلودگی دست و پا و پوست بدن است بوسیله مواد مختلفی که افراد با آنها کار میکنند. فرق نمیکند چه يك زارع یا برهنه در بیابان راه برود و یا کارگر اسفالت قیر را به دست و پایش بمالد. اینها هم‌ه‌اش واقعا مضر میباشند و یا در نتیجه عدم رعایت بهداشت پوست بدن است که باعث ضایعات جزئی بر سطح پوست میگردد که این ضایعات ممکن است بواسطه مرور زمان و در نتیجه ماندن و تحریکات بعدی تبدیل به سرطان شود. سرطان شایع دیگری که داریم و به آسانی قابل پیشگیری است سرطان دهانه رحم زنهاست. در ایران در حدود ۲۰ تا ۲۲ درصد سرطان زنان در قسمت دهانه رحم است این هم خوشبختانه یکی از سرطانیهای است که امروزه در ممالک متمدنی و شهرهایی که وسائل تشخیص زودرس و مبارزه با سرطان - شان پیشرفت کرده کاملاً قابل علاج و درمان میباشد و مرگ و میر از این نوع سرطان (دهانه رحم) که تا این اندازه شایع است تقریباً به صفر رسیده است. بدین صورت که اولاً جلوگیری میکنند که خانمها مبتلا نشوند و اگر ضایعاتی باشد که احتمال تبدیل به سرطان میشود بموقع معالجه میکنند و درثانی اگر احیاناً بیمار مبتلا به سرطان دهانه رحم شد با امتحانات سلول شناسی که اکنون با آسانی و در همه جا انجام میگردد - در همین تهران و حتی در برخی از شهرهای ایران هم انجام میگردد.

ما میتوانیم در مراحل بسیار ابتدایی و تازه سرطان را تشخیص داده و فوراً بیمار را تحت معالجه قرار بدهیم - و سرطان او را در همان حالت موضعی و قبل از اینکه بتمام قسمت دهانه رحم یا اطراف سرایت کند از بین ببریم. باز از سرطانیهای که نسبتاً شایع و قابل پیشگیری و درمان است سرطان پستان میباشد، بخصوص بدون اینکه ایجاد وحشت بکنم این را باید عرض کنم که این سرطان بیشتر مخصوص خانمهای طبقات بالاست یعنی زنانی که کمتر بچه دارند و کمتر بچه شیر داده‌اند. این سرطان نسبتاً پیش این خانمها شایع است. این

سرطان هم کاملاً قابل تشخیص است و در همان هنگامیکه بصورت يك غده بسیار بسیار کوچک بود - و صد درصد موضعی است و به هیچ کجا سرایت نکرده است به آسانی میتوان آنرا برداشت و بعدها در صورت لزوم معالجه را با اشعه ایکس ادامه داد و بیمار را به کلی ریشه کن کرد این است که ما وقتی به وضع سرطان در مملکتمان توجه نمائیم نتیجه میگیریم که سرطانیهای شایع ایران بیشتر از نوع سرطانیهای است که کاملاً قابل پیشگیری و تشخیص بموقع و درمان قطعی است و توسعه وسائل تشخیص بموقع و موسسات درمانی و آگاه کردن مردم بدرمان پذیری سرطان کمک بزرگی به مبارزه با سرطان در ایران خواهد نمود.

تلاش - آقای دکتر بفرمائید اتحادیه بین‌المللی مبارزه علیه سرطان که در هر کشوری شعبی دارد و وظیفه این اتحادیه آگاهانیدن مردم برای تشخیص این بیماری بصورت کمکه‌های اولیه در اشخاص است - چه همکاریهایی با شما داشته و یا شما با آن اتحادیه دارید؟

دکتر حبیبی - این اتحادیه که مرکز آن در شهر ژنو میباشد و تقریباً تمام ممالک عضو آن میباشند - بصورتی نیست که در ممالک شعبه داشته باشد - بلکه مؤسساتی که در امر مبارزه با سرطان و تشخیص آن کار میکنند - عضو این اتحادیه میشوند و اتحادیه همه نوع کمک و همکاری به این مراکز میکند. چون هدف اتحادیه اینست که برای سرطان تبلیغات بکند و اطلاعاتی راجع به این بیماری به مردم بدهد و در ضمن آخرین اطلاعات و کشفیات جدید و علمی را در اختیار متخصصان بگذارد و آخرین وسائل تشخیص و وسائل درمانی را به اطلاع آنها برساند.

البته به موازات این کارها فعالیت‌های خیلی وسیع دیگر دارند مثلاً انتشاراتی دارند که مرتب چاپ می‌کنند برای مراکز علمی می‌فرستند - کنگره‌هایی، کنفرانسهایی برای مطالعات مختلف و مسائل علمی سرطان تشکیل می‌دهند. بورسهای در اختیار افراد می‌گذارند و آزمایشگاههایی را در بعضی از ممالک مجهز می‌کنند و تشکیلات وسیعی به آنها می‌دهند. این است که حقیقتاً اغلب افرادی که در این مؤسسه کار میکنند افرادی هستند داوطلب که واقعا روی علاقه و برای پیشرفت این امر کار میکنند و از هر گونه کمک به ممالک مختلف و یا مؤسساتی که تقاضای کمک میکنند - دریغ - نمی‌ورزند. ولی علاوه بر این - انجمنهای مبارزه با سرطان در ممالک پیشرفته هم تشکیل میشود به این معنی که اکثر توسط افراد خیر و نیکوکار اداره می‌شوند (افرادی که داوطلبانه در این مبارزه وارد شده‌اند و هیچ لزوم ندارد که طبیب یا متخصص سرطانی باشند) اکثراً می‌بینیم دکتر حقوق - تاجر و خانمهای خانه‌دار - دوره

جمع شده انجمن های مبارزه با سرطان تشکیل می دهند که کار این انجمن ها در درجه اول آگاهی و آشنا کردن مردم با مسأله سرطان و در درجه دوم جمع آوری پول که کاری حیاتی است در امر مبارزه با این بیماری، بوسائل مختلف و رسیدگی به بیماران است مثلاً اشخاصی که وسیله ندارند به موقع به طبیب مراجعه کنند توسط این انجمن ها کمک میشوند و به مؤسسات درمانی و تشخیصی معرفی میشوند و همه نوع وسایل را در اختیار مردم بی بضاعت و مردمی که آگاهی کافی ندارند میگذارد.

خوشبختانه این انجمن در ایران هم تشکیل شده اگرچه عمر آن خیلی زیاد نیست و در حدود ۵ سال است ولی فعالیتش را شروع کرده و با این انستیتو کاملاً همکاری دارد و تعداد زیادی از بیمارانی را که به آنها مراجعه میکنند - اینجا میفرستند هم برای تشخیص و هم برای درمان و معمولاً يك همکاری خیلی نزدیکی بین انجمن های مبارزه با سرطان و مؤسسات درمانی و تشخیص سرطان در همه جا موجود است. همانطور که گفتیم این مؤسسه (اتحادیه بین - الما - مبارزه علیه سرطان) با تمام مؤسساتی که در امر سرطان کار میکنند همکاری می کند این است که هم این انستیتو هم جمعیت ملی مبارزه با سرطان ما عضو آن میباشد و نمونه فعالیت آن هم بدین گونه است که تمام مطبوعات خود را برای ما و سایر مؤسسات میفرستند و برای کنفرانسها و کنگره ها از ما دعوت میکنند. ما با آنها همکاری نزدیک داریم گاهی اطلاعاتی از ما میخواهند و یا اطلاعاتی راجع به سرطان هایی که در بعضی ممالک بیشتر شایع است به ما می دهند. و گاهی حتی از ما میخواهند مثلاً در مورد سرطان پوست که در ایران زیاد است مقداری از خود غده های مریض ها را که برداشته ایم و برش تهیه کرده ایم در اختیارشان بگذاریم حتی دارو هایی را که تهیه کرده اند برای ما میفرستند که ما این داروها را آزمایش و مطالعه بکنیم و بعد نتیجه این مطالعات را در اختیارشان بگذاریم. حقیقت این مؤسسه یکی از مؤسساتی است که باعث ایجاد يك همکاری بسیار صمیم بین کشورها شده بدون اینکه هیچ نوع جنبه سیاسی داشته باشد و یا اصلاً به این مسائل توجهی داشته باشد. و این همکاری در همه جا رعایت میشود. مثلاً رئیس این انجمن در يك دوره سرطان شناس بزرگ شوروی بود بعد از آمریکا و بعد نماینده انگلیس بسمت ریاست این انجمن انتخاب شدند و هر چند سال یکبار که جلساتی دارند - هیأت مدیره و رئیس جدیدی انتخاب میکنند. و اکثر ممالکی که عضو آن هستند به نوبت در هیأت رئیسه آن عضویت خواهند داشت.

تلاش - آقای دکتر چه تدابیری برای

پیشگیری این بیماری اتخاذ شده و برای آگاهانیدن مردم چه راهنمایی هایی کرده اید؟
دکتر حبیبی - پیشگیری سرطان شاید قابل مقایسه با بیماری های عفونی و یا سایر بیماریها نباشد. بعلمت اینکه بیماری عفونی میکروبی دارد - میکروبی را می شناسیم - واکسن را تهیه میکنیم و به مریض تزریق مینماییم و یا وسایل بهداشتی و اطلاعات لازم را در اختیار مردم میگذاریم که مثلاً فلان جا مرو و فلان کار را مکن و فلان چیز را مخور تا از ابتلای بفلان بیماری مصون باشی اما در مورد سرطان که هنوز نمی دانیم چطور به آن مبتلا میشویم و یا آنچه که میدانیم محدود است - مسأله داشتن واکسن از این جور وسایل اصلاً مطرح نیست چه مرض مسری یا ارثی نیست پس مسأله پیشگیری آن جنبه دیگری پیدا میکند و بطور خاصی انجام میگیرد که یکی جلوگیری از ابتلای بیماری از راه پیش گیری و دیگری معالجه بیماران از راه تشخیص بموقع میباشد. اما پیشگیری به آن معنی که اصلاً نگذاریم مرض ایجاد بشود شاید هنوز برای ما مقدور نباشد. ولی میتوانیم مریض ها را در مراحل خیلی خیلی ابتدایی پیدا و کاملاً معالجه بکنیم ولی برای آنهایی که در يك مرحله خیلی پیشرفته بیماری هستند شاید کلمه معالجه خیلی صحیح نباشد چه اگر مرض زیاد پیشرفت کرده باشد - معالجه کامل و کافی میسر نیست - ولی لاقلاً میتوانیم دردها و ناراحتی های آنها را از بین ببریم و این کمکی است که از دستمان برمی آید. یا فرضاً اگر این غده بعلمت فشار و یا به علت مجاورت با بعضی از اعضا ناراحتی هایی برای بیمار ایجاد کرده باشد جلو این گونه ناراحتی ها را تا آنجا که مقدور است - بگیریم.

ولی آنچه بصورت مسأله پیشگیری مطرح می شود - این است که ما چون در عین بی اطلاعی باز علل و عواملی را می شناسیم که این علل و عوامل باعث سرطانی شدن نسوج میشود - جلو این علل و عوامل را بگیریم مثلاً اگر بتوانیم به افرادی که کارشان در زیر نور مستقیم آفتاب است حالی بکنیم که پوست بدنشان را از تشعشعات آفتاب مصون نگه دارند این خود نوعی مبارزه است یا اگر به کارگرانی که با مواد نفتی، دوده یا مواد شیمیائی و رنگ کار می کنند دستور های لازم بهداشتی را بدهیم و بخواهیم رعایت بکنند و حتی وسایل استحفاظی در اختیارشان بگذاریم باز این خود نوعی مبارزه با سرطان است که تازه مربوط به زندگی روزمره و کار و شغل ما است.

و یا آنچه مربوط میشود به مسائل طبی از قبیل آنچه که قبلاً گفتیم فرضاً روی جای سوختگی های وسیع و قدیمی سرطان پوست ایجاد میشود پس اولاً باید واقعا سعی کنیم از

سوختگی جلوگیری نمائیم و در صورتی که سوختگی وسیعی هست سعی کنیم به بهترین وجهی معالجه بشود و بعد هم که معالجه شد از مریض بخواهیم مواظبت بیشتری بنماید. یا فرضاً در مورد سرطان دهانه رحم به تمام خانمهایی که ناراحتی هایی دارند که در معاینات آنها زخمهایی دیده شده و یا عفونت های یا حتی غده های عادی معمولی دارند که غده سرطانی نیست - خوب اینها را بموقع آگاه کنیم و چون یکی از علل تغییر بافت عادی به بافت سرطانی همین تحریکات و عفونت های طولانی است این است که این ناراحتی هایشان را معالجه بکنیم که باز يك نوع مبارزه ای است. یا فرضاً در مورد غدد عادی که در قسمتهای مختلف بدن پیدا شده توصیه کنیم که بموقع بردارند خود نوعی مبارزه میباشد و یا از کسانی که سیگار میکشند بخواهیم که نکشند و یا کمتر بکشند باز کوششی است در این مبارزه یا بطریق دیگر فرضاً کاریکه در هندوستان و پاکستان در مورد کسانی که از آن برك مخصوص می جویند که انجمن های مبارزه با سرطان این کشور ها هر کجا که توانسته اند تابلو های بزرگی نصب کرده و توصیه کرده اند که این ماده را استعمال نکنند و حتی در بعضی جاها نوشته اند کسانی که این ماده را استعمال میکنند حق ورود ندارند.

این ها نمونه مسائلی است که چه از لحاظ اجتماعی چه بصورت حرفه ای و چه بصورت طبی مامی توانیم در امر مبارزه با سرطان از آنها استفاده نمائیم. در مورد مبتلایان مسأله مهم باز همان تشخیص بموقع است یعنی بیماران را در مرحله خیلی خیلی ابتدایی پیدا کرده و برای معالجه در اختیار متخصصان بگذاریم که این کمک مؤثری به جلوگیری از پیشرفت سرطان و در نتیجه جلوگیری از مرگ و میر سرطان خواهد کرد. پس بطور خلاصه مبارزه با سرطان را باید از دو راه انجام دهیم:

- آگاه نمودن مردم به عواملی که ممکن است باعث بروز سرطان شود یعنی پیش گیری بیماری

- تشخیص بموقع سرطانها و اقدام بدرمان سریع و کافی و ریشه کن نمودن بیماری.

تلاش - آقای دکتر گهگاه در موارد توارث این بیماری چیز های شنیده شده است - آیا این بیماری موروثی است؟ چه می گویند در این مورد نمونه هایی هم دیده شده است؟
دکتر حبیبی - این هم بازار مسائلی است که درباره آن بحثهای زیادی شده و همان طوریکه گفتید مواردی هم دیده شده - ما خودمان هم می شناسیم خانواده ها یا فامیل هایی را که در بین آنها سرطان شایع است. اما باید گفت که این بصورت فرضیه ای است و هنوز روشن نشده که آیا این موارد - موارد اتفاقی بوده یا بعلمت اینکه علل و

عوامل مختلفی باید دست بدست هم بدهند تا سرطان ایجاد بشود - در افراد این خانواده ها یکی از آن علل و عوامل مشترک است که وقتی علت دیگر بر آن افزوده میشود باعث پیدا شدن سرطان بشود . و چون این مطلب حقیقه روشن نشده نه نفیاً و نه اثباتاً نمی شود راجع به آن پاسخ صحیح داد .

تلاش - آقای دکتر آیا اشعه رادیواکتیو و «X» موجب سرطان است چه شنیده شده این اشعه بر روی سلولها و به خصوص سلول های اعضای تناسلی تأثیر میگذارد ؟

دکتر حبیبی - از لحاظ تولید سرطان میشود گفت که بطور واضح این تشعشعات مؤثر و جزو مسائلی است که کاملاً ثابت شده است و با کمال تأسف باید گفت با اینکه دستگاههای رادیو لوژی و رادیوتراپی که با منتهای دقت درست شده که تشعشعات به اطراف منتشر نکند با این وصف مواردی دیده شده که افرادی که با این دستگاهها کار میکنند مبتلا به سرطانهای مختلفی شده اند . یکی از مسائلی که راجع به آن خیلی صحبت شده و شنیده ایم بعد از بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی بود که هنوز و هنوز بچه هایی که در آن دوره ها بدنیا آمده بودند و خوشبختانه یا بدبختانه از آن بمباران جان به سلامت برده اند پشت سر هم مبتلا به سرطانهای مختلف میشوند بخصوص سرطانهای خون - دستگاه تناسلی - پوست و امثال آن .

این است که این موضوع کاملاً مؤثر است از مسائلی که در همین مطالعات فضایی و مسافرت های فضایی باز مطرح شده و برای کسانی که از اینجا به فضا میروند وسایل حفاظتی در مقابل تشعشعات کیهانی که در طبقات بالای هوا مخصوصاً خیلی زیادتر است درست کرده اند . اگر در این امور دقت لازم بکار برده نشود - واقعا ممکن است برای آنها خطرات بسیار موحشی را در بر داشته باشد .

تلاش - برای نگهداری محصولات کشاورزی از خاصیت عقیم ساختن آنها بوسیله اشعه رادیو اکتیو استفاده میشود آیا استفاده از این محصولات خطرانی در بر ندارد ؟

دکتر حبیبی - البته شاید من راجع به این موضوع اطلاع کافی نداشته باشم ولی بمنور کلی مراکز اتمی و مراکز مطالعات وسایل رادیو اکتیو در تمام دنیا هست که بکار دستگاههایی که ایجاد تشعشعات میکنند نظارت مینمایند و همچنین رادیو اکتیو هوا و رادیو اکتیو آب را بعد از آزمایش های اتمی که انجام میگردد مطالعه میکنند . در مورد نگهداری محصولات کشاورزی با تشعشعات بدون شك مقدار تشعشعاتی را که در این جور موارد بکار میرود آزمایش می کنند و مقدار اشعه جذب شده مسلماً مقداری است که قابل قبول و جذب برای آن مواد است و استعمالش برای بشر نباید مضر باشد گویانکه دانشمندان معتقدند که اشعه هر قدر هم ضعیف

و کم باشد ممکن است متضمن ضرر هائی باشد در هر حال مراکز اتمی و مطالعات رادیو اکتیو حتماً روی این نوع کارها نظارت دقیق دارند .

تلاش - آیا نزدیک بودن مراکز اتمی و راکتورهای اتمی با مراکز جمعیتی خطری برای سلامت مردم دارد و اینکه شنیده میشود برای کسانی که در این موسسات کار میکنند و یا در معرض بیشتر این تشعشعات میباشد احتمال بروز مرض بمراتب بیشتر از دیگران است، تا چه اندازه صحت دارد و اصولاً آلوده شدن هوا بوسیله آزمایشهای اتمی در ایجاد این بیماری مؤثر میباشد یا نه ؟

دکتر حبیبی - کار موسساتی که با راکتورهای اتمی یا مواد رادیواکتیو و یا تشعشعات اتمی مربوط میشود بیرویه و عاری نمی باشد بلکه آنها تحت یک شرایط بسیار سخت و سنگین میتوانند این موسسات را تشکیل بدهند . فرضاً برای اینکه یک دستگاه کبالت را که دستگاهی است برای معالجه سرطان و خود ما هم در اینجا از آن استفاده میکنیم کار بگذارند نقشه آن محل باید توسط آژانس بین المللی اتمی داده بشود محاسبات بسیار دقیق میشود از لحاظ اینکه تشعشعات این دستگاهها چقدر است ؟ ضخامت دیوار چقدر باید باشد ؟ حتی نوع بتونی که در دیواره ریخته میشود با موادی مخلوط میشود که بهتر جلوی تشعشعات را بگیرد اغلب در اتاقهایی که از این دستگاهها در آن کار گذاشته میشود به ضخامت چند میلیمتر سرب در دیوار هایش کار گذاشته میشود و باز با همه این دقت ها و توجهاتی که میشود افرادی که در آنجا کار میکنند پیشبندهای مخصوص سربی دارند ، وسایلی دارند که باز خودشان را محفوظ نگه میدارند بعلاوه در جیبشان و یاروی لباسشان دستگاههایی هست که تشعشعات تابیده به بدن را اندازه گیری میکند و مرتب این دستگاهها مورد مطالعه مراکز اتمی قرار میگیرد و بمحض اینکه این دستگاه نشان داد در بدن فردی مقداری بیش از آن حدی که مجاز است، اشعه وارد شده فوری دستگاه مولد اشعه را بررسی میکنند تا ببینند آیا تشعشعات از جایی نفوذ میکند ؟ آیا عیبی در دستگاه است ؟ و از آن جلوگیری میکنند و اگر افرادی باشند که واقعا مقداری اشعه وارد بدنشان شده باشد آنها را از آن کار منع میکنند ، با اینکه نمیگذارند آنها برای مدتی سر آن کار بیایند . بنابراین ساختمانهای موسسات مولد تشعشعات با محاسبه بسیار دقیق ساخته شده و واقعا فکر این موضوع هستند و از طرف دیگر اکثر این موسسات رادورتر از مراکز جمعیت می سازند اصولاً جاهایی که اطرافش حفاظ هایی میگذارند برای قطع رابطه اش با محیط خارج . اما مسأله آلودگی هوا و آب، البته در موارد عادی که این دستگاهها تحت کنترل است

این خطر وجود ندارد و این آلودگی ها مربوط میشود به مطالعات و انفجارات اتمی که در دنیا انجام میگردد . و ما خود شاهد هستیم که هر بار سروصدای عده از ممالک که نزدیک به حوزه های آزمایشی بوده اند ، در میاید برای اینکه در آن موقع کنترل بکلی از دستشان در میرود و این ذرات در هوا پراکنده میشود بخصوص روی گرد و غبار و آب که طوفانها و باد و بارانهای حاصله از آن بسیار مضر و خطرناک است و خوب اینها چیز هایی است که ممالکی که این آزمایشها را میکنند باید درباره مسأله حفاظت جان افراد بشر در مقابل این تشعشعات این مطالعات را بکنند و این را وظیفه خود بدانند .

تلاش - آقای دکتر در رادیو سکویی مقدار نسبتاً زیادی اشعه به بدن میخورد آیا احتمالاً امکان خطر برای شخص وجود دارد یا نه ؟

دکتر حبیبی - در رادیو سکویی بخصوص بعثت اینکه وقت بیشتری میگیرد چون متخصص باید با دقت بیشتری ببیند یا گاهی رادیو سکویی ضمن عمل جراحی و یادر ضمن خارج کردن جسمی خارجی یا اعمال جراحی استخوان است (البته در مورد مریض چه طبیب وسایل استحضاطی دارد) ولی در جراحی هم دست جراح گاهی در مقابل اشعه باید کار بکند این است که تا یک مقدار جذب اشعه قابل قبول است برای بدن و بخصوص برای بدن مریض ضرری ندارد زیرا در اینجا میخواهیم یک کار مثبت انجام بدهیم . بفرض سوزنی که در بدن کسی رفته باشد نمیشود با یک عمل جراحی عادی پیدا کرد بلکه بایستی گذاشت زیر دستگاه رادیو سکویی و همین طور که بتدریج جراح در نسوج جلو میرود سایه سوزن را پیدا میکند و یا برخی اعمال جراحی دیگر است که آنها هم بایستی زیر «ریون ایکس» انجام بگیرد برای مطالعات و معایناتی که لازم باشد این است که واقعا در این جور موارد بایستی حساب بشود که مقدار اشعه ای که مریض میخورد مقداری نباشد که برایش خطر ایجاد کند و ممکن است این را به فواصل مختلفی بگذارند که مدتی از اشعه دادن مریض بگذرد و حتی در پرونده بعضی از مریض ها ذکر میشود که از این مریض نباید تاشش ماه و یا یک سال عکسی گرفته شود چه بحد کافی اشعه این موضوع را در نظر دارند و مواظبت این موضوعات را در نظر دارند و مواظبت می کنند ، که خطرانی برای مریض پیش نیاید . پس همانطور که عرض کردم البته مقدار زیاد این اشعه مضر میباشد .

تلاش - آقای دکتر چه نویدی برای آتیه به بیماران میتوانید بدهید نه تنها به بیماران بلکه به بشر و همانطور که وعده داده اند آیا قبل از پایان این قرن بشر میتواند

بر این بیماری فائق آید ؟

دکتر حبیبی - حقیقت این است که همه مردم منتظر این نوید هستند و خود ما از همه بیشتر . و امیدواریم که روزی از يك گوشه دنیا این نوید را بدهند ولی این را باید اضافه کنم که شاید موضوع سرطان یکی از مسائلی باشد که بیش از هر مسأله دیگر در دنیا بر رویش کار میشود و بیش از هر کار دیگر در باره اش خرج میشود . چه از طرف مردم عادی و چه دانشمندان و محققان مطالعات این مرض جنبه اختصاصی پیدا کرده است یعنی هر مؤسسه ، هر دستگاه و هر گروهی يك نکته كوچك سرطان را در نظر گرفته دنبال میکنند و میتوان گفت که اکثر اینها بی راهه میروند یا به راههای خیلی دور و غیر مستقیمی داخل شده اند تا بسر منزل مقصود برسند . اینها جزئی ترین ساختمان سلول را مورد مطالعه قرار داده اند ساختمان شیمیائی سلول را مطالعه میکنند که شاید از آن راهها بتوانند مسائلی را روشن بکنند . شاید در حدود ده پانزده سال پیش امید اینکه زودتر به نتیجه برسند بیشتر بود . دوره ای بود که حقیقتاً امیدوار شده بودند مواد شیمیائی برای معالجه سرطان که اکنون انجام میگردد بیشتر پیدا شده بود . عده ای از دانشمندان که روی سلولهای سرطانی مطالعه میکردند به نکاتی برخورد کرده بودند که برایشان خیلی امیدوار کننده بود ولی بعد که این مطالعات را ادامه دادند متوجه شدند که آنقدر امیدواری شاید صحیح نبوده ولی نا امید نباید بود ، بدون شك مسأله سرطان حل خواهد شد ولی اگر فکر بکنیم که این مسأله بصورت واحدی حل شود و يك دلیل برای سرطان پیدا شود با يك معالجه ، صحیح نیست . مسأله سرطان در مراحل مختلف باید حل شود . مسأله انواع سرطانات مختلف يك يك باید حل بشود کما اینکه يك نوع آن که جزو بیماری خون است با اسم «لوسمی» (و میتوان آنرا نوعی سرطان دانست) اکنون بسیاری از مسائل آن حل شده و اطلاعات مانسبت بدان خیلی زیاد است و به همین دلیل امیدواریم که به موازات این مطالعات روی انواع سرطانات دیگر هم مطالعه بشود و به نتیجه برسد . در این چند سال اخیر در امریکا که شاید بیش از همه ممالک دنیا پول برای این کار خرج میکنند همان سیستم مطالعاتی را که برای تحقیقات فضایی بکار بردند اکنون درباره سرطان بکار میبرند به این صورت که اولاً يك سازمان اداری بسیار مجهزی این کار را اداره میکند با يك برنامه ریزی بسیار بسیار دقیق و کارها را خرد و پخش کرده اند . هر کاری را با دو بودجه کاملاً آزاد و دو اکپ مختلف مرتب کرده اند ، اینها مطالعاتشان را شروع کرده اند وسائل نسبتاً ساده و عادی سرطان را گرفته و جلو میروند و چون تحت يك برنامه صحیحی است که ما نمونه آنرا در مسأله مطالعات فضایی دیدیم و نشان داد

صفحه بیست و چهارم

که برنامه ریزی صحیح باعث به نتیجه رسیدن میشود ، این است که امید است این سیستم برنامه ریزی و این سیستم کار بزودی به نتیجه مثبت برسد و مسأله سرطان برای همیشه حل شود .

تلاش - آقای دکتر ممکن است حالا قدری درباره انستیتو تاج پهلوی که شما ریاست آنرا دارید صحبت کنیم و بفرمائید این انستیتو در چه سالی تأسیس و شروع بکار کرد ؟

دکتر حبیبی - این مؤسسه با عنوان «انستیتو تاج پهلوی» در اوایل همین سال ۱۳۴۹ و با این سازمان جدید شروع بکار کرد ولی سابقه قدیم دارد . اولین پروژه تشکیل انستیتو سرطان ایران در سال ۱۳۲۵ توسط «شادروان دکتر مصطفی حبیبی» که اولین استاد آسیب شناسی دانشگاه تهران بودند ، به شیر و خورشید سرخ ایران داده شد ولی در حدود سال ۱۳۲۸ عملاً فعالیت برای تأسیس يك مؤسسه ضد سرطان آغاز شد و يك مقاوله نامه بین دانشگاه تهران و جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران امضاء شد که يك بیمارستان برای معالجه سرطانی ها درست کنند بدهند و نتیجه آن همین ساختمانی است که در اینجا داریم و قسمت بیمارستانی ما را تشکیل میدهد .

این ساختمان را دانشگاه تهران که نیمه تمام بود در اختیار جمعیت شیر و خورشید سرخ گذاشت که در سال ۱۳۳۶ بنام بیمارستان تاج پهلوی تأسیس و آماده کار شد . این بیمارستان ۸۵ تخت داشت تشخیص و معالجه جراحی و پادیتو ترایی سرطان انجام میشد که توسط شیر و خورشید سرخ و دانشکده پزشکی دانشگاه تهران هم از لحاظ بودجه و مخارج و هم پرسنل اداره میشد . بعد ها قسمت دیگری با عنوان «مرکز تحقیقات علمی سرطان» در سال ۱۳۳۷ به آن اضافه شد و فعالیت های مطالعاتی و تشخیص بیشتر در این مرکز انجام میشد و فعالیتهای خدماتی بصورت درمان جراحی و رادیو گرافی و رادیو ترایی در ساختمان آن قسمت میباشد . فعالیت این دو قسمت به همین شکل تا سال گذشته ادامه داشت که دانشگاه تهران به فکر افتاد که این دو مؤسسه (یعنی مرکز تحقیقات علمی سرطان و بیمارستان تاج پهلوی) را در هم ادغام کند . البته حق هم همین بود که این دو دستگاه از سالهای قبل در هم ادغام بشوند به مانند مؤسسات مشابه دیگر دنیا که بصورت انستیتوی واحدی برای معالجه و تحقیقات سرطان فعالیت می کنند اکنون پس از ادغام این دو مؤسسه با تشکیل بخش تازه ای که اکنون ساخته و آماده است بعضی قسمتهای تازه تأسیس شده که برای درمان سرطانات خون و درمان شیمیائی سرطانات در نظر گرفته شده است و مجموعه این سه قسمت که شامل ۸۵ تخت جراحی و ۸۰ تخت شیمی درمانی

و سرطاناتی خون و قسمتهای رادیو ترایی و رادیولوژی و آسیب شناسی و مرکز آسیب شناسی و اپیدمیولوژی سرطان است تمام این قسمتها بنام «انستیتو تاج پهلوی» برای تحقیقات و مبارزه با سرطان فعالیت مینماید .

تلاش - بفرمائید آیا این مرکز علمی با دانشکده های پزشکی ایران و یا دانشگاه های خارجی رابطه دارد یا نه ؟ و اصولاً تشکیلات این سازمان چگونه و چیست ؟

دکتر حبیبی - همانطور که عرض کردم مرکز تحقیقات سرطان انستیتو تاج جزو مؤسسات دانشکده پزشکی است و فعالیت و رابطه آن در درجه اول با این دانشکده میباشد و بعد بالطبع با دانشگاه تهران از لحاظ تحقیقات و مطالعات با مؤسسات علمی و دانشگاه های دیگر دنیا از سالها قبل و با سایر مؤسسات مشابه روابط نزدیکی داشته و با مؤسسات بین المللی و مؤسسات علمی دنیا همکاری می کرده هر سال تعدادی کارشناسهای مختلف چه از طرف بهداشت جهانی و چه از طرف انجمن های بین المللی مبارزه با سرطان یا جمعیت های مبارزه با سرطان ممالک مختلف به ایران می آیند . استادان عالی قدری بوده اند که به اینجا آمده اند و کنفرانسهای علمی مختلفی برای ما داده اند استادانی بوده اند که در قسمتهای جراحی با همکاران جراح ماهمکاری کردند و یا از همکاران ما برای همکاری دعوت کردند . برخی از همکاران ما سمت کارشناس در مراجع بین المللی بخصوص سازمان بهداشت جهانی را دارند و اما در بعضی از کارهایمان بصورت يك مرکز نمونه شناخته شده ایم مثلاً این انستیتو در قسمت آموزش «سیتولوژی» (سلول شناسی) که برای تشخیص زودرس سرطان بخصوص سرطان زنان است بعنوان يك مرکز بین المللی شناخته شده است و ما تا بحال سه دوره حتی دوره های آموزشی بین المللی البته منطقه ای که عده ای از افراد متخصص از طرف سازمان بهداشت جهانی مدیترانه شرقی برای دوره فوق تخصص از ممالک دیگر باینجا آمدند و دوره هایی دیدند که آخرین دوره آن در سال گذشته تمام شد و از طرف این انستیتو به آنها دیپلم داده شد و این کار با همکاری دانشگاه «جان - هوپکینز» آمریکا انجام گرفت که يك دکتر متخصص با چند تکنیسین به اینجا آمدند و همکاران خودمان هم با پزشکان خارجی داوطلب در اینجا این دوره را که معمولاً دوره کوتاه مدتی بود با دروس فشرده تعلیم گرفتند . برای مطالعات دیگر مثلاً راجع به سرطان معده ما با يك مؤسسه مشاوره در ژاپن همکاری میکنیم . همچنین راجع به سرطان پوست و سرطان تیروئیدی با سازمان بهداشت جهانی مطالعاتمان را با یکدیگر معاوضه می کنیم و تقریباً می شود گفت با تمام مؤسسات مشابه رابطه ارسال مقالات و مطالعات داریم . و شاید هر سالی سه چهار نفر متخصصان خارجی به اینجا آمده اند

و باما کار کرده‌اند غیر از آنمیکه برای کنفرانسهایی دعوت شده‌اند و یا خود آمده‌اند. این آمدن و رفتن‌ها بیشتر با بورسهای دانشگاهی و موسساتی بوده است که در اختیار آنها گذاشته‌اند و یا دعوتهای این انستیتو بوده است. رفقا و همکاران خودمان هم همیشه به این مؤسسات خارجی رفته‌اند چه بدعوت آنها و چه با بورسهای که گرفته‌اند. در هر حال این همکاریها همیشه بوده و جنبه بین‌المللی دارد و ما کاملاً از این تبادل نظر ها استفاده میکنیم. چه از لحاظ نشان دادن کار خود و چه آگاه شدن از کار آنها.

تلاش - بفرمائید چه نوع افرادی با این موسسه همکاری میکنند و این همکاریها در چه زمینه‌هایی میباشد؟

دکتر حبیبی - بطور کلی کسانی که در اینجا کار میکنند، بدو دسته اصلی تقسیم میشوند یکدسته اطبا هستند و دسته دیگر به اصطلاح افراد تکنیسین که این تکنیسین‌ها ممکن است تکنیسین لابراتوار باشند یا رادیولوژی، یا نرس و بهیار، این‌ها دودسته اصلی ما را تشکیل میدهند. البته افرادی هم در قسمت تشکیلات اداری و فنی دیگر این سازمان کار میکنند که حسابشان جداست ولی مسأله که از همه مهمتر است مسأله افراد طبیب میباشد، نسبت به بخشهای مختلفی که داریم فرضا در قسمت جراحی عده‌ای از آقایان جراحان کار میکنند البته متخصصان بیهوشی با این آقایان همکاری دارند در قسمت داخلی متخصصان بیماران داخلی یا کسانی که متخصص درمان با مواد شیمیائی هستند، کار میکنند، در قسمت آسیب شناسی طبائسی هستند که متخصص رشته‌های مختلف آسیب شناسی میباشند و در قسمت رادیولوژی در دو رشته مختلف یکی تشخیص، به اصطلاح تشخیص رادیوگرافی و دیگری درمان با اشعه ایکس که رادیوتراپی باشد یا معالجه با دستگاه کبالت و یا رادیوم، هر کدام از این آقایان نسبت به تخصص خود در اینجا کار میکنند. این است که تعداد افراد نسبت به احتیاجات بخشهای این موسسه متغیر است و تمام این آقایان طبائی که در اینجا با ما همکاری دارند اعم از استاد، دانشیار، استادیار جزو کادر آموزشی دانشکده پزشکی میباشند که علام بر این آقایان عده‌ای از دانشجویان و یا آسستان‌ها که از طرف دانشکده پزشکی برای کار آموزی به‌مامعرفی شده‌اند و در اینجا دوره کار آموزشیشان را میگذرانند، با ما همکاری دارند چه این موسسه ضمن اینکه کار خدماتی انجام میدهد يك دستگاه آموزشی نیز میباشد و جنبه آموزشی آن هم برای دانشجویان و هم برای پزشکان و هم متخصصین میباشد.

تلاش - آقای دکتر آیا در این موسسه کسانی هستند که مانند سایر موسسات کشور ها تحقیقاتی درباره این بیماری و یا کشف علل آن بنمایند و اصولاً بفرمائید در ایران

تاکنون چه نوع تحقیقاتی شده است بوسیله دانشگاه یا مؤسسات دیگر؟

دکتر حبیبی - البته این موسسه جوان‌تر از آن است که ما بتوانیم بگوئیم تحقیقات دامنه‌دار و وسیعی کرده باشد ولی باز همان قدر که وسایل و امکاناتمان اجازه میداده، مطالعاتی انجام گرفته مثلاً یکی از مطالعاتی که ما انجام دادیم و در محافل علمی دنیا مورد توجه قرار گرفته است، نشان دادن وضع سرطان در ایران بود و میتوانیم بگوئیم که این مطالعه‌ایست که به اصطلاح جنبه اپیدمیولوژی داشته بدین صورت که انواع بیماری سرطان و شیوع انواع مختلف آن و نسبت این شیوع نشان داده شده بود و یا مثلاً نشان دادن انواع نادر سرطانهایی که در دنیا بندرت پیدا میشود و یا برخلاف وضع سرطانهای شایع مثل سرطانهای غدد لنفی که ما اینکار را کردیم و با شرح حال مریض در مجلات منتشر کردیم که در بسیاری از موارد مورد توجه علاقمندان و متخصصان راجلب کرد. البته این موارد و این مطالعات هم در زمینه جراحی است و هم در زمینه رادیولوژی و هم آسیب شناسی. در اینجا ما قسمتی بنام قسمت تحقیقات داریم که در این قسمت (که باز از خود این موسسه جوانتر است) مطالعاتی میکنیم که اکثر این مطالعات شاید صددرصد مربوط به مسائل حیاتی و اصلی سرطان نباشد ولی از مسائلی است که به سرطان و سلول مربوط میشود و اغلب اینها در مجلات طبی چه در ایران و چه در خارج چاپ و منتشر میگردد.

البته همانطور که عرض کردم شاید مطالعاتمان در این مدت کوتاه چندان قابل توجه نباشد ولی نسبت به خودمان کارهایی انجام داده‌ایم که امیدوار کننده بوده است. در يك قسمت از بخش تحقیقات این انستیتو سرطانهای تجربی روی حیوانات (موش سفید بزرگ و کوچک) انجام میگیرد مواد سرطان زا و داروهای ضد سرطان روی این حیوانات مورد مطالعه قرار میگیرند و تعدادی حیوانات مبتلا به سرطان مختلف همیشه آماده برای مطالعه میباشند.

تلاش - بفرمائید آیا تا کنون این موسسه اطلاعاتی در اختیار مردم برای شناخت بیشتر این بیماری گذاشته است یا نه؟ فرضاً مانند کشورهای اروپایی و یا امریکایی که جزوه‌هایی را منتشر میکنند و مجاناً در اختیار مردم میگذارند که در این جزوه علائم و آثار اولیه سرطان بصورت کمکهای اولیه نوشته شده و بیشتر جنبه آگاهی و یا تبلیغات سرطان را برای مردم دارد، آیا در اینجا هم مشابه این کار ها انجام میگیرد یا نه؟

دکتر حبیبی - فراموش نکنید که این موسسه يك دانشگاهی است و هر موسسه دانشگاهی در درجه اول يك وظیفه آموزشی دارد و بعد مثل معمول همه جا و مثل بقیه قسمتهای بیمارستانی يك وظیفه خدماتی،

که باید کارهایی را برای مریضان و مراجعینش انجام بدهد. معمولاً تبلیغات و آگاه کردن مردم به مسائل سرطان از وظایف جمعیت‌های ملی مبارزه با سرطان است، به این معنی که در اکثر ممالک متریکی از وظایف جمعیت‌های مبارزه با سرطان تبلیغات و آگاهانیدن مردم به مسائل سرطان و جمع‌آوری پول و اعانه و ایجاد امکانات برای مردم است. چه این جمعیت‌ها تشکیلات درمانی و خدماتی ندارند و این تشکیلات را موسسات دانشگاهی یا وزارت بهداشتی و یا جمعیت‌هایی مثل صلیب سرخ و یا شیر و خورشید سرخ دارند که در اختیار آنها میگذارند. پس آنها تبلیغاتش را میکنند و اینها خدماتش را، این است که مسائل تبلیغاتی از وظایف ما نبوده ولی با وصف این در سالهای قبل که جمعیت ملی مبارزه با سرطان تشکیل نشده بود جزواتی چاپ شد که در آن جزوات اطلاعاتی راجع به سرطان به مردم داده شد. در ظرف این پنج سال اخیر که جمعیت ملی مبارزه با سرطان تشکیل شده اقدامات نسبتاً وسیعی شده است جزواتی چاپ کرده‌اند که در اختیار مردم گذاشته‌اند و در اسفندماه گذشته در روزی که روز سرطان سازمان بهداشت جهانی بوده تبلیغاتی کردند و هفته دوم مهرماه هر سال بعنوان هفته سرطان در ایران تعیین شده است که در آن روزها تعداد زیادی برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی پخش خواهد شد و مقالاتی در روزنامه و مطبوعات در باره سرطان منتشر خواهد شد. که در آن هفته بطور کلی تمام موسساتی که در تشخیص و معالجه و سایر امور سرطان کار میکنند از جمله انستیتو تاج پهلوی بایستی همه نوع اطلاعات را در اختیار مردم بگذارند که از هم اکنون برای آن روز مشغول تهیه فیلم ها و خبرها و سایر چیزهای دیگر هستیم.

تلاش - ممکن است مختصری از نحوه معالجه این بیماری در ایران بفرمائید و شما اصولاً چه کسانی را در این بیمارستان بستری میکنید و چند درصد از این بیماران بهبود میابند؟

دکتر حبیبی - این را باید عرض کنم که معالجه و رسیدگی به مریضهای سرطانی فقط در انحصار ما نیست و این کار بهیچوجه برای ما مقدور نمیشود. در نتیجه در تمام بخشهای مختلف بیمارستانها اعم از دانشگاه، وزارت بهداشتی، سازمان بیمه‌های اجتماعی، ارتش، شیروخورشید و هر بیمارستان خصوصی یا جا‌های دیگر کم و بیش بیماران سرطانی یافت میشود مضافاً اینکه يك طریقه مهم و قابل اهمیت معالجه این بیماران جراحی است و بخش‌های جراحی بسیار مجهزی در تمام موسسات درمانی مملکتمان داریم. این است که بیماران سرطانی تقریباً در همه بیمارستانها بستری میباشند. ولی آنچه که ما در اینجا بلاخص داریم تعدادی مواردی است که شاید عمل جراحی سنگین‌تر یا

بزرگتری در مورد آنها لازم باشد و این بیماران را مؤسسات درمانی دیگر به ما معرفی میکنند و ما با تعداد محدود تختی که داریم تقریباً همان مواردی را که همکاران به ما معرفی میکنند و یا میفرستند که احتیاج به عمرهای سنگین و یا خاصی داشته باشند در اینجا انجام می‌دهیم معمولاً وقتی مریض به ما مراجعه میکند اول به درمانگاه معرفی میشود که معاینه کنند آیا مربوط به ما است یا نه. در این درمانگاه شخص معاینه میشود اگر قرار باشد که بافت برداری بشود بافتش را امتحان می‌کنیم تا بدانیم این بافت سرطانی هست یا نه معاینات داخلی اگر لازم بشود انجام میگیرد مثلاً کسی مبتلا به ناراحتی مری یا ریه است با دستگاه مری یا ریه را نگاه میکنند و یا مریض است که با رادیوگرافی تشخیص داده میشود این مریض به قسمت رادیولوژی فرستاده میشود و عکس برداشته میشود. در صورتیکه تشخیص سرطان داده بشود در اسرع وقت پرونده کاملی برای مریض باز میشود. در اینجا اگر ما با عمل جراحی بتوانیم واقعاً خدمتی به مریض بکنیم بلافاصله در قسمت جراحی بستری میشود و عمل جراحی رویش انجام میگیرد و بعد از سپری شدن دوران نقاهت مرخص میشود. بعدها اگر احتیاج به معالجات دیگری از قبیل رادیوتراپی یا شیمیوتراپی داشته باشد، در درمانگاه مخصوصی که برای شیمیوتراپی و رادیوتراپی داریم، مریض تحت نظر قرار میگیرد و روزهای مختلفی را که طبق پرونده برایش معین کرده‌اند مراجعه میکند و تمام معالجات برایش انجام میگیرد پس از دوره درمان، اولیه اغلب این مریض‌ها بخصوص اشخاصی که در تهران زندگی میکنند به ما مراجعه میکنند و ما تا اندازه‌ای از وضع و حالشان اطلاع پیدا میکنیم ولی این کار بسیار ناقص است و یکی از برنامه‌ها و هدفهای این انستیتو تشکیل درمانگاه به اصطلاح علمی و طبی آن «پی‌گیری بیماران» است یعنی مریض که از اینجا مرخص شد پرونده کاملی از او تهیه میکنیم و از مریض میخواهیم با کارت مخصوصی که در اختیارش میگذاریم هر چند وقت یکبار نسبت به نوع بیماریش به ما مراجعه کند، تا امتحانات تکمیلی از او بکنیم هم از لحاظ علمی خودمان که بدانیم چقدر از معالجاتمان نتیجه گرفته‌ایم و یا موثر بوده است و هم از لحاظ عود بیماری. چون متأسفانه در برخی موارد ممکن است مرض عود بکند تا اگر چنین عودی باشد به موقع جلوگیری را بگیریم و تاسیسی این درمانگاه (پی‌گیری) یکی از هدفهای ما میباشد. اما مسأله بستری کردن مریضها برایمان فرق نمیکند هر مریضی که قابل عمل و معالجه پذیر باشد، بستری میشود. فقط از نظر جا در مضيقه هستیم چون قسمت جراحی‌مان بیش از ۸۵ تخت ندارد و اگر بعضی اوقات میگویند که مریض مراجعه کرد و ما بستری نکردیم مریضی بوده که مرضش

صفحه ششم

خیلی پیشرفته و مرض غیر قابل علاج بوده است. و ما واقعاً نمی‌توانستیم از لحاظ جراحی کاری برایش انجام بدهیم. و تصدیق میکنید که دادن تخت به چنین مریضی که ممکن است بدون اخذ نتیجه‌ها اینجا بخواهد، چندین نفر را از معالجه محروم می‌کند، این است که ما مجبوریم مریضهایی را بستری بکنیم که قابل علاج باشند و ما به نتیجه کارمان اطمینان داشته باشیم. ولی نسبت به نوع مرض هیچ فرق نمیکند، هر نوع سرطانی داشته باشد که جراح ببیند قادر است برایش کار مثبتی انجام بدهد، میخواهیم. حال این مریض بچه باشد یا بزرگ و زن باشد یا مرد فرق نمی‌کند.

تلاش - آقای دکتر بفرمایید اگر جای بیشتری در اختیار داشتید آیا با همین کادر و امکانات می‌توانستید از تعداد بیشتر بیمار مواظبت و مراقبت نمایید؟

دکتر حبیبی - البته با اضافه شدن جا کادر هم باید تکمیل بشود و این امری است طبیعی ولی هیچ لزومی ندارد ایندو کار به موازات هم تکمیل بشود یعنی اگر این تعداد تخت ما بشود ۲۰۰ تخت، ضرورتی ندارد که کادر ما هم سه برابر بشود. البته بایستی به موازات هر تخت پرستار، بهیار، از لحاظ خدمات و مراقبت معمولی علاوه شوند، ولی تشکیلات آزمایشگاهی ما کاملاً قادر است برای تعداد بیشتری از این‌ها کار انجام بدهد به همین نسبت تشکیلات رادیولوژی‌مان ما با دستگاههای کبالتی که اکنون داریم اگر پرسونلش را هم داشتیم می‌توانیم در تمام ۲۴ ساعت از این وسایل بهره برداری بکنیم. پس با اضافه کردن و با تکمیل کادر پرسونل می‌توانیم راندمان بیشتری از وسائلی که در اختیارمان است، داشته باشیم.

تلاش - آقای دکتر آیا کسانی که از این بیمارستان خارج می‌شوند دوباره بشما مراجعه میکنند ممکن است بفرمائید اصولاً این بیماری راجع است یا نه؟

دکتر حبیبی - متأسفانه یکی از خطرات سرطان همین عود بیماری است بطور کلی وهله اول حداکثر کاریکه ممکن است برای بیماران انجام میدهند، ولی در برخی از موارد مرض عود میکند و بهمین دلیل تعدادی از مراجعین درمانگاه‌های ما همین مریض‌های قدیمی خودمان هستند که با کمال میل مراجعه میکنند و با دقت از آنها معاینه میشود. و اگر احیاناً ناعودی نزد آنها بینیم، اگر احتیاج به جراحی دوباره باشد، بستریشان میکنیم و اگر رادیوتراپی یا شیمیوتراپی بخواهد باز تحت نظر متخصصان میگذاریم که میتوانم بگویم از این معالجات نتایج خوبی هم بدست می‌آید.

یک مطلبی که باید به همه بیماران سرطانی تذکر داده شود همین احتمال عود بیماری است ولی این مطلب نباید خیال آنها را ناراحت کند و باعث نگرانی شود باید بیماران

توجه داشته باشند آنچه برای آنها انجام گرفته در جهت ریشه کن کردن بیماری بوده است ولی اگر عودی پیدا شد باز قابل برطرف کردن است.

تلاش - آقای دکتر در خلال گفتار تان در مورد نقضی که در آمارگیری و یا تهیه آمارهای لازم در ایران هست اشاره‌ای کردید حال که آگاه شده‌اید آیا اقداماتی برای رفع این نقضیه معمول داشته‌اید؟

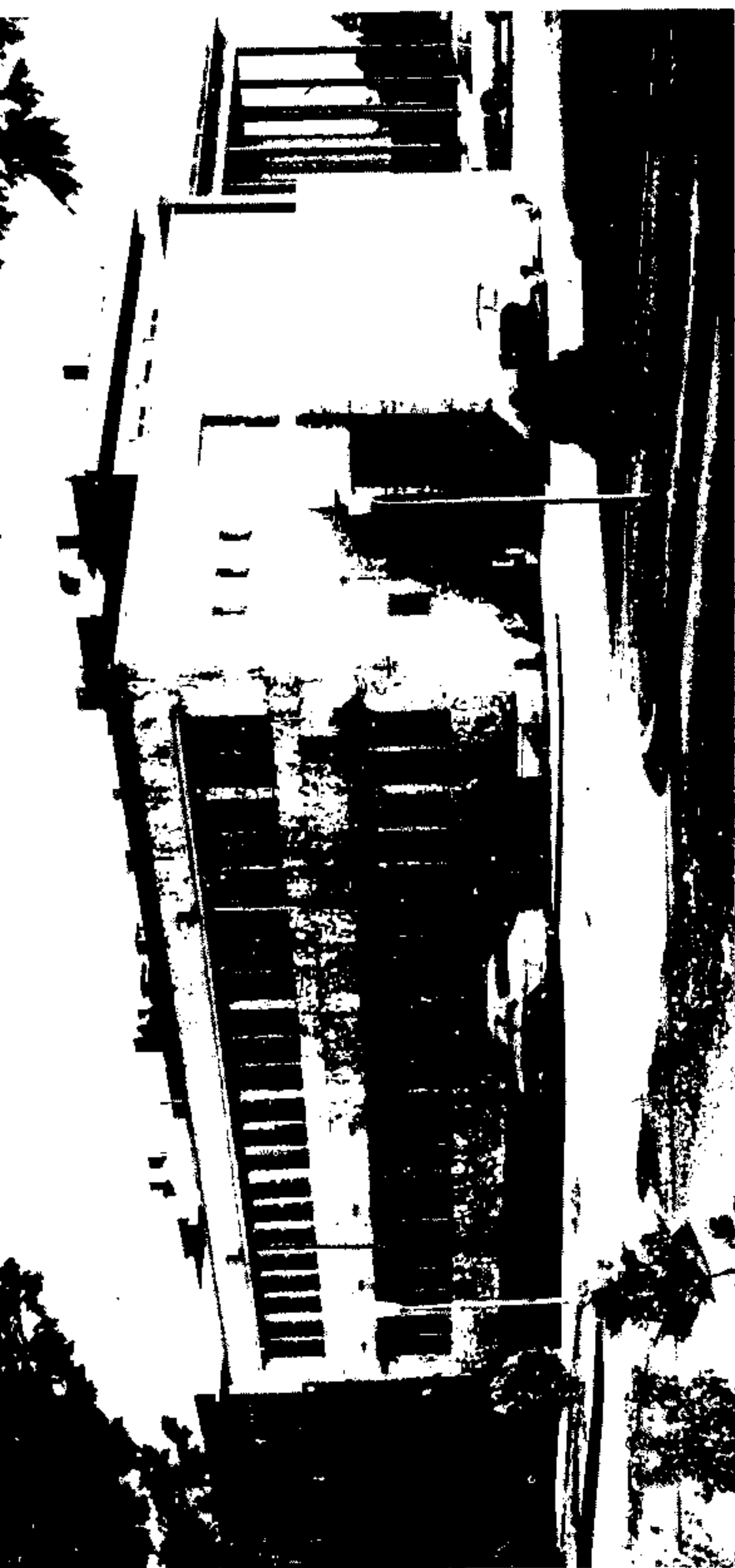
دکتر حبیبی - بلاء اکنون پروژه‌ای دارم که به دانشکده پزشکی داده‌ام و امیدوارم، یعنی یکی از مسائلی است که دلم می‌خواهد انجام بدهم - ولی بچند دلیل مشکل است. اولاً مملکت ما بسیار وسیع است و فواصل زیاد و در نتیجه مشکل رابطه پیدا کردن زیاد، فرضا یک مریض سرطانی امروز اینجا می‌آید ما آنطور که پیش بینی کرده‌ایم و در همه دنیا می‌شود پس از اینکه تشخیص بیماری برای او داده شد کارتی برای مریض درست میشود که تمام سوابقش اعم از تشخیص، عمل جراحی در آن درج شده است. این مریض از اینجا مرخص میشود.

پروژه ما این است که این کارت به مریض داده میشود و باید همراه بیاورد داشته باشد که باو تذکر دهد تا آنجا که برای ما امکان داشته است شما را معالجه کردیم ولی شما همیشه در خطر عود هستید و باید مواظب باشید و هر سه ماه یا شش ماه یکبار به ما مراجعه کنید یا به طبیبی که آن طبیب شما را معاینه بکند و نتیجه‌اش را به ما بدهد. این کارتهایی که نمونه‌اش اکنون در آرشیو ما موجود است بایستی پس از هر معاینه وضعیت و حال مریض عیناً در آن منعکس گردد تا ما از پیشرفت و نتیجه عمل جراحی و مطالعات خودمان آگاهی پیدا نمائیم. ولی مشکل واقعی ما از همین جا شروع میگردد چه اگر این مریض در تهران باشد و به اصطلاح برایش مقدور باشد، خوب سه یا شش ماه یکبار به ما سر می‌زند و ما بر حسب احتیاجات خودمان تمام آزمایشها را اعم از عکس یا تجزیه و دیگر چیزها رویش انجام میدهیم.

ولی اگر در نقطه دیگری باشد اینکار بسیار مشکل میگردد. بخصوص که این کارها مستلزم مخارجی باشد که مریض نخواهد و یا نتواند که پردازد و یا در جایی باشد که وسیله رادیوگرافی و یا طبیب ورزیده‌ای که در آن قسمت بخصوص اطلاعاتی داشته باشد، یافت نشود. ولی با تمام اینها بفرض که چنین کارهایی را هم بتوانیم در مرحله اول انجام بدهیم. این را هم اضافه کنم که تنها ما نیستیم که این کارها را انجام میدهیم بلکه ما یک واحد کوچکی هستیم مؤسسات درمانی و بیمارستانها دیگری هستند که مریض‌های زیادی را می‌پذیرند و کمک شایان از این لحاظ بدرمان سرطان میکنند. ولی خوب ما به عنوان یک سازمان مرکزی و

و از این لحاظ واقعا در مضيقه هستيم . ما واقعا دلمان ميخواهد كه جديت بكنيم و تا آنجائي كه از دستمان برميآيد بجامعه مان خدمت نمائيم و اميدوارم كه اين مشكلات بزودي زود از ميان برداشته شود .

نمای خارجی ساختمان مرکز آسیب شناسی و تحقیقات



تلاش - آقای دکتر اگر چه به این سؤال در خلال پاسخهایتان جواب گفته اید ولی بعنوان يك سؤال جداگانه ميخواستم پرسيم كه شما در كارتان با چه مشكلاتی روبرو هستيد حال بصورت گله يا ناراحتی؟

دكتر حبیبی - بطور کلی این را بگويم كه عمر این كار یعنی مطالعه و تشخیص سرطان در مملكت ما بسیار کوتاه است و من بسهم خود فكر ميكنم بهمت همكاران ما چه کسانی كه اکنون فعال هستند و چه کسانی كه قبل از ما در روی این بیماری كار می- كردند با كمكهایی كه از طرف دانشگاه و مؤسسات مختلف ، شیر خورشید سرخ ، سازمان برنامه ، دولت و شركت نفت ، سازمانهای بین المللی و حتی افراد خیر (كه روی این موضوع تكیه ميكنم زیرا همین روزها ۲۵ هزار تومان دوا را يك فرد خیر در اختیار ما گذاشته) حقیقه پشرفت خوبی کرده ایم . ولی ماهمیشه احتیاج به تكامل و پیشرفت و پیشرفت داریم چه مقدورات بیمارستانهای ما بطور کلی در حدود يك دهم احتیاجاتمان است . یعنی فرضاً از ده تا مریض كه در این مملكت هست ما فقط يكیش را میتوانیم بستری بكنيم ، این مسأله شامل مریضهای سرطانی هم میشود . تشكیلات بهداشتی مملكت باید بطور کلی پیشرفت بکند . ما هم در كوران قرار ميگیريم و پیش میرويم از لحاظ تشكیلات درمانی باید بگويم وسائل كارمان خوب است و همانطور كه قبلاً اشاره كردم میتوانیم راندمان بیشتری از وقت و وسائلمان داشته باشیم . تعداد تخت بیمارستانهایمان خیلی محدود است و باید خیلی بیشتر از اینها باشد و واقعا سرویسهای بیمارستانی مجهزی باید درست شود . دیگر مسئله متخصص فنی است كه باز یکی از كمبودها و دردهایی است كه ما داریم و این مشكل در همه قسمتهای طبی محسوس است . پرستار كم داریم تكنیسین كم داریم و ميخواهم این گله را كه گفتید از دستگاه ها بكنم كه متأسفانه هنوز هم آنطور كه باید و شاید بفركر تربیت كادر فنی نمیباشند . باید در مقابل يك نفر یزشك متخصص ده نفر تكنیسین مختلف تربیت بشود . همین الآن كاری را كه باید يك تكنیسین برای من انجام بدهد مجبورم خودم انجام بدهم . آلاں اگر دانشگاه یا هر دستگاه دیگری این تكنیسین ها را در اختیار ما بگذارد میتوانیم با همین دستگاهها در تمام ۲۴ ساعت كار بكنيم . الآن دستگاه كباتلمان یقیمت گزافی خریداری و عمرش محدود به پنج سال است فقط روزی چند ساعت كار میکند ، در حالیكه چه این دستگاه كار بکند و یا نکند در پایان پنج سال از بین میرود و ماهم دستگاه را عوض می كنیم یا دور می اندازیم پس اگر كادرش را هم داشتیم می توانستیم از این دستگاه در ۲۴ ساعت كار بكشیم پس ما واقعاً به يك كادر دست دوم كادری كه باصطلاح عصای طبیب و متخصص باشد احتیاج داریم

دانشگاهی میتوانیم دست روی تمام بیمارستانها بگذاریم و آمار بیماران آنها را هم تهیه بكنیم اما گاهی مریض اصلاً خوشش نمیآید كه راجع به سرطان او صحبت بشود وای به اینکه بگویم این فیش را پر بكن و اسم و مشخصات را در آن بنویس . و می بیند كه این كار با چه مشكلاتی روبروست . ولی باید سعی بكنیم این مشكلات را بر طرف سازیم . اگر فرضاً ما موفق بشویم كه از پنجاه درصد مریضها آمار تهیه كنیم این امید هست كه تا ده سال دیگر این نسبت را به ۷۰ تا ۸۰ درصد برسانیم و همین طور تا صد درصد پیش برویم .

مریضها هم باید توجه داشته باشند كه این كار از يك كار فانتزی نیست . مایك سرشماری از بیماران ميكنيم انواع بیماری و پیشرفتش را در مملكت روشن ميكنيم و امیدواريم كه خودمان یا بكمك موسساتی كه در دنیا برای این نوع مطالعات هستند با ارائه دادن این نتایج واقعا بتوانیم راهی برای مبارزه با سرطان در مملكت خودمان پیدا بكنیم ، و در نتیجه بطور غیر مستقیم به همان مریض یا به امثال او كمك نمائیم . و این كارها این نتایج را دارد كه فرضاً وقتی ما فهمیدیم در مملكتمان سرطان پوست شایع تر از سایر سرطانهاست میتوانیم وسایل معالجه سرطان پوست را توسعه بدهیم كه لااقل در تمام مراکز استانها و شهرستانهای بزرگ وسائل اینكار را آماده نمائیم . و با این كار میتوانیم تعداد قابل توجهی از سرطانی هایمان را معالجه بكنیم . و این کاریست كه در ممالك دیگر انجام میشود . و خوب نتایج بسیار بسیار خوبی حاصل شده است .

درنورز بقدری پیشرفت این كار زیاداست كه از لحظه ای كه يك مریض سرطانی را پیدا كردند یعنی بیماریش را تشخیص دادند تا لحظه ای كه بمیرد راحتش نمیگذارند . هر جا كه برود مثل پلیس در تعقیبش هستند . و هر روزی كه به آن مركز پی گیری برای معاینه مراجعه میکند كارتی به او میدهند كه قرار دفعه آینده را گذاشته اند . فرضاً اگر مریض ساكن فلان شهرستان در ۱۲۰ كيلومتری باشد ، بلیط رفت و برگشت و كاغذی كه شب را در فلان هتل بخوابد و صبح فلان ساعت برای معاینه مراجعه بکند ، در اختیارش ميگذارند . و پس از اینکه تمام معاینات لازم از او شد دو باره عین همان كار تکرار میشود . حال اگر مریض در تاریخ مقرر نیاید صبح روز بعد يك مدد كار اجتماعی ناحیه خودش در خانه او سبز میشود كه علت نیامدن را گزارش كند . میتوان گفت این كشور از این لحاظ نمونه است و هیچكدام از ممالك دنیا تا این شدت نتوانسته در امر مبارزه با این بیماری پیشرفت داشته باشند ، من همیشه آرزویم این بوده است كه ما بتوانیم این كار را در اینجا انجام بدهیم و در این امر تا این اندازه پیشرفت داشته باشیم .

خیمه‌ای سفید چون نور ستارگان درخشان

- گزارش کوتاه از سفر ۱۵ روزه به ایل قشقایی ...
- افراد ایل هرگز نمی‌توانند در يك نقطه ساکن باشند .
 - گلیم و جاجیم دست بافت زنان هنرمند ایل می‌باشد.
 - تمام بچه‌های ایل با شوق فراوان مشغول درس خواندن و آماده کردن دروس خود بودند .
 - این نوباوگان که امید آینده و چراغ فروزان ایل خود می‌باشند بسیار با هوش و استعدادند .



عشق و وفا و صفا و محبت به منطقه قره‌چمن که محل اسکان یکی از ایل‌های قشقایی است شروع کردم. در بین راه در دامنه کوه‌های بلند سر بفلک کشیده در مراتع سر سبز و خرمی که طبیعت با آفتاب طلایی رنگ بهاری جلوه خاصی بآن داده بود و گوئی گردی از طلای ناب بر روی کوه و دشت و دمن پاشیده بودند عبور کردم در بین راه با افراد عشایری روبرو می‌شدم که

ولی همانطور که عقربه ساعت زمان به پیش می‌رود عادات و رسوم محلی مردمان ایل نشین هم همگام با ترقیات روز افزون وضع جدیدی بخود گرفته و چنانچه موافق باشید شمارا با مشهودات نوین خود آشنا کنم. مشهودات من در این مسافرت موضوعی است بکر و تازه بغیر از آنچه شنیده و خوانده‌اید. من سفر خود را از شهر شیراز مهد

در مورد زندگی مردم سلحشور ایلات و عشایر که از پاک‌ترین نژاد آریائی هستند داستانهای بسیار خواننده و مطالب زیاده شنیده‌اید و ترانه‌های محلی و زیبای آنان را که دختران چادر نشین با شور و هيجان می‌خوانند گه‌گاه شنیده و لذت برده و بدون تردید در مورد عشق و ازدواج این مردمان ساده دل و پراحساس هم حکایات و روایات مفصل خوانده‌اید.



نقطه به نقطه چادرهای سیاهی که روپوش آنرا از پشم بز بافته بودند و برای حفظ و حراست از گرما و سایه انداختن بسیار مناسب بود مواجه شدم

افراد ایل هرگز نمی توانند در يك نقطه ساکن باشند چون به مقتضای فصل و حفظ احشام و گله های خود ناچار بکوچ کردن از بیلاق به قشلاق و بالعکس می باشند . زیرا آنان مردمی گله دار هستند و احتیاج بچراگاه طبیعی سرسبز و وسیعی دارند که چشمه سارهای اختصاصی و آب فراوان داشته باشد بدین جهت بحکم اجبار ناچارند با فواصل معین و دور از هم چادری افراشته و هرکس بذوق و سلیقه خود محل مناسبی را جستجو کند .

حال حرکت این ایل چه تشریفاتی دارد و باچه طرز زیبا و دلپذیری حرکت می کنند آن خود بحث جداگانه است . یعنی بطور خلاصه در اول کاروان زنان و بچه های مردم ایل بر قاطر های باد پیمائی سوار و صدای زنك قاطر های پیش آهنگ و لباس های محلی و تزیینات مخصوص زنان بسیار جالب توجه است .

من پس از طی مسافتی چند به منطقه قره چمن رسیدم . ازدور در میان ده ها چادر سیاه افراشته يك چادر سفید بزرگ که چون نورستارگان درخشنده آسمان در شب ظلمانی خیره کننده بود نظر مرا سخت جلب کرد و خود را بان چادر رسانیدم از راهنمای خود پرسیدم که این چادر سفید چیست ؟ او گفت این چادر مدرسه عشایری این منطقه را تشکیل می دهد حس کنجکاویم تحریک شد و بیازدید آن پرداختم این چادر سفید

میان چهل و ظلمت سابق افراشته شده دارای چند تخته گلیم و جاجیم دست بافت زنان هنرمند ایل می باشد و در قسمت شمالی چادر تخته سیاه و جعبه گچ و مقداری کتب درسی نمایان است که می توان این چادر کوچک را در میان آن دشت وسیع بعنوان بهترین دبستان نمونه دانست .

زیرا کودک چوپانی که از سپیده صبح به مواظبت گوسفندان و گله های خود پرداخته و با تنی خسته و ناراحت ولی با روحی بلند و فکری وسیع در اندیشه آموختن درس و با سواد شدن کیلو مترها راه را پیاده پیموده و خود را باین کانون گرم رسانیده تا همدوش با سایر برادران و خواهران خود توشه ای از علم بهره گیرد . تمام بچه های ایل را می دیدم که باشوق و ذوق فراوان مشغول درس خواندن و آماده کردن دروس خود بودند تا در نزد آموزگار خود خجل و شرمگین نباشند . این نوباوگان که امید آینده و چراغ فروزان جهان کوچک ایل خود می باشند با هوش و استعداد و در فرا گرفتن دروس آمادگی داشتند که در کمتر محصل شهری این شور و هیجان را دیده بودم .

خط این نو آموزان بقدری زیبا و خوانا و با آنکه عموما دارای لهجه بودند بقدری سلیس و صحیح درس می خواندند که واقعا اعجاب انگیز بود . تولید نسل در میان افراد ایل زیاد است و هر خانواده بطور متوسط دارای ۵ تا ۱۰ اولاد است که اغلب آنها ضمن انجام کارهای شاق گله داری و رسیدگی بکارهای خانوادگی باشوق فراوانی به تحصیل مشغول هستند . درسه

ماهه تابستان که چادر ها تعطیل می شود اینها گله را بچرا برده و یا باموردیگر می پردازند . مادر خانواده که در ایل عنوان سرور و سالار زن را داراست ، شیر صفتی خود را به تصاحب اسب بهتر و برتر می داند و مرد ایل علاوه بر رسیدگی بکار های خانه در پرورش دام و معامله آن و یا تولید نسل دام های اصیل بامور کشاورزی و دبیم کاری و فروش لبنیات و تهیه جاجیم و غیره نیز می پردازد . مردان سلحشور ایل با حفظ سنن باستانی اجداد و نیاکان خود در پرورش دام و سوار کاری که یکی از کار های اساسی و مورد توجه آنهاست سخت عشق می ورزند .

مهمترین موضوعی که جالب می نمود اسب کشی است ، هر کس اسب ماده داشته باشد بمانند خواستگاری ازدختر ، واسطه نزد کسی که اسب نر دارد می فرستد که از اسب نر خواستگاری کند . این واسطه سعی می کند که این وصلت فرخنده عملی گردد . بدیهی است انجام این عمل بسادگی انجام نمی شود و صاحب اسب ماده هدایائی نظیر بره ، پول نقد و غیره تقدیم می کند تا رضایت صاحب اسب نر را فراهم نماید .

در میان اسبهای عشایری اسبهایی از نژاد از شوئی بیش از دیگر نژاد ها معروف و طرفدار وصلت زیاد دارد . عشایر اصولا از کره اسب ها از دو ماهگی وسیله کودکان خود سواری می گیرند ولی نه با شدت فراوان . در نزدیکی چادرها توقف می کنند اما برای حفظ آنان از حیوانات وحشی و غیره معمولا پاسداری که باصطلاح سابق کشیکچی می گویند و از افراد قوی و جوانان نیرومند انتخاب می شوند که مجهز به چوبدستی و





کارد و چاقو هستند تا چنانچه خطری آنها را تهدید کند شجاعانه مقابله نمایند . اغلب اتفاق افتاده کشیکچی ها با خطرات زیادی مواجه شده اند که از آنجمله حمله حیواناتی مانند گرگ، شغال، خرس و سایر حیوانات وحشی است .

یکی دیگر از منابع سرشار درآمد عشایر پرورش بز است که نگهداری آن بسیار سهل است . ولی وجود بز برای مراتع و جنگلها بسیار خطرناک می باشد . زیرا بز حیوانی است که عشایر از آن استفاده زیاد کرده از پشمش بالاپوش چادر و چیز های دیگر می بافند و از شیر و گوشتش استفاده و از مدفوع آن برای سوخت استفاده می کنند . در ضمن پرورش آن به مراتب از نگهداری گله گوسفند سهل تر است زیرا بز احتیاج بآب فراوان و چراگاه های وسیع ندارد . بز هر چیز را که در مسیرش قرار گیرد می خورد چنانچه در مسیر یک گله بز امکان روئیدن گیاه یا درختی محال است و روی همین اصل اخیرا وزارت منابع طبیعی طرحی جهت حفظ مراتع و جنگل تهیه کرده و دیگر پروانه عبور بگله بز را از مناطق گرم سیر به سردسیر و بالعکس نمی دهد .

پروانه اسکان به دام دارانی داده می شود که مشغول پرورش گوسفند و میش و غیره نیز باشند . عشایر در واقع با شروع فصل گرما از مناطق خود بسمت مناطق معتدل و خنک سرازیر می شوند و در موقع کوچ از قشلاق به ییلاق باتانی و معمولا آهسته راه می پیمایند . و آب و علوفه باید باندازه کافی در محل اسکان وجود داشته باشد .

چون در فصل بهار دامهای ماده حامله



هستند سعی می‌شود کمتر بآنها فشار آورده شود. این نوع کوچ گاهی دوماه و نیم طول می‌کشد ولی در موقع بازگشت ایل بمناطق گرم سیر که معمولا در ماه شهریور انجام می‌گیرد چون در بین راه علوفه و آب کمتر یافت می‌شود، ایل با سرعت بیشتری حرکت می‌کند و معمولا بار و بندیل خود را باز می‌کند. در سابق هنگام کوچ یک طایفه پر جمعیت، يك عده جوان اسب سوار که قوی هیکل بودند مامور پیدا کردن «یسورت» یا محل اسکان می‌شدند که پیشاپیش قافله می‌تاختند تا محل مناسبی را برای اسکان فراهم نمایند و افراد ایل دچار تردید و سرگردانی نشوند. عده‌ای از همین جوانان که طبعا شکارچی و تیر انداز قابلی هستند برای صرفه جوئی در مصرف خوراك و اتلاف گوسفندان، پرنده‌هایی مانند كبك و غيره را شکار کرده و بدین وسیله گوشت مورد نیاز ایل خود را تأمین می‌نمایند.

اگر از يك فرد عشیره سؤال کنید فلان محل کجاست تعجب نکنید اگر بالهجه محلی بگویند يك «گپ‌گاه» راه است گپ‌گاه از واژه‌های فارسی سره و بمعنی دم پائی و کفش در لغت آمده است و منظور آنها این است که در راه تا رسیدن به مقصد يك کفش یا دو کفش پاره می‌کنی. معمولا هر گپ‌گاه ۵ فرسخ یا ۳۰ کیلومتر است. در زندگی ایلاتی باران‌های موسمی بزرگترین نقش را در زندگی مردم ایل بازی می‌کند. چه وجود باران باعث برکت و خرمی و سلامتی دام و محصول زیاد می‌شود و باران کم، فقر و بدبختی بدنبال می‌آورد.

عشایر برای نزول باران دعائی دارند که هنگام غروب که دامها بمنطقه خود بازمی‌گردند دسته جمعی می‌خوانند و یکی از مشکلاتی

که زنان و مردان ایل با آن مواجه و دست بگریبان هستند نبودن شرکت های تعاونی عشایری و مخصوصا نبودن سرمایه است. مثلا يك جاجیم ۵ متر در ۲ متر توسط ۳ زن در مدت سه ماه بطول می‌انجامد. حال اگر حقوق هر زن را حداکثر روزی ۵۰ ریال بحساب آوریم در عرض سه ماه سه زنی که روی این جاجیم کار کرده‌اند ۱۵۰۰ ریال در ماه می‌شود که سه ماهه آن معادل است ۱۳۵۰۰ ریال منهای مخارج پشم و رنگ و نخ و چهارچوب که لااقل این جاجیم در حدود ۳۰۰۰ ریال خرج برمی‌دارد.

در صورتیکه وزارت اقتصاد تصمیم بکمک فوری آنان بگیرد صنایع دستی مخصوصا جاجیم های معروف آنان بازار جهانی پیدا کرده و هم کمک به صادرات کشور می‌شود

زنان عشیره در ایل نقش عمده را بعهده دارند. تقریبا تمام کار های ایل مربوط به زنان می‌شود، يك زن قبل از دیدن آفتاب برخاسته و پس از رسیدگی به نظافت چادرها و تهیه صبحانه، پختن نان، تهیه لبنیات، در تمام ساعات روز هم مشغول امور مربوط

بایل می‌شود.

معمولا هر وقت کسی از خانواده‌ای فوت نماید شادی و سرور همگان بر هم خورده و چون تمام افراد ایل با هم نسبت سببی یا سبی دارند در سوگ متوفی سهم می‌باشند و مراتب عزاداری کاملی را برپا می‌کنند.

بخصوص اگر شخص متوفی از افراد بزرگ یا سرشناس ایل باشد با احترام روح او حتی جاجیم های رنگی را که در چادر انداخته‌اند

جمع‌آوری و سعی می‌کنند وسایل تزئینی و آرایشی نداشته باشند، حتی دیده شده حنای پای اسبان را پاک می‌کنند

اما عشق بازی بین جوانان دختر و پسر ایل بآن معنی که در شهرستان است مطلقا دیده نمی‌شود. چنانچه دختر و پسرهای ایل تنها چند شبانه روز برای حفاظت احشام و گله های خود در کوهستان و در کنار هم بسر می‌برند بدون آنکه دست بیکدیگر بزنند. یکی از اشعاری که معمولا عشاق و دلباختگان دختر، پسر ایل می‌خوانند اینست.

ماه را بنگر چگونه می‌رود
عادت کرده شبانه می‌رود
در میان دو پستانت
راهی است، به مکه می‌رود

و نیز پسران ایل برای دختران مورد علاقه خود که بی‌وفائی کرده و دل بهمر دیگری بسته‌اند این ترانه دو بیتی را می‌خوانند.

آفتاب رفت، زردیش ماند
ایل رفت و گردش ماند
نبوسیدم صورت زیبای یار را
دردش بدلم ماند

از بک. د.





زنی از ایل



جاجیم‌های اصیل در یکی از خانه‌های ایل



بافت جاجیم بدست زنان ماهر ایل



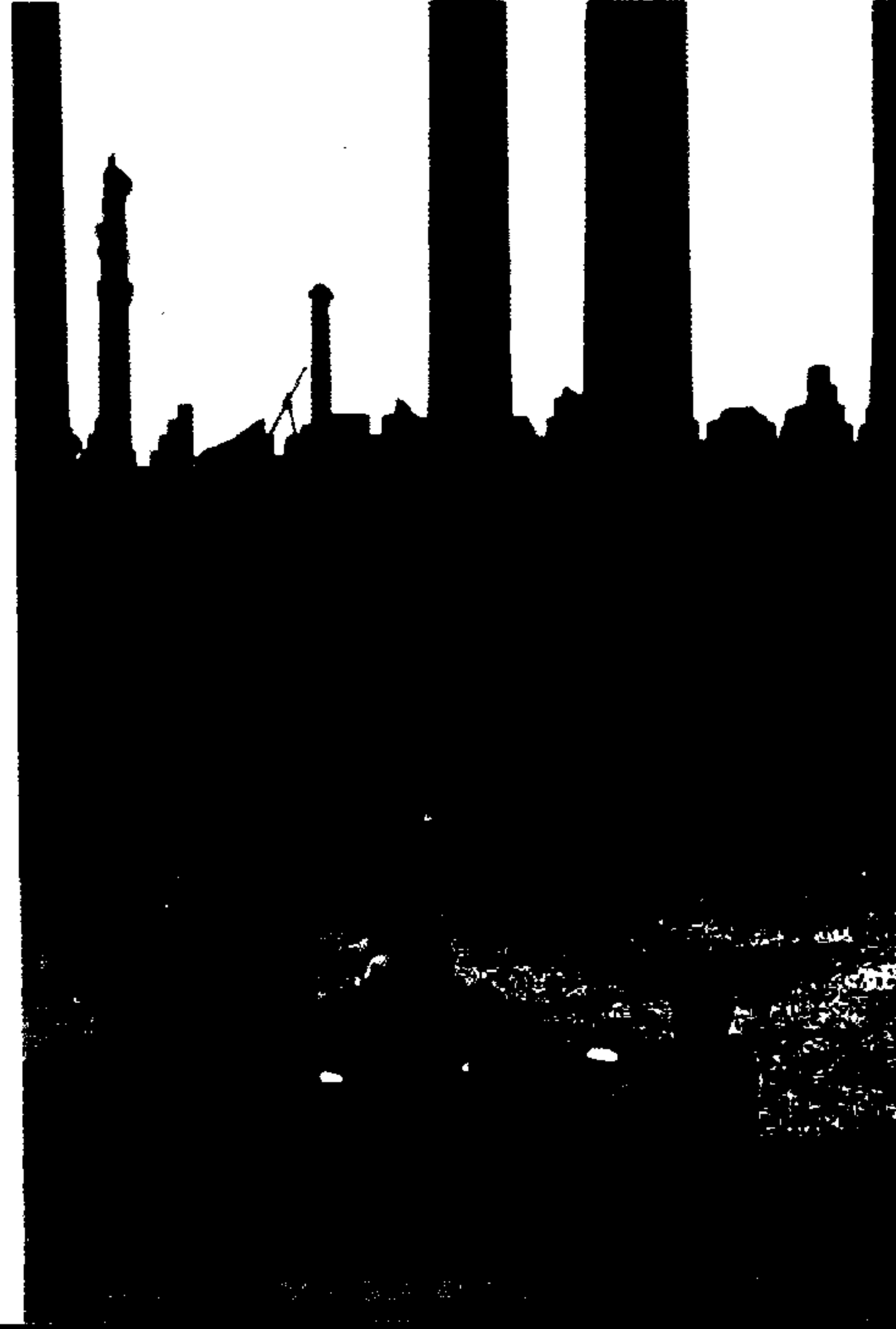




ثريا رهنما در نقش شهرو



س معیری در نقش شاه موبد





قسمتی از سقف و دیوار اندرونی انگورستان



گوشه‌ای از انگورستان ملك



قسمتی از بیرونی با حوض آب که مملو از ماهیهای قرمز و رنگی بود



منبر چوبی انگورستان ساخت اصفهان

انگورستان ملك

* در اصفهان محلی وجود دارد بنام انگورستان ملك كه در نوع خود شاید یکی از نادرترین موزه های دنیا بحساب بیاید .

* معمار «اوستا حسینی» طراح و سازنده انگورستان

* آنچهان دقت و ظرافت در ساختمان انگورستان بخرج رفته كه آدمی را حیران میسازد .

* سقف انگورستان از چوب كبوده تهیه شده است .

قنات می باشد .

در کنار حوض يك سنك آب از سنك يك تكه است كه در ایام عزاداری معمولا در آن شربت نذری و یا آب یخ می ریختند . سقف انگورستان از چوب كبوده تهیه شده كه بوسیله نقوش هندسی در کنار هم قرار گرفته است . سرستونها عموما از چوب مثبت کاری شده است . در مجموع می توان گفت در انگورستان ۱۴ ستون چوبی و ۴ ستون نیمه بكار رفته است .

در هر صورت دست چندین هنرمند اصفهانی ، انگورستان را در چنان حدی قرار داده كه اكثر كارشناسان باستان شناسی خارج حتی نتوانسته اند قیمتی بر این محل بگذارند . حاج آقامكالتجار انگورستان را بعنوان بیرونی برای رسیدگی به امور مردم و محل پذیرائی از میهمانان وبخصوص برای استفاده از حسینه و روضه خوانی ایجاد کرده است .

آویز هائی كه بوسیله زنجیر های بلند از سقف چوبین انگورستان پیاپی سرازیر شده اند همچون گوی های بلورینی می باشند كه درونشان مملو از ماهی های قرمز چشمه های آب شیرین اطراف اصفهان است . این آویزها همگی بهمت حاج آقا ملكالتجار بوسیله كشتی از اروپا آورده شده تا چیزی باشد برای بصر و زیبا كردن منظره بیرونی .

می گویند حاج آقا ملك به ماهی قرمز كه از چشمه گرفته می شده شدیداً عشق می ورزیده و آنرا نشانه شادی و صفا و خوشبختی می دانسته و بدین علت ماهی های نازپرورده حاج آقا ملك عموماً از آب چشمه كه توسط مستخدم انگورستان تهیه می شده استفاده می كردند .

اكنون بهمت سازمان اوقاف این محل نگهداری می شود و سرایدار آن مردی است بنام فضل الله خان سیاوشی كه نگهبانی این محل از پدرش باو ارث رسیده است . این مرد سیاه چهره آنچهان از شما با روی خوش استقبال می كند كه گوئی حاج محمد ملك جان گرفته است و شمارا بدرون انگورستان رهنمون می شود . هنگامیکه از این محل خارج می شوید صدای چكش صنعتگران اصفهانی را كه از برخورد ضربه چكش آنان با چوب و سنك و تخته ایجاد می شود می شنوید و بیادتان میاندازد كه بازهم قدیمی ها ...

در اصفهان محلی وجود دارد بنام انگورستان ملك كه در نوع خود شاید یکی از نادرترین موزه های دنیا بحساب بیاید . در یکی از خیابانهای شرقی اصفهان در ۱۵۰ سال پیش بهمت حاج آقامحمد ملكالتجار مكانی جهت پذیرائی از میهمانان و بازرگانان معتبر و در ضمن روضه خوانی ایجاد گردید كه نام آنرا انگورستان نهادند . معمار اوستا حسینی طراح و سازنده انگورستان است او آنچهان دقت و ظرافتی در ساختمان انگورستان بخرج داده كه آدمی را حیران می كند .

انگورستان ملك زمینی دارد مستطیل شكل ، از دو طبقه تشكيل شده است ، طبقه زیرین كه دارای ستونهای متعدد است با صحنی وسیع كه در قسمت جنوبی و شمالی آن كه به هفت دری موسوم است در هر طرف هفت در بچشم می خورد از چوبهای چنار و پس از عبور از این هفت در كه مانند پنجره ایجاد شده است به محوطه سر پوشیده می رسیم با قالی های زمان قاجاریه و جارها و چلچراغ های ناصرالدین شاهی . در انتهای جنوبی این قسمت یکی از شاهكار های هنر چوبکاری بكار رفته است . در بزرگی با هزاران شیشه رنگی تزیین شده است كه انعكاس انوار آن همیشه بر سطح محل پوشیده افتاده است .

در قسمت شمالی این محل باز پس از اینکه بوسیله يك هفت دری از صحن جدا می شود اطاق كوچکی است كه قبر حاج محمد ابراهیم ملك پسر ملكالتجار و همسرش خدیجه السطان بگم می باشد كه از سنك مرمر درست شده است . گویند این دو آنچهان بهم محبت میورزیدند كه پس از فوت حاج محمد ابراهیم ملك پسر بانی انگورستان ، همسرش نیز چندی بعد بعلت فراق وی زندگی را بدرود گفت .

در این اطاقك كه جارها و چلچراغهای رنگین كه با تصاویر ناصرالدین شاه مرسم است قرار گرفته تابلوی بزرگی نیز از خارج محمد ابراهیم ملك بچشم می خورد . در صحن بیرون منبر بزرگی از چوب «فوفل» سیاه می باشد . در روی دیوار های گچی بریدگی هائی از اشعار مذهبی محتشم و آیات قرآنی بچشم می خورد .

در وسط صحن حوضی سنگی است بعشق كم كه درون آن همیشه پر از ماهی های قرمز

جاذبه

نیروی شگفت جهان ما و کهکشانها

دکتر زاهدی مقدم
دانشیار فیزیک

عصر فضا با پیشرفتهای معجز آسای تکنولوژی، آزادی انسان خاکی را چندان افزایش داد که برخلاف مقتضیات طبیعی و ساختمان جسمانش، بند های جاذبه را از هم گسست و راهی فضای بیکران گردید. این انقلاب بزرگ در طول زندگی دراز وی بر پایه پیشرفت دانش فضا استوار است. در این گفتار بنیاد های این دانش که روشنگر نیروی شگفت جاذبه است و درباره همه جهانهای مادی بکار می رود بررسی میگردد. تا قرن هفدهم میلادی، گرایش جسم را بسوی زمین یک خاصیت طبیعی ماده و بی نیاز از هر گونه توضیح میدانستند. وزن جسم بمنزله نیروی کشش میان زمین و جسم اندیشه ای است که بذهن نیوتن و برخی از دانشمندان همزمان وی از جمله هوک رسیده است.

تا آثرمان چنین می پنداشتند که جنبش های آسمانی و زمینی از قانونهای جداگانه ای پیروی میکنند.

هنگامی که نیوتن دانشجوئی بیش نبود، جنبش اجسام آسمانی بویژه خورشید و ستارگان منظومه خورشیدی مورد توجه قرار گرفته بود، چنانکه در سال ۱۶۶۴ دانش پژوهان حکمت طبیعی کمبریج در این زمینه بگفتگو میپرداختند. سال بعد بیماری طاعون همه جا را فرا گرفت و کالج بحالت تعطیل

درآمد و محققان آن ناچار بخانه های خویش بازگشتند. یکی از اینان نیوتن دانشجوی بیست و سه ساله، پژوهنده نامی کالج کمبریج بود.

نیوتن در خانه خویش اندیشه هایش را در این زمینه دنبال کرد. او بظاهر درباغ میوه با الهام از سقوط سیبی از درخت بر زمین دریافت که همان نیروی جاذبه ای که سیبی را بسوی زمین میکشاند ممکن است علت گرانش ماه نیز بسوی زمین باشد. نیوتن شتاب جذب بمرکز ماه را در مدار خود و شتاب ثقل جسم روی زمین را از یک مبداء دانست.

پیدایش این اندیشه درست که جنبش های آسمانی و زمینی از یک قانون پیروی می کنند سنت دیرینه فلسفه علمی آثرمان را دگرگون کرد.

دانش مکانیک نیوتنی بر پایه سه قانون طبیعی بنا شده است که نخستین بار در سال ۱۶۸۷ در مقاله وی با عنوان «اصول ریاضی علم طبیعی» انتشار یافت. باین حال نباید چنین پنداشت که علم مکانیک از زمان نیوتن آغاز شده باشد. کسان دیگری نیز پیش از او در این زمینه پژوهیده اند که نامی ترین آنان گالیله است که با بررسی های خویش در باره حرکت شتابدار، کار اساسی سه قانون بنیادی نیوتن را انجام داده است.

قانون نخست نیوتن که از کتاب او از زبان لاتین گرفته شده چنین است: هر جسمی حالت سکون یا حرکت یکنواخت خود را بر خطی راست ادامه خواهد داد مگر آنکه نیرو یا نیروهائی بر آن اثر کند و در حالت آن تغییری پدید آورد (قانون اینرسی). گرچه در این بیان حرکت دورانی بوسیله نیوتن آشکارا ذکر نشده ولی از کارش پیداست که او از شرایطی که نیروها باید هنگام دوران جسم دارا باشد بخوبی آگاه بوده است.

شتابی را که جسم از نیروی خارجی مییابد با بزرگی آن نیرو متناسب است. ضریب تناسب همان جرم جسم میباشد. راستای شتاب با راستای نیرو یکی است. این بیان قانون دوم است که بنام اصل اساسی دینامیک شناخته شده.

قانون سوم نیوتن چنین بیان میگردد: هر نیرو نماینده ای است از واکنش مشترک میان دو جسم. هر بار که جسمی نیروئی بر جسم دیگر وارد میکند، جسم دوم هم بر جسم نخست نیروئی اثر میدهد که از لحاظ اندازه با نیروی اول برابر است، خط عمل آنها یکی است ولی سوی نیروها مخالف هم میباشد. بنابراین گفته، در مکانیک یک نیروی تنها و منفرد بی معنی است. دو نیروئی که در هرواکنش میان دو جسم دخالت می کنند معمولاً

در سده شانزدهم کپرنیک پیشنهاد کرد که اگر خورشید در مرکز عالم در حال سکون فرض شود جنبش های آسمانی ساده تر بیان خواهد شد. در نظریه کپرنیک یا مرکزیت خورشید، زمین يك سیاره چرخان بدور خود و گردان بدور خورشید نموده شده است. سیاره های دیگر نیز حرکات همانندی دارند.

منشا این اطلاعات، مشاهدات تیکوبراhe آخرین ستاره شناس نامی بی تلسکوپ است که اطلاعات دربارہ جنبش سیارات بوسیله دانشیارش کپلر مدت بیست سال بررسی شده. کپلر نظم مهمی را در حرکت سیاره ای کشف کرده. این نظم بنام سه قانون حرکت سیاره ای کپلر شناخته شده است:

— همه سیارات در مدار هائی بیضی شکل حرکت میکنند که خورشید در يك کانون آن ها جای دارد (قانون مدارات).

— خطی که سیاره را بخورشید می پیوندد در زمانهای برابر مساحت برابری را جارو میکند (قانون مساحت).

— مربع دوره سیاره بدور خورشید با مکعب فاصله اش از خورشید متناسب است (قانون دوره ها).

قوانین کپلر، که بخوبی با نظریه کپرنیک همساز بوده با سادگی زیادی نشان داده که اگر خورشید مبداء مقایسه باشد جنبش های سیاره ای بخوبی وصف میشوند. با این حال، این قانونها تجربی بوده و حرکات ستارگان را بی هیچ بیان نظری نشان میداد. کپلر در تنظیم قانونهای خود تصور نیرو را که علت این نظم ها باشد نداشته است زیرا مفهوم نیرو تا آن زمان هنوز بروشنی بصورت فرمول در نیامده بوده ولی بیان این قانونها برای اثبات درستی نظریه نیوتن پیروزی بزرگی بوده، چه آنکه او توانسته آنها را از قانونهای حرکت و جاذبه خویش نتیجه گیرد. قانون جاذبه نیوتن در اینباره چنین بیان میگردد که: هر سیاره در راستای خورشید با نیروئی متناسب با جرم و متناسب با عکس مجذور فاصله اش از آن جذب میگردد.

بدینسان نیوتن توانست برای حرکت ستارگان منظومه خورشیدی و سقوط اجسام روی زمین يك مفهوم کلی یابد. او این چنین دانشهای جدا شده پیشین یعنی مکانیک آسمانی و مکانیک خاکی را بشکل يك نظریه یگانه درآورد. در واقع اهمیت کارهای علمی کپرنیک در این است که نظریه مرکزیت خورشید را برا برای یگانگی دانشهای آسمانی و زمینی هموار کرده است. با فرض اینکه زمین بدور خورشید میگردد و بدور محور خود میچرخد پدیده های گوناگونی چون جنبش ظاهری روزانه و سالانه ستارگان، برآمدگی زمین دراستوا، وزش باد های آلیزه و بسیاری از پدیده های دیگر که ممکن نبود در تئوری مرکزیت

زمین بطور منطقی بهم مربوط شوند در اینجا بخوبی بیان میگردد.

قانون جاذبه عمومی بدینگونه است که: نیروی جاذبه f میان دو نقطه مادی m و m' که بفاصله r از هم جای دارند در راستای خطی است که این دو نقطه را بهم می پیوندند:

$$f = G \frac{mm'}{r^2}$$

که در آن G ثابت جاذبه عمومی برای همه جفت ذره های مادی دارای يك ارزش است.

نیرو های جاذبه میان دو ذره مادی نیرو های عمل و عکس العمل میباشد. ذره نخست نیروئی بر ذره دوم وارد میکند که بسوی ذره اول و در راستای خطی است که آن دو را بهم می پیوندند. بهمین گونه، ذره دوم نیروئی بر ذره اول وارد میکند که بسوی ذره دوم و در راستای خط واصل میان آنهاست. این دو نیرو برابر و ناهمسو میباشد.

ثابت جاذبه عمومی را نباید بجای شتابی گرفت که نیروی جاذبه زمین يك جسم میدهد. ثابت G یکعدد است در حالی که شتاب g يك بردار میباشد که نه ثابت و نه عمومی است.

با قانون جاذبه عمومی نیوتن نمیتوان کمیت های فیزیکی مانند نیرو، جرم یا طول را تعریف نمود. مفهوم نیرو با بسط قانون دوم تعریف میشود. نیرو در حالتی که به کمیت های اندازه گیری دیگر وابسته است از روی مشاهدات فیزیکی تعیین میگردد.

از اینگونه است قانون جاذبه عمومی نیوتن. از این رو در این قانون باید ثابت G برای دو جسم معلوم را بیاری آزمایش تعیین کرد سپس نیروی جاذبه میان هر دو جسم را از آن نتیجه گرفت.

باید دانست که معادله بالا نیروی میان دو ذره مادی را نشان میدهد. اگر منظور تعیین نیروی جاذبه میان اجسام حقیقی مانند ماه و زمین باشد هر جسم را باید بذره هائی بخش کرد. سپس واکنشهای میان همه ذرات تشکیل دهنده را بدیده گرفت. حساب انتگرال گیری چنین محاسبه ای را ممکن مینماید. پاره ای از انگیزه های نیوتن نیز در وضع و گسترش حساب دیفرانسیل و انتگرال در این بوده که میخواسته است چنین مساله ای را حل کند. در حالت کلی جاذبه، درست نیست فرض شود همه جرم يك جسم در گرانیگاش گرد آمده است، با این حال این فرض در باره کره های یکنواخت درست میباشد.

نا گفته در قانون جاذبه عمومی این نکته است که نیروی جاذبه میان دو ذره، مستقل از حضور اجسام دیگر یا خواص فضائی است که آنها را دربر دارد. نیروی جاذبه وارد بيك جسم با جرم آن

متناسب میباشد. این تناسب میان نیرو و جرم است که بنا بر معمول، جاذبه را شاخه ای از دانش مکانیک می شناسند و نظریه هائی مانند الکترو مغناطیس، نیروی هسته ای و غیره را در زمینه مکانیک نمیدانند.

یکی از نتایج مهم این تناسب اینست که جرم را میتوان با تعیین نیروی جاذبه وارد بدان اندازه گرفت. این اندازه گیری ممکن است بیاری يك ترازوی فزری انجام گیرد و یا در يك ترازو با سنجش نیروی جاذبه وارد بيك جرم معلوم استاندارد و جرم ناشناخته صورت گیرد.

پرسی که پیش می آید اینست که آیا براستی این دو روش يك خاصیت را اندازه میگیرند؟ در اینجا کلمه جرم در دو آزمایش گوناگون بکار رفته است. مثال زیر، موضوع را روشن مینماید: برای حرکت دادن قالب یخی صاف که بر سطحی بی مالش جای دارد نیروئی لازم است. قالب یخ ساکن میکوشد سکون خود را از دست ندهد و یا اگر در حرکت است میخواهد بجنبش خود ادامه دهد. در اینجا جاذبه دخالت ندارد، زیرا نیروی عکس العمل تکیه گاه نیروی وزن را خنثی میکند. در يك فضای بی جاذبه نیز برای شتاب دادن قالب یخ باید همان اندازه نیرو بکار رود. براستی این جرم یخ است که چنین نیروئی را برای تغییر در حرکت خود لازم دارد. این جرم را که از آزمایشهای اصلی دینامیک بدست می آید جرم اینرسی نامند.

حالت دیگری هم هست که جرم یخ را نشان میدهد: برای آنکه این قالب یخ در هوا در حال سکون معلق ماند باید نیروئی بکار رود. اگر رها شود با شتاب بزمین خواهد افتاد. اندازه نیروی لازم برای نگهداری قالب یخ در هوا با نیروی جاذبه میان آن و زمین برابر است. در اینجا اینرسی هیچ نقشی ندارد بلکه خاصیت جاذبه اجسام مادی برجسمی مانند زمین دارای نقشی است مهم. جرمی که در این نیروی جاذبه دخالت دارد جرم جاذبه ای یخ میباشد.

آیا جرم جاذبه ای و جرم اینرسی یخ هر دو یکی است؟ در پاسخ بدین پرسش باید بیاد آورد که قانون جاذبه عمومی این نتیجه را دربر دارد که وزن اجسام در نقطه ای از زمین درست با جرم جاذبه ای آنها متناسب است. اگر جرمهای اینرسی اجسام گوناگون با آزمایشهای دینامیک تعیین گردد سپس این اجسام از ارتفاع معینی رها گردیده شتاب آنها اندازه گیری شود معلوم خواهد شد که این جرمهای اینرسی گوناگون با شتابی یکسان سقوط میکنند. یعنی وزن اجسام در يك نقطه از زمین با جرم اینرسی آنها متناسب است. بنابراین، جرم اینرسی و جرم جاذبه ای باهم متناسب یا در حقیقت یکسان است.

نیوتن آزمایشی ترتیب داده تا هم ارزی ظاهری جرمهای اینرسی و جاذبه ای را بررسی نماید. او آونگی تو خالی نازک و کروی

ساخته و درون آن اشیاء گوناگون ولی هم وزن جای داده است. نیروی وارد به آونك در همه حالات برای يك زاویه انحراف يكسان بوده و چون شكل خارجي آونك تغییر نكرده نیروی مقاومت هوا بر آونك همواره ثابت مانده است. نیوتن اشیاء درون آونك را تغییر داده بنابراین هرگونه تغییری در شتاب باید معلول اختلاف جرمهای اینرسی باشد و چنین اختلافی با تغییری در دوره نوسان آونك نشان داده شود. ولی نیوتن دریافته است که دوره آونك در همه حالات ثابت مانده. از این روی نتیجه گرفته است که جرم اینرسی و جرم جاذبه‌ای هم ارز میباشد.

با قانون جاذبه عمومی میتوان جرم زمین، خورشید، ماه و دیگر ستارگان را تعیین کرد. اگر جرم زمین را با M و جرم يك جسم روی آنرا با m نشان دهیم نیروی جاذبه برابر است با: $F = mg = Gm M / R^2$ و از آنجا:

$$M = g R^2 / G$$

برای تعیین ارزش ثابت جاذبه عمومی G باید نیروی جاذبه میان دو جرم معلوم را اندازه گرفت. نخستین اندازه‌گیری را کاوندیش در سال ۱۷۹۸ انجام داده است. ارزش پذیرفته کنونی آن که در اداره استاندارد امریکا تعیین شده برابر است با: $G = 6.67 \times 10^{-11}$ نیوتن در متر مربع بر مجذور کیلوگرم. با در نظر گرفتن اندازه شعاع زمین:

$$R = 6.37 \times 10^6 \text{ متر و شتاب ثقل } g = 9.80 \text{ متر بر مجذور ثانیه، جرم زمین چنین بدست میآید:}$$

$$M = 5.97 \times 10^{24} \text{ کیلوگرم}$$

اگر جرم زمین را بر حجم آن بخش کنیم توده ویژه متوسط زمین ۵۵۰۰ گرم بر سانتیمتر مکعب بدست میآید که همین اندازه از آب سنگین‌تر است. چون جرم مخصوص صخره‌های روی زمین از این مقدار کمتر است، گفته میشود که اندرون زمین دارای موادی سنگین‌تر از مواد سطح زمین است. بنابراین، آزمایش کاوندیش در باره تعیین اندازه ثابت جاذبه، آگاهی‌هایی در زمینه طبیعت هسته زمین بدست میدهد.

اجسام در نزدیکیهای سطح زمین بعلا تأثیر زیاد جاذبه بطور یکنواخت شتاب میابند. ولی اگر تغییرات ارتفاع از سطح باندازه شعاع زمین باشد شتاب سقوط آزاد اجسام کاملاً دگرگون جلوه میکند. اگر شتاب ثقل در سطح زمین g باشد در ارتفاع h از آن چنین نوشته میشود:

$$g = g_0 (1 - sh/R)$$

بدینسان با صعود بار ارتفاع $h = ۶۳۵$ کیلومتری نیروی کشش زمینی و در نتیجه شتاب سقوط آزاد باندازه دو دهم درصد کاهش مییابد.

پرتاب اجسام زمینی بفضا به شناخت دقیق شتاب ثقل و مقاومت هوا در ارتفاعات مختلف بستگی دارد.

بررسی نظری پرتاب موشك در غیاب مقاومت هوا بسیار ساده بنظر میرسد. آشكار است که مسیر موشك به سرعت آغازی پرتاب وابسته است. اگر این سرعت چندان بزرگ باشد که نیروی جاذبه دیگر تأثیری بر آن نداشته باشد، جسم به فضای کیهانی خواهد گریخت. چنین حالتی هنگامی رخ خواهد داد که سرعت موشك در ارتفاع معینی در اتمسفر زمین مثلاً با موتورهای عكس‌العمل شتاب مناسبی یابد.

برای آنکه جسمی در ارتفاع h از سطح زمین در مداری دایره‌ای بدور آن بگردد باید دارای سرعت $v_1 = \sqrt{gr}$ شود که در آن $r = R + h$ فاصله جسم از مرکز زمین است. این سرعت را سرعت کیهانی نخست نامند. در نزدیکی سطح زمین یعنی برای $r = R$ این سرعت برابر است با ۷۸۰۰ متر بر ثانیه.

در نقطه‌ای از فضا، وقتی سرعت v جسم از این سرعت v_1 کمتر باشد نیروی جاذبه از نیروی گریز از مرکز بیشتر شده جسم با سرعت افزاینده بزمین نزدیک خواهد شد. در اینصورت بنابر اندازه v یا بنقطه‌ای از سطح زمین سقوط خواهد کرد (اگر v خیلی کوچکتر از v_1 گردد) یا آنکه بنقطه مقابل زمین خواهد گذشت و حرکت خود را بر مداری بیضی شکل ادامه خواهد داد. چنانکه در بالا گفته شد با شرط آنکه v با v_1 برابر گردد، جسم يك مدار دایره‌ای خواهد پیمود. ولی اگر v خیلی از v_1 بزرگتر گردد نیروی جاذبه توانائی نگهداری جسم را بر مدار دایره‌ای از دست داده جسم از زمین دور خواهد شد و مدار حرکت آن بشکل بیضی در خواهد آمد. با افزایش اندازه v مدار جسم رفته رفته بزرگتر گشته جسم حوزه جاذبه زمین را ترك خواهد كرد. کمترین سرعت لازم برای آنکه جسمی بتواند در غیاب مقاومت اتمسفری بر نیروی جاذبه زمینی چیره گشته بفضای کیهانی بگریزد از رابطه زیر بدست میآید:

$$v_2 = \sqrt{2gR}$$

این سرعت کیهانی دوم است. اندازه این سرعت در سطح زمین برابر با ۱۱۲۰۰ متر بر ثانیه میباشد که درست $\sqrt{2}v_1$ برابر نخستین سرعت کیهانی است.

بنیاد مکانیکی که نیوتن بنا نهاد راه را برای دسترسی بفضای بی‌انتها هموار ساخت. این مکانیک حاکم بر تمام این فضا با موجودات بشمار از عظیم‌ترین ستارگان و کهکشانها تا ریزترین ذرات مادی است. با کشف این قوانین حرکت، بندهای اسارت انسان که تاکنون زنجیرهای جاذبه زمینی بردست و پایش بسته بود از هم گسیخت و آزادی وی تا فضای کهکشانها خیالاً ممکن گردید. پیشرفت تکنولوژی مدرن و آفرینش دستگاه‌های ماشینی تحقق این آزادی را آهسته‌آهسته بوی عملاً ارزانی میدارد.

ایران و ایرانیان

از سیاحت‌نامه شاردن از زبان دیگران

مشکل است قاریان قبول کنند که تعلیم و تربیت نسل جوان در ایران فی‌الواقع وبمعنی حقیقی کلمه خوب باشد در صورتیکه این حقیقت واقع و مشهود می‌باشد، و آموزش و پرورش جوانان ایرانی خیلی خوب است.

اشراف، یعنی متعینین و متشخصین، و کودکان خانواده‌های متمکن (چون در ایران طبقه اعیان بمعنی حقیقی کلمه وجود ندارد) بسیار خوب پرورش می‌یابند.

تربیت اولاد نجبا بعهده خواجه‌ها است، که حکمران (اتابیک) کودکان بشمار می‌روند. و اطفال را تحت نظر و مراقبت خود پرورش می‌دهند. انضباط سختی درباره بچه‌ها مرعی میدارند، و فقط برای زیارت اولیا، و تماشای جشنها و صحنه‌های نمایش آنها را بخارج هدایت می‌کنند، و چون ممکن است در مکتب و مدرسه، اخلاقشان خراب بشود، لذا کودکان را هرگز پیش معلم نمی‌فرستند. ولی آموزگاران سرخانه می‌آورند، همچنین نهایت دقت و مراقبت معمول می‌دارند تا نوباوگان بانوکران آمیزش نکنند و بهیچوجه چیز کثیفی نبینند و نشنوند و خادمین خانه حداعلای توقیر و احترام را نسبت بایشان مرعی می‌دارند.

در پرورش کودکان عامه نیز مراتب مراقبت رعایت می‌شود، آنها را هرگز بکوی و برزن نمی‌گذارند و از تعیش و افراط در بازی، جنگ و مخاصمت و آموزش فنون شیطنت منعشان می‌کنند.

کودکان را روزی دوبار بمدرسه می‌فرستند، و پس از مراجعت از مکتب، اولیای اطفال فرزندان خویش را پیش خود نگه میدارند تا آنها را باروح حرفه خود و شغلی که برایشان در نظر گرفته‌اند آشنا سازند.

صفات جمیله جوانان ایرانی

جوانان فقط در بیست سالگی می‌توانند وارد اجتماع بشوند، مگر اینکه زودتر برایشان زن بگیرند، و در این صورت زودتر از قیمومیت اولیای خود آزاد می‌گردند و در زندگی مختار می‌شوند. مقصود من از زن گرفتن، ازدواج رسمی و قانونی است، و گرنه از شانزده و هفده سالگی برای جوانان،



در صورت احساس اشتیاق زنی را صیغه می‌کنند. حیوانات ایرانی هنگام ورود با اجتماع هوشیار، درستکار مودب و معقول آزر مجو، کم حرف، متین، دقیق، و در گفتار و کردار پاک و منزله می‌باشند.

ایرانیان مودب و معقول ترین مردم جهان می‌باشند
ایرانیان مودب‌ترین مردم مشرق زمین و خوش خلق ترین خلق جهان می‌باشند. افراد معقول ایرانی با مودب‌ترین اشخاص اروپایی می‌توانند هم‌تراز باشند.

ایرانیان بحد اعلیٰ خوش حالت و نیک رفتار، و بقدر امکان نرم، متین، موقر، مهربان و ملایم هستند. همیشه هنگام برخورد باهم تعارفاتی برای تقدم یکدیگر معمول میدارند. ولی اولویت فی الفور حاصل می‌گردد. از آداب اروپاییان دونگته برای ایشان شگفت‌انگیز می‌نماید. نخست مشاجره و کشمکش زیادی که ما برای حصول تقدم و سبقت می‌کنیم، دوم برداشتن کلاه برای احترام. که در نظر ایشان بسیار بی ادبی بشمار می‌رود و فقط نسبت با شخص مادیون و دوستان نزدیک چنین جسارتی ممکن است بعمل آید. ایرانیان برای چپ و راست فرق قائل‌اند ولی چنانکه مرسوم تمام مشرق زمین می‌باشد. دست چپ ما دست راست آنها است. می‌گویند برای اولین بار کوروش اشخاص (نزدیک و بزرگ) را برای تجلیل و احترام در طرف چپ قرار داد، چون چپ ضعیف ترین قسمت بدن و بیشتر در معرض مخاطره است.

سخن گفتن ایرانیان

ایرانیان در گفتار خود بسیار دقیق‌اند
آداب معاشرت متداول ایرانیان بشرح مذکور است، اما رسم سخن گفتنشان بسی مه‌آمیز و نغزتر و نرم‌تر می‌باشد. هنگام پذیرایی بایک حالت جذابی به واردان می‌گویند: «خوش آمدی»، یعنی خیر مقدم عرض می‌کنم، «صفای آوردی»، حضور شما موجب صفای ماست، «جای شما خالی بود»، «مسند معهود شما در بنده منزل خالی بود»، یعنی شخصی البقی حضور نداشت که در غیبت شما جای شما را بگیرد، و نظایر این عبارات که بر حسب مراتب مودت گاه و بگاه تجدید و تکرار می‌شود.

باز هم یکبار دیگر می‌گوییم که ایرانیان بطور قطع و یقین مهربانترین خلائق جهان می‌باشند. دارای اطوار و حرکات بسیار گیرا و بسیار جذاب، صاحب اندیشه و افکار پرنرمش، و سریع‌الجریان و عذب‌البیان، خیلی شیرین زبان و چرب لسان، و در گفتار خود بسیار دقیق‌اند، چنانکه محال است داستانی بسرایند، و یا سخنی بزبان آرند که موجب تالم و تأثر خاطر مخاطب باشد، و احیاناً اگر مجبور ببا ز گفتن خبر ناگوار و حکایت حادثه شومی باشند، با تمهید مقدمات و پیچ و خم مخصوص آنرا بیان می‌کنند.

فی‌المثل اگر بخواهند خبر مرگ کسی را بازگویند، اظهار میدارند «عمر خود را بشما بخشید». سهم حیات خود را تقدیم شما کرد، یعنی ممکن بود که سالیان دراز زندگی کند، ولی از فرط محبتی که بشما داشت بقیه عمر خویش را بزندگانی شما افزود.

یک داستان از شاه عباس

در این مورد یک داستان کوچک بسیار سادگی از شاه عباس ثانی بخاطر می‌آید. این شاهنشاه هوشیار و سریع‌الانتقال، یک راس خرس سپیدی را که برایش از مسکوی (روسه) هدیه آورده بودند به تفنگچی باشی سپرد، بخیال اینکه مشارالیه بیشتر از آنکه در باغ وحش مقدور است، از این حیوان مواظبت بعمل آورد. مع هذا خرس هیچ نریست و شاهنشاه آگاه بر این موضوع بود و مدتی بعد خواست از کیفیت فوت جانور اطلاع یابد و از سردار استفسار فرمود: «خرس

سپید من چه شده است؟» تفنگچی باشی در پاسخ عرض کرد. قربان، عمر خود را بشما بخشید. اعلیحضرت خنده کنان گفت: «خود شما خرس هستید که می‌خواهید بقیه عمر حیوانی به زندگی من افزوده شود.»

جهانگردی در ایران

علیرغم آنچه که گفتم، در تمام جهان کشوری مانند ایران برای سیاحت و جهانگردی وجود ندارد. خواه از لحاظ امنیت طرق، که مواظبت دقیقی در این مورد بعمل می‌آید. و خواه از جهت کمی مخارج که معلول کثرت تعداد عمارات عمومی مخصوص مسافران در سرتاسر امپراطوری، در بلاد و بیابان است. در این عمارات برایگان سکونت اختیار می‌کنند. بعلاوه در نقاط صعب‌العبور پلها و جاده‌های مسطحی (شوسه) وجود دارد که برای کاروانها و کلیه کسانی که برای کسب نفع در حرکتند تعبیه شده است.

داد و ستد و کیفیت آن

عادت ایرانیانی که مشغول داد و ستد و معامله و تجارت، یا در خدمات (دولتی) می‌باشند، آنست که بعد از گرد آوردن مبلغی پول، ابتدا بفکر تهیه خانه برای خود می‌افتند، و هرگز عمارت ساخته و پرداخته خریداری نمی‌کنند، بلکه یک ساختمانی مطابق احتیاجات و بزرگی لازم می‌سازند، و در این مورد ضرب‌المثلی دارند:

«خانه ساخته و پرداخته برای خانواده، بیشتر از لباس دوخته و حاضر برای بدن، مناسب نیست.» در ایران افراد معدودی در خانه‌های اجاره سکونت دارند. نادارترین افراد معمولاً مالک منزل مسکونی خویش می‌باشند. این موضوع ناشی از دو مسئله است. نخست آنکه ایرانیان نبوغ خود را بالطبع در تجارت بکار انداخته‌اند. دوم اینکه مذهب ایشان (آیین اسلام) از قرض دادن با سود (ربا خواری) ممانعت به عمل آورده است بهمین جهت همه کس از پرداخت مال الاجاره اجتناب می‌کند، و چون از بکار انداختن پول خویش بی اطلاع است، اقدام بخريد اماکن و املاك مینماید.

بازارچه

دومین تمایل ملکی ایرانیان بعد از ساختمان خانه، تهیه و تدارك چیزی است که بازارچه می‌نامند که محل دادوستد، و عبارت از يك دالان معمولاً پوشیده با گنبد می‌باشد. ویکرشته دکاکین در سرتاسر آن بنا گشته است. معمولاً این قبیل ابنیه را در مجاورت منزل خود می‌سازند یا در صورت تصادف ابتیاع می‌کنند. معمولاً این نخستین دارایی ارضی ایشان بشمار می‌رود. آنگاه بخزیدن یا ساختن گرمابه، و سپس کاروانسرا اقدام می‌کنند.

بنای مدارس و مساجد و کاروانسرا

اشخاصی که تمکن بیشتری دارند، بعد از گرد آوردن ثروت بسیار برای خود و فرزندان خویش اقدام به ساختمان اماکن عمومی می‌کنند. فی‌المثل مدارس با تأسیسات و تجهیزات لازم برای عده کثیری از محصلان و طلاب بنا می‌مایند. بعد در کنار جاده‌های بزرگ کاروانسراهایی برای پذیرایی رایگان از عابران و مسافران بوجود آورند، آنگاه پلهایی می‌سازند و بالاخره مساجدی با عایداتی برای امرار معاش روحانیون، و گاهی جهت صدقه و یا اطعام نامداران ساختمان می‌کنند. ایرانیان این قبیل ابنیه و عمارات را صواب آخرت می‌نامند. یعنی برای عقبی، و نیز بقول خودشان می‌گویند که این خیرات و میراث خیرجاری، یعنی ثروت زاینده است. چون مدعی هستند که ادعیه واذکاری که در این قبیل معابد و عمارات رایگان خوانده و گراوده می‌شود، و مردم بالفعل از این گونه وسایل استراحت برخوردار می‌گردند، صواب امر عاید بانیان و متوجه آنان می‌شود.

(ترجمه محمد عباسی)

مرغ میکنند بلامانع تشخیص داده شده است.

تولید مواد خوراکی از هیدروکربورهای نفتی بعثت امتیازات بزرگ اقتصادی و مهم آن از قبیل فراوانی و ارزانی نسبی مواد اولیه و ارزش غذائی زیاد محصولات بدست آمده امروزه بصورت بسیار جدی مورد بررسی قرار گرفته است و با وجود اینکه بعقیده کارشناسان فن حداقل ده سال دیگر وقت لازم است تا به توان مواد قابل مصرف برای تغذیه انسان از این راه تهیه کرد امروزه تقریباً کلیه مراکز تحقیقاتی نفتی و بسیاری از شرکتهای بزرگ شیمیائی مبالغ هنگفتی از بودجه خود را به بررسی های

پیشرفت های خارق العاده علمی و تکنولوژی در زمینه سنتز مواد شیمیائی در سالهای اخیر و تهیه بعضی از عصاره های «پروتئین» و ویتامین خوراکی از این راه باعث گردیده که تولید کنندگان مواد غذائی در سراسر جهان متوجه منابع جدید و بی سابقه از مواد اولیه غذائی مانند نفت خام - گاز طبیعی و یا مواد اولیه حیوانی و گیاهی در حال حاضر غیر قابل مصرف شده و سرمایه های زیادی در این راه بکار افتد. تشکیل شرکت «بریتیش پترولئوم پروتئین» وابسته بشرکت نفت انگلیسی «بریتیش پترولئوم» برای تولید صنعتی پروتئین های خوراکی از هیدروکربورهای نفتی و تأسیس دو



تحقیقاتی در این زمینه اختصاص داده اند. بعلاوه تعدادی شرکتهای تجارتی نیز برای فراهم کردن وسایل تولید تجارتی این محصولات تشکیل گردیده است که از آنجمله می توان همکاری شرکت بزرگ نفتی امریکائی «استاندارد اویل» با شرکت سوئیسی تولیدکننده مواد غذائی «نستله» را در شرکت «اسو - نستله» و شرکت «پرووستاکورپوریشن» را که در **Provesta Corporation** آن دو شرکت بزرگ امریکائی «جنرال میلز» و «فیلیپس پترولئوم» با یکدیگر شریک میباشند نام برد.

از طرف دیگر در سالهای اخیر فعالیت های زیادی برای تهیه مواد مکمل غذائی پروتئین دار از منابع مواد اولیه غیر معمولی نظیر پسته شامی - لوبیای روغنی - تخم گل آفتاب گردان - تخم پنبه و حتی خاکستر استخوان و برگ سبز بعضی از گیاهان مانند نخود و خلر بعمل آمده و مواد حاصله بصورت نوشابه های غیر الکلی و نان بیسکویت به بازار بخصوص در مناطق قحطی زده بیافرا و بعضی از کشور های آسیائی و امریکای جنوبی عرضه شده است، معذک بعثت طعم نامطبوع و غیر مانوس این محصولات از آنها استقبال زیادی نشده و از این لحاظ از این محصولات در حال حاضر تنها بعنوان غذای دام و طیور استفاده میشود.

شکل ۲: در حالیکه شرکت «بریتیش

کارخانه بزرگ تولید پروتئین از نفت توسط این شرکت در فرانسه و انگلستان نشانه بارزی است که تولید مواد غذائی سنتتیک و مصنوعی از مرحله تحقیقاتی و آزمایشگاهی خارج شده و بصورتی کاملاً جدی بمرحله صنعتی و مصرفی نزدیک میشود. شرکت «بریتیش پترولئوم» یکی از نخستین شرکتهائی است که بفکر تهیه پروتئین خوراکی از نفت افتاد و بدنبال تحقیقات دامنه داری که در این زمینه نمود اقدام به تأسیس یک واحد نیمه صنعتی برای تولید پروتئین در پالایشگاه نفتی که در شهر «لاورا» در جنوب فرانسه دارد کرد. محصول نهائی این واحد بصورت پودر زرد رنگ بدون بو و طعمی است که از حیث ترکیب شیمیائی شباهت زیادی بگوشت ماهی و خوراکیهای دریائی دارد.

جدول ۱ ترکیب تقریبی یک عصاره پروتئین نفتی

Proteins	۴۳٫۶ درصد
Lipids	۱۸٫۵ درصد
Carbohydrates	۲۱٫۹ درصد
Ash	۴٫۳ درصد

اگرچه کارشناسان شرکت «بریتیش پترولئوم» عقیده دارند که عصاره های تهیه شده هنوز مناسب برای تغذیه انسان نمی باشد معذک استفاده از آنها برای تغذیه احشام و طیور که به نوبه خود آنها را تبدیل بمواد غذائی مرغوب مانند گوشت - شیر و تخم

منابع جدید مواد غذائی

از: دکتر پرویز اعتماد مقدم

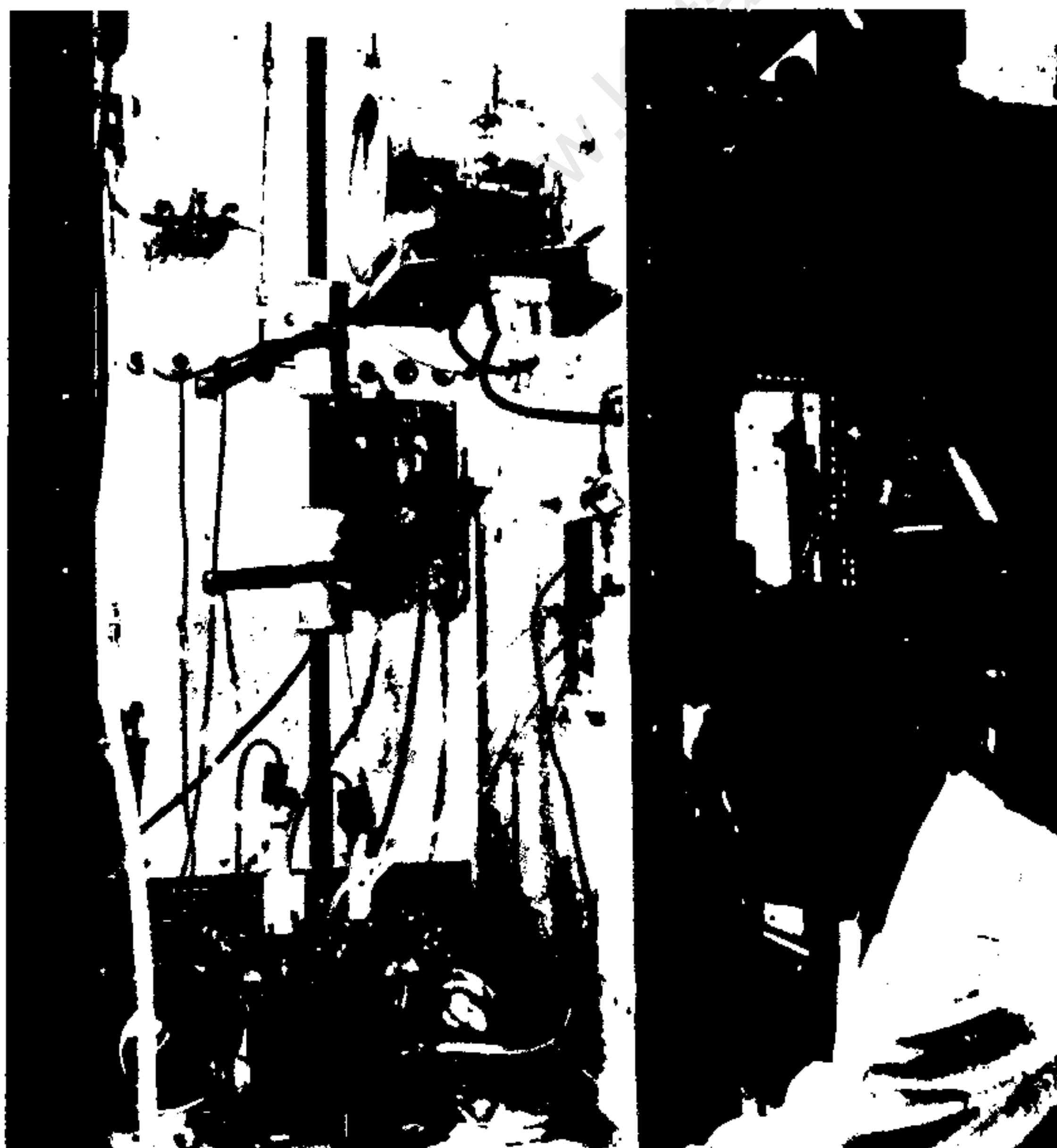
پترولئوم، برای تهیه پروتئین موجودات ریز ذره‌بینی را در محیط هیدروکربورهای زنجیری سنگین (برش گازاوایل نفت خام) تکثیر نموده و سپس آنها را از این محیط استخراج و بعنوان عصاره پروتئین مصرف میکند شرکت بزرگ شیمیائی انگلیسی «آی. سی. آی» که دومین شرکت شیمیائی دنیاست بودجه معادل بیست و پنج میلیون دلار اختصاص بکشف روش اقتصادی تکثیر این موجودات ریز در «گازمتان» که ماده اصلی گاز طبیعی است داده است و ارقام جالب اقتصادی که در این باره منتشر شده نشان میدهد که در حالیکه سرعت تولید پروتئین از «متان» بمیزان پنج گرم بازاء هر لیتر گاز و در مدت شش ساعت است قیمت تمام شده محصول در حدود هفت دلار بازاء هر ۱۰۰ پوند عصاره پروتئین شصت درصد یعنی قابل مقایسه با ارزاترین روشهای متداول تولید پروتئین است. در شکل بالا یک دستگاه تخمیر مداوم شرکت «آی. سی. آی» در حال بررسی امکان تکثیر باکتری‌های از نوع پseudomonas در گازهای طبیعی دریای شمال نشان داده شده است.



محصول پروتئین مصنوعی که برش سنگین نفتی تهیه شده است.

با وجود این فعالیت سه شرکت بزرگ شیمیائی امریکائی در این زمینه به نتایجی رسیده است که موفقیت بزرگی را برای آنها نوید میدهد. در واقع شرکت معروف «مونسانتو» که هشتمین شرکت بزرگ شیمیائی دنیاست در نظر دارد که تولید نوشابه معروف پروتئین دار خود بنام «ویتاسوی» را که از لوبیای روغنی میسازد و فروش آزمایشی آن در بازار «هنگ کنگ» با موفقیت زیاد روبرو شده است، بمقیاس بزرگ تولید و فروش آنرا به کلیه کشور های آسیائی توسعه دهد. از طرف دیگر یکنوع نوشابه غیر الکلی پروتئین دار با طعم شکولاتی توسط شرکت «کوکاکولا» اخیرا تهیه و بطور آزمایشی بیازار برزیل عرضه شده است، فروش این نوشابه که با ویتامین های مختلف نیز تقویت شده است در برزیل با موفقیت همراه بوده است. بالاخره نوشابه غیر الکلی پروتئین دار دیگری نیز اخیرا توسط شرکت بزرگ پیلزبوری از مخلوطی از آرد ذرت - تخم پنبه و آرد گردو ساخته شده که مصرف آزمایشی آن در بازار کشور «ال سالوادور» در امریکای جنوبی نتایج رضایت بخشی داشته است.

مصرف عصاره های پروتئین مصنوعی بعنوان مواد مکمل غذائی بخصوص در کشور هایی که محصولات کشاورزی غذای اصلی مردم را تشکیل میدهد حائز اهمیت بسیار و حیاتی است. در واقع فرآورده های اصلی کشاورزی از قبیل غلات - ذرت - سیب زمینی و امثال آن که ماده اصلی آنها کربوهیدرات میباشد اگرچه دارای ترکیبات پروتئینی بمقدار کم و بیش قابل توجهی هستند، معذک پروتئین های موجود در آنها از لحاظ بعضی از انواع اسید های آمینه



جدول ۲ مقایسه مقدار آسیدهای آمینه اصلی در غلات - گوشت - مایه خمیر و عصاره پروتئین نفتی

آمینو آسید اصلی	آرد گندم	گوشت گاو	مایه خمیر (*)	عصاره پروتئین نفتی (محصول بریتیش پترو لئوم)
لوسین	۷۰	۸۰	۷۶	۷۰
ایزولوسین	۴۲	۶۰	۵۵	۳۰
والین	۴۱	۵۵	۶۰	۸۴
ثرئونین	۲۷	۵۰	۵۴	۹۱
متیونین	۱۵	۳۲	۰۸	۱۲
سیستین	۱۹	۱۲	۱۰	۰۱
لیزین	۱۹	۱۰۰	۶۸	۱۱۶
آرژینین	۴۲	۷۷	۴۱	۸۰
هیستیدین	۲۲	۳۳	۱۷	۸۱
فنیل آلانین	۵۵	۵۰	۳۹	۷۹
تریپتوفان	۰۸	۱۴	۱۶	۱۲

* YEAST (TORULA UTILIS)

(*) پروتئین ها از نظر شیمیائی مولکول های آلی بسیار بزرگ و پیچیده ای هستند که از اتصال تعداد زیادی از اسیدهای آمینه بهم تشکیل شده اند. این مواد در محیط مناسب دستگاه گوارش و در مجاورت آب و کاتالیزورهای آلی شکسته شده و تبدیل به مخلوطی از چهارده تا بیست نوع آمینو اسید مختلف میشوند که تنها منبع قابل توجه ازت مورد احتیاج بدن انسان میباشد. البته بدن انسان میتواند بعضی از این اسیدها را از راه سنتز شیمیائی تهیه کند ولی قادر به تولید تعدادی قابل توجه از آنها که آمینو اسیدهای ضروری نامیده می شود نمی باشد. تجربیات آزمایشی نشان داده است که حذف هر یک از این آمینو اسیدهای ضروری از غذای روزانه انسان بطور مداوم باعث از بین رفتن اشتها، از دست دادن وزن و اختلالات زیادی در وضع کار اجزاء مختلف بدن و احتمالاً منجر بمرگ میشود. نکته جالب آنست که آمینو اسیدهای ضروری باید به نسبت معینی به بدن برسد و حتی اگر هم یکی از آنها بمقدار کافی جذب نشود میزان جذب سایر اسیدها نیز بمقدار زیاد کم میشود.

(*) در حال حاضر برنج آب پز غذای نیمی از مردم جهان و نود درصد مردم کشورهای آسیایی را تشکیل میدهد و در بسیاری از این کشورها جای نان و گوشت را گرفته است.

غذائی مصرفی یکی دیگر از عواملی است که باعث میشود غذای روزانه انسان دارای بعضی از ترکیبات ضروری بمقدار کافی نباشد و بدین جهت وجود یک نوع نظام کشاورزی بمقیاس منطقه میتواند کمک موثری به بالا بردن ارزش نسبی غذائی تولیدات کشاورزی به نماید.

جدول شماره ۲

یکی از امتیازات مناطق کشت و صنعت آنست که برنامه کشت محصولات متنوع را در هر یک از آنها ویا در تعدادی از آنها میتوان بطریقی تنظیم نمود که محصولات حاصله از نظر ارزش غذائی مکمل یکدیگر بوده و از نظر تولید نیز مطابق با احتیاجات بازار و ذوق مصرف کنندگان باشد و بدین طریق نظم و ترتیب نسبی لازم را در تهیه محصولات کشاورزی بوجود آورد. در این واحدها بعلاوه میتوان کارخانجات صنعتی کوچک و بزرگی نیز برای تهیه مواد افزونی غذائی پروتئین و ویتامین دار با توجه بمواد اولیه موجود و احتیاجات هر منطقه تأسیس کرد و بدین طریق سعی کرد تا محصولات هر قطب کشاورزی نه تنها از نظر کیفی و ارزش غذائی مطابق با احتیاجات مردم باشد بلکه از نظر نوع نیز با ذوق و سلیقه مصرف کنندگان مطابقت نماید.

ضروری مانند « لائوین » و « متیونین » که بدن انسان قادر به تهیه و سنتز آنها نیست بسیار فقیر می باشند و از این لحاظ نمیتوانند غذای کاملی برای انسان باشند (*) این آمینو اسیدهای ضروری البته بمقدار کافی و به نسبت های مورد نیاز در مواد غذائی حیوانی از قبیل گوشت - شیر - تخم مرغ و ماهی وجود دارند ولی توسعه سریع میزان تولید این مواد غذائی حیوانی گران قیمت بمیزانی متناسب با ازدیاد سریع جمعیت جهان و احتیاجات غذائی انسان با اشکالات فنی و اقتصادی زیادی مواجه میشود، بخصوص که با توسعه شهرها و مراکز صنعتی سطح چراگاهها و مراتع طبیعی سرعت کاهش می یابد. در اینجا لازم تذکر است که کشت محصولات متنوع نیز کمک موثری به بالا بردن ارزش غذائی تولیدات کشاورزی میکند. در واقع محصولات کشاورزی از نظر ترکیب مواد غذائی مکمل یکدیگرند، بعبارت دیگر میزان ترکیبات شیمیائی مورد نیاز برای تغذیه انسان در تمام فرآورده های کشاورزی یکسان نبوده و بطور مثال بعضی از ترکیبات شیمیائی غذائی در گندم و برنج بیشتر و در لوبیا کمتر، در حالیکه بعضی دیگر در لوبیا بیشتر و در گندم و برنج بمیزان کمتری وجود دارد. (*) از این لحاظ عدم تنوع در مواد

تأثیر ادبیات عرب

يك مقاله از

سید محمد امام

تأثیر ادبیات ایران

در ادبیات عرب

اشاره:

سید محمد علی امام ششمی از معاصرین دارای تالیفات متعددی است. معروفترین آن عبارتند از:

- ۱- تاریخ خوزستان
- ۲- تاریخ مقیسات و نقود در اسلام
- ۳- فرهنگ واژه‌های فارسی در عربی
- ۴- عهد اردشیر
- ۵- پیشینه هنر موسیقی عصر ساسانی
- ۶- دانشگاه شاپورگرد

آقای شوشتری هم‌اکنون مشغول تالیف آخرین اثر خود «تاریخ شهریارى ایران» می‌باشد. آنچه در ذیل می‌آید مقاله‌ای است از امام شوشتری در مورد تأثیر ادبیات ایران در ادبیات عرب.

هر پژوهنده در تاریخ تمدن عصر اسلامی نیک می‌داند که پایه‌های تمدن اسلامی از فرهنگ و تمدن ایرانی و تمدن اسلامی ما تمدن فرهنگ ایران و زبانهای ایرانی است. اعم از پهلوی و دری و سریانی و حتی سانسکریتی و آذری. پژوهش در تاریخ روش و شیوه‌های تاریخی هر يك از رشته‌های دانشهای عصر اسلامی گذشته از جنبه ملی آن کلی‌ای است. ما ایرانیان اهمیت بسیار دارد از نظر روش ساختن تاریخ تمدن انسان نیز بسیار ارزشمند است. در این زمینه، اسناد تاریخی ناچار باید پذیرفت که تأثیر فرهنگ ایرانی و زبانهای ایرانی و چگونگی تعبیر در زمینه اصطلاحات فنی و هنری و سیرهای ویژه‌ای که ویژه بیان اینگونه مطالب است بی‌شک زبان عربی بیش از اسلام پایه و تهیدست است. ترجمانان و نویسندگان روزگار عباسی تا بنجالدوست می‌داشته‌اند از بکار بردن واژه‌های عربی بپرهیزند که هنگام ترجمه دانشها بزبان عربی، چه بسا اصطلاح‌های علمی را در قالب ترجمه‌های زیر لفظی ریخته‌اند که پاره‌ای از جادوهای گاهی خنده‌آور است. به‌تائید می‌رسانیم که در آن روزگار نوشته شده است بنگیم، گذشته از اسلوب بیان و چگونگی تعبیر در ادبیات عربی ما هیچ یافت که نسبت به واژه‌های سریانی و عبری و حبشی در آمیخته بعربی خالصی نداشته‌ایم. نکته‌هایی است که در زمینه تاریخ تمدن و فرهنگ ایران نیاز به جستجو و کاوش دارد و جا دارد که بدان دانش پژوه و با جربز و همشمندها می‌همت بکمر زنند و گوشه‌های تاریک را در تاریخ تمدن و فرهنگ نیاگانشان روشن سازند. ابوالمعالی شاعر عربی‌تایی که می‌خواهد زیبایی دلپذیر را بیان می‌گوید اگر انوشیروان او را می‌دید دستور می‌داد چهره‌اش را بر دیوارها و روسرها نقش کنند. درباره هنر خلیفه‌نویزی و خوان‌آرایی و نیز شیوه‌های طرح و دیگر هنرهای ایرانی آنقدر گفته و نوشته در ادبیات عربی آمده‌اند که آوردن نمونه از هر يك از آنها مجانی است. گاهی می‌خواهد که در ادبیات عربی و سادگی زبان عرب که مولود زندگی ابتدایی بیابانهای خشک عرب بود، کم‌کم ظاهر و باطن این زبان زده می‌شد و زیر تأثیر ترجمه‌هایی که از زبان پهلوی و دری و سریانی بزبان عرب می‌شد و نظم عربی دارای لطف و زیبایی و رسایی می‌گردید.

۱ - ادبیات به معنی عمومی واژه
هرزمان بخواهیم از تاثیر ادبیات ایران
در ادبیات عرب سخن گوئیم ، نخست باید
روشن سازیم مقصود ما از واژه (ادبیات)
چیست ؟ فراخنای میدان مفهوم این نام تا
کجاها کشیده می شود و چه چیز مرزهای
این میدان را محدود می کند ؟
در روزگاری که زبان عربی بر پایه
اسلوب علمی تدوین شد ، و دانشها و هنر
های شناخته شده در آن عصر باین زبان
ترجمه گردید ، واژه (ادب) را در مفهوم
کوچک و تنگی بکار می بردند تا آنجا که
شعر را در زیر این مفهوم نمی آوردند .
در آن زمان واژه « ادب » فارسی که
لغت دبیری و دبیره و دبستان و دبیرستان
از آن برآمده است ، در معنای فراختری
بکار می رفت و بنظر می رسید لغت ادب عربی
از ریشه « دب » فارسی گرفته شده که بمعنی
علوم آداری و فن نویسندگی و نامه نگاری
و گاهی فرهیخت بکار می رفته است . اصطلاح
دبیر خراج و دبیر سیاه و دبیر رسائل و
دیگر ها همه نگرا براین معنی است و لغت
« کاتب » در عربی قدیم ، ترجمه یی از لغت
« دبیر » روزگار ساسانی است . و در متون
قدیم عربی دارای همین مفهوم است نه به
معنی نویسنده عادی که امروز از این لغت
فهمیده می شود .

از دیگر سو امروز واژه ادبیات در معنی
گسترده تری بکار می رود و گاهی آنرا در
برابر **Literature** می گیرند و زمانی
باین کلمه تنها از فنون مربوط شعر و انشاء
و داستان نویسی و گاهی نمایشنامه نویسی
برای تماشاخانه ها و سینما ها تعبیر می کنند .
در لغت نامه « وبستر » که ضمیمه فرهنگ
نامه آمریکانا است ، واژه « لیتراچور » چنین
شناسانیده شده است :

۱ - پدید آوردن نوشته ها بویژه از
نوع خیالی در نظم و نثر و دیگرها .
۲ - الف : همه نوشته ها و آثار از نوع
خیالی یا انتقادی بی نگرش برتری و زیبایی
هر کدام از آنها ، که بیشتر از نوشته های
علمی جدایند .

ب : همه نوشته ها و آثار يك زبان در
دوره ویژه يك کشور یا يك منطقه و
دیگرها .

ج - همه این گونه نوشته ها که مشهور
شده باشد و در سبك آن يك ارزش پایدار
و يك برتری وجود داشته باشد یا دارای
تاثیر سخت بر انگیزنده یی در احساس
باشد .

د : همه نوشته های وابسته بیک موضوع
معین .

۳ - همه آوازاها که برای يك ساز
ساخته می شود و یا برای همسازی (ارکستر)
آماده می گردد .

۴ - (شفاهی) آنچه برای اعلان و
تبلیغ و شناساندن آماده می گردد .

۵ - فراگرفتن معلومات . آشنایی با
نوشته و کتاب .

پس ادبیات در معنی علمی این واژه
شامل سراسر آثاری است که از اندیشه
گویندگان يك زبان در روزگاری معین
تراویده است و تنها به آنچه ادبیات نامیده
می شود و در چهار چوبه نوشته های تخیلی
و مفهوم عادی این لغت جا می گیرد ، منحصر
نیست . و چون ادبیات شامل همه اندیشه هایی
است که در قالب زبانی ریخته می شود از
اینرو آنچه را که ما امروز فرهنگ مردم
(فولکلور) می گوئیم نیز بخشی از مفهوم
بزرگ ادبیات بشمار می آید ، زیرا همه اینها
نمود هایی از اندیشه يك ملت است و قالب
هایی است که آن ملت تصور های خود را
در آنها می ریزد و دریافت پذیر می سازد .

اگر واژه ادبیات را به معنی عام و علمی
این کلمه بگیریم ، ناچار باید در تاریخ
رویش و گسترش همه دانشهای رایج در
عصر اسلامی و چگونگی ریخته شدن آنها در
قالب های عربی و اثری که این کوشش
علمی در رسا ساختن و قیاسی کردن و زیبا
نمودن زبان عربی داشته است سخن رانیم ،
زیرا هر پژوهنده در تاریخ تمدن عصر
اسلامی نیک می داند که پایه فرهنگ و تمدن
اسلامی ، و تمدن و فرهنگ ایران و زبانهای
ایرانی است اعم از پهلوی و دری و سریانی
و حتی خوزی و آذری .

براستی بررسی و پژوهش در تاریخ
رویش و گسترش هر يك از رشته های دانش
های عصر اسلامی و روشن ساختن اندازه
تاثیر فرهنگ و تمدن ایران در هر يك از آن
رشته ها ، کاری بزرگ و دلکش است و شایسته
است کسان صلاحیت داری ، هر کدام دریکی
دو زمینه از آنها سرگرم جستجو و کاوش
شوند و این بخش از تاریخ تمدن ایران را
روشن سازند . زیرا پژوهش در این زمینه
گذشته از جنبه ملی آن که برای ما ایرانیان
اهمیت بسیار دارد از نظر روشن ساختن تاریخ
تمدن انسانی نیز بسیار با ارزش است .

در این زمینه بحکم مدارك و اسناد
تاریخی ناچار باید پذیرفت که تاثیر فرهنگ
ایرانی و زبانهای ایرانی و چگونگی تعبیر
در این زبانها ، پیش از هر عامل دیگری
در پیشرفت زبان عربی اثر داشته است . زیرا
می دانیم تا پیش از ظهور و گسترش دین
اسلام و در آمیختن عربان با ملت های
دیگر ، بویژه ایرانیان ، هیچ يك از دانشها
و هنر های آن زمان در عربستان شناخته
نبوده . از اینرو در زبان عربی پیش از
اسلام برای مفهوم های علمی و هنری نام
پدید نیامده است و زبان عربی از تعبیرهای
بلند علمی و قالب های نازك هنری بهره ور
نبوده است .

رویه مرفته شعر هایی را که منسوب به
چند شاعر عصر جاهلی عرب می کنند اگر هم

اصالت آنها را صد در صد بپذیریم و چنین
پنداریم که همه اینها پیش از روزگار اسلام
سروده شده است - قدمت آنها از یکصدسال
پیش از اسلام بالاتر نمی رود .

در زمینه اصطلاحات علمی و فنی و هنری
و تعبیر های ویژه یی که مخصوص بیان
اینگونه مطالب است ، بی شبهه زبان عربی
پیش از اسلام پاك بی مایه و تهیدست است و
تاریخ پیدا شدن همگی نامگذاریهای علمی
و تعبیر های دانشی و فنی و هنری در این
زبان ، از سده دوم هجری بالاتر نمی رود .
يك بررسی ژرف در شیوه زبان کتاب
های علمی عهد عباسی و نامگذاری ها و تعبیر
هایی که در هر يك از آنها بکار رفته است ،
آشکار می سازد که ترجمانان برجسته و
نویسندگان آن کتابها که بیشتر ایرانی
بوده اند ، با اینکه اصراری داشته اند که برای
هر اصطلاح علمی يك برابر عربی برگزینند
و زبان عربی را زبان فرشتگان می پنداشتند
و ورجاوند می دانستند ، با اینهمه می پنداشتند
زیر تاثیر زبان و فرهنگ ایرانی قرار می -
گرفته اند .

ترجمانان و نویسندگان روزگار عباسی
تا آنجا دوست می داشته اند از بکار بردن
واژه های غیر عربی بپرهیزند ، که هنگام
ترجمه دانش ها بزبان عربی ، چه بسا اصطلاح
های علمی را در قالب ترجمه های تحت لفظی
ریخته اند که در پاره یی از جاها ترجمه ها
خنك و گاهی خنده آور شده است .

در مثل میان کتابهای داروشناسی برابر
درخت پنج انگشت (ذوخمسة اصابع) و
برابر دیودار (شجرة الالجن) و در برابر
زبان گنجشك (لسان العصافیر) را می بینید
که خیلی نازیباست .

باین حال برخلاف اصراری که این
ترجمانان در پرهیز از بکار بردن واژه های
بیگانه ، بویژه واژه های فارسی در زبان
عربی می داشته اند ، بهر کتاب علمی عربی
که در آن روزگار نوشته شده است بنگریم ،
گذشته از اسلوب بیان و چگونگی تعبیر در
آنها ، واژه های فارسی بسیاری خواهید یافت
که نسبت به واژه های سریانی و عبری و
حبشی در آمیخته بعربی خیلی بیشتر است .

همین نکته يك مسأله تاریخی دیگر را
برای ما مطرح می کند که نیاز بکاوش و
پژوهش دارد : و آن اینکه : اگر بگوئیم
دانشهای عصر اسلامی از زبان فارسی ترجمه
نشده است ، باید دید چرا تعبیر ها و لغات
فارسی بیش از هر زبان دیگری در این
کتابها دیده می شود ؟ چرا شیوه بیان آنها
بیش از هر زبان دیگر ، برپایه شیوه زبان
فارسی تکیه دارد ؟

آیا این نکته ها و مانند آنها چنین حدسی
پدید نمی آورد که مطالب کتابهای پزشکی
و مانند آنها از فارسی بعربی ترجمه شده ؟
- هر چند هم بپذیریم که اصل برخی از آن
کتابها در روزگار ساسانی یا اشکانی از

یونانی بفارسی برگردانیده شده بوده - اینها نکته هایی است که در زمینه تاریخ تمدن و فرهنگ ایران نیاز بجستجو و کاوش دارد و جا دارد جوانان دانش پژوه و باجریزه و هوشمند دامن همت بکمر زنند و گوشه های تاریک را در تاریخ تمدن و فرهنگ نیاگانشان روشن سازند .

باید براین مقدمه که اندکی بدرازا کشید بیافزایم نخست باید بتاثیر فرهنگ و زبان ایرانی در شاخه های گوناگون دانشها و هنر های عصر اسلامی بکوتاهی اشاره کنم و بگذرم . سپس در زمینه تاثیر ادبیات ایران در ادبیات عرب بمعنی خاص این کلمه گشاده تر سخن گویم .

۱ - حقوق اسلامی و اصول آن :

در بخشی از این زمینه که موضوع آن دیوان دادرسی است یا برابر نامگذاری رایج در روزگار اسلامی (به مظالم نشستن) شاهان و امیران ، پیش از این گفتار مفصلی نوشته ام . به هر حال تاثیر فقه ساسانی در فقه اسلامی قابل انکار نیست و جا دارد در حقوق تطبیقی به آن پرداخته شود .

۲ - ملل و نحل :

از چیز هایی که خیلی شایان جستجو است این نکته است که چرا رویشگاه بیشتر عقیده های فلسفی عصر اسلامی و نیز علوم عقلی نظیر علم کلام که در حقیقت فلسفه اسلامی است وقواعد آن برای پاسخ گویی باندیشه های تند روان پی ریزی شده بوده ، بیشتر در منطقه خوزستان و جنوب عراق ، جایگاهی که خوزی زبانان نشیمن داشته اند ، پدید آمده است ، همانجا که مانی پرورش یافته و طرح آیین و فلسفه خویش را پی افکنده بوده است .

همچنین بیشتر هوا خواهان گروه « اخوان الصفا » از این منطقه برخاسته اند و فرهنگ نامه یی (انسکلوپدیا) در پنجاه و یک جلد بی نوشتن نام نویسندگان آن با دست و راقان (ناشران را در آن عصر و راق می گفته اند) منتشر کرده اند نیز در این ناحیه نشر گردیده است .

کانون گروه معتزلیان نیز همین منطقه بوده و بسیاری از هوا خواهان این گروه نیز نخست متهم بمانیگری بوده اند . میمون معروف به قداح و پسرش عبدالله که بزرگترین اندیشمند انقلابی در سده های میانه است و بنیاد گذار همه انقلابهای قرمطی و باطنی است اهوازی بوده اند . ابو عبدالله محتسب شیعی که گاهی او را صوفی نیز می خوانده اند ، رامهرمزی بوده است .

باری می خواهم بگویم که اندیشه های فلسفی و دینی ایرانی از جمله افکار مانی و مزدک که در عصر عباسی غالباً در زیر پرده یی از هواخواهی شیعه نهان می شده ، فعالیت و جنب و جوشی داشته و این جنب و جوشها

در زبان و ادب عربی ، هم در شعر و هم در نثر اثر بسیار نهاده است . گذشته از کتابهای بسیار که در علم کلام و ملل و نحل نوشته شده آثار این اندیشه ها ، بویژه فلسفه مانی در شعر شاعران نوساز عرب آشکارا دیده می شود . چنانکه بسیاری از شاعران غزل سرای نوساز متهم بکفر و زندقه اند . (۱) زندیقان در رفتار و گفتار خود آراستگی نشان می دادند از این رو اصطلاح « ظرف زندیق » (۲) کنایه از خوشرویی و آراستگی در باره شاعران بسیار بکار رفته . ابونواس شاعر اهوازی عرب زبان که براستی پیشتاز نوسازان در ادبیات عرب است ، در هجوی که از ابراهیم نظام ، یکی از پیشوایان گروه معتزلی کرده او را بمانیگری متهم می کند . آغاز نکوهش نامه او چنین است :

« بابراهیم (نظام) سفت بگوید تو در کفر و زندقه بر من چیره شده ای . » (۳) و نیز همان ابونواس در نکوهش ابان لاحقی که شاعر همزمان اوست و او نیز مانند خود ابونواس متهم به مانی گری است ، شعر هایی دارد که یکی از اسناد آگاهی ما بر عقیده مانی ، درباره عیسی و موسی است . اگر بخواهیم تنها در زمینه تاثیر عقاید و ادیان ایرانی در ادبیات عرب گفتگو کنیم و نمونه ها از هر عقیده و کیش بدست دهیم خود این کار زمان بسیاری می خواهد و می توان رساله یی بزرگ در این زمینه پدید آورد . از این رو بهمین اشاره بس کرده ، می گذریم .

۳ - ستاره شناسی و اختر شماری :

علم نجوم که امروز آنرا ستاره شناسی (آسترو لوجی) می خوانیم و تنجیم که نام فارسی آن اختر شماری (آسترونومی) است و از روی حرکات ستارگان رویداد های آینده و زایچه اشخاص را پیش بینی و پیشگویی می کردند ، از ایران به کتابهای عربی در آمده است حتی تاریخ استعمال واژه نجوم به معنی ستاره شناسی از سده دوم هجری بالاتر نمی رود .

با اینکه در زمان انتقال این دانش از زبان فارسی به عربی ، ترجمانان تلاش بسیاری داشته اند تا برای هر مفهوم علمی ظرف مناسبی در زبان عربی دست و پا کنند و مفهوم فارسی را در قالب آن ظرف بریزند و در خیلی از جاها برای رسیدن باین مقصود از جعل لغت برخلاف قاعده های زبان عربی بهره یزیده اند ، باینهمه در کتابهای نجومی عربی و نیز در ادبیات جدید عرب واژه ها و نامگذاری های فارسی کم نیست .

بسیاری از این واژه های فارسی عربی شده رامن در کتاب « فرهنگ واژه های فارسی در عربی » آورده ام که می توانید بآن درنگرید . در اینجا تنها به ذکر چند شعر از سروده های شاعران نوساز که در آنها واژه های ستاره شناسی ایرانی آمده است بس می کنم . ابونواس شاعر غزل سرای در چکامه یی

گوید :

اذوجهت ناهید نجیدیه
وحان من بیدخت اغواره

یعنی : چون ستاره ناهید از سوی نجدرو نمود و نزدیک فرو رفتن بیدخت شده است .

هموباز در ستایش تابش شراب درجام هنگام شب گوید :

اونجم بهرام قدلاحت عوارضه
فی لیلۃ قد تغشی الناس ظلماها

یعنی : یا ستاره بهرام است که رخ نموده در شبی که سیاهی آن مردم را فرا گرفته است .

باز در آغاز چکامه دیگری از برابری روز و شب در نوروز گفته است :

اما تری الشمس حلت الحملا
وقام وزن الزمان و اعتدلا ؟

وغنت الطیر بعد عجمتها
واستوفت الخمر حولها کمالا ؟

یعنی :

مگر نمی بینی که خورشید بیرج بره اندر شده و اندازه زمان راست و برابر گردیده ؟
پرندگان پس از زبان گرفتگی آواز - خوانی آغازیده اند و شراب یکسال خود را کامل کرده است ؟

شاعر دیگری در دعای آخر مدیحه گفته است :

لازلت نبی و ترقی للعلی ابداء
مادام تستعبد الافلاك احکام

مهر و ماه و برجیس و تیر معا
وهرمس و اناهید و بهرام

یعنی :

همواره بیایی و به بلندی گرایي تا بر چرخ ، فرمانروایان فلکی فرمانروایند .
مهر و ماه و برجیس و تیر و هرمز و ناهید و بهرام یا همدیگر .

نظیر همین آثار در دیگر رشته های علوم و تمدن عصر اسلامی مانند تاریخ و جغرافیا و ریاضیات و پزشکی و دامپزشکی و فن رزم و جنگ آوری آشکار است ولی آوردن نمونه از آنها وقت بسیار می خواهد و در اینجا فرصت آن نیست .

۴ - اثر نقاشی ایران در ادبیات عرب :

مسلمانان بهر های نقاشی و تندیس سازی و پیکرنگاری با خوشبینی نمی نگریستند در جایی که این رشته از هنر های زیبا در ایران عصر ساسانی بسیار پیشرفته بوده است . در اینجا من دو نمونه از شعرهایی را که به هنر نقاشی ایرانی اشاره دارد ذکر می نمایم :

ابونواس درباره شراب گفته است :

۱- تروج الخمر من الماء فی
طاسات تبر ، خمرها یفهب

۲- منطقات بتصاویر
لا تسمع الداعی و لاتنطق

۳- علی تمایل بنی بابک
محتفر ما بینهم خندقی

٤- كانهم والخمر من فوقهم
كتائب في الجة تغرق
٥- فالنعت ذالانعت دار خلت
بهيم في اطلالها احمق

معنی آیات :

١- باده در کاسه زرینی که از باده لبریز است با آب شوی کرده .

٢- کاسه هایی که کمربندی از تصویر ها دارند که نه پاسخ میدهند و نه سخن می گویند .

٣- تصویر های پسران بابک که میانه هر کدام با آن دیگری خندقی کنده شده .

٤- آنان در حالی که باده بررویشان است ، گویی سربازانی اند که در دریا غرق شده اند .

٥- توصیف این است . نه توصیف ویرانه ای که احمق میان تپه های آن می گردد .

باز همو در باره يك پياله بلورين تراشیده گفته است :

فصنها من الماء القراح فها تها
فانك ان لم تسقني مت دونها
بانية مخروطة من زبرجد
تخير كسرى خرطها ليصونها

یعنی :

شراب را از آب دور بدار و بمن ده اگر مرا نگسارانی از دردش میمیرم در پیاله زبرجد تراشیده که خبر و آنرا برای تراش برگزیده تا نگهدارد .

تصویر زیبا رویان بردستمال سرها :
صنعت پارچه بافی در روزگار ساسانی بسیار پیشرفته بوده و کشیدن تصویر بر پارچه های ابریشمی بویژه روسریهای زنانه که آنها را «سرك» می گفتند رواجی داشته است . ابونواس آنجا که می خواهد زیبایی دلبرش را بستاند می گوید :

فلو ترايها انوشروان صورتها
فيما يحول من الديباج والسرقة

یعنی :

اگر انوشروان او را می دید دستور می داد چهره اش را بر ديباها و روسری ها نقش کنند .

٥- اثر موسیقی ایرانی در شعر عرب :
در این زمینه نیز کتابی نوشته ام که همین امسال چاپ گردیده است و می توانید بآن در نگرید .

تنها برای چاشنی سخن در اینجا دو شعر را که در باره هنر رقص سروده شده می آورم :

بحر من الحسن لاينجوالغريق به
اذا تلاطم اعطاف باعطاف
ما حرکته نسيم الرقص من مرجح
الا و ماجت به امواج ارداف

یعنی :

هر زمان شانه هایش باهم درآویزد دریائی از زیبایی است که غریق از آن نتواند رهید .

صفحه پنجم

چون نسیم رقص را از شادی بحرکت درآورد . موج سرینها بیکدیگر برخورد می کنند .

در باره هنر خوراک پزی و خوان آرایي و نیز بازی نرد و شطرنج و دیگر هنرهای ایرانی آنقدر گفته و نوشته در ادبیات عربی آمده است ، که آوردن نمونه از هریک از آنها مجال جدی خواهد ، کسانی که در رشته ادبیات ایران و عرب کار می کنند ، باید در این زمینه ها کاوش و جستجو نمایند .

در اینجا تنها با آوردن شعری که در آن اشاره یکی از عید های ایرانی ، افزون بر نوروز و مهرگان که یاد آنها در ادبیات عرب بسیار آمده است اشاره شده اکتفا می کنم .

ابونواس گفته است :

فاسقنا ان يومنا يوم رام
ولرام ، فضل علی الايام

یعنی :

ما را بنوشان که امروز روز رام است و روز رام را بر دیگر روزها برتری است .

(روز رام روز بیست و یکم هر ماه ایرانی است که آنرا عید می گرفته اند)

٢- ادبیات بمعنی خاص این واژه :

کسانی که در رهگذر پیشرفت ادبیات عرب در روزگار عباسی غور و بررسی کرده اند نيك می دانند : پس از آنکه در پرتو گسترش دین مبین اسلام در خاورمیانه ، عرب زبانان بمظاهر تمدن و هنرها و دانش های معروف آن روزگار آشنا شدند ، با کوشش گروهی از دانشمندان که بیشتر ایشان ایرانی بوده اند ، تعبیر های تازه در زبان عربی پدید آمده و بسیاری از واژه های این زبان برای فهمانیدن مفهومیهای رایج گردید که آن مفهوم ها پیش از آن زمان در زبان عربی وجود نداشت و نیز از ریشه های عربی برابر قالب های کهن زبان هرچند (شاذ) هم بود ، واژه های تازه بسیار قالب زدند .

عراق که پایگاه دولت ساسانی و کانون تمدن و فرهنگ ایران بود و راه پیوستگی میانه شرق و غرب نیز بشمار می آمد ، مرکز حکومت اسلام شد . این انتقال مرکز از مدینه بکوفه سپس از دمشق به بغداد ، انگیزه تحول بزرگی در زبان عربی شده است .

خشکی و سادگی این زبان که مولود زندگی ابتدایی در بیابانهای خشك عربستان بود ، کم کم از ظاهر و باطن زبان عربی زدوده می شد و زیر تاثیر ترجمه هایی که از زبان پهلوی و دری و سریانی بزبان عربی می شد ، نثر و نظم عربی دارای لطف و زیبایی و رسایی آشکار می گردید و زبان عربی هر روز برای فهمانیدن معنی های تازه ، تعبیر هایی تازه دارا می شد .

در این زمان است که نویسندگان و

شاعران از خمیر مایه ریشه های عربی ، برای فهمانیدن و رسانیدن معنی های تازه ، هزار ها لغت تازه برابر قاعده های زبان عربی ساخته و بکار برده اند و قاعده های زبان عربی را عملاً قیاسی کرده اند . حتی برخی در این زمینه چنان تند می رفته اند که قیاس کردن و قالب زدن مورد شاذ واحد را ، نیز جایز می شمرده اند .

در نتیجه این جنب وجوش ادبی ، دامنه زبان عربی گسترده شد و تجدیدی در این زبان پدید آمد و طبقه ای از شاعران و نویسندگان پیدا شدند که آنان را نواندیشان و نوسازان «محدثین» نامیده اند . این نواندیشان با دل پری بسیار شعر و نثر عربی را از تنگنای خشك زبان بادیه که در آن گرفتار بود ، آزاد ساختند . در نتیجه ادبیات عربی رسا ، زیبا ، شیوا و بسیار جاندار گردید .

پیشوای گروه نواندیشان در نثر نویسی ، روزبه پسرداذبه مشهور به ابن مقفع در گذشته بسال ١٤٤ هجری است . این نویسنده دانشمند ایرانی که در هر دو زبان فارسی و عربی مایه ور بوده با ترجمه کتاب کلیله و دمنه که نخستین کتاب داستانی بزبان عربی است ، و خداينامك و کتابهای دیگر ایرانی تکان بزرگی در شیوه نثر نویسی عربی پدید آورده است .

رساله ماهانیه «عمارة بن حمزه» نیز از نمونه های بسیار گیرای نثر عربی در آن زمان بوده است .

در شیوه انشاء اداری عربی ، پس از عبدالحمید کاتب دبیر مروان بن محمد که او نیز ایرانی بوده است ، توقیعات یحیی برمکی و پسرانش فضل و جعفر ، بهترین سرمشق نوشته های دبیری در دیوانهای دولتی آغاز عصر عباسی بشمار می آمده است

در گروه شاعران نوساز پیشاپیش همگان ، بشار بن برد تخارستانی و حسن بن هانی اهوازی معروف به معروف به ابونواس و نیز اسمعیل یسارنسایی جا دارد . این شاعران در تازه کردن تعبیرات زبان عربی و رونق بخشیدن بآن زبان و شعر عرب را بشکل زبان مردم شهر نشین و متمدن در آوردن ، سهم بزرگی داشته اند . هرچند برخی از متعصبان عرب با آنان میانه خوبی ندارند و آنها را به نژاد پرستی متهم می کنند . زمانی که جامعه ای حال دیگرگون شدن را می گذراند ، بناچار گروهی که کهنه پرستانند ، نمی توانند خویشین را از بندست های کهنه آزاد سازند ، از اینرو با هر نوع نوخواهی و نو سازی دشمنی نشان می دهند . از دیگر سو ، در اثر ستیزه کاری و خشك مغزی این کهنه پرستان ، گروهی تندرو پدید می آید که با هرچه از قدیم مانده است بی پروا و بی آنکه میان خوب و بد و سودمند و زیانمند تفاوتی بنهند ، میتازند و روبروی گروه نخستین میایستند و کشاکش در میانه آغاز

می‌شود.

در آن روزگار نیز میانه نوسازان و کسانی که هنوز هواخواه نگهداری سنت‌های قدیمی در شعر عربی بودند، گفتگو و کشمکش در گرفت. برای اینکه از این کشاکش ادبی قدری آگاه شویم، کشاکشی که زیر تاثیر اندیشه‌های ایرانی و محیط متمدن این کشور پدید آمده بود، اجازه دهید آثار این گفتگو را در دیوان ابونواس جستجو کنیم.

در شعرهای منسوب بعصر جاهلی عرب تشبیب و غزل اگر در چکامه‌یی دیده می‌شد، بهترین آن‌ها بر این روال بود که شاعر سوار بر شترش از بادیه‌یی می‌گذرد و در راه درجایی آثار گذشتن شترانی را می‌بیند. یا بر تپه باز مانده از کوخی که تندباد وریک روان آنرا درهم کوبیده است می‌رسد، از آثار گذشتن شتران بیادش می‌آید که روزی دلبرش در کجاوه‌یی نشسته بوده و از آن بیابان می‌گذشته. از آثار ویرانه کوخ بخاطر می‌آورد که یارش در یکی از آن کوخها نشمین داشته است.

بیدار شدن این گونه خاطره‌ها در مغز شاعر، احساس او را بر میانگیزد و درد فراق در دلش زبانه می‌کشد و شاعر را بگریه و ناله وامیدارد. رویهم‌رفته تشبیب‌هایی که در شعر منسوب بعصر جاهلی عرب وجود دارد، بهتر و برتر از آنچه گفته شد نیست. گاهی غوغو کبوتری که بر درختچه اراک نشسته دل شاعر را به تپش می‌آورد و زبانش را بزمزمه کردن شعرهایی وامیدارد.

در کشاکشی که در آغاز روزگار عباسی میان نو سازان و کهنه پرستان در گرفت، نو سازان باین گونه غزل‌سرایی‌ها سخت می‌تاختند و از ریشخند کردن آنها باز نمی‌ایستادند. برآستی بسیار هم ناخوشایند بود که در میانه بوستانهای سرسبز عراق و نخلستانها و جویبارهای خرم «ابله» که آنرا یکی از چهار بهشت دنیا شمرده‌اند. شاعر از «اطلال» و «دمن» سخن گوید و بجای ترانه سرودن برنوای دلکش بلبلان و تذروان و غوغای دراجان، بر تپه‌های «حومل» و «دخول» بگرید.

چنانکه امروز نیز خیلی خنک است که در روشنایی چراغ مهتابی شاعری روی یار را ماه نخشب خواند، یا با بودن تلگراف و تلفن باسیم و بی‌سیم از باد صبا گله کند که چرا پیام او را به دلبرش نرسانیده است.

گفتگو در این زمینه‌ها یکی از نموده‌های نشاندار آغاز نواندیشی و نو سازی در زبان عربی بوده که زیر تاثیر محیط متمدن ایران پدید آمده بود. از اینرو برای گواه سخن چند شعر از اینگونه شعرها را می‌خوانم بی آنکه بجنبه نژادپرستی آنها واقعی بنهم. البته باید یادآوری کنم که این نوسازان در راه سازندگی گام برداشته‌اند و زبان را توانگر و رسا ساخته‌اند و مانند برخی از نوسازان امروز پریشان گویی نکرده‌اند که میوه آن جزویران کاری چیز دیگری نیست.

ابونواس گفته است:

لقد جن من يبيكي على رسم منزل
ويندب اطلا لاعفون بجرول
یعنی:

برآستی دیوانه است که بر آثار فرودگاه کاروانی گریه می‌کند و بر تپه‌هایی مینالد که در سنگستانی نابود شده‌اند.

یا صریحتر:

دع العملی، يبيكي على طلل
وخل عوفا، يقول في جملة
یعنی:

معلی را (یکی از نامهای عربی است) بگذار هر چه می‌خواهد بر تپه‌های کوخش بگرید و عوف را ول کن، هر چه بخواهد درباره شترش بگوید.

همو در چکامه‌یی که سرآغازش از بس مشهور است در زبان عربی مثل شده باینگونه:
دع عنك لومي فان اللوم اغرا
وداوني باللتی كانت هی الداء

شاعر پس از چندین بیت زیبا که در آنها بزم میخواران و خروش زیر وبم موسیقی را توصیف کرده گوید:

لتلك ابكي، والا ابكي لمنزله
كانت تحل بها هند واسماء
یعنی:

من از درد فراق اینها می‌گیرم نه بر فرودگاه کاروانی که روزی هند و اسماء (نام دو زن در عرب) در آنجا فرود آمده بودند.

در جای دیگری شعرهای توصیفی شاعر عصر جاهلی میتازد و باریشخند می‌گوید:
مالي و عوسجها بالقاع جانبها
افعی، يقابلها عن حجرهاورل؟
یعنی:

مرا چه بعوسج او (نام درختی بی میوه است) که در پهلویش افعی است و روبروی آن سوسماری از سوراخش سر برآورده. از این نمونه‌ها فراوان در کتابها هست و همین اندازه در اینجا ما را بس است.

سرانجام محیط متمدن ایران و ترجمه کتابهای ایرانی و آیینها و رسوم ایرانی با ذوق سرشار تازه پسند شاعران ایرانی عرب زبان، اثر خود را در ادبیات عربی پدید آورد و گروه نواندیشان و نو سازان که از راه سازندگی با کهنه پرستان به نبرد برخاسته بودند نه راه ویران کاری، توانستند بر کهنه پرستان پیروز شوند.

باید بخاطر داشت که راز اصلی کامیابی نو اندیشان در این پیکار، شیوه سازندگی آنان بوده است که با ادبیات جدید عرب صفا و جلوه بخشیده است. نواندیشان چون از محیط پیرامون خود الهام می‌گرفته‌اند، هزارها تعبیر لطیف که زاده محیط متمدن و جدید آنها بود بزبان عربی در آورده‌اند و سرانجام ادبیات عرب را چنان زیبا و جاندار و شیوا کرده‌اند که شایسته يك زبان زنده است.

تعبیرهای نوی که زینت بخش شعر شاعران نوپرداز عرب شده است بیشتر، ترجمه

هایی است که از کتابهای روزگار ساسانی یا از آیین‌های ایرانی گرفته شده و یا سر چشمه آنها فرهنگ توده مردم (فولکلر) ایرانی است که در قالب شعر عربی ریخته شده است. بدلیل آنکه هیچیک از این تعبیرها و مجازها و مثلها در شعرهای عربی پیش از این دوره دیده نمی‌شود.

در اینجا برای اینکه بیشتر و بهتر بر تاثیر اندیشه‌های ایرانی در شعر عرب آگاه شویم، نمونه‌های دیگری از سروده‌های شاعران نوساز روزگار عباسی را بر آنچه یاد کردم، می‌افزایم.

رسم گل آویختن در بزمها بگوشها:
احسن من رسم دارس الدمن
ومن حمام يبيكي على فنن
ومن ديار عفت معالمها
ريحانة ركبت على اذن
یعنی:

وصف گلی که برگوش آویزند از وصف تپه پوشیده و کبوتری که بر شاخه‌یی نشسته و ناله می‌کند و خانه‌هایی که آثارش نابود شده است، زیباتر است.

دزد بازار آشفته می‌خواهد:
كقول كسرى اذا تمثله
من فرص اللص ضجة السوق
یعنی:

مانند گفته خسرو که مثل میزد از فرصت‌های دزد غوغای بازار است.

گفته‌تان باد هواست:
سبقي بقاء الدهر ما قلت فيكم
واما الذي قد قلمتموه فريح
یعنی:

آنچه درباره تان گفته‌ام تا جهان هست میماند. اما آنچه شما گفته‌اید باد هواست. نامه نگاری میان دل داده و دلبر:

در عربستان عصر جاهلی خواندن و نوشتن رواج نداشت. از اینرو در شعرهای منسوب بآن زمان به نامه نویسی میان عاشق و معشوق اشاره نشده است. برعکس یاد این وسیله پیغام گذاری در شعر شاعران نوساز خیلی آمده است. اینک دو نمونه از اینگونه تعبیرها:
ابونواس خطاب به چنان زن زیبای خواننده و شاعری که نامه‌اش را پاره کرده بود سروده است:

لم يقوعندي على تخريق قرطاسي
الافتى قلبه، من صخرة قاسي
یعنی:

بنظرم هیچکس یارای پاره کردن نامه‌ام را نداشته مگر جوانی که دلش از سنگ خارا است.

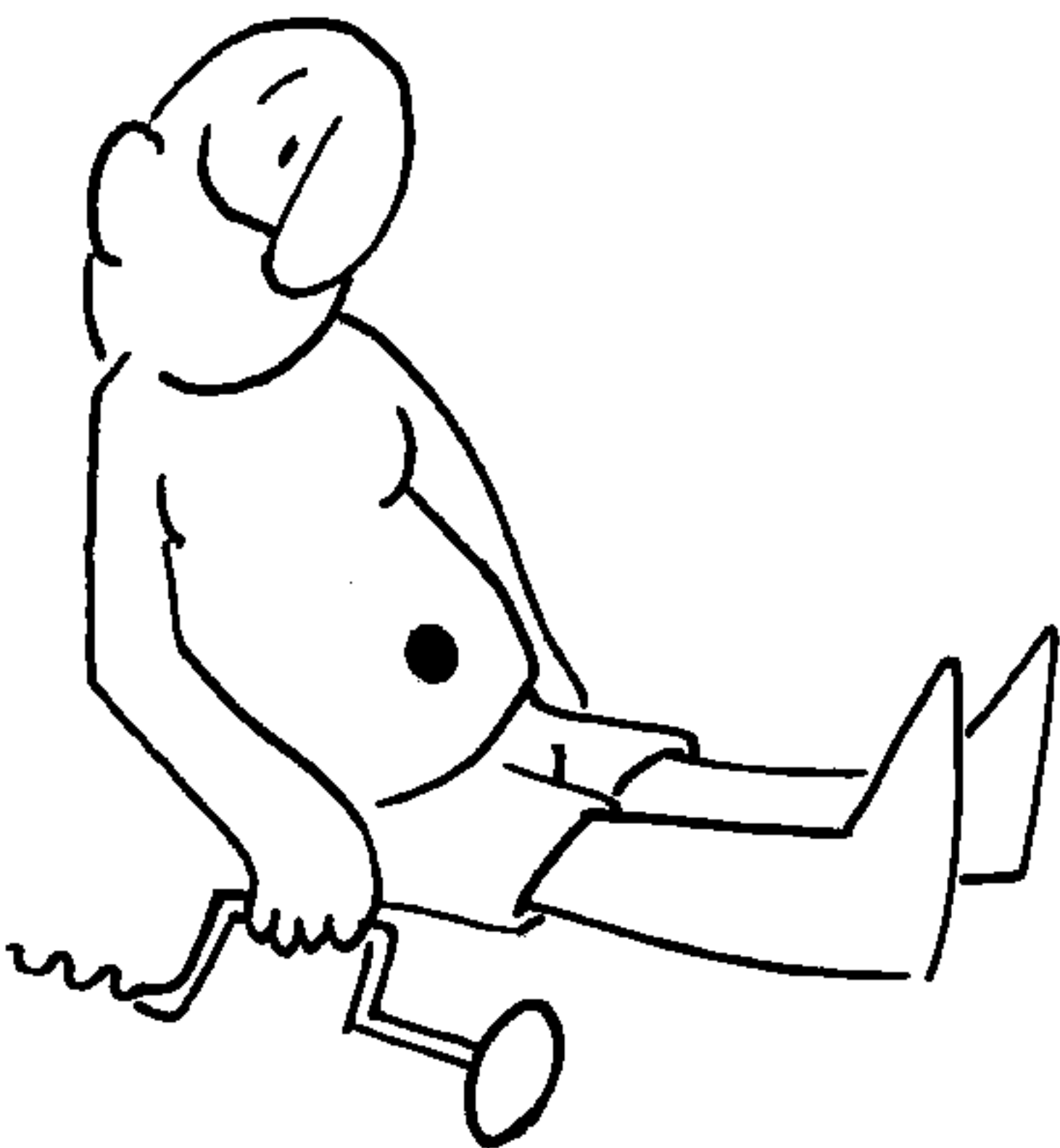
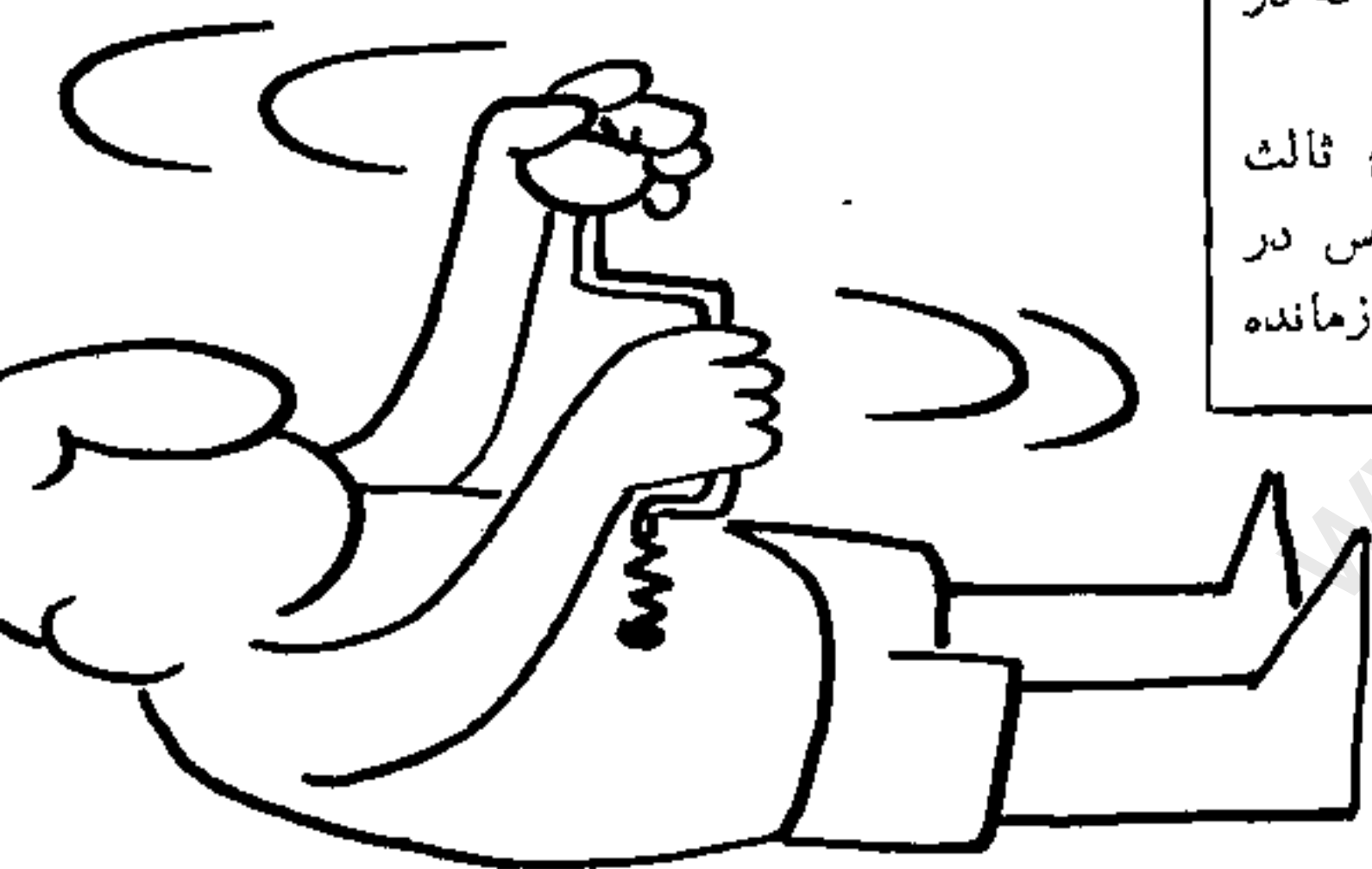
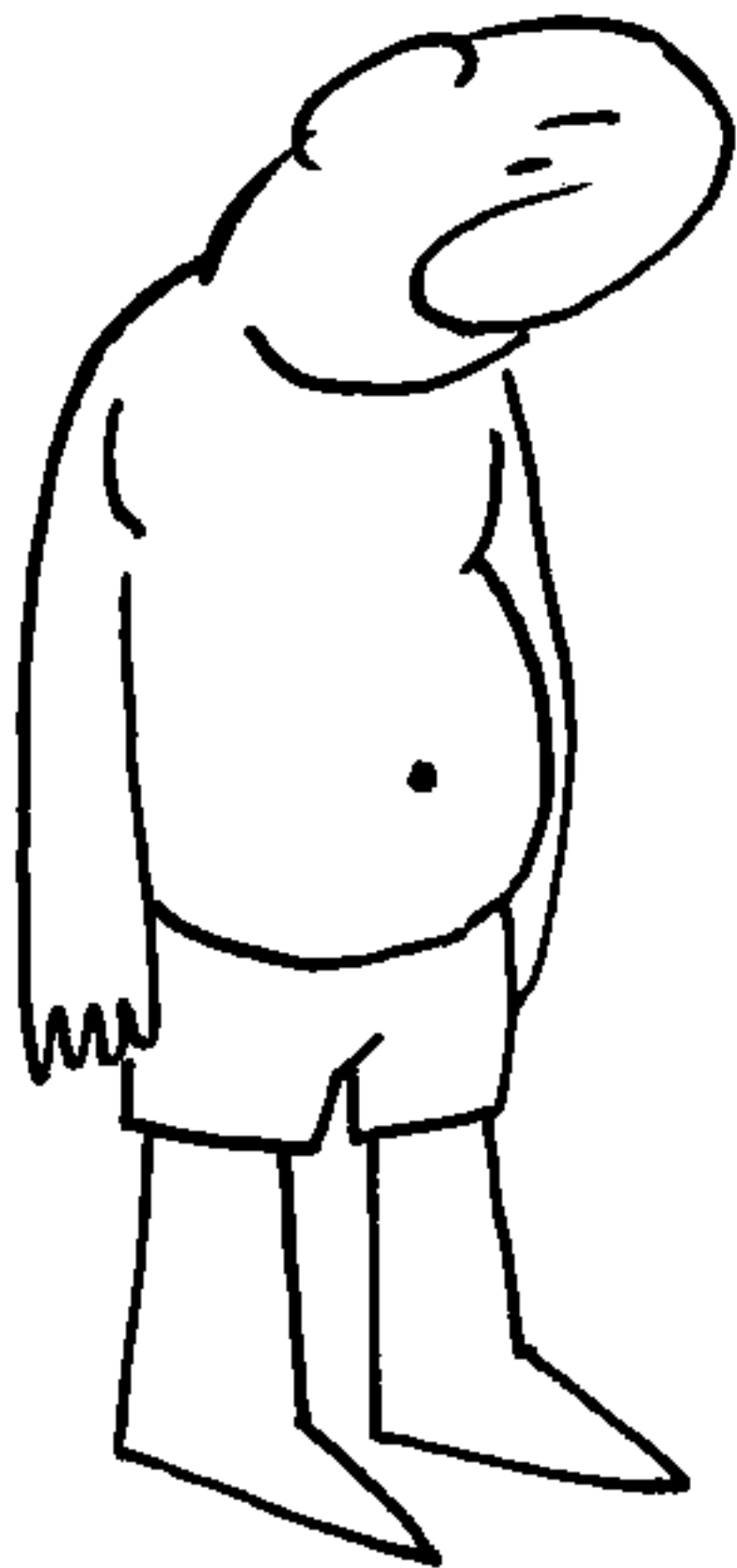
باز هم:

لولا القراطيس، مات العاشقون معا
هذا بنغم و هذاكم بسواس
یعنی:

اگر نامه‌نگاری نبود عاشقان همه می‌مردند این یکی از غم و آن یکی از سودا، برو میدوم و بسر می‌آیم.

آدم بیهار - از بالا به پایین

از کامیز - درم بخش



یعنی:
برهنه نزد ستارگان (مهرویان) درآدم
ومرا با خنده و شادی پذیره شدند.
آهوکنایه از خوب رویان.
وناقلوا الکاس طیبا
مایر تقی فی البوادی
لکن بدیوان یحیی
بقیه لطح مداد

یعنی:
پیاله را با هوئی دهید که از دره‌ها بالا
نمی‌رود.

بلکه در دیوان یحیی (یحیی بن خالد بن
برمک) است و بدین لکه مرکبی دارد. آنچه
را تا اینجا گفته‌ایم اندکی از بسیار است که
آنها برای نمونه و گواه و چاشنی سخن
آورده‌ام. بی‌شک این بخش از تاریخ ادبیات
عرب، هم بسیار دلکش است و هم از دیدگاه
روشن ساختن پیوستگی‌های ادبی که میان
گویندگان هر دو زبان فارسی و عربی در
گذشته بوده است، دارای ارزش بسیاری
است. و جا دارد کسانی در این زمینه‌ها جستجو
و بررسی کنند.

(۱) غابتی زندقه و کفرا
(۲) از ظرافت گرفته شده و بمعنی آراستگی
می‌باشد
(۳) قولو بابراهیم قولاهترا
(۴) - درختچه خاردار کم‌برگی است که در
بیابانهای عربستان احیاناً می‌روئیده است.
(۵) - به ضم اول و تشدید ثانی و فتح ثالث
نام بندر بزرگی بوده در شمال خلیج فارس در
عصر ساسانیان که تاروزگار اسلامی نیز بازمانده
بوده و در حمله مغولان ویران شد.

ولو قدر ناعلی الاتیان جئتکم
وتضاعلی الوجه اومشیاعلی السراس

یعنی:
اگر می‌توانستیم بیاییم، بر رخسار
میدویدیم و بسر می‌پویدیم.
بزم از شام تا بام:
ناشی انباری سروده است:
واغتفنا علی صبح و لهو
وحین النیات والا وتار
بین وردو نرجس و خزامی
و بنفس و سوسن و بهار

یعنی:
همه شب را در می‌گساری تا بامداد
گذرانیدیم در میان ناله نایها و تارها.
میانه گل سرخ و نرگس و خزاما و بنفشه
و سوسن و بهار.

چنانکه می‌بینید شاعر در دو بیت ناچار
شده است، هفت نام فارسی بکار برد.
زیرا در زبان عربی برای گلها نام نبود.
بکودک یکی مده که دومی را بزور می
خواهد.

ابونواس در باره عریب زن خواننده و
شاعر سروده است:

سالتها قبله ففرت بها
بعدا متناع و شدة التعب
فقلت: بالله یا معذتی
جودی باخری، اقضی بهاء اربی
فابتسمت ثم ارسلت مثلاً
يعرفه العجم ليس بالكذب
لا تعطين الصبي واحدة
يطلب اخرى باعنف الطلب

یعنی:
از او بوسه‌یی خواستم و پس از امتناع
ورنج سخت کامیاب شدم.
باز گفتم: ای دل آزارم! یکی دیگر
بخش تا حاجتم برآید.
باخته مثلی را که ایرانیان می‌گویند و
دروغ نیست، گفت:
کودک را یکی مده که دومی را بزور
می‌خواهد.

یا: می‌گساری بانوای سازها و پایکوبی.
فليس الشرب الا بالهلاهی
وبالحركات من بم و زیر

یعنی:
می‌گساری جز بانوای ساز ورقص بر
صدای بم و زیر خوش نیست.
هر کس پیاله را سر نکشیده باده را بر سرش
ریزند.

سنتهم فی شربها بینهم
من ردها صبت علی راسه

یعنی:
آئین درمیانشان چنین است: هر کس
پیاله را برگردانید باده را بر سرش ریزند و آه
ستاره، کنایه از ماهرویان.
ولقد دخلت علی الکواکب حاسرا
فلقیننی بنهم و تهلل

وضع لباس و تزئینات زنان

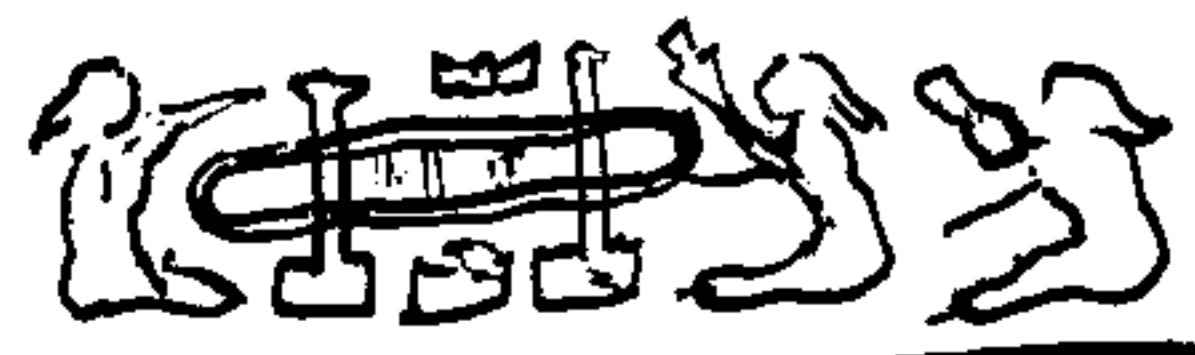
در

ایران قبل از دوره هخامنشی

- * در جامعه بدوی در ایران کهن زن وضع ممتازی داشت .
- * زن در زراعت دست داشت و سازنده ظروف گلی که یکی از مهمترین کارها بوده .
- * استعداد و هوش زن در انجام امور مفید و کارهای عمده زندگی ، وی را صاحب نفوذ و قدرت نموده است .
- * زن در انجام کارهای خانوادگی نشاط زندگی را از یاد نمی برد و اغلب بار قص و پایکوبی به تفریح می پرداخت .



(ش ۲) مشغول است . در ایران باستان زن



مظهر حیات و آفرینش والیه مادر و باروری بود . مجسمه های زیادی از گل پخته از الهه مادر و باروری در نقاط مختلف ایران در تپه های ماقبل تاریخ بدست آمده است که مبین این مطلب میباشد و در نقوش خدای بزرگ فراوانی ، اغلب الهه مادر همراه وی است . (۲)

زن در مقام روحانی و انجام کار های

صفحه پنجم

در دوران ماقبل تاریخ یعنی از هفت هزار سال قبل تا دوره هخامنشی بکار میبرده اند . این تحقیق تا حدی میتواند به شناسائی دوران های مختلف کمک نماید و آنچنان که بوده است معرفی کند .

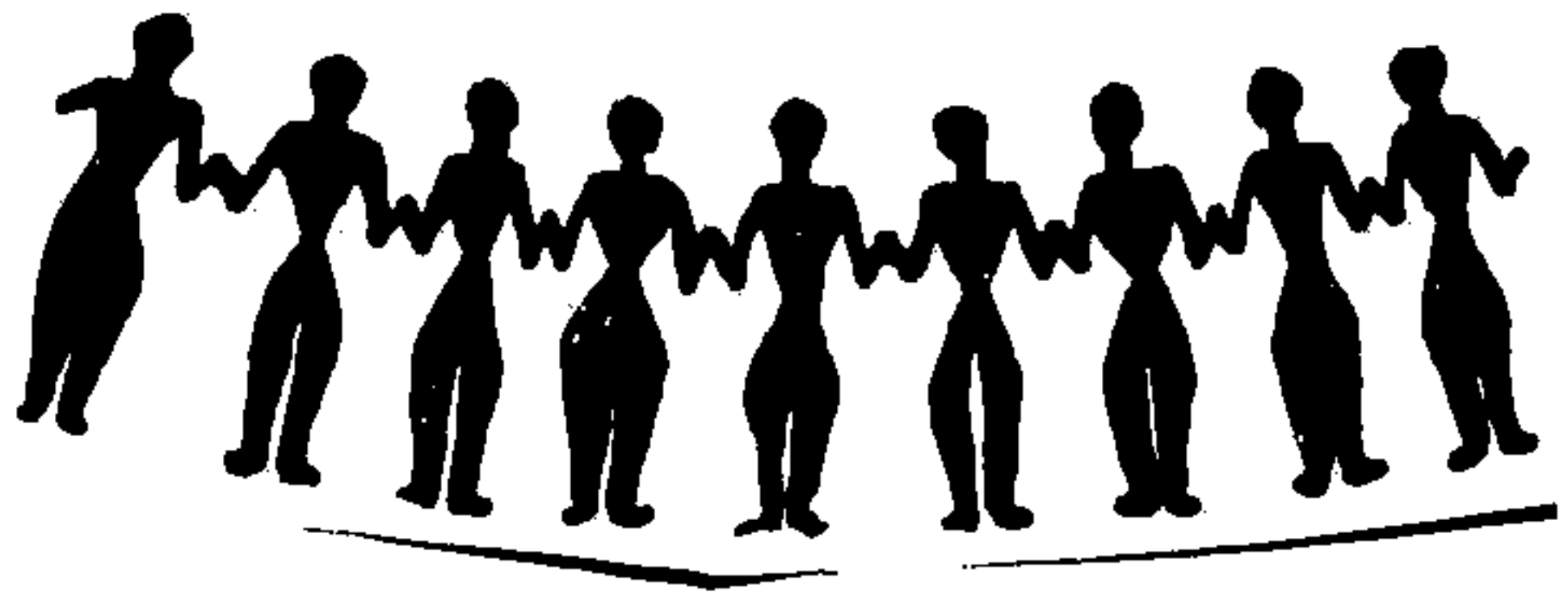
در جامعه بدوی در ایران کهن زن وضع ممتازی داشت و صاحب اهمیت و قدرت فراوان بود چنانکه حفاظت آتش که عملی بسیار مهم بوده است بعهده وی سپرده می شده زن در زراعت دست داشت و سازنده ظروف گلی بود که در آن دوران یکی از مهمترین کارها بوده است (۱) . بطور یقین استعداد و هوش زن در انجام امور مفید و کارهای عمده زندگی و تأثیر آن در جامعه ابتدائی وی را صاحب نفوذ و قدرت و حتی برتر از مرد نموده بود . در خانواده زن ، کلیه کارها را بررسی میکرد و چون وسیله تولید نسل و از بین نرفتن خانواده بود بحکم ضرورت بمقام بالاتر والویت رسید .

از هزاره چهارم قبل از میلاد در کنده کاریهای مهرها بنقوشی برمیخوریم که زن بکار کوزه گری (ش ۱) و ریسندگی و بافندگی

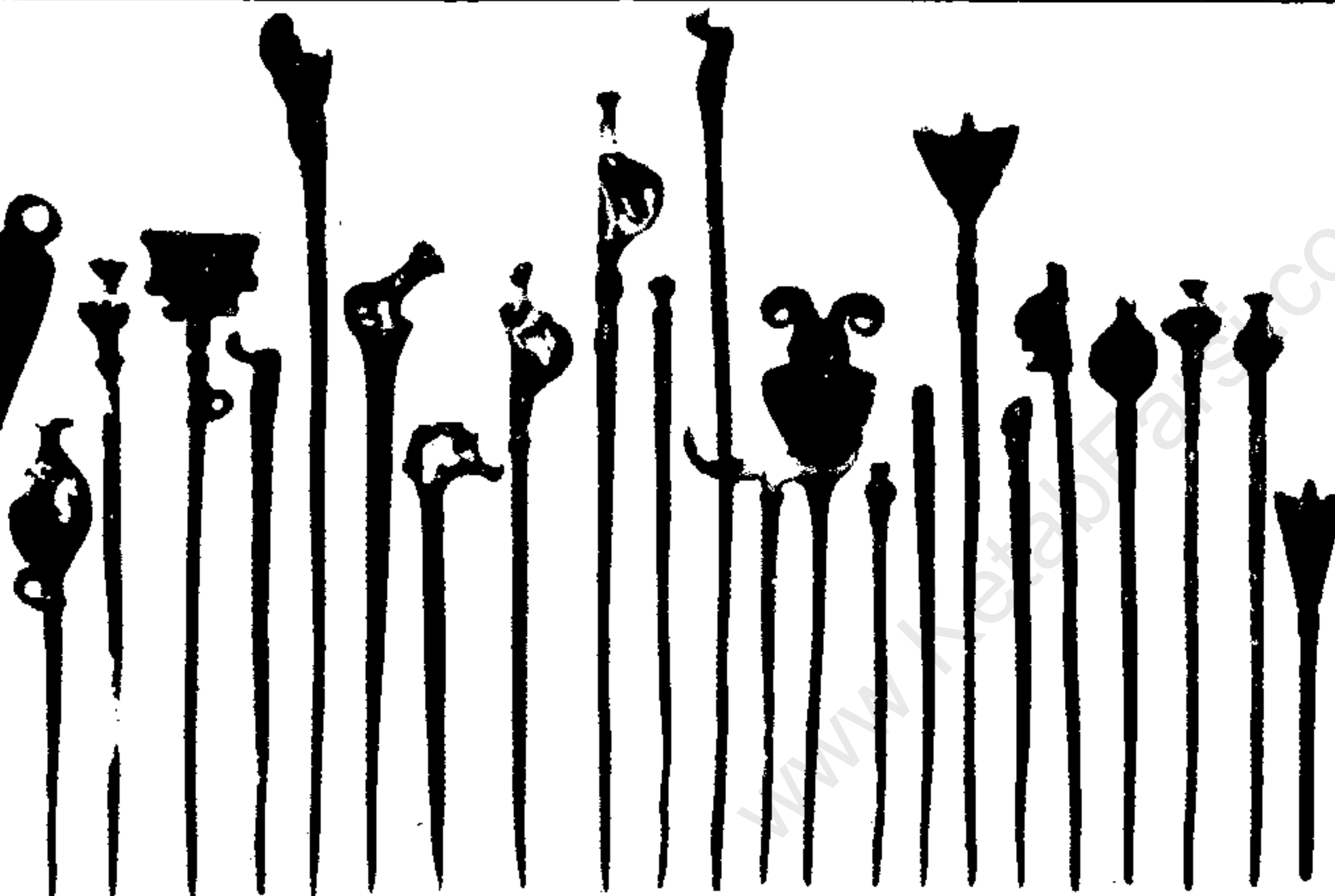
برای شناسائی کامل هر جامعه در هر زمان بطور قطع و یقین باید تمام مراجع و منابعی که مربوط به آن دوران میشود مورد بررسی و مطالعه و تحقیق قرار گیرد ، تا با دقت و موشکافی در تطبیق و تنظیم آن بتوان وضع آن جامعه را در کلیه شئون شناخت و بوصف آن پرداخت . مطالعه در مورد جوامع تاریخی که از آن منابع و مراجع و اسناد و کتیبه و آثار زیاد موجود است بسیار سهل میباشد . ولی در دورانهای کهن و جوامع ابتدائی اقوام و ملتها را فقط با آثار و وسائل زندگی و آنچه از آنان بجای مانده ، براهر تطبیق با آثار جوامع مجاور و محیط و اقلیم و شرایط آب و هوا میتوان شناخت . لذا بررسی هر قسمت از این دوران کهن که بتواند گوشه ای از تاریکی گذشته را روشن سازد و موانع و مشکلات پیچیده را حل نماید قدمی است که برای بهتر شناختن جامعه آنزمان برداشته شده است .

آنچه در این مختصر مورد نظر است بررسی وضع لباس و کلاه و آرایش مو و تزئینات مختلفی است که مردم سرزمین ما

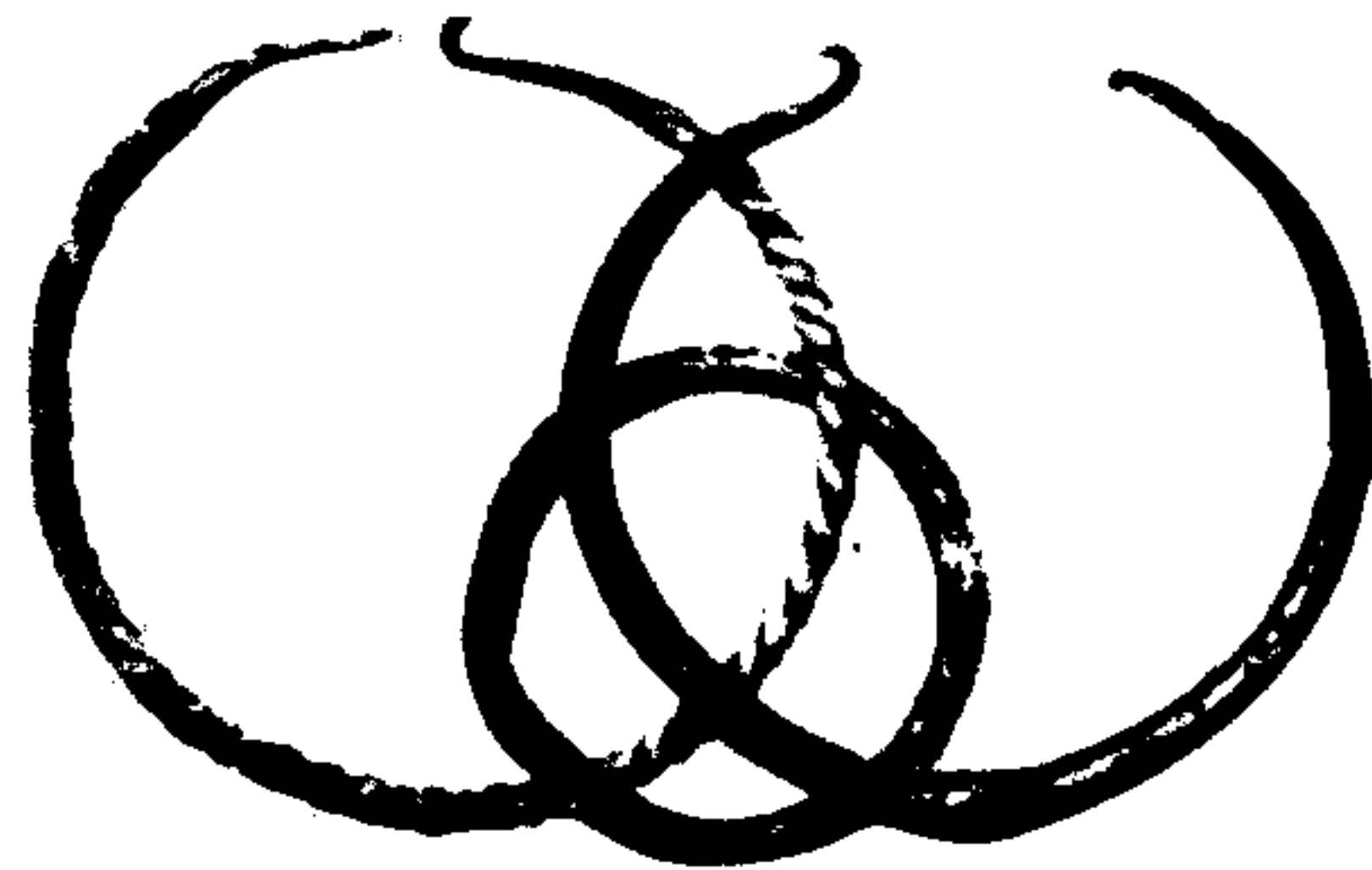
خانوادگی نشاط زندگی را از یاد نمیرد و اغلب بارقص و پایکوبی که یکنوع عبادت مقدس و در ضمن هنری است بتفریح می-پرداخت (ش ۳). زن خاصیت فطری خود



برای بستن موی سر که با تزیینات بسیاری ساخته می‌شد معمول بود. (ش ۵).



را که درزیبا بودن است حفظ میکرد و در راه برزندگی و زیباتر نمودن خود از هیچ کوششی دست برنمیداشت. بدین مناسبت برای اقناع این غریزه طبیعی بوسائلی که او را زیباتر جلوه دهد به آرایش خود و لباس و تزیینات و زینت آلات میپرداختند. زن نه تنها در این دنیا دلیستگی به وسائل زینتی دارد بلکه برای دنیای پس از مرگ نیز مایل است که ابزار و آلاتی چون گوشواره و گردنبند و دستبند با وی باشد تا لطمه‌ای به برزندگی او وارد نشود. باختراع فلزات، زنان به آئینه روی آوردند تا بهتر و بیشتر بتوانند خود را آرایش کنند (ش ۴) لوازم مختلف آرایش از جمله سنجاقها



در نقش برجسته سر پل ذهاب کرمانشاه (هزاره سوم قبل از میلاد) الهه بسیار زیبایی (ش ۶) نقر است که حلقه قدرت و فرمانروائی





را به شاه لولوبی میدهد . در این نقش الهه کلاه بلند بسیار زیبایی با تركهای موزون که بالای آن قبه‌ای جای گرفته است بر سر دارد و جامه‌ای پشمین و شرابه‌دار بلند بر تن و دستبندی بردست دارد و گردنبندی مرکب از پنج ردیف که قطعاً از مهره‌هایی از سنگ قیمتی است قسمتی از گردن و سینه او را میپوشاند (۳) .

بر روی صفحه مدور سنجاق برنزی (هزاره دوم قبل از میلاد) الهه زیبایی در حال رقص نقر است و لباس بسیار مجلل پرچینی بر تن دارد که قطعاً در حال رقص چون بالرین‌های امروزی چین‌های آن باز میشده و حالت زیباتری ایجاد میکرده است .

بر روی موهای وی نواری است که دارای نقوش هندسی است و قطعاً در اصل زردوزی یا جواهر نشان بوده است (ش ۷) .



در مجسمه شاهزاده خانم ایلامی که از عاج تهیه شده (هزاره دوم قبل از میلاد) لباسی بر تن شاهزاده خانم است که در دوخت آن نهایت ظرافت و دقت بکار رفته است ، جلوی سینه و پشت لباس با چین‌ها و شرابه‌ها تزئین یافته در حاشیه جلو و کنار شرابه‌ها مهره‌های مدور از زر یا سنگهای قیمتی نصب است و بردستها دستبند و برگردن گردنبندی دارد (ش ۸) .

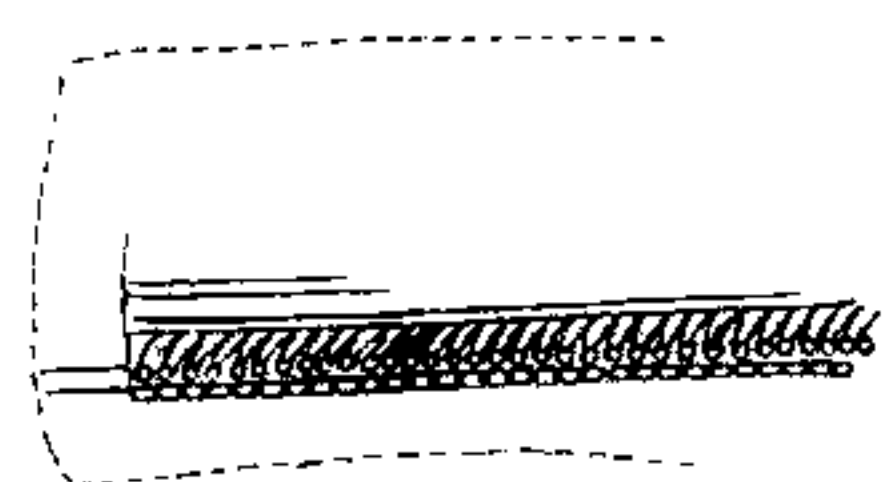
مجسمه‌هایی از گل پخته در شوش بدست آمده است که انواع لباسها و تزئینات مختلف و کلاهها را نشان میدهد (ش ۹) .

مجسمه برنزی ملکه ایلامی ناپیراسو (۴) (اواسط هزاره دوم) آیتی از زیبایی اندام و تجسم ذوق و هنر زندگی در آن دوران است «گرداگرد لباس نواری پهن و شرابه‌هایی دیده میشود و در جلوی آن شالی از پارچه زردوزی شده افتاده که قسمت بالانته را پوشانیده و در سر شانه با سنجاقی بشکل شاخه نخل به پیراهن وصل شده است» (۵) .

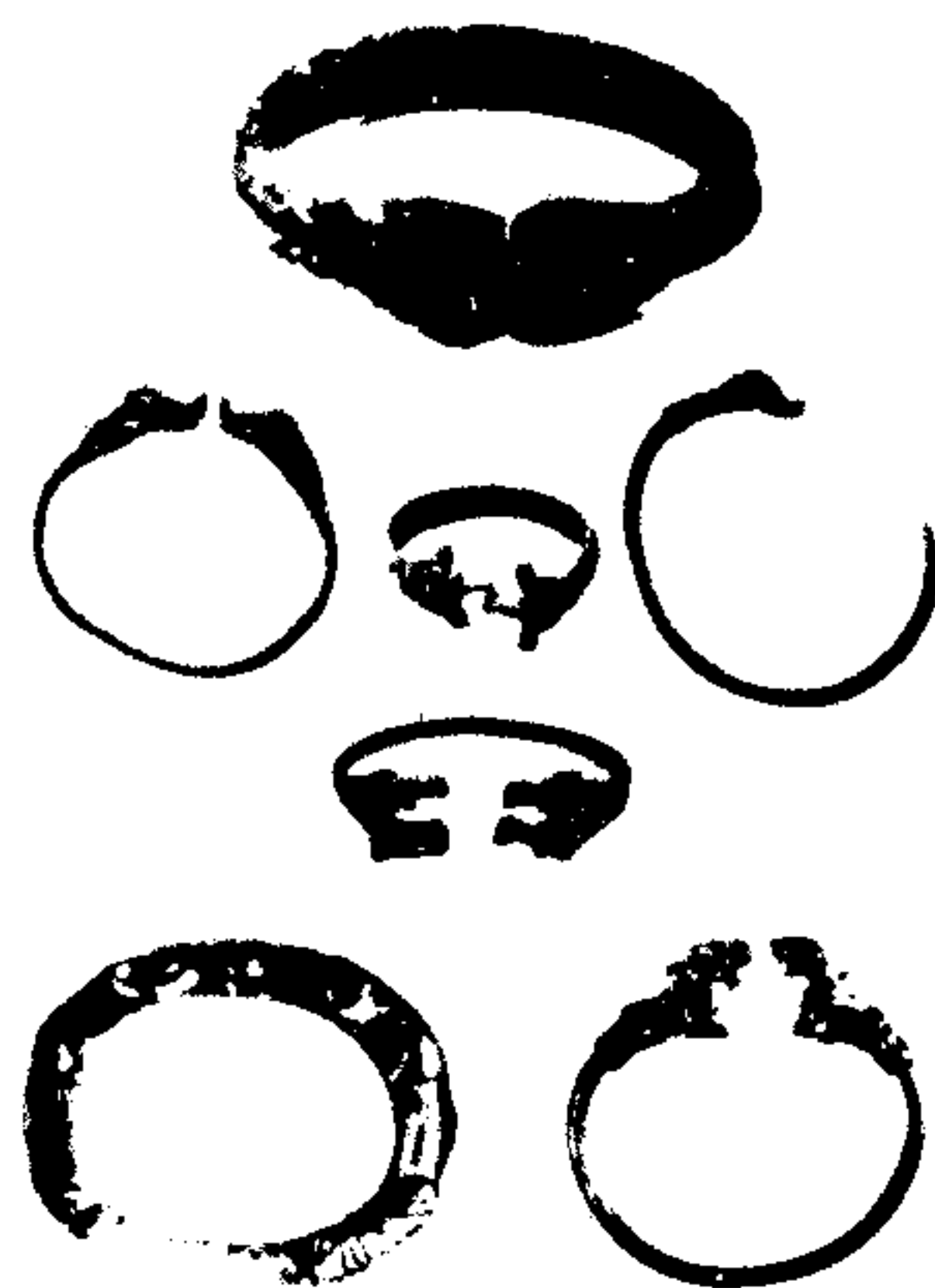
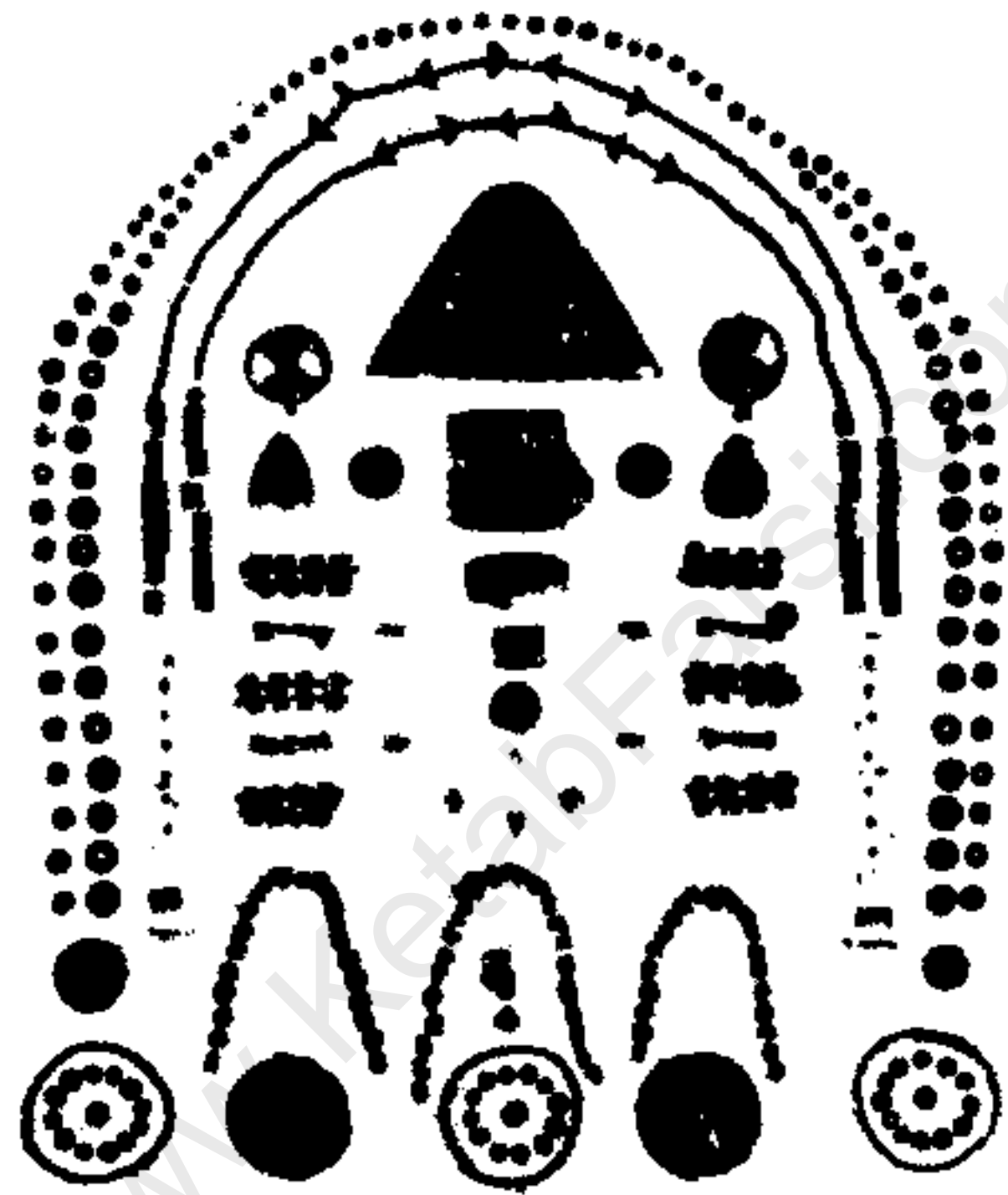
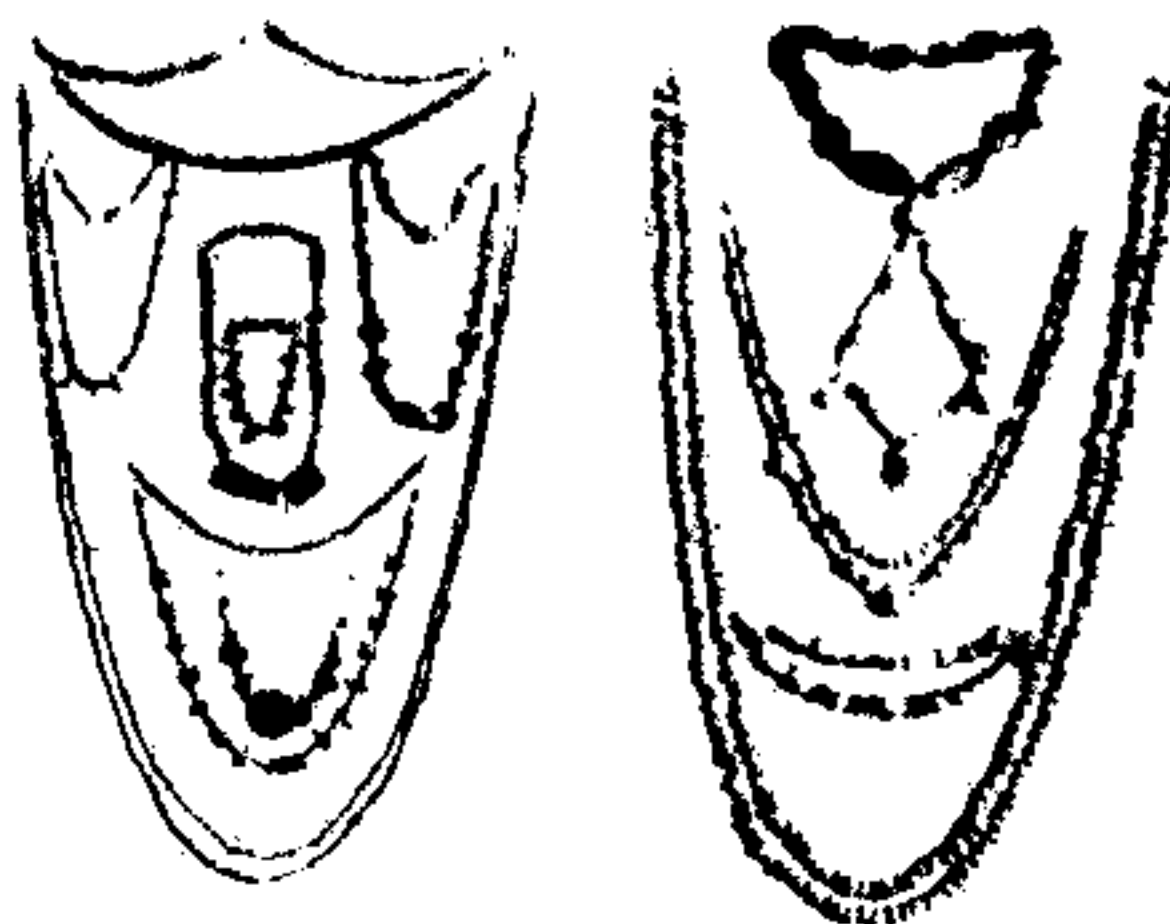


نقشی برسنگ از دختر شاه ایلامی بنام (باراولی) (۶) نقر است که وضع کلاه و گیسو و لباس او را درحالی که با احترام جلوی پدرش قرار گرفته است نشان میدهد. شاهزاده خانم کوچک ایلامی کلاه مدوری برسر دارد گیسوان وی بر پشت شانه ریخته و در قسمت آخر آن حلقه‌ای تشکیل داده است. دستها که بحالت احترام بالا آورده و انگشتانش را از هم باز کرده که هدیه پدر را بتواند بگیرد. لباسی بلند در بردارد که روی آن شالی بدوش انداخته و قسمت جلوی آن باز و نیمی از بدن را گرفته است. قسمتی از کمربند قطعاً زرین است که از زیر شال بیرون آمده و روی دامن افتاده است. در این نقش بصورت کامل لباس و آرایش زن از بزرگان این دوره (اواسط هزاره دوم قبل از میلاد) بنظر میرسد.

در مورد طرح لباس و بافت پارچه سلیقه فراوانی در ادوار باستانی ایران بکار رفته است. اکنون از انواع آن نمونه‌ای چندارائه میشود (ش ۱۰-۱۱)



در مورد جواهر سازی و زرگری هنرمندان ایران در بسیاری از نقاط ایران با مهارت و دقت خاصی کار میکرده‌اند. گوشواره و دستبند و گردنبند و سربند و کمربند هر یک با مهارت تمام ساخته میشد (ش ۱۲-۱۳-۱۴)



گوشواره‌ها معمولاً از زر یا مفرغ باشکال مختلف است. گاهی ساده بصورت حلقه‌ای که آویزه‌هایی دارد یا بشکل خوشه انگور میباشد. انگشترها از زر یا سیم یا مفرغ است با تزیینات مختلف. گردنبندها از دانه‌های مدور فلزی مانند زر سیم و مفرغ و یاسدف و استخوان و سنگهای قیمتی مانند لاجورد یا سنگ سلیمانی یا خمیر شیشه است. گاهی در بین مهره‌ها آویزه‌هایی بشکل حیوانات یا پرندگان یا سر حیوانات و غیره قرار دارد.

بدین ترتیب توجه زنان به زیبایی و آرایش پدیده‌ای تازه نمیشد بلکه چنانکه در این مختصر ملاحظه گردید زنان دوره ماقبل تاریخ با وجود مشکلات فراوان بدین مسئله مهم توجه خاصی داشته و نهایت سعی و کوشش را بکار میبردند.



۱- تاریخ اختراع کوزه‌گری شاید بیش از شش هزار سال قبل از میلاد باشد.

۲- قطعاً وضع بزرگداشت زن در دوران کهن موجب شد که بعدها وی در آئین مزدائی نیز مقام بلند خود را حفظ کند. چنانکه زن در اوستا مقام والائی دارد و جزو گروه ششگانه فرشتگان (امشاسپندان) است از این گروه فرشتگان سه تن زن میباشند. یکی از آنان سپندارمذ فرشته مادر است که در اصل همان الهه مادر دوران قدیم است.

۳- در این نقش برجسته پادشاه لولوبی بنام آنوبانی تی کمانی در دست دارد و پای خود را روی دشمنی که بر زمین افتاده است نهاده و در برابر او الهه ایستاده و دست بسوی شاه دراز کرده است و حلقه قدرت را باو میدهد و در دست دیگر طنابی را که اسرا بآن بسته شده‌اند گرفته است.

۴- Napir-Asu

۵- نقل از کتاب ایلام تألیف P. Amiet

ترجمه دکتر شیرین بیانی (شکل ۸۷)

۶- باراولی Baraveli دختر شاه مقتدر

ایلام شیلهیک این شوشینهاک است که ایلام را باوج قدرت رساند. در این مورد بکتاب تاریخ ایلام تألیف

P. Amiet ترجمه دکتر شیرین بیانی (صفحه ۶)

مراجعه شود.

اعداد اعجاب انگیز

اعداد زیر را جمع کنید ، بنظر شما کدام نتیجه بزرگتری میدهد ؟

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
			۱	۲	۳	۴	۵	۶
				۱	۲	۳	۴	۵
					۱	۲	۳	۴
						۱	۲	۳
							۱	۲
								۱

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
۶	۵	۴	۳	۲	۱			
۵	۴	۳	۲	۱				
۴	۳	۲	۱					
۳	۲	۱						
۲	۱							
۱								

۱۳۷۲۱۷۴۲۰۵

۴۸۹۰۲۶۰۲۶۳۱

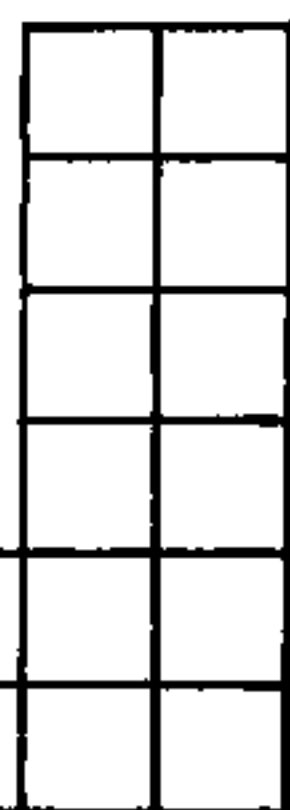
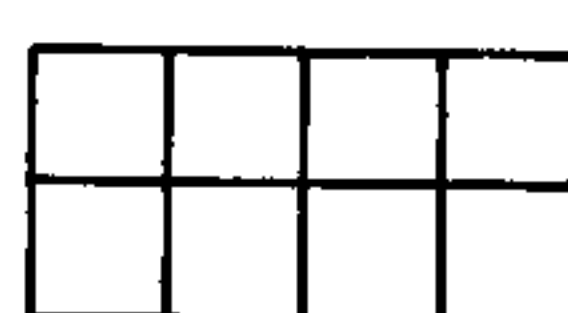
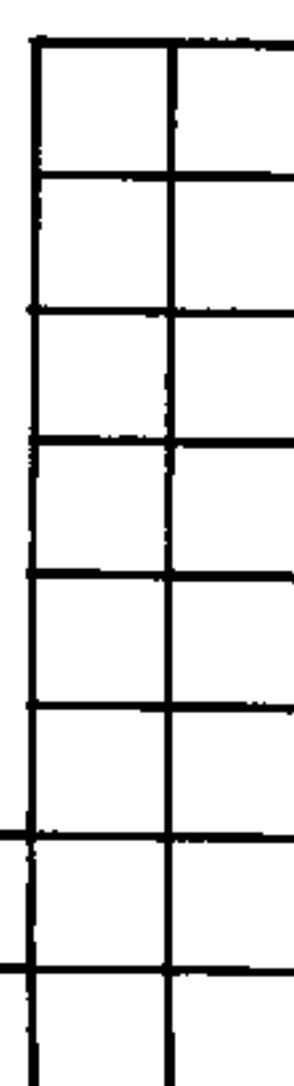
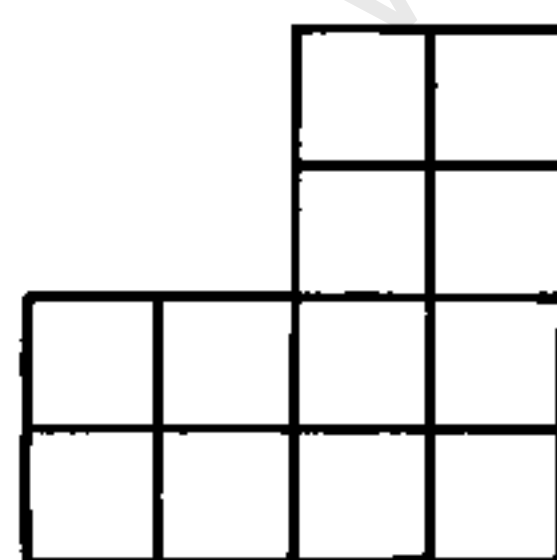
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷		
۱	۲	۳	۴	۵	۶			
۱	۲	۳	۴	۵				
۱	۲	۳	۴					
۱	۲	۳						
۱	۲							
۱								

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
		۶	۵	۴	۳	۲	۱	
			۵	۴	۳	۲	۱	
				۴	۳	۲	۱	
					۳	۲	۱	
						۲	۱	
							۱	

۱۰۸۳۶۷۶۲۶۹

۱۰۸۳۶۷۶۲۶۹

- ۱۳- مرهم .
- ۱۴- نام سازمانی مربوط به پروژه های آپولو .
- ۱۵- واحد وزن بسیار .
- ۱۶- ضمیر سوم شخص مفرد .
- ۱۷- ماه کنعان - بالاتر از ۳۷ درجه حرارت بدن .
- ۱۸- از سنگ های زمینی و ساختمانی - کلمه ندا .
- ۱۹- جانشین او - نام شاعر معروف ایرانی با حرفی اضافه .
- ۲۰- اثر باشد و قبول نیست - اولی هست انگلیسی و دومی شایسته (دو کلمه) .
- ۲۱- اشاره بدور .
- ۲۲- ویتامین انعقاد خون .
- ۲۳- چاشنی های غذا .
- ۲۴- مادر تازی .
- ۲۵- بعضی ها از فرط آن در هاون آب میگویند .
- ۲۶- نام نویسنده معروف کتاب لیه تیخ .



- عمودی
- ۱- ورق برنده - در ردیف بهمان است .
 - ۲- در بدن لازم است و در قمار همچنین - کاشف رادیوم که با کشف این عنصر برای بار دوم موفق بدریافت جایزه نوبل گردید .
 - ۳- دست عرب - سرسلسله اعداد .
 - ۴- عددی کمتر از چهار - عرب شمسی و قمری آنرا دارد .
 - ۵- رمق .
 - ۶- از معاهده های شوم بین روس و ایران .
 - ۷- از میوه های بسیار معروف و بزرگ مصری که در ۵۰ قرن پیش ساخته شده .
 - ۸- واحد پول ژاپن .
 - ۹- پادگانی در شمال غربی تهران .
 - ۱۰- شراب فرنگی .
 - ۱۱- نام بلبل بزبان انگلیسی .
 - ۱۲- از شهر های ژاپن .

- افقی
- ۱- گوساله مقدسی مصریان که بدست کمبوجیه از بای درآمد - فاصله رامیرساند از سازهای پرسوز - دریا .
 - ۲- سهل و آسان - خدا - ضمیر سوم شخص مفرد - وراج بیمار زند .
 - ۳- مخفف که او - سرسلسله اعداد - از حیوانات گران پوست .
 - ۴- ضمیر اول شخص جمع - تکرارش نام هنرپیشه ای ایتالیائی است - نامی برای آقا پسر ها .
 - ۵- حیوانی دریائی - همان فل است - ضمیر معکوس عربی - قلم انگلیسی .
 - ۶- میدهند و رسوا می کنند - مخفف جام - رمق - ضمیر اول شخص جمع .
 - ۷- زردشتیان وطن نخستین خود را باین نام میخواندند - پیدا نیست - زن اردشیر

طرح جدول از کمالی

اثرات اقتصادی برداشت دنبه در

گوسفندان نژاد ایرانی
و

راهی برای ازدیاد تولید گوشت و پروتئین حیوانی در کشور

* در سابق خریداران علاقه داشتند همراه گوشت خریداری شده مقداری دنبه بآن اضافه شود .
* امروزه بسیاری از خریداران حتی از افزودن مقدار ناچیزی دنبه به گوشت اعتراض دارند .
* برای اینکه بتوان گوشت بیشتری از گوسفند بدست آورد باید نژادهائی را که طبعاً دارای دنبه كوچك می باشند جستجو کرد .



در سابق رسم بر این بود که خریداران گوشت وقتی که بدکانهای قصابی مراجعه میکردند، علاقه داشتند تا همراه گوشت خریداری شده، قصاب مقداری هم چربی یا دنبه بآن اضافه کند و چه بسا که این موضوع را بفروشنده نیز تذکر میدادند. در دکانهای قصابی نیز لاشه های پروار که اغلب همراه دنبه های حجیم بود بخصوص در معرض دید مشتریان قرار میگرفت و ترئیناتی هم برای خوش آیند مراجعین به دنبه لاشه حیوان اضافه میشد. در صورتیکه امروزه بتدریج وضع دگرگون شده و بسیاری از خریداران حتی از افزودن مقدار بسیار ناچیزی دنبه به گوشت خریداری شده اعتراض کرده و اصرار مینمایند که درازای پرداخت مبلغ بیشتری گوشت خالص بآنان داده شود.

این تغییر وضع رویهمرفته معلول دو علت اساسی میباشد. یکی اینکه مردم کشور ما کم و بیش بارزش غذائی پروتئین ها در تغذیه پی برده و درک کرده اند که هیچ ماده غذائی برای تامین احتیاجات بدن قادر نیست جای پروتئین ها را بگیرد - دیگر بخاطر تفاوت قیمتی است که فی المثل بین يك كيلو گوشت و يك كيلو دنبه یا چربی در بازار وجود دارد و بدیهی است که این اختلاف قیمت نیز ارتباط مستقیمی با مورد اول دارد بنحویکه هر اندازه خواستاران گوشت در بازار بیشتر شوند تنزل قیمت دنبه محسوس تر خواهد شد.

اهمیت موضوع امروزه بحدی است که فروش لاشه های پروار که دارای دنبه های حجیم و سنگین میباشد و در سابق مقبول مشتریان بود باشکال برخوردار و چه بسا که قیمت آن حتی کمتر از ارزش لاشه هائیکه دارای دنبه و چربی کمتر و کوچکتري هستند و روی همین اصل بسیاری از دام پروران ترجیح میدهند که تنها گوسفندانی را به پروار به بندند که نسبت دنبه به لاشه بحد اقل ممکن تقلیل یافته باشد تا از این طریق تولید گوشت بیشتری داشته و مشتریان را راضی نگاهدارند.

طبق مطالعاتی که بعمل آمده است، کلیه نژاد های گوسفندان موجود در کشور که بسیاری از آنان استعداد پرواری داشته و راندها بسیار قابل توجهی را بدست میدهند دارای دنبه بوده و تنها يك نژاد که در کرانه های دریای خزر زندگی میکند دم دار میباشد. تازه گوسفند دم دار ساحلی نیز که بنام نژاد زل معروفیت دارد - استعداد پرواری نداشته و پرورش آن بخاطر تولید گوشت چندان مقرون بصرفه نیست.

باین ترتیب برای اینکه بتوان گوشت بیشتری از گوسفند بدست آورد یا باید نژاد هائی را جستجو کرد که طبیعتاً دارای دنبه كوچك و ناچیزی میباشد و یا اینکه به نحوی مقتضی از رشد دنبه در ایام پرواری جلوگیری بعمل آورد و پرواری را در جهت ازدیاد گوشت سوق داد.

در بسیاری از ممالك غربی برخلاف ایران و ممالك خاور میانه اکثر نژاد های گوسفندان دم دار بوده و طبیعتاً فاقد دنبه میباشد و روی این اصل به پروار بستن آنان همراه با ازدیاد ذخیره چربی در ناحیه دم و لگن نمیشد.

خاصیت وجود دم در حیوان اصولاً جزء خواص ارثی بشمار میرود بطوریکه اگر گوسفند دم داری را با گوسفند دنبه دار تلاقی دهند بره حاصله دارای دنبه کوچکتري شده و اگر این جفتگیری چندین نسل ادامه یابد همچنان از حجم دنبه کاسته شده و بالاخره در نسل سوم و چهارم بکلی از بین رفته و زاییده دمی شکل جای آنرا میگیرد. گواينکه استفاده از این خاصیت خود راهی برای از بین بردن دنبه در نژاد های گوسفندان ایرانی بشمار میرود ولی اجرای آن مستلزم ورود گوسفندان دم دار خارجی بایران و شروع يك سری عملیات میباشد که ممکنست در حال حاضر برای عده ای از دامپروران غیر مقدور یا با صرف هزینه هائی همراه باشد. روی این اصل از مدت ها پیش این فکر برای مراجع تحقیقاتی دامپروری پیش آمد که بكمك راههائی از رشد دنبه گوسفندان جلوگیری شود بدون اینکه لطمه ای به نژاد های گوسفندان گوشتی ایران وارد آید و یا احتیاج به ورود قوچهای خارجی به کشور گردد.

برای این منظور فکر قطع کردن دنبه و به پروار بستن این نوع گوسفندان قوت گرفت و مطالعاتی در این زمینه آغاز شد. برداشت دنبه اصولاً عملی ساده و اجرای آن برای هر دامپروری میسر و امکان پذیر میباشد ولی باید توجه داشت که هنوز دامداران بچگونگی اجرای آن که ممکنست یا بطریق سوزاندن شریان اصلی - یا بست زدن رگ و بالاخره له کردن محل انشعاب دنبه از لگن میباشد صورت گیرد، آشنائی کاملی ندارند. بدیهی است همانطوریکه در سالهای گذشته عمل اخته کردن دامهای نر برای بسیاری از روستائیان تازگی داشت ولی امروزه هر دهقان مطلع براحتی و بكمك وسایلی ساده بانجام آن مبادرت میورزد، قطع دنبه نیز مسلماً با کمی دقت و ممارست شناخته شده و اجرای آن متداول خواهد شد بطوریکه میتوان در يك هنگام اخته کردن دام و قطع دنبه را یکجا انجام داد و بعد از آن دامهای مورد نظر را به پروار

بست. امروزه شاید بر هیچ دامداری پوشیده نباشد که گوسفند اخته شده نسبت بگوسفندان عادی زودتر چاق شده و گوشت آن نیز لذیذتر از دیگران میباشد و همین موضوع نیز عیناً در گوسفندانی که دنبه شان برداشته شده باشد صادق و بخصوص از نظر اقتصادی مقرون بصرفه میباشد.

از نظر اقتصادی باید توجه داشت که گوسفند بدون دنبه اولاً در شرایط مساوی تغذیه و پرورش نسبت بگوسفند دنبه دار بیشتر چاق شده و مهمتر از همه اینکه نسبت تولید گوشت آن بمراتب بیشتر از گوسفند شاهد میباشد - بنحویکه قسمت اعظم لاشه را گوشت تشکیل داده و باصطلاح پروتئین جای چربی را گرفته است و اگر حساب شود که هر كيلو پروتئین تقریباً ۲ تا ۳ برابر ارزش چربی را در بازار دارد روشن میشود که ادامه این روش تا چه حد مقرون به صرفه میباشد.

برای روشن شدن موضوع ذیلاً به شرح محاسبات اقتصادی که در این زمینه صورت گرفته است پرداخته میشود. این محاسبات بعد از اجرای چندین مرحله آزمایش و بررسی طی سالهای گذشته که در بخش پرورش گوسفند مؤسسه دامپروری و تحقیقاتی امین آباد - دانشگاه تهران صورت گرفته است انجام شده و نشان میدهد که چگونه اجرای این روش در بالا بردن میزان تولید گوشت در کشور و همچنین ازدیاد درآمد حاصله مؤثر میباشد. نتایج حاصله عبارتند از:

۱ - تاثیر در اضافه وزن -

با به پروار بستن يك بره فاقد دنبه و يك بره دارای دنبه که هر دو در ابتدای آزمایش دارای وزن مساوی بوده و در يك شرایط و موقعیت نیز پروار بسته شده باشند - لااقل روزانه بین ۱۵ الی ۲۰ گرم اختلاف وزن بین آندو مشاهده میشود، بطوریکه بره فاقد دنبه روزانه در حدود این میزان بیشتر از بره شاهد سنگین تر میشود. این اختلاف وزن در گوسفندانی که از یکسال به بالا باشند بیشتر و در حدود ۳۰ الی ۳۵ گرم در روز میباشد.

۲ - از نظر ذخیره دنبه و چربی

در نزد برهائی که بخاطر برداشت دنبه تحت عمل جراحی قرار گرفته است حداکثر وزن چربی در ناحیه دنبه از ۵۰۰ الی ۶۰۰ گرم تجاوز نمی نماید که این مقدار معادل يك بیستم الی يك هجدهم وزن لاشه و عبارت دیگر ۵ تا ۶ درصد آن میباشد. در صورتیکه در نزد بره عادی و شاهد وزن دنبه به يك سوم الی يك پنجم كيلو گرم رسیده و این وزن معادل يك دهم الی يك هجدهم وزن لاشه میباشد - بدیهی است با اختلاف ارزش که بین قیمت دنبه و گوشت در بازار وجود دارد این تغییر وزن از نظر میزان اضافه تولید گوشت بنفع دامپرور و فروشنده

احتساب خواهد شد .
۳ - ازدیاد وزن گوشتهای نقاط درجه يك

یکی از مسائل مهمی که در امر پروراری گوسفندان باید در نظر گرفته شود ، اضافه وزن گوشتهای درجه يك نظیر ناحیه راسته یا ران و نظایر آن نسبت بگوشتهای درجه دوم و سوم مانند سر سینه - سر دست - میان پهلوی و امثال آن میباشد - بدیهی است هر اندازه راندها گوشت این نواحی نسبت بقسمتهای دیگر لاشه بیشتر باشد ارزش لاشه زیادتر بوده و در نتیجه عایدی دامدار و فروشنده بیشتر خواهد شد . ضمن بررسی هائی که در این زمینه نیز بعمل آمده ثابت شده است که در این موارد نیز اختلاف هائی مشاهده میشود ، بطوریکه همیشه وزن گوشت های درجه يك در گوسفندانی که دنبه شان برداشته شده بیشتر از گوسفندان دنبه دار میباشد و بهمین اندازه نیز نسبت های گوشت های درجه يك بدرجات بعدی در گوسفندان فاقد دنبه قابل ملاحظه میباشد .

۴ - طعم گوشت

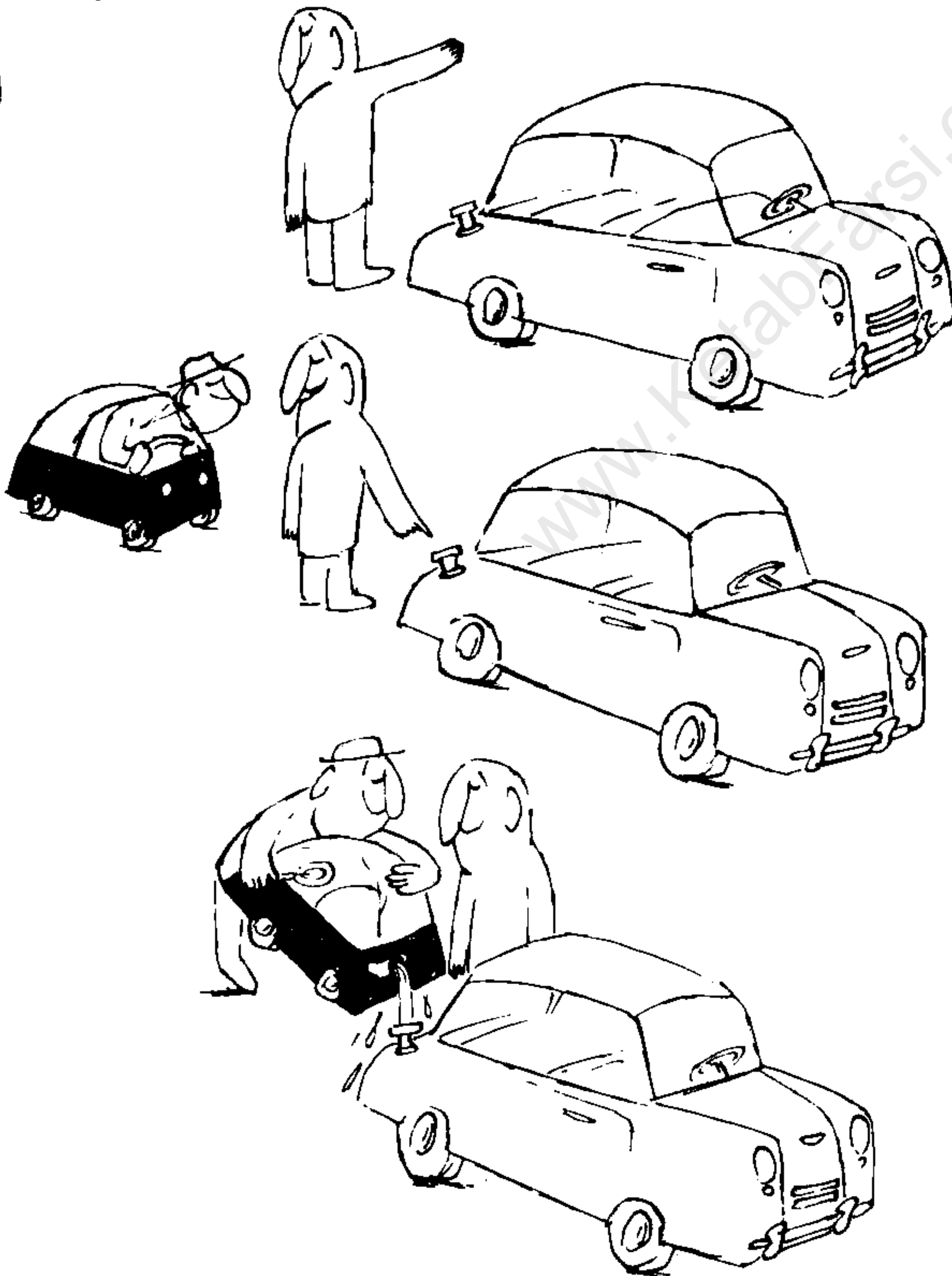
از اختلافات دیگری که در این زمینه میتوان یاد آور شد ، بهبودی یافتن کیفیت گوشت میباشد - بطوریکه بخاطر پخش شدن مقدار متناسب چربی در لابلای عضلات طعم گوشت نیز در گوسفندانی که دنبه شان بر داشته شده باشد لذیذتر از دامهای عادی میباشد و این خود موجب میشود تا خریداران توجه بیشتری باین نوع محصول نمایند . در ممالک خارج باین نوع گوشتها « گوشت مرمری » نام داده اند که بخصوص افراد پاره ای از ممالک از جمله آمریکائیا بآن علاقه وافری دارند .

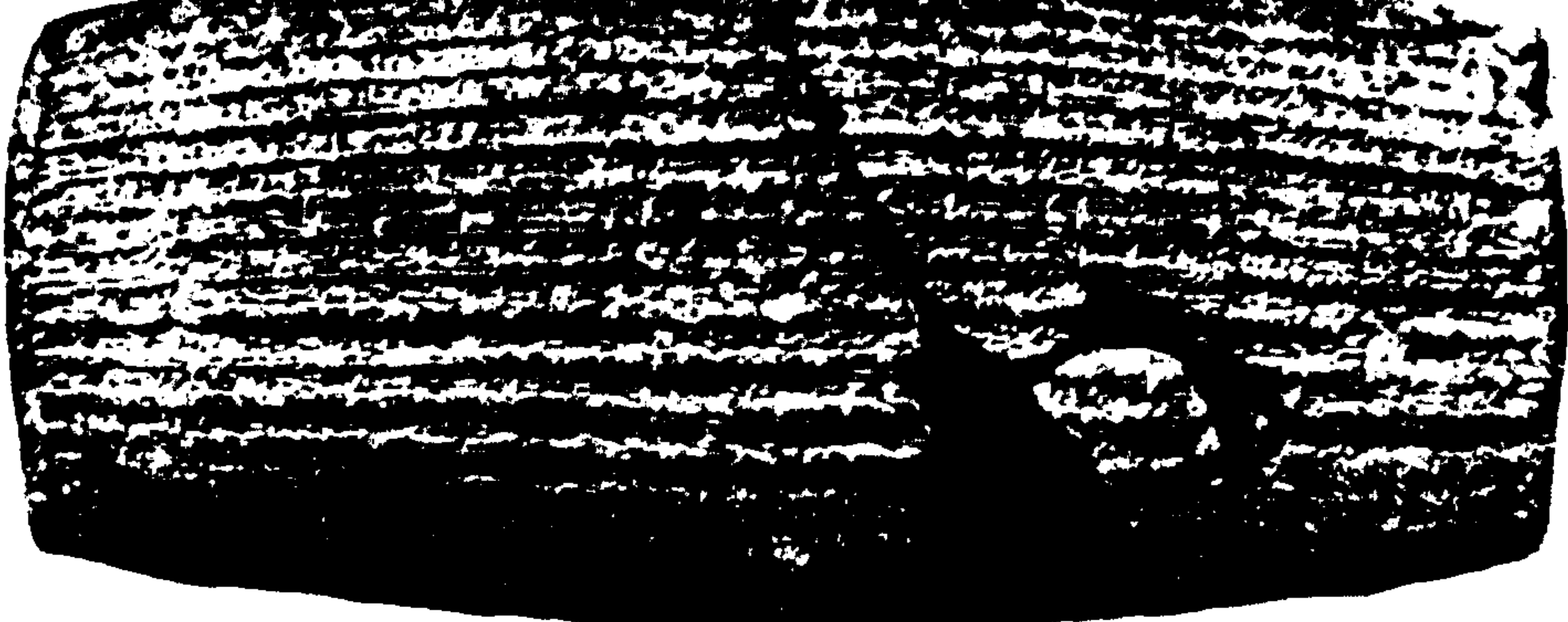
در پایان ناگزیر بذکر این مطلب میباشد که هنوز بسیاری از خانواده ها برای طبخ پاره ای از غذا هائی که بخوردن آن عادت کرده اند ، احتیاج بمواد چربی بخصوص دنبه به همراه گوشت دارند تا بدین وسیله از خوراک های انرژی زا استفاده نمایند . این امر گواينکه موجب ارزان تمام شدن غذای روزانه شده و به نسبت مربوط کالری لازم را هم در اختیار مصرف کنندۀ قرار میدهد ، ولی با گذشت زمان همانطوریکه بازار های روز در گوشه و کنار مملکت گواهی میدهند ، علاقه مردم بتدریج از مصرف دنبه در خوراک ها بریده شده و به تغذیه گوشت باوجود گرانی آن گرایش می یابد .

نوشته : دکتر محمد ستاری - دانشیار دانشکده دامپزشکی و سرپرست مؤسسه دام پروری و تحقیقاتی امین آباد دانشگاه تهران.

از محنت ماشین کو چولو

کامیون از کامیون درم بکش





فرمانها

- سابقا فرمانها را بروی گل پخته و یا کاغذ پاپیروس مینوشتند .
- فرمان ها را برای حکام شهرستانهای غربی ایران میفرستادند .
- در دوره فرمانروائی سلاطین اشکانی و ساسانی فرمان ها بر روی پوست نوشته میشد .

صدور فرمان از دیرباز در سرزمین ایران معمول بوده و در دوران فرمانروائی پادشاهان هخامنشی یعنی زمانی که نامه رسانی و چاپاری متداول گردید تعمیم یافت . در آن دوران فرمان ها را بروی گل پخته و یا کاغذ پاپیروس می نوشتند ، مطالبی که در تورات مذکور است موبداین نظر می باشد که پادشاهانی چون داریوش ، کوروش و خشایارشا (بگفته تورات اخشورش) فرمان برای حکام شهرستان های غربی ایران می فرستادند .

یکی از با ارزش ترین فرمانهای باقیمانده از دوران شاهنشاهی هخامنشی که از دستبرد تحولات زمان مصون مانده فرمانی است که از طرف کوروش پس از فتح بابل صادر شده است . این فرمان که بمنزله نخستین اعلامیه حقوق بشری است و در آن از حفظ حقوق و مایملک مردم و احترام بمذاهب و آداب و رسوم سخن گفته شده بر روی استوانه ای از گل نیم پخته بخط و زبان بابلی نوشته شده است . این لوحه ضمن کاوش در ویرانه های شوش بدست آمده و بنام استوانه کوروش نامیده شده است . (شکل ۱)

در دوره فرمانروائی سلاطین اشکانی و ساسانی نیز فرمان ها بر روی پوست نوشته می شد و به هنگام ارسال برای اطمینان بیشتر بجای لاک از گل پخته مخصوص استفاده می کردند که با سوراخی بوسیله بند بنامه متصل می گردید غالب این گلها را قبلا آماده نموده و روی آنها را با مهر سلاطین و یا حکام مهر می زدند .

پس از انقراض دولت ساسانی و اشاعه دین مبین اسلام در ایران هنوز فرمان ها بروش سابق صادر می گردید و تا زمانیکه کاغذ توسط چینی ها اختراع نشده بود نگارش فرمان ها غالباً روی پوست و پاپیروس های مخصوص انجام می گرفت . از فرمان های این دوره بخط و زبان قبطی و سریانی نمونه هایی در مصر و سوریه بدست آمده است . فرمان های فراوان بخط ایغوری و فارسی (رقاع و نستعلیق) در دست است که آقای

پل پلویو چند نمونه از آنها را که بخط ایغوری از ابوسعید بهادر خان و ارغون خان بجا مانده در مجله آثار ایران منتشر ساخته و تفسیری بزبان فرانسه بر آنها نگاشته است .

فرمانهای بسیار از سلاطین تیموری به یادگار مانده که یکی از آنها بخط رقاع تحریر یافته و قابل مطالعه و بررسی می باشد . این فرمان در زمان حکومت سلطان حسین بایقرا روی کاغذ خانبالغ طوماری بطول ۹۱٫۵ سانتیمتر و بعرض ۱۳ سانتیمتر در بیست و دو سطر قلمی شده است . (۱)

با اینکه در عنوان فرمان و مهر آن در پایان ذکری از بایقرا نمی رود تاریخ صدور باین ترتیب خوانده می شود . ذیحجه الحرام سنه اربع و تسین (وثمان مائه) (۸۹۴) که با تاریخ سلطنت سلطان حسین بایقرا (۲) تطبیق مینماید . لذا در اصالت آن کمترین تردیدی نمی توان داشت . (شکل ۲) بعضی از کلمات این فرمان بر اثر گذشت زمان و عدم توجه و برخی دیگر بمناسبت چین خوردگی و چسباندن مجدد قسمت های پاره شده خوانا نیست . از طرفی حذف منظم انتهای کلمات آخر سطور این تردید را بوجود می آورد که سراسر حاشیه سمت چپ فرمان بعلت نامعلومی بریده شده است .

در تحریر فرمان از سه زبان فارسی ، عربی و ترکی استفاده شده و آنرا بدو نوع رسم الخط با مرکب و آب طلا روی کاغذ طوماری نوشته اند . در عنوان بعد از نام سلطان دو کلمه ترکی آمده است .

بدین ترتیب « ابوالغازی سلطان حسین بهادر سوزومیز » سوز در ترکی بمعنی سخن ومیز ضمیر است و مجموعاً مفهوم گفتار ما و یا فرموده ما را می رساند .

از نظر تاریخ اصطلاحات تقویم ترکی چون یارس ئیل و توشقان ئیل در متن بکار برده شده است و چندین عبارت عربی نیز بچشم می خورد که در دو قسمت با آب طلا است ولی بر اثر مرور زمان طلای آن ناپدید گردیده و فقط اثری از آن روی کاغذ

باقیمانده است . در بالای متن سمت راست نیم سطری دیده می شود که با عبارت « مکنهم الله » شروع شده و همچنین در آخر سطر که از دهم عبارت « ان الله لایضیع احرمین احسن عملاً » نوشته شده است . بین سطور یازدهم و دوازدهم دو کلمه « الله تعالی » دیده می شود که چون ارتباطی با این دو سطر ندارد و از طرفی روی کاغذی جداگانه تحریر و وصالی شده است لذا این ظن را بوجود می آورد که در اصل مربوط بقسمت دیگر بوده و باشتباه در این نقطه چسبانده شده است .

متن فرمان حکایت از انتخاب شخصی بنام شمس الدین محمد طبیب گیلانی می کند برای رسیدگی و علاج بیمارانی که احتمالاً در نواحی شمال ایران سکونت داشته اند زیرا کلمه تنکابن در سطر پنجم ملاحظه می گردد . سلطان برای دریافت کننده فرمان مقرری تعیین نموده و نوع پولی که ذکر شده دینار کپکی است .

گو اینکه در دوران حکومت ایلخانان مغول و تیموری فرمانهای بسیار صادر می گردید ولی بطور کلی صدور فرمان برای اشخاص معتبر و صاحب مقام بوده است . از مندرجات فرمان مورد بحث ما چنین بر می آید که محمد طبیب گیلانی مورد اعتماد سلطان بوده و نه فقط اختیارات تام در ماموریت خود داشته بلکه لقب « صدر » نیز که از جمله عناوین بزرگ بوده بوی تفویض گردیده است مع الوصف نگارنده با وجود مطالعه و مراجعه بکتاب مختلف بمنظور تفحص نام وی توفیقی بیشتر حاصل نکرد .

۱- موزه ایران باستان شماره ۲۰۵۱۷ بخش اسلامی

۲- در سنه ۸۷۲ پس از فوت ابوسعید بهادر تاج شاهی بر سر نهاد و در سنه ۹۱۱ در سن ۷۰ سالگی در گذشت .

از : پروین برزین

«تاریخ، علم محض نیست...»

گفتگوئی با ژان اوین
محقق و تاریخ‌نویس ادوار قرون وسطایی در
ایران و معلم تاریخ و فرهنگ ایران در
ECOLE DES HAUTES ETUDES



تلاش - آقای ژان اوین ، آیا نگرش
تاریخی در شرق از نظر روحی و فرهنگی
با نگرش تاریخی در غرب متفاوت است یا
خیر ؟

ژان اوین - همانطور که فرهنگهای ملل
متفاوت و جداگانه هستند ، تاریخهای ملل
نیز از یکدیگر جدا و متمایز است . مثلاً
نگاه کنید به ادبیات روسیه و ادبیات اسپانیا ،
چقدر از یکدیگر جدا هستند ، و یا حتی
فرهنگ فرانسه و اسپانیا ... و این سبب آن
است که اینها ملل جداگانه‌بی با خصوصیات
و روحیات جداگانه هستند و سنتهای مختلفی
هم از نظر دینی و هم از نظر اجتماعی دارند.
و می‌دانید که تأثیرات همه این عوامل هم
با هنرها و فرهنگها و هم با تاریخهای
ملل نفوذ مستقیم دارد . اصولاً شما ببینید که
چه اندازه تاریخ کشورهای مثل مصر و سوریه
و ایران که از نظر جغرافیایی در یک قسمت
دنیا قرار دارند و از نظر سنتهای دینی و
نظامهای اجتماعی نیز به یکدیگر نزدیک
بوده‌اند از یکدیگر مشخص و
جداست . همچنین است در اروپا ، مثلاً تحول
تاریخی فرانسه با تحول تاریخی لهستان و
یا ایتالیا کاملاً فرق می‌کند و از یکدیگر جدا
هستند.

تلاش - علل این جدایی‌ها و تفاوت‌های
فرهنگها و تاریخهای ملل را از چه عواملی
متأثر می‌دانید ؟

ژان اوین - پاسخ این سؤال هنوز به
طور صریح و قاطع روشن نیست و بنابراین
هر گونه جوابی علمی و قاطعانه نخواهد بود.
ما می‌بینیم که در غرب اروپا فتودالیت وجود
دارد ، اما در شرق اروپا فتودالیت وجود
ندارد . همچنین می‌بینیم که در اروپای غربی
یک تشکیلات سیاسی از قرون دهم و یازدهم
میلادی وجود دارد که نمونه آن در شرق
به ندرت به چشم می‌خورد .

بنابراین با استفاده از همین ترتیب به
آسانی می‌توان دریافت که «وحدت اروپا»
افسانه‌یی بیش نمی‌تواند باشد ، چرا که اروپا
متشکل از نظامها و خواستهای مختلف و
منطقه‌های جداگانه‌یی است . واقعاً هنوز دلیل
و یا دلایل این تفاوتها و جدایی‌ها به صورت
علمی معلوم نیست .

تلاش - آیا روحیه ملت‌ها در دگرگونی
و جدایی رسوم و نظامات آنها تأثیر نداشته ؟
مثلاً در آنجا که گفتید در اروپای غربی
نوعی تشکیلات سیاسی وجود داشته که در
شرق این تشکیلات نبوده ، چه علت‌های
اساسی برای این امر می‌توان برشمرد ؟

ژان اوین - ممکن است روحیات مختلف
در مردم وجود داشته باشد ، اما منظور
شما از آن کلمه «ملت» که در اول سؤال
مطرح کردید چیست ؟ این کلمه چه معنای

● وحدت اروپا ، افسانه‌یی بیش نمی‌تواند باشد .

● به نظر من تاریخ علم محض نیست .

● تاریخ‌نویس باید فردی دانا و دقیق و موشکاف و علاوه بر آن صاحب دید ورای مشخص و شخصی باشد .

● همانطور که اگر هر موردی و موضوعی و نشانه‌یی از وقایع قرون وسطایی به دست من آید برای من جالب است .

● من فکر می‌کنم در گذشته هم تبلیغات زیاد بوده است .

● از لحاظ فرهنگی به دوره ساسانی بسیار علاقمند هستم و فکر می‌کنم دوره با شکوهی بوده است .

● دیوان حافظ برای يك تاریخ‌نویس که می‌خواهد در اوضاع و احوال زمان حافظ مطالعه کند يك منبع عظیم تاریخی است .

● رشیدالدین فضل‌الله بزرگترین تاریخ‌نویس قرون وسطایی هم در شرق و هم در غرب و نمونه و سمبل تاریخ‌نویس است .

● راه علم از «دانشگاه» عبور نمی‌کند .

ژان اوبن - مسلما نمی‌شود به‌طور کلی منکر مسأله ملیت شد چه مثلاً مردم ایران در مقابل حمله اعراب و مغولها مقاومت کردند و البته تضادها و جدایی‌هایی بین اعراب و ایرانی‌ها و مغولها و ایرانی وجود داشته‌است اما ببینید که چطور واژه‌ها و کلمات عربی بسیاری پس از حمله اعراب در زبان فارسی فارسی وارد می‌شود و همچنین چطور ایرانی‌ها از دین دیرین خود دست می‌کشند و مسلمان می‌شوند . اینها نشانه پذیرش و اقبال است و این نوع پذیرش با تعبیر امروزی «ملت» مغایر است . و ایرانی‌ها پس از پذیرفتن دین اسلام هم بیشتر به طرف يك نوع خاص اسلام که بیشتر به روحیه آنها نزدیک بود کشیده شدند و مذهب شیعه را پذیرفتند .

تلاش - اصولاً ایرانی‌ها يك اسلام ایرانی ، به‌خصوص با توجه به عرفان ایرانی ، در دنیای اسلام به‌وجود آوردند ، نظر شما در این مورد چیست ؟

ژان اوبن - این کاملاً صحیح است اما نباید فراموش کرد که مردم شیعه مذهب در سایر نواحی اسلام وجود داشتند که ایرانی نبودند در مورد هماهنگی مردم نواحی مختلف ایران هم من فکر نمی‌کنم از نظر فرهنگی و رسوم و سنتها این هماهنگی موجود باشد . مثلاً در مورد مازندران که گفتید و نام بردید همانطور که از نظر طبیعت با ایران‌اندرونی و داخلی جدا و متفاوت است از نظر سیستم فرهنگی و تاریخی هم مثلاً با فرهنگ ایرانی خراسان و یافارس تفاوت دارد . اصولاً ایران هم از قسمتها و مردم مختلفی تشکیل شده است . درست مثل مردمان مختلفی که در مناطق اندلس و بارسلون اسپانیا وجود دارند ، که با وجود آنکه همه آنها اسپانیایی هستند اما يك اندلسی کاملاً هم از نظر شخصیت فرهنگی و روحی و هم از حیث تاریخی با يك بارسلونی تفاوت دارد .

تلاش - بله ، این تفاوت‌های محلی و منطقه‌یی در آداب و رسوم و سنن وجود دارد و کاملاً هم منطقی است ، اما پذیرفتن يك نظام و سیستم از جانب همه این روحيات مختلف یعنی پذیرفتن يك روح و حس که در

زنده‌یی در گذشته داشته ؟ «ملت» يك کلمه قرن نوزدهمی است . اگر از نظر تاریخی بنگریم می‌بینیم در گذشته به این صورتی که حالا مطرح است ، ملت وجود نداشته و ملت به معنای Nation يك پدیدار تازه است . ارتباط مردم با یکدیگر در گذشته کاملاً به گونه‌یی دیگر بوده است . خوب البته باید گفت که احساس و منطق این پدیدار در اواخر قرن هجدهم در گوشه و کنار جهان دیده می‌شود و به وجود می‌آید ، اما واقعا باید قبول کرد که تصور ملیت قبل از قرن نوزدهم خیلی خیلی ضعیف بوده و کم‌کم در قرن نوزدهم و بعد از آن قوی‌تر و قوی‌تر شده است . مثلاً اگر به عنوان يك عامل ملی ، از وحدت زبان یادآوری کنیم ، می‌بینیم که در گذشته به مسأله یک‌زبانی چندان توجهی نمی‌شد و لهجه‌های بسیار در اقوام مختلف ساکن نواحی مختلف وجود داشت . مثلاً بیند در سوئیس که يك کشور مستقل است و يك ملت در آن وجود دارد ، هم اکنون به زبانهای مختلف فرانسوی ، ایتالیایی و آلمانی تکلم می‌شود و این مسأله با آرماتها و ایده‌های ملی چندان موافقتی ندارد . در حال حاضر دولتهای بزرگ سعی می‌کنند از يك زبان در خدمت پرورش روحيات ملی يك واحد اجتماعی پشتیبانی کنند . در خود فرانسه دولت مرکزی تکلم به زبان فرانسوی پایتخت را به شهرها و مرکزهای کوچک از راه تدریس در دبیرستانها گسترش می‌دهد و از رشد لهجه‌های مختلفی که در زبان فرانسه وجود داشته و دارد جلوگیری می‌کند و نمی‌خواهد این لهجه‌های محلی زنده بماند . اما در زمانهای گذشته مسأله مهم ایجاد ارتباط بود و نه مطرح بودن زبانی خاص ...

تلاش - امامی‌دانید که مسأله وحدت زبان جزو یکی از عوامل و مشخصات مشترک يك ملت است و نمی‌توان آنرا تنها علت و مشخصه يك ملت معرفی کرد و علل دیگری نیز در تعریف ملت ، مطرح می‌شود و اصولاً این تشابه و یکپارچگی را که مثلاً در ایران ، در قسمت‌های مختلف از مرکز و داخل گرفته تا قسمت‌های شرقی و شمالی ایران به چه تعبیر می‌کنید .



تمام اجزاء يك بدن وجود دارد ، یعنی به وجود آمدن يك ملت و ضمنا اگر بخواهیم به این ترتیب این جدایی‌های محلی و اقلیمی را از دلایل انکار ملیت و ملت بدانیم، آنوقت است که جدایی سرشت و روحیه هر انسان مطرح شود چرا که واقعا دو انسان نمی‌توان یافت که از هر جهت با یکدیگر مشابه و همسان و همفکر و هم رای و هم احساس باشند ...

ژان اوین - این کاملاً صحیح است و اما فراموش نکنید که من هم منکر نیستم که در ایران هماهنگی فرهنگی و تاریخی وجود دارد و همه بحث بر سر آن است که ملت به معنی و تعریف امروز زیاد نمی‌تواند دقیق و قدیم باشد .

تلاش - آقای اوین ، حالا بفرمایید که ما اصولاً اگر بخواهیم تعریفی از فن تاریخ و موقعیت آن در زمان داشته باشیم، آن تعریف چه خواهد بود و اصولاً تاریخ‌نویس چه گونه کسی می‌تواند باشد ؟

ژان اوین - به نظر من تاریخ علم محض نیست ، بلکه تاریخ بین علم و ادبیات است . البته تاریخ‌نویس باید از مسائل علمی و فنون متعدد ، مثلاً از «فنونولوژی» ، «ارکئو-لوژی» و ... استفاده کند . اما کار مهم تاریخ‌نویس زنده کردن زمانها و زندگی های گذشته ، که به یاد هیچکس نیست و تنها در خاطره‌های محدود چند متخصص و از طریق محدودی بازمان حال ارتباط دارند، و معرفی آنها به مردم می‌باشد . تاریخ‌نویس باید انسانی دانا و دقیق و موشکاف و علاوه بر آن باید صاحب دید و رای مشخص و فردی و شخصی باشد. مثلاً يك تاریخ‌نویس با يك واقعیت و حادثه يك ترتیب دیگری از يك تاریخ‌نویس دیگر روبرو می‌شود و آنرا به گونه دیگری می‌بیند و این همان دید شخصی و رای انفرادی اوست که بیشتر از حالت علمی يك حالت حدسی و ادبیاتی و یاهنری دارد .

تلاش - پس به این ترتیب که هر تاریخ نویسی گمان وظنی خواهد داشت دیگر چگونه می‌توان به صحت يك واقعه و یا مطلب تاریخی و صداقت تاریخ‌نویسان مختلف که آن واقعه را بیان کرده‌اند ایمان و باور داشت ؟

ژان اوین - خوب البته به نظر من اطمینان صد درصدی که به هیچ تاریخ‌نویس و یا تاریخی نمی‌توان داشت و همیشه باید این يك اطمینان کنترل شده باشد . اما همچنان که شما آدم‌های صادق و آدم‌های دروغگو می‌شناسید ، همینطور هم تاریخ‌نویسان صادق و ناصدق و تاریخ‌های صحیح و ناصحیح وجود دارد و فهم این صداقت و یابی صداقتی مثل همان آگاهی و شناخت آدم راست‌گو و دروغگو است . شما خواهید فهمید ، به خودی خود و به صورت طبیعی ، که از يك تاریخ صدای راستی و صداقت می‌آید و یا صدای تزویر و ریا . اما ضمناً باید توجه داشته باشید که راستی و پاکی يك چیز است

و واقعیت يك چیز دیگر است . به این ترتیب ممکن است که يك تاریخ‌نویس آدم بسیار راستگو و سالمی باشد اما بررسی‌ها و تحقیقات او واقعیت نداشته باشد ، چرا که ممکن است آنها را بد فهمیده باشد و اطلاعات او صحیح نباشد ، بنابراین اینجا است که کار خیلی سخت می‌شود و باید به تاریخ‌های مختلف و مدارك مختلف بسیار در يك مورد و موضوع مراجعه کرد و مدارك تازه‌یی كشف نمود و با نتیجه از همه آنها يك رای کلی به دست داد ، که تازه خود این نتیجه جدید هم ممکن است غلط باشد ، امامی‌دانید که در هر موضوع دیگری ، حتی در موضوعات صد درصد علمی هم بسیار موارد ناصحیح می‌توان در تاریخ علم پیدا کرد .

تلاش - با توسعه روزافزون تبلیغات که دامنه آن امروزه به هر موضوعی کشیده شده است ، آیا تاجه اندازه می‌توان به صحت نقل قولهای تاریخ‌های آینده در مورد زمان حاضر اطمینان داشت و آیا موازین تاریخ-نویسی همان مراعات و استفاده از روشهای تاریخ‌نویسی قدیم خواهد بود و یا تاریخ‌نویس آینده از متن‌های مطبوعاتی و نوارهای ضبط شده رادیوها و تلویزیون‌ها نیز استفاده خواهد گرفت ؟

ژان اوین - البته می‌دانید که من نگارنده تاریخ‌های قرون وسطایی هستم و متخصص تاریخ امروز و عصر آینده بیستم و اطلاع کافی از تاریخ‌های آینده و حال ندارم و به همین جهت جواب دقیقی برای این سؤال ندارم . اما فکر می‌کنم همانگونه که اگر هر موردی و موضوعی و نشانه‌یی از وقایع قرون وسطایی به دست می‌آید برای من جالب است و از آن در جهت واقعیت آن استفاده خواهم برد ، برای تاریخ‌نویس امروز هم منابعی مثل مطبوعات و اخبار رادیویی و تلویزیونی و امثال اینها موارد استفاده بسیار خواهد داشت . البته آنها نیز با اشکالاتی برخورد خواهند داشت که مهمترین این اشکالات شاید وجود منابع مختلف و متفاوت و مغایر از یکدیگر در يك مورد و عمل تاریخی باشد، در حالیکه در مورد تاریخ‌های گذشته عکس این اشکال، یعنی در دست‌داشتن حتی چند نمونه از يك عمل تاریخی و در بعضی موارد حتی در دست‌داشتن يك روایت دقیق و کافی می‌باشد. مثلاً در مورد تاریخ قرون وسطی ، از جمله دوره سلاجقه ، منابع نسبتاً کمی در دست است .

تلاش - آیا فکر نمی‌کنید در گذشته هم منابع بسیار در يك مورد تاریخی در همان زمان وقوع آن عمل وجود داشته و بعد این «زمان» باشد که این منابع بسیار را کم و کمتر کرده باشد و یا به عبارت دیگر این زمان باشد که منابع نراست و ناروایا بین برده باشد ؟

ژان اوین - من فکر می‌کنم همینطور باشد در گذشته هم تبلیغات زیاد بوده است و

فقط راه‌های داوری و طرق انتشار متفاوتی از امروز داشته است. مثلاً می‌توان تاریخ‌های بشماره یافت که مثلاً در يك مورد کاملاً متضاد یکدیگر رای می‌دهند و به هر حال یکی از این‌ها و یا چند نمونه این گونه تاریخ‌ها باید قبول کرد که در خدمت تبلیغات آن موضوع و مطلب بوده است .

تلاش - برای شما چه دوره‌یی از تاریخ، چه تاریخ ایران و چه تاریخ عمومی جهانی، اهمیت و ارزش بیشتری دارد ؟

ژان اوین - به نظر من هر دوره‌یی از تاریخ شایان توجه است و در هر دوره‌یی از تاریخ اگر به دقت و با آگاهی بررسی شود ، به نتایج بسیار مهم و اساسی بر می‌خوریم . اما به طور کلی در تاریخ ایران از لحاظ فرهنگی به دوره ساسانی بسیار علاقمند هستم و فکر می‌کنم دوره بسیار باشکوه‌یی است و پس از آن تا دوره صفویه به همین ترتیب هم از نظر فرهنگی و از نظر پیشرفتهای اجتماعی تاریخ ایران غنی و سرشار است . اما بعد از صفویه رفته رفته دوره فقرت و سستی آغاز می‌گردد . مثلاً از نظر فرهنگ و ادبیات شاعران قرن ششم و هفتم و هشتم را در نظر بگیرید که چقدر پرشکوه و جلال هستند و همینطور در زمانهای بعد مثلاً در قرنهای ده و یازده دیگر نمی‌توان نمونه آن شوکت و جلال را در شاعران پیدا کرد ، البته شاعرانی بوده‌اند ، اما قدر و منزلت حافظ را نداشته‌اند.

در مورد هنرها هم مثلاً اگر مینیاتور زمان صفویه را در نظر بگیریم ، می‌بینیم که يك مینیاتور البته قشنگ و ظریفی است . اما هرگز قدرت و درخشندگی مینیاتور زمان مغول را ندارد. از نظر آرشتیکور هم همینطور است. معماری زمان ساسانی کاملاً گرانقدرتر از معماری قرنهای بعد است. البته به نظر من همه این مطالب بستگی مستقیم به موقعیت اقتصادی ایران در ادوار مختلف داشته است.

تلاش - اگر هدف تاریخ نویسی را ، چنان که گفتید یادآوری وقایع و اتفاقات گذشته برای مردم عصر حاضر است، يك پندگیری و عبرت بدانیم، خواهیم دید که تاریخ هنوز به هدف خود نرسیده و درسی را که باید، به مردم نداده است مثلاً خاطرات وحشاك و دردناکی که هنوز ما از برخی جنگهای قرون وسطایی داریم، باز شاهد تکرار نزاعها و جنگهای وحشتناکتری چه در گذشته و چه در زمان

حال در نقاط مختلف جهان هستیم.

ژان اوین - در این مورد دو نظر متضاد بین تاریخ نویسان و صاحب نظران وجود دارد. دسته‌یی می‌انگارند که حوادث زمانهای گذشته و وقایع تاریخی در عصر حاضر و در اعصار آینده تکرار می‌شوند و تنها پوشش های ظاهری دیگری خواهند داشت احتمالاً در محل و مکانی دیگر . گروه دیگری از تاریخ نویسان عقیده دارند که بجز همین

ظواهر همشکلی‌ها و شباهت‌ها که گاهی واقعی را در قرون جدید یادآور واقعیهی در عصر های تاریخی می‌کند، دیگر به هیچ وجه وقایع تاریخی به صورت علمی و منطقی قابل تکرار نیستند و اصولاً تاریخ تکرار نمی‌شود. خود من هم واقعا فکر نمی‌کنم که وقایع تاریخی تکرار شوند اگرچه شباهت‌هایی بین بعضی قسمت‌های دنیای حاضر با تواترهای گذشته می‌بینیم و دیده می‌شود. چرا که اصولاً فن تاریخ تحت تسلط زمان و مکان و مشخصات اجتماعی و اقتصادی تغییر شکل پیدا می‌کند و معنی و مفهوم جداگانه‌یی می‌یابد. این اواخر تحقیقی می‌کردم در تاریخ مصر، در اوایل قرن دهم و اواخر زمان ممالیک و سلطان سلیم دیدم که در آن زمان پادشاه مصر، سلطان مملوک هم پادشاه سوریه بود و هم لشکری به یمن فرستاد. البته اگر این حادثه را با اتفاقات اخیر که در مصر اتفاق می‌افتد و اتفاق افتاده است مقایسه کنید، می‌بینید که شکل این دو اتفاق و واقعه یکی است مثلاً امروز مصر هم جنگی دارد و لشکری به یمن فرستاده و از آن طرف هم اتحادی بین سوریه و مصر وجود دارد. از نظر فلسفه تاریخ می‌توان شباهت‌هایی بین اتفاقات آن زمان با زمان حاضر پیدا کرد. اما اینها فقط يك شباهت‌های ظاهری هستند و از نظر واقعیت‌هایی که اتفاقات قدیم را به وجود آورده و واقعیت‌هایی که حوادث جدید را به وجود می‌آورند فرق و تفاوت‌هایی بسیار عمیق و اساسی وجود دارد در آن زمان ممالیک (مملوک‌ها) از نژادهای مختلف ترك و افغانی و مصری و غیره تشکیل یافته بودند. اگر هم ملتی وجود داشت، به عنوان يك جامعه مصری، اما سیاست و حکومت در دست مصری‌ها نبود. به هر حال این شباهت‌های تاریخی يك شباهت ظاهری است و نباید از آن نتایج علمی و دقیق توقع داشت.

تلاش - چگونه با تاریخ ایران آشنا شدید و اصولاً چرا در میان این همه رشته تحصیلی دیگر که وجود داشته و دارد تاریخ و آنهم تاریخ ایران را که متضمن سختی فراگیری زبان فارسی و آشنایی با زبانهای دیگری که اسناد و مدارک تاریخی مهم ایرانی به آنها نوشته شده است، می‌باشد انتخاب کرده‌اید.

ژان اوپن - در این مورد صادقانه باید بگویم که از ابتدا تصمیم جدی و صددردی در مورد انتخاب موضوع تحقیقی و بعد از آن تحقیق در تاریخ ایران نداشتم، و وقتی هم به مدرسه زبانهای شرقی رفتم فقط به خاطر این بود که به هر حال فکر می‌کردم باید تحصیل خود را ادامه بدهم و فکر می‌کردم تحصیلات مقدماتی و دبیرستانی کافی نبود. در مدرسه زبانهای شرقی هم که وارد شدم قصد زبان فارسی را نداشتم، فقط می‌دانم که از زبانهای یونانی و لاتینی کمی خسته شده

بودم و می‌خواستم يك زبان شرقی بخوانم شاید اگر کسی در آن زمان به من می‌گفت زبان چینی بهتر از فارسی است چینی می‌خواندم اما به هر حال چنین کسی پیدا نشد و من فارسی را یاد گرفتم و بعد از آن به ایران رفتم در حدود بیست سال پیش يك سال در ایران ماندم و در باره ایران مطالعه کردم. از مردم ایران و مملکت ایران خوشم آمد. وقتی به فرانسه برگشتم متوجه شدم که در مورد تاریخ ایران در اروپا به طور کلی و مخصوصاً در فرانسه بد داوری می‌شود و مردم هنوز ایران را خوب نمی‌شناسند و در دانشکده های فرانسه هم برای تاریخ و فرهنگ ایران رشته های بخصوصی وجود نداشت، بنابراین تصمیم گرفتم که در این رشته شروع به کار کنم.

تلاش - يك سؤال دیگر پیش می‌آید و آن اینکه این دوره خاص از دوره تاریخ ایران را برای تحقیقات انتخاب کردید و آیا اتفاقات و حوادث متعددی از جمله حمله مغول و حمله اعراب به ایران در انتخاب شما از تاریخ قرون وسطایی تأثیر داشته‌اند؟ و اصولاً چرا رغبتی به تاریخ ایران قبل از اسلام نداشته و ندارید؟

ژان اوپن - در این مورد باید بگویم که مهمترین دلیل من برای انتخاب قرون وسطی و تاریخ ایران اسلامی و در دست داشتن متون و منابع و مآخذ بیشتر و دقیقتر بود در حالیکه از نظر منابع تاریخی ایران قبل از اسلام واقعا تاریخ نویسی در مضيقه است. البته هستند کتابها و منابعی که به زبانهای یونانی و زبانهای دیگر نوشته شده‌اند و فکر می‌کنم تتبع در آنها بیشتر کار زبان شناسان باشد تا کار تاریخ نویسی به خصوص تاریخ نویسی که رئالسم تاریخ و اجتماعات و روابط اقتصادی مردم بایکدیگر برایش مطرح باشد، واقعا بدون منبع و مآخذ های مختلف هیچ کاری نمی‌تواند بکند و دیگر همه کارش فکر و حدس و گمان می‌شود و من همانطور که گفتم از افکار و گمان‌ها خیلی خیلی وحشت دارم. البته در هر صورت باید یک مقدار زیادی تاریخ نویسی از خودش بسازد و کشف کند اما وقتی منابع زیاد وجود داشته باشد اجباراً تحقیقات تاریخ نویسی زیادتر می‌شود و مطالعه زیاد باید بکند و آنوقت از آن ماده تاریخ يك واقعیات تاریخی و يك اسکلت دقیق‌تر به وجود می‌آید. اصولاً فکر کردن به روی این مواد خام تاریخ است که نتایجی را به وجود می‌آورد. اما در مورد مثلاً تاریخهای قبل از اسلام، اینجا و آنجا يك یا چند کتیبه وجود دارد و چند کتاب به زبانهای قدیم و همین. و اینجاست که کار تاریخ نویسی بیشتر بر حدس و گمان مبتنی است تا واقعیت. نمی‌خواهم بگویم تاریخ آن دوره مهم نیست. اما بررسی و تحقیق آن می‌دانم که کار من نیست.

تلاش - در مورد آمدن مغولها به ایران چگونه فکر می‌کنید و آیا مغولها توانستند با حمله خود بطور کلی در فرهنگ و تمدن ایرانی تأثیر بگذارند یا خیر؟

ژان اوپن - به نظر من دلیل آنکه مغولها به این آسانی توانستند وارد ایران بشوند اینست که مدتها قبل از آنها اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران رو به فترت و خاموشی و خرابی گذاشته بود و ایران کاملاً ضعیف بود. از آمدن چادر نشین‌ها قبل از مغولها به ایران نمونه‌های زیاد دیگری هم داریم در زمان ساسانیان هیاطله به ایران وارد شدند. اصولاً این عشایر که از قسمت های مرکزی به نواحی غربی کوچ می‌کردند، خیلی زیاد به ایران نظر داشتند البته وقتی ایران از لحاظ اقتصادی و سیاسی و مملکتی قوی بود آنها موفق نمی‌شدند اما وقتی که ایران مثلاً در اواخر زمان ساسانی ضعیف شده بود این عشایر به سادگی وارد ایران می‌شدند. در مورد مغولها هم باید قبول کرد که انهدام و خرابی از خود ایران و قبل از آمدن مغولها از زمان سلاجقه، یعنی تقریباً ۱۵۰ سال قبل از آمدن مغولها شروع شده بود. اما در مورد تأثیر مغولها در فرهنگ ایران باید بگویم این يك تأثیر منفی بود و اوضاع بدتر شد. چون اصولاً مغولها قبایل چادر نشین و بیابانگردی بودند که با سیستم های شهری و تمدن‌های مثل تمدن ایرانی اصولاً آشنایی نداشتند، البته برای خودشان يك تمدنی داشتند اما سطح و اهمیت این تمدن با تمدن ایرانی اصلاً غیر قابل مقایسه بود. آثار فرهنگی و هنری هم که در زمان مغولها در ایران به وجود آمد، نباید فراموش کرد که همگی تحت نظر و دستور وزرای ایرانی دربار مغول به وجود آمد. همه بناهای تاریخی که در زمان مغولها ساخته شد، به وسیله مغول به وجود نیامده است و این غلط است که آنها را به مغول نسبت می‌دهند. اینها همه آثاری است که خود ایرانی‌ها به وجود آوردند.

تلاش - فرمودید که منابع تاریخی قبل از اسلام در ایران بسیار کم است و به زبانهای مختلف و پراکنده، می‌خواهم بپرسم که منابع تاریخی بعد از اسلام آیا منابعی ایرانی است و یا از اعراب گرفته شده است؟

ژان اوپن - در اوایل شیوع اسلام در ایران منابع اغلب به زبان عربی است اما از قرن پنجم برخی منابع به زبان فارسی است و در زبان عربی منابع کمی وجود دارد.

تلاش - آیا به نظر شما جنبه تاریخی علمی تواریخ نوشته شده به وسیله ایرانی‌ها مهم‌تر است یا جنبه هنری و ادبیاتی آنها؟

ژان اوپن - توجه کنید که بسیاری از منابع ادبیاتی صرف می‌توانند جنبه‌های بسیار مهم تاریخی داشته باشند و از این لحاظ جزو منابع تاریخی به حساب آیند. مثلاً دیوان حافظ برای يك تاریخ نویسی که در اوضاع

و احوال زمان حافظ می‌خواهد کار کند يك منبع عظیم تاریخی است. حالا ارزش ادبی بسیار آنرا هم که نمی‌شود منکر شد، اما از لحاظ تاریخی هم بسیار مهم است مثلاً از اوضاع و احوال شیراز و زمان خودش و وزیر و دربار و اجتماع گفت و گو می‌کند و همه این مطالب برای تاریخ‌نویس اهمیت دارد. اصولاً ممکن است کتابهایی وجود داشته باشد که از لحاظ ادبیات چندان مهم نباشند. اگرچه نیت ادبیات داشته‌اند، اما از نظر تاریخی بسیار جالب توجه باشند. اما در مورد منابع تاریخی صرف و تواریخی که نوشته شده است، البته غالب آنها جنبه‌های ادبی قوی هم دارند تاریخ‌در آن زمان جزو علوم شمرده نمی‌شد در حالیکه امروزه تاریخ علم محسوب می‌شود. با همه اینها تاریخ نویسان قدیم در ضبط وقایع زمان خود بسیار کوشیده‌اند و علاوه بر این کوشش، سعی داشته‌اند در بیان آن وقایع نیز ظرافت و زیبایی به کار برند. در ایران تاریخ نویسان درجه اول وجود دارد و اگر قرار باشد که مقایسه‌ای بشود بین تواریخ ایرانی در قرون وسطی و تواریخ تمام دنیا در همان زمان، رشیدالدین بزرگترین تاریخ‌نویس قرون وسطایی هم در شرق و هم در غرب است. مثلاً از حافظ ابرو هم می‌توان نام برد اما رشیدالدین چیز دیگری است. تاریخ عظاملك جوینی يك كتاب بسیار مهم از نظر تاریخی است که در مورد بیان ادبی هم نهایت ارزش را دارد و یا «تاریخ و صاف» این تاریخی است که از لحاظ سبك بسیار پیچیده و مشکل است و پر از کلمات کم مصرف و کهنه عربی است و از لحاظ سبك چندان خوب و جالب نیست، با وجود آن که شاید در زمان خودش بسیار مورد توجه بود و آن سبك را دوست داشتند، اما به هر حال از نظر تاریخی بسیار با ارزش است. خلاصه کلام اگر بخواهم از يك تاریخ نویسی بعنوان سمبل و نمونه تاریخ نویسی نام ببرم، او رشیدالدین فضل‌الله خواهد بود.

تلاش - همراه با تاریخ ایران، آیا از



ادبیات ایرانی هم اطلاعاتی دارید و آیا این قسمت هم مورد توجه شما قرار داشته است یا خیر ؟

ژان اوین - باید بگویم وقتی به مطالعه تاریخ ایران شروع کردم البته می خواستم تاریخ ادبیات ایران را هم مطالعه کنم اما در عمل متوجه شدم باید خودم را کمی محدود کنم و در تاریخ اجتماعی ایران بیشتر کار و تحقیق کنم و در عمل دیدم که مقایسه تاریخ ایران با تاریخ کشورهای دیگر ورشته روابط ایران با کشورهای دیگر پیش می آید که واقعا به وقت بسیار احتیاج داشتم و چون زندگی کوتاه است ناگزیر تمام کوشش مرا به قسمت تاریخ ایران محدود کردم و از ادامه مطالعه ادبیات ایران چشم پوشیدم. البته گاهی مقالات و کتابهایی می خوانم و عملا در حین کار با بعضی متون ادبی همانطور که گفتم روبرو می شوم، اما به آن صورت مطالعه مداوم دیگر نمی توانم از ادبیات ایران بهره برداری کنم و در این قسمت خودم هیچ کاری نمی کنم.

تلاش - از روابط ایران با کشورهای دیگر یاد کردید، ممکن است بگویید به نظر شما بهترین و پرثمرترین ارتباطی که ایران در زمانهای گذشته با کشورهای دیگر داشته است، از نظر فرهنگی با کدام مراکز فرهنگی و دانش بوده است ؟

ژان اوین - البته ارتباطات ایران با مراکز فرهنگی خارج از ایران از زمانی به زمان دیگر فرق می کند، اما قبل از سلسله صفویه از لحاظ فرهنگی روابط ایران بیشتر

با مراکز فرهنگی کشورهای عرب بوده است. مثلا در زمان خلفای عباسی ارتباط بیشتری با بغداد بوده است اما در اواخر قرون وسطا مثلا در زمان خلفای عباسی ارتباط بیشتر و یا زمان مغول ارتباطی با بغداد وجود نداشته و یا خیلی کم بوده است، مثل در دربار پادشاهان آل جلائر البته زندگی فرهنگی بوده است اما روی هم رفته روابط فرهنگی ایران با مصر بسیار رونق داشته است و مراکز فرهنگی ایران با قاهره زیاد در تماس بوده است.

تلاش - با این همه پیشرفتهای تکنیکی و فنی و صنعتی و علمی که در حال حاضر نتایج بسیاری از آنها نیز بطور مثبت به دست آمده، آیا فکر نمی کنید در آینده استمرار و دوام تاریخ از بین برود و حتی معنای Nauou با ارتباطات بسیار سریع و آسان که بین قاره ها و مردمان مختلف به وجود آمده و بیشتر به وجود خواهد آمد واقعا از بین برود و يك Internationale جای آن به وجود آید ؟ و یا اینکه به ادوار تاریخی معتقد هستید ؟

ژان اوین - در اینکه در این قرن ترقیات بسیار صنعتی و علمی به وجود آمد و همراه با آن از نظر سیاسی و اجتماعی نیز در جهان تغییرات بسیار به وقوع پیوست

حرفی ندارم، اما من مطمئن هستم که ما الآن شاهد اتفاقات و مسایلی هستیم که در قرن ۲۵ میلادی دیگر اصلا مردم توجهی به آنها نمی کنند و اهمیت این وقایع در مقابل وقایعی که در آن زمانها به وقوع خواهد پیوست بمراتب کمتر خواهد بود. تاریخ توقف نخواهد کرد. همانطور که خود ما دیدیم و یا قبل از ما دیدند و شاهد بودند که مثلا در روسیه شوروی يك دستگاه ورژیم جدید سوسیالیست انترناسیونال برپا شد و این رژیم واقعیت هایی هم داشت اما می بینید که اخیراً در سیاست خارجی شوروی تجدید نظر هایی شده و فرم آن تغییر پیدا کرده است و همان سیاست روسیه دوباره به وجود آمده است با همه این احوال به نظر من صحت و یا عدم صحت تجربه های تاریخی تا پنجاه سال از آن نگذرد نمی تواند معلوم گردد. ممکن است همین امروز و یا در همین سال يك واقعه بسیار مهم در یکی از نقاط جهان اتفاق بیفتد که هیچکدام از روزنامه های جهان و رادیوها از آن حرفی نزنند. اما این واقعه حتما اگر واقعیت تاریخی داشته باشد تا پنجاه سال دیگر مورد نظر و بحث قرار می گیرد و به خودی خود مطرح می گردد. اصولا هیچ واقعیتی در همان زمان وقوع نمی تواند مورد قبول قرار گیرد و اهمیت آن فهمیده شود.

تلاش - آخرین سؤالی که مطرح می شود در مورد تدریس شما در دانشگاه پاریس و یا سرین است و چگونگی ارتباطی که با دانشجویان دارید و نوع مطالبی که تدریس می کنید ؟

ژان اوین - قبل از اینکه درباره درس خود حرف بزنم، باید بگویم چنانکه می دانید «سربن» يك ساختمان است، همین ساختمانی که ما در آن هستیم، و سربن يك موسسه نیست بیشتر اوقات مردم اشتباه می کنند و فکر می کنند که يك موسسه فرهنگی به نام سربن وجود دارد در حالیکه سربن نام این ساختمان است که سابقا دانشکده ادبیات دانشگاه پاریس در آن قرار داشته است. امروز آن دانشگاه بزرگ به سیزده دانشگاه مختلف منشعب شده است. اما وقتی يك دانشگاه در پاریس بود، دانشکده ادبیات و دانشکده علوم در سربن قرار داشت. اما معمولا منظور از «پروفسور در سربن» به معنای استاد دانشکده ادبیات می باشد. در سربن يك مدرسه یی وجود دارد برای مطالعه اسناد تاریخی، و مدرسه دیگری به اسم Ecole des Hautes Etudes من در مدرسه تحقیقات عالی پاریس درس می دهم. اما این يك مدرسه خیلی خصوصی است که در آن ما مدرک تحصیلی و لیسانس نمی دهیم بلکه يك تحصیلات عالیه در رشته های مختلف ادبیات و فلسفه و تاریخ است که بدون هدف گرفتن مدرک دایر می گردد. دانشجویان می توانند در جلسات درسها شرکت کنند و دانش کسب کنند اما در این جا امتحان مطرح نیست و استاد در این مدرسه تیتیر

«پروفسور» ندارد یعنی می تواند دکترا نداشته باشد در حالیکه در دانشکده ها استاد باید دارای تیتیر دکترا باشد. عنوان استاد در اینجا Directeurs D'Etudes است یعنی رئیس تحقیقات یا تحصیلات، این محیط کوچکی که مادر آن نشسته ایم کلاس درس من در سربن است. می بینید که از شاگردان جدا نیست. همه دور این میز بزرگ می نشینیم و حرف می زنیم و از نتایج کارهای همدیگر با اطلاع می شویم. استادان اینجا هم همانطور که گفتم نباید حتما دکترا باشند. البته بعضی ها دکترا و رساله دکترا دارند، اما شرط لازم و کافی استادی در اینجا داشتن دکترا نیست. خود من دکترا نیستم و نخواستم هم که باشم چرا که به این مساله اهمیتی نمی دهم در اینجا ممکن است از کسی که هیچ مدرکی در يك رشته نداشته باشد اما صاحب اطلاعات و دانش در يك مطلبی باشد دعوت شود که در آن مورد تدریس کند. مثلا ممکن است که کسی در خانواده یی امکان اقتصادی و اجتماعی برای تحصیل در دبستان و دبیرستان و دانشگاه نداشته باشد و بتواند خود در موردی با مهارت و هوش باطنی و خواندن متون مختلف، به درجه آگاهی کامل و دانایی برسد. دیگر چه مهم است که او در آن رشته صاحب تیتیر دیپلم و یا دکترا باشد ؟ ما از او دعوت می کنیم که دانش خود را در اختیار مشتاقان آن مطلب و رشته بگذارد. اصولا مثل اینکه باید ایمان آورد که راه علم از «دانشگاه» عبور نمی کند.

تلاش - این روش سابقا در مراکز فرهنگی شرقی و ایرانی وجود داشته است و همانطور که می دانید جلسات درس و فرهنگی و مواظبی که در این مراکز ایران برگزار می شد دارای چنین نیات و هدفهایی بوده اند و حاصل همین جلسات و مکاتبات بوده اند فیلسوفانی چون رازی و ابوعلی سینا و سهروردی ...

به هر حال از شما متشکر هستیم

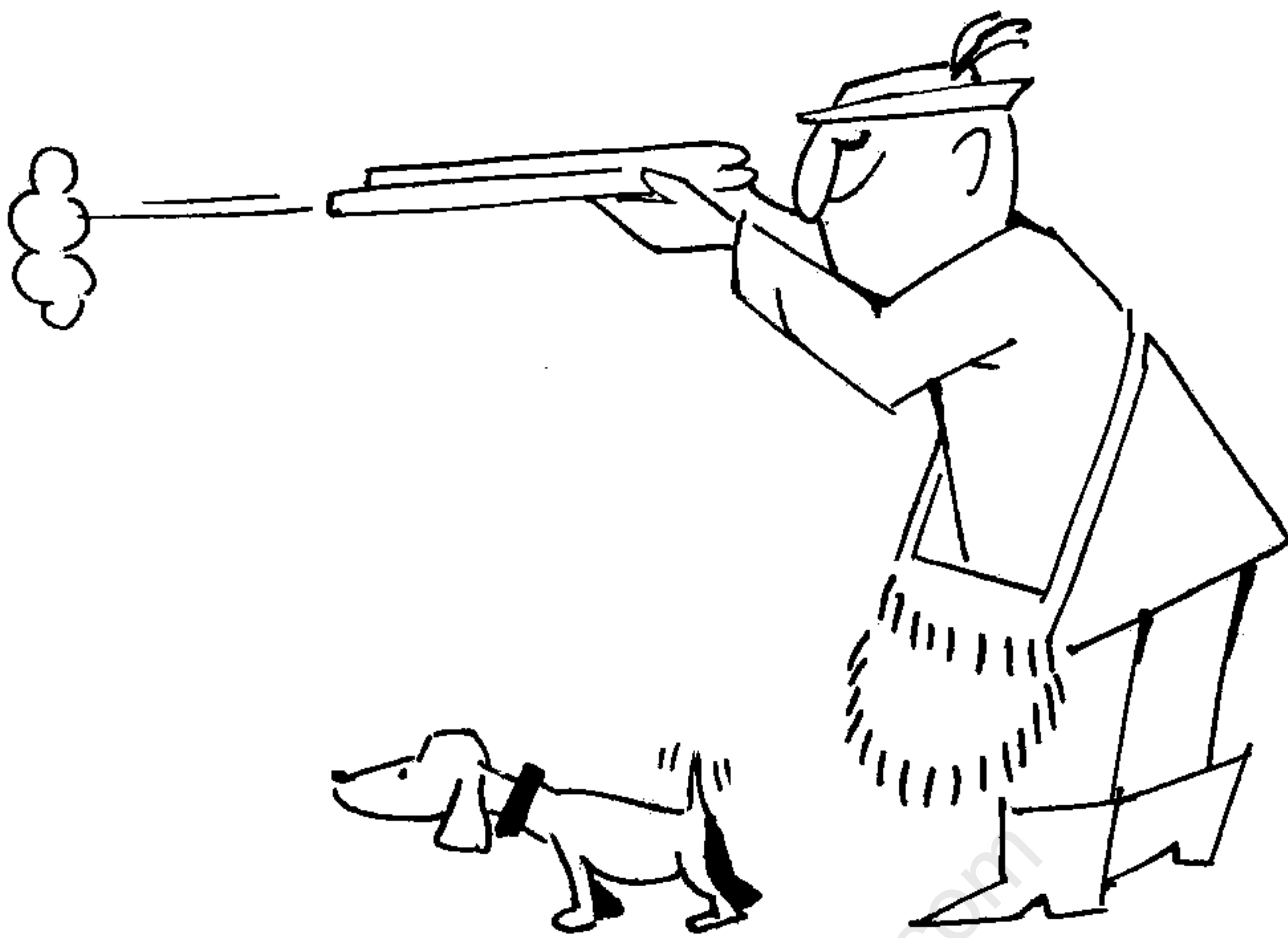


چند نمونه از تالیفات و تحقیقات آقای اوین.

DEUX SAYYIDS DE BAM AU XVE SIECLE WISEBADEN 1956,
UN SANTON QUHISTANI A L'EPOQUE TIMOURIDE, "REVUE DES ETUDES ISLAMIQUES" 1966,
SHAHISMA'IL ET LES NOTABLES DE L'IRAQ PERSAN, "JOURNAL OF SOCIAL AND ECONOMIC HISTORY OF THE ORIENT", 1959
ELEMENTS POUR L'ETUDE DES AGGLOMERATIONS URBAINES DANS L'IRAN MEDIEVAL, "THE ISLAMIC CITY", OXFORD 1970.

صفحه ششم و نهم

رذ: کامیون درم بخش



چهره صنعتی تبریز

- تبریز بخاطر از جان گذشتگی هائی که در جنگ مشروطه بروز داد دارای يك موزه مشروطه است .
- تبریز صاحب یکی از زیباترین و طولانی ترین بازار های ایران است .
- تبریز را می توان شهر قهوه خانه نامید

مشغول صید مسافر هستند .
وارد شهر که می شوی بامشکلاتی روبرو هستی که امروز اکثر شهرهای پرجمعیت و در حال رشد ایران با آن دست بگریباندند . مشکل ترافیک ، تاکسی ، پیدا کردن هتلی مناسب و در کنار این تبریز ، تبریز دیگری در حال رشد و ترقی است . و آن شهر صنعتی تبریز است که در این قسمت از شهر کارخانه ماشین سازی و تراکتور سازی قرار دارد .

قبل از این که بشهر صنعتی تبریز بپردازم ، به گذشته و سیاحتی در اوضاع فعلی شهر می پردازم .

تبریز شهری است با سابقه یی کهن ، و در چند کیلومتری تبریز در دهکده لیقوان آثار و بقایای بسیاری از زندگی مردم دوران های پیشین این ناحیه موجود است . ولی تبریز با تمام قدمتی که دارد آثار تاریخی و یادگار های گذشتگانش برفور به چشم مسافر نمی خورد .

مسجد کبود که روزی فیروزه اسلام لقب داشت ، امروز در کنار يك خیابان مخفی بنظر می رسد .

البته در این شهر آثاری هم هست که شهرت و زیبایی بسیاری داشتند از جمله استخر شاهگلی است که در این اواخر

او را تشکیل می داد و گله گذاری فراوان از اینکه سیستم ریل گذاری فعلی باید تغییر پیدا بکند ، قطار های مسافربری از کار افتاده اند و باید تعویض گردند ، قدرت لکوموتیو های فعلی کم است همسفرم ایستگاه زنجان پیاده می شود و در این موقع ساعت ده شب است و وقت خواب ... در این خط راه آهن به عکس خط قطار تهران خرمشهر و یا تهران مشهد از کویر و بیابان و ریگزار خبری نیست و تا بخواهید دشتهای وسیع سرسبز می بینید و کوههای پوشیده از سبزی و بامداد دریاچه رضائیه را با باطلاقیهای سفید رنگ پوشیده از نمک اطرافش که زیبایی حیرت آوری دارد .

این دومین سفر من بشهر تبریز است . با فاصله سه سال و بانتظار دگرگونی های فراوان در فرهنگ و اقتصاد و صنعت مردم ، دگرگونی هایی که از همان ابتدا ، حتی قبل از ورود بشهر می توانی ببینی ، من چهره آن پیر مرد سیه چرده همسفرم را بیاد می آورم ، که وقتی قطار راه آهن بشهر تبریز نزدیک می شد در چند کیلومتری شهر وقتی چشمهایش به کارخانه دیزل سازی افتاد ، با چه اشتیاقی آن را بمن نشان داد . تاکسی های سفید رنگ تبریز مثل گذشته در مقابل ایستگاه راه آهن صف کشیده اند و

تابستان و فصل گرما آن گروه ازاهالی آذربایجان را که مقیم شهر های مرکزی ایران هستند ، برای مدتی کوتاه هم که شده به یاد شهر و دیار سرسبز و سردسیر خود انداخته و راهی سرزمین مادری خود کرده است که در نتیجه تا آنجا که من می بینم بیش از نود درصد مسافران قطار مسافربری تهران جلفا را مردم این قسمت از سرزمین ما تشکیل می دهد که همراه با زن و بچه و بار و بنه ، از دیار غربت راهی سرزمین آشنای خود هستند .

قطار مسافربری تهران جلفا مطابق معمول سر ساعت چهار بعد از ظهر ، تهران را بقصد جلفا ترك کرده و من پس از اندك زمانی که از حرکت قطار می گذرد برای فرار از سر و صدای همسفرانم رستوران را به کوبه ترجیح می دهم بخصوص اینکه در رستوران بنوشتن و یا خواندن هم می شود پرداخت .

دعوت یکی از همسفرانم مرا بسر میز خود و اصرار بیش از حدش ، تمام نقشه های مرا برای خواندن و نوشتن بهم می زند . البته جناب ایشان قبل از من بخاطر سر و صدای آن مادر و دختر پرحرف که باحرارتی بسیار مشغول رتق و فتق امور خانوادگی خود بودند برستوران پناه آورده بود . دوست تازه یافته من خود را تکنیسین راه آهن معرفی کرد و برای اثبات ادعای خود بلیط مجانی راه آهن خود را نشانم می دهد ... که قطار راه آهن تنها مواد خام حرفهای



کارخانه سیمان صوفیان

شهرداری تبریز دستی بالا زد و همتی کرد، و بخیال خودش برای جلب جماعت توریست آن ساختمان زیبایی قدیم را که فقط احتیاج به تعمیراتی داشت خراب کرد و عمارتی نو با سنک و آهن و سیمان ساخت.

بگذریم تبریز بخاطر از جان گذشتگی هایی که در جنگهای مشروطه بروز داد امروز صاحب يك موزه مشروطه است. و این موزه که می توانست یکی از غنی ترین موزه های ما باشد. بسیار هم غنی نیست و آنچه در این موزه به نمایش گذاشته شده کم و اندک است. همانگونه که امروز قبور بزرگان مشروطه در این شهر چون ثقة الاسلام و شیخ محمد خیابانی و بسیاری دیگر را مردم نمی بینند. در تبریز یادگار های جنگهای مشروطه

ترین بازار های ایران است. در این بازار تا بخواهید تیمچه های بزرگ با معماری بسیار زیبا خواهید دید، این بازار یادگار روزهایی است که تبریز محل برخورد شاهراههای ابریشم و ادویه و مرکز اقتصاد و تجارت ایران بود.

تبریز را براحتی می توان شهر قهوه خانه ها نامید زیرا که در این شهر تا دلتان بخواهد می توانید قهوه خانه ببینید.

قهوه خانه های بزرگ که هر روز عصر نقل بنقل شاهنامه، اسکندرنامه، البته بزبان آذری می پردازد و جماعت بسیاری از مردم شهر لذت بخش ترین لحظات ساعات روز خود را پای نقل نقل نشستن می دانند، ضمناً بد نیست بدانید که تبریز از موهبت

اردوان را بقتل رسانید خسرو بخونخواهی اردوان با اردشیر بچنگ برخاست و پس از ده سال محاربه با اردشیر بسرحد هندوستان فرار کرد و در مراجعت خود در ایالت آتروپاتین «آذربایجان» که متصل بسرحد ارمنستان بود شهری بنا نهاد باسم داوریز «که در زبان ارمنی معنی انتقام می دهد» که بعدها تبدیل به تبریز گردید.

حمدالله مستوفی مورخ ایرانی تبریز را از بناهای «زبیده خاتون» زن هارون الرشید می داند که در سال ۱۷۵ هجری بنا نمود و در عهد متوکل عباسی در اثر زلزله خراب و مجدداً تجدید بنا گردید و ۱۹۰ سال بعد در سال ۴۳۰ هجری بواسطه زلزله بی که قبلاً بوسیله «ابوطاهر منجم» شیرازی پیشگویی



بازار تبریز

بسیار است. محله امیرخیزو کوچه، پس کوچه هایش بهمان گونه که در آن روزگار بوده امروز باقی است. و تو می توانی از این پیچ و خم ها و گذرگاه ها به راز شکست ناپذیری مجاهدان پی ببری و خانه ستارخان در این محله باقی است که چه بجا بود این خانه به موزه بی تبدیل می شد. کوههای ساری داغ که مرکز مجاهدان بود و پل معروف میدان چای که مجاهدان بسیاری در کنارش جان خود را از دست دادند از نقاط دیدنی تبریز است. تبریز صاحب یکی از زیباترین و طولانی

یک شرکت واحد اتوبوسرانی برخوردار است منتهی یک شرکت منظم.

تبریز این شهر ۵۰۰ هزار نفری که در طول تاریخ حیات سیاسی مملکت ما همواره نقشی فعال داشته است، سرگذشتی جالب و خواندنی دارد. بنای اولیه شهر را برخی بخسرو کبیر پادشاه ارمنستان که معاصر اردوان چهارم پادشاه اشکانیان که هر دو با هم از سلسله اشکانیان و دوست بودند نسبت می دهند. چون اردشیر سرسلسله سلاطین ساسانی و یکی از وزیران اردوان چهارم بود با چند نفر از وزیران متفق گردیده و

شده بود خراب شد و در حدود ۴۰ هزار از ساکنان شهر تلف شدند تا اینکه در سال ۴۳۵ هجری محمد روادی که از جانب خلیفه حاکم آن دیار بود و صلاح دید منجمانی به تجدید بنای شهر اقدام نمود که طبق پیش گوئی منجم در یک ساعت سعد از سال مزبور بنای شهر را شروع کرد که دیگر خرابی از زلزله حاصل نشود. این شهر در حمله مغول هم بواسطه حسن استقبال حکمران وقت از لشکر مغول و از آسیب حمله خانمانسوز آنها در امان بود ولی بعد ها در اثر سیل و زلزله و اغتشاشات داخلی چند مرتبه خراب و آباد

گردید .

تبریز در زمان اباخان مرکز امپراطوری مغول و بزرگترین شهر ایران شد و در روزگار پادشاهی سلطان محمودغازان در آبادی و شکوه و زیبایی بحدکمال رسید و غازان خان با جلب دانشمندان و صنعتگران و پیشه‌وران به دربار خود تبریز را مرکز اصلی تمدن و علم و دانش و تجارت و صنعت امپراطوری ایلخانی قرار داد . خواجه رشید الدین وزیر غازان خان بناهای عالی از خود بجای گذاشت و شهر کوچک «ربع رشیدی» را که از مراکز مهم علمی و صنعتی آن زمان محسوب می‌شد بوجود آورد . محل ربع رشیدی و برج فرو ریخته آن امروز هم بهمین نام باقی است . وزیر دیگر غازان خان موسوم به «تاج‌الدین» مسجدی عظیم بسا دیوارهای بلند بنا نمود که آثار و بقایای آن بنام ارک‌علیشاه هنوز هم مایه فخر و نمونه عظمت تبریز در آن ادوار است . پس از ایلخانان بترتیب سلسله‌های جلایریان و فرزندان امیر تیمور و قره‌قویونلوها و آق‌قویونلوها در تبریز فرمان راندند .

تبریز پس از قتل و غارت ۷۹۹ - ۷۹۴ «دریورش دوم امیر تیمور» کم‌کم رونق و آبادی دوره ایلخانان را باز یافت .

شهر تبریز بسال ۹۰۶ بدست شاه اسمعیل مؤسس سلسله صفوی افتاد در دوره صفویه تبریز میدان‌زور آزمائی دولت عثمانی و دولت صفوی بود و در سال ۹۲۰ که سلطان سلیم وارد تبریز شد تا لشکر کشی و قتل و غارت سلطان مراد چهارم مردم تبریز مقاومت و فداکاری فراوان از خود نشان دادند . پس از صفویه و فرو نشستن آتش افاغنه نادرشاه دست ترکان را از تبریز کوتاه کرد ولی تا زمان عباس میرزا ولیعهد و نایب‌السلطنه قاجار که تبریز مرکز سپاهی و نظامی ایران شد ، همچنان وضعی آشفته داشت و بین حکام و فرمانروایان دست بدست می‌گشت . از زمان عباس میرزا تبریز یکباره اهمیتی شگرف یافت و نهال علم و فنون و نظام جدید ایران در این شهر باروری آغاز کرد . تبریز از زمان عباس میرزا ولیعهد رونقی خاص یافت و نخستین چاپخانه و مدرسه جدید در این شهر تاسیس شد و تا سال ۱۲۵۰ هجری یعنی جلوس محمد شاه محل رتق و فتق امور سیاسی مملکت بود . در دوره جنک‌های ایران و روس که با انعقاد عهد نامه ترکمن‌چای پایان پذیرفت و حوادث انقلاب مشروطیت و مداخله دولت تزاری که منجر بشهادت آزاد مردانی چون ثقه‌الاسلام شهید گردید و همچنین در جنک بین‌المللی اول تبریز نخستین آماج تیر حوادث و سپر بالای ایران بود که در این بین تبریز صدمات و آسیبهای فراوان دید و در جریان جنک جهانی دوم تبریز از طرف نیروی‌های بیگانه اشغال گردید ... و امروز

شهر صنعتی تبریز

تبریز امروز پای بدنای صنعتی تازه‌یی مینهد که در حیات اقتصادی و صنعتی شهر دگرگونی‌های عمیقی ایجاد خواهد کرد .

و ما دیگر در راهنمای شهر نخواهیم خواند که تنها فرش و خشکبار تجارت عمده تبریز را تشکیل می‌دهد .

شهر صنعتی تبریز در ده کیلومتری تبریز در کنار جاده تبریز ، آذرشهر ، در دشت شنب‌غازان در محوطه‌ای به مساحت یکصد هکتار قرار دارد که اینروزها سرعت مشغول جاده سازی و خیابان بندی و هم چنین ساختن فاضلاب شهر هستند که هزینه تمامی آنها در حدود ۶۹ میلیون ریال برآورد شده که ۶۰ میلیون ریال آن تا کنون پرداخت گردیده و بد نیست بدانید که این زمین‌ها متر مربعی ۴۰ ریال از اداره اوقاف خریداری شده است .

در ابتدای منطقه صنعتی تبریز کارخانه عظیم برق تبریز قرار دارد که با قدرت ۴۲ مگاوات تولید خود مصرف برق کارخانه‌های این منطقه را تأمین مینماید و در فاصله‌یی دورتر مجموعه‌یی از ساختمانهای فلزی دیده می‌شود که قسمتی را کارخانه عظیم ماشین سازی تشکیل می‌دهد و در فاصله‌یی دورتر مجموعه‌یی از کارخانه‌های تراکتور سازی ، دیزل سازی قرار دارند .

بدیدن آنها می‌رویم . بموجب موافقت نامه فنی و اقتصادی ۲۹ ژانویه ۱۹۶۶ بین وزارت اقتصاد ما و تکنواکسپورت چکسلواکی کارخانه ماشین سازی در تبریز تاسیس گردید . کارخانه در زمینی به مساحت ۵۴۰۰۰ متر مربع و زیر بنایی به مساحت ۱۵۰۰۰ متر مربع بنا گردیده و این کارخانه را می‌توانند در آینده تا ۹۰۰۰۰ متر مربع توسعه دهند . کارخانه در حال حاضر دوران آزمایشی خود را طی می‌کند و از کارگاه‌های ریخته‌گری بظرفیت ۱۰۰۰۰ تن در سال ، ریخته‌گری فلزات غیر آهن بظرفیت ۲۰۰ تن در سال ، ریخته‌گری فولاد ریزی بظرفیت ۱۰۰ تن در سال ، کارگاه آهن‌گری بظرفیت ۷۰۰ تن در سال و هم چنین آزمایشگاه‌های مرکزی کارگاه مدلسازی و کارگاههای فرعی و انبار و سرویسهای لازم مانند انبار مواد واستیلین ، و هوای فشرده ، و مرکز ترانسفور ماتورها و دیگر تأسیسات تشکیل یافته است . بعضی از این کارگاهها بطور آزمایشی مشغول کارند و بعضی هنوز در حال نصب و در محوطه‌های سرپوشیده و وسیع کارخانه تا بخواهی کارگرانی را می‌بینی که مشغول باز کردن بسته‌ها و نصب ماشین آلات هستند .

در ساختمان دو محوطه وسیع کارخانه فقط ۷۵۰۰ تن آهن مصرف شده است که بعد از شروع بکار کارخانه در این دو محوطه

سالیانه در حدود ده هزار تن انواع ماشین تولید خواهد شد .

کارخانه یک آموزشگاه حرفه‌ئی هم دارد که محصول کارش تکنیسین‌ها و کارگران آینده کارخانه خواهد بود . در یکی از کارگاهها تعدادی ماشین مته می‌بینیم که در کنار هم ردیف شده‌اند و روی آنها کلمه ساخت ایران قید شده ، راهنما توضیح می‌دهد که این ماشین‌ها را هنرجویان بطور آزمایشی ساخته‌اند و اطلاعات بیشتر را بهعهده مهندس توکلی مدیر کارخانه ماشین سازی می‌گذارد .

با مهندس توکلی در دفتر کارش ملاقات می‌کنم و از او می‌خواهم از آغاز و چگونگی کار بگویم جواب می‌دهد اولین کاری که در این کارخانه انجام دادیم ، تبدیل انبار و لایراتوار کارخانه به آموزشگاه موقت بود که در حین نصب کارخانه انجام گرفت . زیرا که قبلاً صنعتی بنام صنعت ماشین سازی در ایران وجود نداشت و با بکار انداختن این سرمایه عظیم لازم بود قبل از احداث کارخانه نیروی انسانی لازم را که برای گرداندن یک چنین کارخانه‌یی نقش اساسی دارد تهیه کنیم و هم‌چنین برای جلوگیری از رکورد سرمایه دست بکار شویم ، زیرا که اگر ما این کار را پایان نصب کارخانه موکول می‌کردیم طبعاً مدتی بهره‌برداری از کارخانه عقب می‌افتاد ، از این رو اقدام بتأسیس آموزشگاه و تربیت کارگران نیمه ماهر ، ماهر ، و تکنیسین شد که در نتیجه پیش از بهره‌برداری ، کارخانه ما قسمتی از نیروی انسانی مورد نیاز را در اختیار خواهد داشت .

کارگر ماهر و غیرماهر

در مورد کارگر ماهر و نیمه ماهر و تکنیسین توضیح بیشتری خواستم . مهندس توکلی گفت کارگر نیمه ماهر بکسی می‌گوئیم که بین ۹ تا ۱۲ ماه دوره ببیند ، و آمادگی این را داشته باشد که طبق نقشه بتواند کار کند . کارگر ماهر بین ۲ تا ۳ سال تربیت می‌شود و آنوقت نه تنها آمادگی دارد طبق نقشه با مهارت کامل بکار پردازد بلکه از عهده میزان کردن ابزار و ماشین آلات هم برمی‌آید . در آینده از این گروه بعنوان سرکارگر استفاده خواهیم کرد . تکنیسین‌ها از میان دیپلمه‌ها انتخاب می‌شوند و پس از ۲ تا ۳ سال تحصیل و پیدا کردن تخصص در سطح طراح و تکنولوژیست مشغول بکار می‌شوند . این عده معمولاً باید محل خالی موجود بین مهندس و کارگر ماهر و نیمه‌ماهر را پر کنند .

پرسیدم که آیا از کارگاه آزمایشی رضایت دارید ؟
مهندس توکلی جواب داد تاسیس این

کارگاه آزمایشی که در یکی از انبارهای کارخانه تشکیل شد بسیاری از مشکلات آینده ما را حل کرد. و موجب بالا رفتن سطح مهارت و بازده کارگران و تکنیسین های آینده ما گردید و بنظر من کاری مهم و حساب شده بود و نتیجه مثبت داد. در حال حاضر ما از ماشین آلات آموزشی همان استفاده را می کنیم که در آینده یعنی سال ۱۳۵۰ باید از ماشین آلات اصلی استفاده شود.

پرسیدم «این کارخانه چند درصد از نیازمندیهای خود را می تواند در خود کارخانه تهیه کند؟»

تامین همه احتیاجات در داخل کارخانه

جواب داد در حال حاضر کارخانه مجبور است تمام احتیاجات خود را در خود کارخانه تأمین کند ولی امیدوارم هر چه زودتر کارخانه های اقماری یا تغذیه ای در کنار این کارخانه بوجود بیاید تا ساختن قطعات کوچکی که از لحاظ اقتصادی بصرفه کارخانه نیست در آن کارخانه ها ساخته شود. با شروع بکار این کارخانه غیر از بعضی ادوات الکتریکی و قطعات استاندارد چون بلبرینگ پیچ و مهره، بقیه قطعات در خود کارخانه ساخته خواهد شد.

یکی از هدفهای ایجاد شهر صنعتی تبریز این بود که کارگاههایی که در شهر هستند و یا افرادی که مایل سرمایه گذاری می باشند با راهنمایی و همکاری کارخانه ماشین سازی در جوار این کارخانه به فعالیت به پردازند و سفارشهایی را که توسط ما بآنها داده می شود تولید کنند. همانطور که اطلاع دارید موفق ترین کارخانه ها کارخانه هایی هستند که ۳۰ الی ۴۰ درصد محصول تکمیل شده را خودشان بسازند. ولی چون این کارخانه ها در اطراف کارخانه ماشین سازی ایجاد نشده، ما تا حدود ۸۵ درصد قطعات یک ماشین تکمیل شده را خود می سازیم. پرسیدم: این کارخانه تا چه میزان احتیاجات خود را از جهت مواد اولیه از داخل کشور تهیه می کند؟ مهندس توکلی گفت در حال حاضر قسمت تدارکات کارخانه از لحاظ تهیه مواد و مصارف کارخانه با مشکلات زیادی روبرو است. زیرا بازار ایران عادت به تهیه کالا های مورد نیاز ما ندارد. مثلاً برای تهیه فولاد گروهی را مامور کردیم که از بازارهای اروپائی فولاد مورد نیاز ما را تأمین نمایند. ما به بیش از صد نوع فولاد معمولی و فولاد مخصوص احتیاج داریم، که تهیه این انواع مختلف و گوناگون در یک کارخانه امکان پذیر نیست.

در حال حاضر مشغول مطالعه هستیم تا

بدانیم چه اقلامی را می توانیم از سازندگان داخلی دریافت کنیم و چه اقلامی را از خارج. و حتی از چند سال پیش ساختن بعضی از لوازم مورد نیاز خود در داخل کارخانه پرداختیم. چون تانکهای فشارآب، ولی تانکهایی که فولاد مخصوص لازم داشت ناچار از خارج وارد کردیم.

جوابا شدم که در این کارخانه چه نوع ماشین آلاتی ساخته خواهد شد؟

مهندس توکلی جواب داد: در این جا ماشین های، ابراز (ماشین های مته، تراش، فرز، سنگزنی) و پرس ها الکتروموتور ها، تلمبه های سانتریفوژ، کمپرسورهای متناوب تهیه می شود و همین موتور های دیزل تا قدرت ۳۵ اسب، و کارخانه ما می تواند تمام مصارف ایران را از این نوع ماشین ها تأمین نماید و در صورت لزوم هم می توانیم کارخانه را تا ۲۵ درصد گسترش دهیم. اینرا هم بدانید که طرح اولیه مابرای روزی ۸ ساعت کار است و اگر ساعت کار به ۱۹ ساعت افزایش یابد محصول کارخانه البته به همین نسبت اضافه می گردد.

پرسیدم که آیا می توان محصولات این

کارخانه را در بازارهای خارج عرضه کرد؟

توکلی پاسخ داد که این کارخانه تحت لیسانس ماشین و ابزار چکسلواکی، شروع بکار مینماید و ماشین آلات چک هم باندازه



کارخانه تراکورسازی

کافی در تمام دنیا معروف است . و کارخانه ماشین سازی تبریز می تواند بممالکی که مصرف کننده ماشین های چک هستند ماشین صادر نماید . در این مورد مذاکراتی هم شده است و می توانم بگویم که این کارخانه از نظر نیروی انسانی کنونی قادر است ماشین آلاتی با بهترین استاندارد های بین المللی به سازد .

در جوار کارخانه ماشین سازی کارخانه های دیگری چون تراکتور سازی دیزل سازی هم شروع بکار کرده و بدیدار کارخانه تراکتور سازی می رویم . این کارخانه که بخش مهمی از شهر صنعتی تبریز را بخود اختصاص داده است زودتر از سایر کارخانه هایی که در این منطقه در حال احداث هستند ، کار خود را آغاز کرده است . البته در قسمت موتاژ ، امروز این کارخانه قسمتی از نیازمندی بازار تراکتور مملکت ما را تامین می کند ... در بیرون از ساختمان موتاژ تا بخواهی تراکتور می بینی که کنار هم ردیف در زیر هوای آزاد صف کشیده اند .

... این کارخانه مانند کارخانه ماشین سازی از محوطه های مختلفی تشکیل شده که در حال حاضر قطعات اصلی ماشین های ساخت در حال نصب هستند .

... از آقای مهندس فولادین مدیر کارخانه تراکتور سازی می خواهم که در باره

علت تاسیس کارخانه تراکتور سازی در ایران برای ما توضیح دهد : می گوید ... این کارخانه در اجرای موافقتنامه همکاریهای فنی و اقتصادی بین ایران و رومانی وبر اساس احتیاجات کشور به تراکتور که بعد از اصلاحات ارضی و برنامه مکانیزه کردن کشاورزی پیش آمد ، در مهرماه ۱۳۴۶ تاسیس گردید که در آنروز مصرف تراکتور در مملکت ماسالیانه ۳۵۰۰ تا ۴۰۰۰ تراکتور پیش بینی می شد که در نتیجه کارخانه تراکتور سازی تبریز با ظرفیت سالیانه ۵ هزار تراکتور که قابل توسعه به سالیانه ۱۰۰۰۰ تراکتور می باشد شروع بکار کرد . که این برنامه در سه مرحله انجام خواهد پذیرفت .

مرحله اول موتاژ سالیانه ۵۰۰۰ دستگاه تراکتور
مرحله دوم ساخت سالیانه ۵۰۰۰ دستگاه تراکتور
مرحله سوم ساخت سالیانه ۱۰۰۰۰ دستگاه تراکتور که فعالیت مرحله اول در اسفند سال ۱۳۴۸ شروع گردید
و هم اکنون تراکتور های کارخانه در بازار ایران بفروش می رود و مرحله دوم از آخر سال امسال و مرحله سوم از آخر سال ۱۳۵۳ بهمورد اجرا در خواهد آمد و این کارخانه در این صورت قادر خواهد بود تمام تراکتور های مصرفی ایران را تامین نماید .
... بد نیست بدانید که در حال حاضر

کارخانه روزانه ۱۵ تراکتور موتاژ وارد بازار مینماید . این تراکتورها در حدود ۶۵ اسب قدرت دارند و در دو نوع دو دیفرانسیل و یک دیفرانسیل ساخته می شود .

البته قبل از شروع کار موتاژ در حدود ۱۲ هزار تراکتور از این نوع وارد بازار ایران شده بود که کشاورزان ما استقبال خوبی از این تراکتور ها بعمل آوردند ... سرمایه گذاری در این کارخانه در حدود ۶ میلیارد ریال پیش بینی شده که صد درصد آن بوسیله دولت و از بودجه عمرانی سازمان برنامه از محل وام ده ساله دولت رومانی پرداخت می شود که در مرحله نهایی کار کارخانه در حدود ۵ هزار نفر مهندس و تکنیسین و کارگر مشغول بکار خواهند بود .

... فروش انواع تراکتور های مختلف به کشاورزان ایرانی و نبودن تعمیرگاه های مجهز تراکتور در مراکز فروش مشکلات بسیاری برای خریداران تراکتور بوجود آورده ، که من از مهندس فولادین سؤال می کنم . برای اینکه روستا های ما تبدیل به گورستان تراکتور نگردد ، آیا کارخانه اقدام به تاسیس تعمیرگاه در مراکز فروش نموده است ؟

جواب می دهد :

... یکی از علل تاسیس کارخانه رساندن



۲ کیلومتری تبریز

لوازم یدکی ارزان و در اسرع وقت به کشاورزان بودزیرا اگر قرار باشد این قطعات از خارج وارد شود قیمتی گرانتر و در زمانی طولانی تر بدست مصرف کننده می رسد. در حال حاضر بتعداد کافی لوازم یدکی در اختیار بنگاه توسعه ماشین های کشاورزی که عامل فروش تراکتور های کارخانه تراکتور سازی تبریز است، قرار گرفته که این لوازم یدکی در اختیار نمایندگان فروش گذاشته شده و خریداران از نزدیک ترین حوزه قیمتی ارزاتر لوازم یدکی مورد نیاز خود را تأمین نمایند... اما در مورد افزایش تعمیرگاهها باید بگویم که در حال در تمام شهرها بوسیله نمایندگان فروش تعمیرگاههایی تأسیس گردیده ولی علت عمده اشکالاتی که برای کشاورزان بوجود می آید، عدم آشنایی آنها بکار تراکتور است. که بالا رفتن اطلاعات آنها نسبت بکار تراکتور بمقدار زیاد از مشکلاتشان حل خواهد شد.

... حضور تعداد کثیری کارمند و کارگر و مهندس و تکنیسین مشکلی بنام مسکن را ایجاد خواهد کرد. در این مورد از مهندس فولادین می پرسیم: می گوید دولت در حال حاضر مشغول مطالعه یک برنامه خانه سازی برای افرادی است که در شهر صنعتی تبریز بکار خواهند پرداخت و هم اکنون نیز ۱۰۰ دستگاه خانه برای کارمندان در حال ساختمان است ولی برنامه خانه سازی برای کارگران هنوز عملی نشده و سعی ما بر این است که کارگران را از افراد محلی انتخاب کنیم تا با مشکل مسکن کمتر مواجه گردیم. کارکنان کارخانه به چند گروه تقسیم می شوند؟ در این کارخانه عده ای در سطح مدیریت بکار مشغولند که دوره های خاصی را طی کرده اند و بعد کارکنان ما به گروه های مهندس، تکنیسین، کارگر فنی و کارگر ساده تقسیم می شود که در ضمن ما برای تربیت کادر مورد نیاز کارخانه برنامه های آموزشی چه در داخل کشور و چه در خارج ترتیب داده ایم که در داخل کارخانه یک مرکز آموزش حرفه ای وجود دارد که سالیانه تا حدود ۲۰۰ نفر می تواند کارگر فنی تربیت کند و در مورد متخصص های خاصی که احتیاج داریم عده ای را برای آموزش به کشور های رومانی آلمان، آمریکا، ایتالیا روانه نموده ایم.

سرمایه گذاریهای جدید

حضور این دو واحد عظیم صنعتی موجب گرایش مؤسسات بزرگ به این شهر گردید و بخصوص باعث ایجاد بخشی خصوصی برای سرمایه گذاری و ایجاد واحد های صنعتی کوچکتر در این منطقه گردید که هنوز در حال ساختمان هست و هیچ یک به مرحله بهره برداری نرسیده است و در این مورد مهندس توکلی اطلاعات زیادی در اختیارم می گذارد که این اطلاعات بوسیله بانک توسعه صنعتی که خود از سرمایه گذاران عمده در

این واحدها بود کامل گردیده است. تأسیس این کارخانه نظر بخش دولتی و خصوصی و حتی سرمایه گذاران خارجی را برای سرمایه گذاری در این منطقه جلب کرده و از هم اکنون سرمایه گذاریهای در زمینه ساخت موتور آلات و قطعات دقیق شده که بترتیب عبارتند از:

کارخانه دورمن دیزل که توسط انگلیش الکتریک انگلستان و بانک توسعه صنعتی و بخش خصوصی ایجاد شده. این کارخانه برای ساخت موتور دیزلهای ۲۵ تا ۲۵۰ اسب که برای تولید برق و بهره برداری از چاه های عمیق و سایر مصارف صنعتی بکار می رود، فعالیت می کند که در حال حاضر اقدام به مونتاژ دیزل نموده و تا یک سال دیگر شروع بساختن قطعات دیزل خواهد کرد. و با بهره برداری از این کارخانه یک هزار و صد نفر مشغول بکار خواهند شد.

سرمایه شرکت ۳۱۷ میلیون ریال است که ۱۵۴ میلیون ریال آن یعنی تقریباً نصف آن بوسیله بانک توسعه صنعتی پرداخت شده و بقیه بوسیله شرکت انگلیش الکتریک و بخش خصوصی

کارخانه لیلاند دیزل: این شرکت در شهریور ۱۳۴۸ برای ساخت موتور دیزل و قطعات یدکی آن تأسیس گردید که سرمایه آن ۵۰۰ میلیون ریال است و سهام داران آن عبارتند از بریتش لیلاند ۲۶ درصد سازمان برنامه ۱۵ درصد لیلاند موتور ۱۲ درصد بانک توسعه صنعتی ۱۰ درصد. شرکت سرمایه گذاری ایران ۱۰ درصد شرکت بیمه ایران ۸ درصد. بانک صادرات ۵ درصد شرکت حمل و نقل ایران ۵ درصد سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ۴ درصد بخش خصوصی ۵ درصد.

نیروی انسانی لازم که برای این کارخانه برآورده در حدود ۱۵۰۰ نفر می باشد.

شرکت موتورهای دیزل ایران

برای تولید و مونتاژ دیزل و سایر قسمت های عمده مکانیکی و سائل نقلیه موتوری، از قبیل گیربکس، محور عقب بوسیله دایملر بنز آلمان بانک توسعه صنعتی ایران ناسیونال و بخش خصوصی در سال ۱۳۴۸ تأسیس گردید که این کارخانه موتورهای اتوبوس، کامیون و مینی بوس را در ایران ساخته و مونتاژ خواهد کرد و هم چنین موتور دیزل برای آنها خواهد ساخت که در نتیجه صنعت اتوبوس سازی و کامیون سازی ایران، صنعت کاملی خواهد شد.

تولید این کارخانه تا ۱۰ هزار موتور دیزل در سال پیش بینی می شود و این کارخانه از سال آینده آماده کار خواهد شد و نیروی انسانی لازم برای این کارخانه ۱۵۰۰ نفر خواهد بود. سرمایه شرکت ۷۰۰ میلیون ریال است که سرمایه گذاران آن عبارتند از بانک توسعه صنعتی و سازمان برنامه مجموعاً

۲۵ درصد شرکت خاور ۲۲٫۵ درصد ایران ناسیونال و دایملر نیز مجموعاً ۵۰ درصد با این سه کارخانه در شرایط کنونی اگر مصرف زیاد بالا برود تمام مصرف موتور دیزل کشور در این سطح تأمین می شود. وجود این کارخانجات و احتیاج و قطعات استاندارد باعث گردیده که چندین کارخانه دیگر در این منطقه تأسیس گردد از جمله:

کارخانه اس. کا. اف. که در مهر ۱۳۴۸ برای ساخت بلبرینگ تأسیس گردید که تمام مصارف بلبرینگ این کارخانجات و سایر صنایع ایران را تأمین خواهد کرد. سرمایه این شرکت ۲۵۵ میلیون ریال است که سهامداران آن عبارتند از بانک توسعه صنعتی و شرکت اس. کا. اف. سوئد نیروی انسانی مورد نیاز کارخانه ۴۲۰ نفر خواهد بود.

این کارخانه از سال ۱۳۵۱ شروع بکار خواهد کرد. در ضمن کارخانه بوش بوسیله بخش خصوصی اقدام به ایجاد کارخانه پمپ گازوئیل سیستم ... «اینجکشن» که برای موتور های دیزل ضروری است کرده است. ... از مهندس توکلی راجع به تاثیر این کارخانجات در اقتصاد این منطقه می پرسیم: می گوید:

اینها همه نشان می دهد که در اثر وضع اقتصادی کنونی بخش خصوصی اقدام سرمایه گذاریهای هنگفتی می کند.

امیدوارم تا چند سال آینده این کارخانجات تغذیه ای به چندین ده کارخانه تبدیل شود و واحدهای صنعتی تبریز واحد های تکمیل کننده و موثر در سایر صنایع ایران باشند. ایجاد این کارخانجات سهم بسیار مهمی در دگرگونی زائدگی مردم این ناحیه خواهد داشت. در حال حاضر در حدود ۸ میلیارد ریال در این منطقه سرمایه گذاری شده که ۳۵ درصد آن یعنی ۲ میلیارد و ششصد هزار ریال بعنوان دستمزد پرداخت می گردد. که این باعث می شود نیروی انسانی جدیدی وارد آذربایجان شود و احتیاجات مردم تغییر شکل پیدا کند. در ضمن باید بگویم که وجود این کارخانجات موجب می شود که صنایع ما وابستگی صد درصد خود را بصنایع خارجی رفته رفته از دست بدهند و همکاری نزدیکی بین کارخانجات و هم چنین مصرف کننده بوجود آید... شهر صنعتی تبریز را با تمام فعالیتی که در آن جریان دارد ترك می کنم. ولی فعالیت های صنعتی و اقتصادی در این منطقه منحصر به شهر صنعتی تبریز نیست علاوه بر تمام اینها يك واحد اقتصادی بزرگ دیگری به مرحله بهره برداری نزدیک می شود و آن کارخانه سیمان صوفیان است که در نزدیکی تبریز قرار دارد. کارخانه سیمان صوفیان با سرمایه بخش خصوصی و بخش دولتی ساخته می شود و دارای ظرفیت روزانه ۶۰۰ تن می باشد



که با این مقدار محصول می‌تواند احتیاجات تمامی آذربایجان را تأمین نماید. و مسؤولین کارخانه می‌گفتند در صورت لزوم می‌توان محصول آن را تا دو برابر افزایش داد. این کارخانه از هم اکنون مشغول بکار و بهره‌برداری است.

از کارخانه سیمان صوفیان که بگذریم تبریز صاحب چندین کارخانه ریسندگی و بافندگی است که اغلب آنها با وسایل و ایزاری قدیمی مشغول کار هستند و ماشین آلاتشان در سرحد فرسودگی و از کار افتادگی قرار دارد.

بعضی از این کارخانجات از جمله کارخانه ریسندگی و بافندگی فیروز در صدد توسعه و تعویض دستگاههای کارگاههای خود هستند که امیدواریم در تبریز در این مورد نیز نوسازی‌های لازم بعمل آید.



کارخانه ریسندگی

باید بزبان طبیعی مردم برای آنها حرف زد

- در عصر ما هیچ شاعری نباید ذهنش را اسیر قالبهای قراردادی بکند.
- در این عصر باید بزبان طبیعی مردم برای آنها حرف زد
- اکثریت جامعه هنوز با تردید به شعر نو نگاه می کنند
- تا این اواخر وقتی کسی را می خواستند تحقیر بکنند می گفتند «حسین کرد» یا «امیر ارسلان» می خواند
- مجموعه شعرهای فرخی یک مشت ستایش نامه یا عشق بازی نامه است.
- هم اکنون در روزگار ما کسانی هستند که بهر مناسبتی یک دوبیتی می گویند و در یک انجمنی می خوانند در حالیکه هیچکس اینها را شاعر نمی داند.
- مولوی کسی است که می بیند جامعه شیوه وعظ و باصطلاح منبر رفتن پدرش را قبول نمی کند.
- بعد از بهار نه بهتر از بهار و نه در حد بهار ما کسی را نداشته ایم.

تلاش - آقای دکتر استعلامی بفرمائید از وقتی که بدینجا آمده اید چه اقداماتی کرده اید و یا می خواهید بکنید و به طور کلی بفرمائید کار شما در اینجا چه هست ؟

دکتر استعلامی - عرض کنم که در درجه اول لابد می دانید که بنده در اینجا مسؤول گروه آموزشی زبان فارسی هستم و اینکار را سرپرستی می کنم ، از نظر برنامه ریزی زبان فارسی و تعیین اساتید ، دعوت آنها به کار ، تنظیم برنامه های کلاسها ، و تهیه درسهایی که برای دانشجویان در این رشته لازم هست . کار و اقداماتی که در طی این مدت تصدی خودم در این کرسی آموزشی کرده ام بطور کلی شامل ایجاد چند درس تازه در زمینه ادبیات و زبان فارسی بوده و بعد تغییر روش تدریس تعدادی از دروس که قبلاً در دانشگاههای دیگر هم درس داده می شده اما در اینجا من کوشش کرده ام که به روشی این دروس را تدریس کنم که برای یک جوان امروزی یک دانشجویی که وارد دانشکده می شود پذیرفتنی تر و شیرینتر و دلپذیرتر باشد. نمی توانم ادعا بکنم که در اینکار توفیق زیادی بدست آورده ام اما بطور کلی کار موثرتر از کاری بوده است که در دانشگاه های دیگر می شده است.

تلاش - آقای دکتر ممکن است توضیح بیشتری در مورد تغییر روش تدریس که گفتید بدهید ؟

استعلامی - تغییر روش تدریس که بنده عرض کردم بیشتر منظورم در مورد درسهای است از ادبیات قدیم که می دانید در دانشگاهها درس داده می شود. مثلاً متن قدیم را درس می دهند (قسمتی از شاهنامه) در آنجا متن به این صورت درس داده می شود که بیت را می خوانند ، معنی لغتی را می گویند و معنی کلی بیت را هم اگر بتوانند بیانش می کنند و توضیح می دهند و می گذرند . بدینترتیب در یک ترم تحصیلی دانشجوی مثلاً بیست سی صفحه متن می خواند و برایش معنی می شود. در اینجا من آمدم فکر دیگری کرده ام. نتیجه گرفتم که شاید در ادبیات گذشته ایران سیر تفکر جالبتر از الفاظ و عبارات است و بدین دلیل بکاری پرداختم که بدینصورت بود که شاهکارهای برجسته زبان فارسی گذشته (هر کدام را) در یک مقاله نسبتاً مفصل (تزدیک ۲۰ صفحه) معرفی کردم. و این معرفی بیشتر شامل سیر تفکر است. یعنی آنقدر توجه ندارم که فلان شاعر یا نویسنده مثلاً کی زندگی می کرده ، زنش کی بوده ، چندتا بچه داشته کجا بوده ، مدح کدام پادشاه را گفته ، روی این تکیه نکردم بلکه روی سیر تفکرش . از این نوع مقاله ها ما ۱۲ گفتار نوشتیم. باید عرض کنم که قسمت قابل ملاحظه از این کار را خانم نرگس روانپور و همکار من در این گروه فارسی انجام داده اند و در واقع لااقل شش

گفتار از این دوازده گفتار نوشته ایشان است و در شش گفتار دیگر ایشان مقداری مواد را برای من تهیه کرده‌اند. این گفتارها بصورت تحلیل و بررسی روی کتابهایی مثل شاهنامه، گلستان سعدی، غزلهای حافظ، حبسیه های مسعود سعد و نظایر اینها است و نکته جالب که برای اولین بار شاید در درسهای دانشگاهی در این قسمت آمده است، این است که ما عیب يك اثر را هم می‌گوئیم. مثلاً وقتی گلستان سعدی را معرفی می‌کنیم، موضوع و امتیازات آنرا هم می‌گوئیم، اگر عیبی هم در آن بنظرمان می‌رسد و یا نا هماهنگی در آن است آنرا هم مطرح می‌کنیم و ملاحظه باصطلاح قدمت شیخ اجل سعدی شیرازی را در این مورد نمی‌کنیم، برای اینکه آن حرفی که به شاگرد می‌زنیم واقعا خودمان هم به آن اعتقاد داشته باشیم و او هم به آن اعتقاد پیدا بکند.

تلاش - آقای دکتر فکر نمی‌کنید اگر به خود دانشجویان راه را نشان بدهید و مواد مختلف و موارد مختلف را، بهتر باشد؟ مثلاً فرض بفرمائید بدانشجو بگوئید این فلان شاعر قدیم است و این فلان شاعر معاصر است. بعد این، این کتابها را دارد و آن، آن کتابها را. خود دانشجو برود بخواند و تحقیق بکند و بیاید نظریات و عقایدش را درباره آنها به شما بگوید و نتیجه بگیرد که دانشجو تاچه اندازه می‌تواند مسائل را درك بکند؟

استعلامی - در این مورد با نظر شما بطور کلی بعنوان يك کار دانشگاهی موافق هستم. اما چون دانشجویان ما متخصص در ادبیات نمی‌خواهند بشوند بلکه ادبیات و زبان فارسی برایشان يك ابزار است، بنابراین ما نمی‌توانیم آنقدر وقتشان را بگیریم. پس ناچار هستیم مقداری نتیجه گیری‌های خودمان را به آنها بدهیم و درباره این نتیجه‌گیریها به آنها مجال قضاوت بدهیم که بیایند و در کلاسها حق داشته باشند که بگویند: «استاد تواستنباه می‌کنی» و ما مجال این را به آنها می‌دهیم.

تلاش - آقای دکتر: این جزوهای که به نام «شناخت ادبیات امروز» منتشر کرده‌اید تنها چیزی که من فکر می‌کنم در آن بچشم نمی‌خورد، همین صحبت از ادبیات معاصر است.

مثلاً فرض کنید نوشتن اینکه دکتر سعدی نویسنده چهارتا نمایشنامه است. من فکر می‌کنم اسم دکتر سعدی را دانستن چیز مهمی نیست. آثار او را بگوئید و مقداری معرفی بکنید مثل همان اشخاصی که معرفی کرده‌اید ولی نه با چهار خط از داستانها یا نمایشنامه های او؟

استعلامی - اولاً باید بگویم که این کتاب قرار بوده است بعنوان «دیباجه‌ای بر شناخت ادبیات امروز» منتشر بشود و بعد از آن چند کتاب در موضوعات محدودتر منتشر بکنیم که هم‌اکنون تعدادی از آنها در

دست تالیف است. بنابراین می‌بایست این کتاب مقدمه باشد برای کتابهای بعدی ما، در این مقدمه ما مجبور بودیم همه مباحث را کلی بگذاریم. مثلاً از تئاتر مختصر بحث کرده‌ایم. از شعر فقط میزانها و معیارهای علمی که به ذهنمان رسیده داده‌ایم. در داستان نویسی کمی بیشتر حرف زده‌ایم و البته از معاصرین ارزنده از آنهاییکه کتابهایشان حتی کتاب روز است مثل «شوهر آهو خانم» از اینها هم حرف زده‌ایم اما شکی نیست که این بحثها کافی نیست. اگر با دقت ملاحظه کرده باشید در چند فصل این کتاب اشاره شده است که هدف ما این است که این فصل را بعداً به کتاب تبدیل کنیم. بنابراین این کار کاملاً همانطوری که گفتید مورد نظر ما هست و مایک روزی باید روی اینها وسیعتر حرف بزنیم. اما برای يك درس محدود چندواحدی که دانشجو باید بگذراند بیش از این حجم نمی‌توانیم به او تحمیل بکنیم. چون باید این کتاب را یاد بگیرد و امتحان بدهد و این همه اسم و تعداد زیاد مطالب و موضوعات شبیه بهم که دانشجو را به اشتباه می‌اندازد، خواه ناخواه ما را وادار می‌کند که این مطالب را محدود کنیم.

تلاش - می‌خواهیم بپرسیم که چه قصدی بود که این کتاب را به ده قسمت تقسیم کرده‌اید. یعنی از ادبیات «سه هزار ساله که خودتان اسم برده‌اید» شروع کرده و به پیش آمده‌اید. شاید بتوان گفت که این کتاب شبیه يك «تاریخ فرهنگ» شده نه «شناخت ادبیات معاصر» و اصلاً شما فکر می‌کنید لازمه شناخت ادبیات امروز آشنائی کامل با ادبیات قدیم و احیاناً خواندن درخت آسوریک و داستان گیل گمش و نظائر آنهاست؟

استعلامی - نه، آن گفتار اول که راجع به ادبیات قدیم هست بیشتر به این دلیل گذاشته شده است که اکثر دانشجویانی که این درس را می‌خوانند کسانی هستند که دیپلمه طبیعی و ریاضی هستند. برای اینها که در دوره دبیرستان هم چیزی از تاریخ ادبیات گذشته نخوانده‌اند ما فکر می‌کنیم يك زمینه آشنائی باید فراهم بشود تا بعد آنها بتوانند آن روساز این زیر ساز را در حقیقت مطالعه کنند.

بنابراین آن گفتار را به این دلیل در آن دیباجه گذاشته‌ایم. بعد مقداری آن گذشته را به آینده وصل کرده‌ایم. با گفتار دوم کتاب که موضوع آن تحولات قرن سیزدهم و صدر مشروطیت است و بتدریج بایک سیر زمانی آمده‌ایم که بقول شما جلوه يك تاریخ فرهنگ را پیدا کرده است. اما وقتی قرار باشد که ما بخواهیم يك طرح کلی را در ذهن دانشجو ایجاد بکنیم تا بعداً خودش با مطالعه آنچه را که باید بشناسد، ناچار هستیم به این مسائل هم بپردازیم و تجربه ما هم نشان داده است که برای دانشجویان

این جالب بوده و احساس نیاز داشته‌اند.

تلاش - آقای دکتر بفرمائید چه ویژگی‌هایی بین ادبیات معاصر و قدیم می‌بینید و اصولاً چه اصراری دارید که این اندازه روی ادبیات معاصر تکیه بکنید؟

استعلامی - ویژگیها را اگر بخواهیم نام ببریم. در موضوعات هست، در شیوه تعبیر و بیان هست، در فکر هم هست. ولی برای اینها الآن نمی‌شود مثالهای روشنی داد که ما بگوئیم مثلاً کجا مایک مرتبه تحول فکر می‌بینیم. خیلی جاها هست. و برجسته ترین نقطه‌اش را من نمی‌توانم الآن خیلی روشن بگویم شاید برای خود من هم احتیاج به تفکر و تعمق بیشتری داشته باشد که بتوانم روشن‌تر جواب بدهم. اما بهر حال در فکر و در موضوع و در شیوه تعبیر ویژگی‌هایی در ادبیات معاصر داریم.

تلاش - آقای دکتر بفرمائید چه نیازی بود که «شعر نو» پدید آمد و آیا در این باره تحقیقی کرده‌اید و تا چه اندازه آشنائی با شعر معاصر یا شعر نو دارید و با کدامیک از آثار معاصرین آشنائی بیشتری دارید و اصلاً ممکن است يك نمونه‌ای بدهید؟

استعلامی - بله. باید عرض کنم که شعر نو نیازی بوده است در زمان ما بدلیل اینکه خواسته‌ایم يك مقدار از محدودیت‌ها یا قراردادهای قدیم بگریزیم برای بیان آسانتر و در عین حال این بیان آسانتر به ما مجال بدهد که فکرهایمان را بهتر عرضه بکنیم. در این عصر ما نمی‌توانیم یعنی هیچ شاعری بنظر من نباید ذهنش را اسیر قالبهای قرار داده‌ای بکند. اگر بکند از کار اصلی و موثر و از کار فکری خودش باز می‌ماند، از سیر تفکر خودش باز می‌ماند. بنابراین شکستن قیود و قراردادهای محدودی که در عین حال شعر بودن شعر را از بین نبرد لازم بود. این کار را شعرای ما دنبال رفتند. حالا بگوئیم مرحوم نیریز شروع کرده یا کسی دیگر، بهر حال در عصر ما این تحول پیدا شده. در مورد آشنائی با شعر معاصران شاید بتوانم بگویم در میان معاصران از مردان با شعر نادرپور بیشتر از همه آشنا هستم و از زنان با شعر شادروان فروغ. و شعرهای این دو نفر را تقریباً همه‌اش را خوانده‌ام. در شعر ایشان اصولاً بنظر من عمق هست تعبیر خوب هست. معانی بلند هست و مقداری هم شکی نیست استفاده از مطالعاتی که ایشان در ادبیات اروپائی داشته‌اند وجود دارد و این هم فکر می‌کنم به سرمایه معنوی زبان فارسی اضافه کرده است. از نظر آشنائی بعد از آقای نادرپور می‌توانم آقای اخوان ثالث را اسم ببرم با شعر ایشان آشنا هستم و واقعا معتقدم که شعر مغزدار و عمیق هم در میان آثارشان فراوان است. دیگران هم البته زیاد هستند و می‌دانید امروز در عین حال که می‌گوئیم

ممکن است آثار نو و خیلی قوی کم پدید بیاید اما بازار شعر گرم است و خیلی‌ها شعر می‌گویند و خیلی‌ها هم مدعی هستند که شاعر درجه اول هستند.

تلاش - آقای دکتر من فکر می‌کنم
آنقدرها هم با ادبیات معاصر (منظورم شعر نو است) - شاید همانطوریکه خودتان اشاره کردید که بعلت کمی وقت نتوانسته‌اید آثار همه معاصرین را بخوانید - آشنائی ندارید. در نتیجه شاید اصلا با ادبیات موج نو - حالا بخوبی یا بدی آن کاری نداریم - مطلقا آشنائی نداشته باشید. و دیگر اینکه در مورد آقای نادرپور که بعنوان شاعر نوپرداز از ایشان اسم بردید و فرمودید که همه آثارش را خوانده‌اید و بیشتر با آثار او آشنائی دارید، باید بگویم در شعر امروز مسیر و اندیشه نادرپور و توتلی و مشیری با نیما و اخوان ثالث و شاملو و شاعرانی که بعد از نیما شروع کرده‌اند مثل خوئی و شفیعی کدکنی و آتشی و آزاد و نظائر آنها، تفاوت زیادی دارد و اگر ما بخواهیم نمونه‌ای واقعی از آثار نوپردازان بدیم بیشتر از آثار این عده اخیرالذکر است نه نادرپور و مشیری و پیروان آنها در این مورد چه توضیحی دارید؟

استعلامی - باموج نوئی که گفتید بیگانه نیستم. آثارشان را می‌خوانم در میان آنها هم کارهای جالب می‌بینم اما در این موج نو من فکر می‌کنم يك چهره کاملا روشن که بتوانیم درباره آن قضاوت صریح و صحیحی بکنیم، پیدا نشده و شکی نیست همیشه تحول لازمه‌اش این است که زمانی بگذرد تا خودش را نشان بدهد و هر مهره‌اش به اصطلاح جا بیفتد. و این هنوز جا افتاده نیست ولی مسلما امید به آن زیاد هست. و در مورد اختلاف آن دو هم باید بگویم فرقشان این است که شاید از لحاظ طرح مسائل اجتماعی کمی صریح‌تر و از لحاظ به اصطلاح الفاظ و اصطلاحات هم ویژگی‌هایی در کارشان هست ولی بهر حال هر سه نفری را که اسم بردم و گفتم با کارشان آشنا هستم جزء کسانی هستند که من معتقدم که اینها در جامعه ما موثر بوده‌اند در تکان دادن افکار و اندیشه‌ها و اندیشه رکن اول شعر نو و سخن تازه است.

تلاش - آقای دکتر در مورد قوالب
شعری که فرمودید و دست و پاگیری آنها در ادبیات قدیم نمونه‌ای از گفتار آقای اخوان بدیم که ایشان گفته‌اند «فرم مطرح نیست حرفی اگر داری در هر قالب که بریزی ریخته‌ای واقعا منظور ایشان این است که هم در مثنوی و هم در قصیده و یا چهارپاره و هر چیزی دیگر آدم می‌تواند حرفش را بزند پس اصل محتوی است و اندیشه و قوالب فرع موضوع است. و فقط ایشان اظهار داشته‌اند که شیوه‌ای که نیمای پیشنهاد کرده است باشیوه قدیم این تفاوت را دارد که وقتی آدم مزه این شیوه را چشید دیگر نمی‌تواند خودش

را پای بند قیود متقدمین بکند؟ در این مورد نظرتان چیست؟

استعلامی - صد درصد بانظر آقای اخوان ثالث موافقم، یعنی من هم فکر می‌کنم قالب مهم نیست باید بیان طوری باشد که اندیشه را برساند. در کنار این توضیح هم باید این نکته را عرض کنم که من معتقد به اصالت و درستی زبان هم هستم.

البته نه دستوری که مثلا قدا حتما رعایت کرده‌اند، باید بزبان طبیعی مردم برای مردم حرف زد. شکی نیست قالب مهم نیست مثنوی باشد یا نباشد. تعزل به شیوه‌های نو باشد. اصلا بدون وزن هم شعر می‌تواند باشد. با اینکه من خودم شخصا برای وزن اصالتی قائل هستم و وزن را نشانه کمال شعر فارسی می‌دانم ولی معتقدم شعر بی‌وزن هم می‌تواند وجود داشته باشد حالا قافیه که جای خود دارد.

تلاش - آقای دکتر آيا شما فکر می‌کنید
که شعر نو واقعا راه و جای خود را باز کرده است؟ بقولی این همان شعری نبود که تاچندی پیش در رادیو و مطبوعات به آن می‌تاختند ولی حالا تقریبا در اکثر برنامه‌های رادیو شعری از معاصرین خوانده می‌شود. و در تلویزیون کتاب برگزیده سال انتخاب می‌کنند که اخیرا شنیدید کتابهای آقای آتشی و خانم لیلا کسری متفقا کتاب برگزیده سال ۴۸ بودند. و آیا این نشانه آن نیست که واقعا این نوع شعر راه خودش را بین مردم و بین کسانی که باراديو سرو کار دارند باز کرده است؟ نظرتان در این مورد چیست؟

استعلامی - من می‌خواهم بگویم شاعر های نو راه خود را تا حدی باز کرده‌اند نه شعر نو، یعنی مردم ما هنوز روی عادات قدیم و ملیشان به آن شعر قدیم و قالب قدیم يك دلبستگی دارند. اما شاعرهای نو میدان‌شان را گرفته‌اند و همین باعث می‌شود که شعر نو هم بعد از این در قدم بعدی راهش را باز کند و این موقعیتی است برای ادبیات امروز.

تلاش - پس اینکه هم‌اکنون در رادیو و تلویزیون جریان دارد شاعر نو است نه شعر نو.

استعلامی - نه، شعر نو هم جریان دارد ولی نه بعنوان يك چیز مقبول برای اکثریت جامعه. این حقیقتی است که می‌دانیم. اکثریت جامعه هنوز با تردید به آن نگاه می‌کنند. البته اکثریتی که کار و وظیفه‌اش هم قضاوت درباره شعر نیست و به همین دلیل نگاه تردید آمیزش زیانی به سیر هنر شاعری امروز نمی‌زند.

تلاش - آقای دکتر، در کلاسهای
درستان به دانشجویان می‌گوئید شاعر چه وظیفه‌ای دارد شاعر یا نویسنده فرقی ندارد و وظیفه آنها نسبت به جامعه چیست؟

استعلامی - شاید این موضوع را در این کتاب (شناخت ادبیات معاصر) بعلت محدودیتی

که بوده است از لحاظ حجم کتاب، روشن نتوانسته‌ام بیان کنم. ولی همیشه با دوستان دانشجوییم حرف زده‌ام و درباره این صحبت کرده‌ام. و شاید اولین وظیفه‌ای که من برای يك شاعر یا نویسنده احساس می‌کنم این است که فکرهای نو را همیشه به افراد جامعه و به خوانندگان خودش عرضه بکند و باعث بشود که اندیشه مردم بکار بیفتد علاوه بر اینکه خودش فکر نو می‌دهد حتی چنان قدرت تفکری به خواننده بدهد که خواننده روی فکر نو خودش هم تردید بکند و فکر تازه‌ای بوجود بیاورد. این رسالت را برای شاعر و نویسنده قایل هستم.

تلاش - تاچه اندازه چهره‌ها و آثار برجسته ادبیات معاصر را به دانشجویان نشان داده‌اید و آیا به آنها گفته‌اید که چه کسانی در این مملکت اهل قلم هستند و چیز می‌نویسند و اصولا آیا در کلاسهای درستان برای یکبار اسمی مثلا از «مدرسی» یا از «گلستان» برده شده است و یا حتی از همین شعری موج نو که البته قبلا به این موضوع کمی اشاره شد؟

استعلامی - همانطوریکه گفتم با محدودیت مجال نمی‌توانستم درباره همه آنها حرف بزنم. بنابراین من کاری که کردم آمدم اول تکلیف چهره‌های خیلی معروف را روشن کردم. مثلا در داستان نویسی در این کتاب از کسانی که بهر حال کتابهایشان زیاد چاپ خورده ماحرف زده‌ایم. مثلا از حجازی، صادق هدایت، جمالزاده یا آل احمد و افغانی. درباره اینها در داستان نویسی حرف زده‌ایم. و از خیلی‌ها هم می‌دانم که حرف نزده‌ام. آخر آن فصل هم من اشاره کرده‌ام که اینها را گذاشته‌ایم برای يك کتاب بزرگی درباره داستان نویسی معاصر ایران که در دست داریم و داریم رویش کار می‌کنیم. اما علت اینکه از اینها فقط حرف زده‌ایم این است که دانشجوی ما می‌گوید این آدمی که معروف شده است من باید بدانم این چه کسی است و می‌بینم حق دارد، پس این را به آنها معرفی می‌کنیم. اصراری هم نداریم که چون چهره معروفی هست حتما کتابهایش تقریظ بنویسیم. اگر عیبی هم در کارش هست می‌گوئیم. اینها را هم گفته‌ام و کلا چیزهایی هم در این باره نوی این کتاب نوشته‌ام. اما در مورد چهره‌هایی که شاید بتوانیم بگوئیم دو گروه هستند. یکی آنهائیکه سنی از آنها گذشته و اسم بردید مثل گلستان و کسانی دیگر که خب پیش نیامده درباره يك عده‌ای از اینها صحبت کنیم و بنابراین در این درسها نوشته‌ایم. اینها را گذاشته‌ایم برای آن کتاب و يك عده‌ای هم هستند که جوانند و تازه وارد میدان شده‌اند. باید من اعتراف کنم که اولاً همه آثارشان را نخوانده‌ام و چون نخوانده‌ام نمی‌توانم قضاوت صد درصدی روی آنها

بکنم و فرصت این نبوده که من تمام این آثار را بخوانم چه سالیانی مجال می‌خواهد، ولی فکر من هم این نیست که این اشخاص را به حساب نیاورم. مثلاً در همین کتاب در گفتار داستاننویسی می‌بینید که من آن آخر کار لااقل به بیست نفرشان اشاره کردم که اینها هستند و من در این کتاب مجال نداشته‌ام که درباره‌اش حرف بزنم. مثلاً من به فریدون تنکابنی اشاره کرده‌ام که به او اعتقادی هم دارم. شاید کسانی هم باشند که خیلی جوان و در سطح یک جوان نوزده بیست ساله باشند و من از اینها هم ممکن است اسم برده باشم.

تلاش - آقای دکتر در اشاره‌هایی که در کتابتان کرده‌اید اسم داستاننویس‌هایی مثل فاضل وح.م حمید و نظائر آنها که کارشان فقط داستانهای هفته یا سریال نویسی در مطبوعات است، برده شده آیا لازم بود که اسم اینها در مقابل کسانی فرضاً مثل آل احمد، هدایت، ساعدی و نظائر اینها برده شود. و اصولاً شما فکر می‌کنید در داستاننویسی معاصر گذاشتن این اسمها در مقابل هم لازم است؟

استعلامی - ببینید، من فکر می‌کنم کتاب برای یک گروه خاص نوشته نمی‌شود و درس برای یک گروه خاص داده نمی‌شود. برای همان کلاسی که مثلاً دویست نفر دانشجوی نشسته‌اند و حرفهای مرا گوش می‌دهند یک مرد سالمند مثلاً ۶۵ ساله ممکن است باشد و یک جوان ۱۹ ساله که تازه از دبیرستان آمده بیرون و سطح فکر و دید اینها و نسل اینها بکلی با هم متفاوت است. پس من ناچار هستم مطالب موافق و مخالفی را که باهم جور هم نیست در آنجا بمیان بکشم که هر کدام روی سوژه‌های مورد نظر خودشان فکر کنند و در عین حال روی سوژه‌های مخالف نظرشان هم فکر کنند. پس هیچ بعید نیست که آدم اسمی هم از جواد فاضل و یا حسینقلی مستعان بیاورد و در مقابل آن از آل احمد هم حرف بزند با اینکه تیپ کار اینها یکی نیست.

تلاش - آقای دکتر چیزی بخاطر من رسید که برایتان بگویم، چندی پیش فیلمی به اسم اگر اندیسمان از فلینی در اینجا نشان می‌دادند. شبی که من بدیدن این فیلم رفته بودم. عده‌ای مطابق معمول در کنارم نشسته بودند. هنگامیکه فیلم تمام شد. یکی از آن عده به دوستی که در کنارش نشسته بود گفت: «فلانی تو از بس فیلمهای مزخرف ما را برده‌ای، نمی‌توانم بفهمم این فیلم خوب است یا بد» شما فکر نمی‌کنید اشاره کردن به آثار اینها خود باعث گمراهی دانشجویان بشود؟

استعلامی - برای اینکه باز روشن‌تر مطلب را گفته باشم باید عرض کنم که به دانشجویان یک تذکری را همیشه می‌دهم. و آن این است که من می‌گویم بچه‌ها من مشخصات یک کتاب را به شما می‌دهم و شما می‌گویم این عیب را دارد و این خوبی را دارد. می‌خواهید بپذیرید و می‌خواهید

صفحه هفتم و هشتم

نپذیرید. در مورد نویسندگان هم همین کار را می‌کنم. یعنی حتی یک نویسنده را ممکن است من سر کلاس بیاورم که برای دانشجویان حرف بزند ولی هیچوقت انتظار این را ندارم که بچه‌ها به او اعتقاد پیدا بکنند و این موضوع را به آنها تذکر می‌دهم که انتظارم این نیست.

تلاش - آقای دکتر داستانهاییکه از ادبیات کهن ایران باقی مانده مثل کتاب‌هایی نظیر «سندباد نامه»، «سمک عیار»، «بختیارنامه» و امثال اینها. آیا این داستانها فقط یک قصه ساده و سرگرم کننده بوده‌اند یا دردها و ناراحتی‌های روزگارشان و یا آنچه در جامعه آنها جاری بوده نشان داده‌اند. و مثلاً یک جامعه شناس می‌تواند پس از مطالعه و غور در کتاب سندبادنامه به روحيات و طرز فکر و نوع حکومت و سایر چیزهای گذشته پی ببرد؟

استعلامی - در این که این کتابها انعکاس شرایط زندگی اجتماعی و شاید فردی را در خودشان دارند ما شکی نداریم این وجود دارد. حتی ممکن است قهرمان یک قهرمان حقیقی باشد که وجود تاریخی هم داشته ولی جلوه این داستانهای تخیلی ما و داستان‌های عامیانه که در فرهنگ عوام هست همیشه طوری است که فکر جامعه و تحولات زندگی اجتماعی را هم نشان می‌دهد. بنابراین این داستانها به نظر من یکی از جالب‌ترین رویه‌های ادبیات گذشته ایران است. متأسفانه تا این اواخر اصلاً ناشناخته مانده بود و وقتی که می‌خواستند کسی را تحقیر بکنند می‌گفتند «حسین کرد» یا «امیر ارسلان» می‌خواندند. در حالیکه اکنون دارد به آن توجه می‌شود و بد نیست که اشاره کنم همکار محترم من خانم روانپور که در این کرسی هم بامن کار می‌کنند حتی این مسئله داستانهای تخیلی گذشته را بعنوان رساله دکترای ادبیات انتخاب کرده‌اند و مدتی است که درباره آن کار می‌کنند. و ما به این توجه داریم و در این گفتارهایی که عرض کردم راجع به ادبیات گذشته ایران نوشته‌ایم اتفاقاً یک بحث مفصل آن روی این قصه‌های تخیلی گذشته است از سمک عیار تا امیر ارسلان و جالب این است که در این بحث ما کوشیده‌ایم که این نکته را بخصوص به دانشجویان بگوییم که این قصه‌ها منبع فکر است و تحولات اجتماعی را حتی مقدار زیادی، این قصه‌ها هدایت می‌کرده است بنابراین به اینها توجه داریم و خیلی هم برای آنها ارزش قائلیم.

تلاش - آقای دکتر: من اشاره‌ای به کتاب بسیار جالب «مقدمه‌ای بر رستم و اسفندیار» بکنم. در این کتاب آقای مسکوب بسیار جالب توضیح داده‌اند که هرگز قهرمانی مثل رستم و یاروین تنی مثل اسفندیار و پرنده‌ای مثل سمیرغ وجود نداشته و زندگی رستم یا عمر جمشید فوق بشری است ولی

اینها نماینده یا پناه روحی مردم و یا تجسم روحيات و آرزوهای مردم بوده‌اند و مردم می‌خواسته‌اند که رستمی وجود داشته باشد با آن از خود گشتگی‌ها و فداکاریها و جانبازی‌ها که از آدم معمولی بعید بلکه غیر قابل تصور بوده است. بفرمائید آیا در این داستانها هم یک چنین چیزهایی وجود داشته است؟

استعلامی - صد در صد، بین قصه‌های تخیلی و حماسه وجوه اشتراك زیاد است یعنی همان طوریکه مثلاً می‌بینید اعداد در حماسه بزرگ می‌شوند و مثلاً جمشید هفتصد سال پادشاهی میکند و ضحاک هزار سال در این قصه‌ها هم هست، می‌بینید که مثلاً امور غیر عقلی واقع می‌شود که یک کسی از بغداد به بلخ می‌پرد. این در آنها هم هست در قصه‌های صوفیه هم هست. آن قدرتی که در طبیعت برای بشر وجود ندارد و آرزوی بشر است که در بعضی موارد نیاز دارد برای یک قدرت نمائی و برای یک غلبه بر آنچه که مخالف میلش است. این موضوع در قصه‌های عرفانی، در حماسه‌ها و در قصه‌های تخیلی تجلی کرده است. بنا بر این شکی نیست که ساختن این شخصیت‌ها در واقع یک پناه روحی و یک تسکینی بوده برای مردمی که احساس رنج می‌کرده‌اند.

تلاش - آقای دکتر ضمن گفتار قبلی اشاره‌ای به قصه‌های عرفانی کردید. ممکن است توضیح بیشتری راجع به این قصه‌ها یا کرامات صوفیه و یا عرفا بفرمائید؟ چون شما در این باره مقداری مطالعه دارید و تا آنجا که من اطلاع دارم کتاب «تذکره اولوایاء» عطار را هم بعنوان رساله دکترای تصحیح نموده‌اید.

استعلامی - در مورد کرامات صوفیه دو نوع عقیده دارند عده‌ای گفته‌اند که این کرامات امر ظاهری نیست بلکه تصرف باطنی است تصرف غیر محسوس است. بسیاری از مشایخ صوفیه معتقد به تصرف ظاهری در چیزها نیستند که حالت یک چیزی تغییر بکند یا مس طلا بشود و یا نظیر اینها. ولی در اینکه خود ما ببینیم که با علم و با آن چیزهایی که جنبه تجربی دارد چه جور تطبیق می‌کند، مقداریش واقعاً برای خود من مبهم است چون گاهی اوقات چیزهایی دیده‌ام که تعجب آور است و خوب می‌بینیم که عمل می‌شود و در طبیعت با منطق جور نمی‌آید که مثلاً کسی شیشه بخورد. یا تیغ یاسوزن بخورد. این باید مجروحش بکند و بکشدش ولی خیلی‌ها این کار را می‌کنند و نمی‌میرند. اما آن نوع کراماتی که جنبه روحی دارند یعنی تاثیر روحی دارند بنظر من مقداری مبتنی بر روانکاوی است یعنی من فکر می‌کنم مشایخ صوفیه با غلبه روحی و نفوذ شخصیت در واقع در مرید خود باعث می‌شدند که آن مرید تحت تاثیر آنها قرار بگیرد. قصه‌ای داریم که مثلاً مریدی از بلخ

به بغداد می‌رود . در آنجا گناهی می‌کند . یا هوس باطلی بسرش می‌زند . یکمرتبه شیخ خودش را که در بلخ بوده در مقابل خود می‌بیند که سرزنشش می‌کند . این می‌تواند خیلی ساده يك تأثیر روحی باشد . یعنی آنقدر از این شیخ می‌ترسد و آنقدر برایش شخصیت قائل است که آنرا پیش چشم تصور می‌کند نه اینکه واقعاً شیخ وجود دارد . بعد برمی‌گردد به بلخ و می‌گوید که شیخ را من آنجا دیدم و می‌گویند که نه شیخ همینجا بود و هیچ جا هم نرفت . آن بصورت يك کرامت يك کار خارق‌العاده جلوه می‌کند که در کتابها هم نوشته می‌شود ولی مسئله اصلی نفوذ شخصیت و نفوذ روحی است . نکته دیگری که هست این است که این کرامات را صوفیه موظف به اظهارش نیستند مگر در موارد حاد و کسانی که زیاد ادعای کرامت کرده‌اند در واقع باید گفت که از مشایخ معتبر محسوب نمی‌شوند چون در اعتقادات صوفیه تفاوتی بین کار پیامبر و کار ولی است . يك پیامبر موظف است که معجزه خود را ظاهر بکند برای اینکه مردم را در واقع به حقیقت جلب بکند . اما يك ولی يك مرشد صوفی موظف به اظهار کرامت نیست . یعنی کرامتش برای این است که اگر خیلی مورد حادى پیش آمد آنرا اظهار بکند ولی در غیر این صورت باید با نفوذ روحی مریدان خود را بالا بیاورد ، تربیت بکند و به آن کمالی که صوفیه می‌گویند برساند .

تلاش - در این صورت این کراماتی که به آنها نسبت می‌دهند و ما در تمام کتابهایشان می‌خوانیم بنظر شما دروغ است مثلاً سب شهرت مالك به دینار و یا اشاره منصور حلاج به پنبه و نظائر اینها ؟

استعلامی - من نمی‌خواهم قاطع بگویم که اینها دروغ است . برای اینکه همانطوری که گفتم امور خارق‌العاده‌ای هم ما در روزگار خود می‌بینیم که اتفاق می‌افتد ، پس می‌تواند در آن دوره هم اتفاق افتاده باشد . ولی اگر هم دروغ باشد بعید نیست برای اینکه بعضی وقتها مریدها آنقدر به مرشد خودشان اعتقاد پیدا می‌کردند که چیزی را که خود مرشد درباره خود مرشد معتقد نبوده ، درباره‌اش می‌گفتند . بنابراین می‌تواند این طور باشد که يك وقتی هم دروغی ساخته باشند یا کرامتی را بشکل دیگری جلوه داده باشند . مثلاً درباره یکی از شیوخ صوفیه می‌گویند که «اورادیدند که در گردونی نشسته بازنجیر های زرین و فرشتگان آن گردون را می کشیدند» فرشتگان در حقیقت اسب درشکه این شده بودند . خب ظاهر امر دروغ است ولی از کجا معلوم است که روایت کننده نگفته در خواب چنین چیزی را دیدم و این در خواب اتفاق افتاده باشد . واقعاً در نقل روایات می‌تواند این جرح و تعدیل‌ها هم شده باشد تا بصورت يك چیز خارق‌العاده درآید .

تلاش - راجع به وظیفه شاعر نسبت به جامعه سؤالی کردم . بخاطر می‌آید که آقای مینوی در کتاب «فردوسی و شعرا» درباره فردوسی چنین چیزی نوشته‌اند که «فردوسی شاعری بوده که حس می‌کرده ، خوبی و بدی امور را تشخیص می‌داده ، بیش از دیگران رنج فکری داشته و مثل فرخی و عنصری و منوچهری و نظائر آنها که از سرودن شعر قصدشان فقط دریافت صله است ، نبوده» یعنی آنچه که در شعر او یا فرضاً ناصر خسرو و سیف فرغانی می‌بینیم خواست جامعه و مردم است که در شعر دیگران بندرت می‌توان پیدا کرد ، در این مورد نظرتان چیست ؟

استعلامی - در این مورد باید بگویم که نظر آقای مینوی کاملاً پخته و صحیح است برای اینکه وقتی شما کار فردوسی را مطالعه می‌کنید ، می‌بینید که فردوسی پاسخگوی نیاز جامعه بوده در حالیکه شاعری مثل عنصری پاسخگوی نیاز شخص خودش است . بدین معنی که در قرن چهارم جامعه ایرانی یواش یواش داشته احساس می‌کرده که می‌تواند استقلال ملی را ، استقلال سنتی خودش را که مهمتر از آن استقلال سیاسی ظاهری است بدست بیاورد و برگرداند و این منتظر يك رسالت بوده رسالت هم بدین شکل است که کتابها ، شعرها مردم را بیدار کنند و با این رسالت بالا بکشاند و هماهنگ کنند .

فردوسی این رسالت را بعهده گرفته و جلو رفته و تاخته و به نتیجه رسانده در حالی که عنصری وقتی کار تجارتش دیگر رونق نداشته و مثلاً مالش را غارت کرده‌اند رفته سرمایه معنوی و مطالعات عمیقش را صرف مدیحه سرایی کرده و در حقیقت برای خودش از راهی دیگر تجارتخانه باز کرده یا شاعری مثل فرخی سیستانی که من به او بعنوان شاعر هنرمند اعتقاد دارم و شعر تعزلیش را در حد اعلی در عصر خودش می‌دانم معذک می‌بینم مجموعه شعرهای همین - شاعر هم يك مشت ستایش نامه است و يك مشت عشق‌بازی نامه . بنابراین او هم برای جامعه‌اش رسالتی انجام نداده ولی فردوسی را می‌بینیم که زندگی ، جوانی ، نیرو ، ثروت و همه چیزش را در راه این کتاب گذاشته و آخر کار هم چیزی ندیده . پس این رسالت را فردوسی داشته و مسلماً مقام اجتماعیش هم خیلی بالاتر است .

تلاش - پس ممکن است بفرمائید وظیفه یا رسالت شاعر یا نویسنده چیست ؟

استعلامی - من فکر می‌کنم شاعر یا نویسنده در عصر خودش باید مقداری فکر تازه در ذهنش ایجاد بشود و اینها را به جامعه‌اش تحویل بدهد ولی این فکرها را بعنوان وحی منزل ندهد . این فکرها را طوری به جامعه تلقین بکند که مغز افراد جامعه‌اش را هم به فکر کردن وادارد حتی

تا آن درجه‌ای که جامعه افکار خودش را هم طرد بکند و عوض آن افکار نوتری بگذارد .

تلاش - آقای دکتر بعضی از شعرا این جنبه فردیت شعرا (چه مدح و چه قدح) تا آنجا رسانیده بودند که مردم حکایت طنر آمیزی را به آنها نسبت می‌دادند نظیر حکایاتی که فرضا عید در باره محمود آورده است که وی هنگامیکه گرسنه بود و از خوراک بادمجان خوشش آمد و شاعر مدح بادمجان را گفت و چندی بعد که از سرسیری همان خوراک را می‌خورد بدش آمد و شاعر قدح بادمجان را و وقتی علت را جویا شد شاعر گفت من مداح تو هستم نه بادمجان البته این داستانها شاید تا این درجه واقعیت نداشته باشد بنظر شما این چگونه بوده ؟

استعلامی - اصولاً من فکر می‌کنم شعر را اینها درست می‌کنند و نه خراب و آنها نیستند که می‌گردانند بلکه جامعه است . آن چیزی که بمعنی هنری ما بحث می‌کنیم . اما همیشه همانجور که می‌بینید يك عده‌ای تابلو «میکل‌آنژ» را کپی می‌کنند و در بازار می‌فروشند ، عده‌ای هم هستند که کپی شعر هنری را ابزار قرار می‌دهند برای هدفهای شخصی و مادی و اجتماعی خودشان بنابراین باید گفت که همیشه عده‌ای بوده‌اند که از این کپی ها استفاده می‌کردند نه از تابلو اصل . و جزو این کپی ها يك وقت هم وصف بادمجان می‌شده يك وقت هم وصف هندوانه و يك وقت هم وصف زلف یار . پس اینها را ما جزو شعر نمی‌آوریم که رویش قضاوت بکنیم . مگر همین آلاّن هم در روزگار ما کسانی نیستند که بهر مناسبتی يك دوبیتی می‌گویند و در يك انجمنی می‌خوانند و برایشان هم دست می‌زنند . هیچکس اینها را شاعر نمی‌داند خودشان هم خودشان را شاعر نمی‌دانند . فقط از این راه يك استفاده‌ای می‌برند . کاری هم به آنها نداریم . زندگیشان این است . آنها را هم می‌شود دوست داشت و عیبشان را نگفت .

تلاش - پس این همه افتخاری که ما به شعرا قدیممان می‌کنیم (اکثر آنها کسانی بوده‌اند که مدح فلان شخص را کرده تاصله‌ای دریافت دارند و اگر این صله یا پاداش دیر یا کم می‌رسیده ، شعر بعدی شاعر در ذم او و مدح دیگری بوده یعنی شعر پیشه‌و یا وسیله معاش بوده .) بدین ترتیب ما نباید آنها را شاعر بحساب بیاوریم . و اصلاً ممکن است شما چند شاعر با آن مقدماتی که فرمودید نام ببرید ؟

استعلامی - فکر می‌کنم که در ادبیات گذشته‌مان تعداد ، در عین حال آنقدر هم محدود نیست کسانی که واقعاً شاعری و نویسندگی برایشان هنر محض بوده . مثلاً فرض کنید خیام . از شعر ، چه استفاده اجتماعی یا مادی برده ، ناصر خسروئی که آن

طورپیری دشوار خودش را در قلعه یمگان گذرانده بود و رنج کشیده و افکارش را تبلیغ کرده به درستی یا نا درستی آن کار نداریم ولی در راه اندیشه خود جانبازی کرده و مولوی کسیکه می بیند جامعه دیگر شیوه وعظ و باصطلاح منبر رفتن پدرش را قبول نمی کند و یکمرتبه سخن حقیقت را با رقص و پایکوبی همراه می کند. و با شیوه نو فکر خود را به جامعه می دهد و آن مکتب انسانیت را که در عالیتترین درجه اش در مثنوی می بینیم تلقین می کند. اینها چهره هائی هستند که در عین حال محدود هم نیستند و ما می توانیم باز هم پیدا کنیم: مثل حافظ، عبید و در بعضی موارد سعدی، از نظر پیشبرد اجتماعی موثر بوده اند.

تلاش - آقای دکتر آنچه که از ادبیات قدیم در کتابتان نام برده اید تاریخ را سه هزار ساله می دانید. ممکن است توضیح بیشتری در این مورد بدهید.

استعلامی - سه هزار ساله باین دلیل می دانم که من در باقیمانده اوستای زردشت مقداری شعر می بینم و احساس لطیف یک شاعر هنرمند را بعضی وقتها که ما این کتاب را می خوانیم و برای خود ترجمه می کنیم در آن می بینیم. بنابراین ادبیات ما در واقع از زردشت شروع می شود. و از زردشت تا حالا با تحولات گوناگونی که در خود زبان و در قواعد و در نوع آثار بوده ما می توانیم بگوئیم که در حدود سه هزار سال ادبیات داریم.

تلاش - آقای دکتر تا آنجا که من اطلاع دارم تاریخ پیدایش زردشت را ۶۰۰ قبل از میلاد ذکر کرده اند و با این حساب شما پانصد سال یا کمی بیشتر از آنچه که هست، ذکر کرده اید چه توضیحی می فرمائید؟

استعلامی - می دانید که در این مورد نظر قطعی وجود ندارد و اگر ششصد سال باشد دوهزار پانصد سال پیش از این روزگار ما بوده. در قضاوتهائی که تاریخهای مربوط به زردشت می گویند تا هزار سال هم رفته اند. حتی بعضی از محققان تا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح هم رفته اند.

تلاش - در نمونه هائی که در کتابتان از آثار گذشتگان (خاصه دوره مشروطیت) آورده اید در بعضی موارد مثلاً راجع به «حاج میرزا علی امین الدوله» پس از ذکر قسمتی از یادداشتهايش در ذیل توضیح داده اید که انشاء او خالی از خطا و اشتباهات دستوری منطقی نیست ولی این موضوع سبب این نمی شود که از ارزش کارهای او بکاهد. آیا منظور شما این است که تنها درست نوشتن مطرح نیست بلکه باید واقعیات و حقایق را نشان داد و تفهیم کرد حال با هر املاء و یا انشائی که می خواهد باشد؟

استعلامی - نه کاملاً اینطور ولی توجه کنید که در نوشتن، یک مسئله مطرح است و آن این است که مطلبمان را به بهترین

وجهی به خواننده خود برسانیم. امین الدوله بنظر من موفق شده. تعبیر هائی که دارد، کلماتی که بکار می برد، افکارش را با شیطنت هائی خاص که باید گفت نشان می دهد، و بیان می کند، کارش را جالب کرده است. اما اصولاً در نشر دوره قاجاریه ما مقداری لغزشهای دستوری می بینیم که تحت تاثیر کار متنبیان این دوره است. این لغزشها در کتاب امین الدوله هم هست.

تلاش - آقای دکتر چه ویژگیهای در ادبیات مشروطه دیده اید، و آیا این ادبیات را پس از آخرین بازمانده (البته بنظر من ملک الشعرای بهار) تمام شده نمی دانید و فکر نمی کنید اکنون هم جریانی مثل سبک هندی بین شعرای کهنه سرا جریان دارد؟

استعلامی - ویژگیهای که در ادبیات دوره مشروطه می بینیم باید بگوئیم که از نظر فکر فوق العاده نیست و از نظر بیان هم همین طور. ما با اینکه کوشش کرده ایم که بگوئیم مثلاً کارهای دهخدا و بهار اینها نکته های تازه زیاد داشته و خیلی این مسائل را در کتابها شاید بزرگ کرده ایم، باید بگوئیم آن نکته های تازه محدود است. ولی اینکه ختم شده است یا نه. آنهائیکه دوره تقلید را ادامه دادند در واقع با بهار به بالاترین حد خودشان رسیدند. و بعد از بهار نه بهتر از بهار و نه در حد بهار ما کسی را نداشته ایم که شعر به شیوه قدیم بگوید و فکر تازه ای هم عرضه بکند اگر بوده اند در حد پایین تر و اما کار شعرای کهنه سرای ما حساب روشنی ندارد. اغلب آنها مقلد هستند. می دانید که در انجمن ها می نشینند و یک غزل را به میدان می آورند و بقول خودشان استقبال می کنند یعنی هر یک بوزن و قافیه آن چیزی می گویند یا اینکه اگر اینکار را نکنند دنبال مقداری مضامین مذهبی و قرآنی می روند که می شود گفت تقلیدی از بعضی از کارهای حافظ و جامی است.

تلاش - چه چیزی باعث شده که در ادبیات دوران مشروطه شعرا و نویسندگان زبان کوچه را انتخاب بکنند و بیشتر آنچه ما در زبان شعرا و نویسندگان آندوره می بینیم زبان مردم و عامه بوده است. و آیا بنظر شما این روش بیشتر برای آگاهی مردم نبوده و می بایستی چنین زبانی جریان می داشت؟

استعلامی - صد درصد همین است. در همین کتاب «شناخت ادبیات امروز» ملاحظه خواهید کرد. من تحول را در گفتار گرایش به ساده نویسی شروع کرده ام و بعد در گفتار مربوط به سالهای انقلاب. به این نکته اشاره کردم که مثلاً «طالبوف» برای اولین بار مسائل فرهنگی و علمی را آورد به زبان بچه ها، به زبان ساده نوشت. یا دهخدا کسی بود که زبان کوچه و بازار را به مطبوعات کشاند و حرفهایش را به آن زبان زد برای اینکه مردم کوچه و بازار را طرف خود قرار داده بود. شکی نیست که در

شعر و نوشته و مطبوعات دوره مشروطه نزدیک شدن به زبان مردم برای این بود که اینها رسالت خودشان را بتوانند بدهند و مردم را بیدار کنند.

تلاش - با وجود این آقای اخوان از قول نیما که این روش را نپسندیده بود گفته اند که شعر باشعار فرق دارد. در این مورد چه می فرمائید؟

استعلامی - یعنی ایشان می خواهند بگویند که وقتی نظرهای سیاسی اظهار می شود یک شعار است و شعر نیست. **تلاش - البته بیشتر غرضشان این است که ایشان لازم می دانند که شعر پیچیدگی هائی داشته باشد.**

استعلامی - شکی نیست که هنر نباید بدون رموزی باشد و داشتن این رموز لطفی به اثر می دهد و نظر آقای اخوان بنظر من درست است اما ملاحظه کنید که در اینجا باز مسئله هنر به عنوان اولین اصل مطرح نیست. در ادبیات دوران مشروطه ما تکان دادن جامعه مطرح است و جامعه هیچ راهی جز این ندارد که بزبان خودش چیز هائی بشنود تا تکان بخورد.

تلاش - پس چنین باید گفت که این آثار را نمی توان جزو آثار ادبی و هنری «بطور مطلق» بحساب آورد؟

استعلامی - هنر محض نه و من می توانم بگویم هنر در خدمت جامعه یا هنر بصورت ابزاری برای پیشبرد جامعه و به این دلیل ارزش آن کم هم نیست.

تلاش - من از گفته شما چنین نتیجه می گیرم که شما از موافقین تر «هنر برای هنرمند» هستید؟

استعلامی - حتماً، یعنی من به اصالت هنر و آن به اصطلاح داشتن اختصاصات معین و محدود معتقد هستم که باید باشد.

تلاش - آنوقت فکر نمی کنید که هنر محدود بشود. مثلاً شعر فلان شاعر را فقط کسانی نظیر خودش بتوانند بفهمند.

استعلامی - اگر زبان را در آن درست رعایت بکنند، نه، اگر قرار باشد که ما واقعا عمداً همه چیز را در هم بشکنیم برای اینکه آن ابهام را ایجاد بکنیم، که البته يك هنرمند اینکار را نمی کند، و فکر می کنم که هنرمندی که بطور طبیعی هنرمند باشد، هر چه هم که پیچیدگی در فکر یا اندیشه اش باشد باز آن مقدار روشنی دارد که خواننده یا بیننده اثرش را بفهمد.

و نظائر اینهاست. در غیر این صورت هم مقداری موضوعات شخصی زندگی شان در شعرشان مطرح است که بجامعه چیزی تازه ای نمی دهد.

تلاش - آقای دکتر کسی را بعنوان نمونه غزل سرایان معاصر می توانید نام ببرید که غزل خوب بگوید و اصولاً کارش قابل مقایسه با قدما باشد؟

استعلامی - می دانید غزل به شیوه قدیم

خیلی ها می گویند خب بعضی از کار های دکتر رعدی آذرخشی معروف است . بعضی از کار های مرحوم رهی معیری معروف است که واقعا موفقیتی داشته ، بعضی از کار های خانم سیمین بهبهانی خوب است . نمونه در کار های ه . الف . سایه «هوشنگ ابتهاج» که غزل بشیوه قدیم می گوید و در نوع خود قوی است تک تک در کار های مرحوم فرخزاد غزل به شیوه قدیم داریم که خب خوب است . تلاش - برای آشنائی دانشجویان با ادبیات معاصر چه اقداماتی کرده اید . فرضا از دو شاعر «نو پرداز و کهنه سرا» دعوت شود که در جلسه ای هر کدام از مختصات ویژگی های سبک خود سخن بگویند و یا ایراداتی که به کار هر کدام وارد است بگیرند و یا بفرض از يك شاعر . این بحث و گفتگوها سبب می شود که دانشجو با دید وسیعتر و عمیقتری با این مسائل آشنا شود و خود خوبی و بدی را تشخیص بدهد ؟

استعلامی - در این مورد من خیلی محدود فرصت پیدا کرده ام که از بعضی از نویسندگان و شعرا دعوت بکنم که در این کلاس ادبیات امروز با بچه ها مستقیما روبرو بشوند و حرف بزنند . تا کنون مناظره ای ترتیب نداده ام . علت هم این است که من فکر می کنم که درس دانشکده باید مقداری طرح به دانشجو بدهد و بعد مطالعات دانشجویان طرح را تکمیل بکند . بنابراین من مجبور بودم درس های حساب شده را در ساعات محدودی که در اختیار داشتیم برای دانشجویانم بگویم و مجال کافی برای این بحث نداشتم . البته اگر فرصتی پیش بیاید و ما بتوانیم سطح این کلاسها را و گستردگی آن را در کارمان بیشتر بکنیم ، شکی نیست که این کار را می کنیم . و حتی این نوع مناظره ها را هم ترتیب می دهیم .

تلاش - آقای دکتر عقیده شما در مورد زبانی که اکنون در مطبوعات جریان دارد چیست و چه نقائصی در این زبان می بینید و یا چه ایرادی به آن دارید . وجه کوششی کرده اید که به دانشجویان روش صحیح را بیاموزید ؟

استعلامی - ما در اینجا درسی بنام «نویسندگی» داریم در این درس مقداری رموز فنی نوشتن را (نه رموز هنری) چون هنر را نمی شود یاد داد) به شاگرد می گوئیم و تمرین های گوناگونی که این رموز را بهتر در ذهن آنها مرکوز می کند به کلاسها می بریم ، پلی کپی می کنیم به آنها می گوئیم که غلطهای عبارتی را بگیرند . در میان این تمرین ها مقداری هم انتقاد روزنامه داریم . می گوئیم روزنامه فلان روز را بخوانید و مثلا اخبار و حوادث آنرا از نظر نگارش نقد کنید دانشجو اینکار را می کند و بعد که به کلاس می آید و نظرهايش را می گوید و ما هم نظرمات را می گوئیم که در این جاها آن مقاله عیب داشت و دانشجو بدین ترتیب

از ما مقداری نکات فنی یاد می گیرد که کجا ها را چه جور بنویسد بهتر است ؟ و نظری که روی مطبوعات امروز من دارم این است که نشر آنها روان و آشناست . اما بعضی وقتها که نویسندگان کم مایه می خواهند از خودشان اظهار وجود بکنند این زبان را خراب می کنند . اگر بیایند درست همانطوریکه حرف می زنند بنویسند و روابط و افعال را بصورت ادبی در بیاورند ، زبان شیرینی خواهند داشت .

تلاش - آقای دکتر در جزوه شما در قسمتی که مربوط به شرح حال آقای دکتر معین است چنین عبارتی را نوشته اید که : «... نسل دومی در سایه رهنمایی آنها پرورش یافتند که سر آمد آنها دکتر محمد معین بود و هر چند در این نسل چهره هایی داریم که از پاره یی نظرها کارشان گیرنده تر و درخشان تر از معین است اما جانبازی او در راه پژوهش و ...» ممکن است از چند تا از این چهره ها و کارهایشان نام ببرید ؟

استعلامی - همین گفتار را اگر ادامه بدهید چهره های دیگری از همین نسل را من معرفی کرده ام و آن استاد خانلری است و اینکه می گوئیم که از پاره ای نظرها درخشان تر و گیرنده تر است به این دلیل است که با همه ارادتی که من به دکتر معین داشتم و شاگردی و همکاری و اینها ، مردی بود که تحقیقاتش محدود بود به مسائلی حساب شده که در ادبیات قدیم بود و یا در کارهای محققان نسل پیش از خودش .

اما فرض کنید وقتی ما می رویم آثار دکتر خانلری را می خوانیم . کار های دکتر زرین کوب و دکتر محبوب را می خوانیم . در این آثار می بینیم که اینها بدنبال موضوعاتی رفته اند که نسل قبل از خودشان دنبال این موضوعات نبوده اند . مثلا دکتر خانلری برای اولین بار عروض فارسی را انتقاد کرده است . بعنوان رساله دکتری و راه تازه ای را برای وزن شناسی شعر فارسی عرضه کرده است .

دکتر محبوب برای اولین بار ادبیات عوام را جزء کار دانشگاهی آورده و درس داده و رویش کار کرده . دکتر زرین کوب مسائل فکری و اجتماعی و تاریخی مربوط با ادبیات را به شیوه دیگری و از زاویه ای دیگر دیده است و رویش کتابهایی نوشته که فکر به خواننده می دهد . بنابراین اینها هستند که باید بگوئیم نسل تازه ای هستند و در عین حال کارشان از این جهات گیر است .

تلاش - پس بنظر شما در آثار آقای دکتر معین کار ابتکاری وجود ندارد و مثلا فرهنگ ایشان که می دانید مقدار معتنا بهی لغات عامیانه در آن ذکر شده و یا تا آنجا که من اطلاع دارم فرهنگی در دست داشتند که تاریخ لغات را در آن ذکر کرده اند . فکر

نمی کنید این کارها کاری کاملا جدید و تازه باشد ؟

استعلامی - شکی نیست این کار ابتکاری است ولی دکتر معین عمده فعالیتش را روی این نگذاشت و اصولا هدفش این نبود . اگر می خواست به خوبی از عهده هر نوع کار پژوهشی بر می آید .

تلاش - آقای دکتر چرا باید این اندازه اصرار باشد که ادبیات سنگین و پیچیده گذشته حتما به دانشجو تدریس شود و فکر نمی کنید بهتر این باشد که مانند ممالک دیگر مثل انگلیس که اخیرا شنیده ام حتی تدریس آثار شکسپیر را در دانشکده ها شاید دانشکده های مقدماتی کنار گذاشته اند ، در دانشکده های ما هم چنین روشی معمول شود بدین معنی که پس از آشنا کردن دانشجو با نخبه های گذشتگان (که تعدادشان کم هم نیست) بقیه اوقات را صرف آشنائی و بحث و نقد و تحلیل با آثار معاصرین بکنیم تا همیشه کسانی نظیر گذشتگان داشته باشیم و یا بیافرینیم ؟

استعلامی - این کاری است که کرده ایم و همانطوریکه عرض کردم برای اولین بار من تصمیم گرفتم که متن را بصورت اینکه بخوانیم و معنی بکنیم ، درس دادیم یا لااقل فقط در يك نيمسال این کار را بکنیم که شاگرد يك زمینه ای از لحاظ ذخیره لغت و الفاظ پیدا کند و بعد پرداختیم به سیر تفکر در ادبیات گذشته و در سیر تفکر هم مسلما هیچوقت دنبال شعر محدود يك شاعر درجه سوم نفرقتیم . همیشه به چهره های درجه اول که شما می گوئید می پردازد که ما هم به آنها پرداختیم و بعد هم باید بگوئیم که برای اولین بار تحلیل ادبیات معاصر در این دانشکده شروع شده و شاید تا بحال جایی دیگر به این صورت که منظم و کلاسه شده باشد و درس مشخص باشد پیش نیامده است که طرح بشود .

تلاش - آقای دکتر وظیفه سنگینی بعهد گرفته اید و اگر در این راه کوچکتترین غفلتی بنمائید کافی است که اثری عمیق بنماید خاصه که دانشجویان شما با مطبوعات سروکار پیدا خواهند کرد . آیا تا کنون در این باره از خودتان کوتاهی و قصوری ندیده اید و یا اینکه محدودیت هایی در کارتان باشد ؟

استعلامی - نمی توانم بگویم که کوتاهی کرده ام ولی محدودیت هایی داشتم که ناچار بوده ام که آنها را تحمل کنم و آرامتر قدم بردارم . چون هنوز این درسها بعنوان يك درس در جامعه دانشگاهی ایران شناخته نشده پس من هم ناچار بوده ام مقداری محدودتر حرف بزنم . اما همیشه نکته ای را بدانشجویانم گفته ام که من استاد به آن معنی بی نیاز از مطالعه در این رشته ها و در هیچ رشته ای نیستم . شاید دانشجویان من هزار بار این جمله را از من شنیده اند که گفته ام بهترین استاد استادی است که

دانشجو بماند و خودم هم سعی می‌کنم اینجوری باشم نه بعنوان اینکه بتوانم ادعا کنم که بهترین استاد هستم بلکه بعنوان اینکه احساس نیاز می‌کنم به این مسئله که باید همیشه دنبال یافتن مطلب تازه‌ای باشم. شما اگر درسهای دو یا سه سال پیش من را که در ادبیات معاصر می‌دادم و متن آنهم چاپ شده ملاحظه کنید با همین شناخت ادبیات امروز که امسال منتشر کردم می‌بینید که حتی دید من عوض شده است بدلیل اینکه دائم مطالعه کرده‌ام در باره این کارها و خودم معتقد هستم که کار نقص دارد و باید هر روز از نودر باره‌اش تجدید نظر تازه‌ای بشود. در این میان یادی از دوستانی که در موسسه با من همکاری دارند مایه امید بیشتر من است. از جمله این دوستان می‌توانم به نام آقای دکتر عباس حکیم اشاره کنم که ادبیات مغرب زمین را در موسسه تدریس می‌کنند و در تهیه دروسی که عرض کردم همکاری بسیار ارزنده‌ای با من داشتند.

تلاش - آقای دکتر فرمودید آقای دکتر عباس حکیم ادبیات مغرب زمین را در این دانشکده تدریس می‌کنند ممکن است توضیح بیشتری در این مورد بدهید که منظور شما از ادبیات مغرب آن ادبیاتی است که اکنون جریان دارد مثل کتابهای سارتر و برشت یا احيانا شعر سن ژان پرس یا چیزهای دیگر؟

استعلامی - متن اینها شاید تدریس نشود ولی زمینه های اجتماعی، اقتصادی و روانشناسی که برای بوجود آمدن آثار این تیپ نویسنده ها مطرح هست اینجا طرح می‌شود و روی ارزش خود آثار هم گفتگو می‌شود و دانشجو در این درس چه از استادش می‌شنود و چه خودش مامور به مطالعاتی می‌شود که نتیجه آن این خواهد بود که بتواند این آثار را با آثار ادبیات ایران (چه قدیم و چه جدید) بسنجد و ارزیابی کند و کنار هم بگذارد و برتری هر کدام را درك بکند. بنابراین متن درس داده نمی‌شود.

تلاش - آقای دکتر می‌دانید که اگر دانشجویان با ادبیات مغرب زمین آشنائی پیدا بکنند در اندیشه آنها - خاصه اینها که اهل قلم می‌شوند - تاثیر عمیق‌تر و بهتری خواهد گذاشت آیا در این راه اقداماتی کرده‌اید فرضا به خود دانشجو بگوئید که کتابها و مقالات فلان نویسنده و یا مقاله نویس را بخواند و یا فلان فیلم یا نمایش را ببیند؟

استعلامی - کوششی در این راه شده ولی شاید نه به آن اندازه‌ای که انتظار می‌رود چون همانطوریکه گفتم مجال خیلی محدود است. کوششمان به این صورت بوده است که من مثلا درباره تئاتر معاصر ایران يك بحث کلی در ادبیات معاصر گفته‌ام در اینجا به برشت یا بکت اشاره کرده‌ام و کوشش کرده‌ام يك مقداری زمینه فکری آنها را هم بگویم اما محدود است. در آن درسی که عرض

صفحه ششم

کردم آقای دکتر عباس حکیم می‌دهند این زمینه بیشتر گسترده می‌شود و برای اینکه این درس واقعا درس دانشگاهی است و از نظر فکر بچه‌ها مفید است برای سالهای آینده تصمیم گرفتیم که این درس را بصورت يك درس انتخابی در برنامه سال دوم قرار بدهیم که هر دانشجویی که خواست بتواند از این درس استفاده بکند.

تلاش - آقای دکتر بفرمائید خود دانشجویان را تا چه حد علاقه‌مند به این آثار (چه قدیم و چه جدید) می‌بینید و آیا با آنها از نزدیک تماس داشته‌اید که بدانید کتابهایی که آنها می‌خوانند و یا احتمالا در دستشان می‌بینید، از چه نوع است. بطور کلی قصد این است که این دانشجویان اصولا علاقه‌ای به مطالعه از خود نشان می‌دهند یا نه؟

استعلامی - نکته‌ای که بعنوان مقدمه این جواب باید بگویم این است که بیشتر دانشجویان ما شاغل هستند و کار دارند. بنا بر این وقتی آنها برای مطالعه محدود است و خیلی از آنها نمی‌توانند مطالعات وسیعی داشته باشند. اما من شاید در همین دیباچه‌ای که به کتابم نوشته‌ام اشاره کرده‌ام که در میان دانشجویانم دوستانی پیدا کرده‌ام که اینها خوب کتاب می‌خوانند و نکته‌های باریک را با دقت در می‌یابند و خوب بیان می‌کنند.

تلاش - آقای دکتر خودتان چیزی دارید که برایمان بگوئید بعنوان آخرین جواب شاید مثلا گله‌ای و یا ناراحتی در کارتان داشته باشید با موانع و مشکلاتی؟

استعلامی - گله و ناراحتی اگر اسمش را نگذاریم بهتر است، مشکلات داریم و مشکلات هم این است که حتی من خودم که سالهائی کارهای معاصر را خوانده‌ام، برای ساختن دروس زبان و ادبیات فارسی که در این موسسه می‌دهم، واقعا احساس می‌کنم که بارم خیلی سنگین است. علتش هم این است که بسیاری از همکاران ما کسانی هستند که فارغ‌التحصیل دانشکده ادبیات هستند و دلشان می‌خواهد که برنامه دانشکده ادبیات در اینجا پیاده بشود و این بدرد کار ما نمی‌خورد. بنابراین من در محظور هستم و همکاری که بدرد این کارهای نو و کارهای مثبت و موثر در کار مطبوعات بخورد کم دارم و پیشرفت زیادی نمی‌توانم داشته باشم. این پیشرفتهای محدود من را رنج می‌دهد که کاش از این سالیان می‌توانستم بیشتر استفاده بکنم و بیشتر استفاده شاید برسانم. شاید مشکل اساسی من همین باشد والا از لحاظی که در محیط کارمان هست، صمیمیتی که دستگاه اداری موسسه با کارهای علمی ما نشان می‌دهد و علاقه‌ای که در چاپ و نشر کتابها و ارزان در اختیار دانشجو گذاشتن آن. اینها واقعا کمکهایی است که بما می‌کنند تا کارمان ارزش پیدا کند و بهتر پیش برود و موثرتر بشود. این است که من واقعا صمیمانه باید بگویم از همکارهائی هم که

حتی در این راه با من همراه نیستند متشکرم. برای اینکه آنها هم واقعا دلشان نمی‌خواهد که کار من لنگ بماند و آنچه می‌توانند می‌کنند. آن دو همکارم را هم که نام بردم واقعا ارزششان خیلی بالاست و در این کار موثر.

تلاش - آقای دکتر راجع به دانشکده ادبیات این طور فرمودید که همکارانتان فارغ‌التحصیل آن دانشکده هستند و شما نمی‌خواهید که روش آن دانشکده در اینجا تدریس بشود. چنین بنظر می‌آید با برنامه ها و روش تدریس آنجا مخالفتی دارید چه توضیحی می‌فرمائید؟

استعلامی - مسئله مخالفت و یا موافقت نیست. خود من هم همانجا درس خوانده‌ام مسئله این است که آن کارها بدرد ما نمی‌خورد و من روزی که به اینجا آمدم و شروع بکار کردم اولین کارم این بوده که آنچه را خوانده‌ام بعنوان يك ابزار فقط بشناسم حتی دکترای دانشکده ادبیات خودم را و در کنار آن بوسیله این ابزار کار بکنم و کار تازه‌ای که مورد نیاز اینجاست بوجود بیاورم. این انتظار را هم از هر کسی نمی‌توانم داشته باشم. ممکن است برای خیلی‌ها آسانتر باشد که ۳۰ ساعت در هفته در جاهای مختلف تدریس بکنند و آن درس را هم تکرار بکنند و ممکن است منافع مادی و اجتماعی آن خیلی هم برایشان بیشتر باشد ولی من اینکار را نکردم برای اینکه من مجبور بودم کاری بیاورم مناسب اینجا. بنابراین بدون اینکه جنبه مخالفت با برنامه دانشکده ادبیات داشته باشد، باید بگویم که کاری که بدرد اینجا بخورد آن نیست و کارهایی هم که من و همکارانم کرده‌ایم هنوز شناخته نشده و جلوه خودش را نکرده است. «این مصاحبه در تیرماه انجام گرفت.»

بیوگرافی محمد استعلامی

تیرماه ۱۳۱۵ در اراك از خانواده كم بضاعت از نظر مالی متولد شد. وی تحصیلات متوسطه را در اراك و در تهران پایان رسانید.

در سال ۱۳۳۷ در رشته ادبیات در دانشسرای عالی فارغ‌التحصیل شد.

وی از سال ۱۳۳۷ تا ۴۴ دبیر بود سپس تدریس در مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی و ریاست گروه فارسی درموسسه عالی علوم ارتباطات اجتماعی را برعهده گرفت.

او اکنون استادیاری دانشسرای عالی و تصدی امور آموزشی را برعهده دارد.

از جمله آثارش: تصحیح و بررسی تذکرة الاولیاء ۱۳۴۶ - ادبیات امروز ۱۳۴۹ - بررسی شاهکارها با همکاری خانم زکریا روانپور، چند جزوه از مجموعه شاهکارهای ادبیات فارسی، کلیاتی درباره ادبیات ایران در قرن ۱۴ هجری و در سال ۱۳۴۹

عکس ها

از میان تعدادی عکس که خوانندگان تلاش فرستاده بودند ، چند عکس را که نسبتاً زیباتر بود انتخاب کردیم . ازین ببعد چند صفحه تلاش را اختصاص به اینگونه عکس ها خواهیم داد .

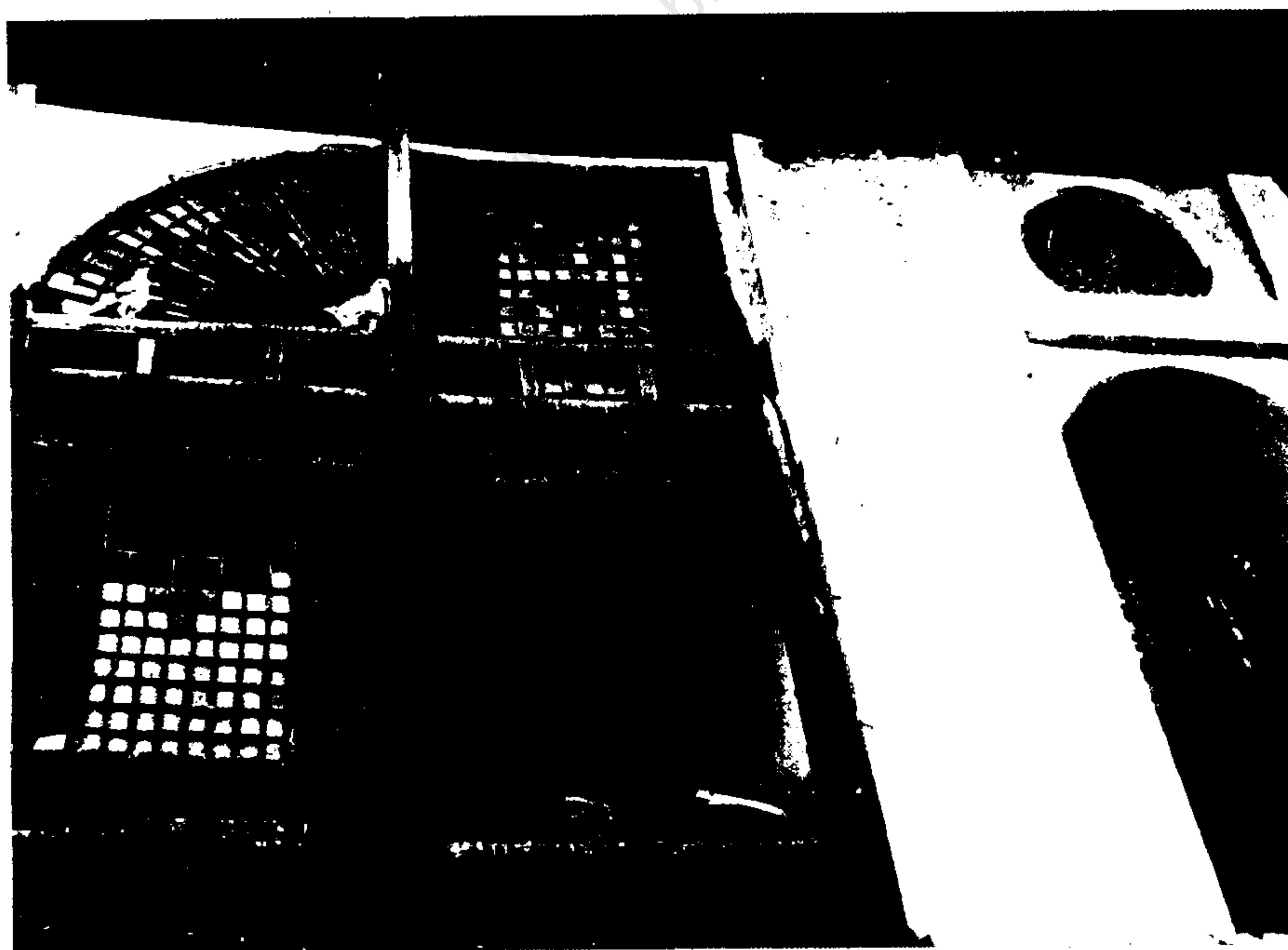
صاحبان و تهیه کنندگان عکس هایی که در تلاش چاپ می شود از طرف ما هدیه ای دریافت خواهند داشت و شش تا از بهترین عکس ها هم در پایان سال جایزه ای خواهند گرفت . عکسهائی که گرفته آید و تصور می کنید جالب هستند ، حتماً برای ما بفرستید .

عکس های سیاه و سفید و یا رنگی نگاتیف بایستی روی کاغذ برقی با اندازه ۲۴x۳۶ سانتی متر چاپ شده باشد اسلایدهای پوزیتیف در قطع های ۲۴x۳۶ و ۶۰x۶۰ میلیمتر و بزرگتر هم پذیرفته می شود . نوع فیلم ، سرعت دوربین و اندازه دیافراگم و نوع دوربین هم در پشت هر عکس باید ذکر گردد . نسخه اصلی فیلم ها هم (نگاتیف یا پوزیتیف) در اختیار تلاش خواهد بود .

















در صندوق بازمی شد ولی چون کسی از آن کلمه اطلاع نداشت و از طرفی چون نمیخواستند آن قفل را خراب کنند باین نتیجه رسیدند که تمام ترکیبات آن حروف را امتحان نمایند تا کلمه دلخواه بدست آید. از طرفی می دانیم برای هر ترکیب ۳ ثانیه وقت لازم است آیا می شود امیدوار بود که در عرض ۱۰ روز کار یعنی ۸۰ ساعت بتوانند آن صندوق نسوز را باز کنند.

جواب - اولاً حساب می کنیم تعداد کل ترکیبات ممکنه را
 ترکیبات ممکنه دوحرفی $36 \times 36 = 36^2$
 ترکیبات ممکنه سه حرفی $36^2 \times 36 = 36^3$
 و همچنین چهار حرفی 36^4 و ۵ حرفی $36^5 = 38^5$
 زمان لازم برای درست کردن ترکیبات ممکنه فوق عبارت خواهد بود از:

ثانیه $38^5 - 181398528 - 60466176 \times 3$
 و این مقدار ثانیه مساوی تقریباً ۵۰۰۰۰ ساعت یا ۶۳۰۰ روز کار و یا ۲۰ سال و احتمال اینکه صندوق در ظرف ۱۰ روز باز شود بسیار ضعیف است یعنی یک در ۶۳۰ یا $\frac{1}{630}$
 مسافرت جک لندن

جک لندن در یکی از داستانهای خود می نویسد که از اسگوای در سرتمه ای که بوسیله ۵ سگ کشیده می شد با عجله به بالین دوست مریض خود می رفت در این داستان چند نکته ای است که یک مسئله جالب توجه بوجود می آورد.
 در طی ۲۴ ساعت اول سرتمه با سرعت تمام حرکت می کرد. در پایان ۲۴ ساعت اول ۲ سگ طنابهای خود را پاره کرده و همراه با دسته ای از چنگال گرگی فرار کردند و جک لندن مجبور بود سفر را با سه سگ ادامه دهد و آنهم با سرعت ۳۵ برابر سرعت اول در نتیجه جک لندن ۴۸ ساعت دیرتر از موعد به محل اقامتگاه دوست خود رسید. جک لندن اضافه می کند که اگر ۲ سگ فراری ۵۰ میل دیگر هم با آنها می بودند وی ۲۴ ساعت زودتر به محل مذکور می رسید در اینجا این سؤال پیش می آید که مسافت بین اسگوای و محل اقامت دوست جک لندن چقدر بوده است در داستان بآن اشاره نشده است ولی حقایقی که در آن نهفته شده و کافی است که بشما کمک کند این مسافت را محاسبه کنید.

جواب - فاصله بین اسگوای تا محل دوست جک لندن $\frac{1}{3} \times 1333$ میل بوده است.
 $7 \times 8 \times 9 = 504 - 60$

این چیست که تاج نقره بر سردارد
 وز آتش سرخ تاج و افسر دارد
 ناکرده گناه روی او چون قیر است
 در گردش از هر طرفی زنجیر است

آن چیست که در برگ پناهی دارد
 رخت (۱) سیه و سبز کلاهی دارد
 پوستش بکنند و سینه اش چاک دهند
 من در عجبم کاین چه گناهی دارد

چیست آن چارپای نیرومند
 که ز پولاد پیرهن دارد
 چشم او چون ستاره نورانی است
 ز آهن و روی، او بدن دارد
 بینش بهن همچو خرطوم است
 لیک نه گوش و نه دهن دارد

(۱) لباس

سرگرمی

از - گل آرا میر تقوی

چهار برادر - چهار برادر با هم ۴۵ ریال پول دارند اگر پول اولی را ۲ ریال اضافه کنند و از پول دومی ۲ ریال کم کنند پول سوم را ۲ برابر کنند و پول چهارمی را نصف کنند پول چهارتائی آنها مساوی خواهد شد. آیا می توانید بگوئید هر کدام چقدر پول داشتند.

جواب

$$X + Y + Z + t = 45$$

$$X + 2$$

$$Y - 2$$

$$2Z$$

$$\frac{t}{2}$$

مجموع پول چهار نفر

۲ ریال به پول اولی اضافه کردند

۲ ریال از پول دومی کم کردند

پول سوم را دو برابر کردند

پول چهارمی را نصف کردند

پول همه مساوی می شود

$$X + 2 = Y - 2 = 2Z = \frac{t}{2}$$

از این جا سه معادله مجهول بدست می آید.

$$X + 2 = Y - 2$$

$$X + 2 = 2Z$$

$$X + 2 = \frac{t}{2}$$

$$Y = X + 4$$

$$Z = \frac{X + 2}{2}$$

$$t = 2X + 4$$

$$X + X + 4 + \frac{X + 2}{2} + 2X + 4 = 45$$

$$X = 8 \text{ و } Y = 12 \text{ و } Z = 5 \text{ و } t = 20$$

قفل رمزدار - دریکی از قصر های قدیمی صندوق نسوزی بدست آمد که دارای قفل رمزدار بود و این قفل تشکیل شده بود از ۵ دایره که روی هر دایره ۳۶ حرف بود با چرخیدن این دوایر و قرار دادن بعضی از حروف در مقابل هم کلمه ای درست می شد که فقط در مقابل آن کلمه بخصوص

تشیع و تصوف

در بحث از ارتباط غامض و پیچیده و نسبتا مهم بین تشیع و تصوف، همواره بحث اصول و مبادی یا واقعیت‌ها و تاریخ و همواره بحث تاریخی آن نباید به اعتقاد مکرر بعضی از شرق‌شناسان که اصل و منشاء قرآنی و اسلامی تشیع و تصوف را مورد تردید قرار می‌دهند، توجه داشت. در حالی که نظریه آنها این فرض غلطی است که اسلام و اسلامیان با وجود آنکه در این رابطه «دین شمشیر» برای مردم سادگی پیدا کرد و با تشیع و تصوف برخورد می‌کردند و همین هر چه از حاکمان از عرفان و جنبه باطنی دین باشد و همبر اسلامی تلقی کرده، آنرا نادیده می‌گرفتند و نبودن اسناد و تأیید تاریخی در ادوار اولیه اسلام را دلیلی بر مسدعای خویش می‌پندارند، کوئی شیء معنوم فی نفسه می‌تواند چیزی را که وجود داشته‌است، ولی اثری از خود بجا نگذاشته تا بتوان آنرا تجزیه

و تحلیل کرد، نقض و ابطال کند. واقعیت تشیع و تصوف بعنوان جنبه‌های اساسی وحی اسلامی آنقدر بدیهی و استوار است که هیچگونه ادله کاذب تاریخی نمی‌تواند آنها را نادیده بگیرد، صرف وجود میوه بر روی درخت ثابت می‌کند که ریشه‌های درخت در زمینی است که آنرا تغذیه می‌کند و ثمره معنوی فقط می‌تواند حاصل شجری روحانی باشد که در حقیقت وحی ریشه دارد.

انکار این حقایق بدیهی و روشن مانند اینست که قدیس بودن شخصی مانند سنت فرانسیس آسیزی St Francis of Assisi را بدانجهت که اسناد و مدارک تاریخی سالهای اولیه خلافت پاپها روشن نیست مورد شک و تردید قرار دهیم. وجود سنت فرانسیس در حقیقت درست عکس این مطلب را ثابت می‌کند، یعنی اینکه حتی اگر هیچگونه اسناد و مدارک تاریخی درست نباشد، خلافت پاپها امری قطعی و محرز است. همین امر با اندکی تغییر و تصرف درباره تشیع و تصوف نیز صادق است.

بهر حال مادر این مقاله با مسلم فرض کردن ویژگی اسلامی تشیع و تصوف سخن خود را آغاز می‌کنیم و بر این پایه و اساس به بحث و تأمل درباره روابط آنها می‌پردازیم (۱).

ارتباط بین تشیع و تصوف از آنجهت پیچیده است که در بحث از این دو واقعیت، در هر دو مورد، یک جنبه یایک ساحت معنوی اسلام مورد نظر ما نیست. اسلام هم دارای یک جنبه ظاهری و هم یک جنبه باطنی است که باتمام تقسیمات درونی خود، نمودار نظام «طولی» وحی می‌باشد ولی همینطور اسلام به تسنن و تشیع نیز تقسیم گردیده است که می‌توان گفت که نمودار نظام «عرضی» آن است. (۲)

اگر این تنها جنبه این ارتباط می‌بود، کار نسبتاً ساده بود. ولی در واقع جنبه باطنی اسلام که در محیط تسنن تقریباً بطور کامل بنحوی با تصوف ارتباط دارد، تمام نظام تشیع را در هر دو جنبه باطنی و حتی ظاهری آن رنگ و صبغه بخشیده است. می‌توان گفت که باطنیت اسلام یا عرفان، در عالم تسنن بصورت تصوف شکل گرفت در حالیکه تمام نظام تشیع را مخصوصاً در دوره اولیه آن تحت تأثیر قرار داد. (۳)

از نقطه نظر تسنن تصوف همانندی‌هایی با تشیع دارد و حتی جنبه‌هایی از تشیع را در خود جذب کرده است.

مرجع معتبری چون ابن خلدون در این باره می‌نویسد:

«وهم متصوفه به قطب وابدال عقیده‌مند شدند و گوئی آنها در این عقیده از مذهب را فضیان درباره امام و نقیبان تقلید کردند و اقوال شیعیان را با عقاید خود در آمیختند و

در دیانت، مذاهب ایشان را اقتباس کردند و در آنها فرو رفتند، بحدیکه مستند خود را در پوشیدن خرقة‌ای قرار دادند که علی‌رض، آنرا بر حسن بصری پوشانیده و وی را بحفظ کردن آن ملزم ساخته بود و این خرقة وطریقت به عقیده آنها از حسن بصری به‌جند یکی از مشایخ آنان رسیده است.» (۴)

از نظرگاه شیعیان، تشیع اصل و منشاء نهضتی است که بعداً به تصوف معروف شد ولی در اینجا منظور از تشیع تعالیم باطنی حضرت ختمی مرتبت است، یعنی همان اسراری که بسیاری از مراجع معتبر شیعه با «تقیه» یکسان دانسته‌اند.

هریک از این دو نظرگاه تشیع و تصوف نمودار جنبه‌ای از یک واقعیت است که از دو جهان بینی مختلف که هر دو در سنت حنیف اسلام جای دارد، بدان نگریسته شده است. این واقعیت عبارت از تعالیم باطنی اسلام یا عرفان است. اگر تصوف و تشیع را از حیث ظهور تاریخی آنها در دوره‌های بعد، مورد التفات قرار دهیم، در آنصورت نه تشیع و نه تسنن و نه تصوف اهل سنت هیچیک از دیگری اخذ نمیشود و همه آنها اعتبار و سندیت و حجیت خود را از پیغمبر اسلام صلی‌الله‌علیه و آله و منبع وحی و مشکوة نبوت دریافت می‌کنند، ولی اگر منظور ما از تشیع تعالیم باطنی اسلام باشد در آنصورت البته از تصوف تفکیک ناپذیر است. برای مثال امامان شیعه علیهم‌السلام در سیر و سلوک معنوی تصوف سهم خاص و مهمی داشته‌اند ولی اهمیت ایشان از آنجهت بوده است که نماینده و ممثل تعالیم باطنی اسلام بودند و نه بدان سبب که ائمه شیعه آنطور که شیعه بعداً قوام و تشکیل یافت، بوده‌اند.

در واقع بین مورخین متأخر مسلمان و دانشمندان عصر حاضر این تمایل غلط و نادرست وجود دارد که تمایزات و اختلافات روشنی که فقط در دوره‌های بعد بوجود آمد، در مورد دو قرن اول اسلام نیز معمول میدانند. (۵)

درست است که می‌توان عنصر شیعه و حلقه دوستان علی را حتی در زمان حیات پیغمبر صلی‌الله‌علیه و آله نیز مشاهده کرد و تشیع و تسنن در خود اصل و منشاء حیات اسلامی ریشه دارد و مشیت الهی آنها را برای هم‌آهنگ کردن طبایع مختلف نژادی و روانی مقدر ساخته است، ولی تقسیمات و انشعاباتی که در قرون بعد بوجود آمد، در دوره‌های اولیه اسلام وجود نداشت. بعضی از عناصر سنی مذهب دارای تمایلات خاص شیعی بود. (۶)

و شیعیان از لحاظ فکری و اجتماعی، روابط خاصی با اهل سنت و جماعت داشتند. ولی در موردی خاص، خصوصاً قبل از قرن

چهارم، قضاوت درباره اینکه فلان نویسنده شیعه بوده است یا سنی دشوار است، اگر چه حتی در این دوره هم، حیات دینی در تشیع و تسنن، هر یک رنگ و صبغه خاص خود داشته است.

در این محیط که جمود و تبلور و تقشر آن کمتر و انعطاف آن بیشتر بود از نظرگاه شیعیان، ارکان باطنی اسلام که خاص شیعه است، ظاهراً نماینده جنبه باطنی اسلام در عالم تسنن نیز بود. بهترین مظهر بارز این امر حضرت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام است. تشیع ذاتاً «اسلام علی» است و حضرت علی علیه‌السلام در تشیع هم دلیل و پیشوای باطنی و هم پیشوای ظاهری بعد از حضرت ختمی مرتبت است (۷). در عالم تسنن هم تقریباً تمام سلاسل تصوف به حضرت علی علیه‌السلام می‌پیوندند و او بعد از حضرت پیغمبر خاتم صلی‌الله‌علیه و آله عالیت‌ترین پیشوای معنوی و روحانی است و حدیث مشهور «انا مدینه العلم و علی بابها» که اشاره مستقیمی به اهمیت حضرت علی علیه‌السلام در تعالیم باطنی اسلام است، هم مورد قبول شیعیان و هم مورد قبول اهل سنت و جماعت می‌باشد ولی خلافت روحانی حضرت علی علیه‌السلام از دیدگاه صوفیه اهل سنت چیزی مخصوص و منحصر به شیعه نیست بلکه فی‌نفسه مستقیماً با تعالیم باطنی اسلام ارتباط دارد. مع هذا احترام خاصی که شیعیان و صوفیه نسبت به حضرت علی علیه‌السلام قائل هستند نشان میدهد که تا چه حد تشیع و تصوف با یکدیگر همبستگی نزدیکی دارند. تصوف دارای شریعت خاصی نیست بلکه فقط یک طریقت معنوی است که بایکی از مذاهب شرعی چون مذهب مالکی یا شافعی بستگی دارد ولی تشیع هم دارای شریعت و هم دارای طریقت است. از جنبه طریقت صرف، تشیع در بسیاری از موارد با تصوف اهل سنت — یکسان است و بعضی از سلاسل تصوف چون سلسله نعمة‌اللهی هم در عالم تشیع و هم در عالم تسنن وجود داشته است ولی علاوه بر این تشیع حتی در جنبه‌های ظاهری و شریعتی هم دارای بعضی از ریشه‌های باطنی است که آنرا با تصوف بسیار نزدیک می‌کند. در واقع می‌توان گفت که تشیع، حتی در جنبه ظاهری و صوری آن، متوجه بسوی مقامات عرفانی پیغمبر و ائمه اطهار علیهم‌السلام است که غایت و کمال مطلوب حیات معنوی در تصوف نیز هستند.

ذکر چند مثال درباره ارتباط و همبستگی پیچیده و گسترده‌ای که بین تشیع و تصوف وجود دارد می‌تواند بعضی از نکاتی را که در فوق مورد بحث قرار دادیم روشن‌تر سازد. در اسلام بطور اعم و در تصوف بطور اخص، شخص کامل و واصل بحق را ولی‌الله می‌نامند و اسم این کلمه ولایه است.

در مذهب شیعه مرتبه امامت با مقام ولایت که صورت فارسی کلمه ولایه است ملازم و ارتباط دارد (۸). بنا به عقیده شیعیان، پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله مانند انبیاء اولوالعزم سلف، علاوه بر قدرت نبوت و رسالت بمعنای آوردن شریعت الهی، دارای نیروی هدایت و ارشاد معنوی و ولایت نیز بوده است و ولایت از طریق دخترش فاطمه علیها سلام به حضرت علی علیه السلام و از ایشان به ائمه اطهار علیهم السلام انتقال یافته است. از آنجا که امام همیشه حی و زنده است، مرتبه ولایت نیز همیشه وجود دارد و می تواند مردم را به حیات معنوی دلالت و هدایت کند، بنابراین دایره ولایت که بعد از دایره نبوت می آید، تا با امروز علی الدوام وجود داشته است و مؤید و ضامن بقای ابدی طریقت باطنی در اسلام است. (۹)

همین معنا درباره ولایه نیز صدق می کند یعنی آنها هم مربوط به حضور یک عنصر روحانی و معنوی زنده و پایدار در اسلام است که انسان را قادر میسازد تا حیات معنوی را به نائل آید. از این جهت بسیاری از متصوفه فعل آورد و به مرتبه ولایت و روح قدسی بعد از حکیم الترمذی توجه و عنایت خاصی به این جنبه اساسی ولایت مبذول داشته اند. (۱۰)

بطور حتم بین تشیع و تسنن درباره اینکه ولایت چیست و ولی کیست و خاتم الولایه چه کسی است اختلاف عقیده وجود دارد. (۱۱)

ولی از طرف دیگر تشابه عقیده بین شیعیان و صوفیان در این باره بعدی است که بسیار شگفت انگیز است و مستقیماً از این نتیجه میشود که هردو بطریقی که در فوق ذکر کردیم با جنبه باطنی اسلام که فی نفسه همان ولایه یا ولایت بمعنای مصطلح درمنابع و مآخذ تشیع و تصوف است ارتباط و بستگی دارد.

از زمره اعمال و افعال صوفیان، یکی از آنها از لحاظ معنای رمزی و تمثیلی ارتباط نزدیکی با ولایه و دراصل با ولایت تشیع دارد.

آن عبارت از پوشیدن خرقه و انتقال آن از شیخ و مراد به مرید بعنوان رمز و تمثیل انتقال تعالیم باطنی و معارف معنوی و فیض و برکت خاصی است که با عمل تشرف به فقر و ارشاد توأم است.

هر مرتبه ای از مراتب وجود مانند خرقه و حجابی است که مرتبه مافوق را مستور و محجوب میسازد، زیرا «فوق» از حیث تمثیل با «باطن و درون» ملازم است، خرقه تصوف رمز انتقال و عبور یک قدرت معنوی است که مرید را قادر میسازد تا به ورای مرتبه شعور و حیات عادی و روزمره خویش قدم گذارد. بعلمت دریافت این خرقه یا حجاب بمعنای تمثیلی آن، مرید می تواند حجاب

درونی را که او را از ذات الهی مستور کرده است و بین آنها حائل شده است بدور افکند. عمل پوشیدن و انتقال خرقه و معنای رمزی آن همانطور که ابن خلدون در عبارت فوق تأیید کرده است با تشیع ارتباط نزدیک دارد.

طبق حدیث معروف کساء پیغمبر صلی الله علیه و آله دختر خود فاطمه را با علی و حسن و حسین علیهم السلام فراخواند و بر آنها ردائی افکند بنحویکه آنها را پوشانید (۱۲).

این ردا و خرقه رمز و تمثیل انتقال ولایت کلیه محمدیه بصورت ولایت جزئیه فاطمیه به حضرت فاطمه علیها سلام و از ایشان به ائمه اطهار علیهم السلام است.

در یکی از احادیث معروف شیعه به تمثیل باطنی خرقه اشارتی رفته است و ما آنرا بعلمت اهمیت زاید الوصف و بخاطر زیبایی آن، بطور کامل در اینجا نقل می کنیم:

«از حضرت نبی صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود که چون در شب معراج مرا با آسمان بردند و وارد بهشت شدم در وسط آن قصری از یاقوت احمر دیدم و جبرئیل در آنرا بر من گشود و وارد قصر شدم و در آن خانه ای از درهای سفید دیدم و وارد خانه شدم و در وسط آن صندوقی از نور که روی آن قفلی از نور نهاده بود دیدم، گفتم ای جبرئیل این صندوق چیست و در درون آن چه چیز است. جبرئیل گفت ای حبیب خدا در آن سری از اسرار خداوند است که آنرا جز بکسی که دوست دارد و حبیب اوست عطا نمی کند. یاو گفتم در این صندوق را برای من بگشا. گفت من بنده ای مأمور هستم، پس از پروردگار خویش بخواه تا برای باز کردن آن بمن اجازه دهد. پس از خداوند اجازه خواستم. در این هنگام ندائی از جانب خداوند رسید که ای جبرئیل در صندوق را بگشای، آنرا باز کرد و در آن فقر و مرقعی دیدم. گفتم ای سرور من و ای پروردگار من، این مرقع و این فقر چیست؟ پس ندائی رسید که ای محمد من از روزی که آنها را آفریدم، برای تو و امت تو برگزیدم و آنها را جز بکسی که حبیب من است عطا نمی کنم و هیچ چیز عزیزتر از آنها نیافریده ام. سپس پیغمبر فرمود، همانا خداوند فقر و مرقع را برای من اختیار کرد و آنها نزد خداوند از همه چیز عزیزتر است. چون حضرت از معراج بازگشت، باذن خداوند و بفرمان او مرقع را بر حضرت علی علیه السلام پوشانید و حضرت علی آنرا می پوشید و بر آن وصله میزد و می گفت بر این مرقع آنقدر وصله زدم که از دوزنده آن شرم دارم و بعد از خود مرقع را به پسرش حسن علیه السلام پوشاندم و بعد از او حسین علیه السلام و بعد از او فرزندان او آنرا می پوشیدند تا اینکه به حضرت مهدی علیه السلام، خاتم الولایه رسید و الآن نزد

اوست.» (۱۳)
ابن ابی جمهور و همچنین شارحان بعدی شیعه که این حدیث را تفسیر کرده اند بر آنند که خرقه ای که صوفیان می پوشند و آنرا انتقال می دهند، همان مرقع مذکور در حدیث فوق نیست، بلکه سعی صوفیان آنست که شرایط و احوال پوشیدن خرقه را از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله تقلید و محاکات کنند و با این عمل بقدر وسع و طاقت خویش از اسرار الهی که خرقه رمز و تمثیل آنست آگاهی یابند.

مسأله کلی ولایت و خرقه ای که رمز و تمثیل آنست مهمترین وجه مشترك بین تصوف و تشیع را که عبارت از آن وجود معارف و تعالیم خفیه است آشکار می کند. استفاده از روش تأویل یا تفسیر باطنی در تفهم رموز کتاب تدوینی یا قرآن کریم و همچنین کتاب تکوینی یا کتاب آفاقی و اعتقاد به بطون و درجات مختلف معنی در درون وحی که در تصوف و تشیع مشترك است همه از وجود این معرفت باطنی نتیجه میشود. وجود ولایت برای تشیع و تصوف یک ویژگی خاص عرفانی و باطنی را تضمین می کند که عقاید و شیوه های خاص تعلیم در هردو از مظاهر آنست.

اعتقاد به وجود امام در مذهب تشیع با ولایت ارتباط نزدیک دارد زیرا امام کسی است که دارای قدرت معنوی و مرتبه ولایت است. سهم امام در تشیع بسیار اساسی و مهم است (۱۴). و ما نمی توانیم در اینجا به جزئیات و فروع این مسأله بپردازیم. ولی از نقطه نظر معنوی مقام و مرتبه امام بعنوان یک هادی و مرشد روحانی دارای اهمیت خاص است و این مرتبه و مقام او خیلی به مقام پیرو مرشد طریقت در تصوف شباهت دارد. یک نفر شیعی همیشه آرزو می کند که با امام خود مواجه شود و او را ببیند و امام در این مورد کسی جز دلیل و راهنمای معنوی و درونی شخص نیست بطوریکه بعضی از صوفیان شیعه درباره «امام وجود تو» (امام وجودك) صحبت کرده اند. قطع نظر از مقام و مرتبه شریعتی و ظاهری امام، مقام و مرتبه ولایتی و ارشادی او و اهمیت او بعنوان دلیل و راهنمای معنوی، به مرشد صوفیان شباهت دارد.

در حقیقت همانطور که در تصوف هر مرشدی با قطب عصر و زمان خویش در تماس است، در تشیع نیز تمام مراتب روحانی در هر عصر و زمانی از لحاظ باطنی با امام پیوستگی و ارتباط دارد. اعتقاد به وجود امام بعنوان قطب عالم امکان با مفهوم قطب در تصوف تقریباً یکسان است و این امر را سید حیدر آملی بوضوح تصریح کرده است در آنجا که می گوید: «قطب و امام هردو مظهر یک حقیقت و دارای یک معنا و اشاره به یک شخص است.» (۱۵)

نظریه انسان کامل ابن عربی (۱۶) خیلی شبیه به نظریه شیعی قطب و امام و همانند نظریه مهدی است که مشایخ بعدی تصوف آنرا تکمیل کردند. پایه و اساس این نظریات اصولاً یک حقیقت باطنی یعنی حقیقت محمدیه است که هم در تشیع و هم در تصوف وجود دارد و در این مورد با توجه به نحوه بیان و صورت تعبیر این عقاید، ممکن است آراء و افکار تشیع در اقوال و عبارات صوفیه بعدی تأثیر مستقیم داشته باشد (۱۷).

عقیده دیگری که شیعیان و صوفیه در صورتهای مختلف در آن مشترکند، نظریه نور محمدی و سلسله ارشاد است. شیعه معتقد بوجود یک «نور ازل» است که از پیغمبری به پیغمبر دیگر انتقال یافته و بعد از پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم به ائمه اطهار علیهم السلام رسیده است. این نور انبیاء و ائمه علیهم السلام را از ارتکاب معاصی باز میدارد و ایشان را از آلوده شدن به خطا و گناه حفظ می کند و بر آنها معرفت اسرار الهی افاضه می کند. برای کسب این معرفت انسان باید از طریق امام که با اتباع و اقتفای پیغمبر شفیع و واسطه بین خداوند و جوینده معارف الهی است، به این نور تمسک جوید. بهمین نحو در تصوف نیز برای دست یافتن به روشنائی که به تنهایی سیر و سلوک معنوی را امکان پذیر میسازد، انسان باید یکی از سلاسل طریقت که به پیغمبر اسلام می پیوندد و از طریق آن فیض و برکت و عنایت شامله الهی از منبع وحی به وجود شخص سالک سران می یابد، تمسک جوید. این سلسله مبتنی بر مداومت و اتصال فیض معنوی است که با نور محمدی در تشیع بسیار شباهت دارد. در حقیقت صوفیان متاخر از نور محمدی صحبت داشته اند.

در دوران اولیه اسلام، مخصوصاً در تعالیم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، نور محمدی در تشیع با سلسله طریقت در تصوف به یکدیگر پیوسته بود و همانند موارد دیگر اصل و منشاء آنها همان تعالیم باطنی اسلام بود (۱۸).

بالاخره در این مقایسه بین تشیع و تصوف باید احوال و مقامات عرفانی را ذکر کرد، اگر ما به مطالعه و بررسی زندگی پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السلام مثلاً آنطور که در کتاب بحار الانوار تالیف مجلسی آمده است بپردازیم (۱۹)، خواهیم دید که در این تراجم و سیر بیش از هر چیز به احوال و مقامات عرفانی افراد مورد نظر تأکید شده است.

غرض و غایت حیات دینی در تشیع عبارت از تاسی به پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السلام و رسیدن به مقامات معنوی آنهاست. اگرچه برای اکثریت شیعیان نیل و وصول به این غایت امکانی بیش نیست ولی خواص شیعه همیشه نسبت به فعلیت دادن و تحقق

بخشیدن آن کاملاً آگاه بوده اند. مقامات عرفانی پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السلام که به وصال و قرب و لقای خداوند منتهی میشود مقصد اعلی و غایت قصوی و منتهای آمال زهاد شیعه بوده است و تمام نظام تشیع بر اساس آن مبتنی است.

حال در تصوف هم هدف و غایت را که عبارت از وصال و تقرب به ذات باری تعالی است، نمیتوان جز از طریق احوال و مقامات که مقام والائی در کتب و رسائل قدیم تصوف دارد، بدست آورد.

زندگی و حیات شخص صوفی هم مبتنی بر سعی و کوشش برای نیل به این احوال و مقامات است. ولی برای صوفی این احوال و مقامات فی نفسهم مطلوب نیست بلکه او در طلب قرب و لقای ذات کبریائی است. البته در تصوف هر کس از این احوال و مقامات آگاه است در صورتیکه در تشیع فقط خواص نسبت به آنها آگاهی دارند و این امر کاملاً طبیعی است زیرا تصوف فی حد ذاته به خواص تخصیص یافته است در حالیکه تشیع مربوط به همه امت، اعم از خواص یا عوام است و دارای جنبه های ظاهری و باطنی مخصوص بخود است ولی اهمیت خاصی که در کتب شیعه در شرح حال پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السلام به مقامات عرفانی داده شده است، شباهت کاملی با مقامات عرفانی صوفیه دارد، در اینجا هم تشیع و تصوف هر دو اشاره به یک حقیقت و کاشف از یک واقعیت، یعنی تعالیم باطنی اسلام است که احوال و مقامات عرفانی با جنبه عملی آن ارتباط دارد.

بعد از بررسی این چند مثال درباره ارتباط و همبستگی اصولی بین تشیع و تصوف اکنون باید دید که چگونه رابطه بین این دو در تاریخ اسلام به ظهور پیوسته است (۱۹).

در دوران حیات ائمه اطهار علیهم السلام از امام اول تا امام هشتم، ارتباط بین تشیع و تصوف بسیار نزدیک بود، نوشته های امامان شیعه، حاوی گنجینه های گرانبهای از عرفان اسلامی است. کتاب نهج البلاغه حضرت علی علیه السلام (۲۰) که بیش از هر کتاب دیگری مورد غفلت اسلام شناسان عصر حاضر قرار گرفته است، کتاب زیبایی صحیفه سجاده امام چهارم حضرت زین العابدین علیه السلام که «زبور آل محمد» (۲۱) نام گرفته است و کتاب اصول الکافی کلینی که شامل اقوال و کلمات قصار ائمه معصومین علیهم السلام است، شرح و تفسیر کاملی از عرفان اسلامی را در بردارد و در حقیقت پایه و اساس بسیاری از شروح و تفاسیر عرفانی در دوره های بعد بوده است. اگرچه همانطور که ماسینیون Massignon نشان داده است (۲۲) اصطلاحات و واژه های عرفانی آنها از هر حیث، مانند آثار اولیه صوفیه یکسان نیست، ولی تعالیم و تعبیر و تاویلات باطنی که در آنها وجود دارد، اساساً همان است که در رسائل قدیم

صوفیه یافت میشود. در زمان حیات امامان شیعه، تماس بسیار نزدیکی بین ایشان و برخی از اکابر مشایخ صوفیه دوران اول وجود داشت. حسن بصری و واویس قرنی از مریدان حضرت علی علیه السلام بودند. ابراهیم ادهم، بشر حافی و بایزید بسطامی با حلقه معنوی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام اتصال داشتند و معروف کرخی از اصحاب نزدیک حضرت امام رضا علیه السلام بود. بعلاوه صوفیان اولیه قبل از اینکه «صوفی» نام گیرند به «زهاد» مشهور بودند و بسیاری از آنها با امامان شیعه ارتباط داشتند و در زندگی زاهدانه خویش از ایشان پیروی می کردند. در کوفه کسانی مثل کمیل، میثم تمار، رشید هجری که همه آنها از صوفیان وزهاد صدر اول بوده اند، از ملازمان و متابعان ائمه معصومین علیهم السلام بشمار میرفتند. قبل از ایشان «اصحاب صفه» مانند سلمان، ابوذر عمار یاسر نیز در زمره اقطاب اولیه تصوف و هم از اولین اعضاء جامعه شیعه بوده اند (۲۳).

فقط بعد از امام هشتم علی بن موسی الرضا علیهم السلام بود که ائمه شیعه، ارتباط خود را با صوفیه علناً آشکار نکردند ولی آنطور که بعضی از خرده گیران ظاهر بین شیعه ادعا کرده اند، این ائمه مخالف تصوف و عرفان نبوده اند، بلکه بعلت شرایط خاصی که در آن زمان حکمفرما بود، در این امور سکوت اختیار کردند. بنابراین حضرت امام رضا علیه السلام ظاهراً آخرین حلقه آشکار و صریح بین تصوف و ائمه شیعه بوده است و در حقیقت تا امروز هم بعنوان «امام ارشاد» معروف است.

بعد از امامان شیعه، تشیع و تصوف از یکدیگر متمایز گردید و تا حدی از یکدیگر جدا شد. در این دوره برخلاف دوران حیات ائمه علیهم السلام، تشیع زندگی سیاسی فعال تری را آغاز کرد. در حالیکه اکثر متصوفه، لااقل در قرون سوم و چهارم هجری از شرکت در امور سیاسی اجتناب می ورزیدند و از کلیه مظاهر دنیوی تبری می جستند معهداً بعضی از صوفیان مانند حلاج بطور قطع شیعی و یادارای تمایلات شیعی بودند و روابط خاصی بین تصوف و تشیع خاصه شیعه اسماعیلی وجود داشت بطوریکه در رسائل اخوان الصفا (۲۴) که اگر قطعاً از اسماعیلیان نباشد، بطور حتم از یک زمینه شیعی است و بعد از ارتباط نزدیکی با شیعه اسماعیلی پیدا می کند اشارات واضح و صریحی به تصوف شده است. شیعه دوازده امامی هم همبستگی ها و پیوند هائی با تصوف از خود نشان داد.

ابن بابویه عالم و محدث معروف شیعه حلقه ذکر صوفیان را توصیف کرده است و سید شریف مرتضی، صوفیان را «شیعیان حقیقی» نامیده است. (۲۵) اصناف و فتوات

مختلف همچنین رابطه و پیوندی بین تشیع و تصوف بوجود آوردند زیرا از یکطرف در محیط شیعه که ارادت خاصی به حضرت علی علیه السلام داشت نشأت یافتند و ازطرف دیگر بسیاری از آنها به سلسله های تصوف پیوستند و بصورت اصناف از شعب و فروع آن درآمدند.

بعد از حمله مغول تشیع و تصوف بار دیگر از جهات بسیار بهم نزدیک شد، بعضی از اسماعیلیان که قدرت آنها بوسیله مغولان نابود شده بود، انجمن های سری تشکیل دادند و بعدا بصورت سلاسل تصوف و یا بصورت شعبه های نودر سلاسل موجود ظاهر شدند. در شیعه دوازده امامی هم از قرن هفتم تا دهم هجری، تصوف در محافل رسمی رشد و تکامل یافت.

دراین دوره بود که برای اولین بار، به بعضی از علما و فقهای شیعه القاب و عناوینی چون صوفی، عارف یا متاله دادند و بعضی از ایشان بسیاری از آثار و نوشته های خود را بدشرح عقاید صوفیه اختصاص دادند. کمال الدین میثم بحرانی در قرن هفتم هجری شرحی بر نهج البلاغه نوشت و معانی و رموز عرفانی آنرا بیان کرد. رضی الدین علی بن طاووس، عضو خانواده ای معروف از دانشمندان شیعه که خود از علمای مبرز آن بشمار میرود، ادعیه ای که دارای مضامین دقیق و اشارات و لطایف رقیق عرفانی است نوشت. علامه حلی، شاگرد خواجه نصیرالدین طوسی و شخصی که اهمیت زیادی در ترویج و اشاعه مذهب تشیع در ایران داشت دارای آثار متعددی است که واجد خصوصیت عرفانی است. اندکی بعد از علامه حلی، سید حیدر آملی، از برجسته ترین علمای شیعه آن عصر صوفی نیز بود و از مکتب عرفان ابن عربی پیروی می کرد. کتاب جامع الاسرار او نماینده اوج تفکر عرفان شیعی است و در آن شاید بیش از هر اثر دیگر ارتباط مابعدالطبیعی و وجودی بین تشیع و تصوف مورد بحث قرار گرفته است (۲۶). آملی معتقد بود که هر شیعه واقعی صوفی است و هر صوفی حقیقی شیعی است.

گرایش بسوی تقریب بین تصوف و مراکز علمی تشیع در قرن نهم در اشخاصی چون حافظ رجب برسی مولف کتاب عرفانی مشارق الانوار و ابن ابی جمهور که کتاب المجلی او از شاهکارهای ادبیات جدید عرفانی شیعه است و کمال الدین حسین بن علی ملقب به واعظ کاشفی دیده میشود. واعظ کاشفی گرچه سنی و صوفی نقشبندی بود، مولف آثار و کتبی درباره معارف شیعه است که در بین شیعیان بسیار مشهور شد، مخصوصا کتاب روضه الشهدای او که کلمه روضه و روضه خوانی که در بین شیعیان متداول است از نام این کتاب گرفته شده است، تمام این اشخاص در آماده کردن زمینه فکری برای نهضت

صفحه شانزدهم

علمی دوران صفوی که مبتنی بر تشیع و تصوف بود سهم بسزائی داشتند.

آنچه که دراین دوره اهمیت خاص دارد گسترش آثار و افکار ابن عربی در ایران مخصوصا درحوزه های علمی شیعه است (۲۷). این نکته محقق گردیده است که ابن عربی از نقطه نظر مذهب سنی و پیرو مکتب ظاهری بوده است ولی همچنین معروف است که او رساله ای در مناقب دوازده امام شیعه نوشت که در بین شیعیان همیشه مشهور بوده است (۲۸). همیشه یکنوع جذب و کشش درونی بین نوشته های ابن عربی و تشیع وجود داشته که امتزاج و تلفیق آراء او را با عرفان شیعی سهل و آسان کرده است. صوفیان شیعی چون سعدالدین حمویه، عبدالرزاق کاشانی، ابن ترکه، سید حیدر آملی، ابن ابی جمهور و بسیاری از عرفای شیعی مذهب این دوره و همچنین فلاسفه و حکمای متاله که مکتب ملاصدرا نمودار اوج تفکر آنهاست، تحت تاثیر کامل افکار و تعالیم ابن عربی قرار گرفتند.

از قرن هفتم تا دهم هجری، نهضت های دینی که هم با تصوف و هم با تشیع ارتباط داشت بوجود آمد، نهضت های افراطی حروفی ها و ششعه مستقما در محیطی شیعی و صوفی نضج یافت. (۲۹). مهمترین این نهضتها بطور کلی آن دسته از سلاسل تصوف بود که دراین زمان در ایران گسترش یافت و در آماده کردن زمینه برای نهضت شیعی صوفیان موثر بود.

درمساله ارتباط بین تشیع و تصوف دو سلسله نعمت الهی و نوربخشی حائز اهمیت خاص هستند. شاه نعمت اله اصلا از اهالی حلب بود و گرچه سید و از اخلاف پیغمبر بود ولی از حیث شریعت ظاهرا از یکی از مذاهب اهل سنت و جماعت پیروی می کرد (۳۰). ولی سلسله نعمت الهی که قبل از شاه نعمت اله با سلسله شاذلیه پیوستگی نزدیک داشت، به صورت یکی از سلسله های خاص شیعه درآمد و تا با امروز یکی از گسترده ترین سلاسل تصوف در عالم شیعه است. مطالعه و بررسی تعالیم و روش های این سلسله که دارای نظم و ترتیب خاص و روشی بسیار شبیه به سلسله های تصوف درعالم تسنن است نمونه بارز و روشنگری است از یک سلسله زنده تصوف که کاملا شیعی است و در جو و محیط شیعه ارشاد و دستگیری می کند.

سلسله نوربخشی که بوسیله محمد بن عبدالله ملقب به نوربخش، یکی از ایرانیان اهل قهستان بنیان نهاده شد، از آن جهت شایان توجه است که موسس آن در صدد بود تا با شخص خود پلی بین تسنن و تشیع ایجاد کند و نیز به نهضت خود صبغه مهدویت داد (۳۱). اشاعه و گسترش سلسله او و نفوذ شخصیت و قدرت معنوی او در جلب احترام

مردم نسبت به حضرت علی علیه السلام و خاندان او موثر افتاد. او صریحا اعتراف می کرد که نهضت او تلفیق و امتزاجی از تشیع و تصوف است. (۳۲) گسترش آراء و افکار او یکی از عواملی بود که این ترکیب تشیع و نهضت های صوفیه که به تسلط صفویه بر ایران منتهی شد بوجود آورد (۳۳).

پیدایش دودمان صفوی از هسته سلسله تصوف شیخ صفی الدین اردبیلی چنان مشهور است که حاجت به تکرار آن نیست (۳۴). ولی کافی است بگوئیم که این نهضت سیاسی که حکومت ایرانی نوینی را پی ریزی کرد از حیث اصل و منشاء صوفی و از حیث مذهب و اعتقاد شیعی بود (۳۵). و در نتیجه تشیع را مذهب رسمی ایران قرار داد و در عین حال از هرجهت به گسترش و اشاعه عقاید صوفیه کمک کرد. بنابراین شگفت آور نیست که دراین دوره تجدید حیاتی در فرهنگ و معارف شیعه که عرفان شیعی سهم مهمی در آن داشت، بوجود آمد.

اسامی میرداماد، میرفندرسکی، صدرالدین شیرازی مشهور به ملاصدرا، ملامحسن فیض کاشانی، عبدالرزاق لاهیجی، قاضی سعید قمی و بسیاری از عرفای دیگر این دوره، شاید بیش از عرفان، به فصل حکمت و فلسفه دوران صفوی ارتباط داشته باشد (۳۶). ولی از آنجا که تمام این افراد شیعه بودند و در عین حال کاملا از افکار عرفانی بهره ور شده بودند، آنها نمودار جنبه دیگری از ارتباط و همبستگی بین تشیع و تصوف می باشند. برخی از علمای برجسته شیعه دراین عصر، چون بهاءالدین عاملی معروف به شیخ بهائی و محمدتقی مجلسی و همچنین مشایخ سلسله های متشکل تصوف مانند سلسله های ذهبی، نعمته الهی و صفوی، صوفیان پرهیزکار بودند (۳۷).

ولی عجیب آنکه در طی سلطنت همین دودمان که دارای اصل و ریشه صوفی بود و اکثرا و عکس العمل شدیدی بر علیه سلسله های تصوف آغاز شد. یکی از عوامل این واکش آن بود که بسیاری از عناصر یگانه برای وصول به اغراض و مقاصد دنیوی خود به تصوف پیوسته بودند و همچنین بدین علت که بعضی از سلسله ها در بجا آوردن فرایض شرعی سستی و اهمال ورزیدند. در نتیجه بعضی از علمای دین، رسائلی مانند رساله الفوائد الدینیة فی الرد علی الحکماء و الصوفیه تالیف محمد طاهر قمی در رد بر صوفیه نوشتند. حتی ملا محمد باقر مجلسی عالم معروف و محدث معروف شیعه که همانطور که کتاب زادالمعاد او گواهی میدهد کاملا مخالف تصوف نبود، دراین شرایط مجبور شد تا تصوف پدر خویش را انکار کند و علنا به مخالفت با صوفیه برخیزد. در چنین محیطی تصوف در اواخر دوران سلطنت صفویه با مشکلات بسیار مواجه شد و حتی حکمای

حوزه ملاصدرا در این دوره با مخالفت شدید بعضی از علما روبرو شدند. در نتیجه این وضع بود که در مراکز دینی تصوف، از این پس نام خود را به «عرفان» عوض کرد و تا امروز هم در حوزه های علمی و رسمی شیعه و در مدارس دینی انسان می تواند علنا به تعلیم و تعلم عرفان بپردازد ولی تعلیم و تعلم تصوف هرگز میسر نیست چون نام تصوف غالبا بانام درویش های سست و بی بند و باری که اوامر نواهی شریعت را فراموش کرده اند و آنها را قلندر مآب می نامند، توأم است.

در دوره بعد از هجوم افغانه و تاسیس مجدد يك حکومت مقتدر بوسیله نادر شاه افشار، تصوف در مراکز شیعه در ایران رو بخاموشی و افول گرائید، ولی در محیط شیعی هند، رونق گرفت. در قرن دوازدهم معصوم علی شاه شاه طاهردکنی از سلسله نعمت اللهی برای احیای تصوف از سرزمین دکن بایران فرستاده شدند. گرچه بعضی از مریدان ایشان چون نور علی شاه و مظفر علی شاه به شهادت رسیدند (۳۸) ولی کار تصوف، علی الخصوص در دوره سلطنت فتحعلیشاه قاجار رونق گرفت و محمد شاه و صدراعظم او حاجی میرزا آغاسی خود به تصوف گرائیدند. از این به بعد سلسله های مختلف تصوف مخصوصا شعب متعدد سلسله نعمت اللهی و همچنین ذهبی و خاکسار در ایران شیعی شکوفان شدند و تا امروز نیز به حیات خود ادامه می دهند.

همچنین در دوره قاجار، تعالیم عرفانی ابن عربی و صدرالدین شیرازی بوسیله کسانی چون حاجی سلاهادی سبزواری و آقا محمد رضا قمشه ای احیا شد (۳۹). مکتبی که این دانشمندان احیاء کردند تا زمان حال ادامه و رونق دارد.

در ایران شیعی امروز می توان سه گروه مختلف عرفا و صوفیه را متمایز ساخت. اول آنهایی که به سلسله های متشکل تصوف مانند سلسله نعمت اللهی و یا ذهبی بستگی دارند و از طریقتی که خیلی شبیه به طرق تصوف در عالم تسنن است پیروی می کنند. دوم آنهایی که همچنین دارای شیخ و مرشد معنوی بوده اند و رسماً تشرف به فقر حاصل کرده اند ولی دارای سلسله رسمی و متشکلی نیستند و دارای مرکز مقرر و ثابت یا خانقاه نمی باشند و بالاخره کسانی که بطور قطع الهامات غیبیه و اسرار خفیه دریافت کرده اند و ارباب کشف و مشاهده هستند و واجداحوال و مقامات معنوی می باشند ولی دارای پیرو مرشد انسانی نبوده اند. از گروه اخیر بعضی اویسی هستند و برخی دیگر به طریقت حضرت خضر علیه السلام تعلق دارند (۴۰) و بسیاری از آنها به درك فیض معنوی امام که دلیل و هادی معنوی باطنی است نائل شده اند. صرف فیضان و لبریز شدن جنبه باطنی

در تشیع و تجلی آن حتی بصورت جنبه های ظاهرتر دین این امکان سوم را متداول تر از جهان تسنن کرده است. در حقیقت، بعضی از حکما و عرفای بزرگ که چنانکه آثارشان گواهی می دهد بطور قطع به مرتبه کشف و شهود رسیده اند به این گروه اخیر و شاید به گروه دوم تعلق دارند زیرا در آنصورت هم ظاهراً تشخیص سلسله آنها دشوار است. بنابراین تشیع و تصوف دارای اصل و منشاء مشترکی هستند از این حیث که هر دو به يك ساحت معنوی و وحی اسلامی ارتباط دارند. و در تاریخ اولیه خود از منابع واحدی الهام گرفته اند، در دوره های بعد آنها تأثیر متقابل بر یکدیگر داشته و از جهات و طرق بشمار از یکدیگر متأثر شده اند. در حقیقت این تجلیات تاریخی مظاهر و شئون يك حقیقت اصلی یعنی حقیقت ابدی اسلام، در اعصار و قرون مختلف بوده است که به شکل عرفان که از ممیزات جنبه باطنی اسلام است در هر دو قسمت امت اسلامی هم شیعه و هم سنی، ظهور و تجلی کرده است.

نوشته: دکتر سید حسین نصر

ترجمه غلامرضا اعوانی

* متن این سخنرانی بدو

زبان انگلیسی تحت عنوان
Shi'ism and sufism, their
relationship in essence and
history

و فرانسه تحت عنوان
Le shi'ism et le soufisme.
Leurs relations principiel-
les et historiques

ایراد شده است. از آنجا که تقریباً
همه کسانی که در این سخنرانی—
شرکت داشته اند، غربی بوده اند
لذا منابع و مآخذی که در آخر
این مقاله ذکر شده است غالباً به
زبانهای اروپائی است.

یادداشت‌ها

۱- ما درموضع دیگر درباره
منشاء اسلامی تشیع و تصوف بحث
کرده‌ایم. بنگرید به کتاب اینجانب
سه حکیم سلمان، ترجمه احمد آرام
صفحات ۱۲۱-۱۱۳ و نیز به فصل
پنجم کتاب اینجانب Ideals and
Realities of Islam, London
1966

و نیز به فصل اول از جلد اول
کتاب هانری کربن (با همکاری
سیدحسین نصر و عثمان یحیی)
Henry Corbin, histoire de
la philosophie Islamique,
Paris, 1964;

درباره منشاء اسلامی تصوف
رجوع شود به مقاله ابوبکر سراج-

الدین
Abu-Bakr Siraj-din, "the
origins of Sufism"

در مجله Islamic Quarterly
آوریل ۱۹۵۶، دوره سوم، صفحات
۵۶-۵۳ و به فصل چهارم کتاب
شوآن
F. Schuon, unrestating
Islam London, 1963;

و نیز به مقاله رنه گنون :
Rene Guenon, "L'esoterisme
Islamique"

در کتاب
L'Islam et L'Occident,
Paris 1947

صفحات ۱۵۹-۱۵۳، علاوه
بر هانری کربن، بعضی از دانشمندان
اولیه مغرب زمین نیز به ارتباط
تزییک بین تشیع و تصوف اشاره و
تأکید کرده‌اند. بنگرید به
T. Andrae, die person mu-
hammadis im leben und
Glauben seiner gemeinde,
Stockholm, 1918

که در آن نویسنده کتاب برخلاف
کربن هرگونه خصوصیت باطنی و
عرفانی را متأثر از مآخذ مسیحی
واسکندرنی دانسته است .

۲- درباره این ارتباطات و
همبستگی‌ها رجوع شود به فصل پنجم
کتاب اینجانب
Ideals and realities of Islam

۳- ما دیگر نمی‌توانیم دو

اصطلاح «تصوف» و عرفان اسلامی
را بطور کامل مترادف یکدیگر قرار
دهیم زیرا مخصوصاً بر اثر تحقیقاتی
که هانری کربن بعمل آورده است
برما معلوم شده است که یک عرفان
اسلامی اسماعیلی و بویژه امامی
وجود دارد که نمی‌توان آنرا صوفی
نامید. گاهگاهی، آنچه را که در
بار آغاز و منشاء تصوف گفتیم،
درباره عرفان غیر صوفی نیز
صالح است و اصل و ریشه آنرا می
توان در تعلیم حضرت پیغمبر
صلی‌الله و بعضی از صحابه بویژه
حضرت علی‌علیه‌السلام جستجو
کرد.

J.L. Michon, le soufi
Islam

marocain Almad Ibn Aji-
ba et son M'Raj

(رساله دکتری دانشکده ادبیات،
دانشگاه پاریس ۱۹۶۰، صفحه ۲)
۴- مقدمه ابن خلدون،
ترجمه پروین گنابادی، پنگاه
ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۳۶
- جلد اول، صفحه ۶۵۰. این خلدون
به گفتار خود چنین ادامه می‌دهد
«در صورتیکه معلوم نیست از طریق
صحیح چنین واقعه‌ای راست باشد و
علی بر کسی خرقة پوشانیده باشد
و این طریقت به علی کرم‌الله وجهه
اختصاص نداشته است بلکه کلیه
صحابه در طریق راستی و رهبری
بمنزله راهنما و پیشوای مسلمانان
میباشند و در اختصاص دادن آن
تنها به علی، بوی تشیع نیرومندی
درست میشود که نشان میدهد این
گروه و دیگر متقدمان آنان بدان
گرویده و در سلك آنان درآمدند.»

۵- بنگرید به مقاله
T.B. Taylor, "Jafar Al -
Sadig, spiritual forebear of
the Sufis",

در مجله Islamic Culture سال
چهارم، شماره ۲ آوریل ۱۹۶۶،
صفحه ۹۷ و بعد

۶- «تأثرات اهل تشن از
شیعیان در حدیث، در سلسله‌های
تصوف، در اصناف و در داستانهای
عامیانه - آنقدر زیاد است که نه
فقط در حمایت از حق خلافت علی
علیه‌السلام، بلکه در عقاید و اعمال
مذهبی، سنیان اسلام را می‌توان
نیم شیعه خواند.»

نقل از :
M. G. Hodgson, "how did
the early shi'a become sec-
tarian",

در مجله
Journal of the American
oriental society

سال ۱۵ (۱۹۵۵) صفحه ۴

همچنین بنگرید به
J. Taylor, "an approach to
the emergence of hetero-
doxy in medieual Islam,"

در مجله Religious studies سال
دوم، شماره دوم، آوریل ۱۹۶۷
صفحه ۲۰۲، که در آن عبارت
هاجسون نقل شده است.

در بعضی از مناطق جهان
اسلام مخصوصاً در شبه قاره هند و
پاکستان در میان صوفیان گروه
های خاصی را می‌بینیم که مثل هر
فرد شیعه به ائمه اطهار علیهم‌السلام
مخصوصاً حضرت علی و حضرت امام
حسین علیهماسلام ارادت می‌ورزند
ولی با وجود این در مذهب خویش
کاملاً از اصول سنت تبعیت می-
کنند.

۷- بنگرید به :
F. Schuon, "de la tradition
Monotheiste"

در مجله
Etudes Traditionelles

۱۹۳۳، صفحه ۲۵۷

۸- بنگرید به
Henry Corbin, "L'Imam
Cache et la renovation de
l'homme en theologie shi'-
ite,"

در مجله ۱۹۶۰ صفحه ۷۷
Eranos Jahrbuch

۹- درباره دایره ولایت و
نبوت بنگرید به کتاب اینجانب
Ideals and Realities of
Islam

صفحات ۸۷ و ۱۶۱، و هانری کربن
مذکور در فوق .

۱۰- حکیم ترمذی یکی از
آثار مهم خود را بنام ختم‌الاولیاء
که اخیراً بوسیله عثمان یحیی به
چاپ رسیده است به این مسأله
اختصاص داده است این کتاب در
این عربی و صوفیان بعد تأثیر زیادی
داشت.

۱۱- ابن عربی و به تبع او
داود قیسری حضرت مسیح را خاتم
ولایت کلیه دانستند و ابن عربی
بطور غیر مستقیم از خود به عنوان
«خاتم ولایت جزئی» یاد کرده
است در صورتیکه اکثر نویسندگان
شیعه حضرت علی‌علیه‌السلام را
خاتم ولایت کلیه و حضرت مهدی
علیه‌السلام را خاتم ولایت جزئی
دانستند. در این مسأله دقیق وجه
تمایز بین «خاتم ولایت کلیه» و
«خاتم ولایت جزئی» یا محدوده را
باید بخصوص بخاطر داشت، بهر
صورت این نکته مورد نزاع بین
ابن عربی و حتی نزدیکترین اتباع
شیعی او مثل سید حیدر آملی بوده
است.

۱۲- این حدیث بصورت‌های
مختلف در مآخذ شیعه یافت میشود
مثلاً در غایت‌المرام، تهران،
۱۳۲۲، صفحات ۲۸۷ و بعد.

۱۳- این ابی‌جمهور کتاب
النجلی، تهران، ۱۳۲۹، صفحه
۳۷۹ این حدیث با اختلافات جزئی
بوسیله بسیاری از عرفا و صوفیان
شیعه ذکر شده است مثلاً رجوع
نمود به محمد علی سبزواری -
تحفه‌العباسیه، شیراز ۱۳۲۶ صفحات
۹۴-۹۳. بسیاری از نویسندگان
شیعی چون ابن‌ابی‌الحدید، میثم
البحرانی و سید حیدر آملی به این
حدیث اشاره کرده‌اند. بنگرید به:
الشیعی، المسکه بین‌التصوف و التشیع
جلد دوم، صفحه ۱۱۷

۱۴- درباره اهمیت امام
در معنویت تشیع به مقالات بسیاری
که هانری کربن در این زمینه نوشته
است مخصوصاً به مقالات :
L'Imam Cache et la reno-
vation de l'homme en theo-

logie shi'ite"
"Pour une morphologie de
la Spiritualite Shi'it,"

در مجله -
Eranos Jahrduch

سالهای ۹-۲۰ رجوع شود.
۱۵- از کتاب جامع‌الاسرار
که بوسیله کامل مصطفی الشیعی
در کتاب الفکر الشیعی و انزعاجات -
الصوفیه، بغداد، ۱۹۶۶، صفحه
۱۲۳ نقل شده است.

۱۶- درباره نظریه انسان
کامل رجوع شود به کتاب‌الانسان
الکامل جیلی که بوسیله
T. Burckhardt

تحت عنوان
De L'Homme universel
(Lyon, 1953)

و همچنین به کتاب:
Rene Guenon, symbolism
of the Cross, Trans. By R.
Macnag, London 1958

۱۷- الشیعی در کتاب‌العمله
بین‌التصوف و التشیع جلد دوم
صفحات ۵۳-۵۲ می‌نویسد که
ابن عربی در تدوین نظریه حقیقت
محدوده، وحدت وجود و مهدویت
از منابع و مآخذ شیعه استفاده کرده
است.

۱۸- درباره آراء و عقاید
حضرت امام جعفر صادق در این
مورد آنطور که به تشیع و تصوف
ارتباط دارد بنگرید به :
Taylor, "Jafar Al-Sadig,
spiritual forebear of the
Sufis,"

صفحات ۱۰۲-۱۰۱
۱۹- این یکی از مسائل
بسیار پیچیده‌ای است که ما
بالشور و می‌توانیم فقط بنحو
اختصار از آن گفتگو کنیم. یک
تحقیق و بررسی جامع در این زمینه
در دوائر الشیعی بنام، الصله بین-
التصوف و التشیع، والفکر الشیعی
وانزعاجات الصوفیه، یافت میشود
ولی حتی این دو اثر محققانه نیز
بیشتر از کشور های مرکزی اسلام
بحث می‌کنند و از مغرب و بسیاری
از مناطق آسیای مرکزی و مخصوصاً
هندوستان که در آنجا ارتباط بین
تشیع و تصوف تأییدی بوجود آورده
است که نظایر آن در هیچ جا دیده
نمیشود و باید مورد مطالعه و بررسی
دقیق قرار گیرد، صرف نظر شده
است.

۲۰- بسیاری از خاورشناسان
غربی، کتاب نهج‌البلاغه را به پناه
اینکه از حضرت علی‌علیه‌السلام
نیست بلکه بقلم گردآورنده آن
شریف رضی است معجول و غیر
معتبر دانسته‌اند. اولاً بسیاری از
خطابه‌ها و کلماتی که در نهج‌البلاغه
جمع آوری شده‌است در متونی که
قبل از شریف رضی نوشته شده است
وجود دارد و ثانیاً سبک نگارش
نهج‌البلاغه کاملاً با سبک نگارش
کتاب بسیاری که از شریف رضی
بجا مانده است اختلاف دارد و
بالاخره کیفیت ذاتی آن موید
الهام آسمانی آنست. امروزه بسیاری
از کتب را که صرفاً جنبه معنوی
و باطنی دارند، با چپاندن کلمه
«معجول و کاذب» در جلوی آنها
و یا با شک ورزیدن درباره مولف
آن و بدون توجه به قدر و ارزش
ذاتی مضمون و محتوای آنها، آنها
را نادیده می‌گیرند.

چند سال پیش در جلسه‌ای که
در آن عالم و عارف معروف شیعه
استاد علامه سید محمد حسین طباطبائی
و پروفسور هانری کربن حضور
داشتند پروفسور کربن از استاد
علامه استفسار کردند که آیا کتاب
نهج‌البلاغه از حضرت علی‌علیه‌السلام
امام اول است یا نه علامه طباطبائی
در پاسخ فرمودند که: «کسی که
کتاب نهج‌البلاغه را نوشته است
برای ما امام است، حتی اگر یک
قرن پیش میزیسته است.»

بهر جهت بسیار شکفت‌آور
است که با دلایل تاریخی بسیار
ناقص که اصلاً از اعتبار نهج‌البلاغه
نمی‌کاهد، این کتاب را که بعد از
قرآن و احادیث نبوی مهم‌ترین و
محترم‌ترین کتب تشیع است و به
بسیاری از نویسندگان معروف عرب
مانند کردعلی و طه‌حسین، طرز
نوشتن عربی فصیح را آموخته‌است
تا این حد مورد فراموشی و غفلت
قرار گرفته است

۲۱- زبور آل محمد
Psalms of the Household
of the Prophet

۲۲- مخصوصاً بنگرید به
کتابهای او

Essai sur les origines du
lexique technique de la
Mystique musulmane Paris

1954
و همچنین
Recueil de textes inedites
concernant l'histoire de is
mystique en pays d'Islam,
Paris 1929

۲۳- ارتباط بین الله و
اولین دوره زهاد که بعداً به صوفیه
مشهور شدند در کتاب شیعه در
اسلام، نوشته استاد علامه سید محمد
حسین طباطبائی مورد بحث قرار
گرفته است. کتاب نامبرده بوسیله
نویسنده این مقاله با انگلیسی ترجمه
شده است و زیر چاپ است.

۲۴- رجوع شود به فصل
اول کتاب اینجانب، نظر متفکران
اسلامی درباره طبیعت از سلسله
انتشارات دانشگاه تهران

۲۵- رجوع شود به کتاب
شیعی، فکرات الشیعی ... صفحات ۷۳
و بعد

۲۶- این کتاب نفیس و
ارزنده برای اولین بار بوسیله
هانری کربن و عثمان یحیی جزو
سلسله انتشارات انجمن ایران و
فرانسه بچاپ رسیده است درباره
آملی شروع شود به مقاله هانری
کربن:

"Sayyed Haydar Amuli
(8c - 14c Siecle) Theolo-
gien shi'ite du Soufism",
Melanges Henri Masse,
Tehran 1963, PP. 79 - 101

۲۷- رجوع شود به مقاله
اینجانب :
Seventh Century Sufism
and the school of Ibn Ara-
bi"

در مجله فرهنگی عمران
منطقه‌ای
Journal of the Regional
Cultural Institute

تهران - سال اول (۱۹۶۲)

شماره اول - صفحات ۵۰-۴۳

۲۸- این کتاب که مناقب
نام دارد، بفارسی نیز شرح شده
است، رجوع شود به: موسی خلخالی
شرح مناقب محی‌الدین بن عربی،
تهران ۱۳۲۲

۲۹- بنگرید به شیعی،
فکرات الشیعی ... صفحات ۲۴۴-
۱۷۵ و ۳۲۷-۳۰۲

۳۰- درباره شرح حال و
آثار او رجوع شود به

I. Aubin, Materiaux pour
la Biographie de Shah ni'-
Matullah Wali Kermani,
Tehran - Paris, 1956

و همچنین به آثار متعددی که
بوسیله آقای دکتر جواد نوربخش
قطب‌فلمی سلسله نوشته‌اند و بوسیله
خانقاه نعمت‌اللهی در دمسال گذشته
انتشار یافته است

۳۱- درباره شیخ نوربخش
و همچنین سلسله کبرویه و اهمیت
آنها در زمینه شیعی شدن ایران
رجوع شود به مقالاتی که آقای
موله Molé از سال ۱۹۵۹ تا سال
۱۹۶۳ در مجله :

Revue des etudes Islami-
anb نوشته است

۳۲- متن گفتار و عقاید او را
الشیعی در فکرات الشیعی ... صفحه
۳۳۵ نقل کرده است .

۳۳- درباره سلسله مختلف
تصوف در محیط شیعی ایران بنگرید
به فصل چهارم کتاب
M. Mole, les Mystique
Musulmane Paris, 1965

۳۴- درباره یکتائی ها و
همبستگی شیعی آنها رجوع شود به
فصل ششم کتاب
J. Birge, the Boktashii or-
der of Dervishes, London
1937

۳۵- بعضی از محققین مانند
مینورسکی، توغان، هیتز، اوین
سیوری و دیگران، کتب بسیاری را
که مبتنی بر منابع تاریخی ایرانی
مانند عالم‌آرای عباسی و روضه
الصفا است، به اصل و منشاء
صوفیان اختصاص داده‌اند مثلاً
رجوع شود به

Z. V. Togan, "Sur L'ori-
gines des Esafavides,"

در کتاب :
Melanges Louis Massignon
Paris, 1957,"

جلد سوم، صفحات ۳۵۷-
۳۴۵

کتاب هنر
W. Hinz, Trans Aufstieg
Zum Nationalstaat Im
Fünfzehnten Jahrhundert,
Berlin, 1936.

بخاطر تجزیه و تحلیل و نقد
تاریخی حائز اهمیت خاص است.

۳۶- درباره این افراد رجوع
شود به مقالات اینجانب :
"The School of Ishpha -
han"

و
"Sadr Al-Din Shirazi"

در جلد دوم کتاب
M.M. Sharif, A History of
Muslim Philosophy, Vol. 2,
Wiesbaden, 1966

و مقاله هانری کربن :
"Confessions Extatique de
Mir Damad, Melanges
Louis Massignon,

صفحات ۳۷۸-۳۳۱

۳۷- بنگرید به کتاب سید
عبدالحجّه بلاغی، مقامات الحنفی
مقامات شمس‌العرفا، تهران ۱۳۶۹

۳۸- درباره این اشخاص
بنگرید به
Grawlich, die schiitischen
Derwischorden Persiens,
Erster Teil : Affiliationen,
Wiesbaden, 1965.

صفات ۳۳ و بعد

۳۹- بنگرید به مقاله «سبزواری»
در جلد دوم کتاب

M.M. Sharif, A History of
Muslim Philosophy

۴۰- درباره اهمیت معنوی
خضر رجوع شود به

I. Massignon. "Elic et son
Role Transhistorique, Kha-
diriya en Islam,".

در جلد دوم کتاب
Etudes Carmelitaines :
Elic le Prophete

پاریس، ۱۹۵۶، صفحات ۲۹۰-
۲۶۹

۴۱- ماسینیون همچنین مقالات
متعدد به این موضوع اختصاص
داده است که غالب آنها در مجله
Revue des Etudes Islamique

بچاپ رسیده است.

همچنین در نوشته‌های رنه
گون (Rene Guenon) اشارات
سودمندی به اهمیت حضرت خضر
در ارشاد معنوی و به افرادی که
بوسیله حضرت خضر ارشاد میشوند
و از او خرقة دریافت می‌دارند،
شده است.

کنگره پزشکی

وخطیری بهمه دارند. نه تنها تحکیم وادامه معلومات گذشته بلکه بخصوص فراگرفتن تازه های دانش دندانپزشکی وظیفه اساسی جامعه دندانپزشکان در ایفای این مسئولیت است و ارتباط پژوهندگان این رشته با مجامع علمی خارجی آنان را سریعتر در جریان اطلاعات نوین تخصصی قرار میدهد.

پس از قرائت پیام شاهنشاه آریامهر آقای دکتر اقبال مدیر عامل و رئیس هیات مدیره شرکت ملی نفت ایران درباره پیشرفتهای علم دندانپزشکی در جهان سخن گفته و افزودند که تشکیل مرتب کنگره های دندانپزشکی توسط جامعه دندانپزشکان در سالهای گذشته بیشك تحرك فراوانی در همه شئون دندانپزشکی ایجاد کرده است.

هشتمین کنگره دندانپزشکان ایران سه روز ادامه داشت و در آن گروهی از دندانپزشکان معروف کشورهای امریکا و انگلستان، سوئیس و فرانسه شرکت داشتند.

علیاحضرت شهبانو عصر روز یکشنبه ۲۲ شهریور چهارمین کنگره انجمن پزشکان کودکان ایران و هفتمین کنگره بیماریهای اطفال خاورمیانه و مدیترانه شرقی را در تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران گشودند.

شهبانو در این مراسم فرمودند: ما به عدم زیادی پزشک کودکان و پزشک عمومی با اطلاعات صحیح در بهداشت و بیماریهای کودکان نیازمندیم و توجه مسئولان آموزشی را به تسهیل تعلیم و تربیت این دو دسته متذکر میشویم.

در مین ما باتشکیل سپاهیان بهداشت اقدام لازم در ارتقاء بهداشت عمومی بعمل آمده است. انعکاس عمل سپاهیان دانش و ترویج و آبادانی هم در رشد بهداشت عمومی روز بروز آشکارتر می شود ولی تجهیز بیشتر موسساتی که مسئول ترویج بهداشت و درمان بیماریهای کودکان هستند از هر حیث لازم است.

علیاحضرت در پایان سخنان خویش اظهار امیدواری کردند که کنگره بتواند پزشکان کودکان را در جریان آخرین پیشرفتهای علمی قرار دهد و تکامل طب کودکان را همگام با پیشرفتهای دنیای مرقی به آنان بشناساند.

در کنگره ۳۵۰ تن از پزشکان و محققان ۲۸ کشور خاورمیانه و مدیترانه شرقی شرکت داشتند و طی جلسات سه روزه آن درباره بیماریهای مختلف کودکان و نحوه درمان آنها بحث کردند.

این کنگره تحت نظر انجمن بین المللی پزشکان کودکان و اتحادیه انجمن پزشکان کودکان خاورمیانه و مدیترانه و بدعوت دانشگاه تهران برگزار شد.

نخستین کنگره شیمی دانه های ایران، روز دو شنبه ۲۳ شهریور با پیام شاهنشاه آریامهر در تالار ابن سینا دانشکده پزشکی گشایش یافت.

شاهنشاه آریامهر در پیام خود که بوسیله آقای اسدالله علم وزیر دربار شاهنشاهی قرائت شد، فرموده اند:

«باتحولات عظیم اجتماعی، صنعتی و آموزشی که در کشور بوجود آورده ایم ضرورت ایجاد میکند که افراد تحصیل کرده بایکدیگر تشریک مساعی و به کمک تجسس و تحقیق، اشکالات فنی و علمی و آموزشی رایکی پس از دیگری بررسی و چاره جوئی کنند. وظائف جامعه شیمی دانه های ایران بسیار گسترده و متنوع است. زیرا امروز علم شیمی بطور مستقیم یا غیر مستقیم در اکثر علوم رسوخ کرده، در واقع یکی از پایه های اساسی صنایع دنیاست. این جامعه علاوه بر اینکه باید يك كانون صالح برای ارائه طریق برای امور علمی و فنی و صنعتی باشد، در عین حال باید در مورد بسیاری از مسائل پیچیده و بفرنج آموزشی و پژوهشی و پژوهشهای صنعتی کشور چاره اندیش و راهنما باشد. جامعه شیمی دانه ها باید بتواند سهم خود در پیشبرد هدفهای مرقی انقلاب سفید نقش موثری داشته باشد».

پس از قرائت پیام شاهنشاه آقای عالیخان رئیس دانشگاه تهران طی سخنانی گفت که:

بنظر من مسائل مورد بحث در این کنگره باید از دو جهت مورد بررسی قرار گیرد: یکی جنبه آموزشی شیمی در سطوح مختلف علمی و دیگر ارتباطی که باید بین آموزش و صنایع بوجود آید.

روز شنبه ۲۱ شهریور با سخنان علیاحضرت شهبانو نوزدهمین کنگره پزشکی ایران در رامسر گشایش یافت.

هشتاد نفر از متخصصین و محققین خارجی و پانصد تن از متخصصین داخلی در این کنگره شرکت داشتند.

در آغاز جلسه آقای مهندس جعفر شریف امامی به علیاحضرت خوش آمد گفت و خاطر نشان ساخت که کنگره پزشکی ایران که ۱۹ سال پیش با ترتیب اجلاسیه های منظم سالانه و بحث های جالب در امور «پزشکی» آغاز شد اینک اهمیت بین المللی یافته است.

در این کنگره که بمدت هفت روز ادامه داشت شهبانو فرح خاطر نشان ساختند که صنعتی شدن کشور گام بلندی در راه ترقی اجتماعی و ازدیاد ثروت ملی و درآمد سرانه مردم است و با افزایش ثروت ملی، مردم میتوانند از غذا، پوشاک، مسکن و وسائل آموزش و پرورش و بهداشت کاملتر استفاده کنند.

شهبانو نتیجه گرفتند که در عین حال، با صنعتی شدن کشور عوامل متعددی هم به وجود می آید که در بهداشت همگانی موثر می افتد و از جمله این عوامل ازدیاد جمعیت در مراکز صنعتی، سکونت افراد در حاشیه شهرها، کمبود مسکن مناسب، انتشار بیماریها در این نواحی، مشکلات تغذیه و تامین آب آشامیدنی، بهسازی محیط، آلودگی هوا و بالاخره مسائل بهداشتی کارگران در موسسات صنعتی است.

شهبانو فرح که ریاست عالییه کنگره پزشکی را به عهده دارند سپس به مساله توان بخشی که موضوع مورد بحث امسال است پرداختند و گفتند:

امروز مساله توان بخشی به خاطر نوع زندگی اجتماعی و لزوم برگرداندن افراد معلول به کاری مناسب باتوانائی آنها اهمیت قابل ملاحظه ای کسب کرده است.

شهبانو در پایان سخنان خود برای کنگره آرزوی موفقیت کردند.

سومین کنگره گیاه پزشکی کشور روز شنبه ۲۱ شهریور ماه با پیام شاهنشاه در تالار تاجگذاری دانشگاه بهلوی شیراز آغاز بکار کرد.

۲۰۰ تن از کارشناسان آفات نباتی، پیشرفت پژوهشهای گیاه شناسی يك سال گذشته را در این کنگره مورد بررسی قرار دادند.

شاهنشاه آریامهر در پیامی که بوسیله استاندار فارس قرائت شد، تاکید فرمودند که موضوع ذخائر غذایی و فرآورده های کشاورزی برای تامین تغذیه بشر روز بروز اهمیت بیشتری کسب میکند و مساله کمبود مواد غذایی پیوسته به صورت حادثه تری در می آید که حل آن مستلزم همکاری وسیع جهانی است.

شاهنشاه آریامهر در این پیام همچنین یادآور شدند که یکی از ضروریات همکاری، تبادل نظر و اشتراك مساعی منظم کارشناسان و پژوهندگان در امریست که به آینده تمام جامعه بشری بستگی داشته، در مقیاس جهانی اهمیت دارد.

ریاست سومین کنگره گیاه پزشکی که تا روز ۲۵ شهریور ماه ادامه داشت با آقای اسفندیاری، رئیس موسسه بررسی آفات و بیماریهای گیاهی بود. در این کنگره مساله ایجاد امنیت تحقیقاتی پژوهندگان بیماریهای گیاهی بصورت جدی مورد توجه قرار گرفت.

روز شنبه ۲۱ شهریور با پیام شاهنشاه آریامهر هشتمین کنگره دندان پزشکان ایران گشایش یافت. شاهنشاه در پیام خویش فرمودند:

امیدوارم مذاکرات و تبادل نظرهای اعضای این کنگره نه تنها در پیشرفت امر دندانپزشکی ایران موثر واقع شود، بلکه به پیشرفت این علم از نظر بین المللی نیز کمک کند.

انقلاب اجتماعی ایران که با پیش بینی های لازم و متناسب با احتیاجات نسل فردای کشور ما پی ریزی شده، هدفش ایجاد جامعه ای نوین است که ادامه دهنده دانش باستانی ما با سوابق تاریخی درخشان آن باشد و در این سیر تکامل طبعا شاغلین حرفه های پزشکی و وظائف سنگین

فهرست رویدادها:

مطالب	صفحه
کنگره پزشکی	۸۹
يك تلاش	۹۰
کتاب	۹۱
دانش	۹۱
باستانشناسی	۹۲
نفت	۹۳
ادبی	۹۳
سپاهیان	۹۳
اقتصادی	۹۴
امور خارجه	۹۶
متفرقه	۹۷
کنگره معماران	۹۷
هفته کوروش بزرگ	۹۷
رودخانه زیرزمینی	۹۸
نرده ها	۹۹
مطبوعات	۹۹
تربیت مقیم بر تعلیم	۱۰۰
حلقه زنجیر قشنگ	۱۰۰
مصاحبه با دانشمندان آمریکایی	۱۰۱
ایجاد مدیریت صحیح	۱۰۳
جشن هنر شیراز	۱۰۴
سالروز	۱۰۷
شهری	۱۰۷
بازار	۱۰۸
بررسی اقتصادی	۱۰۹
من عاشق غم هستم	۱۱۰

پراگشتار

بیش بیاد وطن می اندازد .
از نامه آقای اسد منجمی از
امریکا

آقای اکبر شفقت سپاهی
دانش کرج می نویسد :
**عکسهای رنگی توام با
شعر خوب و عشق و نقاشی
و پژوهش علمی ...**
● عکسها باید رنگی باشد
و آنکس که عکس را گرفته
معرفی کند و تعدادش را
زیاد کند .

شعر باشد و شعرهای خوب
و عشق . نقاشی از مناظر
زیبا و دلغریب .
کارهایی را که هنرمندان
می کنند معرفی کنید .
پژوهش علمی ، باید در
تلاش قسمتی از مقاله ها از
این بابت باشد .
داستانهای جنائی هم در آن
پیدا شود .
طریق زندگانی و بوجود
آوردن زندگی را شرح
بدهید .

درباره ادب فرزند و
کوچکتران بنویسید .
عکسهای هنرمندان را
در شماره بعد درج کنید .
از نامه آقای محمد اسماعیل
منظری - از گرگان

**تلاش باید آنقدر
توسعه و تکامل یابد
که در سطح جهانی
نیز دارای قلمرو
وسیع باشد**

● مطالب آخرین شماره
(شماره ۲۳) مانند همیشه جامع
و کامل و آموزنده بود .
همچنین پیوسته ها چشمگیر
بود ، واقعا محظوظ شدم .
تلاش بی گیر و زحمات
شبانه روزی کارکنان و
نویسندگان تلاش در راه بهبود
این مجله که مایه افتخار جامعه
مطبوعات ایران است درخور
ستایش و تحسین می باشد .
من بهم خودم آرزو مند
که شاهد موفقیت روزافزون
تلاش باشم . و امیدوارم

**بعضی مطالب، قابل فهم
اکثریت نمی باشد**

● بعضی مطالب، قابل فهم
اکثریت نمی باشد . در هر
شماره شمای از خصوصیات
یکی از چهاره های تاریخی
را بیان فرمائید . همانطور که
قبلا عرض کردم صفحه ای
تحت عنوان از هرچمن گلی
با اسامی شاعران .
از نامه آقای ایوب احمدی
سپاهی دانش

**آقای حمید رمضان
محصل ، تلاش را
بدین شکل
می خواهد**

● مجله تلاش بیشتر
درباره حیوانات صحبت کند .
مجله تلاش همیشه با ضمیمه
باشد . مطالب به صورت درشت
نوشته شود . جدول در تلاش
باشد . و همچنین مسابقات
و سرگرمی .
عکسها بیشتر از حیوانات و
پرندگان و مناظر طبیعت
و پستانداران باشد .
تلاش را اشتراك سالیانه
بگذارید و به محصلین
تخفیف بدهید .
حمید رمضان محصل

دعای يك خواننده

● امید است در راهی که
آغاز نموده اید موفق و کامیاب
باشید . گرچه هیچ کیمیایی
نمی تواند با زحمات يك مربی
واقعی اجتماعی و يك
خدمتگزار عالی جامعه
برابر باشد یقین دارم که دعای
يك خواننده بی ریا که با
قلبی پاک افتخار سیاس -
گراری را دارد مورد قبول
خداوند قرار می گیرد .
از نامه آقای عنایت اله
مختاری - فیروزآباد فارس

بیاد وطن

● ... از عکسهای رنگی
تلاش در مورد نقاط جالب و
دیدنی ایران و تفرانه های
محلی آن خصوصا خیلی
خوشم می آید و مرا بیش از

همچنانکه این مجله در جامعه
مطبوعات کشور ما جایی بس
والا دارد ، آنقدر توسعه و
تکامل یابد که در سطح جهانی
نیز دارای قلمرو وسیع باشد .
از نامه آقای قاسم
درویش پور از لنگرود

**«جدایی از تو برایم
مقننور نیست»
● تلاش محبوب و عزیزم
سلام**

نمی دانم با چه زبانی و
با چه لحنی یا تو و گردانندگان
تو سخن بگویم و از کجا
زبان آغاز نمایم . همین قدر
باید بگویم که وجود تو
برای من بمنزله مایه حیاتی
است و خون و اکسیژنی می -
باشی که فقدان هر يك برای
من موجب ناراحتی است .
زیرا بقدری عاشق دل باخته
تو شده ام و آن قدر علاقمند
بتو و صفحات الوانیت با
یکدینا معلومات تو شدم که فکر
حدایی از تو را نمی توانم در
مخیله ام بیرو رانم و جدایی
از تو برایم مقدور نیست .

تلاش عزیز ... خود تو
بسان گل رزی یا بلبل خوش
الحنی هستی که در میان
هزاران گلهای رنگارنگ دیگر
و یا در میان انبوه پرندگان
دیگر برجسته تر می باشی . من
برای تو در مجلات ایران
رقیبی احساس نمی کنم ...

در ضمن نظریات خود را
درباره نحوه پیشرفت بیشتر
تلاش ابراز می دارم و
امیدوارم که با افکار قاسم
بتوانم کمکی بشما و مجله
محبوب خود بکنم : ۱ -
کوتاه کردن مصاحبه های
تلویزیونی و مطبوعاتی (با
اشخاص مختلف) و در هر
ماه با يك نفر .

۲ - شناساندن کامل استانها
و شهرستانهای کشور با آداب
و رسوم محلی و لهجه های
گوناگون بملت ایران .
۳ - استفاده از آثار
نقاشان بزرگ در هر رشته .
۴ - بیوگرافی مردان بزرگ
تاریخ جهان (اعم از مختصر -
کاشف - فیلسوف - شاعر) .
۵ - چاپ کردن ضمیمه
مجله در داخل آن بعنوان
نگاهداری بهتر .

۶ - رنگی نمودن عکسهای
ورزشی و هنری و چاپ
کردن عکس در ضمیمه (بریده
چاپ شده) .

۷ - باز کردن صفحه ای
بنام (تاریخ ادبیات ایران) .
۸ - باز کردن صفحه ای
مخصوص نسل جوان ایران و
آشنا نمودن آنها به وظیفه شان .
۹ - سانسور کردن کلیشه
عکسهای سبکی در مجله .
۱۰ - شناساندن آثار انقلاب
ایران و پیشرفت سریع آن
بملت ایران .

۱۱ - ایجاد بازار فروش
همگانی مثل سایر مجلات .
در پایان موفقیت بیشتر از
این شما را خواستارم . سلام
مرا به هیئت تحریریه و
کارکنان مجله تلاش برسانید ،

آقای عنایت اله بیگلریکی
مقیم کالیفرنیا ای امریکا که

اخبار و نشریات مفید برای
تلاش میفرستند . اخیرا هم
کتابچه راهنمای رانندگی
کالیفرنیا را فرستاده بودند
که بسیار جالب بود .

از شعر ، جدول ، جمعیت
ایران ، مردان قدیم و داستان -
های تاریخی و داستانهای
مردم روستا نشین بنویسید .
● در تلاش شهرهای زیاد
از شاعرهای مختلف باشد .
جدول داشته باشد .
از جمعیت ایران و کشور -
های دیگر و همایگان
نامبرده شود .

از مردان قدیم و داستان -
های تاریخی که در گوشه و
کنار شهر در قدیم رخ داده
بنویسید .
داستانهایی از مردم روستا
نشین بنویسید .
درباره آثار تاریخی ایران
بنویسید ...

از نامه حجت الله رامین
از تهران
پرویز شهینش از امریکا
می نویسد :

**موضوع
دبیرستانهای ملی را
مطرح می کنم
سر دبیر ارجمند**

پس از عرض سلام در ضمن
مطالعه مجله محبوب تلاش
شماره ۱۷ چشم به يك موضوع
جالب در صفحه نهم یا تیتیر
انتخاب شغل افتاد . پس از
خواندن و راهنمایی های
آن مجله بندو بنوبه خود دیدم
که اظهار نظری راجع به این
موضوع جالب داشته باشم .
اولا چون خود بندو در ایران
درس خوانده ام می دانم وضع
دبیرستانهای ایران چطور
است چون اکثر دبیرستانها
فلاملی است یعنی هر کسی با
داشتن سرمایه و پیدا کردن
يك لیسانس در هر رشته ای
می تواند اجازه تاسیس
دبیرستان از وزارت آموزش
و پرورش کسب نماید و دیگر
خودتان بهتر می دانید که
وضع دبیرستانهای دولتی ما
چطور است . وای از اینکه
دبیرستان ملی باشد و صاحب
امتیاز آن معمولا می خواهد
پولی را که در این راه صرف
کرده همان سال اول بدست
بیاورد . آن وقت است که
دبیرستان دبیر کافسی و
لاپراتوارهای بدر بخور و
دیگر چیزها را فاقد می -
باشد .

در آخر
امیدوارم همیشه از این
مسائل که مورد توجه کشور -
های مرقی جهان و ایران
عزیز می باشد در مجله محبوب
مطرح شود و هر کسی بتواند
درباره این موضوعات اظهار
نظری بکند که از میان
این اظهار نظرها نظرات جالب
و بدرود بخوری پیدا شود .

**عیوبی را که در
تلاش بنظر می رسد
باز می گویم**

**حق تساوی نشان آن
نیست که زن حق دارد مرد
را تحقیر کند .**

خانم راضیه تجار دانشجوی
روانشناسی و آموزگار از
تهران می نویسد :

تلاش عزیز ، سلام گرم مرا
بپذیر ...
راهی که برگزیدی راهی
سخت مناسب است ، هر چند که
مشکلاتی وجود دارد چون
خواننده دائمی تو هستم و
خواستار پیشرفت روزافزون
عیوبی را که بنظرم می رسد
بازگو می کنم چرا که
خوبی هایت بی شمار است و
دیگران درباره اش بارها حرف
زده اند .

از هر خرم دانه ای جالب
است اما کمتر نویسنده گرمی
راجع به مسائل ایران صحبت
می فرماید . با این همه یکی
از بخش های خواندنی است
و ماندنی .

کاریکاتورهایی که به چاپ
می رسد اندک است .
پیش از اینکه اشخاصی
چون فروزان را معرفی
فرمائید از هنرمندان واقعی
یادی کنید و مقالاتی که
چاپ می شود گاه پر از ارقام
و آمار هست و در نتیجه
خسته کننده ...

پيك تلاش صفحات محدودی
دارد ...

«ضمیمه بریده چاپ شده ها»
صفحات اندکی دارد و در
سورتی که بخواهید مقالات
یا رپرتاژهای جالب را انتخاب
کنید با کسب و جا مواجه
می شوید و در نتیجه مجبورید
که کار خود را محدود کنید .
مصاحبه هنری بکنید و
کاریکاتورها را زیاد کنید .
بهرتر است که از تعداد
ضمیمه ها کم کنید اما به کیفیت
آنها اضافه کنید .

در «گدبانو» سعی کنید
که درس خیاطی و آشپزی را
کنار بگذارید . بعد کافی از
این چیزها صحبت می شود . سعی
کنید زن ایرانی را با مسائل
روز آشنا و به وظایفش
واقف نمائید و حدود عملیات
و وظایفش را مشخص کنید .
در ضمن بفرمائید که گرفتن حق
تساوی نشان آن نیست که زن حق
دارد مرد را تحقیر کند و یا
قدم جای قدم او بگذارد . این
مطلب را ذکر کنید که زن
ایرانی باید جا و مقام خودش
را بیابد نه اینکه جای مرد
را اشغال کند .

در صورتی که ضمیمه هنری
و کتاب را درهم ادغام کنید
کار خوبی کرده اید . چون
می توانید به کیفیت مطالب
ببفرزائید . کتابهایی را معرفی
کنید که ارزش خواندن را
داشته باشد و خواننده با خیال
راحت آن را خریداری کند .
مباحث روانشناسی را از یاد
نبرد . در این باره دکتر سعید
شاملو می تواند به شما کمک
کند .

سبکی که برای نوشتن
اختیار کرده اید کمی سنگین
است در حالی که نوشته های
مجلات چون فردوسی طوری
نگاشته می شود که خوانندش
راحت و دلچسب هست .

تبلیغاتی که درباره مجله
می شود بسیار اندک است و
اغلب افراد این مجله را نمی -
شناسند .

جوانان را از یاد نبرید و
با آنها گفتگوهای ترتیب دهید .
در هر شماره شهری از ایران
را معرفی کنید تا به تدریج
کشور عزیزمان گوشه ای
شناخته بر ایمان نداشته باشد .
بخشی بکشایید تادانشجویان
بتوانند از طریق آن با هم
مبادله آدرس کرده و مکاتبه
کنند .

صفحات نقد تهیه کنید و
از کسانی که در این مورد
وارد هستند دعوت کنید تا
همکاری کنند چون دستخیز
و براهنی . سینما و تلویزیون
را فراموش نکنید مخصوصا
از برنامه های پوچ تلویزیون
انتقاد کنید .

در خاتمه می خواهم این
مسئله را مطرح کنم که آیا
امکان دارد مطالب یا نوشته
هایی که در سایر مجلات
چاپ شده و یا مطالب
روانشناسی که از کتب مختلف
گرفته می شود با ذکر نام
نویسنده و کتاب برایشان
فرستاده تا از آن استفاده
کنند ؟

**گزارشی از ممالک متحده
امریکا**

جوانان ایرانی

همیشه موفق بوده اند
یکی از ورزش های مهم
و قابل توجه در امریکا فوتبال
است و مردم روز بروز علاقه
بیشتری به دیدن و بر گزار کردن
این مسابقه از خود نشان می -
دهند . در امریکا ورزشکاران
فوتبال ایرانی از همه مهمتر
هستند و در همجا پرچم
افتخار ایران را بالا می برند .
چند روز پیش در یکی از
دانشگاههای لوس آنجلس
امریکا با یکی از معروف -
ترین مربی های امریکا که
اصولا انگلیسی است بنام آقای
جک استوارت مربی تیم
فوتبال وودبوری کالج تماس
گرفتم و چند سؤال از ایشان
کردم .

س - آقای مربی ، آیا
شما امریکایی هستید .
ج - نه من انگلیسی هستم .
دانشکده کالیفرنیا مرا به
امریکا دعوت کرده که مربی
بشوم و من قهرمان حرفه ای
۱۵ سال پیش جهان بودم .
س - آیا راجع به فوتبال
چه فکر می کنید .

ج - من فکر میکنم ورزش
جالب توجه ای است و بزودی
در امریکا جای فوتبال امریکایی
را خواهد گرفت .

س - آقای مربی آیا در
زمانی که مربی بوده اید جوان
ایرانی در تیم شما شرکت
کرده است .

ج - مربی تعداد بسیاری
از فوتبالیست هایی که من
دیدم در وودبوری کالج بود .
جوانان ایرانی همیشه موفق
بوده اند .

آقای مربی ممکن است
بفرمائید کی و چه کسی
مربی جواب داد رضا

گلرخی دانشجوی رشته وودبوری کالج یکی از بهترین فوتبالیست‌های حال حاضر در تیم‌های مختلف دانشگاهی بازی می‌کند و همیشه موفق بوده است.

بعد از این آدرس آقای رضا گلرخی را گرفتیم و ایشان را در ساعت ۷ بمدار ظهر در مدرسه‌شان دیدیم اسم رضا - شهرت گلرخی - محصل در لوس آنجلس کالیفرنیا سن ۲۶ سال و مدتی است که در لندن و آمریکا تحصیل می‌کند. ایشان یکی از ورزشکاران فوتبال ایرانی در آمریکا هستند.

در لندن در تیم‌های مختلف مدرسه‌ای بازی کرده و در حال حاضر کاپیتان تیم فوتبال در لوس آنجلس کالیفرنیا است. جمعا در حدود ۵۰۰ مسابقه بازی داشته و ایشان در جواب اینکه آیا به ایران باز می‌گردید می‌گفت به ایران برمی‌گردد و آرزو دارم که در تیم ملی ایران شرکت کنم آرزو دارم که تیم ملی ایران در دنیا اول بشود و جوانان هم تحصیلات دانشگاهی داشته باشند. در ضمن آقای رضا گلرخی گفتند که من آرزو می‌کنم که مسابقات ورزشی فوتبال بین دانشگاه‌های دنیا بصورتی بشود که اقلا مردم دنیا بتوانند بخصوص از طریق ورزش فوتبال از وضع ممالک و پیشرفت‌های یکدیگر با اطلاع بشوند و در ضمن ما بتوانیم ورزش فوتبال را در دنیا بین جوانان دانشجوی بخصوص آمریکا رونق بدهیم. ورزش فوتبال، ورزش قابل تحسین اروپاییان است و بالاخره جانشین فوتبال آمریکائی می‌شود در ضمن آقای گلرخی در جواب اینکه نظر شما راجع به جوانان فوتبالیست ایران چیست گفت: «ایرانیان در تمام دنیا موفق‌ترین فرد ها بوده و هستند و در فوتبال باید بیشتر همکاری داشته باشند و اگر ماله همکاری بین یک تیم باشد آن تیم پیشتر موفق خواهد شد. آرزوی موفقیت برای همگی جوانان ایران را دارم.»

فیروز بقا دانشجوی رشته مهندسی اقتصاد لوس آنجلس کالیفرنیا

«فیلم شهر قه»

● «شهر قه» موفق‌ترین پیرس سالهای اخیر ایران که باستقبالی بی‌مانند از طرف طبقات مختلف مردم مواجه شد بزودی بصورت فیلم در خواهد آمد و هم‌اکنون «بیژن مفید» که این پیرس را نوشته و کارگردانی کرده بود سر - گرم آنست که منابع مالی لازم برای آن جستجو کند. می‌گویند کارگردانی این فیلم را «منوچهر انصاری» و «شاهرخ گلستان» فیلمبرداری آنرا ممکن است به‌عهده گیرند.

دیدار شاهنشاه، شهبانو و الاحضرت ولیعهد از موسسه اطلاعات

● شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو باتفاق الاحضرت ولیعهد عصر روز شنبه ۲۱ شهریورماه از تاسیسات تازه موسسه اطلاعات دیدن کردند.

اعلیحضرتین در ساعت هجده و سی دقیقه با انومیل بموسسه اطلاعات تشریف‌فرما شدند و از طرف آقای هویدا نخست وزیر، روسای سنا و مجلس شورایملی و گروهی از صاحب‌منصبان کشور مورد استقبال قرار گرفتند.

نویسندگان معاصر ایران است که توسط محمدعلی سپانلو شاعر و نویسنده معاصر انتخاب و حاشیه نگاری و تفسیر شده است. این کتاب قرار است ماه آینده توسط انتشارات زمان منتشر گردد و در حقیقت اولین کتابی است که باین شکل یعنی قسه و نقد قسه توانمند منتشر شده.

دانش

قائم‌مقام مدیر کل یونسکو در تهران

● ساعت ۹ بامداد روز دوشنبه ۱۶/۹/۶۹ آقای ادیسه شیا قائم‌مقام مدیر کل یونسکو برای شرکت در پنجمین کنفرانس کمیسیون‌های ملی یونسکو کشورهای آسیائی به تهران آمد.

ژاپن تعدادی بورس در اختیار ایران گذاشت.

● دولت ژاپن تعدادی بورس تحصیلی در رشته‌های علوم طبیعی و اجتماعی در اختیار دولت ایران قرار داده است که تاریخ شروع آن فروردین ۱۳۵۰ می‌باشد.

وزارت علوم و آموزش عالی تصمیم دارد بورس‌های مذکور را به کسانی که در امتحانات زبان انگلیسی ۲۷ شهریورماه سال جاری اعزام دانشجو به خارج بانمر ممتاز قبول شوند و دارای بالاترین معدل در امتحانات نهائی دیپلم متوسطه باشند واگذار نماید. «انجمن فیزیک ایران»

● پنجمین جلسه شورای هماهنگی دانشگاه‌ها که در تبریز تشکیل شد با تشکیل انجمن استادان فیزیک دانشگاه و موسسات آموزش عالی موافقت کرد. این انجمن که «انجمن فیزیک ایران» نامیده شده است در اسانامه خود یاد آور میگردد که:

بمنظور ایجاد و تحکیم روابط علمی و تحقیقاتی در زمینه فیزیک، بین فیزیک دانان و هیات آموزش موسسات آموزش عالی کشور، همچنین کوشش در افزودن دانش و اطلاعات هیات آموزشی فیزیک و آشنا ساختن معلمان فیزیک با تازه‌ترین روشهای آموزشی و همکاری با مقامات وزارت علوم برای تحقیق و آتزشیایی مستمر و تجدید نظر در برنامه‌ها و کتب درسی و هماهنگ کردن اصطلاحات علمی، این انجمن تشکیل میشود.

محل این انجمن در تهران است و دارای دبیرخانه‌ایست که زیر نظر و با مسئولیت دبیر انجمن اداره خواهد شد و نیز دارای کمیسیونهای هشتگانه‌ای است که هیات مدیره، آئین‌نامه مربوط به فعالیت هر کمیسیون را تدوین خواهد کرد.

«جهان ایرانشناسی»

● دائرةالمعارف سی هزار صفحه‌ای ایرانشناسی که بفرمان شاهنشاه تدوین و چاپ میشود انتشار یافت. آقای علم وزیر دربار

شاهنشاهی درباره استقبال دانشگاه‌ها، آکادمیهای نام آور، و مراجع علمی سراسر جهان از دائرةالمعارف جهان ایرانشناسی اعلام داشت که: فرهنگستانهای برجسته دنیا چون آکادمی علوم شوروی و آکادمیهای پنجگانه آلمان و آکادمیهای ایتالیا، اتریش، بلژیک و اسپانیا و نروژ این پژوهش را ستودند و دانشگاه های پاریس، لندن، اکسفورد، کمبریج، مسکو، واشنگتن، شیکاگو و پنسیلوانیا هم این دائرةالمعارف را جامع و کامل و ماندگار خواندند.

یونسکو سازمان فرهنگی بین‌المللی، انتشاراتین دائرةالمعارف را در ایران بمثابة واقعه‌ای علمی در سطحی دنیایی اعلام کرد. آکادمی فرانسه نیز عینا همین نظر را دارد. «اولین آموزشگاه فنی الکترونیک در شیراز تاسیس میشود»

● آموزشگاه فنی الکترونیک درزمینی بساحت ۸۰ هزار متر مربع احداث میشود و شامل ۱۸ آزمایشگاه هفت اتاق پروژه، پنج کارگاه آموزشی، چهار کلاس زبان، پنج کارگاه تعمیرات، سه سالن تدریس عمومی، دوازده کلاس درس، کتابخانه، سالن نهار خوری و یک خوابگاه میباشد. مرحله اول ساختمان آموزشگاه تا آبانماه سال جاری پایان میرسد و ۱۲ آزمایشگاه و چهار کلاس درس آن مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت. برنامه‌های آموزشگاه فنی الکترونیک شامل یکدوره آموزش عمومی الکترونیک بمدت دو سال و

«چهار کانال زیرزمینی در تهران احداث میشود»

● برای جمع آوری آب های سطح شهر، در پایتخت ۴ کانال بزرگ در عمق ۷ متری زمین ایجاد خواهد شد و اعتبار انجام این برنامه از طرف سازمان برنامه ۹۰ میلیون تومان برآورد شده است.

بررسی جهت انجام این پروژه ها بوسیله یک گروه مهندسان مشاور انجام گرفته و آنان اعلام داشتند که برای جمع آوری آبهای سطحی شهر ایجاد چهار رشته تونل زیر زمینی در نقاط مختلف پایتخت ضروری است. چهار کانال مزبور بترتیب از خیابانهای شهنار، خیام، سیمتری نظامی و سرچشمه سیروس عبور کرده و در جنوب شهر به میلهای طبیعی اطراف تهران می - پیوندند.

عکس فوق اولین کانال زیر زمینی تهران را که برای جمع آوری آبهای سطحی با بتون مسلح ساخته شده نشان میدهد. این کانال کمدیائیز اصال آماده بهره برداری می شود میتواند دهها متر مکعب سیلاب را از خود عبور دهد.

یکدوره اختصاصی بمدت یک سال خواهد بود. برای دوره عمومی این آموزشگاه درسال اول ۲۴۰ هنر آموز از میان فارغ التحصیلان سیکل اول متوسطه و یا بالاتر پذیرفته میشوند و ۱۲۰ نفر از فارغ التحصیلان دوره عمومی برای دوره اختصاصی یکساله انتخاب خواهند شد. برای تجهیزات آزمایشگاهها و کارگاههای آن بهترین و مدرن ترین وسایل آموزشی الکترونیک در نظر گرفته شده است و اعتبار پیش بینی شده برای این منظور ۶۷ میلیون ریال است.

ما انسانهای عمیق میخواهیم نه مغزهای انباشته از محفوظات

● روز سوم امرداد ماه پنجمین سمینار دبیران علوم اجتماعی کشور با پیام شاهنشاه آریامهر در دبیرستان دخترانه ششم بهمن کار ۶ روزه خود را آغاز کرد.

شاهنشاه آریامهر در پیام خود خاطر نشان فرمودند: آنچه از این پس اساس انقلاب آموزشی کشور ما را تشکیل میدهد تربیت افرادی است که انسانهایی واقعا و عمیقافهمیده و متفکرو شایسته برای تشکیل جامعه‌ای مترقی و از هر جهت پیشرفته باشد نه افرادی که فقط مغز خویش را بایک‌مشت محفوظات وارقام و آمار انباشته‌اند.

شاهنشاه آریامهر در پیام خود چنین فرمودند: تشکیل سمینار دبیران علوم اجتماعی و تاریخ و جغرافیای کنورکه بمنظور بحث در باره مسائل اجتماعی و سیاسی واقضادی کنونی ایران و تبادل نظر در امر روشهای جدید تدریس بر پایه انقلاب

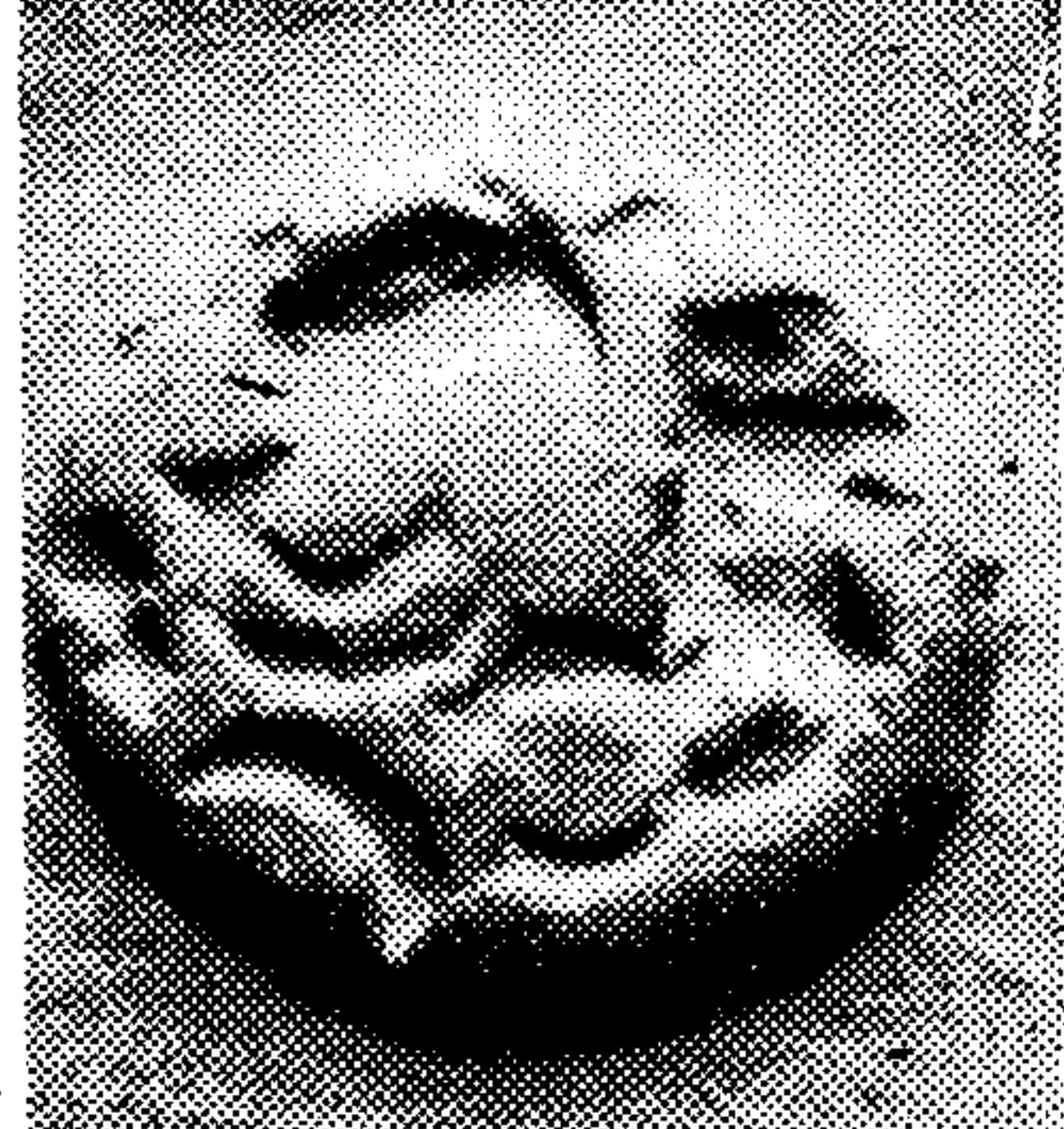
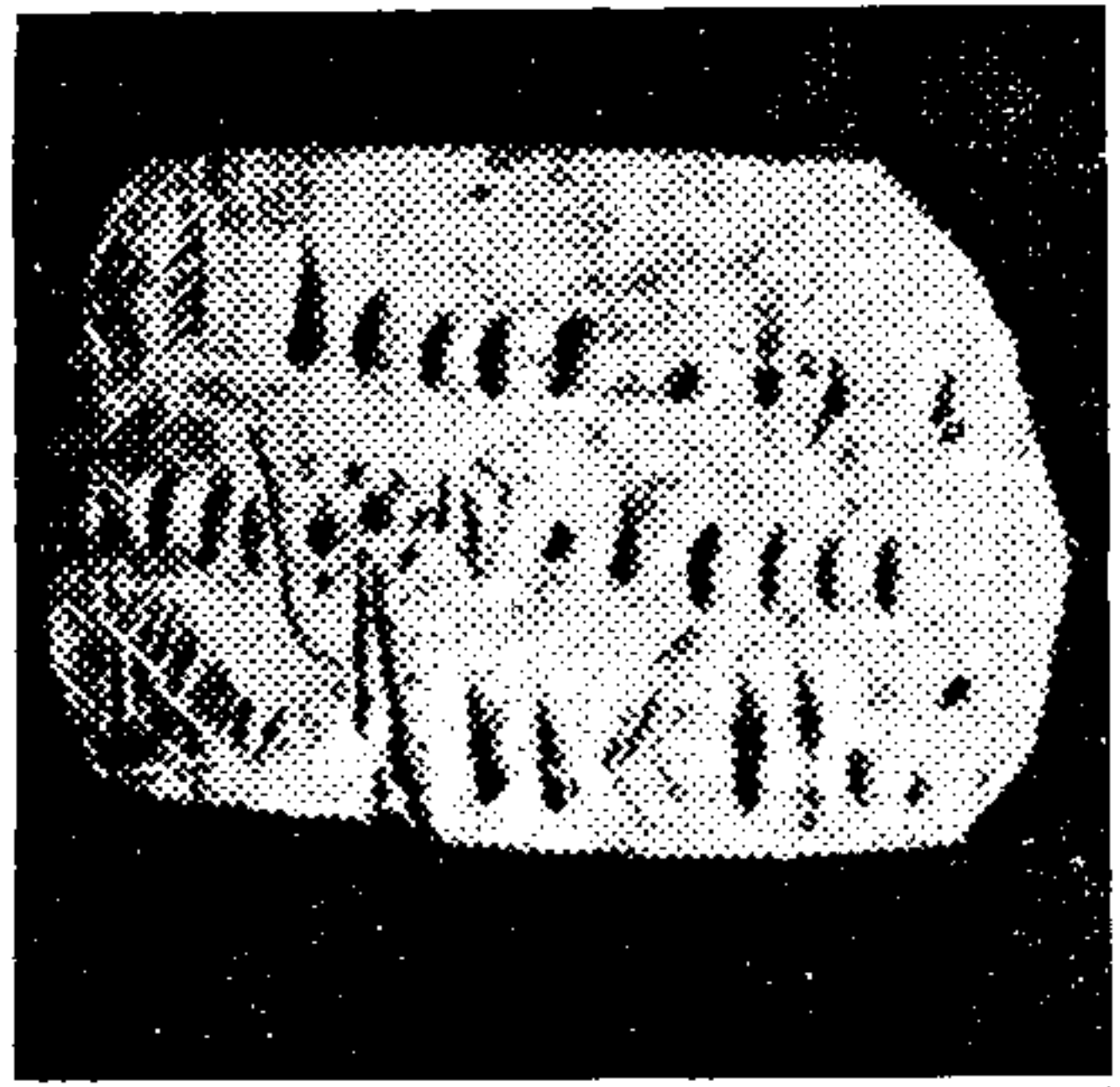
آموزشی کشور برگزار میشود مایه خوشوقتی ما است. یقین داریم در فاصله سمیناری که بر همین اساس در سال گذشته در تبریز تشکیل شد و سمینار حاضر، نتایج بررسی های کنفرانس قبل در پیشرفت کار تدریس دبیران علوم اجتماعی و تاریخ و جغرافیای کشور تاثیر شایسته‌ای داشته است.

سمینار کنونی که اندکی پس از برگزاری کنفرانس آموزشی رامسر تشکیل میشود میباید در درجه اول مواد منشور رامسر و اصولی را که در آن کنفرانس درباره مفهوم واقعی واصل انقلاب آموزشی مطرح شده است اساس کار خود قرار دهد. یعنی متوجه باشد که در امر تدریس بطور کلی و بخصوص در زمینه تدریس دروسی مانند علوم اجتماعی که با پرورش فکری و روحی دانش آموزان و دانشجویان سرو کار دارد امروز دیدی کاملا تازه و برداشتی بسیار وسیع ضروری است.

در اجتماع امروز بشری و بخصوص در جامعه ما که بر اساس انقلاب همه‌جانبه اجتماعی و فکری پایه گذاری شده است مفهوم تدریس تاریخ دیگر شرح یک سلسله وقایع و حوادث و ذکر یک سلسله سنوات و ارقام نیست بلکه این درس مکتبی است که میباید اصيل ترین ارزشهای ملی و فردی و مبنای تحولات عمیق جوامع بشری در آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و توجه به هماهنگی کمیت و کیفیت مفهوم واقعی ارزشهای انسانی را بطور اخص به نسل جوان



باستان‌شناسی



«سنگ نبشته ۵۰۰۰ سال قبل در کرمان»

شاملو نماینده فنی اداره کل باستانشناسی در تپه های دولت آباد کرمان مشغول حفاری است ، سنگ نبشته ها «تابلت ها» مصور است و قطع آن ۵ سانت در ۵ سانت میباشد . اهمیت تابلت های مکشوفه در این است که دارای خطوط مصور است و بطوریکه مقامات مسئول اظهار میدارند مربوط به ۳ هزار و ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح میباشد . باین ترتیب این تابلت ها قدیمی ترین تابلت هائیت که تاکنون در کاوشهای باستان شناسی ایران بدست آمده است . اکنون متخصصین امور باستانشناسی سرگرم مطالعه و تحقیق هستند تا این سنگ نبشته ها را بخوانند . این تابلت ها قدیمی ترین کتیبه هائیت که تاکنون بدست آمده و مرحله آغاز خط را در ایران میرساند . در همین نقطه مقداری مهر از سنگ استاتیک سیاه و سبز مربوط به هزاره سوم قبل از میلاد بدست آمده ، نمونه این مهر ها ۵ سال قبل در بحرین پیدا شده و این موضوع ارتباط تمدن جنوب شرقی ایران و جزایر خلیج فارس را میرساند ، در روی این مهر ها که برنک سیاه و سبز میباشد نقش هائی از حیوانات از قبیل بز کوهی و میش دیده میشود . «دو مجسمه فلزی قدیمی در چهار محال بختیاری کشف شد»

کنگره تحقیقات ایرانی
نخستین کنگره ایران شناسی عصر روز دوشنبه ۱۶ شهریور ماه با صدور یک قطعه نامه به کار خود پایان داد . در قطع نامه اعلام شد که این کنگره سال آینده در دانشکده ادبیات مشهد برگزار خواهد شد . کنگره ایران شناسی که در آن ۲۱۵ دانشمند و محقق داخلی و ۱۷ دانشمند و محقق خارجی شرکت داشتند در قطعه نامه خود متذکر میشود که نام این کنگره از این پس ، به «کنگره تحقیقات ایرانی» تبدیل میشود و بمنظور آنکه محققان رشته های ایران شناسی منظم از فعالیت های یکدیگر مطلع شوند - همانطور که در پیام شاهنشاه آریامهر مقرر شده است - هر سال تشکیل گردد .

قطعه نامه همچنین توصیه کرده است که علاوه بر شعب مختلف کنگره یک یا چند مجلس علمی همراه با هر کنگره و در کنار جلسات آنها تشکیل گردد تا متخصصان خطابه هائی در آن موضوع تعیین و تهیه کنند و شعبه ای برای مطالعات اجتماعی مربوط به ایران در کنگره آینده ایجاد شود . یکی دیگر از

نمونه های آثار پنج هزار ساله یا ارزشی که در حفاری تپه «یحیی» کرمان بوسیله هیئت باستانشناسی مشترک ایران و آمریکا بدست آمده است بمرکز نمایش گذاشته شد . آقای دکتر «سی سی لامبرک کارلوسی» رئیس این هیئت مشترک حفاری که از طرف دانشگاه هاروارد آمریکا رئیس یک هیئت ۱۸ نفری باستانشناسی در خاور نزدیک است اعلام کردالواح گلی که در تپه یحیی بدست آمده است نمودار کوششهای نخستین در زمینه ابداع «خط» در فلات ایران محسوب میشود و اهمیت آنها بقدری است که بسیاری از فرضیات مربوط به پیدایش خط را از اعتبار میاندازد . در این مصاحبه همچنین اعلام شد با مطالعاتی که تاکنون بر روی آثار بدست آمده صورت گرفته احتمالاً الواح مکشوفه مربوط بدوره ای قدیمی تر از کتیبه های تپه «سیلک» در جنوب شرقی ایران و متعلق به هزاره چهارم پیش از میلاد است . تپه یحیی نزدیک بخش دولت آباد از توابع شهرستان بافت کرمان قرار گرفته است .

در میان آثار بدست آمده مهری منور و سنگی بدست آمده است . این مهر قدیمی ترین مهر سنگی است که تاکنون در منطقه جنوب شرقی ایران کشف شده است و مربوط به هزار سوم قبل از میلاد است . اثر بدست آمده دیگر سیلندر استوانه ای سیاه رنگی است که بر روی آن نقوش یک زن بحالت نشسته که دستهای را از دو طرف شانه پائین آورده و نزدیک کمر نگاه داشته است و نقش مردی که او هم بحالت نشسته و نیم رخ است که فاصله او را با زن گیاه پر کرده است دیده میشود . با توجه به قدمت سیلندر مکشوفه میتوان گفت که نقش زن روی این سیلندر قدیمی ترین نقش زنی است که تاکنون در ایران کشف گردیده به علاوه در تپه یحیی مجسمه سفالی ساسانی ، قوچ مرمری ، مجسمه زن ، سفال های منقوش و اشیاء مفرغی نیز بدست آمده است .

سنگ نبشته پیدا شده در دولت آباد کرمان ارتباط تمدن ایران و جزایر خلیج فارس را ثابت میکند . چهار سنگ نبشته مربوط به ۳ هزار و ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در حومه کرمان کشف شد ، سنگ نبشته ها بوسیله هیئت حفاری مشترک ایران و آمریکا بدست آمد . این هیئت برپرستی آقای

بازدید از فعالیت های عمرانی و آبادانی و پیشرفت های مملکتی که پس از انقلاب هشتم بهمن ۱۳۴۱ در سطح شهر - ستانها و روستاها بمرحله عمل در آمده است بنا به دعوت فرمانداری کل لرستان به آن منطقه مسافرت نمودند . این مسافرت روز یکشنبه ۲۲ شهریور ماه ۴۹ لغایت ۲۸ شهریورماه بمدت ۷ روز ادامه خواهد داشت ضمناً دانشجویان بانحوه فعالیت و برنامه های اجرایی سپاهیان انقلاب در سطح روستاها آشنائی پیدا خواهند کرد .

۴ مسافرت قبلی دانشجویان کوی دانشگاه مرکب از ۱۷۰ نفر از دانشجویان در ۴ گروه از فرمانداری کل همدان ، استان کردستان ، فرمانداری کل کهگیلویه و بویر احمد استان آذربایجان غربی انجام گردیده است .

«بقیه ارزشیابی فعالیت های دانشجویان»
دبیر رسمی وزارت آموزش و پرورش است . این رقم در وضع فعلی و باتوجه بمشکلات وزارت آموزش و پرورش از لحاظ کمبود دبیر علوم قابل توجه است و نتایج حاصل از فعالیت های اجتماعی دانش یان از هر جهت قابل توجه و چشمگیر بوده است .

رویدادهای هنر: فیلم و سینما
«سریال تلویزیونی»
«حسینقلی مستعان» نویسنده معروف پاورقی های مجلات که چندی است کارش را نسبت بسابق تا حد قابل توجهی در مطبوعات کم کرده است اخیراً دعوت تلویزیون ملی را پذیرفت و قرار است که یک سریال تلویزیونی برای تلویزیون بنویسد . باتوجه به تبحر مستعان در ادامدادن داستانها باید «سریال های» او هم از طولانی ترین سریال های تلویزیونی باشد .

رویدادهای فرهنگی
«طرح تشکیل لژیون خدمتگزاران بشر تقویت شد»
از طرف شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد طرح تشکیل لژیون خدمتگزاران بشر تصویب شد . طبق این طرح گروه داوطلبان بین المللی در ممالک در حال توسعه فعالیت میکنند . شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد در جلسه سشنه ۶ امرداد ماه خود در ژنو طرح تشکیل لژیون خدمتگزاران بشر را که فکر تشکیل آنرا شاهنشاه آریامهر چند سال پیش مطرح ساخته بودند تصویب کرد . بموجب قطع نامه ای که تصویب شد گروهی بنام داوطلبان بین المللی توسعه و عمران تشکیل میشود تا در ممالک در حال توسعه با اجرای طرحهای عمرانی کمک کنند . این قطعه نامه که با ۲۱ رای موافق بتصویب رسید به اجلاسیه آینده مجمع عمومی سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد .

امروز و نسلهای آینده بشناسند . همین تذکر طبعاً درمورد سایر رشته های درسی مثل علوم اجتماعی نیز میباید به نحو کامل مورد توجه قرارگیرد . توفیق اعضای این سمینار وسایر مطلبان علوم اجتماعی وتاریخ وجغرافیای کشور را در راه انجام وظیفه حساس ودقیقی که بعهده دارند خواستاریم .

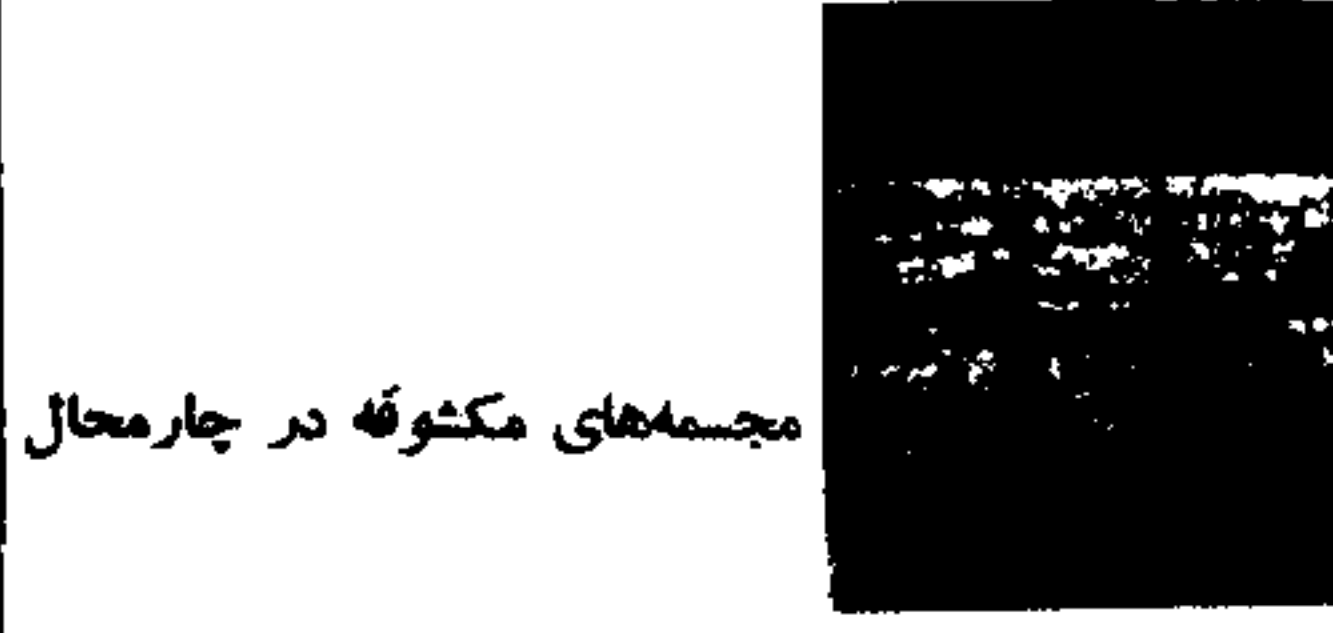
کنگره ایران شناسی
نخستین کنگره ایران شناسی بمدت شش روز از یازدهم تا شانزدهم شهریورماه سال جاری به همت دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و کتابخانه مرکزی با شرکت گروهی از محققان و دانشمندان ایرانی و خارجی در محل دانشکده ادبیات تهران تشکیل گردید . کنگره ، دارای شش شعبه بشرح ذیل بود :

- ۱- تحقیقات ادبی مربوط به ایران دوره اسلامی .
- ۲- تاریخ و جغرافیای دوره اسلامی .
- ۳- زبان شناسی و لهجه های ایرانی .
- ۴- دستور زبان فارسی .
- ۵- باستان شناسی و هنر .
- ۶- تاریخ و جغرافیای پیش از اسلام .
- ۷- دین و عرفان و فلسفه .
- ۸- علوم ایرانی .
- ۹- ادبیات معاصر ایران
- ۱۰- مردم شناسی و فرهنگ عامه .
- ۱۱- کتاب شناسی ونسخه شناسی .

به یادگار تشکیل نخستین کنگره ایران شناسی ، چند کتاب منتشر شد و چند نمایشگاه دائر گردید . در این کنگره که بیش از دویست تن شرکت داشتند ، پیش از صد خطابه ایراد گردید که تمامی آنها بزودی از طرف دانشگاه چاپ و منتشر خواهد شد . در روز دوشنبه شانزدهم شهریور ، جلسه عمومی کنگره ایران شناسی تشکیل شد و اعلام نامه کنگره قرائت گردید . اعضای کنگره تصویب کردند که «کنگره ایران شناسی» بنام «کنگره تحقیقات ایرانی» همه ساله تشکیل گردد . از طرف دانشگاه مشهد پیشنهاد شد که «کنگره تحقیقات ایرانی» در سال آینده در مشهد تشکیل گردد . از توصیه های مهم کنگره یکی ترجمه مجموع کتیبه های ایرانی پیش از اسلام بود به زبان فارسی و دیگر تصویب قانون سازمان اسناد ملی و گذاردن مدارک و اسناد دولتی در اختیار محققان چنانکه در همه جای دنیا مرسوم است .

پنجمین برنامه بازدید دانشجویان کوی دانشگاه
۴۲ نفر از دانشجویان مقیم کوی دانشگاه تهران به سرپرستی آقای مسعود خدای معاون کوی دانشگاه برای

اولین نقشه ای که در ایران از زن بدست آمده



چشمید بهنام ، پرویز فاضل خانلری ، غلامعلی رعیدی آذرخشی ، ذبیح اله صفا ، مجتبی هنیوی ، سید حسین نصر ، حبیب یغمائی ، ایرج افشار و در شهرستانها ، اصفهان ، دکتر عبدالباقی نواب ثریز منوچهر مرتضوی ، شیراز عبدالوهاب نورانی وصال

ضمناً کنگره اعضای کمیته مرکزی خود را انتخاب کرده است که در تهران عبارتند از

رویداد نفت

«عمیق ترین چاه جهان در قزل تپه گنبد کاووس»

● عمیق ترین چاه نفت جهان در قزل تپه ایران با قیمت ارزان حفر شده است. آقای مهدوی رئیس اداره کل حفاری شرکت ملی نفت ایران در مورد این چاه اظهار داشت: پس از مطالعات عمیق زمین شناسی و عملیات لرزه نگاری تشخیص داده شد که سنک آهک در قزل تپه در بیست کیلومتری گنبد کاووس موجود است و ضمناً این طبقه آهک مسدود می باشد و احتمال دارد مواد هیدروکربن در آن باشد به علاوه ضخامت این آهک بین ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ پا است. پس از مطالعات وسایل و تجهیزات برای حفر چاه خسریداری گردید و از اوایل سال ۱۹۶۹ کار حفاری شروع شد و در عرض ۲۱۰ روز چاهی به عمق ۱۹ هزار و ۱۱۹ پا حفر گردید همه عملیات آن توسط متخصصین ایرانی انجام گرفت. (حفر چاه نفت در قزل تپه)

مرتفع زاگرس»

● شرکت نفت ایران و ایتالیا «سیرپ» بدنبال عملیات اکتشافی وسیع موفق بکشف نفت در یکی از قله مرتفع سلسله جبال زاگرس گردید. این شرکت قبلاً در ارتفاعات ناحیه کوه ریک موفق به کشف نفت شده بود اما چاه مزبور که بنام چاه شماره یک «شورم» نامگذاری شده در قله کوهی که ارتفاع آن از سطح دریا ۹۸۱۰ پا ۳۲۱۵ متر، میباشد قرار دارد و عمق نهائی چاه ۱۰۵۶۱ پا است. کارشناسان نفتی در اولین مرحله آزمایش میزان بهره دهی روزانه آنرا به ۲۲۳۲ بشکه تخمین زدند اما گفته میشود که محصول روزانه این چاه از رقم فوق بیشتر است. چاه مزبور در فاصله یکصد کیلومتری بروجن قرار دارد و با چاه شماره یک کوه ریک در حدود ۱۵۰ کیلومتر فاصله دارد. عملیات حفاری نخستین چاه نفت در این ارتفاع در حدود ۷ ماه بطول انجامید و پس از کشف نفت بلافاصله فعالیت برای انتخاب محل جدید جهت حفر دومین چاه آغاز شد.

قرار است دومین چاه که محل آن انتخاب شده در فاصله ۱۵۰۰ متری چاه شماره یک حفاری شود و محل جدید به تایید کارشناسان شرکت ملی نفت ایران رسیده است. نکته قابل توجه حملدها تن وسایل و تجهیزات سنگین و همچنین دکل حفاری برای

حفر چاه نفت در این ناحیه است که به علت ارتفاع زیاد کلیه تجهیزات بوسیله سیمهای نقاله صورت گرفته است. شرکت نفت ایران و ایتالیا غیر از منطقه زاگرس در ناحیه فلات قاره ایران نیز سرگرم فعالیت است و چند حلقه چاه در آن منطقه حفاری کرده که تعدادی از آنها به نفت برخورد کرده است. این شرکت تاکنون ۱۴ حلقه چاه در دریا و خشکی حفر نموده است.

رویداد ادبی

● «موفقترین چهره ادبی» سال گذشته همه اهل کتاب دست اندرکاران آن دکتر ساعدی را موفقترین چهره ادبی قلمداد کردند و امسال نیز همچنانکه پیداست این توفیق تکرار خواهد شد. داستانها و نمایشنامه های ساعدی در میان مردم طرفداران زیادی دارد. کتاب او در اندک مدتی نایاب شد و این ارزشمندی آثار او و نفوذ آنها را ثابت کرد. فیلم گاو که براساس داستان او تهیه شده بود توفیق چشم گیری یافت. امسال از دکتر ساعدی علاوه بر کتابهای دو فیلم خواهیم دید یعنی فیلم هائیکه داستان و مایه سناریوی آن ها از دکتر ساعدی است و «آرامش در حضور دیگران» «نویسنده ترک و مترجم اشعار حافظ و خیام و باباطاهر تهران آمد»

● بد نیست بدانید از جمله میهمانان هفته اول امرداد ماه تهران «رشدی شاردن» نویسنده و شاعر و ایرانشناس ترك بود که برای انجام مطالعات بیشتری در اطراف فرهنگ و زبان ایران تهران آمد.

● «شاردن» که بزبان فارسی آشنائی کامل دارد در طول فعالیتهای گذشته آثار شعری بزرگ ایران از جمله حافظ، خیام و باباطاهر عریان را بزبان ترکی ترجمه کرده است و مقالات او پیرامون شعر و ادب ایران طرفداران زیادی در مطبوعات ترکیه دارد.

شاردن تقصیم دارد مدت نسبتاً طولانی در ایران بماند و پس از انجام این سفر کتابی پیرامون انقلاب اجتماعی ایران بزبان ترکی خواهد نوشت.

رویداد سپاهیان

دختران مشمول مورد احتیاج طبق اظهارات خانم آهسی سرپرست سپاه دانش دختران در فروردینماه گذشته ۹۷۰ مشمول بخدمت اعزام شدند و برای دوره آینده در نظر است ۱۰۳۰ نفر بخدمت اعزام شوند. مشمولین باید از اول شهریور ماه تا دهم مهر ماه خود را معرفی نمایند. از بین این مشمولان عده ای به عنوان مازاد بر احتیاج معاف میشوند.

خانم آهی افزود: بعضی از مشمولین را وزارت آموزش و پرورش و بعضی دیگر را وزارت بهداشت و سایر وزارت خانه ها می پذیرند - وزارت بهداشتی به فارغ التحصیلان رشته های پزشکی احتیاج دارد ولی در این دوره امکان معاف شدن مشمولین لیسانسیه موجود است. علاوه بر مشمولین این دوره افراد دیگری هم می توانند داوطلب شوند مانند افرادی که در دوره های قبل معاف شده اند (با استثنای معافیت پزشکی) همچنین افرادی که در دوره های قبل کمتر از ۱۸ سال داشته اند باید در این دوره احضار شوند. آنها نیز که قبل از تصویب قانون تشکیل سازمان خدمات اجتماعی زنان فارغ التحصیل شدند میتوانند بعنوان داوطلب خود را معرفی نمایند. به علاوه افرادی که در دوره های قبل غایب بودند باز ارائه عذر موجه میتوانند برای آخرین بار داوطلب خدمت شوند. در ضمن خانم آهی اظهار داشت: در سال آینده در نظر است یک هزار تا یک هزار و پانصد نفر از دختران فارغ التحصیل سیکل اول دبیرستان پس از طی یک دوره کارآموزی یک ساله برای تدریس در یوسراها اعزام شوند.

● «سپاهیان ممتاز انقلاب انتخاب شدند»

● تعداد هفت نفر سپاهیان دیپلمه دوره ششم ترویج و آبادانی و پنج نفر دیپلمه دوره هشتم بهداشت و سه نفر ماموران خدمات اجتماعی سازمان سپاه بهداشت و دوف نفر ماموران خدمات اجتماعی زنان در وزارت آبادانی و مسکن بعنوان سپاهیان انقلاب ممتاز از میان قریب به ۳۰۰۷ نفر سپاهیان این دوره انتخاب شدند. انتخاب این عده وسیله برنامه ای که با نظارت قسمت امور اجتماعی دربار شاهنشاهی اجرا میشود صورت گرفته است. طبق این برنامه از کیفیت خدمات و رفتار سپاهیان و همچنین از معلومات عمومی و اختصاصی و استعداد آنان به وسیله سازمانهای مربوطه و

موسسه روانشناسی دانشگاه تهران ارزش یابی بعمل می آید.

● بهترین سپاهیان طبق ضوابط دقیق و آئین نامه خاصی که به این منظور تصویب رسیده است تعیین و بعنوان سپاهی انقلاب ممتاز مفتخر شدند. این سپاهیان میتوانند در صورت تمایل به معافیت در آزمایشهای مقرر در دانشگاه های داخل کشور تحصیل کنند یا به استخدام سازمان های دولتی درآیند. اسامی ممتازان گروه دیپلمه ترویج و آبادانی دوره ششم بشرح زیر است.

آقایان مجتبی امانی اردبیلی، اکبر ظهیر بندی، مرتضی خانی، محمد علی اکبر وندیس، فریبرز وزیر راینی، فریدون جعفری مقدم فرد، ماشاءاله نیک نام.

ممتازان گروه دیپلمه بهداشت آقایان محمد علی شیخ بهائی، حمید آشوری، روح الله فرخی، پرویز مجیدی محمد مدنی، ممتازان گروه ماموران خدمات اجتماعی سازمان بهداشت دوشیزگان نیره کاشانی و جیه طهمورثی - شهناز بهمانیان و ممتازان گروه ماموران خدمات اجتماعی وزارت آبادانی و مسکن بانوان فتحیه عرب پور آهونی و نستر اهل الهی.

● «نتیجه مسابقات شای قهرمانی کشور»

● در جریان سی امین دوره مسابقات شنا شیرجه و واترپولی قهرمانی ایران مجدداً ۶ رکورد ایران شکسته شد و بطور کلی از آغاز تابستان تا بحال ۱۳ رکورد ایران شکسته شده است. این مسابقات در شرایطی پایان یافت که تیم تهران در هر سه رشته بمقام قهرمانی رسید. رقیب همیشگی تهران یعنی تیم خوزستان که سال گذشته در مسابقات شنا و شیرجه از تخته، جام قهرمانی ایران را به استان خود برده بود در این دوره از مسابقات نتوانست در حد نام و اعتبار خود درخشش داشته باشد و از این رو از رقابت با تهران بدور بود.

در جریان این دوره از مسابقات شش رکورد ملی شنا شکسته شد که در چهار رشته شناگران تهرانی و در دو رشته شرکت کنندگان شهرستانی موفق بکسب چنین موفقیتی شدند.

رکورد های جدید در مواد سدنتر کراال پشت (بوسیله حسین نسیم از خوزستان) بود. حسین نسیم روز ۲۸ تیر ماه موفق شده بود که رکورد ۲۰۰ متر کراال پشت ایران را بشکند. رکورد جدید نسیم در ۱۰۰ متر کراال پشت ۱-۰۹-۰۰ دقیقه بود.

رکورد دیگر متعلق به حسین مجیدی شناگر تهرانی در هشتصد متر آزاد است. او توانست این مسافت را در مدت ۲۲-۱۰ دقیقه شنا کند و ۱۶-۰۵ ثانیه بهترین

رکورد قبلی ایران را در این رشته جا بجا نماید. رکورد ۴-۰۵-۰۰ متر مختلط انفرادی بوسیله اسفرتاجیکی از تهران شکسته شد. اوموفق شد در این رشته شنا ۳-۰۷-۰۰ ثانیه بهترین رکورد ایران را که سال گذشته توسط خود او در جریان مسابقات ایران و رومانی بدست آمده بود جا بجا کند.

حیدر شنجانی از گیلان توانست سدهم ثانیه رکورد شنای ۱۰۰ متر کراال سینه ایران را درهم بشکند. رکورد قبلی ۵-۰۲-۰۵ ثانیه و متعلق بخود او بود.

دویست متر پروانه توسط شهرام آذرفر شناگر تهرانی شکسته شد. او در مسابقه ۲۰۰ متر پروانه رکورد تازه ای معادل ۲-۲۷-۱۰ دقیقه از خود باقی گذارد و ۲-۰۸ ثانیه رکورد قبلی ایران را تنزل داد.

بالاخره رکورد صدمنتر کراال پشت دختران بود که توسط ژیلآ آیرم دوشیزه شرکت کننده تهرانی بدست آمد. این رکورد بمقدار ۴-۲۲-۰۵ ثانیه جا بجا شد. لذا رکورد جدید ژیلآ آیرم به ۲-۲۷-۰۵ دقیقه تنزل پیدا کرد.

رکورد های شکسته شده اگرچه از لحاظ کمیت نسبت به ده رکوردیکه در جریان مسابقات دوره گذشته جا بجا گردید در سطحی پائین تر قرار دارد ولی از لحاظ کیفیت دارای ارزش بیشتری است بویژه رکورد جدید ۱۰۰ متر کراال پشت که ضمن آن حسین نسیم موفق شد به حد نصاب ورودی بازیهای آسیائی دست یابد و همچنین رکورد های تازه ۸۰۰ متر آزاد و ۱۰۰ متر کراال سینه که بترتیب توسط حسین مجیدی و حیدر شنجانی بدست آمده در سطح بالا قرار دارد. حسین مجیدی درخشانترین چهره این دوره از مسابقات بود زیرا او علاوه بر شکستن رکورد ۸۰۰ متر آزاد در رشته های ۱۵۰۰ متر و ۸۰۰ متر مقام قهرمانی به دست آورد و در دو رشته ۴-۱۰-۰۰ و ۴-۰۰-۰۰ متر تیمی در حالیکه تهران میرفت تا مغلوب خوزستان شود و تیم خود را اول کرد. بدین ترتیب میتوان نیمی از پیروزی تهران را مدیون قدرت این شناگر جوان و پرتوان دانست.

در شیرجه از روی سکو نیز محمود پاکیزه تن از تهران یکبار دیگر موفق به کسب عنوان قهرمانی گردید. به علاوه تیم واترپولی تهران ۱۱-۲ بر خوزستان پیروز گشت.

● با سقوط کرسی ایران در فدراسیون بین المللی کشتی، ایران دیگر در هیچیک از فدراسیونهای بین المللی نفوذی ندارد. کوشش هیات سرپرستی ایران برای بدست آوردن عضویت در فدراسیون

بین المللی که چهارده سال در اختیار ایران بود با شکست روبرو شد. ایران قبلاً در فدراسیونهای وزنه برداری و کشتی، صاحب کرسی بود که این سمتها از ایران گرفته شد.

● بدعوت فدراسیون فوتبال شوروی تیم منتخب فوتبال ایران روز هجدهم مهر بشوروی سفر خواهد کرد. تیم فوتبال ایران طی اقامت خود در شوروی سه دیدار با تیمهای «آرارات» «زسکا» و «شی نیک» برگزار میکند. «پیکان» ۵ بر ۱ بتز آلمان را شکست داد

● تیم فوتبال پیکان تهران در سفر اروپائی خود در آلمان بدو پیروزی جالب دست یافت در دومین دیدار تیم پیکان باتیم «دایلمر بنز» تیم فوتبال پیکان با نتیجه ۵ بر ۱ به پیروزی رسیده است این مسابقه در شهر اشتوتگارت انجام شد. تیم «دایلمر بنز» تیمی است وابسته به کارخانجات اتومبیل سازی بنز در آلمان. تیم پیکان در این سفر تابستانی در کشور های انگلستان و هلند نیز مسابقاتی انجام داد. «سد لار»

● برای تامین آب مشروب تهران و تغذیم و تامین آب زراعی رشت، مازندران و احتمالاً افزایش و تامین آب زراعی دشت قزوین سد لار با ۹ میلیارد و ۲۵۰ میلیون و ۷۱۰ هزار ریال ساخته خواهد شد.

این سد از اواخر برنامه چهارم (سال ۵۰ و ۵۱) کار ساختمانی خود را آغاز خواهد کرد و تا پایان سال قبل مطالعات ژئوفیزیکی آبهای زیر زمینی مناطق مازندران و تهران و مطالعات خاکشناسی و کشاورزی، این طرح صد درصد پایان یافت. و از مطالعات مهندسی مشاور فقط ۹۰ درصد باقیمانده. کارهای نقشه برداری، اکتشافی و «سونداز» آن نیز در شرف اتمام است و در سال جاری خرید زمین و لوازم مورد احتیاج طرح هم آغاز خواهد شد. هدف طرح اینست که چون منابع آب فعلی تهران در سال ۱۳۵۴ بعد تکافوی احتیاجات آب مصرفی تهران بزرگ رانخواهد داد لذا برای تامین کمبود آن از آب رودخانه لار که حدود ۱۰۰ میلیون متر مکعب در سال خواهد بود استفاده گردد.

از طرح فوق قریب ۱۰۰ هزار کیلووات برق نیز گرفته خواهد شد که این برق نیز به برق سراسری کشور متصل خواهد شد.

آب دریافتی از سد لار در مخزن سد فرحناز پهلوی نگهداری خواهد شد و از آنجا به تهران و احتمالاً به رشت و ورامین فرستاده می شود.

وجود ۴۰۰ میلیون تن سنگ مس در (سرچشمه) کرمان

● کارشناسان اروپایی که از چند ماه پیش به اتفاق هم کاران ایرانی خود به جستجوی برای اکتشاف معادن مس ایران دست زده‌اند در پایان نخستین بررسی‌های خود از وجود «صدها میلیون تن» سنگ مس در نوار شرقی کشور پرده برداشتند.

يك گزارش مستند به فعالیت های اکتشافی در حوزه معادن مس سرچشمه کرمان که از جانب راديو كلن انتشار یافت نشان میدهد كه حداقل ذخایر مس این ناحیه به حدود ۳۰۰ میلیون تن میرسد.

در هر حال طرحهای مشترك و نیز فعالیت های انفرادی كه در بخش خصوصی برای اکتشاف معادن مس ایران جریان دارد، چهار شركت بزرگ معدنی اروپا با مشاركت سازمان گسترش و نو سازی صنایع ایران تلاش دامنه داری را برای اکتشاف، استخراج و بهره برداری از ذخایر مس ایران آغاز کرده‌اند.

دفتر بین‌المللی کار تهران

● دفتر سازمان بین‌المللی کار (آبلد) وابسته به سازمان ملل متحد در تهران تاسیس شد.

بعثت توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران و گسترشی که در همکاریهای ایران با سازمان بین‌المللی کار ایجاد شده، (آبلد) تصمیم گرفت دفتری در تهران تاسیس کند. این دفتر در ضمن امور (آبلد) در افغانستان را نیز زیر نظر خواهد داشت. اولین نماینده سازمان بین‌المللی کار در ایران افغانستان آقای «ژرالد بوهر» است که بدین منظور در هفته اول شهریور ماه به تهران آمد.

(آبلد) در کلیه ممالك و مناطق جهان دارای دفتر مخصوصی است و اداره منطقه‌ای آن در آسیا در بانکوك پایتخت تایلند قرار دارد. همکاریها بیشتر در زمینه قوانین کار، اداره امور کارگری، امنیت اجتماعی، توسعه مدیریت و کارآموزی حرفه‌ای خواهد بود.

پیش‌بینی میشود فعالیت‌های (آبلد) در آینده در ایران بیشتر در زمینه های امور استخدامی روستائی، توسعه خدمات تاسیساتی در چهار چوب برنامه اصلاحات ارضی، کارهای دستی، صنایع كوچك، توسعه تعاونی‌ها، آموزش و پرورش کارگران، ایمنی و بهداشت کار متركز گردد. کارخانه كچ صنعتی

● اولین کارخانه كچ صنعتی ایران که كچ استاندارد شده تولید میکند، بزودی مورد بهره‌برداری قرار می گیرد. با بهره برداری از این کارخانه برای نخستین بار در ایران كچ بصورت بسته

بندی شده به بازار عرضه خواهد شد. کارخانه كچ سازی صنعتی در کنار سد لثیان (جارجود) احداث گشته و در آبانماه رسماً افتتاح خواهد شد. برای احداث این کارخانه (شركت كچ ایران) ۶۰ میلیون تومان سرمایه گذاری شده است. کارخانه مذکور علاوه بر تولید كچ صنعتی نوعی كچ «پرفا-بريكه اكوتيك» که بكاشی شباهت زیادی دارد در رنگ های مختلف و فرمهای متنوع تولید خواهد كرد.

● طرح ایجاد يك کارخانه بزرگ تبدیل زباله بكود آلی در اصفهان بتصویب رسید و به موجب این طرح كه با كمك صندوق توسعه کشاورزی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تشكيل میشود زباله شهرستان اصفهان تبدیل به كود آلی خواهد شد. میزان سرمایه گذاری صندوق توسعه کشاورزی كه بصورت وام در اختیار سرمایه گذاران بخش خصوصی قرار میگیرد ۴۰ میلیون ریال و مجموع سرمایه گذاری برای شروع کارخانه مزبور ۷۵ میلیون ریال میباشد. پیش‌بینی میشود كه با انجام این طرح سالانه ۳۳ هزار تن كود آلی بارزش ۵۷ میلیون ریال تولید شود كه ۶۰۰ تن آن بصورت رایگان در اختیار شهرداری اصفهان قرار خواهد گرفت. كود تهیه شده در این کارخانه بصرف باغات میوه و مزارع سبزی و واحدهای پرورش گل خواهد رسید.

جنگلهای شمال ایران ۶۵ میلیارد ریال ارزش دارد

● ایران میتواند سالیانه حدود پانصد میلیون ریال از جنگلهای شمال درآمد تحصیل کند. موجودی جنگلهای شمال براساس آخرین محاسبه‌ایكه از لحاظ چوب بعمل آمده، باستثناء چوبیكه برای هیزم و ذغال مصرف میشود حداقل ۳۰۰ میلیون متر مكعب برآورد شده است. با در نظر گرفتن قیمت متوسط هر متر مكعب تخته والوار تراورس در بازار تهران كه حدود سه هزار ریال است و باتوجه به درختان «سرای» در جنگل كه متر مكعبی دویست ریال قیمت دارد ارزش چوب موجود در جنگل های شمال برای مصارف صنعتی حداقل بالغ بر ۶۰ میلیارد ریال میشود. ضمناً اگر ارزش چوبی كه جهت تهیه هیزم و ذغال مصرف میشود حدود ۵ میلیارد ریال برآورد شود ارزش چوب موجود در جنگل های شمال حداقل ۶۵ میلیارد ریال بالغ خواهد شد.

در گزارشی كه پیرامون بررسی اقتصادی چوبهای جنگلی ایران بوسیله مركز

توسعه صادرات تهیه گردیده گفته شده چنانچه در جنگل های شمال راههای نفوذ به جنگل احداث شود وبفرض اینکه طبق یکی از اصول جنگلبانی كه هر يكصد و سی سال يكبار برداشت از هر قطعه جنگلی را توصیه ميكند بررسی شود درآمد کشور از این محل در حدود ۵۰۰ میلیون ریال در هر سال خواهد بود.

چوبهای عمده صادراتی ایران را بیشتر چوب گردو، بلوط، ششاد، افرا، ملج تشكيل میدهد كه به اروپا صادر میشود. مقداری از انواع چوب راش، توسكا، غدار، سپیدار نیز به كويت، عمان و عراق صادر میگردد.

«نمایندگان اكافه در تهران» يك هیئت عالی اقتصادی و بازرگانی از طرف سازمان ملل متحد بوسیله كمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای آسیا و خاور دور (اكافه) مامور بازدید از ۱۷ کشور منطقه اكافه شده است. اعضای این هیئت هفت نفری كه ریاست آنرا آقای دكتر «پیراوری» وزیر اقتصاد سابق فرانسه و مشاور اقتصادی بازار مشترك اروپا بعهده دارد مذاكراتی با مقامات اقتصادی، بازرگانی و پولی ایران پیرامون آزاد ساختن مبادلات بازرگانی و رفع اشكالات مربوط به توسعه همکاریهای بازرگانی، اقتصادی و مالی بین کشور

های عضو اكافه انجام دادند. در این عكس آقای دكتر «پیراوری» وزیر اقتصاد سابق فرانسه و مشاور اقتصادی بازار مشترك و رئیس هیئت (نفر سوم از سمت راست) و چندتن از اعضاء هیئت و آقای هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد دیده میشوند.

اقتصادی

بهره وامهای بانك بین المللی افزایش یافت
● هیئت مدیره بانك بین المللی تصمیم گرفت نرخ بهره خود را در مورد وامهایی كه بكشور های در حال توسعه میدهد از ۷ درصد به ۷٫۵ درصد بالا ببرد. این تصمیم بر اثر افزایش نرخ بهره ایست كه بانك بین المللی خود باید به وامهایی كه از بازار های مالی میگیرد بپردازد. افزایش نرخ بهره و تاریخ اجرای آن رسماً اعلام نگردیده است. بانك بین المللی در سال جاری در حدود ۲ میلیارد دلار به كشور های در حال توسعه وام



(در زیر تهران يك گورستان كشف شد)

● در جریان حفاری يك تونل، در چهارراه مولوی يك گورستان كشف شد و بلافاصله بانظر روحانیون و طی تشریفات مذهبی اسكلتها جمع آوری و در جای دیگر دفن گردید. مقطع اصلی این تونل هشت متر و طول آن شش كيلومتر است، با احداث این تونل و بهره‌برداری از آن در سطح شهر، دیگر سیلاب جاری نمیشود.

در عكس فوق شهردار تهران كه پیشاپیش اعضای انجمن شهردا خل تونل حرکت میکنند دیده میشوند. مهندس سازنده تونل «سمت چپ» به شهردار درباره عملیات ساختمانی توضیحاتی میدهد.

خواهد داد. در جلسه هیئت مدیره علاوه بر تصمیم فوق همچنین تصمیم گرفته شدند میلیون دلار یعنی نصف متاعفی كه در سال جاری نصیب بانك مذکور شده است بمصرف تامین مالی يك اتحادیه بین‌المللی برای عمران برسد. این اتحادیه وامهای طویل المدت بدون بهره بكشور های بسیار فقیر میدهد.

● شركتهای عامل نفت ایران گزارش مربوط به تولید و تصفیه نفت را در ماههای مه و ژوئن (خرداد و تیر) منتشر كرد. براساس این آمار تولید نفت خام در ماهه روزانه به ۳۳۴۳۹۰۰ بشكه و در ماه ژوئن به ۳۳۱۸۶۰۰۰ بشكه رسید. همچنین مجموع تولید نفت خام طی شش ماهه اول سال ۱۹۷۰ از اول ژانویه تا پایان ماه ژوئن ۴ حدود ۸۳ میلیون تن بوده است.

تعداد ۳۵۴ نفتكش متجاوز از ۲۲ میلیون تن نفت خام از جزیره خارك بارگیری كردند و مقدار گاز تحویل شده بدستگاههای مختلف بالغ بر ۹۵۰ میلیون فوت مكعب در روز بوده است. دستگاه هایی كه از گاز برای تهیه محصول و یا سوخت روزانه استفاده كردم‌اند عبارتند از: پتروشیمی شاهپور، پتروشیمی خارك، پالایشگاه آبادان و کارخانه پتروشیمی شیراز. علاوه بر این متجاوز از ۲۰۰ میلیون متر مكعب گاز طبیعی از طریق پالایشگاه آبادان جهت خوراك اولیه پتروشیمی آبادان تحویل شده است. ضمناً میزان تصفیه نفت در پالایشگاه آبادان در ماه گذشته روزانه بالغ بر ۴۲۶ هزار تن بود و ظرف ششماه اخیر بالغ بر ده میلیون تن نفت در پالایشگاه آبادان تصفیه شده كه با مقایسه با سال گذشته بیشتر است.

۷۲۰ میلیون دلار صادرات ایران بشوری

● آقای هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد در بازگشت از مسكو در فرودگاه مهرآباد اعلام كرد كه در سفر ده روزه شوروی يك موافقت‌نامه بازرگانی پنج ساله، پروتكل تشكيل شركت مختلط حمل و نقل و یادداشت های مربوط به تمدید موافقت‌نامه پرداخت ایران و شوروی به امضاء رسیده است.

شركت مختلف حمل و نقل بدین منظور تاسیس میشود كه در کشور ایران و شوروی در زمینه حمل و نقل كالا های ترانزیتی با يكديگر همکاری داشته باشند.

وزیر اقتصاد كه به اتفاق هیئت ۱۳ نفری خود بتهران بازگشته بود خاطره نشان ساخت كه در دوره موافقت جدید پنج ساله بازرگانی، صادرات ایران بشوروی ۷۲۰ میلیون دلار افزایش مییابد و از شوروی نیز معادل ۳۷۰ میلیون دلار كالا بایران وارد خواهد شد و مابه‌التفاوت صادرات ایران به شوروی و واردات ایران از آن کشور،

به مصرف خرید كالا های ایرانی میرسد كه فهرست آنها در موافقت‌نامه سربجا منعكس شده است.

اقلامی كه از محصل مابه‌التفاوت به شوروی صادر میشود، كالا های صنعتی از جمله ۱۰۰ میلیون تومان محصولات پتروشیمی خواهد بود.

آقای انصاری ضمن اشاره به توافق هایی كه در سفر مجارستان با مقامات این كشور برای افزایش صادرات صنعتی ایران حاصل شده است، بر ای نخستین بار فاش كرد كه فكر ایجاد رشته های تخصصی در واردات و تركز واردات از كشور هایی كه در رشته های مورد نظر ما تخصص دارند، در وزارت اقتصاد مطرح شده و برای اولین بار در قرارداد های ما ملحوظ گردیده است و ما در نظر داریم در آینده با توجه به این كه ۹۰ درصد واردات ایران از ماشین آلات صنعتی و وسایل سرمایه‌ای و كالا های واسطه‌ای تشكيل میشود، كالا های مورد نیاز خود را از ممالكی وارد كنیم كه در آن رشته تولیدی تخصص داشته باشند.

۴۳۵ هزار تن كالا بارزش حدود هشت میلیارد ریال ● آمار صادرات و واردات پنج ماهه سال جاری حاكيست كه در این مدت مقدار چهار صد و سی و چهار هزار و پانصد تن كالا بارزش بیش از هفت میلیارد و نود و شش میلیون ریال بكشور های مختلف جهان صادر گردیده است.

میزان صادرات نسبت به مدت مشابه سال گذشته از حیث وزن يكصد و شصت و هشت هزار تن و از نظر ارزش هشتصد و سی و هشت میلیون ریال افزایش نشان میدهد. ارزش صادرات پنج ماهه اول امسال بدون احتساب مواد نفتی در تاریخ بازرگانی ایران بی سابقه است. مهمترین رقم صادرات از لحاظ ارزش فرش و پنبه میباشد كه مجموعاً ۳۴۸۷ درصد ارزش پنج ماهه سال جاری را تشكيل میدهد.

صادرات پنبه، لینتر، پوست و چرم، پشم و كرك، ریشه شیرین بیان، كسوخه های كانی، سیمان و كاش نیز افزایش قابل توجهی داشته است.

در همین مدت مقدار يك میلیون و دویست و هفتاد و يك هزار تن مواد اولیه ماشین آلات مختلف و سایر كالا های متفرقه بارزش بیش از پنجاه میلیارد و پانصد و هشتاد و شش میلیون ریال بكشور وارد گردیده است.

«بزرگترین نمایشگاه صنعتی و کشاورزی ایران»

● بزرگترین نمایشگاه صنعتی و کشاورزی ایران در آبانماه امسال در محل تشكيل نمایشگاهها برگزار میشود. در این نمایشگاه سنن و آداب

هر شهرستان بمرض نمایش گذارده خواهد شد .
برای شرکت در نمایشگاه صنعتی و کشاورزی آبانماه امسال اکثر موسسات تولیدی و سازمانهای تولید کننده مواد کشاورزی در تهران و شهرستان ها آمادگی خود را اعلام داشته اند . مقدمات تشکیل این نمایشگاه که از اول تا دوازدهم آبانماه برگزار خواهد شد از هر جهت فراهم شده و حمل و گردآوری محصولات در مهر ماه انجام خواهد گرفت .

در نمایشگاه مذکور صنایع کوچک و دستی نیز ارائه خواهد شد و این اولین نمایشگاهی است که پیشرفت های صنعتی و کشاورزی ایران را در يك محل و يك زمان نشان خواهد داد . این نمایشگاه در ساعت های مختلفی ترتیب مییابد و هر سالن اختصاص به نشان دادن پیشرفت های يك یا چند استان خواهد داشت ، در نمایشگاه آبان امسال پیشبینی های لازم برای آشنائی اهالی هر استان و شهرستان با آداب و سنن نقاط دیگر کشور بعمل آمده و بهمین منظور هر روز تحت عنوان روز استان برنامه هایی مخصوص يك استان کشور اجرا میشود . در نمایشگاه هر شرکت کننده میتواند برای نشان دادن فعالیتهای گذشته و حال و آینده خود عکسها و نمودار هایی ارائه دهد و در محل غرفه نصب نماید و شرکت نمایشگاهها در این مورد آماده برای هرگونه راهنمایی بوده و تسهیلات لازم را فراهم خواهد کرد .

صرف نظر از معاملات عمده ، هر شرکت کننده میتواند اقدام به جزئی فروشی نموده و نیز تبلیغات دامنه داری جهت معرفی کالا ها یا تصویب مقامات نمایشگاه بنماید . و نیز استانهائی که مایل باشند میتوانند در محدوده سالن و یا فضای باز خود اقدام باحداث رستوران برای طبخ و فروش غذا های محلی بنماید .

طرح تشکیلات مالی ذوب آهن

تشکیلات مالی شرکت ملی ذوب آهن ایران بوسیله يك کارشناس عالی مقام در تهران در دست تهیه است . چهار چوب طرح براساس ایجاد شرکتهای سهامی خواهد بود باین معنی که شرکت ملی ذوب آهن دو واحد مرکزی به صورت يك شرکت سهامی فعالیت خواهند کرد . کرمان بافق و دیگر واحد ها هر يك بصورت يك شرکت سهامی فعالیت خواهد کرد . آقای «چودری» کارشناس هندی که مدتها مدیریت مالی کارخانه ذوب آهن «تاتا» و صنایع وابسته را در هند عهده دار بود در تهیه طرح تشکیلات مالی ذوب آهن کمک می کند و مدتی است که با همکاران ایرانی خود در شرکت ملی ذوب آهن ایران

مشغول فعالیت میباشد همچنین در شرکت ملی ذوب آهن تهیه آئین نامه مالی شرکت در دوران بهره برداری در دست تهیه است . طرح تشکیلات مالی و آئین نامه مالی دوران بهره برداری پس از تصویب شورایی ذوب آهن به مرحله اجرا گذاشته خواهد شد .

نشانه های قطعی وجود اورانیوم در ایران

سازمان گسترش و نوب سازی صنایع ایران اعلام کرد که گروه مشترک زمین شناسان و تکنیسین های ایران و فرانسه به علامت امیدوار کننده ای از نظر وجود اورانیوم در ایران دست یافته اند .

اگر چه سازمان گسترش و نوسازی صنایع در گزارش رسمی خود از نواحی کرمان ، یزد ، طبس و جنوب خراسان به عنوان مناطق اصلی حوزه عملیات کارشناسان ایران و فرانسه برای اکتشاف مواد رادیواکتیو نام برده است ، با اینحال ، مشخصات نواحی دارای علامت امیدوار کننده از نظر وجود ذخائر رادیو-اکتیو مکتوم است .

گزارش میگوید : درین نواحی يك گروه ده نفری زمین شناس و تکنیسین فرانسوی و دو گروه زمین شناس ایرانی مامور سازمان زمین شناسی ایران و چند تکنیسین و کارگر و راننده ایرانی مشغول کار بوده اند و در برخی نواحی علامت امیدوار کننده مشاهده شده است .

در صورت بدست آمدن ذخائر کافی که بتوان بطور سودآوری بهره برداری از ذخائر معدنی را شروع کرد ، يك شرکت که تمام سهام آن متعلق به سازمان گسترش باشد تشکیل خواهد شد .

در پائیز امسال کارخانه پتروشیمی شاهپور افتتاح میشود . هم اکنون محصولات مختلفی در مرحله آزمایش تولید میگردد که قسمت عمده آن جزء وارداتی صادراتی بوده است .

این کارخانه بزرگترین کارخانه پتروشیمی کشور است که در بندر شاهپور آماده بهره برداری است . این واحد عظیم صنعتی که مخارج احداث آن از ۲۱۴ میلیون دلار تجاوز کرده است در پائیز امسال با ظرفیت کامل مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت .

سرمایه گذاری در معادن مس ایران در ۱۰ سال آینده به يك میلیارد دلار خواهد رسید . براساس اظهار مقامات موفق تاکنون پنج قرارداد بزرگ بمنظور اکتشاف و بهره برداری از معادن مس کرمان و سایر مناطق کشور با کشور های انگلستان ، آمریکا ، آلمان ، فرانسه و یوگسلاوی بسته شده است . همچنین انستیتو های زمین شناسی یوگسلاوی در چند منطقه از جمله خراسان مشغول عملیات اکتشافی برای ذخائر معدنی از جمله مس

میباشند . منطقه عملیات کمپانیهای کشور نامبرده در بالا از استان های فارس ، کرمان ، سیستان و بلوچستان تا خراسان گسترده شده است . تاکنون جالبترین نتیجه کار را از نظر شناخت معدن مس کمپانی «شلکن تراست» انگلیس بدست آورده است . این شرکت که با مشارکت طرف ایرانی خود در ناحیه «سرچشمه» رفسنجان (در استان کرمان) از حدود ۵ سال قبل شروع بکاوش معادن مس کرده بود سال گذشته موفق شد به معدنی سرشار از مس دست یابد که یکی از بزرگترین معادن مس دنیاست . براساس تحقیقات کار شناسان ، ذخائر معدن «سر-چشمه» به يك میلیارد تن

بالغ میگردد که ۳۰۰ میلیون تن آن ذخیره حتمی و مرئی است . ارزش این معدن را ۵ میلیارد دلار برآورد کرده اند . «انستیتوی طراحی معادن در تهران»

برای اولین بار در ایران انستیتوی بزرگ طراحی معادن بزودی در تهران تأسیس می شود . از امکانات و کادر فنی این انستیتو کلیه موسساتی که در اکتشاف و استخراج معادن کار میکنند اعزام بخش دولتی و خصوصی خواهند توانست استفاده کنند . يك مقام مطلع در شرکت ملی ذوب آهن ایران گفت : «باتوجه به آغاز فعالیتهای وسیع معدنی ایجاد يك مرکز مجهز طراحی معادن بمنظور تهیه و تنظیم بهترین برنامه ها و روشهای استفاده از



سالروز درگذشت

اعلیحضرت رضاشاه کبیر

به مناسبت تصادف روز چهارم امرداد ماه با سالروز درگذشت اعلیحضرت رضا شاه کبیر بنیانگذار ایران نوین و بانی ترقیات ایران مراسمی در تهران و سایر نقاط کشور برگزار گردید . رضاشاه کبیر از میان ملت برخاست ، برای نجات ایران قیام کرد و هدفی جز احیاء ایران و تجدید عظمت آن نداشت و بخاطر حفظ استقلال ایران ، ناچار به جلای وطن شد و دور از ایران ، در حالیکه مشتی از خاک وطن در کنارش بود درگذشت .

معادن بارعایت اصول اقتصادی در ایران احساس میشود . در حال حاضر شرکت ملی ذوب آهن ایران برای تهیه طرح های علمی جهت معادن خود يك دفتر طراحی معادن در تهران تأسیس کرده است و شرکت تصمیم دارد در آینده نزدیک باتوسعه و تجهیز این دفتر و در اختیار گرفتن کادر های فنی لازم ، آن را بصورت يك انستیتوی بزرگ طراحی معادن درآورد بطوریکه همه موسسات و شرکتهائی که در امور معدنی فعالیت دارند بتوانند از امکانات انستیتو استفاده نمایند . برای اینکه صادرات معدنی بتواند باقیمت های بین المللی رقابت کند تهیه طرح اکتشافی و استخراجی جهت معادن ضروری است .

در جلسات امسال کنفرانس بین المللی که در هفته اول ماه اکتبر «اواسط مهرماه» در لاهه تشکیل می گردد چهارده نفر از نمایندگان مجلسین سنا و شورای ملی در هیئت پارلمانی ایران عضویت دارند . ریاست هیئت پارلمانی ایران را سناتور دکتر احمد متین دفتری بعهده دارد و سناتور امیر حسین خریمه علم و سناتور محمدعلی یودری ، سناتور حسن سراج حجازی از مجلس سنا ، خانم هما زاهدی و آقایان دکتر محمدعلی رشتی ، دکتر عزت الله یزدان پناه ، دکتر محمود ضیائی ، دکتر ملک منصور اسفندیاری ، دکتر احمد ملکی ، عبدالله جوانشیر ، دکتر فرهاد قهرمان مهندس فضل الله معتمدی ، دکتر حسین وفا از مجلس شورای ملی در هیئت پارلمانی ایران عضویت دارند : شورای بین المللی نیز در خلال جلسات کنفرانس جلسه خواهد داشت و سناتور دکتر متین دفتری و آقای دکتر محمد علی رشتی در این شورا به عنوان نماینده ایران شرکت خواهند کرد .

کنگره سمدی و حافظ

اعلیحضرت شهبانو ریاست عالی کنگره سمدی و حافظ را قبول فرمودند . اعلیحضرت شهبانو بنا به استدعای دکتر نهاوندی رئیس دانشگاه پهلوی ریاست عالی کنگره سمدی و حافظ را که در اردیبهشت ماه سال ۵۰ در شیراز تشکیل میشود قبول فرمودند .

کنگره سمدی و حافظ از ۷ تا ۱۰ اردیبهشت ماه با شرکت جمعی از دانشمندان ایرانی و خارجی در دانشگاه پهلوی تشکیل میشود .

ساختمان جدید امامزاده عماد

صبح روز چهارشنبه چهاردهم مرداد ماه آقایان نصیر عصار معاون نخست وزیر و رئیس سازمان اوقاف ، ارسنجانی نماینده مجلس شورای ملی و مشکوة رضوی مدیر کل منطقه اوقافی مرکز از مزار امامزاده عماد در رباط کریم و ساختمان کاروانسرای

قدیمی محل بازدید کردند و در مورد ایجاد ساختمان بر روی مقبره امامزاده و تعمیرات کاروانسرای رباط کریم دستوراتی دادند . سپس از موقوفات علیشاه عوضی در شهریار دیدن کردند و برای احیای موقوفات مزبور و امکان ایجاد ساختمان یکباب بیمارستان توسط شیر و خورشید سرخ در محل بررسیهایی بعمل آوردند .

شهبانو در مسجد جامع شهر

اعلیحضرت شهبانو ساعت ۷ و ۳ دقیقه بعد از ظهر شنبه ۱۷ امردادماه با تفاق آقای آتابای ، تیمسار هاشمی نژاد و آقای شبانی استاندار مازندران ، از ساختمان جدید مسجد جامع نوشهر دیدن فرمودند . بنا بگزارش خبر نگاران معظم لها هنگام بازدید از بنای مسجد جامع نوشهر آقای حاج شیخ عبدالحمید وفائی امام جماعت را مورد تقدیر خاص قرار دادند و برای تکمیل ساختمان مسجد دستوراتی به آقای آتابای صادر کردند . ساختمان این

مسجد تا آذر ماه آینده به پایان میرسد ، شهبانو پس از بازدید از قسمتهای مختلف مسجد جامع نوشهر ، در میان ابراز احساسات مردم ، نوشهر را بقصد چالوس ترک فرمودند .

افتتاح مهد کودک چالوس

اعلیحضرت شهبانو در چالوس طی مراسمی «مهد کودک فرح پهلوی» را گشودند . در مراسم افتتاح مهد کودک خانم دکتر فیضی رئیس بهداشت استان مازندران از اعلیحضرت شهبانو استدعا کرد که برای تأمین بودجه بیشتر مهد کودک ، از هر اتومبیلی که به چالوس وارد میشود مبلغ ده ریال دریافت شود .

«سالروز مشروطیت»

روز چهارشنبه ۱۴ امرداد ماه مصادف با آغاز شصت و پنجمین سال مشروطیت ایران بود . در چنین روزی آزادیخواهان برای استقرار مشروطیت و برقراری حکومت قانون متحد و همگام شدند . به همین مناسبت همه ساله عموم ملت ایران پیاس فداکاریهای ایشان درود بی پایان خود را بروح آن رادمردان بزرگ نثار مینمایند .

شاهنشاه آریامهر نیز به مناسبت سالروز مشروطیت ایران پیامی باین شرح فرستادند :

آغاز شصت و پنجمین سال مشروطیت ایران را بهمه ایرانیان تبریک میگویم و آرزو مندیم که روز بروز اصول دموکراسی در جامعه ما راسخ تر و ریشه دارتر گردد . میدانیم دموکراسی واقعی قبل از هر چیز متکی بر شد ملی و آمادگی روحی افراد برای قبول مسئولیتهای فردی و اجتماعی است و تا وقتی که

«سالروز قیام ملی ۲۸
امرداد»

● روز چهارشنبه مصادف با سالروز قیام ملی ۲۸امرداد بود و بهمین مناسبت از طرف تمام طبقات مردم بمنظور بزرگداشت این روز تاریخی مجالس جشنی ترتیب یافت و تاج کلهائی نثار مجسمه ۲۸امرداد گردید. بعلاوه پیامهایی از طرف آقای هویدا نخست وزیر و رئیس ستاد بزرگ ارتشداران برای ملت ایران فرستاده شد.

هفته سال پیش در روز تاریخی بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲ مردم شاه دوست و میهن پرست ایران که استقلال و تمامیت و شرف وطن و ملت خود را بسته بمویی می دیدند و عوام فریبان و خائنان و فریب خوردگان عوامل بیگانه خاک میهن مارا میدان تاخت و تاز خود ساخته بودند بدون آنکه سازمانی آنها رارهبری کند و فقط با گوش دادن به ندای قلب و وجدان خودسر بکف دست گرفتند و با گذشتن از جان خود بخوابانها ریختند تا بدنیا نشان دهند این ملت زنده است و تا آخرین قطره خونس از شرف و استقلال خود واز مظهر تمام اینها یعنی شاه خود دفاع میکند. بدیهی است عوام فریبان که حکومت را بدست داشتند و بیگانه پرستانی که خود را در آستانه بدست گرفتن قدرت میدیدند در

عراق این کارها را نمیکرد قرارداد استعماری باید از بین میرفت . در حقیقت این عراق بود که عهدنامه ۱۹۳۷ را از درجه اعتبار ساقط کرد و آنرا به صورت يك ورق پاره درآورد و این عراق بود که در شط العرب در کار تردد کشتیهای ایران اخلال کرد و بمرز ما قشون فرستاد و محیط مناسبات طرفین را متشنج کرد.

دولت شاهنشاهی به استناد موازین شناخته شده بین المللی اعلام کرده است که عراق نمیتواند در يك رودخانه قابل کشتیرانی ساحلی مثل شط العرب حق حاکمیت مطلق داشته باشد، چنانکه کشور-های ساحلی رود «رن»، «دانوب» و «اسگو» نیز در وضع مشابهی قرار دارند و نسبت به این رودخانهها حاکمیت مشترک دارند .

ایران برای اثبات حسن نیت خود، آمادگی خویش را برای امضای يك موافقتنامه کشتیرانی در شطالعرب بر اساس اصل تالوک اعلام داشته است . مطلب دیگری که باید در نظر داشت اینست که مفاد استعماری معاهده ۱۹۳۷ در شرایطی بایران تحمیل شده است که دیگر آن شرایط وجود ندارد و همانطور که شاهنشاه فرموده اند «دوران استعمار سیری شده است». بدیهی است باز بین رفتن دوران استعمار آثار استعمار نیز باید از بین برود ، لذا دولت شاهنشاهی نتیجه تحمیل استعمار است نه تنها این عهدنامه را که نمی پذیرد، بلکه وارثی هم برای استعمار نمی شناسد . اما همیشه آماده است براساس موازین و اصول شناخته شده بین المللی اختلاف خود را در مورد شطالعرب با عراق حل کند.

● دولت ایران روز دوم امرداد رسا به پیشنهاد های حسن البکر رئیس جمهوری عراق مبنی به بازگشت به عهدنامه تحمیلی ۱۹۳۷ مرزی شطالعرب پاسخ منفی داد و ضمن اعلام این مطلب که ارجاع معاهده ۱۹۳۷ به دادگاه بین المللی لاهه ، برین مرده بدادگاه است ، آمادگی تهران را برای امضای عهدنامه جدیدی بر مبنای اصول متداول بین المللی خاطر نشان ساخت . سخنگوی وزارت امور خارجه اعلام داشت در مورد شطالعرب اظهار شده است که ایران باید اعتبار معاهده سر حدی ۱۹۳۷ را که بقبول رئیس جمهوری عراق «دولتین ملزم به اجرای آن هستند به رسمیت بشناسد».

اگر بنابه اظهار ایشان «دولتین ملزم به اجرای این معاهده هستند» باید دید چگونه عراق در طول ۳۳ سالی که از تاریخ انعقاد این عهدنامه میگذرد، هرگز خود رامکلف به رعایت مواد ۴ و ۵ معاهده و ماده دوم پروتکل ضمیمه آن نکرده است ؟ آیا این رفتار نشانه نقض یکطرفه عهد نامه ۱۹۳۷ از جانب عراق نیست؟

سخنگوی وزارت امور خارجه افزود: بهر صورت حتی اگر ایران جمهوری یمن را به رسمیت شناخت ● دولت ایران به تقاضای دولت جمهوری یمن از روز چهارشنبه ۱۸ شهریورماه این دولت را بر رسمیت شناخت، تقاضای دولت جمهوری یمن از ایران به شناسایی بخشی از گوشه های دولت صنعا به برقراری روابط سیاسی با کلیه کشورها وبخصوص کشور های مسلمان است. عربستان سعودی وانگلستان از جمله کشور هایی هستند که اخیرا صنعا را بر رسمیت شناخته اند. متن اعلامیه وزارت خارجه در مورد شناسایی صنعا بدین شرح است: دولت شاهنشاهی ایران بنا به تقاضای دولت جمهوری یمن از این تاریخ دولت مزبور را بر رسمیت می شناسد. چهارشنبه ۱۸ شهریور ماه ۱۳۴۹ نهم سپتامبر ۱۹۷۰.

کردند و عملیات جوشکاری زیر آب نیز وسیله افسراد در حضور معظم له اجرا شد. برنامه تشریف فرمائی و بازدید شاهنشاه آریامهر مستقیما از تلویزیون رشت پخش شد و مردم مازندران و گیلان موفق بتماشای این برنامه شدند. در عکس فوق شاهنشاه آریامهر هنگام دیدار از ماکت کشتیهای رزمی مشاهده می-شوند.

همکاری ها باید گسترش یابد

● شیخ خلیفه بن احمد آل ثانی ولیعهد ونخست وزیر قطر روزیکشنبه ۱۸ مردادماه اعلام کرد که قطر خواستار تحکیم مناسبات خویش با همسایه بزرگ خود ایران است. ولیعهد ونخست وزیر قطر که با اعضای هیات مطبوعاتی ایران سخن میگفت تاکید کرد که در آستانه تحولات تازه در خلیج فارس، همکاریها و روابط ایران و قطر نیز باید گسترش یابد. وی اهمیت و احترام خاصی را که قطر برای ایران قائل است تاکید کرد و خاطر نشان ساخت که مناسبات دو طرف تاکنون نیز پیوسته برادرانه و دوستانه بوده است.

ایران پیشنهاد البکر را رد کرد

دولت ایران وارثی برای استعمار نمی شناسد

● دولت ایران روز دوم امرداد رسا به پیشنهاد های حسن البکر رئیس جمهوری عراق مبنی به بازگشت به عهدنامه تحمیلی ۱۹۳۷ مرزی شطالعرب پاسخ منفی داد و ضمن اعلام این مطلب که ارجاع معاهده ۱۹۳۷ به دادگاه بین المللی لاهه ، برین مرده بدادگاه است ، آمادگی تهران را برای امضای عهدنامه جدیدی بر مبنای اصول متداول بین المللی خاطر نشان ساخت . سخنگوی وزارت امور خارجه اعلام داشت در مورد شطالعرب اظهار شده است که ایران باید اعتبار معاهده سر حدی ۱۹۳۷ را که بقبول رئیس جمهوری عراق «دولتین ملزم به اجرای آن هستند به رسمیت بشناسد».

اگر بنابه اظهار ایشان «دولتین ملزم به اجرای این معاهده هستند» باید دید چگونه عراق در طول ۳۳ سالی که از تاریخ انعقاد این عهدنامه میگذرد، هرگز خود رامکلف به رعایت مواد ۴ و ۵ معاهده و ماده دوم پروتکل ضمیمه آن نکرده است ؟ آیا این رفتار نشانه نقض یکطرفه عهد نامه ۱۹۳۷ از جانب عراق نیست؟ سخنگوی وزارت امور خارجه افزود: بهر صورت حتی اگر

ایرانی و دیگر کشور هائی بود که از آنها دیدار کرد. در مذاکرات دیویس باخلعت بری «مک آرتور» سفیر آمریکا در ایران نیز حضور داشت. در مذاکراتی که انجام گرفت نظرات ایران درباره این طرح و دیگر مسائل مربوط به خاور-میانه مطرح شد و ایران حمایت خود را از هر طرحی که در چهارچوب قطعنامه نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت بوده ، منتج به حفظ منافع ملل عرب و مردم فلسطین باشد و در عین حال به صلح پایدار در این منطقه منجر گردد اعلام داشت. در این دیدار مساله آینده خلیج فارس ونظر قاطع ایران در مورد لزوم خروج نیرو های نظامی انگلیس از این منطقه نیز مطرح شد و مورد گفت و گو قرار گرفت و دیویس نیز درباره نظر امریکا در مورد آینده خلیج فارس سخن گفت.

مساله مهم دیگر، مذاکرات روابط ایران و آمریکا بود که در زمینه ای وسیع و بطور همه جانبه مورد بررسی قرار گرفت. يك منبع مطلع فاش کرد که اساس طرح امریکا برای برقراری صلح در خاورمیانه عربی که اکنون بعنوان مساله روز مورد بحث کلیه محافل سیاسی جهان است، در کنفرانس دیپلماتهای آمریکائی که در تاریخ ۳۱ فروردین ماه امسال در تهران تشکیل شد پایه گذاری گردید این طرح که تا کنون مورد موافقت مصر و اردن قرار گرفته در صورت قبول اسرائیل و سوریه و لبنان (دو کشور دیگر هم مرز اسرائیل) منجر به يك آتش بس موقت سه ماهه در مرزهای اسرائیل و اعراب شده ، مقدمات صلح دائم را در این منطقه فراهم خواهد آورد.

دیویس در مدت اقامت خود در تهران علاوه بر مذاکره با مقامات دیپلماتی ایران، در چند دوره مذاکره با سفیر و دیگر مقامات سفارت ایالات متحده امریکا در تهران شرکت کرد و در جریان اوضاع سیاسی منطقه قرار گرفت.

● «شاهنشاه در بندر بهلوی» سه شنبه ۶ امرداد ماه شاهنشاه آریامهر به بندر بهلوی تشریف فرما شدند و از قسمت های مختلف دانشکده افسری و نیروی دریایی در این شهر دیدار فرمودند.

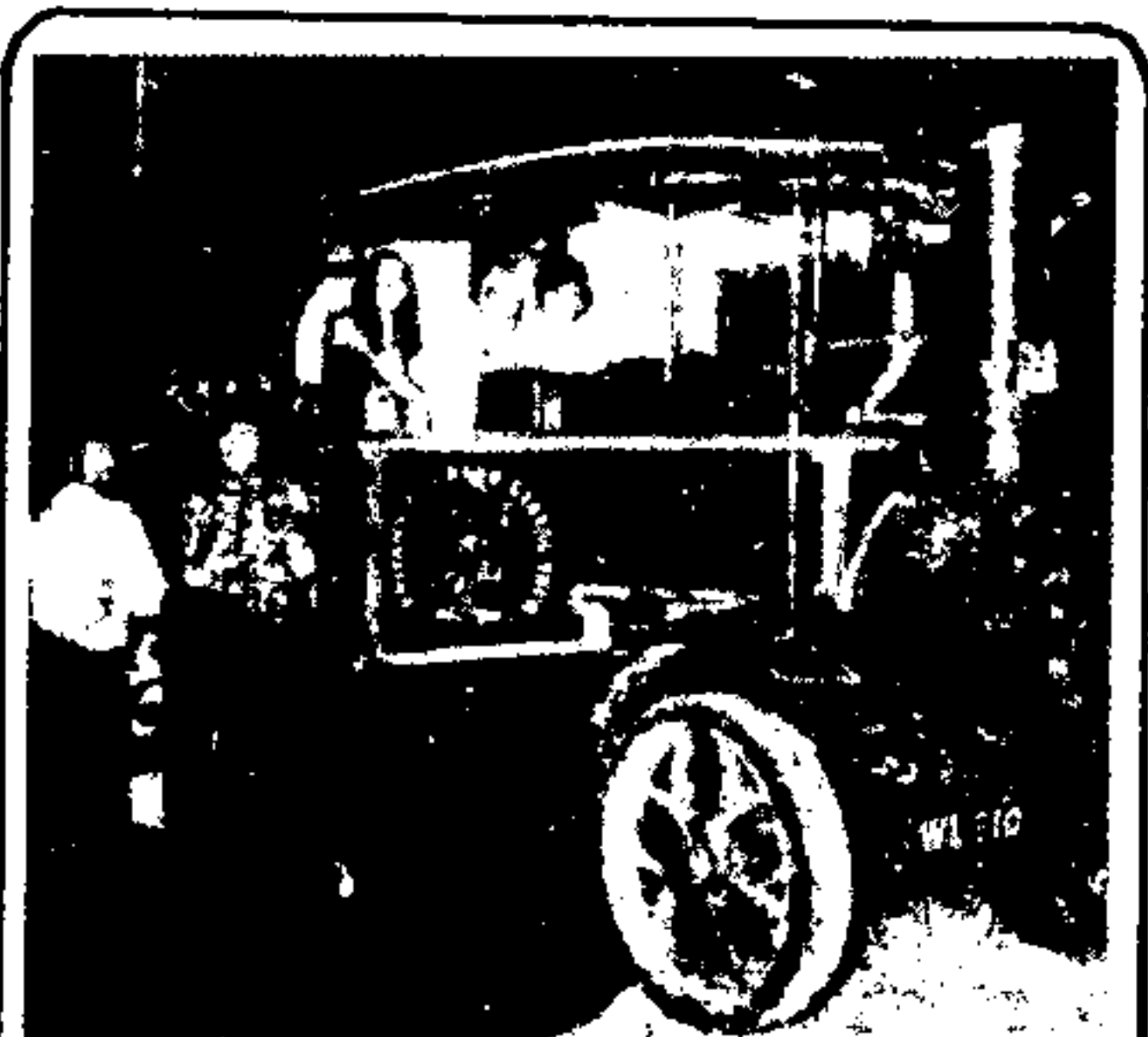
ابتدا آقای طاهری خیر مقدم عرض کرد. آنگاه گزارش نظامی بعرض رسید. سپس مراسم سان و رژه انجام شد و بعد شاهنشاه آریامهر در میان ابراز احساسات گرم و صمیمانه خانواده افسران از خانه های سازمانی افسران دیدن فرمودند. آنگاه بمحل اسکله مانور تشریف فرما شدند. در این محل شاهنشاه آریامهر از عملیات (هوا - دریا) و همچنین عملیات مردان قورباغه ای و کماندوها دیدن

افراد يك ملت از چنین رشد و آمادگی فکری برخوردار نشده باشند دموکراسی در آن مملکت جز عنوانی ظاهری طرف دیگر در دنیای امروز دیگر دموکراسی سیاسی بدون آنکه با دموکراسی اقتصادی تکمیل شود چوابگوی نیاز- مندیهای يك جامعه پیشرفته و سعادتمند نیست و چنین جامعه ای فقط وقتی میتواند بمفهوم واقعی خود وجود داشته باشد که در عین حال از دموکراسی سیاسی، دموکراسی اقتصادی و عدالت اجتماعی برخوردار باشد. خوشبختانه این راهی است که ملت ایران در سال های اخیر در پیش گرفته و مراحل بزرگی از آن را در پشت سر گذاشته است و اکنون جامعه ما در مسیری قرار دارد که به برخورداری کامل از تمام این مواهب منتهی خواهد شد. ولی همچنانکه گفته شد نیل باین هدف مستلزم آست که فرد فرد مردم این جامعه روحا برای قبول وظایف و مسئولیتهای فردی واجتماعی خود آمادگی کامل یابند . تکیه ما در هنگام طرح ریزی انقلاب آموزشی کشور بر لزوم پرورش انسانهایی واقعا فهمیده و رشد کرده بهمین منظور بوده و هست که جامعه آینده ایران مرکب از افرادی باشد که دموکراسی را بجای

آنکه فقط بر زبان آورند در اعماق روح و فکر خود درك واحساس کنند. خوشبختانه ملت ما، ملت رشد کرده ای است که از یکی از کهن ترین سنتهای فکری و معنوی تاریخ بشر برخوردار است و با اتکاء به چنین میراث بزرگی بی گمان خواهد توانست نه تنها در پرتو انقلاب همه جانبه اجتماعی امروز خود بر حلقه ای از دموکراسی دست یابد بلکه حتی امیدوارم بتواند با ترکیب بدیعی از اصول این دموکراسی باموازین و مفاهیم معنوی که همواره از مختصات فرهنگ و تمدن ایرانی بوده سرمشق تازه ای در سطح عالی تر به جهانیان عرضه دارد. توفیق ملت عزیز ایران را در پیشرفت های روزافزون مادی و معنوی آرزو مندیم.

پیامهایی نیز از طرف جناب آقای هویدا نخست وزیر و روسای مجلسین سنا و شورا بهمین مناسبت فرستاده شد. «طرح صلح امریکا برای استقرار صلح خاورمیانه در تهران تهیه شد»

● «راجرز دیویس» قائم مقام معاون وزارت خارجه امریکا دوشنبه ۵ امرداد ماه یکساعت با آقای عباسعلی خلعتبری قائم مقام وزارت خارجه ایران مذاکراتی در باره روابط دو کشور ، مساله خروج نیروهای انگلیس از آمریکا برای صلح خاورمیانه انجام داد. مسافرت دیویس در وهله اول بمنظور آشنائی با مقامات



قبل از طریق مرز بازرگان ب خاک ایران رسیدند و علت توقف آنان در تبریز عدم دسترسی به ذغال سنگ مرغوب بوده است. اما بالاخره موفق بیافتن زغال مورد نیاز شدند و اینک از این در هراسند که در افغانستان زغال مورد نیاز را نیابند. رهبری این گروه ماجراجوی را «مایکل اسمیت براین» روزنامه نگار انگلیسی برعهده دارد و دو دختر و او را همراهی میکنند. بقرار اطلاع چنانچه مسافرت این کامیون بخار سفر خود را با موفقیت بیابان برساند کارخانه فورده آلمان بهر يك از مسافرت این کامیون يك ماشین فورده آلمانی خواهد داد.

مقابل قیام ملت سخت مقاومت کردند. خونهای بسیار ریخته شد و خیابانها از خون انقلابیون سرخگون گردید. اما ملت از پای نشست زیرا پای شرفش در میان بود. مردم پا برهنه در مقابل شلیک تانکهای ضد انقلاب فریاد میزدند: جاوید شاه، جاوید ایران، مبارزه حق طلبانه انقلابیون سرانجام در غروب روز تاریخی ۲۸ مرداد بهر رسید و شب هنگام کار سقوط تمام مراکز ضد انقلاب پایان رسید و انقلاب قدرت را بدست گرفت.

لذا ملت ایران هر سال با برگزاری مراسمی خاطره هموطنان را که با فداکاری هایشان فصلی درخشان در تاریخ میهن ما گذراند گرامی می دارد.

متفرقه

● صبح روز دوشنبه ۱۹ مردادماه شاهنشاه و شهبانو برای بازدید از مناطق زلزله زده شمال شرقی ایران با هواپیما از نوشهر به شهرآباد پرواز نمودند. در شهرآباد اعلیحضرتین مورد استقبال قرار گرفتند. سپس گزارش مختصری از وضع نقاط زلزله زده و خسارات و تلفات و اقدامات امدادی که برای نجات آسیب دیدگان انجام گرفته بود توسط مدیر عامل شیرخورشید سرخ بشرف عرض همایونی رسید. سپس شاهنشاه از بیمارستان صحرایی و بیمارانی که در جادههای شیرو خورشید سرخ بستری بودند و مناطق مختلف منجمه کلی داغ، مراوده تپه و قرناوه که زلزله خسارت بیشتری وارد آورده بود بازدید فرمودند. در کلی داغ شاهنشاه بمیان دیدار اعلیحضرتین گرد آمده بودند رفتند و از وضع آنها سوالاتی نمودند و شهبانو در شهرآباد از شاهنشاه جدا شدند و بدهکده جذامیه که تاشهرآباد ۱۵ کیلومتر فاصله دارد رفتند. و از نزدیک جزئیات زندگی و درمان بیماران را بررسی کردند و با آنها به گفتگو پرداختند. سپس عازم دهکده زلزله زده مراوده تپه شدند تا در آنجا به شاهنشاه ملحق گردند.

شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو پس از بازدید از مناطق زلزله زده به گنبد قابوس باز گشت فرمودند و به «خانه پزشکان» گنبدکاووس تشریف فرما شدند و پس از گشایش بیمارستان کوروش کبیر از بیماران عیادت فرمودند. (سالروز سوم شهریور)

● سوم شهریور مسلمانان ترین روز تاریخ معاصر ایران است. پس از عهدنامه های گلستان و ترکمان چای و پس از آن روز سیاه که نیروهای تراری، تبریز انقلابی را در خون نفع الاسلامها غرق کردند. هیچگاه ملت ایران دنیا را

چنان برخورد تنگ ندیده بود که در سوم شهریور ۱۳۲۰ دید. سی و پنجسال پس از قهرمانیهای مشروطه خواهان و بیست سال پس از قیام يك تنه و مردانه رضا شاه بزرگ ایران باردیگر عدم توانائی خود را در برابر دشمنان قدیمیش نشان میداد. هیچ کوشش و مبارزهای برای حفظ آن سود نکرده بود. نه انقلاب آزادیبخش ملی و نه رهبری سازنده و مصمم و بی باکانه پایه گذار ایران نوین. نسل جوان ایران امروز نمیتواند احساس کند که در آن روزگار هیچ ستاره امیددی از پشت هیچ ابری سوسو نمی زد.

سپیده سومین روز شهریور ماه ۱۳۲۰ تازه دمیده بود که ایران نیز بکام آتش جنگ فرو رفت. نیروهای ملج دول شوروی و انگلستان بخاک ایران حمله ور شدند. دوناو جنگی انگلستان که در برابر ناوهای بیر و پلنک لنگر انداخته بودند. بارسیدن ساعت چهار صبح روز سوم شهریور ناگهان حمله را آغاز کردند، ناوهای انگلیسی در شرایطی غافلگیر کننده، باتوپ و کلیه وسائل جنگی خود، بیرو پلنک را زیر آتش گرفتند. حمله، ناگهانی بود. چنان مینمود که انگلیسیها میخواهند هر دوناو را همراه دود یاروت توپهایشان به هوا فرستند. زره پوشهای انگلیسی خرمشهر را زیر چرخهای خود بلرز در آوردند و جنوب به اشغال نیروهای بیگانه درآمد. با این حال انگلیسیها کشتی کرکی را نیز تکه پاره کردند و قطعات آنرا بمصرف تعمیر کشتی های خود رساندند. شاید بتوان گفت که اشتباه چرچیل، روز خونین سوم شهریور را بوجود آورد زیرا نخست وزیر انگلستان گمان میکرد که اعلیحضرت رضاشاه کبیر، به نیروهای آلمان، اجازه خواهد داد که بخاک ایران پای بگذارند. براساس همین گمان بود که چرچیل نقشه شیخون و حمله سوم شهریور را طرح کرد.

در هر سوم شهریور درس تلخی را که در ۱۳۲۰ به ایرانیان داده شد باید بیاد آورد.

اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر همیشه میگفتند: «بیگانه بیگانه است چه روسی، چه انگلیسی و چه آلمانی...»

«کنگره بین المللی معماران جهان در اصفهان»

● کنگره بین المللی معماران جهان با حضور علیاحضرت شهبانو در کاخ چهلستون بعد از ظهر روز ۲۳ شهریور ماه باطریق علیاحضرت شهبانو و باحضور ۶۰ نفر از معماران معروف جهان افتتاح شد و جلسات آن که يك هفته بطول انجامید همه روزه در سالار زرین مهمانسرای شاه عباس تشکیل گردید. این کنگره از طرف وزارت آبادانی و مسکن و

با همکاری وزارت فرهنگ و هنر برگزار شد. «قویون داغی» آماده پذیرائی از توریستها

● «قویون داغی» جزیره زیبائیکه بر پهنه دریایچه رضائیه دامن گسترده است و برای اولین بار تلاش شرحی درباره این جزیره منتشر کرد برای پذیرائی از مسافران و توریستهای داخلی و خارجی آماده شد. بهلاوه يك قایق موتوری برای حمل توریستها بمحل جزیره اختصاص یافت ولی چون این وسیله کافی نیست راه آهن ناحیه آذربایجان تقبل کرد اسکله ای در ساحل جزیره ایجاد کند تا توریستها و بازدید کنندگان با سهولت بیشتری بتوانند باین جزیره خیال انگیز که هزاران حیوان جنگلی و پرندگان زیبا را در خود جای داده است آمد و رفت نمایند.

با اقدامات سریعی که جهت آماده کردن این جزیره برای گردش و تفریح و حتی شکار مسافران داخلی و خارجی صورت میگردد و برنامه هایی که بمنظور تجهیز این ناحیه مصفاای دریائی در دست تهیه و اجراء است، «قویون داغی» بزودی بصورت يك مرکز مهم جلب توریست و همچنین منبع درآمدی برای آذربایجان درخواهد آمد ولی آنچه در این میان بیش از همه جالب است شرائطی است که برای زیست بهتر حیوانات و پرندگان جزیره در نظر گرفته شده و درواقع اینجا پرندگان و حیوانات در استفاده از مواهب طبیعی جزیره بر انسانها حق تقدم دارند.

بطور کلی سعی براینست که جزیره حالت طبیعی و دست نخوردنی خود را حفظ کند و انسانها که اکنون بدیوار قدیمی حیوانات و پرندگان این جزیره پا میگذارند خود سرانه اسایش آنها را بهم نزنند و در همه حال مقرراتی را که برای اقامت آنها در جزیره تعیین شده بخصوص در مورد شکار رعایت کنند.

قویون داغی یکی از چهار جزیره ایست که برای شکار در نظر گرفته شده و درمیان این جزایر (اسبیر، آرزو و واشک داغی) بزرگترین و تنها جزیره ایست که آب کمی برای شرب دارد که حیوانات و پرندگان جزیره از آن استفاده میکنند. برای تامین آب آشامیدنی توریستها در این جزیره مطالعاتی در جریان است و اگر چاره ای موثر برای این منظور وجود نداشته باشد بایستی طبق روش متداول بعضی ممالک خارجی عمل شود یعنی با ناودانهای بزرگ پلاستیکی آب باران ذخیره و بمصرف برسد.

● پارک کودک جماران در هشت هزار متر مربع مساحت با ۴۱ درخت در خیابان نژادشایب احداث گردید و دارای زمین های والیبال و بسکتبال است.

هفته کوروش بزرگ جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی

● روز چهارشنبه چهارم شهریور ماه رسماً اعلام شد که جشن بیست و پنجمین سده بنیادگذاری شاهنشاهی ایران در مهر ماه ۱۳۵۰ برگزار میشود و دراین مورد اوامر شاهنشاه آریامهر، کتبا از طرف آقای اسدالله علم وزیر دربار شاهنشاهی به شورای مرکزی جشن ابلاغ شده است. این جشن از روز بیستم مهر ماه سال آینده آغاز میگردد و مدت يك هفته در سراسر کشور ادامه می یابد.

در خارج از کشور نیز برای برگزاری این جشن فرخنده تاکنون ۲۹ کمیته بریاست پادشاهان و روسای جمهوری کشور های مختلف و با شرکت شخصیت های برجسته این کشورها بعنوان عضو کمیته تشکیل گردیده است که در همان هنگام مراسم جشن را در این کشورها برگزار خواهند کرد. ایامی که جشن برگزار میشود «هفته کوروش بزرگ» نام خواهد گرفت.

در بعداز ظهر نخستین روز جشن واحدهائی از ارتش ایران با سازو برگ ارتشهای ۹ دوره تاریخ ایران درپیشگاه شاهنشاه آریامهر رژه خواهند رفت و در جریان جشن در تخت جمشید نظیر باینکه ایرانیان نخستین مبتکرین پست (چاپار) بوده اند پیکهای حامل پیام شادباش ملت ایران بهمان سبک و لباس گذشته به تخت جمشید رسیده و پیام ملت ایران را بحضور شاهنشاه تقدیم خواهند داشت.

در حال حاضر بنای یادبود عظیمی با سبک کاملاً ایرانی بنام (شهید آریامهر) در میدانی بهمین نام در محل تقاطع جاده مهرآباد با آینهاور در دست ساختمان است و در جشن های باشکوه پانز سال ۱۳۵۰ گشایش خواهد یافت.

در ایام برگزاری جشن، مدعوین برجسته جشن درفارس و تهران در اجرای مراسم و برگزاری برنامه های متعدد شرکت خواهند جست و کنگره ای نیز از خاورشناسان و ایرانشناسان نامی جهان و ایران در دانشگاه پهلوی شیراز بکارخواهند پرداخت. سخنرانی های شرکت کنندگان در آن بصورت يك دفتر جامع ایرانشناسی برای استفاده عموم انتشار خواهد یافت. از دیگر برنامه هائی که بدین مناسبت بمورد اجرا گذاشته خواهد شد میتوان از تهیه و توزیع نمونه هائی از استوانه گل بخته که فرمان کوروش کبیر بر آن منقوش است نام برد. علاوه بر آن پلاک یاد بود ویژه و سکه مخصوص و تصاویر سربازان جاویدان هخامنشی و تمبرهای یادبود تهیه و به میهمانان و مدعوین اهداء خواهد شد و برنامه

در اردوی شیربجگان

● والا حضرت ولیمهد روز ۱۲ امرداد در اردوی پیشاهنگی که با شرکت ۱۸ تن از شیربجگان در کاخ تابستانی کلاردشت ترتیب یافته بود شرکت کردند. والا حضرت پیشاهنگ سمناره هستند و این سومین باری بود که در چنین اردویی شرکت میکردند.

والا حضرت ساعت یازده و ۳۰ دقیقه روز دوشنبه باتفاق دیگر شیربجگان با اتوبوسی از نوشهر به کلاردشت عزیمت کردند و بمحض پیاده شدن از اتوبوس همراه سایر شیربجگان وسایل خویش را به چادر بردند و پس از استقرار و شناسایی محل اردو در مراسم برافراشتن پرچم اردو شرکت کردند. پرچم را والا حضرت باتفاق دو پیشاهنگ دیگر برافراشتند و سوگند مخصوص ولیمهد ادا شد.

پیش از فرود آوردن پرچم مراسم وقوانین و مقررات مربوط بوسیله مربی اردو برای شرکت کنندگان تشریح شده بود.

این اردو يك هفته بطول انجامید و شرکت کنندگان در آن طی این مدت با مقررات پیشاهنگی آشنا شدند.





زلزله شدید در خراسان و مازندران

● یامداد روز پنجشنبه ۸ امرداد ماه زلزله سه بار قسمتهایی از شمال شرقی ایران را لرزاند و در خراسان، گرگان و گنبد قابوس ۳۵ قریه را در هم کوبید.

شدت این زلزله تقریباً برابر با زلزله‌ای بود که سال قبل در همین منطقه بیش از ۱۲ هزار نفر را کشت. بیشترین تلفات را دهکده زیبای «گلی داغ» داشته است که ۱۲۰ نفر در آن کشته و ۲۰۰ نفر زخمی شده‌اند. چند لحظه پس از وقوع زلزله جریان به اطلاع شاهنشاه رسانده شد و آقای هودا نخست وزیر نیز از ماجرا اطلاع پیدا کرد و دستورهایی برای کمک به زلزله زده‌ها داد.

زلزله در ساعت چهار و ۲۵ دقیقه صبح پنجشنبه رخ داد. این زلزله در مراکز مهم زلزله‌نگاری جهانی در آمریکا، ژاپن، فرانسه و کانادا ثبت شد. مرکز ملی زلزله‌نگاری آمریکا (مریلند) شدت آنرا ۶٫۹ و موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران ۵٫۵ واحد بین‌المللی گزارش دادند.

مرکز زلزله در تمام گزارش‌ها ۶۰۰ کیلومتری شمال شرق تهران (بخش مراد تپه) قید شده است.

زلزله خطی در امتداد مشهد، ساری، گرگان، گنبد قابوس، اسفراین، درگز، شاهرود، شیروان، نیشابور، بجنورد و قوچان را لرزاند و بدین ترتیب از مرز خراسان پا فراتر نهاد و قسمتی از استان مازندران را در بر گرفت.

گرچه زلزله در زمانی رخ داد که هنوز بسیاری از اهالی از خانه‌های خود خارج نشده بودند و بیم آن میرفت که تلفات این حادثه بسیار باشد. لیکن بجهت اینکه زلزله بیشتر نقاطی را لرزاند است که ساختمانهای تیر آهنی و چوبی در آن ساخته شده بود تلفات سنگینی ببار نیامد.

از اینکه قسمتی از جدار کیسه در حرارت ۷۰ درجه زیر صفر منجمد شد جراح می‌تواند به‌سبب بدخول کیسه دسترسی یابد و محتویات آنرا بدون آنکه خطری متوجه بیمار باشد درآورد و نسج سالم را کماکان باقی بگذارد.

مخترع دستگاه از چهار سال قبل باین طرف و آن طرف سالنگاه بود تا اینکه دوسال پیش موفق به طرح نقشه‌ای گردید که عملی بنظر رسید و یک کارخانه خارجی حاضر می‌شود دستگاه را بنابر دستور مخترع بقیمت گزاف تهیه نماید.

طی سال گذشته اختراع مزبور بر روی تعداد بی‌شماری بیمار که در بیمارستان سعدی شیراز بستری گردیده بودند بکار برده شده و همه بیماران توسط جراح مزبور معالجه شده و بهبودی کامل حاصل نمودند. فرستنده تازه رادیو گرگان گشوده شد.

● روز دوشنبه ۱۶ شهریور ماه فرستنده تازه ۱۰ کیلوواتی رادیو گرگان گشوده شد. در مراسم افتتاح فرستنده جدید گرگان وزیر اطلاعات خاطر نشان ساخت که در جهت توسعه شبکه رادیویی و تلویزیونی کشور برنامه مفصلی تدوین شده و این فرستنده پنجمین فرستنده رادیویی است که در ششماه اخیر در زمینه اجرای این برنامه، کار نصب آن به اتمام رسیده و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. فرستنده‌های قبلی در سمنج، اسفند ماه ۱۳۴۸، کرمان، بندر عباس و ساری در سال جاری آغاز به کار کرد.

از دشت قزوین ۵۵ هزار تن میوه برداشت می‌شود تعداد کشاورزان آن نزدیک به ۹ هزار خانوار روستایی است.

● سازمان عمران قزوین امسال سطح زیر کشت محصولات مختلف خود را توسعه میدهد و آنرا به ۱۳ هزار و ۲۷۱ هکتار خواهد رسانید. در این اراضی گندم، جو، نخود، چغندر قند، افناگردان، سیب زمینی، گوجه فرنگی، پیاز، هندوانه، لوبیا و محصولات متفرقه و علوفه‌ای کشت خواهد شد.

طرح مهم دیگری که از طرف سازمان عمران دشت قزوین در حال اجرا و توسعه است، بهره‌برداری از باغات میوه این منطقه میباشد. پیش بینی میشود که امسال حدود ۵۵ هزار تن میوه از قبیل هلو، سیب و گلابی برداشت شود و این بالاترین رقم محصول است که از هنگام بهره‌برداری از باغات میوه تاکنون برداشت میشود.

طرح عمران دشت قزوین برای مدت ۱۵ سال پیش‌بینی شده است که از سال ۴۱ تشکیلات آن بوجود آمد و از فروردین سال ۴۳ با ایجاد دو مزرعه آزمایشی گام

عظیم پی برده است. بنابگفته مقامات مطلع: با ایجاد سدهای مذکور هزاران هکتار از اراضی بایر دشت وسیع جوبین زیر کشت خواهد رفت. بقرار اطلاع از نیمه دوم سال جاری، طرح ایجاد ایندوسد بزرگ در منطقه مذکور بمرور اجرا گذاشته خواهد شد.

● کشف یک پزشک ایرانی کشف دکتر فرخ سعیدی استاد دانشگاه پهلوی شیراز در کنگره بین‌المللی وین مورد توجه قرار گرفت. طبق گزارشی که از اطیش رسیده است در پنجمین کنگره بین‌المللی بیماریهای عفونی که در شهر وین برگزار شد چهار تن از اساتید دانشگاه پهلوی شیراز شرکت داشتند و سخنرانی‌های علمی جالبی از طرف نمایندگان ایرانی در آن کنگره ایراد شد.

موضوع گزارش یکی از اساتید ایرانی آقای دکتر فرخ سعیدی استاد جراح دانشگاه پهلوی شیراز مربوط به یک اختراع و همچنین کشف تازه پزشکی ایشان بود که بعد از ظهر روز سوم سپتامبر بزبان آلمانی با اطلاع مستعین کنگره رسید و مورد توجه خاصی قرار گرفت. موضوع سخنرانی ایشان پیرامون روش تازه‌ای برای درمان یک نوع بیماری انگلی بود که در تمام دنیا دیده میشود. در آخر جلسه، دکتر لستر رئیس بخش بیماریهای گرمسیری در دانشگاه «تورنتو» از کانادا

گزارش دکتر سعیدی را ستوده و اعلام داشت که روش ایشان تازگی دارد و برای درمان این بیماری در تمام جهان یک قدم انسانیت.

بیماری مورد نظر که در ایران به «کیست هیداتیک» موسوم است بصورت یک کیسه نسبتاً بزرگ در کبد یا ریه انسان و سایر اعضاء نمودار و بسته به موقعیت آن موجب عوارض خطرناک میشود چون هیچ دارویی یا اشعه برق بر آن موثر نیست. یگانه راه علاج این بیماری از طریق اعمال جراحیست. بعلت تازگی غشاء خارجی اغلب اوقات هنگام عمل جراحی کیسه پاره می‌شود و مایع آن که محتوی هزاران میکروب میباشد در داخل بدن بیمار پخش می‌گردد و بتدریج بصورت کیسه‌های دیگر ظاهر شده و بروخامت بیماری می‌افزاید. در حقیقت بیماری جنبه یک نوع سرطان دارد. این بیماری در ایران بخصوصی در دهات بسیار شایع است. در سایر کشورهای خاور نزدیک و آفریقای شمالی و آمریکای جنوبی و استرالیا و بطور کلی مناطق گرمسیر فراوان است.

بطور اختصار اساس اختراع که توسط دکتر سعیدی در دانشگاه پهلوی شیراز اخیراً انجام گرفت تولید پروت فوق‌العاده شدید و سریع بر روی غشاء کیسه میباشد و پس

مخمومس نور و صدا که بطرز شکوهمندی در خور یک چنین جشن بزرگ ملی است تهیه می‌شود و در تخت حمشید فارس بمرور اجرا گذارده میشود. دهکده‌های طوفان زده سبزوار

● طوفان شن در سبزوار بار دیگر روستائیان نقاطی را که در مسیر حرکت شنهای روان قرار گرفته بودند به وحشت انداخت و از سببه ۲۰ مرداد ماه گروهی از روستائیان به تخلیه خانه‌های خود پرداختند و تدریجاً به نقاط دیگر کوچ کردند.

طوفان شن قسمتی از دشت‌های سبزوار را بصورت دریائی از شن در آورده و توده‌های شن تا نیمی از خانه‌های روستائیان را در خود فرو برده است. وزش طوفان‌شن پنجشنبه ۱۵ مرداد ماه در سبزوار و نواحی اطراف شروع شد و با آنکه قبلاً باد شکنهای حصیری در بعضی نقاط برای جلوگیری از حرکت نصب شده مع هذا طوفان شن شروع به پیشروی کرد و خانه‌های روستائیان را دربر گرفت. با ادامه طوفان، روستائیان در حالیکه شدیداً نگران امور کشاورزی و دامداری خود بودند به تخلیه خانه‌های خود پرداختند. طوفان شدید شن ارتباط تلفنی و تلگرافی سبزوار را با نقاط اطراف قطع کرد و با وجود تلاش پیگیر ماموران اداره مایع طبیعی سبزوار در مورد نصب باد شکنهای حصیری در نقاط واقع در مسیر طوفان مع هذا چندین دهکده از جمله حارث آباد، فسنقر، حسین آباد، گنجی، برآباد، شامکان، علی‌آباد شور، کلاوشک، دولت‌آباد، جلین، رباط سر پوشیده، یحیی‌آباد و چند روستای دیگر در معرض طوفان شنهای روان قرار گرفتند.

رودخانه عظیم زیر زمینی در جوبین سبزوار بزودی در جلگه جوبین دو سد بزرگ احداث میشود. ● در زیر زمین منطقه جوبین از توابع شهرستان سبزوار رودخانه‌ای عظیم قرار دارد که آب آن در عمق سیمصد متری زمین با سرعتی در حدود ۷ کیلومتر در ساعت در حرکت است. این رودخانه از سمت شرق بطرف غرب کشور جریان دارد و هرچه بطرف غرب (تهران) نزدیک تر میشود فاصله آن با زمین کاهنی میباشد.

این مطالب توسط آقای مهندس دیبا کارشناس وزارت آب و برق که بمنظور مطالعه در مورد ایجاد دو سد بزرگ بر روی رودخانه «کمانتان» و «شاه واج» واقع در «براکو» ی جلگه جوبین سبزوار عزیمت کرده است اظهار شد. او افزود: پس از مطالعات دقیق و بررسی‌های کافی در مورد آبهای تحت‌الارضی جوبین بوجود این رودخانه

«گروه حسن نیت ایران»

● آقای مهندس جعفر شریف امامی رئیس مجلس سنا و نیابت ریاست عالی جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران ساعت ده ونیم بامداد روز پنجشنبه ۱۵ مرداد ماه از جوانان صلیب سرخ آلمان غربی که بدعوت جوانان شیر و خورشید سرخ اصفهان به ایران آمده‌اند و برای ملاقات در کاخ سنا حضور یافتند دیدن کرد. در این دیدار جوانان مذکور از دوستی جوانان صلیب سرخ، هلال احمر، شیرو خورشید سرخ صحبت کردند و ضمن یادآوری شرکت جوانان امداد گر اصفهان در اردوی بین‌المللی کمک های نخستین گفتند: جوانان شیر و خورشید سرخ اصفهان که در این اردو شرکت داشتند، با ابتکار فوق‌العاده خود، گروه حسن نیت ایران لقب گرفتند و در همه جا با استقبال شرکت کنندگان اردو مواجه بودند. جوانان مذکور ابتدا در دفتر ستاد دکتور عباس نفیسی دبیر کل جمعیت حضور یافتند و مراتب تاسف صلیب سرخ آلمان غربی را از زلزله اخیر شمال شرقی ایران ابراز داشتند و یادآور شدند که اینگونه بازدیدها در تحکیم مبنای دوستی اثرات درخشانی خواهد داشت. این جوانان در پایان دیدار خود نشان صلیب سرخ و هدایائی تقدیم رئیس مجلس سنا و ستادور دکتور عباس نفیسی کردند.

نو سازی مدارس و دهکده های ویران شده

● آقای هویدا نخست وزیر، روز دوازدهم امرداد هنگام بازگشت از مناطق زلزله زده شمال شرقی کشور تاکید کرد که دهکده های ویران شده نو سازی خواهند شد و افزود که زندگی تازه ای در انتظار روستائیان این منطقه است.

آقای هویدا که در فرودگاه مهرآباد در جمع خبرنگاران سخن میگفت، از اینکه در حدود ۱۷۶ تن از هموطنان در حادثه زلزله از میان رفتند اظهار تاسف کرد و در عین حال اظهار امیدواری کرد آنها تیکه زنده مانده‌اند، در رفاه بیشتری زندگی کنند. نخست وزیر گفت تمام خانه های ویران شده و مدارس از نو بنا میشود و راهها به طور کامل مرمت خواهند شد. نخست وزیر ضمن قدردانی از مساعی مسئولان سازمان های مختلف گفت: همه نیرو های انتظامی و سازمانهای امدادی شیر و خورشید سرخ و وزارت بهداشت در این واقعه همکاری صمیمانه کرده‌اند. در عین حال روحیه مردم مناطق آسیب دیده بسیار قوی است و آنها کاملاً خود را برای زندگی تازه آماده می کنند.

ظرف دوماه آینده همه اشکالاتی که بر اثر زلزله در مناطق گنبد قابوس و نقاط دیگر پیش آمده برطرف خواهند شد و اینک هیاتی مرکب از معاونان و مسئولان وزارتخانه ها و سازمانهای مسئول در محل باقیمانده است تا عملیات امدادی و کارهای نو سازی را دنبال کند.

نرده ها

انسان در تهران با انواع و اقسام نرده ها روبرو می شود ● علیاحضرت شهبانو بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۷ شهریور از واحد شهر سازی شهرداری بازدید فرمودند. در این بازدید علیاحضرت از وضع ترافیک و شیوه نرده کشی خیابانهای تهران انتقاد کرده و گفتند: انسان در تهران با انواع و اقسام نرده ها روبرو می شود که یکی مربع است دیگری مستطیل و سومی به شکل مثلث.

شهبانو ابتدا از نقشه جامع پایتخت دیدن کردند.

پس از آن از قسمت صدور پروانه ساختمان، دفتر مهندسی ترافیک، ماکت و نقشه میدان بزرگ تره بار که ایجاد آن برنامه کار شهرداری است، طرح آرامگاه بهشت زهرا و آرامگاههای خصوصی، طرح پیشنهادی پیاده روها، دستگاه های پارکومتر، قسمت طرح های تفصیلی، طرح بازار تهران، طرح تعمیر مسجد سپهسالار، طرح جاده شهری و در پایان از قسمت بایگانی واحد شهر سازی دیدن کردند. شهبانو در هر قسمت پس از شنیدن توضیحات شهردار تهران و مسئولان قسمتها مطالبی بیان داشتند.

«در تبریز مردی بادست تریلی میسازد»

● در تبریز مردی با دست تریلی های ۱۸ چرخ میسازد. وی وسکانیان نام دارد و در کارگاهی محقر بکمک دستهای سالی پنجاه تریلی میسازد.

در تبریز روبروی باغ گلستان در بزرگی دیده میشود که در اولین نگاه بنظر می آید این در مربوط به کاروانسرا یا یک تعمیرگاه باشد در صورتیکه متعلق بیک کارخانه تریلی سازی است. در گوشه و کنار حیاط این کارخانه تریلی های عظیم و کمبریسی ها دیده میشوند. بملاوه قطعات ناتمام ماشین آلات و ادوات جوش و ذوب ملاحظه می گردد. وسکانیان در ساختن این تریلی ها ۳۰ سال سابقه دارد و با کارگران ماهری که دور ویر خود جمع کرده است توانسته است آنچه را که سایر کارخانه ها با کمک دست بسازد و بطور کلی سالیانه ۵۰ تریلی در این کارخانه ساخته میشود. طبق

گفته خود وسکانیان در نمایشگاه آسیائی وقتی خارجیهها فهمیدند که تریلی های ساخت این کارخانه با دست ساخته شده حیرت کردند و پس از بازدید از کارخانه او در تبریز اظهار داشتند که این نوع ماشین خیلی از نوع فابریکیش محکم تر و مطمئن تر است.

از وسکانیان سوال شد که چرا تعداد ماشین هارا بیشتر نمیکند. در جواب گفت: سهمیه ما اجباری است یعنی گفته اند نباید بیش از ۵۰ ماشین در سال بسازیم در جالیکه کارخانه آمادگی تهیه سیصد ماشین را در سال دارد. وی در نظر دارد با پیشرفت ماشین سازی و موتور سازی تبریز که تا یکی دو سال دیگر میتواند قطعات یدکی موتور تهیه کند بر تعداد تریلی هایش در سال بیافزاید زیرا این کارخانه بزرگترین و نزدیکترین کارخانه مصرف کننده قطعات یدکی میباشد.

لیسانسیه نابینا

● گوهر کرسی دختر ۲۵ ساله و نابینای دانشگاه تهران پس از چهار سال جهد و تلاش در خرداد ماه سال جاری فارغ التحصیل شد و موفق بساخذ لیسانس در رشته روانشناسی گردید.

پیروزی گوهر در حقیقت پیروزی صفات انسانی یعنی همت، تلاش و امید است همان صفاتی که در طول تاریخ آفریننده قهرمان ها بوده است.

گوهر دختری باریک اندام و مو قهوه ای است که از بسیاری جهات شبیه سایر دخترانی است که تازه از دانشگاه فارغ التحصیل شده اند. او از اینکه موفق به اخذ دانشنامه لیسانس شده خوشحال است. مانند سایر دختران بعد علاقمند است و از موسیقی نیز لذت میبرد. فقط یک تفاوت اساسی میان او و همشاگردانش موجود است و آن محروم بودن گوهر از بینایی چشم است.

گوهر در همدان متولد شده و هنگامیکه سه ساله بوده از نعمت بینایی محروم گشته. هنگامیکه در باره زندگی از او سوال شد گفت:

پانزده سال اول زندگی من چیز جالبی نبود، در انزوا و تنهایی و ناامیدی می گذشت. از تولد تا شش هفت سالگی فرقی بین خود و دیگران احساس نمیکردم. اما روزیکه دوستان همبای من به دبستان رفتند و من کماکان در خانه ماندم تازه دریافتم که چیزی از دیگران کسری دارم. دوستهایم بینا بودند و عصر که از مدرسه می آمدند تعریف میکردند که چطور مشق مینویسند و درازای کار های خوب چطور از معلم جایزه میگیرند. آگاهیم از

اینکه با دیگران فرق دارم در حقیقت از درس و مدرسه رفتن شروع شد. کم کم کسوری بین من و دوستانم فاصله می انداخت زیرا ایام صفا و بی ربایی کودکی گذشته بود و عهد خودخواهی نوجوانی فرا رسیده بود و همه مرا ترک کرده بودند و من از انزوای تاریک خود رنج میبردم.

یکی دو بار تصمیم بخودکشی گرفتم و دست بعمل زدم اما موفق نشدم و نمردم تا اینکه در ۱۵ سالگی بخت یاری کرد و به آموزشگاه نورآئین اصفهان راه یافتم. بلافاصله از بدو ورود به نورآئین شروع به تحصیل کردم. تابستان بود و مدارس تعطیل شده بودند و من از نوآموزانی که آزاد بودند و کاری نداشتند کمک گرفتم و الفبای برجسته مخصوص نابینایان را در ظرف چندماه آموختم. اول مهر که از من امتحان کردند سر کلاس دوم نشسته و بعد مرا به کلاس سوم ابتدایی بردند. در تابستان سال ۱۳۴۵ ششم ابتدایی را بطور متفرقه امتحان داده سال بعد تحصیل در کلاس هفتم را در دبیرستان شاه عباس کبیر اصفهان شروع کردم و سه سال بعد با معدل ۱۶ دیپلم متوسطه گرفتم. در دو دانشگاه تهران و اصفهان کنکور دادم و در هر دو قبول شدم. اما باید اعتراف کنم که دوران دانشگاه بمن خیلی سخت گذشت. بخصوص سال اول و دوم. حالا که آن دوران گذشته و من با آن سختی درس را تمام کرده ام احساس میکنم که این ورقه لیسانس جای دو چشم بینا را برای من پر میکند و ارزش آن برای من خیلی زیاد است.

او در باره چگونگی انتخاب رشته روانشناسی گفت: افراد بینا به رنگها توجه دارند و از دیدن رنگ زرد و سرخ بهیجان می آیند یا از دیدن مناظر بدیع و تازه لذت میبرند، اشکال و سایه ها و حالت شکلهای برایشان دوست داشتنی و قابل تامل و تفکر میشود، ولی اینها در دنیای یک کور وجود ندارد. سرگرمیهای او محدود به صدا ها و لمس هاست بنابراین یک بینا بیشتر به عالم خارج توجه دارد و یک نابینا بیشتر به درون خود و دنیای باطنی خویش و همین علاقه بود که مرا بسوی روانشناسی کشید.

چند سالی است که من در مدرسه نابینایان رضاهلوی در کلاس ابتدایی زبان تدریس میکنم و از همین راه هزینه تحصیل را در دانشگاه تهیه کردم و بر اثر تجربه ای که از درس دادن و تماس با بچه های نابینا بدست آورده ام دریافتم که در کشور ما خانواده، یک بچه نابینا را بحال خود رها میکند و حتی دنیای لمس و صدای او را هم با عدم توجه یا بیرحمی محدود میکنند و چون به بچه نابینا نمیرسند او بیشتر در خود

فرو میروند. درون گرایی نابینایان از تحصیل بدهد و در رشته فرط طرد شدگی، بی توجهی روانشناسی دکترا بگیرد. و رها شدن بحال خود است. آرزویش این است که بتواند اگر یک کمی بیشتر به بچه نابینا توجه شود او میتواند کمکی باشد تا بتواند محبت هایی از لحاظ پرورش شعور و را که باو شده جبران کند. موفقیت در درس و زندگی مثل یک بچه بینا جلو برود و گلیم خود را از آب بیرون و شغل روانشناسی به نابینایان بکشد. کمک روحی کند.

مطبوعات ایران

هفتمین سال مجله ابتکار هفتمین سال انتشار مجله ابتکار را که نشریه ای کشاورزی و اقتصادی است به آقای محمدعلی کرد تبریک میگوئیم.

آغاز هفدهمین سال انتشار روزنامه روئین

● روزنامه روئین بصاحب امتیازی و مدیریت آقای حاج اسفندیار سرتیپ پور که بطور هفتگی در شهرستان رشت انتشار مییابد وارد هفدهمین سال خدمت مطبوعاتی شد.

ماضمن تبریک به نویسندگان آن جریده، برای آقای سرتیپ پور موفقیت بیشتری آرزو میکنیم.

نوای ملت روزانه شد.

● روزنامه (نوای ملت) بمدریت آقای طباطبائی بطور روزانه مرتب در استان خوزستان منتشر می گردد. ما موفقیت آقای طباطبائی مدیر و سایر گردانندگان نوای ملت را خواهانیم و امیدواریم با کادر جدید نویسندگان جوان و با ذوق در کار خود بیشتر موفق شوند.

دهه بورس

● روزنامه اقتصادی بورس وارد دهمین سال انتشار خود شد. بورس در میان بازرگانان و صاحبان صنایع کشور علاقمندان و خوانندگان بسیار دارد. موفقیت آقای دکتر یوسف رحمتی مدیر و سایر گردانندگان بورس را خواهانیم.

بهار ایران چهل ساله شد

● روزنامه بهار ایران که در شیراز بطور هفتگی چاپ می شود وارد چهلیمین سال فعالیت مطبوعاتی خود شد.

توفیق آقای محمد حسین مجاهد صاحب امتیاز و آقای ایرج مجاهد سردبیر و سایر نویسندگان بهار را آرزو می کنیم.

هفته نامه خسروی

● هفته نامه خسروی که بمدریت و مسئولیت آقای شاکری در کرمانشاه چاپ می شود بیستمین سال فعالیت مطبوعاتی خود را آغاز نمود. ما توفیق کارکنان آنرا خواستاریم.

تربیت مقدم بر تعلیم است

پیام اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بمناسبت آغاز سال تحصیلی

آغاز سال جدید تحصیلی را بعموم معلمان و دانش آموزان کشور و بهمه کسانی که در رشته آموزش و پرورش انجام وظیفه میکنند شادباش میگوئیم و توفیق عموم آنانرا خواستاریم یقین داریم هم معلمان و هم دانش آموزان بخوبی بدین حقیقت توجه دارند که وظیفه ساختن جامعه مترقی و سعادتمند آینده ایران در درجه اول برعهده آنها هست و این نیروی فعاله جوانان مملکت است که میباید با برخورداری از دانش و فرهنگ و با آشنایی با پیشرفتهای علمی و فنی دنیای امروز و با استفاده از امکانات وسیعی که در اختیار آنها قرار دارد کار بنیانگذاری جامعه پیشرفته ایران این است که نسل جوان ما دانش اندوزی را با قدرت و اصالت اخلاقی توأم کند و متوجه این واقعیت باشد که بهمان اندازه که باید در راه کسب دانش بکوشد میباید خود را با اصول و مبانی عالی اجتماعی و معنوی و بانروی ایمان و اعتماد بنفس و شهامت و وطن پرستی و نوع دوستی مجهز سازد. زیرا یک جامعه فقط وقتی میتواند واقعا مترقی و سعادتمند باشد که در آن پیشرفتهای مادی با ارزش های معنوی و اخلاقی در آمیخته باشد.

همچنانکه در سومین کنفرانس ارزیابی انقلاب آموزشی تذکر دادیم لازم است بخصوص دستگاه آموزشی کشور به تربیت جسمی و روحی کودکان توجه اساسی مبذول دارد. زیرا در این دوره از زندگی تربیت مقدم بر تعلیم است. در دوره راهنمایی نیز میباید با استفاده از کلیه وسایل آموزشی و سمعی و بصری و با اتخاذ روشهای جدید و متنوعی که برای تعلیمات متوسطه پیشبینی شده است کاری کرد که جوانان عمیقاً مفهوم آنچه را که فرا میگیرند جذب و درک کنند و چنانکه قبلاً نیز متذکر شدیم بجای آنکه مغز خویش را از محفوظات انباشته سازند بصورت افراد کاردان و مبتکر و ورزیده پابمیدان مسابقه زندگی گذارند. ما تأکید کرده ایم که در این راه میباید برنامه های وسیعی از طرف دستگاه آموزشی کشور برای تطبیق امر آموزش کشور ما با پیشرفته ترین جوامع جهان طرح و بمعرض اجرا گذاشته شود که از جمله آنها نظام نوین آموزشی و برقراری دوره راهنمایی و توسعه تعلیمات فنی و حرفه ای و منطقه ای کردن آموزش است. بدیهی است در این مورد پدران و مادران و بطور کلی عموم افراد کشور میباید با معلمان و مدیران و مسئولان آموزشی کشور بخصوص مربیان کودکان و آموزگاران که وظیفه خطیر تربیت اولیه نونهالان کشور را بهعهده دارند کمال همکاری را داشته باشند زیرا فقط در پرتو چنین همکاری صمیمانه ای است که میتوان امر آموزش را از صورت یک کار مجزای اداری بدر آورد و مقام حقیقی آنرا بعنوان یکی از ارکان حیات ملی و اجتماعی بدان بخشید. در عین حال وظیفه دستگاه آموزشی کشور است که در مقابل انتظاراتی که از معلمان دارد، موجبات آشنایی هر چه بیشتر آنانرا با پیشرفتهای روشهای تازه فراهم سازد و ضمناً رفاه و آسودگی خاطر آنانرا تأمین کند و این دو موردی است که در قطعنامه کنفرانس رامسر مورد تذکر قرار گرفته و مسئولان امور موظف به تحقق آن شده اند. توفیق همه معلمان و دانش آموزان را در سال تحصیلی تازه ای که از امروز آغاز میشود از خداوند مسئلت داریم.

سنگهای معبد آناهیتا

سنگهای منقوش و حکاکی شده متعلق به زمان ساسانیان در جریان حفاری معبد آناهیتا از زیر خاک کشف شد. با کشف این سنگها که هر کدام چند تن وزن دارند عملیات حفاری معبد باستانی آناهیتا وارد مرحله تازه ای شده است.

معبد آناهیتا بزرگترین معبد باستانی ایران است و ساختمان آن ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد آغاز شده و در زمان پارتها تکمیل گردید. معبد آناهیتا پس از گذشت قریب ۲ هزار سال رفته رفته زیر خاک ماند و بر روی ویرانه های آن شهر جدیدی ساخته شد که امروز کنگاور نام دارد. هم اکنون بر روی ویرانه های این معبد ستونهای متعدد سنگی دیده میشود که هر کدام بالغ بر ۳۰۰ تن وزن دارند. سال گذشته تصمیم گرفته شد که این معبد باستانی از زیر خاک خارج شود و بدینال آن خانه ها و مغازه هایی که بر روی ویرانه های معبد آناهیتا ساخته شده بود ارزیابی گردید و عملیات حفاری آغاز شد. در جریان حفاری ۲۱۴ خانه و مغازه خراب خواهد شد. باستانشناسان ایرانی در اولین سال حفاری دو تابوت سفالی دردار در این منطقه کشف کردند که در داخل یکی از تابوتهای اسکلک یک زن پارتی و داخل تابوت دیگر اسکلک کودکی قرار داشت. عملیات حفاری از سال قبل آغاز شده و حدود ۱۰ سال بطول خواهد انجامید.

باستانشناسان در حفاریهای اخیر به سنگهایی دست یافتند که زمان ساسانیان در ساختمان معبد کار گذاشته شده. سنگها اکثراً ۲ تا ۶ تن وزن دارند و روی همه شان کلمات و شکل های گوناگون حکاکی شده است. روی یکی از سنگها با خط پهلوی کلمه «پیروج» بمعنی پیروزی حک شده است. سنگ دیگری نیز ضمن حفاری از زیر خاک بدست آمد که آرم مذهبی قدیمی هندی بنام گردونه خورشید یا (سوا-ستیکا) روی آن نقش شده است.

آقای کامبخش فرد سر پرست هیات باستانشناسان گفت: سال گذشته ضمن حفاری سنگ هایی از زیر خاک خارج شد که اشکال هندسی و شکل یز کبوهی و گیاهان روی آنها حک شده بود. این سنگها وسیله پارتیهای مومن و معتقد به الهه ناهید برای ساختمان معبد هدیه شده بوده.

سنگهای منقور و منقوش نیز که امسال کشف شده است نشان میدهد در زمان ساسانیان معبد آناهیتا بطور اساسی مرمت گردید و سنگها نیز وسیله اهالی هدیه شد. تاکنون همه آثاریکه در حفاری معبد آناهیتا بدست آمده است متعلق به زمان پارتها و ساسانیان است باین

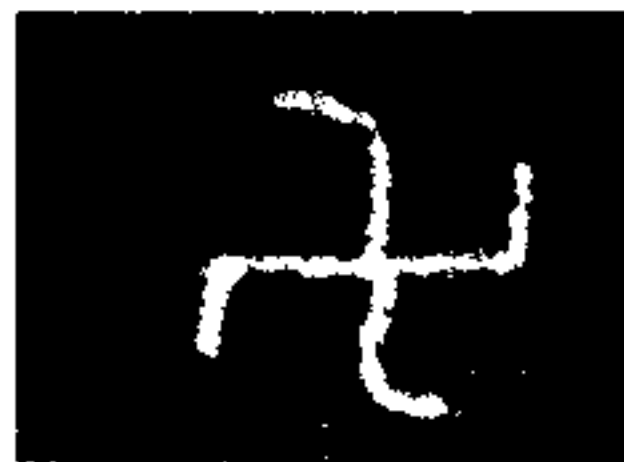
ترتیب نظریه باستانشناسان خارجی که ساختمان معبد آناهیتا را بدوره سلوکیها نسبت میدهند درست نیست زیرا کوچکترین مدرکی که نظریه را ثابت کند بدست نیامده است.

در این حفاریها سکه ای نیز متعلق به ارد پادشاه اشکانی داخل یک تابوت کشف شد که این مساله هم بر روی پارتی بودن ساختمان معبد صحت میگذارد.

طبق آخرین اخبار همزمان با ادامه عملیات حفاری، آن عده از اهالی کنگاور که بر روی ویرانه های معبد خانه ساخته بودند مشغول خراب کردن ساختمان های خود هستند. همه این خانه ها قبلاً ارزیابی شده و بهای آنها به صاحبان شان داده شده ولی با موافقت وزارت فرهنگ و هنر خانه ها شان را خودشان خراب میکنند تا از مصالح ساختمانی آن استفاده کنند.

بدینال مذاکرات هیات بازرگانی ابوظبی در ایران سفارشات زیادی برای خرید کالاهای مختلف بایران رسیده است. جمع فروش مصنوعات و تولیدات صنعتی ایران به شیخ نشین ابوظبی تاکنون بحدود ۳۵ تا ۴۰ میلیون تومان رسیده است.

بازرگانان ابوظبی علاوه بر سفارشات خرید کالای نمایندگی فروش متجاوز از ۳۰ قلم کالای صنعتی ایران را در ابوظبی کسب کرده اند. بازرگانان ابوظبی بیشتر خریدار مواد غذایی و شیمیائی و لوازم فلزی ایران بوده اند.



چگونه حلقه زنجیر قشنگ خارجی با یک تکان از هم گسست.

سرمایه ای عظیم تر موثر تر و با ارزش تر.

نطق آقای هویدا نخست وزیر در اجتماع بزرگ دانش آموزان دارالفنون

در مراسمی که بامداد روز اول مهر در دارالفنون (قدیمی ترین مدرسه پایتخت) بمناسبت آغاز سال تحصیلی برگزار شد آقای نخست وزیر ضمن نطقی برای همه فرهنگیان و دانشجویان و دانش آموزان کشور (بعنوان سازندگان و مدیران ایران فردا) آرزوی موفقیت و بهروزی کردند. آقای هویدا ضمن سخنان پرشور خود در اجتماع بزرگ دانش آموزان دارالفنون یادآور شدند که ایران سرمایه ای عظیم تر - موثر تر و با ارزش تر از جوانان خود ندارد و بزرگترین هدف انقلاب ایران تأمین آینده نوباوگان امروز و مردان فردای کشور است.

آقای نخست وزیر زنك قدیمی دارالفنون را که بجای طناب کهنه سابق - يك زنجیر طلائی زنك بآن بسته شده بود بصدا در آوردند و با اعلام گرامی داشتن سنن - فرهنگ و پیشینه پرافتخار تمدن و فرهنگ پارسی دعوت کردند.

طنابی که سالهای دراز به زنك دارالفنون آویخته شده بود امروز جای خود را به يك زنجیر زرین داده بود و هنگامی که نخست وزیر آنرا تکان دادند تا زنك بصدا درآید زنجیر پاره شد و آقای هویدا با اشاره به همین موضوع به جوانان هشدار دادند که در تشخیص کهنه های دور - انداختنی و نوه های پذیرفتنی دچار اشتباه نشوند. آقای نخست وزیر گفتند «پاره شدن زنجیر

زرین ساخت خارج برای شما و ما درس خوبی است تا بدانیم چه بسا چیز ها که از خارج وارد میشود زرق و برق فراوان دارد اما فاقد استحکام ساخته های خود ما است. ساخته های خود ما ممکن است ساده باشد و زرق و برقی هم نداشته باشد ولی بهر حال مایه غرور ما است زیرا ایرانی است و آنرا خودمان ساخته ایم. اشتباه است اگر چنین بیاندیشیم که آنچه از دیگری است خوب است و آنچه که قدیمی تر است باید بدور انداخته شود. شما ملاحظه کردید که چگونه حلقه های زنجیر قشنگ خارجی با یک تکان از هم گسست و نتوانست زنگی را که سالهای سال در چنین روزی در این مرکز دانش نواخته شده است بصدا در آورد ولی این کار از همان طناب قدیمی ولی محکوم و بهم پیوسته ما ساخته بود. باین حقیقت بیش از پیش توجه کنید که آن زنجیر طلائی پر زرق و برق خارجی هرگز جای این طناب ایرانی را برای ما نخواهد گرفت. در حقیقت انقلاب ایران بخاطر کنار زدن بسیاری قید ها و شیوه های ناپسند و دست و پا گیر بوجود آمده است اما نباید در تشخیص دچار اشتباه شد و تصور کرد که هر چه قدیمی است دور انداختنی است و هر چه نو است پذیرفتنی است. فرهنگ ایران همراه با یک سلسله سنت های عمیق ملی و باستانی در تمام طول تاریخ مظهر اصلی و حافظ واقعی استقلال و تمامیت ایران بوده است و اینک بر فرزندان ایران و نسل حاضر است که در حفظ آن بکوشند. فرهنگ ایران از هر زندگی غنی تر و نیرومند تر است زیرا در این سرزمین و برای مردم این سرزمین خلق شده و در طول دو هزار و پانصد سال شاهنشاهی ایران رو به کمال و غنا رفته و بارور و عمیق و پر اثر گشته است. از صمیم قلب امیدوارم که شما برای میهن خود - شاهنشاه خود و هموطنان خود فرزندان شایسته باشید.

مصاحبه با دانشمندان آمریکایی

مصاحبه با دانشمندان آمریکایی

مقدمه

چهار دانشمند علوم فضایی دانشگاه کالیفرنیا U.C.L.A. که از جمله ۱۵۰ دانشمند منتخب ناسا هستند نمونه‌های ماه را در آزمایشگاه‌های خود مطالعه می‌کنند، این گروه عبارتند از:

۱- پروفیسور ژرژ وتریل رئیس سازمان علوم فضایی دانشگاه کالیفرنیا.

۲- پروفیسور واسن

۳- پروفیسور اسکف

۴- پروفیسور کاپلان

که آزمایشهای خود را بر روی نمونه‌های آپولوی ۱۱ تمام کردند و نتایج حاصله را در کنفرانس مربوط به آپولوی ۱۱ در ماه ژانویه گذشته در هوستون ارائه دادند.

اطلاعات مهم این مصاحبه

مشکل‌ترین مسئله در مطالعه نمونه‌های ماه کمی نمونه‌هاست و در آزمایشگاه‌ها دقت مخصوصی می‌شود که حتی نفس و رطوبت بدن دانشمندان بر روی این نمونه‌ها اثر نگذارد.

نمونه‌های ماه بسیار قیمت است، چه برای پی بردن به اسرار زمین باید اطلاعاتی از سیارات دیگر داشته باشیم. عمر متوسط سنگهای ماه در حدود ۴۰۷ میلیون سال است.

ماه تقریباً جسمی سرد و مرده و غیرفعال است.

مطالعات بر روی نمونه‌های ماه تابحال نشان می‌دهد که زندگی حتی بصورت خیلی ساده و اولیه، در ماه وجود نداشته است.

بعد از تحقیقات دانشمندان دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس بر روی نمونه‌های ماه سه تا از تئوریهای مهم پیدا شدن ماه خود را از دست می‌دهد.

حقیقت، اینکه نمونه‌های ماه از لحاظ شیمیایی با نمونه‌های زمین کاملاً اختلاف دارند.

بعضی از فرو رفتگی‌های ماه در اثر برخورد سنگهای عظیم آسمانی با سطح ماه پدید آمده است.

بعضی از این سنگها از (کومت) ها و بعضی از (آستروئید) ها می‌آیند.

(آستروئید) ها خرد شده سیاره‌یی هستند که با یک (کومت) تصادف کرده و بین کره مریخ و زحل بدور خورشید می‌گردند و تعداد آنها به میلیونها می‌رسد.

زندگی اگر در مریخ وجود داشته باشد بصورت «ساده و اولیه» است، بهر صورت امکان وجود زندگی در مریخ هست.

زندگی بر روی زمین تقریباً از ۳۰۵ میلیون سال قبل پدید آمده است و اولین سلول زنده در آن وقت در اثر یک «فعل و انفعال شیمیایی» تشکیل شده و کم‌کم تکامل یافته است.

بیوگرافی دانشمندان

۱- دکتر ایزاک کاپلان

در سال ۱۹۲۹ در دهکده کوچک (بارانوویتس) کشور لهستان متولد شد. تحصیلات دبیرستانی خود را در لهستان تمام کرد و بعد به دانشگاه کاتربوری در زلاند جدید رفت و فوق لیسانس خود را در رشته شیمی از آنجا گرفت. در سال ۱۹۵۷ به آمریکا آمد و درجه دکترای خود را در سال ۱۹۶۱ در رشته‌های باکتریولوژی زمین - شناسی از دانشگاه کالیفرنیا جنوبی دریافت کرد. بعد از آن برای یک سال و نیم در موسسه تکنولوژی کالیفرنیا تحقیقاتی کرد.

از سال ۱۹۶۵ تاکنون هم پرفیسور ژئوفیزیک و زمین شناس در دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس است. او در حال حاضر عضو موسسه ژئوفیزیک و فیزیک فضائی آمریکاست و در رشته‌هایی از قبیل اقیانوس شناسی

و ژئوشیمی ارکانیزم و ژئوشیمی ایزوتوپ‌ها تحقیقات وسیعی داشته است. دکتر کاپلان علاقه بسیار زیادی به آثار باستانی ایران و مخصوصاً علاقه زیادی به شهر اصفهان دارد.

جون واسون

در چهارم ژوئیه سال ۱۹۳۴ در شهر اسپرینگ گون ایالت آرکانزاس آمریکا بدنیا آمد. درجه لیسانس خود را در سال ۱۹۵۵ در رشته شیمی از دانشگاه آرکانزاس گرفت و در سال ۱۹۵۸ دکترای خود را در رشته شیمی هسته‌ای از M.I.T. دریافت کرد. بین سالهای ۵۹ - ۱۹۵۸ در آلمان تدریس کرد. در سالهای ۱۹۶۳ - ۱۹۵۹ در آزمایشگاه‌های نیروی هوایی کمبریج تحقیقاتی انجام داد. در سال بین ۶۴ - ۱۹۶۳ در دانشگاه برن سوئیس تدریس کرد.

او از سال ۱۹۶۴ تا بحال در اوکلا تدریس می‌کند و استادیار رشته‌های شیمی و ژئوفیزیک است. او هم عضو انستیتوی ژئوفیزیک و فیزیک سیاری آمریکاست. دکتر واسون در باره پیدا شدن منظومه شمسی تحقیقات وسیعی دارد و در حال حاضر هم در این مورد تحقیق می‌کند.

۳- دکتر ژرژ وتریل

در ۱۲ ماه اوت ۱۹۲۵ در شهر فیلادلفیا ایالت پنسیلوانیای آمریکا بدنیا آمد. تحصیلات عالی خود را در دانشگاه شیکاگو ادامه داد و در سال ۱۹۵۳ دکترای خود را در رشته فیزیک از دانشگاه شیکاگو دریافت کرد. بین ۶۰ - ۱۹۵۳ در موسسه کارنگی و واشینگتن تدریس و تحقیق کرد. او از سال ۱۹۶۰ تابحال پرفیسور زمین شناسی و ژئوفیزیک در U.C.L.A. است و از سال

۱۹۶۸ تابحال هم رئیس سازمان علوم فضایی و سیاره شناسی دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس می‌باشد. او در حال حاضر مشغول

تحقیق، در ایجاد تئوریه‌ها و فرموله‌هایی است که بتواند مآخذ و مدار سنگهای آسمان را بدقت تعیین کند.

۴- دکتر ویلیام اسکف

در ۲۷ سپتامبر ۱۹۴۱ در شهر اوربانا ایالت ایلینویس آمریکا بدنیا آمد. تحصیلات عالی خود را در دانشگاه هاروارد ادامه داد و در سال ۱۹۶۸ دکترای خود را در زیست شناسی از هاروارد گرفت. و از آن تاریخ تابحال در U.C.L.A. تدریس و تحقیق می‌کند و در حال حاضر استادیار رشته زمین شناسی است. او جوانترین دانشمندی است که با ناسا همکاری می‌کند. دکتر اسکف اولین فردی بود که ثابت کرد زندگی بیش از آنچه انتظار می‌رفت قدمت دارد و فسیلهایی از (باکتری‌ها) را تاریخ گذاری کرد که ۳۰۱ میلیون ساله هستند و بدین ترتیب ثابت کرد که زندگی در روی زمین از میلیونها سال قبل از تشکیل این فسیلها شروع شده است.

تلاش - آقایان دکترها از اینکه وقت گرانبهای خود را صرف جواب دادن به سؤالات من می‌کنید از طرف مجله تلاش تشکر می‌کنم.

سؤال اول من از پرفیسور کاپلان است. لطفاً توضیح بدهید که شما در نمونه‌های ماه چه یافتید؟

کاپلان - من بیشتر مسؤول یافتن کربن در این نمونه‌ها بوده‌ام و هستم و بادستگاههای بسیار دقیق آزمایشگاه توانستم مقدار بسیار کمی کربن در نمونه‌ها پیدا کنم و می‌خواستم ببینم که این کربن نتیجه بعضی از فعالیت های شیمیایی و فیزیکی بوده و یا در اثر جریانات حیاتی تولید شده است و آنطور که نتیجه گرفتم هیچگونه علایم زندگی در نمونه‌ها وجود ندارد.

تلاش - مشکل‌ترین قسمت مطالعه شما بر روی نمونه‌ها چه بوده است؟

کاپلان - مشکل‌ترین قسمت همان کمی نمونه‌هاست و باید بسیار بسیار دقت بخرج داد که حتی نفس و رطوبت بدن من و دیگران بر روی نمونه‌ها اثر نگذارد و چنانچه از این نمونه‌ها بیشتر در اختیار ما می‌گذاشتند کار ما بسیار آسان‌تر می‌شد.

تلاش - چرا فضانوردان از این نمونه‌ها بیشتر نمی‌آورند که شما هم مقدار کافی از آنها در اختیار داشته باشید؟

کاپلان - برای اینکه جای کافی ندارند که بیشتر حمل کنند و سفینه آنها طوری طرح شده که فقط همان مقدار معین از نمونه‌ها را می‌توانند با سفینه به زمین بیاورند.

تلاش - فرو رفتگی‌های ماه در اثر چه چیزهایی پدید آمده است؟

کاپلان - بعضی از این فرو رفتگی‌ها در اثر برخورد سنگهای عظیم آسمانی پدید آمده است.

تلاش - این سنگهای آسمانی از کجا

می آیند ؟
کاپلان - بعضی از این سنگها از (کومتها) می آیند و بعضی از کمر استروئیدی می آیند.
تلاش - لطفا راجع به این کمر بیشتر توضیح بدهید.

کاپلان - این کمر بین مریخ و زحل واقع شده و خرد شده های يك سیاره است که بایک کومت تصادم کرده و این کمر را بوجود آورده که شامل میلیونها قطعه سنگ بزرگ و کوچک (Asteroid) است و کوچکترین این استروئیدها سیاره ای است به قطر پانصد مایل (۵۰۰) و همه در مداراتی بی شمار بدور خورشید می گردند. بعضی از این سنگها در سال ۱۹۷۵ از مداری به فاصله ۱۴ میلیون مایلی زمین خواهند گذشت و در حال حاضر دانشمندان دانشگاه کالیفرنیا در سن دیاکو مشغول تحقیقاتی هستند که فضاوردان در آتیه بی خطر از این کمر بگذرند.

تلاش - وزن سنگهای آسمانی که بر روی زمین می افتند چقدر است و بزرگترین آنان کدام بوده است.

کاپلان - معمولا وزن آنها در حدود چند تن است و بزرگترین آنها که قبل از تاریخ به زمین افتاده باید میلیونها تن وزن داشته باشد.

تلاش - بنظر شما زندگی در کره مریخ وجود دارد ؟

کاپلان - امکان زندگی در مریخ وجود دارد و اگر نوعی زندگی در مریخ وجود داشته باشد بصورت خیلی «ساده و اولیه» است. در سال ۱۹۷۵ نازا دستگاهی در مریخ فرود خواهد آورد که آزمایش های لازم را در آنجا انجام می دهد و نتایج را به زمین مخابره خواهد کرد. این دستگاه قادر خواهد بود که درباره امکان زندگی و «آب و هوا» و غیره اطلاعات کافی به دانشمندان زمین مخابره کند.

دکتر اسکف

تلاش - آقای دکتر اسکف رشته تخصصی شما چیست و در چه قسمتی بیشتر مطالعه دارید ؟

اسکف - رشته من را باید زیست شناسی تکاملی خواند و من متخصص در شناختن فسیلهایی هستم که لااقل حدود سه بلیون از عمر آنها می گذرد.

تلاش - من فکر می کنم شما که ۲۹ سال دارید جوانترین دانشمندی باشید که با نازا همکاری می کنید .

اسکف - بله من هم همین را شنیده ام.
تلاش - شما اولین فردی هستید که ثابت کردید زندگی بیشتر از آنچه انتظار می رفت قدمت دارد لطفا درباره این موضوع توضیح بیشتری بدهید .

اسکف - تا ده سال پیش قدیم ترین فسیل شناخته شده ۶۰۰۰ میلیون ساله بود و در سال ۱۹۶۴ فسیلهایی تا ۱۰۹ بلیون سال تاریخ گذاری شد. من در سال ۱۹۶۶-۶۷ که در دانشگاه هاروارد برای درجه دکترا مطالعه و تحقیق می کردم فسیل باکتریایی را که از افریقای جنوبی بدست آمده بود تاریخ گذاری کردم و سن فسیلها ۳۰۱ بلیون سال بود و بدین وسیله ثابت کردم که زندگی قبل از این تاریخ شروع شده چون برای فسیل شدن هم سالهای زیادی وقت لازم است.

تلاش - بنظر شما قدمت انسان چقدر است ؟

اسکف - انسانی که شبیه ماها بوده در حدود ۳-۲ میلیون ساله است.
تلاش - آیا ممکن است انسانی را که

شبیه من و شما بوده از سیارات دیگر به زمین فرستاده باشند و ما از بقایای آنان باشیم . منظورم این است که دانشمندان سیاره ای دیدند که زمین برای زندگی مساعد است و «آدم و حوا» ی خودمان را به زمین فرستادند؟
اسکف - تا بحال هیچ شواهدی پیدا نکرده ایم که این را ثابت کند. من شخصا معتقد هستم که ما در اثر تکامل موجودات (انسانهای) دیگری به این شکل درآمده ایم.
تلاش - لطفا چند فسیل را که تا بحال تاریخ گذاری کرده اید با ذکر قدمت آنها نام ببرید.

اسکف - نوعی گیاه ۴۰۰ میلیون سال نوعی حلزون ۶۰۰ میلیون سال نوعی ماهی ۵۰۰ میلیون سال نوعی اسب ۶۰ میلیون سال
تلاش - نظر شما درباره پیداشدن زندگی در روی زمین چیست ؟

اسکف - من معتقد هستم که سلول زنده اولیه در اثر يك «فعل و انفعال شیمیایی» تولید شد و کم کم سلولهای دیگر از آن تولید شد و تکامل یافت و این پیدا شدن باید ۳۰۵ بلیون سال اتفاق افتاده باشد چون آن فسیلها همانطور که گفتم ۳۰۱ بلیون ساله بودند و حدود ۴ یا ۵ بلیون سال هم طول کشیده تا آن باکتری ها بصورت فسیل در بی آیند.

تلاش - مطالعات شما بر روی نمونه های ماه چه بود و چه یافتید ؟

اسکف - من با میکروسکپ الکترونیکی خودم نمونه ها را سی هزار (۳۰۰۰۰) مرتبه بزرگ کردم و دنبال یافتن فسیلهایی بودم که از چند بلیون سال قبل ممکن بود در سنگها نهفته باشد . اما عدم وجود این فسیلها نشان می دهد تا آنجا که ما می دانیم زندگی در ماه حتی بصورت خیلی «ساده و اولیه» هم تا بحال وجود نداشته است. البته کمی از علائم زندگی در نمونه ها یافتیم و آن در اثر آلوده شدن آن سنگها در حین حمل و نقل آنها بوده است.

دکتر واسون

تلاش - آقای دکتر واسون شما چه تحقیقاتی بر روی نمونه های ماه کردید ؟

واسون - من ۸ نمونه مختلف از سنگهای ماه را آزمایش کردم تا راجع به تکامل و مواد شیمیائی اولیه ماه اطلاعاتی دریافت کنم. چهار عنصر کمیاب از قبیل ایریدیوم، جرماتیوم، گلیوم و ایندیوم را دقیقا در نمونه ها اندازه گیری کردم. بطور کلی مقدار این عناصر در نمونه ها به مراتب کمتر از نمونه های مشابه سنگهای کره زمین است در حالیکه در سنگهای آسمانی این عناصر بیشتر یافت می شوند.

تلاش - سنگهای ماه را به چند گروه تقسیم کرده اید.

واسون - در سنگهای ماه توانسته ایم سه دسته بندی بکنیم:

(a) - دونوع سنگ Igneous یعنی سنگهایی که در اثر ذوب شدن قسمتهایی از ماه تشکیل شده است .

(b) - گرد روی سطح خارجی ماه که Moondust نام دارد .

(c) - نوعی سنگها که «Breccia»

نام دارد و از همان رده سنگهایی است که در اثر فشار تشکیل شده است . این فشار در اثر برخورد سنگهای عظیم آسمانی بر روی ماه تولید شده است .

سنگهای قسمت (b) و (c) دارای چهار نوع مواد مشکله مختلف هستند و ترتیب آنها از اینقرار است :

(۱)٪ از آنها سنگ آسمانی است . 20٪ از نوع سنگهای قسمتهای مرتفع ماه هست . بقیه یعنی 79٪ زدو نوع سنگ Igneous قسمت (a) - که در بالا ذکر شد - تشکیل یافته است .

تلاش - راجع به پیدا شدن ماه چه نتایجی حاصل شد ؟

واسون - اطلاعات فعلی اجازه نمی دهد

که راجع به پیدا شدن ماه دقیقا نتیجه گیری کرد. ولی حقیقت اینست که نمونه های ماه از لحاظ شیمیایی با نمونه های زمین کاملا اختلاف دارند و این تحقیق نظریه معروف را که می گویند: ماه زمانی قسمتی از زمین بوده و بعدها جدا شده ، تقریبا رد می کند.

دکتر وتریل

رئیس سازمان علوم فضائی

تلاش - دکتر شما که متخصص در تاریخ گذاری سنگها هستید در مورد کارتتان لطفا بیشتر توضیح بدهید.

وتریل - من مدت ۱۵ سال است که برای تعیین عمر سنگها متدهایی اختراع و ارائه کرده ام و هنوز هم روی این متدها کار میکنم (متد پرفسور لیبی و یا Radiocarbon Dating)

برای تعیین عمر اجسام آلی است و ما کربنوم برای ۵۰ هزار سال بسیار دقیق است در حالیکه در متد دکتر وتریل صحبت از میلیون بلیون سال است)

تلاش - این نمونه ها از جهت علمی چه ارزشی دارند ؟

وتریل - ارزش علمی این نمونه ها بسیار بالاست و برای پی بردن به اسرار زمین باید اطلاعاتی از سیارات دیگر داشته باشیم.

تلاش - مطالعات شما بر روی این نمونه ها چی است ؟

وتریل - مطالعات من بر روی این نمونه ها که به دانشگاه کالیفرنیا آورده شد (۱۵ گرم خاک کره ماه و ۸ قطعه سنگ ۱ تا ۱۰ گرمی) نشان می دهد که سن متوسط سنگها در حدود ۴۰۷ بلیون سال است که تقریبا برابر با سن کره زمین است و ماه جسم غیر فعال و تقریبا سرد و مرده است.

ودلانی وجود دارد که ماه يك بلیون سال بعد از تشکیل مواد پوششی سطحش فعال بوده و نمونه های آپولوی ۱۲ نشان می دهد که بعضی از سنگهای ماه حتی يك بلیون سال بعد از آن تولید شده است.

تلاش - مطالعات شما چه اثراتی بر روی تئوریهای پیدا شدن ماه گذاشته است؟

وتریل - بعد از مطالعات بر روی نمونه ها هنوز سه تا از تئوریهای مهم پیدا شدن ماه از نظر ما قانع کننده نیست.

تلاش - این سه تئوری چه می گویند ؟
وتریل - این تئوریها می گویند:

۱- ماه مستقلا و هم زمان با زمین در منظومه شمسی پدید آمد.

۲- در زمانهای اولیه پیدا شدن زمین چون زمین بسرعت بدور خودش می چرخید کره ماه که قسمتی از زمین بود از زمین جدا گشت و مدار خودش را یافت.

۳- ماه در منظومه شمسی پدیدار گشت و بوسیله زمین گرفته شد. این باید چندصد میلیون سال بعد از پیدا شدن زمین و ماه اتفاق افتاده باشد.

ولی همه معتقد هستیم که ماه در منظومه ما تشکیل شده و برای قبول بعضی از تئوریه‌ها و جواب قطعی‌تر باید اطلاعات بسیار زیاد دیگر داشته باشیم که آپولوهای بعدی بما خواهند داد.

تلاش - بغیر از مطالعه بر روی این نمونه های ماه فعالیت‌های علمی دیگری دارید؟
وتریل - من مشغول ارائه تئوریه‌ها و فرموله‌هایی هستم در مکانیک فضایی که مسیر و مآخذ سنگهای آسمانی را بدقت تعیین کند.
تلاش - دانشمندان گرامی باز از اینکه وقت گرانبهای خود را در اختیار من گذاشتید متشکرم.

تهیه و تنظیم از ناصر یوم‌توبیان
فارغ التحصیل رشته مهندسی فیزیک
هسته‌یی دانشگاه کالیفرنیا لوس آنجلس

● در شهریور ماه جاری مرکز آمار ایران موفق شد نتایج آمارگیری نمونه‌ای کشاورزی کشور در سالهای ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ را که بعد از سرشماری نفوس کشور (۱۳۴۵) تاکنون تنها آمارگیری است که بروش علمی بمنظور برآورد مقدار تولید و سطح زیر کشت - محصولات مختلف کشاورزی انجام پذیرفته منتشر کند.

آمارگیری مزبور که بروش نمونه‌گیری دو مرحله‌ای متکی است تعداد ۲۵۹۲ آبادی نمونه را در کشور انتخاب کرده و از مناطق شهری نیز مقدار دو هزار بلوک نمونه انتخاب شده و مورد آمارگیری قرار گرفته است. نتایج حاصله از این آمارگیری تحولاتی را که بین سال ۱۳۳۹ (یعنوان سال پایه که در آن آمارگیری کشاورزی توسط اداره کل آمار عمومی در ۱۷۸۷ ده انجام پذیرفت) و سال ۱۳۴۷ روی داده بخوبی روشن می‌کند.

در فاصله سالهای مذکور اراضی زیر کشت سالانه از ۶ میلیون و ۳۶۵ هزار هکتار به ۷ میلیون و ۳۵۴ هزار هکتار فزونی یافته و عبارت دیگر ۹۸۹ هزار هکتار بر اراضی مذکور اضافه شده است. نکته قابل توجه افزایش تولید محصولات مورد مصرف صنعتی است.

مرکز آمار ایران اینک دست در کار انتشار نتایج آمارهای کشاورزی سال ۱۳۴۸ است و مقدمات لازم برای آمارگیری وسیع و دقیق کشاورزی در سال ۱۳۵۰ را آماده می‌کند. * با کشف دو معدن بزرگ سنگ آهن، ایران بزرگترین تولید کننده سنگ آهن بشمار می‌رود. در معادن جدید امکان ۵۰۰ میلیون دلار سرمایه گذاری وجود دارد و علاوه معادن مذکور سیصد میلیون تن سنگ آهن ذخیره دارند.

بر اساس طرحی که از جانب بخش خصوصی وزارت اقتصاد تسلیم شده برای بهره‌برداری از دو معدن بزرگ سنگ آهن «تنگ‌زاغ» و «گل گوهر»

ایجاد مدیریت صحیح

جشن آغاز سال جدید تحصیلی دانشگاه تهران

عصر روز اول مهر در پیشگاه شاهنشاه و شهبانو آئین جشن آغاز سال تحصیلی ۴۹ - ۵۰ دانشگاه تهران در تالار فردوسی دانشکده ادبیات این دانشگاه برگزار شد.

شاهنشاه و شهبانو پس از عبور از برابر صف قهرمانان ورزشی دانشگاه از میان استادان دانشگاه که لباس استادی بر تن داشتند گذشتند و بسا ختمان دانشکده ادبیات قدم نهادند.

در اینجا غرفه سازمان انتشارات و چاپ دانشگاه مورد بازدید قرار گرفت. این غرفه حاوی نمونه‌هایی از انتشارات سال تحصیلی ۴۸ - ۴۹ و نمودار فعالیت‌های دانشگاه و مخصوصاً آمار فارغ التحصیلان دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران و تعداد بورسهای تحصیلی و کمک‌های اهدائی صاحبان صنایع بدانشگاه تهران بود و در هر قسمت از جانب رئیس دانشگاه تهران توضیحات لازم بعرض رسید. اعلیحضرت آنگاه لباس استادی دانشگاه تهران را بر تن کردند و به تالار فردوسی تشریف فرما شدند. در سرسرای ساختمان دانشکده ادبیات صاحبان صنایع و اشخاص خبری که بورسهای تحصیلی و کمک‌هایی در اختیار دانشگاه تهران قرار داده‌اند معرفی شدند و شاهنشاه از صاحبان صنایع در مورد میزان تولید صنایع آنها پرسشهایی کردند.

اعلیحضرت آنگاه در میان کف زندهای شدید شخصیت‌های مملکتی - رؤسای دانشگاهها - استادان و دانشجویان بتالار فردوسی قدم نهادند. پس از نواخته شدن سلام شاهنشاهی و سرود دانشگاه آقای عالیخانی رئیس دانشگاه تهران درباره فعالیت‌های یکساله و برنامه‌های آینده دانشگاه تهران گزارشی داد. وی اظهار داشت: سالی که بسر دانشگاه تهران گذشت همراه کوششهای تازه‌ای برای پیشبرد مقاصد انقلاب آموزشی و هدف‌ها و برنامه‌های خاصی بود. نخستین هدف تحولات کنونی دانشگاه ایجاد مدیریت صحیح و تجدید نظر در سازمان دانشگاه بوده است.

در این راه مشکلات بسیاری وجود داشت که مهمترین آنها نبودن روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت متمرکز بود هم اکنون با تجهیز و نوسازی واحد‌های کارگزینی - حسابداری و خدمات آموزشی و استفاده از ماشینهای محاسبه الکترونیک اطلاعات مورد لزوم در نظام مدیریت صحیح جمع-

آوری میشود تا بتوان با استفاده از نتایج حاصل تصمیمات اصولی و منطقی اتخاذ کرد و تحرکی را که لازمه یک واحد آموزش عالی است بوجود آورد.

رئیس دانشگاه تهران پس از اشاره به سایر اقدامات انجام شده به رشته‌های مختلف فوق لیسانس دانشگاه اشاره کرد و اظهار داشت: هم‌اکنون دانشگاه تهران دارای ۶۲ رشته فوق لیسانس است و در نظر است که در سالهای آینده با توجه به نیاز کشور دو رشته فوق لیسانس جدید در دانشکده بهداشت - دو رشته در دانشکده فنی - یک رشته در دانشکده داروسازی و یک رشته در دانشکده علوم تربیتی بوجود آید.

رئیس دانشگاه تهران آنگاه به اعطای بورس‌های تحصیلی بدانشجویان و تهیه کار برای آنان اشاره کرد و گفت که با همکاری نخست وزیری و سازمانهای مختلف دولتی در سال گذشته دو هزار و هفتصد و شصت و سه دانشجوی دانشگاه تهران مشغول کار شدند. همچنین چهارصد بورس تحصیلی از طرف صاحبان صنایع در اختیار دانشگاه تهران قرار گرفت و باین ترتیب تعداد بورسهای بخش خصوصی و مؤسسات خیریه خصوصی به ۵۱۹ بورس رسید.

رئیس دانشگاه تهران در پایان گزارش خود بتعداد دانشجویان سال جدید تحصیلی و فارغ التحصیلان سال تحصیلی گذشته اشاره کرد و بعرض رسانید در سالیکه از امروز آغاز میشود هفده هزار و سی و یک دانشجو در دانشگاه تهران ثبت نام کرده‌اند از این عده سه هزار و چهارصد و پنجاه و پنج نفر از افرادی هستند که در امتحانات ورودی در دانشگاه تهران پذیرفته شده‌اند.

در سال تحصیلی گذشته جمعا دو هزار و ششصد دانشجو از رشته‌های مختلف دانشگاه تهران فارغ التحصیل شدند. از این عده ۳۶۱ نفر در رشته‌های پزشکی بهداشت و داروسازی - ۴۵۳ نفر در رشته‌های فنی - معماری و علوم - ۲۹۰ نفر در رشته‌های کشاورزی - جنگلداری و دامپزشکی ۶۲۰ نفر در رشته‌های اقتصاد - حقوق و علوم اداری و مدیریت و مطالعات بین‌المللی - ۸۸۶ نفر در رشته‌های ادبیات و علوم انسانی - الهیات و معارف اسلامی و علوم تربیتی به دریافت درجات دانشگاهی نایل شدند.

پس از پایان گزارش دانشگاه تهران دوشیزه مهین شمسی‌زاد فارغ التحصیل رتبه اول دانشکده پزشکی دانشگاه تهران خطابه‌ای خواند. بعد چند برنامه موسیقی اجرا شد.

جشن هنر شیراز

ده روز دور شیراز

۵ تا ۱۵ شهریور ۴۹
سفرنامه چهارمین جشن هنر شیراز

● شرح روزهای چهارمین جشن هنر شیراز هنگامی در تلاش چاپ میشود که از لحاظ خبری و شرح و تفسیر، خوانندگان ما در نشریات دیگر آنچه را که باید، احتمالاً خوانده‌اند و اطلاعاتی درباره جشن هنر بنست آورده در مسیر آن قرار گرفته‌اند. بدین مناسبت نگارنده با توجه باین موضوع بهتر دید با مرور خلاصه‌تری در برنامه های جشن، بیشتر بخواهی و گفت و شنود با افرادی که در جشن حضور داشتند بپردازد. در این سفرنامه اظهار نظرهایی از دیگران چاپ شده است و آنچه مستقیم اظهار نظر گردیده نظر شخصی نگارنده است.

یکی از سخت ترین کارها و مصائب زندگی برای نگارنده صبح زود بیدار شدن است. ساعت ۷ صبح پنجشنبه پنجم شهریور قرار بود گروه ما در فرودگاه حاضر باشد و این کاری بود بسیار دشوار. بهر تقدیر بموقع خود را رساندم. همه آمده بودند و ساعت نه ونیم هوایمای چهار موتور که برای بردن يك گروه از میهمانان جشن هنر اختصاص داشت از فرودگاه مهرآباد پرواز کرد.

مراسم گشایش

پرواز و آغاز سفر، بغیر و سلامت گذشت. محل اقامت در میهمانسرای شیراز بود و نخستین برنامه جشن و مراسم افتتاح در پیشگاه علیاحضرت شهبانو، اجرای نمایش ویس و رامین برداشت آزاد از منظومه ویس و رامین بود که در هوای آزاد و در تخت جمشید اجرا گردید. صحنه جالب و ارائه

زیباترین مد ها در تخت جمشید ۲۵۰۰ ساله دیدنی بود. با تشریف فرمائی علیاحضرت شهبانو نمایش ویس و رامین آغاز گشت. عموماً حوصله و تحمل بیایان رسیدن اولین برنامه جشن ده روزه را داشتند. این اول کار بود و در توانائی هر کس ...

اجرای این نمایشنامه جنجال و سر و صدائی بیش از همه برنامه های فستیوال داشت.

در میز گرد های متعدد تاتر حملات شدیدی باین پیس و اجرای آن شد که شاید در فرصت های مناسب نقل گردد. نمایشنامه برداشتی است از يك منظومه کلاسیك قدیمی توسط خانم مهین جانینگلو (تجدد) ... نویسنده در باره این برداشت چنین میگوید:

«من ویس و رامین را بر اساس منظومه‌یی بهمین نام اثر فخرالدین اسعد گرگانی باز سازی کردم و این فخرالدین اسعد گرگانی خود در قرن پنجم هجری، ویس و رامین را بر بنیادیک متن پهلوی که یافته بود بنا نهاد.

شاید زمان و دگرگونیهای زمانه است که باز آخرین اثر را طلب می‌کند. در قرن پنجم هجری، دیگر همگان زبان پهلوی نمی دانستند و اینک، زبان چنان عشقی که فخرالدین از آن سخن میراند، زبان مردمان زمانه نیست. مسائلی که مطالب دوام و ماندگاری هستند همچون نبرد میان نیکی و بدی - در ویس و رامین نو، بر جای مانده است. اما روال داستانگوئی شاعر را دنبال نکرده‌ام.

بر فراز، سنت ها، آئین ها و آداب را نگه داشته‌ام، مانند سوگند خوران، پیمان بستن و از آتش آزمون گذشتن، شاید به این دلیل که هنوز انسان امروز، به چنین آئین ها و سنت ها نیازمند است: به نگهبانی عهد خویش و پاسداری سوگند ... من بقمه امان نداده‌ام تا به شیرینی شربتی، مطبوع طبع آسان طلبان باشد.

و گرما گرم ماجرا ها، بینندگان را دنبال خود کنند و فرصتی برای تفکر بر جای نگذارد. افسانه‌یی را افسانه‌وش بیان نکرده‌ام تما جذابیته محدود و گذرا داشته باشد و نیز يك قصه‌ی عاشقانه‌ی خالص ساخته‌ام. یعنی تلاطم این بوده است که چنین و چنان نکنم. پیروز بوده‌ام یانه، مسأله‌ای دیگر است...»

و در پایان خانم تجدد میگوید:

«این ویس و رامین نیز همچون بسیاری آثار دیگر، يك تجربه است. اگر خود نتواند به مرزی قابل قبول دست یابد، دست کم سنگیت کوچک در بنائی که از مجموع تجربه‌ها ساخته خواهد شد.»

این نمایشنامه را آربی اوانسیان کارگردانی کرده و

غزاله ایراندوست - فرخنده باور - شمس فضل‌اللهی - عباس معیری (شاه موبد) - ژیا رحنا (شهره) - مهستی افشار (ویس) - مرتضی عقیلی - شهرور رامتین - پرویز پورحسینی و بهرام وطن پرست در آن نقش بازی کردند.

● مشکل قابل توجه در تهیه این نمایشنامه دو مورد بود که مقدار زیادی از جنجال ها از آن سرچشمه می‌گرفت.

عوض شدن صحنه‌ها و وجود دو زمان مختلف بخصوص نقش های «ویس» و «گل» برای تماشاگران که شاید عده‌ای عادت به طی زمان معمولی داشتند در اول ناراحت کننده مینمود. و اما مورد مهم و اساسی نقشی است که خانم تجدد برداشت کننده پیس موجب اصلی آن بوده است.

آنچه مسلم است ایشان با این تصور که عموم مردم اصل منظومه ویس و رامین را خوانده و کاملاً به نکات و زیر و بم آن آشنا هستند این نمایشنامه را تهیه کرده است و این اصل مشکل بزرگی بود که تماشاچی را در برابر آن قرار میداد. تماشاگری که ویس و رامین اصلی را نخوانده و ابتدا بساکن، برای تماشای این نمایشنامه می‌رود مسلماً تهیه نمایشنامه باین وجه برایش کاملاً روشن و جالب نمی‌نماید.

يك اشاره كوچك این گفته و اعتقاد را شاید قانع کننده بسازد. در صحبتی که خود بخود و یکی از روز ها در سالن غلذخوری هتل محل اقامت با يك خانم و آقای توریست کمتر از میان سال داشتم کار به ویس و رامین کشید و این سوزهای بود که هر فرست درباره آن کشیده میشدم. این دو نفر متفقاً کار را خوب می دانستند و وقتی دلیل آنها را پرسیدم و عدم دانائی زبان فارسی را گفتم. اینطور جواب دادند: ما يك کار تاتری را بچهار قسمت می‌کنیم.

۱- دکور، تزئینات و لباس ۲- حرکات و بازی ۳- صدا و بالاخره چهارم زبان ...

در اینکار سه قسمت اول خوب بود و چون ما زبان نمیدانیم با صرف نظر از این قسمت کار خوب است. البته ممکن است که زبان برای این نمایشنامه و اجرای آن امتیاز بیاورد و یا از آن امتیاز بگیرد. این اظهار نظر دوتنفر است که زبان نمیدانند و اصل داستان برایشان مطرح نیست و نمیدانند که چه برداشتی از يك کار کلاسیك شده است.

بهر حال اولین برنامه جشن يك تحرك، بحث و جدال و جنجال را بدنبال کشید که تا آخر نیز ادامه داشت. موافق و مخالف با نشر و اجرای خوب یا بد آن ...

● در اولین روز جشن هنر علاوه بر نمایشنامه ویس و رامین که در تخت جمشید اجرا شد برنامه موسیقی

ایرانی نیز در حافظیه اجرا گردید. محیط پراحساس و شاعرانه حافظیه براستی برای اجرای این برنامه جالب و مناسب بود و انسان را در رویا فرو میبرد.

تزئین و نور مشعلها براستی با سلیقه و زیبا ترکیب شده بود. در نخستین شب در برنامه موسیقی سیمین غانم همراه با ارکستر مجد برنامه اجرا کرد با ژست، حالت می‌خواند او در تلویزیون نیز طرفداران بسیار دارد. شجریان آواز این برنامه را اجرا کرد ژست، حالت و قیافه او مثل خواننده رادیویی است.

چیزی که بیاد آمد مصرع دوم آخرین بیت غزل حافظ بود که سیمین غانم چنین خواند:

«که من او را زمحیان شما می‌بینم»

● دیگر برنامه این شب را برادران ملك اجرا کردند. حسین ملك سنتور، اسدالله ملك کمانچه به همراه ضرب ناصرافتتاح. یکی از برنامه‌های عالی و در خور تحسین در قسمت موسیقی ایرانی است که هیچکس فراموش نخواهد کرد. من در هر فرست که

با افراد مختلف صحبت کردم بخصوص خارجی های شرکت کننده در فستیوال، قبل از هر حرف و مطلبی در باره موسیقی ایرانی و کار برادران ملك صحبت می‌کردند. عمرت خان نوازنده مشهور سنتار که از هندوستان در فستیوال شرکت داشت می‌گفت: من آهنگهای ایرانی را وسیله نوار و صفحه شنیده بودم ولی هرگز نمیتوانستم تصور کنم که چنین اجرائی وسیله سنتور و کمانچه را در شیراز ببینم ... ژیل سانویه منقصد نشریه هنری - ادبی «کنز- لیتره» پاریس و ژاک لانگ استاد دانشکده حقوق نانی می‌گفتند موسیقی ایرانی را با لذت فراوان شنیدیم و برنامه ملك ها را هرگز فراموش نخواهیم کرد. کار ملك با کار موسیقی هندی که قبلاً با آن آشنائی داشتیم قابل مقایسه نیست. این موسیقی تا اعماق روح و احساس ما اثر گذاشت.

جمعه ششم:

● در جشن هنر شیراز هر روز دو سانس صبح و بعد از ظهر سینما گنجائیده بودند و این برنامه ها در سینما

آریانا اجرا می‌گردید. سینما آریانا را گلستانی اداره می‌کند. آغاز برنامه سینمائی فستیوال با فیلم هملت از ساخته های «تونی ریچاردسون» کارگردان انگلیسی بود. در تهیه هملت اثر شکسپیر تغییر محسوس در مفهوم و محتوای کار وجود ندارد. ریچاردسون که از علاقمندان و پیروان شکسپیر است هیچگونه تغییر و یا نوگرانی در اینکار بوجود نیاورده و هملت را منطبق با اصل اثر بسینما کشانده است. تونی که کارگردان با سابقه‌ای در تاتر است بالاخره بسینما هم روی آورد و پس از کارهایی موفق و ناموفق آخرین اثر خود هملت را بروی پرده سینما آورد. در این فیلم «نیکول ویلیامسون» در نقشی هملت و «ماریان «فیث‌فول» بجای «اوفلیا» بازی میکنند.

سومین تاتر در فستیوال که بروی صحنه آمد «کلفتها» نوشته ژان ژنه به کارگردانی ویکتور گارسیا بود. ژان ژنه خالق این اثر در ۱۹ دسامبر ۱۹۹۰ در پاریس



صحنه‌ای از ویس و رامین

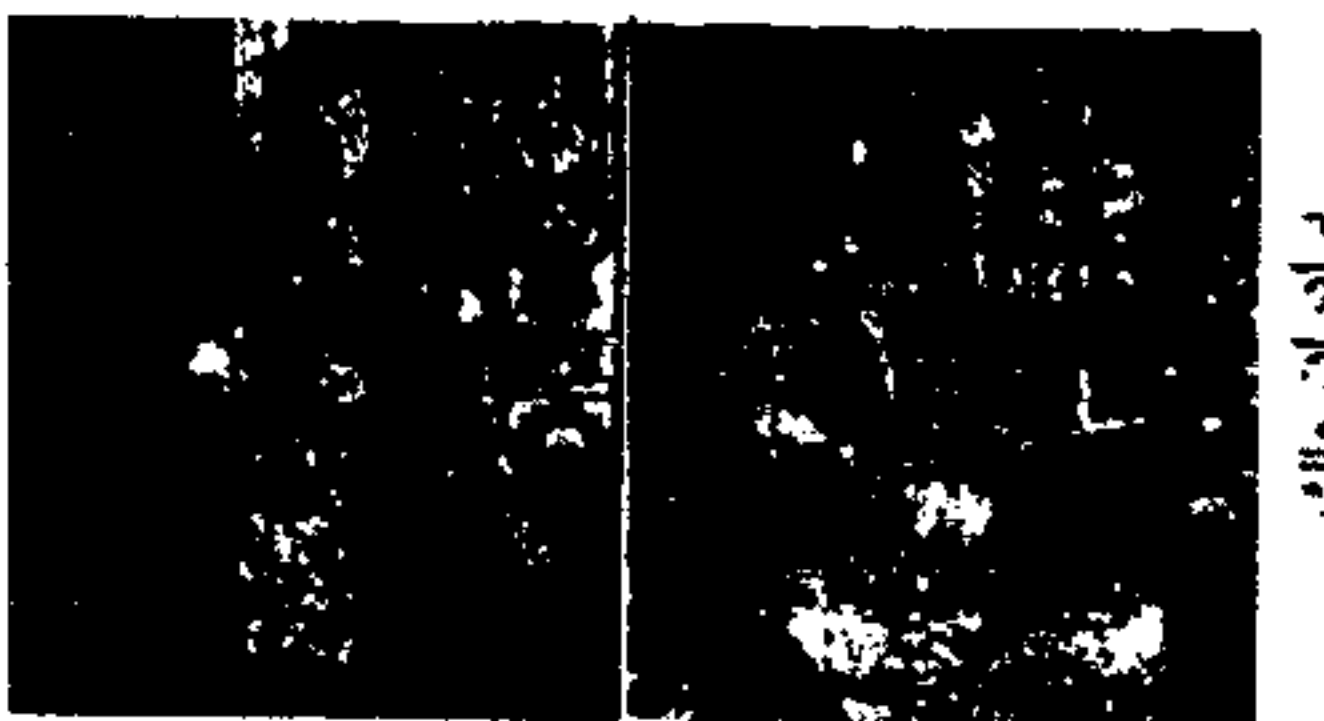
فرهاد مشکوة

بدنیا آمد . مادرش رهایش ساخت و او در يك خانواده دهاتی به فرزندی پذیرفته شد . او در کتاب یادداشت‌های روزانه نزدان مینویسد :

«من در موقع بخصوصی تصمیم نگرفتم دزد بشوم . تنبلی و خیالبافی سبب شد که به دارالتادیب روانه شوم که میبایست ۲۱ سال در آنجا زندگی کنم . از آنجا فرار کردم . در لژیون خارجی‌نام نوشتم ولی بعد از چند روز فرار کردم و چند چمدان متعلق به افسرهای سیاهپوست را با خود بردم . چند صیاحی یا دزدی زندگی کردم . بعد بدنیاالماجراهای بیشتر و بالاخره به همجنسبازی و آدم‌کشی کشیده شدم و ...»

ژان ژنه بدین ترتیب از آغاز زندگی خود سخن میگوید و بعد به نویسندگی میپردازد . او دومین نمایشنامه خود بنام کلفتها را در سال ۱۹۴۷ نوشت که بکارگردانی لوئی ژووه کارگردان بزرگ فرانسه که خوب شد بروی صحنه آمد ...

دو کلفت کلر و سولانژ در غیاب خانم خانه و در اتاق او هستند یکی از آنها (کلر) نقش خانم را بازی می‌کند و دیگری بجای کلر ... اینها صحبت‌ها و روابط



برادران ملک

بین خانم و کلفت را بیان می‌کنند و اجرای نمایشنامه در شیراز به خوبی انجام گرفت .

● برنامه موسیقی ایرانی را در دومین روز نوازان : بهاری گمانچه ، شهنواز تار ، تهرانی ضرب ، پایور سنتور اجرا کردند . همچنین عبدالوهاب شهیدی همراه باعود آهنگهای را خواند که میتوان از آن بنسوان یکی از بهترین برنامه های موسیقی ایرانی در حافظیه یاد کرد .

آهنگها و صدای شهیدی حتی خارجیاها را تحت تاثیر قرار داده بود . افسوس که ایرانی های شرکت کننده در برنامه ها اکثرا مراعات موقعیت و بسا سکوت را نمیکردند و بسا نجوای خود آرامش آنها را که میخواهند خوب بشنوند برهم میزدند و با بروشورهای جشن هنر خود را مرتباً باد میزدند . افسوس و صد افسوس ... !

شنبه هفتم :

● گروه نان و عروسک نمایشنامه آتش را در جشن هنر شیراز ارائه نمودند . هنرپیشگان این پیس با نقاب

بود ولی ما را راضی نکرد چون اصالت نداشت و اجرا - کنندگان برنامه ، آنها که غیر از ما بودند با همه وجود و احساس کار را ارائه ندادند . آنها يك بازیگر بودند . مردم میخواهند سنگال را ببینند او اضافه کرد : يك بار نمایشنامه‌ای را بازی کردیم که نقش غزال را «فانتا» در آن بازی کرد و مدال طلا گرفت ولی چون اجرای نمایشنامه و این برنامه فولکلور ما نبود دیگر ادامه ندادیم .

در باره آهنگها و رقص های آنها سؤال کردم ، عبدو گفت : کمپانیهای سفحسازی بخصوص فرانسویها از ریتها و آهنگهای ما استفاده کردند ولی ما معتقدیم که چیزی ساختگی است و اصالت ندارد . رقص های امریکائی هم از روی رقص های ما ساخته میشود ولی خوب درست نمی کنند .

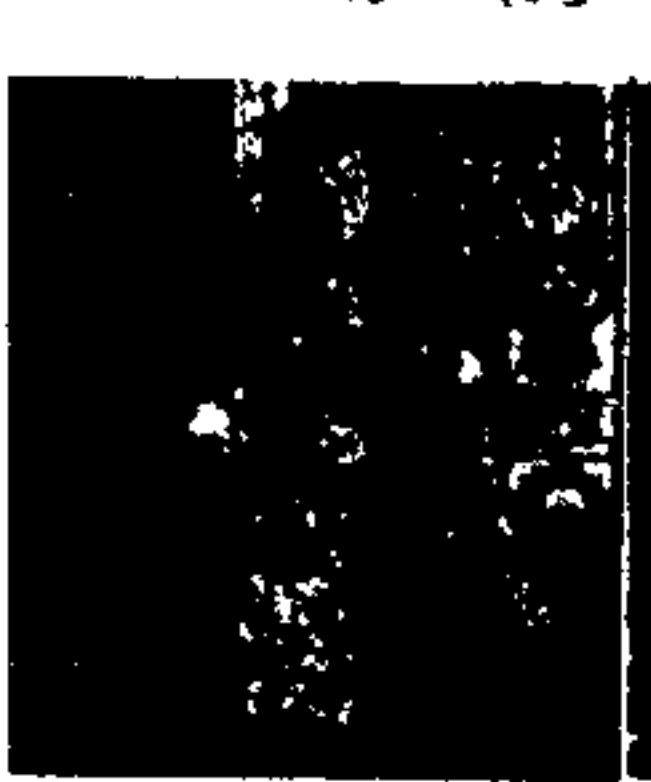
رقص های این گروه و نظایر آن همگی دارای داستان است که سینه بسینه نقل شده و حرکات و رقص ها نیز نسل به نسل منتقل شده است . مدیران و کارگردانان این گروهها به دهات و نقاط

همراه با چند عروسک که باندازه يك آدم هستند هنر - نمائی می‌کنند . پیتروشومان کارگردان این گروه درعین سادگی و ظرافت يك اثر آئینی در کار خود بوجود آورده است .

نانی که در نام گروه است جوین و ترش است و یکی از بازیکنان آنرا پاره می‌کند و به تماشاچی میدهد . در این روز یکی از شاهکار های برنامه فستیوال باله ملی سنگال (افریقا) در تأثر هوای آزاد نمایش داد .

«عبدو مامادیوف» کار - گردان گروه باله ملی سنگال صحبت‌های جالبی میکرد او می‌گفت : همه کوشش و سعی ما بر اینست که کار ما اصالت داشته باشد و برنامه های را مردم در جای دیگر نتوانند ببینند . کارهای ما متعلق بخود ما و فولکلور ما است ، او ادامه داد : ما با رقص بدنیا می‌آئیم . معلم نداریم و مانند همه عوالم و عواطف و مسایل زندگی رقص را هم می‌آموزیم بدون آنکه خواسته باشیم آنرا یاد بگیریم .

یکبار برنامه‌ای را همراه با عده‌ای امریکائی ارائه کردیم ، گرچه خوب و موفق



بود ولی ما را راضی نکرد چون اصالت نداشت و اجرا - کنندگان برنامه ، آنها که غیر از ما بودند با همه وجود و احساس کار را ارائه ندادند .

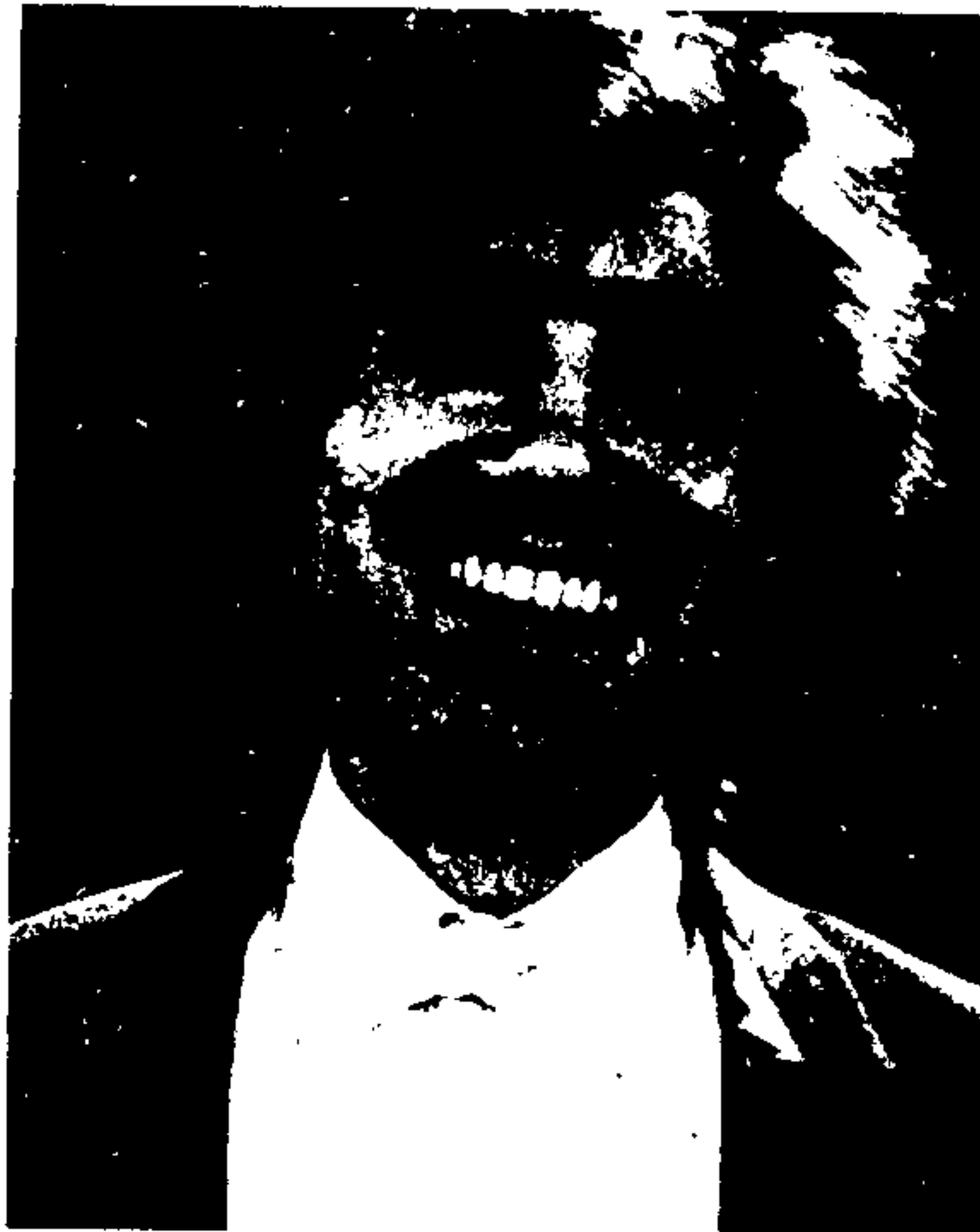
آنها يك بازیگر بودند . مردم میخواهند سنگال را ببینند او اضافه کرد : يك بار نمایشنامه‌ای را بازی کردیم که نقش غزال را «فانتا» در آن بازی کرد و مدال طلا گرفت ولی چون اجرای نمایشنامه و این برنامه فولکلور ما نبود دیگر ادامه ندادیم .

در باره آهنگها و رقص های آنها سؤال کردم ، عبدو گفت : کمپانیهای سفحسازی بخصوص فرانسویها از ریتها و آهنگهای ما استفاده کردند ولی ما معتقدیم که چیزی ساختگی است و اصالت ندارد . رقص های امریکائی هم از روی رقص های ما ساخته میشود ولی خوب درست نمی کنند .

رقص های این گروه و نظایر آن همگی دارای داستان است که سینه بسینه نقل شده و حرکات و رقص ها نیز نسل به نسل منتقل شده است . مدیران و کارگردانان این گروهها به دهات و نقاط

مختلف سفر می‌کنند و در هنگام اجرای مراسم آنهایی را که استعداد بیشتر دارند برای عضویت در گروه خود انتخاب می‌کنند .

مردم این سرزمین برای مراسم مختلف مثلاً عروسی ، ختنه کردن زایمان و ... رقص های مخصوصی دارند که از اعتقادات مذهبی و سنن ملی الهام می‌گیرند . خودشان



معتقدند که کار آنها بیشتر فولکلوریک است و کمتر کارگردانی دارد . اینها مشروب الکلی نمی‌خورند و گوشت نیز باید بطریق اسلام ذبح گردد . همه افراد گروه باله ملی سنگال مسلمان هستند . از ایشان سؤال کردم شما مسلمان هستید و زن مسلمان نباید لخت در مقابل غریبه ظاهر شود . جواب «عبدو» این بود که مذهب ما اسلام

معتقدند که کار آنها بیشتر فولکلوریک است و کمتر کارگردانی دارد . اینها مشروب الکلی نمی‌خورند و گوشت نیز باید بطریق اسلام ذبح گردد . همه افراد گروه باله ملی سنگال مسلمان هستند . از ایشان سؤال کردم شما مسلمان هستید و زن مسلمان نباید لخت در مقابل غریبه ظاهر شود . جواب «عبدو» این بود که مذهب ما اسلام

معتقدند که کار آنها بیشتر فولکلوریک است و کمتر کارگردانی دارد . اینها مشروب الکلی نمی‌خورند و گوشت نیز باید بطریق اسلام ذبح گردد . همه افراد گروه باله ملی سنگال مسلمان هستند . از ایشان سؤال کردم شما مسلمان هستید و زن مسلمان نباید لخت در مقابل غریبه ظاهر شود . جواب «عبدو» این بود که مذهب ما اسلام



راوی شانگار



بالاچاندر

ماتولونیان

است ولی بعضی شرایط و قوانین تابع زمان و مکان میگردد . دختران ما قبل از ازدواج آزادی دارند و اشکالی ندارد که لخت باشند ولی پس از ازدواج حتی قوزك پای آنها را هم مرد دیگری غیر از شوهر نباید ببیند .

● سیتار هند - شب سوم از برنامه فستیوال با برنامه استاد «عسرت خان» سیتار نواز هندی همراه با «طیله» استاد ولایت‌خان بیابان رسید . آهنگهای هندی که پاسپتار نواخته میشد هرچند آشنای گوش تماشاگران بود لکن به علت تکرار تکه‌ها و شباحت آنها در گوش مردم ما و همچنین عدم اطلاع از داستان

است ولی بعضی شرایط و قوانین تابع زمان و مکان میگردد . دختران ما قبل از ازدواج آزادی دارند و اشکالی ندارد که لخت باشند ولی پس از ازدواج حتی قوزك پای آنها را هم مرد دیگری غیر از شوهر نباید ببیند .

● سیتار هند - شب سوم از برنامه فستیوال با برنامه استاد «عسرت خان» سیتار نواز هندی همراه با «طیله» استاد ولایت‌خان بیابان رسید . آهنگهای هندی که پاسپتار نواخته میشد هرچند آشنای گوش تماشاگران بود لکن به علت تکرار تکه‌ها و شباحت آنها در گوش مردم ما و همچنین عدم اطلاع از داستان

دسته سیتار است که برای اجر. در پرده های ابتدای دسته وانتهای دسته باید بدن را بجلو و عقب کشید.

● در این سه روز در برنامه های چهارمین فستیوال نمایشنامه های «مردی که زنتش را کشت» بکارگردانی ابراهیم مکی - استریپ تیز اثر اسلام میر مروزک بکارگردانی محمد علی کشاورز، بوسیله تاتر گروه لایراتوار و سینال (سایو) اجرا گردید.

سابو داستان جماعتی است که چیزی را میبایند و دنبال نیم دیگر آن میگردند و این در يك لنگه کفش تجلی می یابد و آخر الامر پس از یافتن نیمه آن در میبایند که آنچه میخواهند نیست. اجرا منهای حرکات سریع و نرم بدن بازیکنها که بیشتر جنبه آکروباتی و کبار چند ژیمناست را داشت کار قابل ملاحظه ای نبود. مقداری فریاد و صداهای نامفهوم و ناهنجار توام با حرکات.

ژاک لانگ رئیس انستیتیوی تاتر دانشجویان نانی آنرا کاری پوچ حساب میآورد. سرپرست و کارگردان این

گروه که چند جوان حدود بیست سال بودند میگفت ما میخواهیم کار نو ارائه دهیم. بازیگر را آزاد بگذاریم که خلق کند.

● بخاطر آمد که در اینروز بدیدن فیلم «آرامش در کنار دیگران» فارسی ساخته ناصر تقوایی و بازیگری اکبر مشکین - ثریا قاسمی - لیلی بهاران - پرتو سیانلو - هوشنگ سیانلو - علی نراقی - منوچهر آشتی - هری مهرنیا - مسعود اسداللهی رفتیم ...

بازی اکبر مشکین نسبتا طبیعی بود و تماشاگر میتواند که بخوبی و راحت خود را راضی کند که چنین شخصیت و تپیی وجود دارد و مشکین خود اوست. بازی زن مشکین ثریا قاسمی بیش از حد نمایشگر غمگینی يك آدم در آن شرایط بود. او که با روسری و در حالت يك زن «امل» آمده بود (که این خود بعید است يك سرهنك که دخترانش آنچنان وضع و رفتاری دارند زن دومش باشد) ناگهان در جمع شرکت کنندگان دربارتی با آنان تفاهم و یک رنگی پیدا

کرد. موزیک زیاد از حد میخواست که موثر باشد و صحنه های بیمارستان مصنوعی مینمود.

یکشنبه هشتم

این روز با میز گرد «تاتر امروز ایران» در تالار دانشکده مهندسی آغاز گشت. مسأله ای که در این روز بحث گرفته شد فقط ویس و رامین بود که در يك طرف خانم تجدد و آقای اوانسیان و در طرف دیگر اکثریت و در صف مقدم مخالفان، دکتر براهنی و نویدی بودند. علاوه بر این مقداری مسایل خصوصی از جمله رد و قبول نمایشنامه ها در تلویزیون و علل و موجبات آن نیز مطرح گردید.

دو قطب مخالف وجود داشت یکی اینکه مسابقه و پشتوانه ای در کار درام نویسی و نمایشنامه نویسی نداریم و دیگر اینکه داریم.

● در هوای آزاد، برنامه چهارمین شب، آواز جمعی گروه استیپل سینگرز بود. این گروه یا خانواده که يك پدر و سه دختر سیاه پوست آمریکائی هستند از اجرا کنندگان آوازه های مذهبی میباشند. در بولتن جشن هنر این خانواده را از اصیل ترین و پراحساس ترین نوازندگان آهنگهای مذهبی میدانند. برنامه ای که چند شب اجرا کردند پراحساس، پر دنیا آمده و در نواختن «وینا» مهارت و استادی دارد.

تحرك و هیجان آور بود. تماشاگران با موزیک تند و جاز این گروه حرکت میکردند و حتی چند دختر که عنان و اختیار از دست داده سخت در آهنگ و هیجان فرو رفته بودند دیوانه وار میرقصیدند. جالب اینکه دوربین های تلویزیون نیز از صحنه روی گرداننده بتواند يك صحنه هیجان انگیز و غیر منتظره فارغ از برنامه صحنه بطرف جمعیت میرفتند ...

مردم سرزمین ما عموما چه آنها که در شیراز بودند و چه آنها که برنامه را در تهران دیدند آنرا پسندیدند ولی عده کمی از خارجی های مقیم ده روزه در شیراز اینها را گروه ضعیفی میدانستند. احتمالا این گروه خارج از اجرای آهنگهای مذهبی، سازگار با ذوق مردم آهنگهای تندجاس نیز اجرا کردند.

● در برنامه حافظیه «تران وان که» هنرمند ویتنامی و به قول بولتن جشن هنر یار قدیمی جشن هنر شیراز برنامه اجرا کرد. و بعد چند تن از نوازندگان موسیقی سنتی ایران چند آهنگ نواختند.

● در گیلودار جشن مسأله جالب و مهم شرکت آقای ژاک سویلوزیر روابط عمومی فرانسه در فستیوال بود که با علاقمندی برنامه را دیدن میکرد. وی «ستاره زرین تورسم بین المللی» را طی

مراسمی بحضور علیاحضرت شهبانوی ایران تقدیم کرد. بدین سبب که ایران برای همکاری با یونسکو و جلب تورسم و اشتراك مساعی فرهنگی و توریستی کوشش و تلاش مدام داشته است. هم چنین ایجاد خانه ایران در پاریس و شهرت یافتن جشن هنر شیراز در يك حد جهانی

دوشنبه نهم :

● میز گرد هر روزی جشن هنر درباره تاتر شرق و غرب، برنامه ثابت و جالب و مفید فستیوال، امروز و روز های دیگر ادامه یافت.

● برنامه دیگر و جالب، اجرا توسط سولیست های کر رادیو تلویزیون فرانسه برهبری مارسل کورو بود. آثاری از ژان پیر گرگ - فرانسیس پولنک - لوئی واپلو اجرا گردید.

در اینروز گذشته از برنامه های تکراری مانند تاتر گروه گروتوفسکی و باله ملی سنگال در حافظیه از ساعت ۲۱ بعد اختصاص بموسیقی هند داشت.

«بالاچاند» نوازنده «وینا» ساز سنتی و مشکل هندی آهنگ های جالبی را اجرا کرد. این نوازنده در سال ۱۹۷۷ ● در میز گرد تاتر شرق و غرب گروتوفسکی - پیتروک - نوری اسپرت (سر - پرست گروه نمایشی کلفتها) وعده ای از ایرانیها و خارجیها شرکت کردند.

گروتوفسکی در پاسخ تاتر چیست گفت: دومکتب نمایشی قبل از جنگ دوم جهانی در اروپا وجود داشت. و هر دو معتقد بودند از شرق الهام گرفته اند.

«آرتو» در فرانسه از تاتر «یالی» الهام میگرفت و بر تولد برشت در آلمان که به چین روی آورده بود. او بود که بیگانه سازی را بر تاتر کشاند.

من متقدم که کار برشت مشر ثمر بود و توانست تا حدی در پیشرفت کار تاتر اروپا موثر باشد.

کسانی هستند که ادعا دارند آرتو اشتباه میکرد و همچنین برشت. بهر حال اشتباه کردن اهمیتی ندارد. مسئله اینست که آنها کاری انجام دادند.

سهشنبه دهم :

بجز برنامه های تکراری در ساعت ۲۱ برنامه کسوارت جولیار را در تاتر هوای آزاد دیدیم.

این عنوانی است برای يك مرکز آموزش و ارائه موسیقی که توسط ویلیام شومان در سال ۱۹۴۶ تاسیس یافت.

این گروه از گروه های مشهور آمریکا است و در جشن هنر شیراز آثاری از لودویک فان بتهوون - آنتون وبرن - بلادبارتوک را اجرا کرد.

● قرار بود برنامه «بهاراتا ناتیم» از هندوستان در حافظیه اجرا گردد. این برنامه بتمویق افتاد و بجای آن هنرمندان

ایرانی منجمله برادران ملك باز هم باموفقیت برنامه اجرا کردند. فرهنگ شریف همراه با ارکستر و آواز محمودی خوانساری تار نواخت. آواز خوانساری دلنشین و استادانه بود.

نورالدین رضوی - نوشین ریاحی - مرجان نیز آواز خواندند که جای بحثی ندارد. ضعیف، بدون تسلط و بدون صدای خوانندگی. آنها را در تلویزیون دیده ایم، در حافظیه آنها را با این تفاوت دیدیم که بدون «ادیت»، حذف جمعیت برنامه زنده، و چندین مشکل دیگر نیز به همراه داشت. ● چهارشنبه یازدهم:

عصر اینروز، ارکستر مجلسی تلویزیون ملی ایران آثاری را برهبری توماس کریستیان داوید باموفقیت اجرا کرد.

● برنامه بهاراتا ناتیم در تاتر هوای آزاد اجرا شد.

برنامه جالب، سرگرم کننده و مردم پسندی بود. این رقص که رقصی است زنانه و سنتی. اجرای آن وسیله یببینی کرشنا مورتی یا زیبایی خاص هندی وی باقبال مردم روبرو گردید.

● فرصتی دست آمد و در کنار استخر مهمانسرای شیراز باژاک لانگ (رئیس فستیوال نانی - استاد دانشکده حقوق نانی و رئیس انجمن تاتر دانشجویان نانی) و «ژیل سانویه» روزنامه نویس و منتقد فرانسوی صحبت کنم:

لانگ میگفت: فستیوال خوبی است. انتخاب های اروپائی، بسیار جالب است ولی انتخاب آسیائی ندارد. او از گروتوفسکی - گروه نان و عروسک و اجرای کلفتها به تحسین یاد میکرد. از استیپل سنیگرز انتقاد میکرد و می گفت هیچ است. از فیلم گاو بسیار تعریف کرد و اجرای در انتظار گودو را تحسین نمود. او در باره سنگال، موسیقی ایران (برادران ملك

و عبدالوهاب شهیدی) وصف عالی را یاد کرد و در باره تیزیه مسلم گفت: هرگز چنین اجرائی ندیده بودم که بازیگران هیچوقت صحنه را ترك نکنند و اینطور راحت و ساده و مسلط اجرا کنند. او میگفت من از تیزیه مسلم در کارهای الهام خواهم گرفت. در باره سابو از گروه لایراتوار گفت قابل بحث نیست.

از او پرسیدم چه می کند و کارش چیست:

او در دانشکده حقوق درس میدهد و در ساعات فراغت به کار تاتر میپردازد. میان دانشجویان میگردد و استعداد های خوب را انتخاب می کند. او سال اولی بود که بایران میآمد. سفرش کوتاه بود و جائی را ندیده بود.

شیراز را پسندیده و از این سفر راضی بود.

ژیل سانویه میگفت: از تیزیه مسلم خوشم آمد. ساده و عادی و راحت بود. ولی عده ای از ایرانیها میگفتند این تیزیه نبود. نباید در آن کاری کرد که مردم بخندند. منم حس میکردم که در آن دستکاری شده و بندرت بعضی جاها مصنوعی است. موزیک آن خوب بود ولی بعضی وقتها به سیرک بازی تبدیل میشد. او معتقد بود که کار جالب و مهم فستیوال نان و عروسک - سنگال و موسیقی ایرانی

لانگ درباره شیراز گفت:

من کشورهای آسیائی را زیاد دیده ام ولی شیراز خیلی جالبست. بخصوص دو مسجد که در اینجا دیدم بسیار زیبا است و انسان احساس نمیکند که در يك محیط مذهبی است.

پنجشنبه دوازدهم :

● یازهم میز گرد تاتر معاصر و آئین، سینما، تاتر گروه نان و عروسک، همیشه شاهزاده و بالاخره کر رادیو



تلویزیون فرانسه پرهبری مارسل کورو در تخت جمشید... و در برنامه جنبی در انتظار گسودو بکارگردانی داود رشید. این نمایشنامه را در تهران روی صحنه واز تلویزیون دیده بودیم. در شیراز نیز باموقعیت و بخوبی اجرا شد.

● از برنامه های جنبی جشن که با موفقیت روبرو بود فالگوش را میتوان یاد کرد. شمر فالگوش ساخته منوچهر یکتائی نقاش و شاعر ایرانی است. یکتائی سعی کرده است کار شعر را به گفتگو و بحث نزدیک کند. پرویز صیاد اجرا و کارگردانی این برنامه را به عهده داشت.

● فرصتی دست داد تا با «کلود ساموئل» منفذ و نویسنده رادیو تلویزیون پاریس صحبت کنیم. او چهارمین سال بود که برای جشن هنر تهران میآمد. میگفت هر سال در همه موارد و شئون در ایران پیشرفتهای محسوسی حاصل شده است. درباره این فستیوال از جنبه نزدیک کردن و در کنار هم قرار دادن فرهنگ و هنر شرق و غرب کار را تحسین میکرد. برنامه هایی را که دیده بود از جمله باله ملی سنگال، کنسرت ها و موسیقی ایرانی بود که تعریف میکرد. همیشه شاهزاده کار گرو - توفسکی را در پاریس دیده و معتقد بود که کاریست درخور ستایش.

جمعه سیزدهم:

در این روز البته شب بدیدن موفق ترین برنامه ایرانی جشن «تمزیه مسلم» میرویم. زحمت بسیار کشیده اند و کاری عرضه شده است که بحق در حد تحسین... با آنکه زبان برای خارجی ها مفهوم نیست به قدری بازی و کار قوی ارائه

میکرد که آنرا قبول می کنند و تعریف. البته این درست شبیه باله ملی سنگال است که اجرای آن يك واقعیت از زندگی بازیگران است. این گروه حرفه ای از پدر به پسر و از پسر به پسر این شغل را آموخته اند. کارگردانی صیاد اگر ضعف دارد در یکی دو مورد است که مقداری طنز و شوخی وارد کار میشود و تماشاچی را بخنده در میآورند.

شنبه چهاردهم:

● برنامه ها را دیده ایم و فرصتی است که بمقداری گفت و شنود بپردازیم. افراد گوناگون و صاحبان نظر... و بعد برنامه حافظیه... موسیقی ایرانی، اجرای ضعیف خواننده ها بجز خوانساری و اجرای بسیار خوب و عالی نوازندگان.

● در این روز هنرمندان، کارکنان جشن هنر و نویسندگان و خبرنگاران و

منتقدان ایرانی و خارجی افتخار مییابند که در باغ ارم بحضور علیاحضرت شهبانوی ایران شرفیاب شوند.

علیاحضرت حدود ساعت ۹ بمداز ظهر بمیان مدعوین تشریف فرما میشوند و عموم حاضران معرفی میگردند. علیاحضرت از يك يك نفر اخور حال سؤال میفرمایند و در صف مطبوعات بیش از همه توقف فرمودند و درباره جشن هنر و پیشرفت آن سؤال فرمودند. و پس از شنیدن جوابها فرمودند: مسلما هر کاری در آغاز مشکلات و نواقصی دارد که باید برطرف شود. ما در اینجا هم نواقصی داریم که باید با تلاش مسئولان و انتقادات و راهنمایی های صحیح مطبوعات برطرف گردد.

یکشنبه پانزدهم:

پایان برنامه جشن هنر شیراز در حضور علیاحضرت شهبانوی ایران در تخت جمشید



بهارات ناتیم



گفت ها

سالروز

آغاز سی امین سال سلطنت شاهنشاه

ایران، روز چهارشنبه بیست و پنجم شهریور، سی امین سال سلطنت شاهنشاه را جشن گرفته و تلاشها و کوششها و فدای کارهای رهبر خود را در ۲۹ سال پرفراز و نشیب گذشته، برای تعالی ایران و سرافرازی ایرانی، گرامی داشت.

در این سالهای حساس و خطیر در میان امواج، بنیان برانداز سیاسی و اقتصادی جهانی، پیوسته يك تن بود که مستقیما هم مصائب و مشکلات را لمس میکرد، با همه آنها دست و پنجه نرم میکرد و يك لحظه سکان این کشتی توفان زده را از دست نپیداد تا سرانجام آنرا به ساحل نجات رساند.

شهری

متروی تهران را فرانسویها میسازند

● رئیس انجمن شهر پاریس که بتهران آمده بود روز ۲۴ شهریور در يك مصاحبه با خبرنگاران مطبوعات اعلام کرد که مذاکرات مربوط به ساختمان مترو در تهران، میان مقامات ایرانی و فرانسوی آخرین مراحل خود را طی میکند و وی نیز در دیدار با امیر عباس هویدا نخست وزیر و غلامرضا نیک پی، شهردار پایتخت در این زمینه مذاکراتی داشته است.

«دیوید دلفور» که پس از شرکت در جلسه فوق العاده انجمن شهر تهران که چند لحظه افتخار ریاست آن را بعهد گرفت با خبرنگاران سخن میگفت اظهار امیدواری کرد که این مذاکرات بزودی به نتیجه برسد و خاطر نشان ساخت که موضوع احداث مترو از مسائل مورد توجه پایتخت شمارت و مذاکراتی که انجام شده، در جهت تحقق و تسریع در این کار است.

نو شهر نمونه در کنار اهواز احداث میشود آقای سالور اسناندار خوزستان در آخرین جلسه انجمن شهر اهواز اعلام کرد که در دو طرف پل سوم اهواز دو شهر نمونه، مجهز بتمام وسایل ایجاد میشود. ایجاد دو شهر نمونه در دو طرف پل سوم اهواز بخاطر کثرت جمعیت و افزایش تاسیسات صنعتی اهواز امری ضروری است.

«فطه دوزی و شالبافی کرمان رو بزوال میرود»

● از صنایع دستی معروف کرمان علاوه بر قالیبافی و

برگزار گردید. اجرای سیتار و سینه «راوی شانکار» نوازنده مشهور هندوستان. این برنامه از ساعت ۸ تا ۱۰ شب در تخت جمشید اجرا شد و دوستان موسیقی هند را با پایان خوش فستیوال روانه شیراز و عده ای را روانه تهران نمود، از جمله نگارنده...

ش - الف - شهرام

وزیر خارجه ایتالیا در ایران

● «آلدومورو» وزیر خارجه ایتالیا که روز ۲۴ شهریورماه در راس يك هیئت ایتالیایی وارد تهران شده بود عصر روز ۲۵ شهریور با آقای امیر عباس هویدا ملاقات کرد و فردای آن روز مذاکرات خویش را با اردشیر زاهدی در کاخ وزارت خارجه دنبال نمود.

زاهدی و مورو ظهر روز ۲۵ شهریور به پیشگاه همايونی بار یافتند و پس از يك ساعت شرفیابی، مذاکرات هنگام صرف ناهار که در آن اعضای عالی رتبه هیئت همراه مورو و مقامات برجسته سیاسی و اقتصادی ایران افتخار حضور داشتند دنبال شد.

مورو و هیئت همراه او بامداد جمعه ۲۶ شهریور بدیدار از تهران پایان داده و برای دیدار از آثار تاریخی اصفهان و شیراز از تهران عزیمت کردند.

مهمانان ایتالیایی صبح شنبه از شیراز برای بازدید تاسیسات نفتی به جزیره لاوان عزیمت نمودند و پس از صرف ناهار در این جزیره رهپار آبادان شده پس از توقف کوتاهی مستقیما به رم عزیمت کردند.

صدراعظم افغانستان به حضور شاهنشاه شرفیاب شد

● «نور احمد خان اعتمادی» صدراعظم افغانستان روز ۲۶ شهریور پس از يك توقف ۱۶ ساعته و شرفیابی بحضور شاهنشاه و ملاقات با امیر عباس هویدا نخست وزیر از تهران عزیمت کرد.

«اعتمادی» که در رام باز گشت از سفر اروپا بکابل وارد تهران شده بود در فرودگاه مهر آباد با خبرنگاران مطبوعات تهران سخن گفت و از توسعه مناسبات دو کشور «دوست و همسایه و هم کیش» ایران و افغانستان یاد کرد. اعتمادی گفت در مذاکرات با مقامات ایران مسئله خاصی برای بحث و تبادل نظر وجود ندارد اما او از این فرصت برای بررسی مسائل مورد علاقه و مشترک ایران و افغانستان استفاده میکند.

آقای نورالدین اعتمادی صدراعظم افغانستان در کاخ سه آباد به حضور شاهنشاه شرفیاب شد و ناهار را در پیشگاه شاهنشاه صرف کرد.

یافت گلیم و جاجیم «فطه دوزی» و شالبافی رامیتوان نامبرد. صنعت فطه دوزی در سالهای اخیر اهمیت سابق خود را از دست داده و تدریجا رو بزوال گذاشته است. «فطه دوزی» يك نوع رو - کاری است باین ترتیب که رومیزی، پرده، بقچه، سوزنی و امثال آنرا که از شال ساده دستباف تهیه شده است بوسیله رنگ طراحی میکنند و سپس روی نقشها را با نخهای الوان و پشمی و کاموایی با دست میدوزند. فطه کرمان در گذشته بسیار ظریف دوخته میشد ولی امروزه علاوه بر اینکه آن ظرافت را ندارد نقشهایی هم که بکار برده میشود بر اثر تکرار زیبایی خود را از دست داده است. شالهای ترمه نیز کمابها در کرمان بافته میشد و معروفیت بسیار داشت دیگر بافته نمیشود ولی شالهایی با نقش محلی در کوهپایه و اغلب روستا های کرمان تهیه میگردد.

این شالها زمینه های نخودی، عنابی و سرمه ای دارد. دستگاههای بافندگی شال به صورت قدیمی و شبیه دستگاه های زری بافی و مخمل بافی کاشان است. تولید سالانه این شالها حدود ۵۰۰ طاقه است که خریدار داخلی چندانی ندارد و بیشتر آن به کشور های عربی خاور میانه صادر میشود.

«آرامگاه باباطاهر»

● از جمله کارهای خوب، احداث آرامگاههایی برای شاعرانیست که سالها قبرشان متروک بود و از جمله ساختمان آرامگاهی است برای باباطاهر شاعر شوریده و پر شور و حال ایران. این آرامگاه بطرز آبرومندانه ای ساخته شده و طرح و نقشه آن از مهندس سیحون آرشیکت معروف است که خصوصا برای آن طرح خاصی را در نظر گرفته است که شبیه «کلام ترکدار» درویشان است. جالب اینکه مزار بسیاری از درویشان و شاعران معاصر همدانی در محفل آرامگاه باباطاهر قسار دارد.

«گردونه خورشید»

● این یکی از سنگهای منقوشی است که در حفاری های معبد آناهیتا از زیر خاک کشف شد. نقش روی سنگ حکاکی شده است و مربوط است به یکی از علامتهای مذهبی قدیمی هند بنام گردونه خورشید یا «سواستیکا». علامت گردونه خورشید اکنون نیز در بسیاری از معابد قدیمی هند دیده میشود. به علاوه گفته شده که هیتلر به تقلید از علامت «سواستیکا» طرحی برای حزب نازی کشید که به صلیب شکسته معروف شد. آرم حزب نازی آلمان وارونه علامت گردونه خورشید بود.

نرخ خرید و فروش ارز در بانک ملی ایران

حد اقل	ریال	حد اکثر
۷۶۲۵۰	۷۶۲۵۰	۷۶۲۵۰
۱۸۱۶۲۴	۱۸۱۶۲۴	۱۸۱۶۲۴
۱۵۳۶۲۱	۱۵۳۶۲۱	۱۵۳۶۲۱
۱۷۷۲۱	۱۷۷۲۱	۱۷۷۲۱
نرخ مسکوت طلا و نقره	حد اقل ریال	حد اکثر ریال
۷۹۰	۷۹۰	۸۱۰
۴۰۰	۴۱۰	۴۱۰
۲۰۰	۲۱۰	۲۱۰
۲۱۰	۲۱۰	۲۱۰
۴۱۰	۴۱۰	۴۱۰
۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰
۸۳۰	۸۳۰	۸۴۰
۷۸۰	۷۸۰	۸۰۰
۴۵۱	۴۵۷	۴۵۷
۴۳۸۷	۴۴۲	۴۴۲
خشکبار کیلو		
۳۰	۳۳	۳۳
۳۵	۴۰	۴۰
۴۸۰	۵۰۰	۵۰۰
۶۰	۶۰	۶۰
۲۰۵۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰
گندم لرستان		
۱۴۵۰	۱۵۰۰	۱۵۰۰
۸	۸	۸
۴۵۰	۵۰۰	۵۰۰
آرد کیلو		
۶۷۰	۶۷۰	۶۷۰
۱۱	۱۱	۱۱
برنج کیلو		
۳۵	۳۸	۳۸
۳۱	۳۲	۳۲
۱۰۵۰	۱۲	۱۲
حبوبات کیلو		
۸	۱۰۵۰	۱۰۵۰
۳۳	۳۸	۳۸
۹۵۰	۱۱	۱۱
۱۰۵۰	۱۱	۱۱
۱۴	۱۶	۱۶
دانه های روغنی و بذرهای کشاورزی کیلو		
۱۴۵۰	۱۴۵۰	۱۴۵۰
۱۶	۱۶	۱۶
۲۴	۲۴	۲۴
۵۳۰۰	۵۳۰۰	۵۳۰۰
۱۶	۱۶	۱۶
۵۰	۶۰	۶۰
۱۱۵۰	۱۱۵۰	۱۱۵۰
روغن کیلو		
۳۵	۳۵	۳۵
۱۰۵	۱۰۵	۱۰۵
۲۲۰	۲۲۰	۲۲۰
بنیات کیلو		
۷۸	۸۵	۸۵
۱۴۰	۱۵۰	۱۵۰
گوشت کیلو		
۵۰	۵۰	۵۰
۵۰	۵۰	۵۰
۸۲	۸۲	۸۲
۶۳	۶۳	۶۳

سازمان چای کیلو

قالی متری

۹۴	۹۵	قالی مبارکی ذری	۲۲۰۰	۳۰۰۰
۱۱۵	۱۱۵	قالی تبریز	۲۳۰۰	۴۰۰۰
		قالی اردبیل	۱۵۰۰	۲۰۰۰
		قالی هریس	۱۹۰۰	۲۰۰۰
۲۳۳	۲۳۴	کلکی ریزبافت همدان	۴۰۰۰	۶۰۰۰
۲۵۵	۲۵۵	بافت اطراف قم تجارتی ذری	۳۰۰۰	۴۵۰۰
۲۵	۲۶	کپیبه قشقایی	۱۴۰۰	۱۷۵۰
۳۰۵	۳۰۵	خوجین جیبی	۵۰۰۰	۵۵۰۰
		ابریشم کاشان درجه یک	۲۵۰۰۰	۳۵۰۰۰
		قالیچه کاشان درجه یک جفتی	۵۰۰۰۰	۷۰۰۰۰
		قالی ۹۰ جفت کرمان	۸۰۰۰	۱۰۰۰۰
		قالی بافت مشهد درجه یک	۵۵۰۰	۷۰۰۰
۶۶	۶۷	متری		
۹۰۰	۹۸۰	قالیچه بلوچ درجه یک ایاقی	۳۵۰	۵۰۰
۹۵۰۰	۱۰۰۰	ظروف سفالی		
۱۰۰	۱۱۰	گلستان سفالی لعابی ساده از ۱۰	۵۰۰	
۲۰۰۰	۲۵۰۰	سرویس چایخوری لعابی ساده ۲۴ عدد	۲۴۰	
۱۴	۲۰	سرویس قهوه خوری لعابی ساده ۲۴ عدد	۱۲۰	
۴	۵	بشقاب سنگی تراش کاری شده از ۵۰	۱۲۰	
۳	۴	سرویس آبخوری ساده لعابی ۱۴۰		
۳۰	۳۵	سرویس غذاخوری لعابی ساده ۱۶۰۰		
۳۵	۴۰	آبازور لعابی ۲۰۰		
۴	۵	ظرف میوه ۱۵۰		
۱۰	۲۰	زیرسیگاری ساده ۱۰		
۴	۶	زیرسیگاری لعابی گلدار از ۱۵ تا ۴۰		
۴	۲۰	گل طبیعی شاخه ای		
		ارکیده یک شاخه	۱۰۰۰	۱۰۰۰
		گلایل	۱۵	۲۰
		گلستان حسن یوسف	۱۰	۵۰
		مینا	۱۵	۲۰
		رز شاخه ای	۴	۱۵
۱۳۰	۱۳۰	اندروین ۱۹۵۰ درصد لیتر		
۱۴۰	۱۴۰	ایلدین ۲۰ درصد لیتر		
۵۵	۵۵	د.د.ت. خالص		
مواد رنگی کیلو				
۳۲	۴۰	حنا		
۲۲	۲۸	رنگ		
۱۷۴۵۰	۱۷۴۵۰	نیل صندوق		
		کاغذ		
۲۷۵۰	۲۷۵۰	کاغذ تحریر ۵۰ گرمی		
		کاغذ دیواری متری		
۴۸	۴۸	کاغذ دیواری دوبل گل ۴۰		
		برجسته قابل شستشو		
پنبه کیلو				
۴۳	۴۳	کوکرس هندو ریت گرگان و ۴۳		
۴۲	۴۳	گنبد درجه ۱		
		پنبه خراسان درجه یک		
پشم کیلو				
۱۵۵	۱۷۰	پشم شسته خراسان صد درصد سفید		
۵۷	۶۰	پشم ناشر مشهد		
۱۸۰	۲۵۰	پشم مرینوس		
منوجات نخی و پشمی متر				
۴۳۰	۴۴۰	کارخانه مقدم		
۴۸۰	۴۸۰	فلانل		
		کانگا		
۴۰۰	۴۶۰	افشار		
۱۸۰۰	۱۸۰۰	فاستونی طرح دار		
		پتو صد درصد مرینوس قطعه		
		بهشهر		
۱۷۷۵	۱۷۷۵	چیت ۹۰		
۱۷	۱۷	کودری		
۱۷۵۰	۱۷۵۰	چلوار ۹۰		
		کاشان		
۴۰	۴۰	بوپلین گلدار		

کتابدار نمونه سال



خانم نسرین ظهیرنیا سرپرست کتابخانه کودک سین و آوار بنام کتابدار نمونه در ایران انتخاب شد و طی مراسمی در آخرین روز سمینار کتابداران ایران جایزه خوش را از سرکار خانم امیرارجمند مدیر عامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان دریافت نمودند.

شاخص کل تولید صنایع منتخب ۱۳۷۷ درصد نسبت به سال پیش افزایش یافت گزارش نتایج بررسی صنایع منتخب در سال ۱۳۴۸

۱- شامل ۴۴ رشته صنعت و در حدود ۵۰۰ کارگاه ۲- به استثنای صنایع برق، قند، چای و پنبه پالاکتی که ارقام لازم در دست نیست.

تشکیل سرمایه ثابت در سال ۱۳۴۸ مبلغ ۲۷۴۵۰۱ میلیون ریال برای خرید ماشین آلات، ابزار و وسائل کار و توسعه ساختمان در صنایع منتخب سرمایه گذاری

شده است. از کل مبلغ سرمایه گذاری شده در سال مذکور ۳۰۶ درصد مربوط به صنعت پتروشیمی، ۴۱۵ درصد مربوط به صنعت وسائط نقلیه و ۱۳۳ درصد مربوط

به صنعت ریسندگی و پارچه بافی بوده است (جدول شماره ۳).

مجله بانک مرکزی ایران

شاخص تولید شاخص کل تولید صنایع منتخب (۱) طی سال ۱۳۴۸ به رقم ۱۱۳۷ رسید و ۱۳۷۷ درصد نسبت به سال ۱۳۴۷ افزایش یافت (جدول شماره ۱). بدون منظور کردن صنعت برق افزایش شاخص تولید صنایع منتخب در سال ۱۳۴۸ نسبت به سال قبل از آن ۱۱ درصد است.

افزایش تولید در رشته های برق، وسائط نقلیه ریسندگی و پارچه بافی، سیمان و پتروشیمی عامل اصلی افزایش شاخص کل بود و حدود ۷۰ درصد از رشد شاخص مربوط به این فعالیت ها میباشد. سهم صنعت وسائط نقلیه در رشد شاخص کل صنایع منتخب به تنهایی ۲۱ درصد بوده است.

ارزش تولید ناخالص صنایع منتخب طی سال ۱۳۴۸ به قیمت جاری حدود ۹۰ میلیارد ریال بوده است. شاخص تولید صنایع منتخب در سه ماهه چهارم سال ۱۳۴۸ نسبت به دوره مشابه سال قبل ۱۵۳ درصد افزایش داشته است. بدون منظور نمودن صنعت برق رشد این شاخص طی سه ماهه مورد بحث نسبت به دوره مشابه سال قبل ۱۳۷ درصد بوده است.

شاخص کل اشتغال صنایع منتخب (۲) در سال ۱۳۴۸ به رقم ۱۰۵۴ رسید و ۵۴ درصد نسبت به سال ۱۳۴۷

افزایش یافت (جدول شماره ۲). ازدیاد تعداد کارکنان در صنایع وسائط نقلیه، ریسندگی و پارچه بافی و کفش ماشینی عامل اصلی رشد شاخص اشتغال میباشد بطوری که بیش از ۶۱ درصد از رشد شاخص کل اشتغال مربوط به صنایع نامبرده است. جمع کل کارکنان کارگاههای مورد بررسی صنایع منتخب در سال ۱۳۴۸ بالغ بر ۱۰۶۳۸۲ نفر بوده است.

شاخص مزد و حقوق شاخص کل مزد و حقوق پرداخت شده به کارکنان صنایع منتخب (۳) در سال ۱۳۴۸ با رقم ۱۱۳۱ معال ۱۳۷۷ درصد نسبت به سال ۱۳۴۷ افزایش یافت (جدول شماره ۳). در سال ۱۳۴۸ بیش از ۷۹۰۷۹ میلیون ریال به کارکنان کارگاههای مورد بررسی از صنایع منتخب مزد و حقوق پرداخت شده است که در حدود ۶۷ درصد از آن به کارکنان صنایع نساجی، دختانیات، وسائط نقلیه و سیمان اختصاص داشته است (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۱
ارقام شاخص تولید صنایع منتخب (۱۳۷۷-۱۰۰)

ردیف	نام صنعت	۱۳۴۷	۱۳۴۸	تغییر درصد نسبت به ۱۳۷۷
	شاخص کل تولید	۱۰۰/۰	۱۱۳/۷	+۱۳/۷
۱	فرآورده های شیمی پتروشیمی	۱۰۰/۰	۱۱۰/۸	+۱۰/۸
۲	روغن نباتی	۱۰۰/۰	۱۱۳/۵	+۱۳/۵
۳	لند	۱۰۰/۰	۱۰۰/۸	+۰/۸
۴	چای	۱۰۰/۰	۱۰۲/۵	+۲/۵
۵	مشروبات غیر الکلی	۱۰۰/۰	۱۱۱/۱	+۱۱/۱
۶	مشروبات غیر الکلی	۱۰۰/۰	۱۲۲/۱	+۲۲/۱
۷	دختانیات	۱۰۰/۰	۱۰۰/۱	+۰/۱
۸	ریسندگی و پارچه بافی	۱۰۰/۰	۱۰۶/۷	+۶/۷
۹	پنبه پالاکتی	۱۰۰/۰	۹۲/۰	-۷/۰
۱۰	پتروشیمی	۱۰۰/۰	۱۱۱/۱	+۱۱/۱
۱۱	کفش ماشینی	۱۰۰/۰	۱۰۷/۵	+۷/۵
۱۲	سایر صنایع (کود و مواد شیمیایی)	۱۰۰/۰	۲۷۸/۰	+۱۷۸/۰
۱۳	رنگ	۱۰۰/۰	۱۱۰/۸	+۱۰/۸
۱۴	دارو	۱۰۰/۰	۱۲۸/۹	+۲۸/۹
۱۵	لوازم آرایشی و سایرین	۱۰۰/۰	۱۰۰/۸	+۰/۸
۱۶	لاشیکه اتومبیل	۱۰۰/۰	۱۰۹/۸	+۹/۸
۱۷	شیشه جام	۱۰۰/۰	۱۲۴/۹	+۲۴/۹
۱۸	سیمان	۱۰۰/۰	۱۱۱/۱	+۱۱/۱
۱۹	پتروشیمی، آبگرمکن و اجاق گاز	۱۰۰/۰	۱۰۲/۹	+۲/۹
۲۰	رادیو و تلویزیون	۱۰۰/۰	۱۱۲/۴	+۱۲/۴
۲۱	پتروشیمی	۱۰۰/۰	۱۰۷/۹	+۷/۹
۲۲	پتروشیمی	۱۰۰/۰	۱۰۹/۲	+۹/۲
۲۳	برق	۱۰۰/۰	۱۲۴/۱	+۲۴/۱

جدول شماره ۲

تعداد کارکنان، مبلغ مزد و حقوق پرداخت شده و تشکیل سرمایه در کارگاههای مورد بررسی صنایع منتخب طی سال ۱۳۴۸

ردیف	نام صنعت	مزد و حقوق پرداخت شده در سال ۱۳۴۸ (میلیون ریال)	تعداد کارکنان در سال ۱۳۴۸ (میلیون ریال)	تشکیل سرمایه ثابت در سال ۱۳۴۸ (میلیون ریال)
۱	فرآورده های شیمی پتروشیمی	۱۰۷۸	۱۲۲/۹	۱۷/۸
۲	روغن نباتی	۳۷۹۹	۲۴۲/۲	۹۸/۳
۳	مشروبات الکلی	۱۱۹۹	۷۱/۷	۵/۰
۴	مشروبات غیر الکلی	۱۸۳۸	۱۲۲/۲	۲۶/۵
۵	دختانیات	۶۸۶۲	۹۶۵/۳	۱۲/۰
۶	ریسندگی و پارچه بافی	۵۷۱۹۰	۲۷۱۳/۱	۳۶۲/۷
۷	پتروشیمی	۱۰۵۰۲	۷۹/۱	۲۰/۰
۸	کفش ماشینی	۱۰۹۳۰	۱۹۱/۰	۵۶/۱
۹	سایر صنایع (کود و مواد شیمیایی)	۱۱۱۸	۲۴۱/۸	۸۳۲/۹
۱۰	رنگ	۹۲۹	۹۲/۹	۲۷/۰
۱۱	دارو	۱۲۹۹	۱۳۸/۱	۶۵/۷
۱۲	لوازم آرایشی و سایرین	۲۰۲۴	۱۱۸/۸	۳۹/۹
۱۳	لاشیکه اتومبیل	۱۲۰۹	۱۸۰/۹	۱۱۲/۰
۱۴	شیشه جام	۸۰۶	۹۹/۵	۶۷/۲
۱۵	سیمان	۳۷۱۰	۲۴۲/۳	۱۲۱/۰
۱۶	پتروشیمی، آبگرمکن و اجاق گاز	۲۰۹	۱۱۲/۹	۱۲۱/۱
۱۷	رادیو و تلویزیون	۱۰۲۲	۷۰/۱	۳۴/۲
۱۸	پتروشیمی	۵۱۳۱	۳۳۰/۱	۷۱/۲
۱۹	اتومبیل	۸۰۴۲۷	۶۱۱/۱	۵۸۱/۹
	جمع	۱۰۶۳۸۲	۷۰۷۹/۲	۲۷۲۵۰/۱

جدول شماره ۳

ارقام شاخص اشتغال و مزد و حقوق صنایع منتخب (۱۳۷۷-۱۰۰)

ردیف	نام صنعت	۱۳۴۷	۱۳۴۸	تغییر درصد نسبت به ۱۳۷۷
	شاخص کل اشتغال	۱۰۰/۰	۱۱۳/۷	+۱۳/۷
۱	فرآورده های شیمی پتروشیمی	۱۰۰/۰	۱۰۷/۹	+۷/۹
۲	روغن نباتی	۱۰۰/۰	۱۱۳/۵	+۱۳/۵
۳	مشروبات الکلی	۱۰۰/۰	۱۰۰/۸	+۰/۸
۴	مشروبات غیر الکلی	۱۰۰/۰	۱۰۱/۸	+۱/۸
۵	دختانیات	۱۰۰/۰	۹۹/۹	-۱/۱
۶	ریسندگی و پارچه بافی	۱۰۰/۰	۱۰۱/۱	+۱/۱
۷	پتروشیمی	۱۰۰/۰	۸۸/۴	-۱۱/۶
۸	کفش ماشینی	۱۰۰/۰	۱۱۵/۷	+۱۵/۷
۹	سایر صنایع (کود و مواد شیمیایی)	۱۰۰/۰	۱۲۰/۸	+۲۰/۸
۱۰	رنگ	۱۰۰/۰	۱۱۰/۸	+۱۰/۸
۱۱	دارو	۱۰۰/۰	۱۲۴/۹	+۲۴/۹
۱۲	لوازم آرایشی و سایرین	۱۰۰/۰	۱۱۱/۸	+۱۱/۸
۱۳	لاشیکه اتومبیل	۱۰۰/۰	۱۱۶/۹	+۱۶/۹
۱۴	شیشه جام	۱۰۰/۰	۱۱۳/۸	+۱۳/۸
۱۵	سیمان	۱۰۰/۰	۹۸/۷	-۱/۲
۱۶	پتروشیمی، آبگرمکن و اجاق گاز	۱۰۰/۰	۱۱۳/۲	+۱۳/۲
۱۷	رادیو و تلویزیون	۱۰۰/۰	۱۱۲/۴	+۱۲/۴
۱۸	پتروشیمی	۱۰۰/۰	۱۱۱/۲	+۱۱/۲
۱۹	اتومبیل	۱۰۰/۰	۱۲۴/۹	+۲۴/۹

۱- شامل کارگران، کارمندان، مدیران و سایر افرادی است که برای کارگاههای صنعتی کار میکنند و حقوق دریافت میدارند. ۲- شاخص اشتغال و مزد و حقوق برای صنایع برق، قند و پنبه پالاکتی به علت در دست نبودن ارقام حساب شده است.

جدول شماره ۴

مبلغار تولید بعضی از محصولات مهم صنایع منتخب در سالهای ۱۳۴۷-۴۸

ردیف	نام محصول	واحد	۱۳۴۷	۱۳۴۸	تغییر درصد نسبت به ۱۳۷۷
۱	اتومبیل سواری	دستگاه	۳۰۲۲۷	۲۸۸۲۹	+۲/۵
۲	میلیتوس و ماشین	دستگاه	۳۰۲۲۲	۱۷۸۹	-۱۷/۰
۳	اتومبیل	دستگاه	۱۸۱۲	۱۰۵۰	-۱۶/۴
۴	کامیون و وانت	دستگاه	۱۸۷۹	۲۷۸۹	+۱۸/۱
۵	پتروشیمی	دستگاه	۱۱۰۸۹۰	۱۷۶۱۰۱	+۲۵/۹
۶	انواع سیکات	میلیون عدد	۱۱۱۲۱	۱۱۳۸۹	-۲/۰
۷	توتون و تنباکو	تن	۵۰۸۰	۶۷۹۲	-۵/۹
۸	سیمان	هزار تن	۱۸۷۲	۲۱۳۸	+۱۶/۱
۹	قند و شکر از چغندر	هزار تن	۱۷۸	۱۹۸	+۱/۲
۱۰	قند و شکر از تنه شکر	هزار تن	۹۱	۱۰۹	+۱۲/۸
۱۱	پنبه تمهید شده	هزار تن	۱۶۱	۱۰۴	-۳/۴
۱۲	روغن نباتی	هزار تن	۱۴۲	۱۱۶	-۱۰/۹
۱۳	رنگ	تن	۱۱۳۳۹	۱۲۰۱۱	+۱۰/۷
۱۴	شیشه جام	هزار متر مربع	۲۰۱۸۲	۲۰۸۱۲	+۷/۸
۱۵	آبگرمکن	هزار دستگاه	۳۷	۱۹	+۲۴/۲
۱۶	پتروشیمی	هزار دستگاه	۷۴	۱۲۶	+۲۴/۲
۱۷	اجاق گاز	هزار دستگاه	۷۴	۱۷۰	+۱۲۸/۷
۱۸	کولر	هزار دستگاه	۵۶	۶۹	+۱۱/۲
۱۹	مشروبات الکلی	هزار بطر	۳۸۲۴۲	۱۵۷۵۴	+۱۹/۲
۲۰	مشروبات غیر الکلی	هزار بطر	۲۱۹۱۱۹	۲۰۱۷۲۸	+۱۶/۲
۲۱	برق	میلیون کیلووات ساعت	۲۰۸۰۸	۲۰۱۸۲	+۳۲/۱

۱- تغییر درصد ارقام تولید محصولات فوقاً به علت بکار رفتن ضرایب نسبت در محاسبات شاخص با ارقام شاخص تولید صنایع منتخب نیست.

با «مهرستی» خواننده‌ای که در کوتاه زمانی آهنگهایش بر سرزبانها افتاد گفت و شنودی داشتیم خلاصه و ساده . او کم حرف می‌زند و جواب هر سوال را با حداقل صرف وقت و ادای جملات کوتاه بیان می‌کند . شاید نیروی کلامش را برای آواز نگه‌میدارد . بهر حال آنچه او جواب داد می‌تواند برای شناسایش نشانی باشد .

تلاش - با اینکه مایه های عربی ، ترکی یا هندی و بطور کلی غیر از موسیقی اصیل ایرانی وارد آهنگها بشود موافقت ؟

مهرستی - هیچوجه ... صددرصد مخالفم . من اعتقاد دارم که موسیقی ایرانی و آهنگهای ایرانی باید اصیل و در گوشه های ایرانی باشد .

تلاش - يك سوال بنظرم رسید ، بنظر شما آهنگ «دل میگه دلبر میاد» را شما ؟ یا نادیا رام (خواهر عماد) کدام بهتر اجرا کردند ؟

مهرستی - در اینباره چیزی نمی‌گویم ... تلاش - راستی هر آهنگی که آهنگساز برای شما تهیه کند اجرا می‌کنید ؟

مهرستی - خیر ... تا آهنگ و شعری را نپسندم آنرا نمی‌خوانم و تا بحال آهنگهای زیادی را رد کرده‌ام .

تلاش - صدای چه کسانی را می‌پسندید ؟ ایرانی و خارجی ؟

مهرستی - ایرانی از صدای همه خوشم می‌آید و از خارجی ها صدای تام جونت را دوست دارم .

تلاش - حالا بگوئید آواز کدام يك از خواننده‌های مرد را قبول دارید ؟

مهرستی - بنان خوب و درست می‌خواند ، قوامی قشنگ می‌خواند و من از صدای خوانساری بسیار لذت می‌برم .

تلاش - از سرگرمی ها و تفریحات ساعات بیکاری خود بگوئید ...

مهرستی - راستش سرگرمی و تفریح بخصوصی ندارم ، اوقات بیکاری را بخانه‌داری و بچه‌داری می‌گذارم از سینما و کتاب و مسافرت می‌توانم بعنوان تفریحانی که دوست دارم اسم ببرم ... تلاش - ترجیح می‌دهید هنرمند مردم و بقول امروز «هنرمند مردم کوچه و بازار» باشید یا هنرمندی که کارش روی تکنیک و هنر اصیل و صحیح باشد هرچند که شهرت و محبوبیت زیاد نداشته باشد ؟

مهرستی - شکی نیست که دلم می‌خواهد هنرمند مورد علاقه و محبوب مردم باشم ، البته نه بآن حدی که هر چه بخواهند و پیش بی‌آید برای رضایت مردم انجام بدهم که با کار هنری مغایرت داشته باشد ؟ ..

تلاش - در فیلم های فارسی آواز خوانده‌اید؟ مهرستی - بله ، بجای «نیلوفر» آواز خوانده‌ام ، تلاش - آیا پیشنهاد بازی در فیلم بشما شده است ؟

مهرستی - خیلی زیاد ، ولی فعلا تصمیمی در این باره ندارم . تلاش - تا کی بکار خوانندگی ادامه خواهید داد ؟

مهرستی - تا هر وقت که بشود ... تا هر وقت که صدایم طرفدار داشته باشد ... تلاش - از این گفت و شنود ، خلاصه و وفوری که بهر حال وقت شما را گرفت متشکریم . خود شما چیزی دارید که بگوئید ...

مهرستی - من از شما و تلاش متشکرم که ترتیب این «صحبت» ها را دادید . همه چیز را پرسیدید و دیگر چیزی برای اینکه خودم بگویم باقی نیست . بهر حال از این صحبتی که کردید متشکرم .

تلاش - شما بطور جدی و حرفه‌ای چندسال است به کار خوانندگی و بقول معروف به کار هنری پرداخته‌اید ؟

مهرستی - نزدیک پنجسال است که بطور جدی کار هنری می‌کنم ...

تلاش - و از بچگی ذوق خوانندگی داشتید؟ مهرستی - بله ، از بچگی برای خودم می‌خواندم و آرزو می‌کردم روزی خواننده خوب و مشهوری باشم .

تلاش - آیا فکر می‌کنید آرزویتان برآورده شد ؟ حال بفرمایید باچه هنرمندانی تا بحال کار کرده‌اید ؟

مهرستی - با پرویز یاحقی ، انوشیروان روحانی ، حبیب‌الله بدیمی ، اسداله ملک ...

تلاش - در حال حاضر با کداميك بطور اختصاصی کار می‌کنید ؟

مهرستی - بطور اختصاصی و صد درصد با هیچکس ، هر يك از هنرمندان که پیش بیاید و آهنگی مناسب من داشته باشد ...

تلاش - درباره تحصیلات موسیقی و استادان خودتان بگوئید ؟

مهرستی - من تحصیل موسیقی نکرده‌ام و استاد باین معنی نداشته‌ام . خودم برای خودم می‌خواندم و بعد که وارد کار خوانندگی شدم باترین آهنگها آنها را یاد می‌گیرم و بهرور با گوش به موسیقی وارد شده‌ام .

تلاش - با کدام آهنگ مشهور شدید ؟ مهرستی - «آنکه دلم را برده خدایا» برنامه شماره ۲۰ گلهای ساخته های پرویز یاحقی ...

تلاش - بنظر خودتان کدام آهنگ شما بیشتر از همه شهرت یافته است ؟

مهرستی - همین آهنگ «آنکه دلم را برده» و «دارم سؤالی» و آخری هم «دل میگه دلبر میاد» و راستش را بخواهید بنظر خودم همه خوب بوده‌اند و شهرت یافته‌اند ...

تلاش - در هر ماه حداقل چند آهنگ بایستی برای رادیو اجرا کنید ؟

مهرستی - حداقل يك آهنگ .

تلاش - از مسافرتها خارج ، از خاطرات از برنامه هایی که در خارج اجرا کرده‌اید بگوئید و تعداد آهنگهائی را که اجرا کرده‌اید .

مهرستی - مسافرت زیاد رفته‌ام ولی برای اجرای برنامه دو سال قبل به لندن رفتم و در آنجا برنامه هایی اجرا کردیم . خاطرات خوب و بد برای آدم در همه حال هست و الان چیز بخصوصی بیاد نمی‌آید ... تعداد آهنگهای من هم با عدد هفت خلاصه می‌شود .

تلاش - عدد هفت می‌گویند عدد خوشبختی و سعادت است . درباره موسیقی ایرانی و اینکه بعضی می‌گویند در آدم ایجاد غم می‌کند بر ایمان صحبتی بکنید ، نظر شما در این زمینه چیست ؟

مهرستی - راستش من عاشق غم هستم ، از موسیقی ایرانی هم لذت می‌برم و بیش از هر نوع موسیقی برایم لذت بخش است . من در حالی که به موسیقی ایرانی گوش می‌دهم یا می‌خوانم حقیقتا در رویا فرو می‌روم و اگر اسم اینرا غم بگذارید قبول دارم و دوستش دارم ...

از : هما میرافشار

دل میگه دلبر میاد
انتظارم سرمیاد
پونه از خاک درمیاد
یارم از سفر میاد
میدونه فصل بهاره
دل یارش بیقراره
میدونه طاقت نداره
سرها چشم انتظاره
میدونه بی‌همزبونم
نمیخواد تنها بمونم
میدونه بی‌اشیونم
باوفا و مهربونم
منو تنها نمیذاره میدونم
رودلم پا نمیذاره میدونم

گل میاد بهار میاد
بوی عطر یار میاد
آرزو بیار میاد
بدلم قرار میاد
میدونه فصل جوونی
این دو روز زندگونی
بهتره تنها نمونه
بگذره با مهربونی
میدونه دنیا سراپه
آرزو نقش برآبه
زندگی بی عشق و مستی
میدونه رنج و عذابه
منوتنها نمیذاره میدونم
رودلم پا نمیذاره میدونم

گفت و شنودی با مهرستی

«من عاشق غم هستم ...»

* من تحصیل موسیقی نکرده‌ام و استاد

باین معنی نداشته‌ام

* ... و با اینکه مایه‌هایی غیر از موسیقی اصیل ایرانی وارد آهنگها شود مخالفم



